
۲۱
علم مفاهیم شناسی
در
قرآن
نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و یکم – حرف غ

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و یکم - حرف غ/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴/آ۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱–قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع،

تعریف،هـدف، فایده، پیش انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسـیر از علوم مرتبط با قرآن به شـمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسـیر به دانشـی گفته می شود که انسـان را بـا معانی و مقاصـد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعـد آن آشنا می سازد.

به عبـارت دیگر، دانش تفسـیر از چنـد بخش اساسـی تشـکیل می شود: ۱) مبانی تفسـیر؛ ۲) قواعد تفسـیر؛ ۳) منابع تفسـیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسـیر: آیات قرآن (سـخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم نازل شـده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲–اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصـیف شودمقـدمه تفسـیرخواهد شد و تفسـیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشـهای نوین زبانشناسـی است می باشـد . زبانشناسـی بیشتر نـاظر به کلام انسـانی است که دردورهـای مختلف شامـل کلام هـای مقـدس(کتابهـای آسـمانی) نیز شـده است . زبـان شناسـی شامـل: زبـان شناسـی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختـاری ؛ سبک شناسـی ؛ تجویز و توصـیف ؛ کاربردشناسـی ؛ زبانشناسـی کـاربردی ؛ اکتسـاب زبـان ؛ زبـان شناسـی روان شنـاختی ؛ زبان شناسـی جامعه شـناختی ؛ زبان شناسی شـناختی ؛ جامعه شناسـی زبان ؛ زبان شناسـی محاسـباتی؛ زبان شناسـی توصـیفی ؛ زبان شناسـی تاریخی ؛ زبان شناسـی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات

هرمنوتیک ومتودولوژی می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین

زمینه مراکز قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به

مجله بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن

را درمنظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیرآمده است.

۹-البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و

نقش آن درکـل قرآن فکرودل من را بخودش مشـغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانسـتم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جـدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشـف می شـد ولی همیشـه دوست داشـتم یـک راهی پیـدا کنم که آن را به صـورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کاروانداشـتن ابزار و امکانـات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شـد. و برای همین همیشـه درحیرتم که قلب مقدس اشـرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضـرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسـینه مبارکشـان داشـتند و آن را حمـل می کردننـد. آری ایـن کلمـات و آیـات الهی است که بی نهـایت بارقابـل اسـتناد و اسـتدلال و فیض جـاری است و هنرنمائی می کنـد.کاری که ازعهـده هیـچ مجموعه و دسـتگاه علمی برنمی آیـد. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰-ازخوبیهای علم دردوران جدیـد این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمـایش و عموم گـذاشت . شـما نگاه کنیـد در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن

و صدها نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوة) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست

و یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِی ثَمَناً قَلِيلًا وَإِيَّایَ فَاتَّقُونِ)

و به

آنچه فرو فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندك را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملك ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

-

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات

وبینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه

هدایت بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن رابرآورند و در ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است . و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزید و قرآن کریم را ازشرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم . و شما ای فرزندان برومند اسلام ! حوزه ها ودانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار

مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فروبسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل

نطق ظـاهر که با الفاظ مسـموع انجام می یابـد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن اسـتعدادهای معرفتی او جز به کـار بردن لفـظ امکـان پـذیر نیست. پس زبـان اولاًـ توأم و همراه بـا انـدیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمـدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون اسـتعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایـدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقـط هنگـام رویـارویی بـا دیگران بکـار می رود. امـا آدمی مایـل است افکـار و انـدیشه ها و خواسـته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیسـتند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفـاظ بسـنده نکرده و یـک سلسـله علاـیم دیگر نیز وضع کرده که همـان خـط یـا علاـیم مکتوب یـا الفبـاست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) —

وجود لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف–وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب–وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج–وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د–وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می

کند و حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷–ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم(مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی

و کسانیکه می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

غاصبان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{غاصبان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۲۵

۲۵ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله: <فمن اضطر غیر باغ و لاعاد> قال: الباغی الظالم و العادی الغاصب.

از امام صادق(ع) درباره آیه <فمن اضطر غیر باغ و لاعاد> روایت شده است: مراد از <باغی>، ستمگر و مراد از <عادی>، غاصب است.

امتحان غاصبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۶

۶ - < ارث > عرصه امتحان الهی است و تصاحب کنندگان میراث دیگران ، بازنده این امتحان اند .

إذا ما ابتلیه . .. و تأکلون التراث أکلاً لمّا

حشر غاصبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ مبعوث شدن خورندگان مال یتیمان به ناروا در قیامت در حالی که آتش از دهانشان شعله می کشد .

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی

رسول اللّه (ص): یبعث انـاس من قبورهم یوم القیـامه تأجّج افواههم نـاراً. از آن حضـرت سؤال شـد اینـان چه کسانی هسـتند؟ فرمود: انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۷۶.

محرومیت غاصبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۴

۴ - متجاوزان به حقوق دیگران ، گرچه از نعمت و کرم خداوند برخوردار شوند ،

از عزّت و شرافت مندی در نزد او محروم خواهند بود .

نعّمه فیقول ربّی أکرمن . .. کلاّ ... و تأکلون التراث أکلاً لمّا

ناظر بر غاصبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۹

۹ - خداوند در کمین مردم بی توجّه به یتیمان و مسکینان ، غاصب ارث دیگران و دل بسته به ثروت

إنّ ربّک لبالمرصاد . .. بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضّون ... و تأکلون ... و تحبّ

غافلان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{غافلان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۵

۱۵ ناآگاهان به معارف الهی ، بی خبران واقعی و مردمی غفلت زده اند .

أولئک هم الغفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۷

۷- کافران دنیاگرا ، غافلان واقعی اند .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. الکفرین ... و أُولئک هم الغفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱

۱- مشرکان ، مردمی غافل از مسائل جدی و اصلی زندگی و دل مشغول به امور واهی و بی ارزش

و هم یلعبون . لاهیه قلوبهم

<لهو> به معنـای چیزی است که انسان را از کارهای مهم و سودمنـد باز دارد (مفردات راغب). توصـیف مشـرکان به این که قلبشان به لهو و امور غیر مهم مبتلا شده، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۵

۵ - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت

و کافران بدکردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کرداراست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۰ – ۲

۲ – فریفتگان زندگی دنیوی ، مردمانی غافل و فاقد معرفت درست نسبت به حقیقت آن

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب . .. و تکاثر فی الأمول و الأولد

امر <اعلموا> بیانگر آن است که اگر انسان ها، به ماهیت زندگی دنیایی آگاهی درست داشتند، فریب آن نمی خورند و خود را وقف آن نمی کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۹ – ۳

۳ – منافقان ، غافل از یاد خدا و بیگانه با آن

فأنسهم ذکر اللّه

آرزوی اخروی غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۸ – ۱

۱ – انسان گمراه و غفلت زده ، در روز قیامت گرفتار حسرت و آرزومند عدم همنشینی با عناصر شیطانی گمراه کننده

حتّی إذا جاءنا قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین

آسایش غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۴ – ۹

۹ عذاب ناگهانی غافلان از خداوند و هشدارهای او، در اوج شادمانی و رفاه و آسایش

فلما نسوا ما ذكروا به . .. أخذنهم بغته

اضطراب غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۸ – ۴

۴ انسان های غافل از یاد خدا و ذکر

او ، انسانهایی مضطرب و نگرانند .

ألا بذكر الله تطمئن القلوب

اقرار اخروی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۶

۶ - روی گردانان از یاد خدا ، با حضور در صحنه قیامت ، به ربوبیت خداوند اعتراف خواهند کرد .

قال ربّ

اندوه غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ خدافراموشان، دارای چهره هایی مأیوس و اندوهبار به هنگان نزول عذاب الهی

فلما نسوا به . .. فإذا هم مبلسون

ابلاس به معنی ناامید و متحیر شدن است. (قاموس اللغه). ابلاس به حزن و اندوهی گفته می شود که از شدت سختی بر کسی عارض شود. (مفردات راغب).

انذار غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- انذار غافلان و منکران قیامت و بیم دادن آنان از زمینه های حسرت در آن از وظایف پیامبر (ص) است .

و أنذرهم يوم الحسره . .. و هم فی غفله و هم لایؤمنون

اهمیت انذار غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۹ – ۱۲

۱۲– لزوم انذار و بیدارساختن مردم از غفلت درباره سرنوشت اخروی خویش

و أنذرهم . .. و هم فی غفله

بی ارزشی غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۴ – ۶

۶ – خوشگذرانان غفلت زده و بی خبر از روز جزا ، هم سنگ ددان و وحوش بیابان در بینش الهی

إذا هم یجئرون

چنان که گفته شد

<جوار> به زوزه سگ، روباه و گرگ گفته می شود. تعبیر زوزه برای فریاد استغاثه کافران، بیانگر مطلب فوق است.

بینش غلط غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۴

۲۴- فکر اولویّت ثروت مندان بر تهیدستان در کسب هدایت ، اندیشه ای سخیف و بافته قلب غافلان از یاد خدا است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

پرسش اخروی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۲

۲ - غافلان از یاد خدا ، در قیامت شگفت زده و با پرسشی شِکوه آمیز از خداوند ، جویای علت کوری خود خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

تذکر به غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۱

۱ - انذارگری پیامبران ، در جهت تذکر و بیدار ساختن غافلان

لها منذرون . ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - تسبیح مظاهر هستی به درگاه خداوند ، تذکری به انسان غافل از یاد آفریدگار

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل . .. له الأسماء الحسنی یسبّح له ما فی السموت و ا

ارتباط این آیه با آیات پیشین و هماهنگی سیاق آنها گویای این نکته است که اگر انسان در غفلت از یاد حق به سر می برد، همه هستی حتی جمادات در حال تسبیح حق اند.

تشبیه قلب غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ -

۲ – دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه . .. اعلموا أنّ اللّه یحیِ الأرض بعد موتها

تعجب اخروی غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۵ – ۲،۹

۲ – غافلان از یاد خدا ، در قیامت شگفت زده و با پرسشی شِکوه آمیز از خداوند ، جویای علت کوری خود خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

۹ – غافلان از یاد خدا به هنگام حضور در قیامت ، با هوشمندانه خواندن زندگانی خود در دنیا ، از بسته بودن راه درک و فهم خود شگفت زده خواهند شد . *

قال ربّ لم حشرتنی أعمی و قد کنت بصیرًا

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که <أعمی> به معنای کور باطن باشد.

حشر غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۵ – ۳

۳ – غافلان از یاد خدا ، پس از حشر در قیامت ، از شناخت راه نجات خویش ناتوان خواهند بود . *

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

ممکن است مراد از کوری آگاه نبودن به فضای موجود در قیامت و یافتن راه چاره برای رهایی از گرفتاری های آن باشد. براین اساس، گویندگان <قد کنت بصیراً> خود را کسانی می دانند که در دنیا همه چیز را خوب می فهمیدند و اندیشه ای عمیق داشتند.

رفاه غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۴ – ۹

۹ عذاب ناگهانی غافلان از خداوند

و هشدارهای او، در اوج شادمانی و رفاه و آسایش

فلما نسوا ما ذکروا به . .. أخذنهم بغته

زمینه هدایت غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۶ – ۱

۱ – بلا ها و گرفتاری های دنیوی ، بر اساس مشیت خدا و در جهت تنبه و هدایت غافلان و منحرفان

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استکانوا لربّهم

<أخذ> (مصدر <أخذنا>) به معنای گرفتن (گرفتار ساختن)است. <إستکانه> (مصدر <استکانوا>) به معنای فروتنی و <تضرع> (مصدر <یتضرعون>) به معنای نالیدن و زاری کردن است.

زیانکاری اخروی غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۹ – ۱

۱– کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الأخر

سرزنش اخروی غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۲ – ۲

۲ مردمان غافل از آخرت ، مورد توبیخ الهی در صحنه قیامت

لقد کنت فی غفله من هذا

سرور غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۴ – ۷،۹

۷ خدافراموشان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدراج

فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء حتی إذا فرحوا بما أوتوا

۹ عذاب ناگهانی غافلان از خداوند و هشدارهای او، در اوج شادمانی و رفاه و آسایش

فلما نسوا ما ذکروا به . .. أخذنهم بغته

صفات غافلان

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۸ – ۴

۴ انسان های غافل از یاد خدا و ذکر او ، انسانهایی مضطرب و نگرانند .

ألا بذکر الله تطمئن القلوب

عبرت ناپذیری غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۷ – ۷

۷ – نشانه های عبرت آموز الهی بر پهنه زمین ، بی تأثیر در مردمان غافل و سرمست *

ءایه للذین یخافون العذاب الألیم

اختصاص یافتن <آیه> به <للذین یخافون. ..>، بیانگر این حقیقت است که اگر مایه های ابتدایی معرفت، در درون فرد وجود نداشته باشد و او در غفلت و سرخوشی فرو رفته باشد، از آیات الهی ره به مقصد و مقصود نخواهد برد.

عجز غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۵ – ۳

۳ – غافلان از یاد خدا ، پس از حشر در قیامت ، از شناخت راه نجات خویش ناتوان خواهند بود . *

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

ممکن است مراد از کوری آگاه نبودن به فضای موجود در قیامت و یافتن راه چاره برای رهایی از گرفتاری های آن باشد. براین اساس، گویندگان <قد کنت بصیراً> خود را کسانی می دانند که در دنیا همه چیز را خوب می فهمیدند و اندیشه ای عمیق داشتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۳ – ۲

۲ – دل های گرفتار غفلت ، ناتوان از درک و پذیرش پیام پیام آوران الهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

عذاب غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ –

انعام - ۶ - ۴۴ - ۹،۱۱،۱۲

۹ عذاب ناگهانی غافلان از خداوند و هشدارهای او، در اوج شادمانی و رفاه و آسایش

فلما نسوا ما ذكروا به . .. أخذنهم بغته

۱۱ خدافراموشان، دارای چهره هایی مأیوس و اندوهبار به هنگان نزول عذاب الهی

فلما نسوا به . .. فإذا هم مبلسون

ابلاس به معنی ناامید و متحیر شدن است. (قاموس اللغه). ابلاس به حزن و اندوهی گفته می شود که از شدت سختی بر کسی عارض شود. (مفردات راغب).

۱۲ برخی از امتهای گذشته پس از فراموش کردن خدا و هشدارهای او گرفتار عذاب ناگهانی خداوند شدند.

و لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك . .. فلما نسوا ... أخذنهم بغته فإذا هم مبلسون

عوامل تنبه غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۱۰

۱۰- کیفر های دنیوی ، بیدارباشی برای غافلان است .

و أُحيط بثمره . .. يقول يليتنى لم أُشرك بربّى أحدًا

غافلان از آیات انفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

۲ - کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجّه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلّا

<کلّا> می تواند برای ردع و باز داشتن از توهّمی باشد که آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجّه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. <کلّا>

دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها،

بر کفر خود اصرار ورزیدند.

غافلان از آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷ – ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین . .. و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۳ – ۲

۲ – کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجّه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلّا

<کلّا> می تواند برای ردع و باز داشتن از توهّمی باشد که آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجّه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. <کلّا> دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

غافلان از پاداشهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۵ – ۱۱

۱۱– روی گردانان از تکالیف و تعهدات الهی ، مردمی ناآگاه و بی توجه به پاداش های برتر خداوندی اند .

و لاتشتروا بعهد الله . .. إنما عند الله هو خیر لکم إن کنتم تعلمون

غافلان از حسابرسی اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱ – ۳

۳- مشرکان صدراسلام ، از مسأله حسابرسی قیامت ، به طور کلی غافل

مانده و از تأمل و اندیشه در نشانه ها و دلایل روشن آن ، روی گردان بودند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این سوره، مکی است و مخاطب و مصداق اوّلی <الناس>، مردم مشرک اند.

غافلان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۱،۳

۱ مردم مدین در عصر شعیب (ع) ، خداوند را کاملاً به فراموشی سپرده و از شکوه و عزت او غافل بودند .

أرهطی أعزّ علیکم من الله واتخذتموه ورآءکم ظهریًّا

<ظهریّ> به چیزی گفته می شود که آدمی آن را به پشت سر می اندازد و کنایه از چیز فراموش شده ای است که اعتنایی به آن نمی شود و از آن جایی که جمله <اتخذتموه ورآءکم>، (خداوند را پشت سر انداختید) نیز کنایه از <خدا را فراموش کردید> می باشد، کلمه <ظهریّاً> حال مؤکده خواهد بود.

۳ شعیب (ع) مردم مدین را به خاطر غفلت از خدا و رعایت نکردن جانب او ، توبیخ و سرزنش کرد .

أرهطی أعزّ علیکم من الله واتخذتموه ورآءکم ظهریًّا

استفهام در جمله <أرهطی . ..> انکار توبیخی است.

غافلان از قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

۲ - کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجّه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلاّ

<کلاّ> می تواند برای ردع و باز داشتن از توهّمی باشد که آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این

که با وجود زمینه های توجّه به خداونـد در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسـی در کفر بمانـد. <کلّا> دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

غافلان از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۰

۱۰- غفلت از رستاخیز و تصوّر عدم برپایی قیامت ، آفت فراگیر مشرکان است .

بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۱

۱۱ - سرپیچی کنندگان از پیام وحی و روی گردانان از یاد قیامت ، ظالم و ستمگرند .

و کذلک أوحینا . .. و تنذر یوم الجمع ... و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۶ - ۴

۴ - ستم پیشگان و دین ستیزان ، غفلت زدگان از یاد قیامت اند .

فویل للذین ظلموا . .. هل ینظرون إلّا الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

۲ - کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجّه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلّا

<کلّا> می توانـد برای ردع و باز داشـتن از توهّمی باشـد که آیات پیشـین، زمینه ساز پیـدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجّه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست

کسی در کفر بماند. <کلّا> دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

غافلان از مرگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۳ – ۲

۲ – کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجّه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلّا

<کلّا> می تواند برای ردع و باز داشتن از توهّمی باشد که آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجّه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. <کلّا> دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

فرجام غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۰ – ۲

۲ – دوزخ ، فرجام نهایی فاسقان و غافلان از یاد خدا و خویش

و لاتکونوا کالذین نسوا اللّه . .. أُولئک هم الفسقون. لایستوی أصحب النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۹ – ۸

۸ – دلبستگان به مال و اولاد ، غافل از یاد خدا و دارای فرجامی خسارت بار

و من یفعل ذلک فأُولئک هم الخسرون

فسق غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۹ – ۷

۷ – غافلان از خدا و خویش ، همان فاسقان واقعی و پرده دران حریم ارزش هایند .

و لاتکونوا کالذین نسوا اللّه

فأنسیهم أنفسهم أَولئک هم الفسقون

کوری اخروی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۵

۵ - روی گردانان از هدایت الهی و یاد او ، در صحنه قیامت ، نابینا محشور خواهند شد .

و من أعرض عن ذکری . .. و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱،۲

۱ - روی گردانان از هدایت و یاد خدا ، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

۲ - غافلان از یاد خدا ، در قیامت شگفت زده و با پرسشی شِکوه آمیز از خداوند ، جویای علت کوری خود خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

کوری اخروی غافلان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ - زندگانی دشوار ، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت ، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإنّ له معیشه ضنکًا و نحشره یوم القیمه أعمی

تفاوت در تعبیر <فإنّ له. ..> و <نحشره ...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفسِ عمل متفرع گردیده ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

کوری غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۵ – ۱۴

۱۴ – ژرف اندیشی های همراه با غفلت از یاد خدا ، در حقیقت کوری وبی بصیرتی است .

لم حشرتنی أعمی و قد کنت بصیرًا

کوری در قیامت، نمای واقعیت شخص

در دنیا است; یعنی، هر چند او خود را دارای بصیرت می داند، اما در حقیقت فاقد بصیرت است.

گلایه اخروی غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۵ – ۲

۲ – غافلان از یاد خدا ، در قیامت شگفت زده و با پرسشی شِکوه آمیز از خداوند ، جویای علت کوری خود خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

گمراهی غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۳ – ۱۰

۱۰ – خدافراموشان ، گرفتار بیراهه ها و راه های پرپیچ و خم در زندگی معنوی و اعتقادی خویش

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. إنّک علی صرط مستقیم

آیات پیشین، در ارتباط با اعراض کنندگان از یاد خدا بود و جمله <إنّک علی صراط مستقیم> تعریضی است به آنان که شما از راه مستقیم به دورید.

محرومیت غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۳ – ۱۹

۱۹ – سنگدلان غافل از خدا ، محروم از هدایت اند .

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه . .. و من یضلل اللّه فما له من هاد

مقصود از <من یضلل اللّه. ..> همان سنگدلان از خدا غافل هستند که در آیه قبل، از آن سخن به میان آمد (فویل للقاسیه قلوبهم من ذکر اللّه...).

منشأ حشر غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۹

۹ - برپایی قیامت و احضار غافلان از یاد خدا در آن ، به دست خداوند و اراده او است .

و

نحشره یوم القیمه أعمی

نگرانی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۸ - ۴

۴ انسان های غافل از یاد خدا و ذکر او ، انسانهایی مضطرب و نگرانند .

ألا بذکر الله تطمئن القلوب

نماز غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۷

۷ - نماز ریاکارانه ، نماز غافلان است .

الذین هم عن صلاتهم ساهون . الذین هم یراءون

ویژگیهای غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۵

۵ - بیدار شدن انسان های غافل ، پس از گرفتار شدن به سرنوشت شوم رفتار خویش

فستذکرون ما أقول لکم

هشدار به غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۶ - ۱

۱ - هشدار الهی به ستم پیشگان غافل ، از وقوع ناگهانی قیامت

هل ینظرون إلّا الساعه أن تأتیهم بغته و هم لایشعرون

یأس غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ خدافراموشان، دارای چهره هایی مأیوس و اندوهبار به هنگان نزول عذاب الهی

فلما نسوا به . .. فإذا هم مبلسون

ابلاس به معنی ناامید و متحیر شدن است. (قاموس اللغه). ابلاس به حزن و اندوهی گفته می شود که از شدت سختی بر کسی عارض شود. (مفردات راغب).

غبطه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غبطه

غبطه ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۶

۶- چشم دوختن و غبطه خوردن به مال و منال دنیا ، امری نکوهیده

و ناپسند

لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۵

۵ - چشم دوختن و غبطه خوردن بر مال و منال دنیاداران ، امری نکوهیده ونارو است .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

غذا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غذا

امتناع مهمان از غذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۳

۳ - امتناع میهمان از خوردن غذای صاحب خانه ، امری منفی و نگران کننده در فرهنگ مردم عصر ابراهیم (ع) *

قال ألا تأکلون . فأوجس منهم خیفه

نگران شدن ابراهیم(ع)، نشانگر این است که از نظر مردم عصر آن حضرت، نخوردن غذا به منزله تهدید به حساب می آمده است.

اهمیت غذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۴

۴- غذا و پوشاک ، نیازی مقدم بر زیبایی خواص و جمال طلبی است . *

لکم فیها دفءٌ و منفع و منها تأکلون . و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

با توجه به اینکه حیوانات هم باعث جمال و هم تأمین کننـده غـذا و پوشاکنـد، تقـدّم ذکری لباس و غذا در مقام امتنان، ممکن است اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

صرف غذا در خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۶،۱۰،۱۵،۱۶،۲۴

۶ - مؤمنان ، در صورتی که وارد خانه پیامبر (ص) شدند ، نباید منتظر صرف غذا در آنجا باشند .

يأيّها الذين ءامنوا لاتدخلوا بيوت النبىّ إلاّ

أن يؤذن لكم إلى طعام غير نظرين إ

<إنـاء> در لغت به معناى <وقت و ساعت> است (مفردات راغب). مراد از <غير ناظرين إناه> منتظر بودن براى فرارسيدن وقت غذا است.

۱۰ - مؤمنان ، موظف بودند پس از صرف غذا در ميهمانى پيامبر (ص) ، از خانه آن حضرت پراكنده شوند .

فإذا طعمتم فانتشروا

۱۵ - ميهمانـان پيـامبر (ص) پس از صـرف غـذا ، نبايـد به انتظار گفت وگو با اهل خانه آن حضـرت ، مجلس را طولانى مى كردند .

فانتشروا و لامستئنسين لحديث

برداشت بالاـ بنـابراين احتمـال است كه سـرگرم شـدن به گفت وگو، مربوط به اهل خانه باشـد و نه گفت وگو با هم. لازم به ذكر است كه فراز <و إذا سألتموهنّ...> مؤيد اين برداشت است.

۱۶ - وارد شـدن بدون اجازه به خانه پيامبر (ص) و به انتظار غذا نشسـتن بدون دعوت قبلى ، موجب اذيت آن حضـرت بود و بايد از آن پرهيز مى شد .

لاتدخلوا بيوت النبىّ إلاّ أن يؤذن لكم إلى طعام غير نظرين إنيه و لكن إذا دعيتم ف

برداشت بالا بنابراين احتمال است كه مشاراليه <ذلكم> نهى <لاتدخلوا> و <غير ناظرين> باشد.

۲۴ - فرمان به خروج از خانه پيامبر (ص) پس از صرف غذا ، سخن و فرمان حق است .

فإذا طعمتم فانتشروا و لامستئنسين لحديث إنّ ذلكم كان يؤذى النبىّ فيستحيى منكم و ا

غذا در معبد قوم ابراهيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۱ - ۳

۳ - وجود غذا در بتكده ، به هنگام رفتن مردم از شهر و آمدن ابراهيم (

ع) به آن بتکده

فراغ إلی ءالهتهم فقال ألا تأکلون

پرسش استهزاآمیز ابراهیم(ع) از بت ها برای غذا خوردن، می رساند که در محل معبودهای مشرکان، غذا وجود داشت. گفتنی است که در تاریخ آمده است: مشرکان غذاهایی را برای متبرک شدن نزد بت ها می گذاشتند که این موضوع، می تواند مؤید برداشت بالا باشد.

کمبود غذا در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۶

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

ملائکه و غذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۰ - ۶

۶ فرشتگان ، از غذا های مادی تناول نمی کنند .

فلما رءآ أیدیهم لاتصل إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۶

۶ - ملائکه ، بی نیاز از خوردن غذا ، حتی در صورت تجسم به شکل بشر

قال ألا تأکلون . .. قالوا لاتخف

از آیه شریفه استفاده می شود که ملائکه سرانجام از غذای ابراهیم(ع) نخوردند، هر چند شکل بشری یافته بودند.

نعمت غذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۶

۱۶ - برخورداری از غذا و امنیت ، نعمتی است که سپاس آن ، تنها عبادت خداوند است .

فلیعبدوا ربّ هذا البیت . الذی أطعمهم من جوع و ءامنهم من خوف

نیاز به غذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷

- زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۵

۵ - انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد و از آن لذت می برد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

غرایز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غرایز

اعتدال در غرایز جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۵

۱۵ کنترل تمایلات جنسی ، مورد ستایش خداوند

سیّداً و حصوراً

امام باقر (ع): <وسیدّاً و حصوراً> الحصور الّذی یأبی النساء.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۲.

تعدیل غرایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۱۰

۱۰- کنترل طبایع و غرایز انسانی ، امری ممکن است .

خلق الإنسن من عجل . .. فلاتستعجلون

از این که خداوند از شتاب نهی نموده است، استفاده می شود که قدرت بر کنترل شتابزدگی، در انسان موجود است.

عوامل تعدیل غرایز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۲ – ۴

۴ – نماز و یاد خدا ، تعدیل کننده غرایز و مانع خُلق و خوی ناپسند است .

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلّا المصلّین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۴ – ۴

۴ – انفاق و اختصاص دادن مقدار معیّنی از اموال خویش به نیازمندان جامعه ، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در اخلاق بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلّا المصلّین ... و الذین فی أمولهم حقّ معلوم

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۶ – ۲

۲ – اعتقاد به روز جزا ، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خُلق و خوی بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلّا المصلّین ... و الذین یصدّقون بیوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۷ – ۲

۲ – هراس و نگرانی از عذاب الهی ، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلّا المصلّین ... و الذین هم من عذاب ربّهم مشفقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۹ – ۲

۲ – تأثیر پاکدامنی و دوری از آلودگی های جنسی ، در تعدیل غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (بخل ، آزمندی ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلّا ... و الذین هم لفروجهم حفظون

غرایز آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۱ – ۱۳

۱۳ – آدم و حوا (ع) ، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت حتی از همسر خویش ملتزم بودند .

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنّه

غرایز انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۴ – ۴

۴ استفاده از غریزه سودخواهی و پاداش طلبی انسان ها برای

نیل آنان به سعادت ، از روش های تربیتی قرآن

من کان یرید ثواب الدنیا فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۶۸

۶ بهره گیری قرآن از حس منفعت خواهی انسان و گریز از ضرر برای تبلیغ توحید و معارف الهی

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

۸ استفاده مثبت و سازنده از غریزه جلب منفعت، روشی در تبلیغ دین

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

غرایز حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۳

۱۳ - آدم و حوا (ع) ، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت حتی از همسر خویش ملتزم بودند .

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنّه

غرایز حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ آگاهی غریزی کلاغ بر شیوه پنهان سازی اشیا

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

نقش غرایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۷

۷- بهره گیری از انگیزه ها و تمایلات فطری و غریزی انسان ، از روش های هدایتی تربیتی قرآن

فیه ذکرکم

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته زیر است: ۱ <ذکر> به معنای <ثنا> و <صیت> (آوازه) باشد. ۲ اشتیاق به جاودانگی نام و بلندآوازه و آوازه گی، امری غریزی و طبیعی برای همه انسان ها است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۲ – ۶

۶ – بهره گیری قرآن از تمایلات طبیعی و غریزی انسان به آب ، بوستان و خانه های دلپذیر ، در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی است .

تؤمنون باللّه و رسوله . .. و یدخلکم جنّت... و مسکن طیّبه

از این که خداوند، گرایش های طبیعی انسان ها را وسیله هدایت آنان و سوق دادن آنها به کسب ارزش ها قرار داده است، برداشت بالا استفاده می شود.

غرایز جنسی

اعتدال در غرایز جنسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۳۹ – ۱۵

۱۵ کنترل تمایلات جنسی ، مورد ستایش خداوند

سیّداً و حصوراً

امام باقر (ع): <وسیّداً و حصوراً> الحصور الّذی یأبی النساء.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۲.

غریزه جنسی

{غریزه جنسی}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۴ – ۸

۸ نقش عمده تمایلات جنسی ، در فریفته شدن مردمان

زیّن للنّاس حبّ الشّهوات من النّساء

از تقدیم <النساء> بر سایر امور ذکر شده در آیه، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۳۱

۳۱ خویشتن داری در غریزه جنسی ، بهتر از ازدواج با کنیزان

فمن ما ملکت ایمانکم . .. ذلک لمن خشی الْعنت منکم

در برداشت فوق متعلق صبر، <عنت> به معنای مشقت گرفته شده است و مفضّل علیه کلمه <خیر>، ازدواج با کنیز فرض شده است. یعنی <ان

تصبروا علی العنت خیر لکم من نکاحهن>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۸ – ۸،۹

۸ انسان ، موجودی ضعیف در برابر غریزه جنسی

خلق الانسان ضعیفاً

به قرینه آیات گذشته، مراد از <ضعیفاً> می تواند کم طاقتی انسان در برابر غریزه جنسی باشد.

۹ ضعف و ناتوانی انسان در برابر غریزه جنسی ، ریشه تسهیل قوانین و مقررات ازدواج و روابط جنسی

یرید اللّه ان یخفّف عنکم و خلق الانسان ضعیفاً

ارضای غریزه جنسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۱ – ۸

۸– اعتیاد به ارضای غیر طبیعی و نامشروع غرایز و تمایلات جنسی ، جلوگیر تمایل و رغبت انسان به ارضای طبیعی و مشروع آنها

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

جمله <إن کنتم فاعلین> طبق گفته مفسران برای تردید به کار رفته است و تقدیر آن چنین است: <فإن فعلتم ما اقول لکم و ما أظنکم تفعلون>. بنابراین عدم تمایل آنان به ارضای غریزه جنسی خود از راه طبیعی (ازدواج با زنان) ممکن است به خاطر عادت آنان به ارضای شهوت جنسی خود از راه غیر طبیعی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۲ – ۴

۴– زنا ، عملی بس زشت و پلید و راهی بس ناشایست در ارضای غریزه جنسی

إنه کان فحشه و ساء سبیلاً

<فاحشه> به سخن و رفتاری می گویند که زشتی آن بسیار است (مفردات راغب).

ارضای نامشروع غریزه جنسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۱ –

۱ - ارضای غرایز جنسی ، جز از طریق همسر یا کنیز مملوک ، تجاوز به حدود الهی و به دور از حق و اعتدال است .

فمن ابتغی وراء ذلک فأُولئک هم العادون

<عدوان> (مصدر <عادون>)، به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

۵ - < سُئِلَ الصادق (ع) عن الخَضْخَضَه فقال : إثمٌ عظیمٌ قد نهی اللّه عنه فی کتابه . . . فقال السائل : بیّن لی یابن رسول اللّه (ع) من کتاب اللّه نهیه فقال : قول اللّه < فمن ابتغی وراء ذلک فأُولئک هم العادون > و هو ممّا وراء ذلک . . . ;

از امام صادق(ع) درباره خضخضه (عمل استمنا) سؤال شد، فرمود: گناه بزرگی است که خداوند در قرآن از آن نهی فرموده است . .. سؤال کننده پرسید: ای فرزند رسول خدا! نهی آن را از قرآن برای من بیان کن، فرمود: سخن خداوند <فمن ابتغی وراء ذلک فأُولئک هم العادون> و آن [عمل استمناء] از مصادیق <وراء ذلک> است...>.

تعدیل غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۸

۸ - غریزه جنسی ، غریزه ای نیرومند و کنترل آن برای عموم مردم امری دشوار است .

علم اللّه أنکم کنتم تختانون أنفسکم فتاب علیکم

خطر غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۹

۹ غریزه جنسی ، لغزشگاهی خطرناک برای آدمی است .

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

روش ارضای غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ – هود

- ۱۱ - ۷۸ - ۸،۱۵

۸ ازدواج با جنس مخالف ، تنها روش صحیح و مبرا از پلیدی برای اطفای شهوت جنسی

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

کلمه <أطهر> افعل تفضیل است و در آن معنای مفاضله و برتری لحاظ نشده است; بلکه به معنای طاهر (پاک) می باشد. این گونه استعمال (به کارگیری افعل تفضیل به جای اسم فاعل و مانند آن) برای تأکید و مبالغه است.

۱۵ اطفای شهوت جنسی از غیر طریق ازدواج و انتخاب همسر ، خلاف تقوا و خداترسی است .

فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۴

۴- ازدواج زن و مرد ، راه مقبول در شریعت حضرت لوط (ع) و وسیله طبیعی و شایسته برای ارضای غریزه جنسی

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶ - ۳

۳ - ارضای غرایز جنسی به گونه ای مشروع (اختیار همسر یا تملک کنیز) ، امری مقبول و مورد پذیرش اسلام

إلّا علی أزوجهم . .. فإنّهم غیر ملومین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷ - ۱

۱ - ارضای غرایز جنسی جز از طریق همسر یا کنیز مملوک ، قانون شکنی و تجاوز به حدود الهی است .

إلّا علی أزوجهم أو . .. فمن ابتغی ... فأُولئک هم العادون

<إبتغاء> (مصدر <ابتغی>) به معنای طلب کردن است. <وراء> معادل <سوی> است; یعنی، به غیر از و یا فراتر از. <ذلک> اشاره است به حدی که خداوند برای ارضای غریزه جنسی تعیین

کرده است (آمیزش با همسر یا کنیز مورد تملک). <عدوان> (مصدر <العادون>) به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۶ - ۲،۳

۲ - همسری مردان با زنان ، راهی طبیعی و خداپسند برای ارضای غریزه جنسی

و تذرون ما خلق لکم ربّکم من أزوجکم

۳ - نکاح و ارضای غریزه جنسی از طریق طبیعی و خداپسند ، در جهت منافع و مصالح انسان ها است .

و تذرون ما خلق لکم ربّکم

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (برای شما) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۵ - ۳

۳ - ارضای غریزه جنسی از راه ازدواج با جنس مخالف (زن) ، تنها روش طبیعی و خداپسند

أئنّکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

قید <من دون النساء> می رساند که راه طبیعی این است که مرد از طریق ازدواج با زن، ارضای غریزه کند و نه از طریق دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۰ - ۳

۳ - ارضای غرایز جنسی ، به گونه ای مشروع (اختیار همسر یا تملک کنیز) ، امری مقبول و مورد پذیرش اسلام

إلّا علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

روش ارضای غریزه جنسی در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۰ - ۴

۴ - ارضای غرایز جنسی ، حتی از راه آمیزش با همسر و یا کنیز خود ، مورد ملامت در بینش برخی از

مردم عصر بعثت

فإنّهم غير ملومين

تعبیر <غیرملومین> (نکوهیده نیستند)، می تواند تعریضی باشد به اندیشه رهبانان که هرگونه ارضای غرایز جنسی را، منافی با مقامات معنوی می پنداشتند.

زمینه ارضای غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۶

۶- مبارزه با انحرافات جنسی و راه های نامشروع ارضای غرایز ، باید توأم با ارائه راه حل عملی و مشروع و فراهم آوردن زمینه های ارضای طبیعی غرایز باشد .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

زمینه تقویت غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- تأثیر قطع ارتباط با مردم و تمرکز فکری در تقویت قوای جنسی *

ألّا تکلّم الناس ثلث لیال سویًّا

نشانه ای که برای زکریا قرار داده شد، بدون مناسبت و ارتباط با عوامل منتهی به انعقاد نطفه یحیی نیست، چرا که زکریا فرتوت گشته و برای انجام چنین کاری آمادگی لازم را ندارد. ترک سخن سه روزه او علاوه بر نشانه بودن ممکن است موجب تمرکز فکری و آمادگی جسمی او برای انعقاد نطفه نیز بوده است.

سرزنش ارضای غریزه جنسی در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶ - ۴

۴ – ارضای غرایز جنسی حتی از راه آمیزش با همسر و یا کنیز خود ، مورد ملامت در بینش برخی از مردم عصر بعثت

فإنّهم غیر ملومین

تعبیر <غیر ملومین> (نکوهیده نیستند)، می تواند تعریض به اندیشه رهبانانی باشد که هرگونه ارضای غرایز جنسی را، منافی با مقامات معنوی می پنداشتند.

غریزه جنسی یوسف(ع)

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۳ – ۸

۸ یوسف (ع) ، برخوردار از تمایل جنسی و توانا بر کام یابی از زنان

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

قدرت غریزه جنسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۷ – ۸

۸ – غریزه جنسی ، غریزه ای نیرومند و کنترل آن برای عموم مردم امری دشوار است .

علم اللّه أنکم کنتم تختانون أنفسکم فتاب علیکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۳ – ۱۳

۱۳ رهایی از دام تمایلات جنسی و مکر زنان ، بدون امداد الهی حتی برای پیامبران و بندگان خالص خدا نیز میسور نیست .

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۰ – ۶

۶ – غریزه و جاذبه های جنسی ، از نیرومندترین غریزه ها و جاذبه ها است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا . .. غیر متبرّجت بزینه

پیشگیری از طغیان غریزه جنسی و روابط ناسالم جنسی فلسفه مهم حجاب و پوشش زنان است. بنابراین ممنوعیت زنان سالخورده از خودآرایی در برابر نامحرمان، می رساند که غریزه جنسی و جاذبه های آن، آنقدر نیرومند است که ممکن است خودآرایی سالخوردگان نیز غریزه جنسی انسان را تحریک کرده و به طغیان وادارد.

غزوه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غزوه

آثار پیروزی در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۴

۱۴ تحکیم بیشتر پایه های حاکمیت دین در

جزیره العرب ، در پرتو جهاد و پیروزی مؤمنان در جنگ تبوک

یعتذرون إلیکم إذا رجعتم إلیهم

با توجه به اینکه این آیات در زمینه جنگ تبوک است که به پیروزی مسلمانان انجامید و از اینکه خداوند می فرماید پس از بازگشت از این جنگ پیروز، متخلفان به عذرخواهی روی خواهند آورد می توان گفت که این نبود مگر به خاطر ذلت و ضعفی که در خود احساس می کردند و قدرتی که در مؤمنان می دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۲

۲ قرار گرفتن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در موضع ضعف و ذلت ، پس از بازگشت پیروزمندانه مؤمنان از جهاد

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم

آثار پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۹

۹ - فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و <کفّ. ..> مترتب بر آن می باشد; به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۸

۱۸- فتح خیبر ، پیش درآمدی بر حضور بی دغدغه مسلمانان در < عمره القضا > *

فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

برداشت بالا بدان احتمال است که <فتحاً قریباً> نظر به فتح خیبر داشته باشد; زیرا این فتح، موقعیت مسلمانان را

در منطقه تثبیت کرد و در دل مشرکان رعب آفرید; تا پیمان حدیبیه را نشکنند و محیط مکه را برای مسلمانان خالی گذارند که اینان بدونه دغدغه، مراسم عمره به جای آورند.

آثار تخلف از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۳

۳ تنگ شدن عرصه زندگی بر سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک ، در اثر رو به رو شدن با پیامد های عمل خطایی که کرده بودند .

حتی اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

آثار سختی بر متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۹

۹ تنگ شدن عرصه زندگی بر متخلفان جنگ تبوک ، زمینه التجای آنان به خداوند

حتی اذا ضاقت علیهم الأرض . .. و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

آثار سختی غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۲

۲ دورنمای مشقت آمیز و به دور از منافع مادی جنگ تبوک ، در نظر برخی از مسلمانان صدر اسلام ، عامل امتناع آنان از حضور در جنگ

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۷

۷ تنگنا های جنگ تبوک ، مایه تزلزل قلب برخی از مسلمانان شده بود .

فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

آثار غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷ – ۱۲

۱۲ تأثیر عمیق جنگ بدر در تحکیم پایه های توحید و آیین اسلام و شکست شرک و کفر

و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۱ – ۱۵

۱۵ جنگ بدر ، میدان رویارویی جبهه ایمان و کفر ، صحنه تمایز حق و باطل و ثبوت حقانیت پیامبر (ص)

یوم الفرقان یوم التقی الجمعان

ال در <الفرقان> برای عهد است و اشاره به جنگ بدر دارد. و فرقان یعنی چیزی که به وسیله آن بین دو یا چند چیز تمایز داده می شود. خداوند از آن رو جنگ بدر را فرقان نامید که در آن نبرد، علی رغم وجود شرایط پیروزی برای مشرکان، مسلمانان پیروز شدند و این نشانه ای بود برای حقانیت پیامبر(ص) و دین اسلام.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۷

۷ جامعه ایمانی در صدر اسلام پس از پیکار بدر برخوردار از ابهت و قوّتی چشمگیر ، حتی در نظر دشمنان

و تذهب ریحکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۶ – ۵

۵– جنگ بدر ، میدان انتقام الهی از مشرکان و ضربه ای سخت و شکننده بر جبهه شرک *

یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

طبق نظر مفسران، ممکن است این آیه نظر به جنگ بدر داشته باشد. این در صورتی است که عذاب ذکر شده در آیات پیشین را عذاب دنیوی بدانیم.

آثار غزوه بنی نضیر

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۲،۳،۶

۲ - کافران (یهود) ، پس از غزوه بنی نضیر ، ناتوان از مقابله رویارو در میدان نبرد با مؤمنان *

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه

این آیات، پس از آیات غزوه بنی نضیر، آمده است; ازاین رو می تواند ناظر به برنامه های آینده یهود باشد هر چند آنان در گذشته نیز قدرت رویارویی مستقیم نداشته اند. روشن است که در این احتمال، ضمیر فاعل <یقاتلون> تنها به یهودیان بازگردد; نه آنان و منافقان (چنان که در برداشت قبل آمده است).

۳ - وجود زمینه های نگرانی برای مسلمانان از همدستی جامعه یهود علیه آنان (پس از غزوه بنی نضیر)

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه

از این که خداوند، همدستی کافران در نبرد و رویارویی با مؤمنان را نفی کرده است; چنین احتمال می رود که نگرانی هایی در میان مسلمانان وجود داشته است.

۶ - ابّهت و هیمنه مسلمانان (پس از غزوه بنی نضیر) ، مانع از اقدام جبهه کفر و نفاق به نبردی رویاروی با آنان

لأنتم أشدّ رهبه فی صدورهم . .. لایقتلونکم جمیعًا إلاّفی قرًی محصّنه

آثار غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۶

۶ جنگ تبوک ، از عوامل متمایز شدن صف مجاهدان و مؤمنان راستین از صف منافقان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف . .. لکن الرسول ... جهدوا

<جاهدوا> (به صورت فعل ماضی) به عنوان گزارش از جنگی است که مسلمانان پشت سر گذاشته اند که مفسران آن را جنگ تبوک

دانسته اند و خداوند، پس از این جنگ است که چهره منافقان را افشا می کند.

آرامش مؤمنان در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۴،۹

۴ نزول آرامش روحی از سوی خداوند بر مؤمنان در جنگ حنین و محرومیت منافقان از آن

ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

با توجه به اینکه در فراز قبل، مؤمنان به وسیله ضمیر <کم> مخاطب قرار گرفتند و در این آیه به جای آن ضمیر، کلمه <مؤمنین> آمده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

۹ جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

آسایش طلبی متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱

۱ افشاگری خداوند نسبت به روحیه مادی و آسایش طلب متخلفان از جنگ تبوک

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک

آمرزش متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۲

۲ شمول رحمت و غفران الهی ، نسبت به سه نفر از مسلمانان متخلف از جنگ تبوک

لقد تاب اللّه علی النبی . .. و علی الثلثه الذین خلّفوا

آمرزش مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۱۰

خداوند ، مجاهدان بدر را که به خاطر اقدام نابهنگامشان در گرفتن اسیر مرتکب گناه شدند ، مورد عفو و مغفرت خویش قرار داد .

ما کان لنبی أن یکون له أسری . .. إن اللّه غفور رحیم

اتحاد مسلمانان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ رؤیای پیامبر (ص) (اندک دیدن نفرات سپاه کفر) عامل وحدت کلمه مسلمانان در ضرورت پیکار با سپاه کفر و حضور رشیدانه آنان در جنگ بدر

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم و لتنزعتم

احزاب صدراسلام در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴

۱ - مسلمانان مدینه ، از ناحیه بالا و پایین مدینه ، در محاصره دشمن (احزاب متّحد) قرار گرفتند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

۲ - احزاب متّحد ، در جنگ علیه مسلمانان ، جمعیتی فراوان داشتند .

إذ جاءتکم جنود . .. إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

<جنود> جمع <جند> است و دلالت بر چندین سپاه می کند. آمدن نیروها از بالا دست مدینه و پایین دست آن نیز مؤید این نکته است; زیرا آنان دارای جمعیتی چشمگیر بوده اند که توانسته اند نیروهایشان را در اطراف مدینه مستقر کنند.

۳ - ائتلاف احزاب مختلف و لشگرکشی آنان علیه مسلمانان مدینه و شکست شان ، شایسته یادآوری است .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

<إذ جاءوکم> عطف بر <إذ جاتکم> در آیه پیش و متعلق فعل

<اُذكروا> در همان آيه است.

۴ - يهود بنى نضير و بنى قريظه و غطفان ، با مشركان مكه ، عليه مسلمانان ، ائتلاف كردند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

طبق شواهد تاريخى، غزوه احزاب، با ائتلاف يهوديان بنى نضير و بنى قريظه و غطفان و مشركان مكه به وجود آمد. <من فوقكم> اشاره به يهوديانى دارد كه از بخش شرقى مدينه هجوم آوردند و <من أسفل منكم> اشاره به مشركانى دارد كه از بخش غربى مدينه به آن ديار هجوم آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۳

۳ - اذيت و آزار زبانى مسلمانان ، در غزوه احزاب ، از سوى منافقان ، ناشى از اين بود كه مى پنداشتند احزاب متّحد ، نرفته اند و در اطراف مدينه خواهند ماند .

سلقوكم بألسنه حداد . .. يحسبون الأحزاب لم يذهبوا

بنابراين احتمال كه <يحسبون. ..> حال براى ضمير فاعلى <سلقوا> باشد، نكته ياد شده فهميده مى شود.

احكام منافقان پس از غزوه تبوك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱

۱ نهى شدن پيامبر (ص) براى هميشه ، از نمازگزاردن بر جنازه منافقان و دعا كردن براى آنها بعد از جنگ تبوك

و لاتصل على أحد منهم مات أبداً

احكام منافقان قبل از غزوه تبوك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۲

۲ ممنوع نبودن پيامبر (ص) از نمازگزاردن بر جنازه منافقان و حضور يافتن بر قبر آنها ، تا

قبل از جنگ تبوک

و لاتصل علی أحد منهم مات

با توجه به سیاق آیات، که پس از جنگ تبوک نازل شده است، برداشت فوق به دست می آید.

اسارت کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانتهایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم

امکان (مصدر امکن)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

استعاذه متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۶،۹

۶ اذعان متخلفان از جنگ تبوک ، به ناگزیری خود از التجا به خداوند

و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

۹ تنگ شدن عرصه زندگی بر متخلفان جنگ تبوک ، زمینه التجای آنان به خداوند

حتی اذا ضاقت علیهم الأرض . .. و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

استغاثه مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۲،۳،۴

۲ مجاهدان بدر پیش از نبرد با نیایش به درگاه خدا از وی استمداد کردند .

إذ تستغیثون ربکم

<غوث> به معنای یاری کردن است و استغاثه طلب یاری و امداد است.

۳ خداوند استغاثه مجاهدان بدر را با فرستادن هزاران فرشته اجابت کرد .

فاستجاب

لکم أنی ممدکم بألف من الملئکه مردفین

<مردف> به کسی گفته می شود که دیگری را در پی خویش قرار داده باشد. بنابراین <ألف من الملئکه مردفین>، یعنی هزار فرشته که هر کدام فرشته و یا فرشته هایی را به دنبال خویش داشتند. گفتنی است معنای مذکور مبتنی بر این است که مفعول محذوف از <مردفین>، <طائفه اخری من الملئکه> باشد.

۴ نیایش مجاهدان بدر به درگاه ربوبی و اجابت استغاثه آنان با امداد های غیبی ، نعمتی بایسته به یاد داشتن

إذ تستغیثون ربکم فاستجاب لکم

اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۲

۲ به اسیران جنگ بدر اعلام شد در صورت پذیرش اسلام و توحید ، خداوند آنان را از مواهبی بهتر از آنچه از ایشان گرفته شد (فدیه) ، بهره مند خواهد ساخت .

إن یعلم اللّه فی قلوبکم خیرا یؤتکم خیرا مما أخذ منکم

مراد از <خیرا> به دلیل <یغفر لکم> توحید و گرایش به اسلام است. زیرا خداوند گناه شرک را هرگز نخواهد بخشید: إن اللّه لایغفر ان یشرک به.

اسیر گیری در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۱،۵

۱ گرفتن اسیر در کارزار بدر ، مقتضی گرفتار شدن مجاهدان آن کارزار به عذابی بزرگ از جانب خداوند

لو لا کتب من اللّه سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

کلمه <فی> در <فیما أخذتم> سببیه است و <ما> در آن مصدریه. یعنی <بسبب أخذکم>. و مراد از آن به دلیل آیه قبل اسیر گرفتن است.

۵ گرفتن اسیر در

جنگ بدر مقتضی شکست مسلمانان در آن نبرد

لو لا كتب من اللّه سبق لمسكم فيما أخذتم عذاب عظيم

برخی برآنند که مراد از <عذاب عظیم> شکست از دشمن در کارزار بدر است و مقصود از <کتب من اللّه . .. > وعده پیروزی است که خداوند پیش از وقوع جنگ بدر مسلمانان را به آن بشارت داد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: اگر وعده الهی به پیروزی شما (رزمندگان بدر) نبود، به سبب گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن به شکست سختی گرفتار می شدید. (برگرفته شده از روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱

۱ مسلمانان در کارزار بدر گروهی از دشمن را اسیر کرده و با گرفتن فدیه آنان را آزاد کردند .

يأيها النبى قل لمن فى أيديكم من الأسرى إن يعلم اللّه فى قلوبكم

اضطراب منافقان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۹

۱۹ - منافقان ، پیشگامان تزلزل و اضطراب و فرار از غزوه احزاب بودند .

هنالك ابتلى . .. و زلزلوا زلزالاً ... و إذ يقول المنفقون ...إنّ بيوتنا عوره ...

افساد متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۱،۶،۱۲

۱ متخلفان جنگ تبوک (منافقان) ، در صورت شرکت در آن ، جز فساد و تباهی به بار نمی آوردند .

لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا

<خبال> به معنای فساد و تباهی است; یعنی، اگر منافقان برای جنگ بیرون

می آمدند برای شما چیزی جز فساد و تباهی نمی افزودند.

۶ متخلفان جنگ تبوک در صورت شرکت در آن جنگ ، جز نفوذ در میان صفوف لشکر اسلام به منظور فتنه جویی ، نقشی دیگر نداشتند .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

۱۲ ماهیت فسادانگیز و فتنه جویانه متخلفان جنگ تبوک ، دلیل کراهت و ناخوشایندی خداوند از شرکت آنان در جنگ

و لکن کره اللّه انبعاثهم . .. لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا ... یبغونکم الفت

اقرار متخلفان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۲ – ۱

۱ اعتراف برخی از گنهکاران و متخلفان از جنگ تبوک به زشتی عمل خویش

و ءاخرون اعترفوا بذنوبهم

با توجه به اینکه فرازهای پیشین، مربوط به جنگ تبوک و تخلف عده ای از شرکت در آن جنگ است می توان گفت که این آیه نیز مربوط به برخی از همان متخلفان می باشد.

اقرار متخلفان غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۸ – ۶

۶ اذعان متخلفان از جنگ تبوک ، به ناگزیری خود از التجا به خداوند

و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

امداد به مجاهدان غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۰ – ۶

۶ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به واسطه آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و

ما النصر إلا من عند اللّه إن اللّه عزيز حكيم

جمله <إن اللّه عزيز حكيم> تعليلى است براى تمامى مسائلى كه در اين آيه و آيه قبل مطرح شده بود. يعنى سرچشمه آنچه بيان شد، عزت و حكمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ خداوند با امداد هاى خويش مسلمانان را از فاجعه نزاع و سست شدن در تصميمشان بر جنگ بدر رهايى بخشيد .

و لكن اللّه سلم

امداد در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۳،۱۶

۱۳ خداوند به بركت وجود پيامبر (ص) مسلمانان را در جنگ بدر يارى كرد و آنان را به پيروزى رسانيد .

و ما أنزلنا على عبدنا

با توجه به اينكه آيات ۹ تا ۱۲ همين سوره امدادهاى الهى را شامل همه پيكارگران بدر دانست و اين آيه پيامبر(ص) را محط نزول امدادها شمرد، معلوم مى شود وجود پيامبر(ص) در نزول امدادها دخالت فراوانى داشته است.

۱۶ تمايز حق از باطل با امداد هاى ويژه خداوند در جنگ بدر نمودى از قدرت مطلقه او

يوم الفرقان يوم التقى الجمعان و اللّه على كل شىء قدير

برداشت فوق بر اين مبناست كه جمله <و اللّه . .. > ناظر به <يوم الفرقان> بودنِ جنگ بدر باشد.

امداد غيبى در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۲

۲ خداوند در آستانه جنگ بدر با رفع اضطراب از مجاهدان ، آنان را از آرامشى كامل بهره مند

ساخت .

إذ يغشيكم النعاس أمنه منه

امدادهای خدا در غزوه حنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۳

۳ امتنان خداوند بر مؤمنان به خاطر نصرتش به آنان در موارد بسيار از جمله در جنگ حنين

لقد نصركم اللّه فى مواطن كثيره و يوم حنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱

۱ نزول آرامش روحى از جانب خداوند بر رسول اكرم (ص) و مؤمنان در جنگ حنين ، پس از فرار مسلمانان

ثم وليتم مدبرين. ثم أنزل اللّه سكينته على رسوله و على المؤمنين

امدادهای غيبى در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۹ - ۶،۸

۶ - خداوند ، در غزوه احزاب نيرويى نامرئى ، به كمك مسلمانان فرستاد .

فأرسلنا عليهم . .. و جنودًا لم تروها

۸ - امداد غيبى الهى به مسلمانان در غزوه احزاب ، نعمتى خدايى براى آنان و شايسته يادآورى است .

يأيّها الذين ءامنوا اذكروا نعمه اللّه عليكم إذ جاءتكم جنود. .. و جنودًا لم تروه

امدادهای غيبى در غزوه حنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۲

۲ جنگ حنین از عرصه های به یاد ماندنی نصرت خدا و دخالت نیرو های غیبی برای تقویت سپاه اسلام و شکستن مقاومت جبهه دشمن

لقد نصرکم اللّه فی مواطن کثیره و یوم حنین

با اینکه <مواطن کثیره> شامل جنگ <حنین> نیز می شود، ذکر جداگانه آن بویژه با تعبیر <یوم حنین> (روز حنین)،

بیانگر برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۶ – ۵،۹

۵ امداد الهی به مؤمنان در جنگ حنین به وسیله دسته هایی از نیرو های غیبی

و أنزل جنوداً لم تروها

۹ جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

امنیت خانه مجاهدان غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۳ – ۱۲

۱۲ – خانه و کاشانه مجاهدان شرکت کننده در غزوه احزاب ، خلل ناپذیر و دارای استحکام بود .

یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره

اندوه معذوران غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۲ – ۷

۷ اندوه و گریه شدید مؤمنان تهیدست ، به خاطر ناتوانی از شرکت در جنگ تبوک و محروم شدن از فیض جهاد

و أعینهم تفیض من الدمع حزناً

انزوای اجتماعی متخلفان غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۴

۴ تحریم ارتباط با متخلفان از جنگ تبوک و انزوای اجتماعی آنان از سوی مسلمانان

ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

با توجه به شأن نزول که تنگ شدن زندگی بر متخلفان از جنگ تبوک را، ناشی از قطع رابطه مسلمانان با ایشان معرفی کرده است، مطلب فوق استفاده می شود.

انصار در غزوه

تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۶

۶ نیرو های رزمی جنگ تبوک ، متشکل از مهاجر و انصار

المهجرین و الانصار الذین اتبعوه فی ساعه العسره

انفاق متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۳ - ۱

۱ آمادگی برخی از متخلفان جنگ تبوک ، برای انفاق مال به جای رفتن به جهاد

قل أنفقوا طوعاً

در شأن نزول این آیه آورده اند که: فردی از منافقان پیشنهاد پرداخت پول به جای رفتن به جهاد را کرده بود.

اوّلین تخلف متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۴

۱۴ وقوع اولین تخلف منافقان از جهاد در جنگ تبوک *

رضیتم بالقعود أول مرّه

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که تخلف منافقان در جنگ تبوک، اولین تخلف آنان بوده و <أول مرّه> ناظر به این معنا باشد.

اهمیت پیروزی غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۲

۲ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر زیربنای گسترش توحید و نابودی شرک در سراسر جهان

یرید اللّه أن یحق الحق . .. لیحق الحق و یبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <لیحق الحق> متعلق به <یرید اللّه أن یحق الحق> در آیه قبل باشد. بر این مبنا می توان گفت مراد از <الحق> در آیه قبل خصوص پیروزی موعود در پیکار بدر است، و مقصود از <الحق> در آیه مورد بحث مطلق حق. بنابراین <یرید

اللّه أن یحق الحق ... > چنین معنا می شود: خداوند با تقدیر پیروزی در جنگ بدر خواست حق را همواره به منصه ظهور رساند و در سراسر جهان استوار سازد.

اهمیت غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶ – ۲

۲ ضرورت حضور در جنگ بدر ، امری روشن برای مسلمانان صدر اسلام

یجدلونک فی الحق بعد ما تبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۱۲

۱۲ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، علی رغم موقعیت ضعیف آنان ، حادثه ای شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن

إذ أنتم بالعدوه الدنیا . .. و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای فعل مقدر، یعنی <اذکروا> باشد. مفسران برآنند که از اهداف شرح موقعیت جنگ بدر یادآوری ضعف مسلمانان و برتری کافران است که علی رغم آن با پیروزی مسلمانان پایان یافت.

باران در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۱ – ۶،۷،۱۰،۱۳،۱۴،۱۸

۶ خداوند در آستانه جنگ بدر مسلمانان را از نعمت باران بهره مند ساخت .

و ینزل علیکم من السماء ماء

۷ فراهم شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست ها و قذارت ها ، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم به

ذکر نشـدن متعلق <یطهرکم> حکـایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاسـتهای ظـاهری و بـاطنی). یعنی خداونـد باران را فرو فرستاد

تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و دیگران وضو بسازند.

۱۰ نزول باران در آستانه جنگ بدر برای تطهیر مجاهدان ، زمینه ساز برطرف شدن نگرانی ها و وسوسه های ایجاد شده از سوی شیطان

و ینزل علیکم . .. و یذهب عنکم رجز الشیطن

۱۳ تقویت دل های مجاهدان با مشاهده امداد های حسی ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

و ینزل علیکم . .. لیربط علی قلوبکم

<ربط علی قلبه> یعنی دلهای آنان را استحکام بخشید، و این کنایه از ایجاد شهامت و شجاعت است. گفتنی است تناسب نزول باران با استحکام دلها برای نبرد این است که مجاهدان در زمانی که نیاز فراوان به آب دارند با نزول باران، امداد الهی را لمس کرده و بدان یقین کنند.

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر ، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ینزل علیکم . .. و یثبت به الأقدام

۱۸ استحکام اردوگاه مسلمانان و استواری گام های آنان بر شنزار محل اقامتشان ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم . .. و یثبت به الأقدام

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الاقدام> گامهای مجاهدان باشد. بنابراین <و یثبت به الاقدام> یعنی هدف از نزول باران این بود که خداوند گامهای شما را استوار سازد و از لغزش و فرو رفتن در شنزارها بازدارد.

برخورد با متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱،۴

۱ سوگند دروغ منافقان

متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سيحلفون باللّه لكم إذا انقلبتم إليهم لتعرضوا عنهم

۴ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در معرض انتقاد و حمله و تعرض مؤمنان بازگشته از جهاد قرار داشتند .

سيحلفون باللّه . .. لتعرضوا

بسیج عمومی در غزوه بنی نضیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲ – ۶

۶ – نخستین بسیج دفاعی مسلمانان در برابر یهودیان ، منتهی به شکست و تبعید یهود بنی نضیر شد .

هو الذى أخرج الذين كفروا . .. لأوّل الحشر

<حشر>، به معنای بیرون آوردن جماعت از مقر و گسیل داشتن آنان به جنگ نیز می باشد. بنابراین معنا <الحشر> در آیه شریفه، نظر به تجمع مسلمانان در برابر توطئه های بنی نضیر دارد.

بسیج عمومی در غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۰ – ۲

۲ بسیج عمومی همه مسلمان ها برای شرکت در جنگ تبوک

و جاء المعذّرون من الأعراب

از آن جایی که حتی بادیه نشینان برای عذرخواهی نزد پیامبر(ص) آمدند، بسیج عمومی و وجوب جهاد بر همگان استفاده می شود. گفتنی است که این بخش از آیات چنانکه مفسران گفته اند درباره جنگ تبوک است.

بشارت به اسیران غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۰ – ۳،۸

۳ به اسیران جنگ بدر نوید داده شد که در صورت پذیرش اسلام و توحید خداوند گناهان گذشته آنها را خواهد بخشید .

إن يعلم

اللّه فى قلوبكم خيرا . .. يغفر لكم و اللّه غفور رحيم

۸ پیامبر (ص) مأمور ابلاغ نوید خداوند به اسیران جنگ بدر (آمرزش گناهان ایشان و . . .) در صورت گرایش به اسلام

قل لمن فى أيديكم من الأسرى

بشارت پیروزی غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - تحقق نوید الهی به فتح خیبر ، معجزه ای هدایتگر برای مؤمنان

فعجّل لكم هذه . .. و لتكون ءايه للمؤمنين

بیماردلان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۸،۱۱

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و يستئذن فريق منهم النبىّ يقولون إنّ بيوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود(مفردات راغب).

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و يستئذن فريق منهم النبىّ يقولون إنّ بيوتنا عوره و ما هى بعوره إن يريدون إلاّ فر

پلیدی در مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۸

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

پیروان محمد(ص) در غزوه تبوک

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۰

۱۰ پیروان واقعی پیامبر اکرم (ص) در لحظات سخت جنگ تبوک ، از صادقان بودند .

الذین اتبعوه فی ساعه العسره . .. و کونوا مع الصدقین

بـا توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در زمینه ثبات قـدم برخی از مؤمنان در شدایـد جنگ تبوک و لغزش گروهی دیگر بود و خداوند متخلفان را در پی توبه شان بخشـید اکنون به ایشان رهنمود می دهد که شـما نیز همانند مؤمنان، اسـتوار و تزلزل ناپذیر باشید.

پیروزی بر مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۷

۷ پیروزی مجاهدان در جنگ بدر دارای اهدافی والا و از جمله آزمایش اهل ایمان از سوی خداوند

و لیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا

<لیبلی> عطف بر علـتی محـذوف هماننـد <لیمحق الکفرین> است و هر دو متعلق به <قتلهم> و <رمی> می باشـد یعنی <و لکن اللّه قتلهم . .. لکن اللّه رمی لیمحق الکفرین و لیبلی المؤمنین> گفتنی است که در برداشت فوق <ابلاء> به معنـای آزمودن گرفته شده است.

پیروزی در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون . .. و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

پیروزی در غزوه تبوک

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۴

۱۴ تذکر خداوند به لزوم غافل نشدن مؤمنان از خطر اعراب کفرپیشه همجوار خویش ، پس از پایان یافتن پیروزمندانه جنگ با دشمنان خارجی (رومیان در جنگ تبوک) *

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

با توجه به اینکه آیات قبل در مورد بازگشت پیروزمندانه مؤمنان از جنگ تبوک است، احتمال دارد که این آیه هشداری به مؤمنان مجاهد باشد که پس از آن پیروزی، احساس امنیت نکنند و توجه کنند که در اطرافشان، بادیه نشینان جاهل و متعصب در کفر نیز، خطری جدی به شمار می روند.

پیروزی غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۴

۴ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر ، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناک شکست نبرد احد

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

جمله <قد اصبتم مثلیها>، که اشاره به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچک شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده انگارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۶

۶ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به واسطه آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند اللّه إن اللّه عزیز حکیم

جمله <إن اللّه عزیز حکیم> تعلیلی است برای تمامی

مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شده بود. یعنی سرچشمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۷ – ۳

۳ خداوند با بیان نقش اصلی خویش در پیروزی جنگ بدر زمینه ساز پرهیز پیکارگران بدر از اعجاب و غرور به خاطر پیروزی در آن نبرد

فلم تقتلوهم . ... و ما رمیت إذ رمیت

از اهداف آیه مورد بحث، که پیروزی مؤمنان را برخاسته از اراده خدا دانسته، این است که پیکارگران بدر پیروزی را نعمتی از جانب خداوند بدانند و از آنِ قدرت خویش نشمارند تا به غرور و اعجاب مبتلا نگردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۱ – ۱۰،۱۳،۱۸

۱۰ پرداخت خمس غنیمت ها و دیگر استفاده های مالی ، نشان ایمان به خدا و ایمان به پیروزی آفرینی خدا در جنگ بدر است .

فأن للّه خمسه و للرسول . .. إن کنتم ءامنتم باللّه و ما أنزلنا علی عبدنا

مراد از <ما أنزلنا . .. > می تواند همان امدادهای غیبی الهی باشد که مسلمانان در پرتو آن به پیروزی در جنگ بدر دست یافتند.

۱۳ خداوند به برکت وجود پیامبر (ص) مسلمانان را در جنگ بدر یاری کرد و آنان را به پیروزی رسانید .

و ما أنزلنا علی عبدنا

با توجه به اینکه آیات ۹ تا ۱۲ همین سوره امدادهای الهی را شامل همه پیکارگران بدر دانست و این آیه پیامبر(ص) را محط نزول امدادها شمرد، معلوم می شود وجود پیامبر(ص) در نزول امدادها دخالت

فراوانی داشته است.

۱۸ یاری رسیدن به مسلمانان در جنگ بدر و به پیروزی رساندن آنان نمودی از قدرت مطلقه خداوند

و ما أنزلنا علی عبدنا . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

جمله <و اللّه . .. > می تواند ناظر به تمام حقایقی باشد که در آیه مورد بحث مطرح شده است که از جمله آنها امدادهای خداوند در جنگ بدر است که <و ما أنزلنا ... > دلالت بر آن دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۱۳،۱۱،۱۰

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

و لکن لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

۱۱ خداوند به منظور تبیین حقانیت توحید و رسالت پیامبر (ص) ، جنگ بدر را تحقق بخشید و مسلمانان را به پیروزی رسانید .

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

۱۳ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر حجتی روشن علیه شرک و دلیلی واضح بر حقانیت توحید و اسلام

لیقضی اللّه . .. لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

<لیهلک> متعلق به <یقضی> است. یعنی هدف از تحقق جنگ بدر این بود که ... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۳ – ۱۵

۱۵ رؤیای پیامبر (ص) در آستانه جنگ بدر و نتایج درخشان آن ، حادثه ای شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو

أریكهم كثیرا لفشلتم و لتنزعتم

برداشت فوق بر این اساس است كه <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذكروا> باشد.

پیروزی غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۵

۵ - خداوند ، مؤمنان را به فتوحات و غنایمی علاوه بر فتح خیبر و غنایم آن ، نوید داد .

وعدكم اللّه مغانم كثیره تأخذونها فعجّل لكم هذه

در صورتی كه <هذه> به فتح خیبر اشاره داشته باشد; واژه <عجّل> می رساند كه فتح خیبر، پیش درآمد فتح های دیگر و غنایم فزون تری است.

پیروزی مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱۸

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی كشته شدن كافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لكن اللّه قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم . .. > متفرع بر آیاتی است كه امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد ; یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است كه در حقیقت خداوند مشركان را كشت و آنان را شكست داد.

۸ پیروزی مجاهدان در جنگ بدر ، نعمتی نیكو از جانب خداوند برای اهل ایمان

لیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا

<ابلاء> در برداشت فوق به معنای اعطای نعمت گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۳

۳ پیروزی مؤمنان در جنگ بدر حجتی بر حقانیت اهل ایمان و هشدار و عبرتی برای کافران

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح

مراد از <الفتح> پیروزی اهل ایمان در جنگ بدر است. و

جمله <فقد جاءکم الفتح> پاسخ همان تمنای مشرکان است که خواهان پیروزی حامیان دین حق بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون . .. و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

پیروزی مسلمانان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۶

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لو لا کتب . .. عذاب عظیم

پیروزی مسلمانان در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۹

۹ إخبار خداوند به بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان از جنگ تبوک

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه، قبل از رسیدن مسلمانان به سرزمین تبوک نازل شده باشد که در این صورت، إخبار خداوند به عذرخواهی متخلفان، گویای بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان است.

پیروزی مسلمانان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۵ – ۹

۹ – غزوه احزاب ، بدون درگیری نظامی عمده ، به سود مسلمانان پایان یافت .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا و کفی اللّه المؤمنین القتال

پیشگویی غزوه بنی نضیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲ – ۴

۴ – خبر دادن خداوند ، از وجود رویارویی مجدّد مسلمانان و یهود (پس از غزوه بنی نضیر)

أخرج الذین کفروا . .. لأوّل الحشر

قید <لأوّل. ..> این پیام را در بر دارد که برای این تجمع و برخورد، موارد دیگری نیز هست.

تخلف متخلفان غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۸ – ۱

۱ تخلف سه نفر از مسلمانان ، از حضور یافتن در جنگ تبوک

و علی الثلثه الذین خلّفوا

تخلف منافقان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۳ – ۵

۵ إخبار خداوند به عزم قطعی برخی افراد (منافقان) بر تخلف از جنگ تبوک (حتی در صورت عدم دریافت اذن از پیامبر (ص))

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا . .. لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا و ت

از اظهار ناتوانی منافقان برای جهاد و تذکر خداوند به دروغ بودن این اظهار، استفاده می شود که آنان تصمیم بر تخلف از جنگ داشته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۱،۲

۱ تخلف منافقان از شرکت در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

این بخش از آیات مربوط به جنگ تبوک و تخلف منافقان از شرکت در آن است.

۲ خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف

رسول اللّه

تداوم تخلف متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۹

۹ إخبـار خداونـد به بی اسـاس بودن عذرتراشـی متخلفـان از جنگ تبوک به دلیل ادامه داشـتن کجروی ها و تخلفات آنان در آینده

قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم . .. و سیری اللّه عملکم

جمله <سیری اللّه . .. > می توانـد بیانگر علت عـدم پذیرش عذر متخلفان باشد ; یعنی، عملکرد خلاف اینان در آینده، خود بهترین گواه بر نادرستی معذرت جویی آنان خواهد بود.

تشویق اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۴

۴ ترغیب اسیران جنگ بدر به ایمان و گرایش به اسلام

یأیها النبی قل لمن فی أیدیکم من الأسری إن یعلم اللّه فی قلوبکم

تشویق به غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۵

۵ - تشویق مسلمانان از سوی خدا ، برای شرکت در جنگ خیبر

إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها

خداونـد، حرکت به سوی جنگ خیبر را حرکت به سوی غنـایم دریـافتی دانسـته است و بـدین وسـیله دو نکته را به مسـلمانان یادآور شـده است: ۱ پیروزی حتمی، ۲ دستیابی به غنایم. این دو پیام بی تردیـد در روحیه دادن به سپاه اسـلام و تهییـج آنان،

نقش داشته است.

تضمین پیروزی غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۰ – ۴

۴ تضمین پیروزی پیامبر (ص) (در جنگ تبوک) از سوی خداوند ،

علی رغم احتمال کوتاهی دیگران در یاری رساندن به آن حضرت

إلا تنصروه فقد نصره اللّه

تقدیر غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۴ – ۳

۳ تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تقدیر شده

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

<أمراً> به معنای کار است و مراد از آن تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد می باشد. فعل <کان> دلالت می کند که ثبوت خبر <مفعولا> برای اسمش (تحقق جنگ بدر) از دیرباز تحقق پیدا کرده بود. و تحقق جنگ بدر از دیرباز، به قرینه <لیقضی>، به معنای تقدیر آن است. بنابراین <لیقضی اللّه ... > یعنی تا انجام پذیرد کاری که از پیش تقدیر شده بود.

تلاش متخلفان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۳ – ۶

۶ گروهی از منافقان متخلف از جنگ تبوک ، ریاکارانه در صدد جبران پیامد خسارتبار ترک جهاد و رسوایی گذشته خویش

فإن رجعک اللّه إلی طائفه منهم فاستئذنوک

تلاش منافقان مدینه در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۳ – ۵

۵ – منافقان ، در غزوه احزاب ، برای وادار کردن مؤمنان به ترک اسلام و روی آوردن به کفر ، تلاش می کردند .

یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

برداشت بالا، بر این احتمال است که مراد از <لامقام لکم> ماندن در دین رسول اللّه و مراد از <فارجعوا> دعوت به رجوع

به کفر باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۲

۲ - تلاش شدید منافقان مدینه ، برای بازداشتن مسلمانان از جهاد در غزوه احزاب

و إذ قالت طائفه منهم . .. لامقام لکم فارجعوا ... قد یعلم اللّه المعوّقین منکم

تضعیف <عوّق> برای بیان شدت و غلظت بازدارندگی، است.

توبه متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۲۱

۲۱ تأیید خداوند نسبت به واقعی بودن توبه تائبان متخلف از جنگ تبوک *

خذ من أمولهم . .. و صل علیهم ... و اللّه سمیع علیم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه را با توجه به شأن نزول معنا کنیم که مورد آن توبه متخلفان از جنگ تبوک است. از این رو احتمال می رود صفت <علیم> به این نکته اشاره داشته باشد که خداوند صداقت آنان را در توبه دانسته و بر اساس آن فرمان به اخذ زکات و دعا داده است.

توجیه متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۸

۸ إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

تهدید اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۵

۵ خداوند ، اسیران جنگ بدر را به گرفتار شدن دوباره به دست مسلمانان ، در صورت ادامه خیانت ، تهدید کرد .

و إن یریدوا خیانتک

جواب شرط <و إن یریدوا

خیانتک . .. > در تقدیر است و جمله <فقد خانوا اللّه ... > جانشین آن شده و دلالت بر آن دارد که جمله با تقدیر آن چنین است: اگر اسیران خیانتی دوباره را در سر می پرورانند باکی نداشته باشید و از آزادسازی آنان ابا نکنید. زیرا خداوند خیانتکاران را در سلطه شما قرار خواهد داد ; همان گونه که در جنگ بدر شما را بر آنان مسلط ساخت.

تهمتهای محرومان از غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - منع شدگان از شرکت در فتح خیبر ، متهم کننده مؤمنان به حسدورزی

فسیقولون بل تحسدوننا

ثروتمندان و غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۲

۲ تلاش برخی از اشراف و توانمندان برای شرکت نکردن در جنگ تبوک ، با کسب مجوز از پیامبر اسلام (ص)

الذین یستئذنونک و هم أغنیاء

جاسوسان منافقان در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۸

۸ منافقان ، دارای جاسوسانی در میان رزمندگان جنگ تبوک

و فیکم سمعون لهم

<سمّاع> می تواند کنایه از جاسوس باشد; یعنی، در میان شما کسانی هستند که به نفع منافقان خبرچینی می کنند.

حقانیت غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵ – ۹

۹ خروج پیامبر (ص) از مدینه برای مقابله با مشرکان در دامنه احد ، حرکتی حق ، همانند خروج وی برای جنگ بدر

*

كما أخرجك ربك من بيتك بالحق

برخی برآننـد كه <كما . .. > متعلق به <يجدلونك ... > در آيه بعد است و آن آيه اشاره به قضاياى پيش از نبرد احد دارد. بر اين اساس <كما أخرجك ... > چنين معنا مى شود: گروهى از مسلمانان درباره حركت به سوى احد، كه حركتى حق بود، به جدال با پيامبر(ص) پرداختند و آن را مصلحت نمى پنداشتند ; همان گونه كه از حركت به سوى بدر، كه حركتى حق بود، نيز كراهت داشتند.

حقانيت غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۸

۸ حكم خداوند درباره انفال ، حكمى حق و همانند حقانيت فرمان او به خروج از مدينه براى جنگ بدر

قل الأنفال للّه و الرسول . .. كما أخرجك ربك من بيتك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۱

۱ گروهى از مسلمانان در صدد بازداشتن پيامبر (ص) از حركت به سوى جنگ بدر ، على رغم وضوح حقانيت آن

يجدلونك فى الحق بعد ما تبين

در وجه تركيبى <يجـدلونك> چنـد نظر ايراد شـده است ; از جمله اينكه <يجـدلونك> حـال براى فاعل <لكرهون> و يا همانـنـد <إن فريقـا> حـال براى مفعول <أخرجك> باشـد. بر اين دو مبنا، آيه مورد بحث توضيحى درباره قضاياى پيش از جنگ بدر است. گفتنى است جدال به معناى منازعه براى غلبه بر انديشه و رأى طرف مقابل است.

خواب مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱

۱،۵ -

۱ آرامش روحی مجاهدان پیش از جنگ بدر ، موجب فراگیری خوابی سبک بر تمامی آنان

إذ تستغیثون . .. إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

<غشاوه> به معنای احاطه است و فعل <یغشیکم>، از باب تفعیل، دلالت بر کثرت احاطه دارد. می توان گفت نمود آن کثرت، فراگیری خواب بر تمامی افراد بوده است. کلمه <أمنه>، که به معنای نبودن ترس است، مفعولٌ له حصولی برای <یغشیکم> است. یعنی به علت اینکه آرامش یافتید، خواب شما را فراگرفت

۵ استراحت و آرامش روحی مجاهدان و فراگیری خواب بر آنان در آستانه جنگ بدر ، نعمتی الهی بر ایشان و شایسته به یاد داشتن

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

خیانت اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۲

۲ اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

و إن یریدوا خیانتک فقد خانوا اللّه من قبل

دروغگویی متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ علم خداوند به دروغ بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه نبودن تخلفشان

سیحلفون باللّه . .. و اللّه یعلم إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۶ - ۳

۳ فراهم نکردن مقدمات جهاد ، دلیل دروغگویی متخلفان جنگ تبوک و عزم قطعی آنان بر عدم شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

دروغگویی متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه

- ۹ - ۹۶ - ۱

۱ سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور جلب رضایت مؤمنان مجاهد

يحلفون لكم لترضوا عنهم

دعای مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۲،۴

۲ مجاهدان بدر پیش از نبرد با نیایش به درگاه خدا از وی استمداد کردند .

إذ تستغيثون ربكم

<غوث> به معنای یاری کردن است و استغاثه طلب یاری و امداد است.

۴ نیایش مجاهدان بدر به درگاه ربوبی و اجابت استغاثه آنان با امداد های غیبی ، نعمتی بایسته به یاد داشتن

إذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم

دعوت از فراریان غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۱

۱ خداوند ، گریختگان از میدان کارزار حنین را به توبه و استغفار فراخواند .

ثم وليتم مدبرين . .. ثم يتوب اللّه من بعد ذلك على من يشاء

کلمه <ذلک> در <من بعد ذلک> اشاره به فرار مسلمانان از میدان نبرد حنین دارد. اعلام اینکه خدا توبه فراریان را می پذیرد، فراخوانی آنان به توبه و استغفار از آن خطاست.

دنیاطلبی متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۲

۲ دورنمای مشقت آمیز و به دور از منافع مادی جنگ تبوک ، در نظر برخی از مسلمانان صدر اسلام ، عامل امتناع آنان از حضور در جنگ

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

ذکر غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۴

احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۳

۳ - ائتلاف احزاب مختلف و لشگرکشی آنان علیه مسلمانان مدینه و شکست شان ، شایسته یادآوری است .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

<إذ جاءوکم> عطف بر <إذ جاتکم> در آیه پیش و متعلق فعل <اُذکروا> در همان آیه است.

ذکر غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۲

۲ جنگ حنین از عرصه های به یاد ماندنی نصرت خدا و دخالت نیرو های غیبی برای تقویت سپاه اسلام و شکستن مقاومت جبهه دشمن

لقد نصرکم اللّه فی مواطن کثیره و یوم حنین

با اینکه <مواطن کثیره> شامل جنگ <حنین> نیز می شود، ذکر جداگانه آن بویژه با تعبیر <یوم حنین> (روز حنین)، بیانگر برداشت فوق است.

ذلت متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۲

۲ قرار گرفتن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در موضع ضعف و ذلت ، پس از بازگشت پیروزمندانه مؤمنان از جهاد

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم

رد عذر متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۹

۹ إخبار خداوند به بی اساس بودن عذرتراشی متخلفان از جنگ تبوک به دلیل ادامه داشتن کجروی ها و تخلفات آنان در

آینده

قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم . .. و سیری اللّه عملکم

جمله <سیری اللّه . .. > می توانـد بیانگر علت عـدم پذیرش عذر متخلفان باشد ; یعنی، عملکرد خلاف اینان در آینده، خود بهترین گواه بر نادرستی معذرت

جویی آنان خواهد بود.

زمان غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - فاصله زمانی نزدیک میان صلح حدیبیه و فتح خیبر

سیقول المخلّفون

با توجه به <سین> در <سیقول> و پیوستگی آیات صلح حدیبیه با جنگ خیبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

زمینه پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قریبًا . و مغانم کثیره ... و کان اللّه عزیزًا حکیمًا

از ارتباط <کان اللّه. ..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

سختی غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۷

۷ - خداوند ، مسلمانان را از سختی جنگی که احزاب متّحد درصدد ایجاد آن بودند نگه داشت .

و کفی اللّه المؤمنین القتال

<کفی> در آیه متعدی به دو مفعول و به معنای <حسب> است; یعنی: <خداوند کفایت کرد مؤمنان را در جنگ>. با توجه به آیه نُه همین سوره، مراد از <کفایت خدا برای جنگ مؤمنان>، فرستادن طوفان و سپاهیان نامریی برای درهم کوبیدن سپاه دشمن است.

سختی غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۳

۳ پیمودن مسافت مدینه تا تبوک به دلیل دوری راه ، برای برخی افراد (منافقان) دشوار می نمود .

و لکن بعدت علیهم الشقه

<شقه> به معنای سختی و مشقت و

کنایه از مسافت است; یعنی، به نظر آنان (منافقان)راه میان مدینه و تبوک راهی طولانی و پیمودن آن طاقت فرساست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۲

۲ جنگ تبوک ، دارای شرایطی دشوار و پرمشقت .

اتبعوه فی ساعه العسره

مراد از <ساعه العسره> به قرینه فرازهای قبل و بعد می تواند غزوه تبوک باشد.

سختی غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۷

۷ تنگ شدن عرصه بر مسلمانان در جنگ حنین ، علی رغم کثرت غرورآفرین آنان

إذ أعجبتکم کثرتکم . .. و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت

سرزنش متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۵

۵ توبیخ خداوند نسبت به آنان که برای تخلف از جنگ تبوک ، حتی اجازه هم نگرفتند .

و جاء المعذّرون . .. و قعد الذین کذبوا

از تقابل <قعد . .. > با <جاء المعذّرون> استفاده می شود که: گروه دوم، متخلفانی هستند که بدون هیچ عذر و بهانه ای و بدون اجازه خواستن از شرکت در جنگ امتناع ورزیدند.

سرزنش متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۴

۴ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در معرض انتقاد و حمله و تعرض مؤمنان بازگشته از جهاد قرار داشتند .

سیحلفون باللّه . .. لتعرضوا

سرگردانی متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه

- ۹ - ۴۵ - ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، گروهی بی ایمان ، سرگردان و گرفتار تردید و اضطراب بودند .

و ارتابت قلوبهم فهم فی ریبهم یترددون

سرنوشت غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

و لکن لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

سرور متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۲

۲ خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

سوگند متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۸،۱۱،۱۲

۸ إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

۱۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سیحلفون باللّه . .. یهلکون أنفسهم

۱۲ علم خداوند به دروغ بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه نبودن تخلفشان

سیحلفون باللّه . .. و اللّه یعلم إنهم لکذبون

سوگند متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱

۱ سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از

تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سيحلفون باللّه لكم إذا انقلبتم إليهم لتعرضوا عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۱

۱ سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور جلب رضایت مؤمنان مجاهد

يحلفون لكم لترضوا عنهم

شرکت در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوک ، برانگیزنده خشم کافران بود .

و لا يطئون موطئاً يغيظ الكفار

با توجه به اینکه این بخش از آیات در مورد جنگ تبوک است، برداشت فوق استفاده می شود.

شکست احزاب صدراسلام در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۳

۳ - ائتلاف احزاب مختلف و لشگرکشی آنان علیه مسلمانان مدینه و شکست شان ، شایسته یادآوری است .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

<إذ جاءوكم> عطف بر <إذ جاتكم> در آیه پیش و متعلق فعل <اُذكروا> در همان آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۲

۲ – منافقان مدینه ، حتی پس از هزیمت احزاب متّحد و عزیمت شان از اطراف مدینه ، گمان می کردند که آنان نرفته اند .

یحسبون الأحزاب لم یذهبوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۵ – ۱،۳،۶،۱۲

۱ – پراکنده شدن احزاب متّحد از اطراف مدینه ، به دست خداوند بود .

و ردّ اللّه الذین کفروا

۳ – احزاب متّحد ، در حالی از

محاصره مدینه ناامید و پراکنده شدند که آکنده از خشم بودند .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم

<باء> در <بغیظ> برای ملابسه است و <بغیظهم> حال برای موصول <الذین کفروا> است.

۶ - آکنده شدن احزاب متّحد از خشم و غضب ، معلول ناکامی آنان در تلاش شان بود .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا

<لم ینالوا خیراً> می تواند حال برای <الذین کفروا> باشد و احتمال دارد که برای بیان <بغیظهم> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

۱۲ - توان مندی خداوند ، منشأ فراهم آمدن زمینه پراکنده شدن احزاب متّحد از اطراف مدینه

و ردّ اللّه الذین کفروا . .. و کان اللّه قویًّا

<و کان اللّه. ..> به منزله تعلیل برای جمله <و ردّ اللّه الذین کفروا> است.

شکست در غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۶

۶ مشخّص شدن مؤمنان واقعی ، از اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم . .. و لیعلم المؤمنین

جمله <و لیعلم . .. >، عطف بر جمله ای مقدّر است ; یعنی <و ما اصابکم ... لیکون کذا و کذا و لیعلم المؤمنین>. لذا در برداشت فوق، مشخص شدن مؤمنان، از اهداف شکست آنان در نبرد احد شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱

۱ مشخص شدن منافقان ، از اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم . .. و لیعلم الّذین نافقوا

شکست در

غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۳ – ۳

۳ – منافقان مدینه ، به مسلمانان وانمود کردند که شکست شان در غزوه احزاب حتمی است .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

شکست غزوه احد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۶ – ۳

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص) و مسلمانان

یا ایّها الّذین امنوا لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۵ – ۱،۳،۵

۱ گلایه برخی مسلمانان از نتایج دردناک نبرد احد و شکست در آن

اولمّا اصابتکم مصیبه . .. قلتم انّی هذا

این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

۳ شکست و مصیبت سنگین مسلمانان در پیکار احد ، دور از انتظار ایشان بود .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

کلمه <انّی> به معنای <من این> (از کجا و از چه روی) می باشد و <هذا> اشاره به مصیبت

است.

۵ پندار ناصواب برخی پیکارگران احد در تحلیل عوامل شکست آن نبرد

انّی هذا قل هو من عند انفسکم

جمله <انّی هـذا> به این مطلب اشـاره دارد که گویـا مجاهـدان احـد علّت شـکست آن نـبرد را بیرون از عملکرد خویش می دانستند، که جمله <من عند انفسکم> ریشه صحیح آن را گوشزد می کند.

شکست غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۵

۵- جنگ بدر ، میدان انتقام الهی از مشرکان و ضربه ای سخت و شکننده بر جبهه شرک *

یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

طبق نظر مفسران، ممکن است این آیه نظر به جنگ بدر داشته باشد. این در صورتی است که عذاب ذکر شده در آیات پیشین را عذاب دنیوی بدانیم.

شکست غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۲

۲ نگرانی پیامبر (ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله

شکست کافران در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۹

۹ جبهه کفر در کـارزار حنین ، در پی فرود آمـدن نیرو هـای غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداونـد ، گرفتار

شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

شکست مشرکان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵

٣ - اخبار خداوند ، از شکست قریب الوقوع جماعت شرک پیشه در جنگ بدر

سیهزم الجمع و یولّون الدّبر

با توجه به تطبیق این آیه بر جنگ بـدر در آرای مفسـران و با توجه به این که آیات یاد شـده مکّی است و جنگ بـدر نخستین مرحله انهزام مشرکان بوده است; برداشت یاد شده به دست می آید.

شیطان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٦ - انفال - ٨ - ١١ - ٨

٨ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٦ - انفال - ٨ - ٤٨ - ١٦،١٣،١٢،١١،١٠،٩،٦،٤

٤ شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

و قال لا غالب لکم الیوم من الناس

٦ شیطان ، خط دهنده به جبهه کفر در جنگ بدر

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

٩ شیطان با تأکید بر یاری بی دریغ خویش از لشکریان کافر بدر ، آنان را به رویارویی با مسلمانان ترغیب کرد .

إنی جار لکم

کلمه <جار> معانی متعددی دارد ; از جمله یاور، همسانه، هم قسم، شـریک و . .. (لسان العرب). به نظر می رسد یاور نسبت به دیگر معانی مناسبتر باشد.

١٠ شیطان به هنگام رویارویی دو لشکر کفر و ایمان از کارزار بدر عقب نشینی کرد .

فلما تراءت . .. نكص على عقبيه و قال إنى برىء منكم

<نكص> به معناى خوددارى كردن است و چون با <على> متعدى شده معناى رجوع در آن تضمين شده است.

<عقب> به پاشنه پا گفته می شود ; یعنی شیطان از نبرد خودداری کرد و با چرخیدن بر پاشنه های پا عرصه را ترک گفت.

۱۱ شیطان به هنگام شروع جنگ بدر با اعلان بیزاری از کافران ، عهد خویش (یاری سپاه کفر) را گسست .

فلما تراءت الفئتان . .. قال إنی بریء منکم

۱۲ شیطان در آغاز جنگ بدر با دیدن امداد های الهی به شکست جبهه کفر مطمئن شد .

نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم إنی أری ما لاترون

۱۳ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان ، دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم إنی أری ما لاترون

۱۶ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه فرار کرد .

إنی أری ما لاترون إنی أخاف اللّه

مراد از خوف خدا (إنی أخاف اللّه) به دلیل <إنی اری ما لاترون> گرفتار شدن به چنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

صداقت تائبان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۲۱

۲۱ تأیید خداوند نسبت به واقعی بودن توبه تائبان متخلف از جنگ تبوک *

خذ من أمولهم . .. و صل علیهم ... و اللّه سمیع علیم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه را با توجه به شأن نزول معنا کنیم که مورد آن توبه متخلفان از جنگ تبوک است. از این رو احتمال می رود صفت <علیم> به این نکته اشاره داشته باشد

که خداوند صداقت آنان را در توبه دانسته و بر اساس آن فرمان به اخذ زکات و دعا داده است.

ضعف دشمنان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۳

۳ پیامبر (ص) رؤیای خویش (کمی نفرات دشمن در جنگ بدر) را برای مسلمانان بیان کرد .

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم

ضعف کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۴

۴ ضعف و ناتوانی سپاه کفر در جنگ بدر ، تأویل و تعبیر رؤیای پیامبر (ص) (کم دیدن نفرات دشمن)

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا

از منابع تاریخی مربوط به جنگ بـدر و نیز اینکه هر فرمانـدهی پیش از اقـدام به جنگ همواره در تلاش برای آگاهی به کم و کیف لشکر مقابل است، به دست می آید که پیامبر(ص) و دیگر مسلمانان از تعداد تقریبی نفرات دشمن آگاه بودند. بنابراین رؤیای پیامبر(ص) حاکی از سستی و ضعف نیروی دشمن بوده است، نه بیانگر تعداد آنان.

ضعف مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون . .. و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

ضعف مسلمانان در غزوه بدر

سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۴

۴ موقعيت ضعيف مسلمانان در جنگ بدر نسبت به موقعيت كفار

إذ أنتم بالعدوه الدنيا و هم بالعدوه القصوى

مى توان گفت هدف از بيان موقعيت مسلمانان و كفرپيشگان مكه در منطقه بدر يادآورى موقعيت بسيار ضعيف مسلمانان است. جلمه <ليهلك من هلك ... > مؤيد اين معنا مى باشد. زيرا پيروزى آنگاه دليل حقانيت مسلمانان مى شد كه شرايط ظاهرى، تضمين كننده پيروزى كافران و شكست مسلمانان بود.

ضعف مشركان در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۴۳ – ۱۳

۱۳ خداوند به دليل آگاهيش بر عوامل اطمينان بخش قلب ها و علمش به زمينه هاى سستى آفرين ، مشركان بدر را در رؤياى پيامبر (ص) اندك نمايان ساخت .

و لكن اللّه سلم إنه عليم بذات الصدور

طمع به غنايم غزوه بنى نضير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۶ – ۹

۹ – چشمداشت برخى از مسلمانان ، به داشتن سهمى در غنايم به دست آمده از بنى نضير *

و ما أفاء اللّه على رسوله منهم فما أوجفتم عليه . .. و لكنّ اللّه يسلّط رسله

بيان اين نكته كه شما مسلمانان، اسب تازى در اين جنگ نداشتيد و اين خدا بود كه اين پيروزى را فراهم ساخت، مى تواند پاسخى براى انتظارات مسلمين در تقسيم غنايم ميانشان باشد.

طوفان در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۹ - ۴،۵

۴ - برای درهم شکستن

سپاه دشمن ، در غزوه احزاب ، طوفانی عظیم برخاست .

إذ جاءتکم جنود فأرسلنا علیهم ریحًا

تنوین نکره در <ریحاً> برای تعظیم است و حکـایت از این می کنـد که بـادی که وزیـده، معمولی نبوده است; بلکه طوفانی بوده که خیمه ها را در هم می کوبیده و خار و خاشاک را در چشمان دشمن می پاشیده است.

۵ - به وجود آمدن طوفان ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن توان دشمن ، نعمتی الهی برای مسلمانان بود .

یأیّها الذین ءامنوا اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. فأرسلنا علیهم ریحًا

<فأرسلنا> بیان نعمتی است که خداوند، از مسلمانان خواسته است که به یاد آن باشند.

ظلم متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ متخلفان جنگ تبوک ، مردمی ستم پیشه

لو خرجوا . .. و اللّه علیم بالظلمین

عذاب کافران در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۹

۹ جبهه کفر در کـارزار حنین ، در پی فرود آمـدن نیرو هـای غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداونـد ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

عذاب وجدان متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۵

۵ گرفتار شدن سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک به عذاب وجدان

و ضاقت علیهم أنفسهم

عذرخواهی متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۴ – ۱،۲

۱ إخبار خداوند از اقدام توانمندان متخلف از جهاد ، به عذرتراشی پس از بازگشت مؤمنان از جنگ تبوک

یعتذرون إلیکم إذا رجعتم إلیهم

۲ مؤمنان صدر اسلام ، مأمور دست رد زدن بر سینه توانمندان متخلف از جنگ تبوک و بی اثر شمردن عذرتراشی آنان

قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم

عفو از متخلفان غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۱

۱ سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم إلیهم لتعرضوا عنهم

علایق معذوران غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۲ – ۶

۶ محروم شدن برخی از رزمندگان داوطلب ، از شرکت در جنگ تبوک ، به خاطر نداشتن امکانات رزمی (مرکب و . . .) علی رغم اشتیاق شدید آنان به جهاد

تولوا و أعینهم تفیض من الدمع حزناً ألا یجدوا ما ینفقون

عوامل پیروزی در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۶ – ۱۰

۱۰ امداد های ویژه الهی ، منشأ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر *

و أیدکم بنصره

عوامل پیروزی غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر ، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ینزل علیکم . ..

و يثبت به الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۲

۲ حركت هاى پيروزى آفرين پيامبر (ص) در جنگ بدر در حقيقت فعل الهى بود .

فلم تقتلوهم و لكن اللّه قتلهم و ما رميت

<رمى> به معناى پرتاب كردن است و در اينجا مى توانـد كنايه از تمامى حركتهايى باشد كه پيامبر(ص) در جنگ بدر انجام داد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۶

۶ توكل مسلمانان به خداوند در جنگ بدر عامل پيروزى آنان

إذ يقول المنفقون . .. و من يتوكل على اللّه فإن اللّه عزيز حكيم

عوامل پيروزى غزوه حنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۸

۸ امداد هاى الهى ، عامل اصلى پيروزى مسلمانان در جنگ حنين

ثم وليتم مدبرين. ثم أنزل اللّه سكينته ... و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذين كف

عوامل تخلف از غزوه تبوك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۲

۲ دورنمـاى مشـقت آميز و به دور از منـافع مادى جنگ تبوك ، در نظر برخى از مسـلمانان صـدر اسـلام ، عامل امتناع آنان از حضور در جنگ

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۵،۹

۵ پیکارگران احد ، به دلیل عدم توکّل برخی از آنان به خداوند ،

علی رغم تواناییشان ، شکست خوردند . *

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

یادآوری کمبود نیروی نظامی در جنگ بدر، اشاره به توانمندی آنان در مقایسه با جنگ احد است.

۹ سرزنش خداوند به پیکارگران احد که چرا علی رغم مشاهده یاری الهی در جنگ بدر ، تصمیم به سستی در کارزار احد گرفتند .

و اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

لحن آیه، حکایت از سرزنش مسلمانانی است که در جنگ احد، تصمیم به سستی و نافرمانی گرفتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۴ – ۲

۲ تقویت روحیه پیکارگران بدر و اُحد ، ز سوی پیامبر (ص)

اذ تقول للمؤمنین الن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۰ – ۱،۳،۱۹

۱ جراحت و آسیب همگون دو جبهه کفر و ایمان در پیکار اُحُد

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

۳ برابری آسیب و جراحت های وارده به مؤمنان پیکارگر احد ، با آسیب های وارد شده به کافران در جنگ بدر

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

برخی برآنند که <ان یمسسکم>، درباره جراحتهای مسلمانان در جنگ احد است و جمله <فقد مسّ القوم>، اشاره به جراحات مشرکان در جنگ بدر دارد.

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحُد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایّام . .. و لیعلم اللّه

الّذین امنوا و یتّخذ منکم شهداء

ترک لام در <و یتّخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخّص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهدآء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۷

۷ پیکار احد ، کارزاری سخت و مجسّم کننده مرگ در دیده پیکارگران مسلمان

و لقد کنتم تمنّون الموت . .. فقد رایتموه و انتم تنظرون

۱ مفسران برآنند که آیه شریفه درباره نبرد احد نازل شده است. ۲ چون خداوند از رویارویی و درگیر شدن با کافران، به دیدن مرگ تعبیر کرده است، معلوم می شود که کارزاری سخت بوده که ورود به آن، مساوی دیدن مرگ بوده است.

غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱،۳،۴،۹،۱۸

۱ یاری و مدد خداوند به مؤمنان ، در جنگ بدر

و لقد نصرکم اللّه ببدر

۳ کمبود نفرات و توانایی نظامی مؤمنان پیکارگر در جنگ بدر ، نسبت به قوای نظامی دشمن

و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

کلمه <اذلّه>، چون جمع قلّه است، اشاره به کمبود و قلّت نیروی انسانی مؤمنان دارد. و ماده ذلّت (زبونی و ناتوانی) به مناسبت مورد، حاکی از کمبود توانایی نظامی از جهت تدارکات و وسایل جنگی است.

۴ مجاهدان جنگ بدر با نداشتن ساز و برگ کافی در مقابل دشمنان ، توانستند با ایمان و توکّل به خدا بر آنان پیروز شوند

.

و على اللّه فليتوكّل المؤمنون. و لقد نصركم اللّه ببدر و انتم اذلّه

جمله <و لقد نصركم اللّه ببدر>، می تواند نمونه ای باشد از حقیقت بیان شده در آیه قبل; یعنی عامل نصرت شما در بدر، توكّل شما بر خداوند بود.

۹ سرزنش خداوند به پیکارگران احد که چرا علی رغم مشاهده یاری الهی در جنگ بدر ، تصمیم به سستی در کارزار احد گرفتند .

و اذ همّت طائفتان منكم ان تفشلا . .. و لقد نصركم اللّه ببدر و انتم اذلّه

لحن آیه، حکایت از سرزنش مسلمانانی است که در جنگ احد، تصمیم به سستی و نافرمانی گرفتند.

۱۸ تقوای مؤمنان پیکارگر بدر ، موجب برخورداری آنان از نصرت الهی

و لقد نصركم اللّه ببدر و انتم اذلّه فاتّقوا اللّه لعلّكم تشكرون

بنابر اینکه جمله <فاتّقوا اللّه>، تفریع برای <و لقد نصركم اللّه ببدر> باشد. یعنی عامل پیروزی و جلب نصرت الهی در جنگ بدر، همان تقوای ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۲

۲ تقویت روحیه پیکارگران بدر و اُحد ، ز سوی پیامبر (ص)

اذ تقول للمؤمنين الن يكفيكم ان يمدّكم ربّكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۳

۳ برابری آسیب و جراحت های وارده به مؤمنان پیکارگر احد ، با آسیب های وارد شده به کافران در جنگ بدر

ان يمسسكم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

برخی برآنند که <ان يمسسكم>، درباره جراحتهای مسلمانان در جنگ احد است و جمله <فقد مسّ القوم>، اشاره به

جراحات مشرکان در جنگ

بدر دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۳ – ۱

۱ شهادت طلبی برخی مؤمنان صدر اسلام پس از جنگ بدر و نگرانی و حیرت آنها به هنگام بروز جنگ احد

و لقد کنتم تمنّون الموت من قبل ان تلقوه فقد رایتموه و انتم تنظرون

غزوه بدر صغرا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۴ – ۸،۱۲،۱۳

۸ وعده خداوند به مصونیت جامعه ایمانی از آسیب مشرکان مکّه در صورت شرکت مسلمانان در جنگ بدر (بدر صغرا)

فقاتل . .. و حرّض المؤمنین عسی اللّه ان یکفّ بأس الّذین کفروا

۱۲ امتناع و کوتاهی مسلمین از شرکت در غزوه بدر صغرا

فقاتل فی سبیل اللّه . .. و حرّض المؤمنین عسی اللّه

قابل ذکر است که مورخین از این غزوه به نامهای مختلفی بدر الصغراء، بدر الموعد، بدر الآخره و بدر الاخیره یاد کرده اند.

۱۳ مقطع زمانی جنگ احد تا بدر صغرا ، برهه ای دشوار برای پیامبر اکرم (ص)

بیّت طائفه منهم . .. اذاعوا به ... فقاتل فی سبیل اللّه لا تکلّف الّا نفسک

با توجّه به مجموع آیات و شأن نزول.

غزوه بدر و کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۳ – ۷

۷ کافران در جنگ بدر ، نیرو های رزمنده مسلمان را دو برابر نیرو های خودشان می دیدند .

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

بنابراینکه ضمیر فاعلی در <یرون> به مشرکین برگردد و ضمیر مفعولی <هم> به مسلمین و ضمیر مجرور <هم> در

<مثلیهم> به مشرکین برگردانده شود.

غزوه تبوک در گرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ وقوع جنگ تبوک در شدت گرما

لاتنفروا فی الحر

غنایم غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۴

۴ مسلمانان در جنگ بدر به غنایمی چشمگیر دست یافتند .

یسئلونک عن الأنفال

حساس شدن مسلمانان نسبت به انفال و غنایم جنگی و پرسش مکرر آنان و بازتاب آن در آیه نشانگر فراوانی غنایم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۸

۸ غنایم جنگ بدر ، از روزی های پاکیزه که خداوند مسلمانان صدر اسلام را از آن بهره مند ساخت . *

و رزقکم من الطیبت

از مصادیق مورد نظر برای <الطیبت>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث پس از بیان جنگ بدر، غنایم جنگی است.

غنایم غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱،۲،۳

۱ - غنایم غزوه بنی نضیر ، موهبت الهی به پیامبر (ص)

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم

آیه شریفه در ادامه مسائل غزوه بنی نضیر است.

۲ - برجای ماندن اموال و امکانات بنی نضیر ، پس از تبعید آنان از مدینه

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم

۳ - دستیابی مسلمانان به غنایم و امکانات بنی نضیر ، بدون جنگ و درگیری

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم فما أوجفتم علیه من خیل و لا رکاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۷ – ۲

۲ – حکم < فیء > شامل همه غنایم به دست آمده بدون جنگ و نبرد ، و غیر مختص به غنیمت های بنی نضیر

ما أفاء اللّه علی رسوله من أهل القری

جمع آمدن واژه <قری>، می رساند که حکم <فیء> اختصاص به غنایم بنی نضیر ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۹ – ۲

۲ – برخورداری برخی از انصار ، از غنایم بنی نضیر

و الذین تبوّءو الدار

در صورتی که <والذین تبوّءو. ..> عطف بر <المهاجرین> باشد، از آیه استفاده می شود که علاوه بر مهاجران؛ برخی از انصار نیز سهمی از غنایم بنی نضیر بردند.

غنایم غزوه خیبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۵ – ۳،۴

۳ – وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

۴ – غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه

بـدان اقـدام کردنـد و در پی آن خداونـد نویـد غنـایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۲

۲ - غنایم سرشار خیبر ، موهبت الهی به پیروزمندان آزمون حدیبیه

یبایعونک . .. و مغانم کثیره یأخذونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴،۵،۷،۲۱

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

۵ - خداوند ، مؤمنان را به فتوحات و غنایمی علاوه بر فتح خیبر و غنایم آن ، نوید داد .

وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم هذه

در صورتی که <هذه> به فتح خیبر اشاره داشته باشد; واژه <عجّل> می رساند که فتح خیبر، پیش درآمد فتح های دیگر و غنایم فزون تری است.

۷ - امتنان الهی بر مؤمنان ، با رساندن ایشان به غنایم خیبر و کوتاه ساختن دست دشمنان از آنان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

۲۱ - < عن علیّ . . . قـال : فی قوله تعـالی < وعـدکم اللّه مغـانم کثیره > . . . < تأخـذونها > . . . < فعجّل لکم . . . > من ذلک خیبر ;

از علی(ع) . .. روایت شده که درباره قول خدای تعالی <وعدکم اللّه

مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم> فرمود: از میان غنایم فراوانی که خداوند به شما وعده داده بود خیبر را زودتر به شما داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه بر غنایم خیبر

و أخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیه قبل در زمینه غنایم خیبر بوده; واژه <أخری> در مقایسه با غنایم خیبر به کار رفته است.

فرار از غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ فرار مسلمانان در جنگ حنین پس از قرار گرفتن در تنگنای نبرد ، علی رغم کثرت غرورآفرینشان

و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱،۲

۱ نزول آرامش روحی از جانب خداوند بر رسول اکرم (ص) و مؤمنان در جنگ حنین ، پس از فرار مسلمانان

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۲ نگرانی پیامبر (ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله

فرار منافقان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۱

۱ – منافقـان حاضـر در صـحنه غزوه احزاب ، و مصـمم به فرار از آن ، پیش تر در غزوه اُحـد تعهـد کرده بودنـد که از جهاد با دشمن

نگریزند .

و لقد کانوا عهدوا اللّه من قبل لایولّون الأدبر

مرجع ضمیر در <کانوا> گروهی از منافقان اند که در غزوه اُحد ترسیدند و تصمیم به فرار گرفتند، ولی عهد کردند که دیگربار چنین نکنند.

فرجام غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۹

۹ - غزوه احزاب ، بدون درگیری نظامی عمده ، به سود مسلمانان پایان یافت .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا و کفی اللّه المؤمنین القتال

فرجام متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۱

۱ گروهی از متخلفان جنگ تبوک ، دارای سرنوشتی مبهم از جهت پذیرش و عدم پذیرش توبه آنان از جانب خداوند

و ءاخرون . .. إما یعذبهم و إما یتوب علیهم

در آیات گذشته از دو گروه از متخلفان جنگ یاد شده است. ۱ گروهی خائن با گناهی غیر قابل بخشش ; ۲ گروهی خطارکار و حقیقه نادم که خداوند به آنان وعده غفران داد و اکنون در این آیه سخن از گروه سوم است که به دلیل سنگینی گناه یا تأخیر و کوتاهی در اعتراف و ... سرنوشتی مبهم دارند.

فرمانده غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۹

۹ - پیامبراکرم (ص) فرمانده و تصمیم گیر اصلی در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ

فضایل مجاهدان غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۱ – ۱۷

۱۷

مجاهدین بدر ، مورد توجه و عنایت خاص خداوند بودند .

و لتطمئن به قلوبکم . . یغشیکم ... ینزل علیکم ... لیطهّرکم

فلسفه غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۸

۸ پیاده شدن حق و ریشه کن شدن بنیان کافران ، هدف از فرمان خداوند به نبرد با مشرکان مکه در بدر

و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ خداوند به منظور تبیین حقانیت توحید و رسالت پیامبر (ص) ، جنگ بدر را تحقق بخشید و مسلمانان را به پیروزی رسانید .

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

قبول توبه متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱۲

۱۲ پذیرش توبه سه مسلمان متخلف جنگ تبوک ، از سوی خداوند

و علی الثلثه الذین خلّفوا . .. ثم تاب علیهم لیتوبوا إن اللّه هو التواب

قصه غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۲،۳

۲ ترغیب مجاهدان صدر اسلام به تعقیب لشکریان دشمن ، پس از نبرد احد

و لاتهنوا فی ابتغاء القوم

گفته شده که آیه پس از نبرد احد نازل شد تا مسلمانان را به تعقیب لشکریان ابوسفیان ترغیب کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

۳ آسیب ها و صدمات متقابل مجاهدان و کافران در نبرد احد

ان تکونوا تألمون

فانهم یألمون

بنابر آنچه در شأن نزول آیه آمده، مراد از آسیبهای متقابل، مسائلی است که در جنگ احد پیش آمد.

قصه غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۹ - ۲،۴،۵،۶

۲ - مورد هجوم قرار گرفتن مسلمانان در مدینه از سوی لشگر دشمن در غزوه احزاب

اذکروا نعمه اللّه علیکم إذ جاءتکم جنود

مفسران بر این نکته اتفاق نظر دارند که این آیه، درباره غزوه احزاب نازل شده است. مراد از <جنود> گروه های مشرک و یهودیان اند که در یک تصمیم جمعی، متحد شدند و جهت درهم کوبیدن مسلمانان، به مدینه هجوم بردند.

۴ - برای درهم شکستن سپاه دشمن ، در غزوه احزاب ، طوفانی عظیم برخاست .

إذ جاءتکم جنود فأرسلنا علیهم ریحًا

تنوین نکره در <ریحاً> برای تعظیم است و حکایت از این می کند که بادی که وزیده، معمولی نبوده است; بلکه طوفانی بوده که خیمه ها را در هم می کوبیده و خار و خاشاک را در چشمان دشمن می پاشیده است.

۵ - به وجود آمدن طوفان ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن توان دشمن ، نعمتی الهی برای مسلمانان بود .

یأیّها الذین ءامنوا اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. فأرسلنا علیهم ریحًا

<فأرسلنا> بیان نعمتی است که خداوند، از مسلمانان خواسته است که به یاد آن باشند.

۶ - خداوند ، در غزوه احزاب نیرویی نامرئی ، به کمک مسلمانان فرستاد .

فأرسلنا علیهم . .. و جنودًا لم تروها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۱۱،۱۳،۱۴

۱ - مسلمانان مدینه ، از ناحیه بالا و پایین

مدینه ، در محاصره دشمن (احزاب متّحد) قرار گرفتند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

۲ - احزاب متّحد ، در جنگ علیه مسلمانان ، جمعیتی فراوان داشتند .

إذ جاءتکم جنود . .. إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

<جنود> جمع <جند> است و دلالت بر چندین سپاه می کند. آمدن نیروها از بالا دست مدینه و پایین دست آن نیز مؤید این نکته است; زیرا آنان دارای جمعیتی چشمگیر بوده اند که توانسته اند نیروهایشان را در اطراف مدینه مستقر کنند.

۳ - ائتلاف احزاب مختلف و لشگرکشی آنان علیه مسلمانان مدینه و شکست شان ، شایسته یادآوری است .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

<إذ جاءوکم> عطف بر <إذ جاتکم> در آیه پیش و متعلق فعل <اُذکروا> در همان آیه است.

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

۵ - هجوم احزاب متّحد به سوی مدینه ، باعث وحشت و نگرانی مسلمانان شد .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر

<زاغت الأبصار> می تواند کنایه از به وجود آمدن آن چنان وحشتی باشد که چشم شخص، قدرت دید و تشخیص را از دست می دهد.

۸ - هجوم احزاب

متّحد به مدینه ، برای درهم شکستن مسلمانان ، مسلمانان را به قدری وحشت زده کرد که همانند افراد محتضر شدند .

إذ جاءوكم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

مراد از به حنجره رسیدن قلب ها، خفگی و به حال مرگ افتادن است.

۱۱ - ایّام هجوم احزاب متّحد به مدینه ، روزهایی بس سخت و نگران کننده برای مسلمانان بود .

إذ جاءوكم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

۱۳ - پس از محاصره مدینه از سوی احزاب متّحد ، ظنّ و گمان های گوناگونی درباره خدا ، در میان مردم مسلمان پدید آمد .

إذ جاءوكم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

<ظنون> مفعول مطلق عددی است و <ال > در آن، برای جنس است. جمع آورده شدن <ظنون > همراه با <ال> دلالت بر تعدد و گوناگونی می کند.

۱۴ - عارض شدن بدگمانی به خدا در مسلمانان ، در پیِ هجوم احزاب متّحد به مدینه

إذ جاءوكم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

احتمال دارد که مخاطب فعل <تظنّون> مسلمانان باشند و یکی از احتمال های <الظنونا> بدگمانی باشد. آیات بعدی می تواند قرینه ای بر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - هجوم احزاب متّحد به مدینه ، وسیله امتحان مسلمانان آن دیار بود .

هنالك ابتلی المؤمنون

۲ - مسلمانان مدینه ، با هجوم احزاب متّحد به آنان ، دچار اضطراب و تزلزل شدید شدند .

و زلزلوا زلزالاً شدیدًا

۳ - مسلمانان مدینه ، با هجوم احزاب متّحد ، در شرایط سختی قرار گرفتند .

و زلزلوا زلزالاً شديدًا

جلد

- نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۱

۱ - منافقان ، همسو با احزاب متّحد ، در غزوه احزاب براى درهم شكستن روحيه مسلمانان فعاليت مى كردند .

إذ جاءتكم جنود . .. و إذ يقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه ... إلاّ غرورًا

فعل مضارع <يقول> بر تداوم كار منافقان دلالت مى كند كه از آن، به <فعاليت> تعبير مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۹

۱ - عده اى از منافقان ، مسلمانان شركت كننده در غزوه احزاب را ، به ترك جهاد وسوسه مى كردند .

و إذ قالت طائفه منهم يأهل يثرب لامقام لكم فارجعوا

۲ - منافقان براى ماندن مسلمانان به همراه پيامبر (ص) در غزوه احزاب باتوجه به هجوم دشمن وجهى منطقى قائل نبودند و آنان را به ترك غزوه ، دعوت مى كردند .

قالت طائفه منهم يأهل يثرب لامقام لكم فارجعوا

۳ - منافقان مدينه ، به مسلمانان وانمود كردند كه شكست شان در غزوه احزاب حتمى است .

و إذ قالت طائفه منهم يأهل يثرب لامقام لكم فارجعوا

۴ - منافقان ، به نفع جبهه احزاب متّحد ، براى درهم شكستن جبهه مسلمانان ، فعاليت تبليغاتى داشتند .

و إذ قالت طائفه منهم يأهل يثرب لامقام لكم فارجعوا

۵ - منافقان ، در غزوه احزاب ، براى وادار كردن مؤمنان به ترك اسلام و روى آوردن به كفر ، تلاش مى كردند .

يأهل يثرب لامقام لكم فارجعوا

برداشت بالا، بر اين احتمال است كه مراد از <لامقام لكم> ماندن در دين رسول اللّه

و مراد از <فارجعوا> دعوت به رجوع به کفر باشد.

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود(مفردات راغب).

۹ - پیامبراکرم (ص) فرمانده و تصمیم گیر اصلی در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ

۱۰ - در سپاه مسلمانان ، به هنگام غزوه احزاب ، نظمی استوار ، حاکم بود . به گونه ای که منافقان نیز خود را ملزم به رعایت آن می دانستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلاّ فر

۱۲ - خانه و کاشانه مجاهدان شرکت کننده در غزوه احزاب ، خلل ناپذیر و دارای استحکام بود .

یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره

۱۹ - منافقان ، پیشگامان تزلزل و اضطراب و فرار از غزوه احزاب بودند .

هنالك ابتلی . .. و زلزلوا زلزالاً ... و إذ یقول المنفقون ...إنّ بیوتنا عوره ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۴ - ۳،۶

۳ - منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، در صورت حضور در داخل خانه هایشان و هجوم دشمن ، از

آن دفاع نمی کردند .

يقولون إنّ بيوتنا عوره . .. و لو دخلت عليهم من أقطارها ثمّ سئلوا الفتنه لأتوها

۶ - تزلزل منافقان مدینه در غزوه احزاب ، ناشی از بی ایمانی آنان بود .

و يستئذن فريق منهم . .. يقولون إنّ بيوتنا عوره ... إن يريدون إلاّ فرارًا ... ثمّ

<ثمّ سئلوا الفتنه> دلالت می کند که آنان، با درخواست شرک، آن را قبول می کردند. چنین امری اشعار دارد که استیذان در ترک جهاد و بهانه جویی برای فرار، ناشی از بی ایمانی و تزلزل در عقیده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۱

۱ - منافقان حاضر در صحنه غزوه احزاب ، و مصمم به فرار از آن ، پیش تر در غزوه اُحد تعهد کرده بودند که از جهاد با دشمن نگریزند .

و لقد كانوا عهدوا اللّه من قبل لايولّون الأدبر

مرجع ضمیر در <کانوا> گروهی از منافقان اند که در غزوه اُحد ترسیدند و تصمیم به فرار گرفتند، ولی عهد کردند که دیگربار چنین نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۲

۲ - تلاش شدید منافقان مدینه ، برای بازداشتن مسلمانان از جهاد در غزوه احزاب

و إذ قالت طائفه منهم . .. لامقام لكم فارجعوا ... قد يعلم اللّه المعوّقين منكم

تضعیف <عوّق> برای بیان شدت و غلظت بازدارندگی، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۳

۳ - منافقان مدینه ، به هنگام خبردار شدن از وقوع جنگ احزاب ، به قدری

می ترسیدند که چشمان شان بی اختیار ، به چرخش می افتاد .

فإذا جاء الخوف رأیتهم ینظرون إلیک تدور أعینهم کالذی یغشی علیه من الموت

مراد از <الخوف> به قرینه بحث جهاد و هجوم دشمن، خبر جنگ و قتال است که برای منافقان بسیار ترس آور بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۹

۹ - مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب ، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (ص) برای جهاد بودند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب . .. و ما زادهم إلّا إیمنًا و تسلیمًا

ممکن است <تسلیماً> به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الگو بودن پیامبر(ص)) تسلیم بودن به امر پیامبر(ص) برای جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۹

۹ - غزوه احزاب ، بدون درگیری نظامی عمده ، به سود مسلمانان پایان یافت .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا و کفی اللّه المؤمنین القتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - گروهی از یهود بنی قریظه ، به اسارت سپاه مسلمانان در آمدند .

و تأسرون فریقًا

قصه غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۴

۴ مسلمانان در جنگ بدر به غنایمی چشمگیر دست یافتند .

یسئلونک عن الأنفال

حساس شدن مسلمانان نسبت به انفال و غنایم جنگی و پرسش مکرر آنان و بازتاب آن در

آیه نشانگر فراوانی غنایم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۱،۲،۳،۸

۱ پیامبر (ص) برای نبرد با مشرکان مکه از مدینه به سوی بدر حرکت کرد .

أخرجک ربک من بیتک بالحق

با توجه به آیات بعد معلوم می شود مراد از جمله <أخرجک . .. >، خروج پیامبر(ص) برای جنگ بدر بوده است.

۲ فرمان خداوند و تقدیر او ، عامل حرکت پیامبر (ص) به سوی جنگ بدر

أخرجک ربک من بیتک بالحق

اسناد <أخرجک> به <ربک> می رساند که حرکت پیامبر(ص) به فرمان و تقدیر الهی بوده است، نه تصمیمی از جانب خود آن حضرت.

۳ تقدیر خداوند بر وقوع جنگ بدر ، در جهت تدبیر امور پیامبر (ص) و در راستای پیشبرد رسالت وی

أخرجک ربک من بیتک بالحق

<رب> به معنای مدبر و مربی است و اضافه آن به <ک> در جمله <کما أخرجک ربک> می رساند که از اهداف تقدیر الهی بر خروج پیامبر(ص)، تدبیر امور وی بوده که طبعاً برای تکمیل رسالت او بوده است.

۸ حکم خداوند درباره انفال ، حکمی حق و همانند حقانیت فرمان او به خروج از مدینه برای جنگ بدر

قل الأنفال للّه و الرسول . .. کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۰

۱۰ قضایای جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، نعمتی بزرگ و شایسته و بایسته به یاد داشتن و شامل درسهایی از توحید

إذ یعدکم اللّه إحدی الطائفتین أنها لکم

مقصود از فرمان خداوند

به یادآوری قضایای بدر، یادآوری حاکمیت خداوند بر عوامل طبیعی است. زیرا نیروی برتر و غیر قابل مقایسه مشـرکان نسبت به مسـلمانان اقتضا می کرد که مشرکان پیروز شوند ; ولی تقدیر خداوند بر این بود که پیروزی از آن مسلمانان باشد ; و چنین شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۸

۸ حضور هزار فرشته در جنگ بدر ، که هر یک فرشته و یا فرشتگانی به دنبال خویش داشتند .

بألف من الملئکه مردفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۱

۱ نقش ملائکه در جنگ بدر ، تنها بشارت به پیروزی و اطمینان دادن به مؤمنان بود ، و نه اقدامی عملی در قتل مشرکان .

و ما جعله اللّه إلا بشری و لتطمئن به قلوبکم

ضمیر در <جعله> و <به> به امداد که از <أنی ممدکم> اسـتفاده می شود، برمی گردد و کلمه <بشـری> مفعولٌ له برای <جعل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱،۲،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۳،۱۴،۱۸،۱۹

۱ آرامش روحی مجاهدان پیش از جنگ بدر ، موجب فراگیری خوابی سبک بر تمامی آنان

إذ تستغیثون . .. إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

<غشـاوه> به معنـای احـاطه است و فعـل <یغشـیکم>، از بـاب تفعیل، دلالت بر کثرت احاطه دارد. می توان گفت نمود آن کـثرت، فراگیری خـواب بر تمـامی افراد بـوده است. کلمه <أمنه>، که به معنـای نبـودن ترس است، مفعـولٌ له حصـولی برای <یغشیکم> است. یعنی به علت اینکه آرامش یافتید، خواب شما را فراگرفت

خداوند در آستانه جنگ بدر با رفع اضطراب از مجاهدان ، آنان را از آرامشی کامل بهره مند ساخت .

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

۵ استراحت و آرامش روحی مجاهـدان و فراگیری خواب بر آنان در آسـتانه جنگ بدر ، نعمتی الهی بر ایشان و شایسـته به یاد داشتن

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

۶ خداوند در آستانه جنگ بدر مسلمانان را از نعمت باران بهره مند ساخت .

و ینزل علیکم من السماء ماء

۷ فراهم شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست ها و قذارت ها ، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم به

ذکر نشـدن متعلق <یطهرکم> حکـایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاسـتهای ظـاهری و بـاطنی). یعنی خداونـد باران را فرو فرستاد تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و دیگران وضو بسازند.

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهّرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لاـم در <یـذهب> بیـانگر این است که <یـذهب . .. > مـترتب بر <لیطهرکم ... > است. و تنـاسب تطهیر بـا برطرف شـدن رجز شـیطان اقتضـا می کنـد که مراد از رجز شـیطان وسـوسه هـایی باشـد که شـیطان بر اثر نبودن آب برای طهـارت در مجاهدان ایجاد می کرده است.

۱۰ نزول باران در آستانه جنگ بدر برای تطهیر مجاهدان ، زمینه ساز برطرف شدن نگرانی ها و

وسوسه های ایجاد شده از سوی شیطان

و ینزل علیکم . .. و یذهب عنکم رجز الشیطن

۱۳ تقویت دل های مجاهدان با مشاهده امداد های حسی ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

و ینزل علیکم . .. لیربط علی قلوبکم

<ربط علی قلبه> یعنی دلهای آنان را استحکام بخشید، و این کنایه از ایجاد شهامت و شجاعت است. گفتنی است تناسب نزول باران با استحکام دلها برای نبرد این است که مجاهدان در زمانی که نیاز فراوان به آب دارند با نزول باران، امداد الهی را لمس کرده و بدان یقین کنند.

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر ، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ینزل علیکم . .. و یثبت به الأقدام

۱۸ استحکام اردوگاه مسلمانان و استواری گام های آنان بر شنزار محل اقامتشان ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم . .. و یثبت به الأقدام

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الاقدام> گامهای مجاهدان باشد. بنابراین <و یثبت به الاقدام> یعنی هدف از نزول باران این بود که خداوند گامهای شما را استوار سازد و از لغزش و فرو رفتن در شنزارها بازدارد.

۱۹ خداوند با تقویت دل های مجاهدان بدر آنان را برای رویارویی با مشرکان ثابت قدم ساخت .

لیربط علی قلوبکم و یثبت به الأقدام

<یثبت به الأقدام> در عین اینکه بیانگر هدفی از اهداف نزول باران است، نبودن <لام> در آن می رساند که این هدف به دنبال <لیربط علی قلوبکم> حاصل می شود. بنابراین می توان گفت ضمیر در <به> به استحکام قلوب، که

از <لیربط علی قلوبکم> استفاده می شود، برمی گردد. قابل ذکر است که در برداشت فوق ثبات قدم (یثبت به الأقدام) به معنای کنایی آن (پایداری و عزم راسخ) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۱،۲،۳،۶،۸،۹

۱ خداوند با وحی به فرشتگان حاضر در کارزار بدر ، آنان را از پشتیبانی خویش در ثبات بخشیدن به مجاهدان آگاه ساخت .

إذ یوحی ربک إلی الملئکه أنی معکم فثبتوا الذین

۲ ایجاد پایداری در مجاهدان ، فرمان خداوند به فرشتگان گسیل شده به جنگ بدر

إذ یوحی ربک إلی الملئکه أنی معکم فثبتوا الذین

۳ تنها پیامبر (ص) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود .

إذ یوحی ربک إلی الملئکه

چنانچه <إذ>، متعلق به <اذکر> باشد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر(ص) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

۶ رعب و وحشت کافران در جنگ بدر ، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إلیه (الکافرین) است و مراد از <فوق الأعناق> سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ... > یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت

دارد، فرشتگان هستند.

۹ خداوند ، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سر های کافران و از کار انداختن پنجه های آنان ، تهییج کرد .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا . .. > متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله اللّه إلا بشری> در آیه دهم، که مسؤولیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لکن اللّه قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم . .. > متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد ; یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲،۶

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند .

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر ، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۶ – ۱۰

۱۰ امداد های ویژه الهی ، منشأ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر *

و أیدکم بنصره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۱،۳،۴،۵،۷،۸،۱۰

۱ سپاه اسلام و سپاه شرک در آستانه جنگ بدر ، هر کدام در سویی از دره واقع در منطقه بدر مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه

<عُدْوه> به معنای کناره و دامنه وادی است و وادی به زمینی که بین دو کوه و دو تپه قرار دارد گفته می شود و هر وادی دارای دو عدوه و کناره است. تکرار کلمه <عدوه> در آیه شریفه حکایت از آن دارد که سپاه اسلام در یک سوی دامنه و سپاه کفر در دامنه دیگر استقرار داشتند.

۳ مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

۴ موقعیت ضعیف مسلمانان در جنگ بدر نسبت به موقعیت کفار

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

می توان گفت هدف از بیان موقعیت مسلمانان و کفرپیشگان مکه در منطقه بدر یادآوری موقعیت بسیار ضعیف مسلمانان است. جلمه <لیهلك من هلك ... > مؤید این معنا می باشد. زیرا پیروزی آنگاه دلیل حقانیت مسلمانان می شد که شرایط ظاهری، تضمین کننده پیروزی کافران و شکست مسلمانان بود.

۵ قافله تجاری قریش به هنگام استقرار سپاهیان بدر ، در مسیری پایینتر از سپاه اسلام در حرکت بودند .

و الرکب أسفل منکم

کلمه <رکب> جمع راکب و به معنای سواران است و مقصود از آن

به گفته اهل تفسیر کاروان تجاری قریش است. تعبیر از کاروان تجاری به <سواران> می تواند اشاره به حرکت سریع آنان برای فرار از مسلمانان باشد.

۷ رویارویی دو سپاه بدر در زمانی مشخص ، حتی با برنامه ریزی طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

کلمه <میعاد> می تواند اسم زمان به معنای زمان قرار، و می تواند اسم مکان به معنای جایگاه قرار باشد. و مراد از <تواعد> وعده مسلمانان با اهل مکه است ; یعنی <و لو تواعدتم أنتم و اهل مکه ... > که در برداشت به برنامه ریزی طرفین تعبیر شد.

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

و لکن لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱،۳،۸

۱ پیامبر (ص) پیش از جنگ بدر سپاه دشمن را در رؤیاهایی متعدد ، اندک دید .

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا

فعل مضارع <یُری> دلالت بر تکرار رؤیای پیامبر(ص) در مورد اندک دیدن سپاه دشمن دارد.

۳ پیامبر (ص) رؤیای خویش (کمی نفرات دشمن در جنگ بدر) را برای مسلمانان بیان کرد .

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم

۸ پیامبر (ص) در صورتی که کافران بدر را در رؤیای خویش لشکری بزرگ می دید ، مسلمانان در تصمیم

بر نبرد سست شده و بر سر آن اختلاف می کردند .

و لو أریکهم کثیرا لفشلتم و لتنزعتم فی الأمر

<فی الأمر> متعلق به <لتنزعتم> و نیز <فشلتم> است و <ال> در آن عهدیه و اشاره به جنگ بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۱،۳،۴،۵،۸

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت .

و إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا

۳ تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تقدیر شده

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

<أمراً> به معنای کار است و مراد از آن تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد می باشد. فعل <کان> دلالت می کند که ثبوت خبر <مفعولا> برای اسمش (تحقق جنگ بدر) از دیرباز تحقق پیدا کرده بود. و تحقق جنگ بدر از دیرباز، به قرینه <لیقضی>، به معنای تقدیر آن است. بنابراین <لیقضی اللّه ... > یعنی تا انجام پذیرد کاری که از پیش تقدیر شده بود.

۴ وقوع جنگ بدر با فرجام پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، هدف از تصرف خداوند در دید هر یک از دو سپاه و کم نمایاندن هر یک در نظر دیگری

إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا . .. لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

۵ خداوند تحقق دهنده جنگ بدر و پیروزکننده مسلمانان در آن نبرد

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

۸ کم نمایاندن هر یک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر یکدیگر ، امری

شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا و یقللکم فی أعینهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذا> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۳

۳ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لاتکونوا کالذین خرجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۴،۸،۱۰،۱۴،۱۶،۱۹

۴ شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

و قال لا غالب لکم الیوم من الناس

۸ تجسم شیطان برای کافران مکه ، قبل از جنگ بدر

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

۱۰ شیطان به هنگام رویارویی دو لشکر کفر و ایمان از کارزار بدر عقب نشینی کرد .

فلما تراءت . .. نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم

<نکص> به معنای خودداری کردن است و چون با <علی> متعدی شده معنای رجوع در آن تضمین شده است. <عقب> به پاشنه پا گفته می شود ; یعنی شیطان از نبرد خودداری کرد و با چرخیدن بر پاشنه های پا عرصه را ترک گفت.

۱۴ شیطان در آستانه جنگ بدر ، فرشتگان امدادگر الهی را به روشنی مشاهده کرد .

إنی أری ما لاترون

به قرینه آیه ۹ و ۱۲ از همین سوره می توان گفت مراد از <ما لاترون> فرشتگانی بودند که برای امداد لشکر ایمان در کارزار بدر حاضر شدند.

۱۶ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه

فرار کرد .

إنی أری ما لاترون إنی أخاف اللّه

مراد از خوف خدا (إنی أخاف اللّه) به دلیل <إنی اری ما لاترون> گرفتار شدن به چنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

۱۹ شکست کافران جنگ بدر نمودی از عقوبت شدید خداوند برای آنان

و اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱،۲

۱ جبهه ایمان در کارزار بدر ، متشکل از مؤمنان متکی بر خدا ، عناصری منافق و گروهی سست ایمان

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. و من یتوکل علی اللّه

<مرض> به معنای بیماری است و مقصود از آن در اینجا به این دلیل که در مقابل نفاق قرار گرفته، تردید در حقانیت دین است که از آن می توان به ضعف ایمان تعبیر کرد. جمله <و من یتوکل علی اللّه> اشاره به گروه سوم، یعنی مؤمنان حقیقی و راستین، دارد.

۲ حضور مؤمنان واقعی درکارزار بدر ، در مقابل دشمنی به مراتب قویتر ، برخاسته از پایبندی آنان به اسلام ، حتی در دیدگاه منافقان و سست ایمانها

إذ یقول المنفقون . .. غر هؤلاء دینهم

<غر هؤلاء دینهم> که سخن منافقان و سست ایمانهاست، بیانگر این است که آنان نیز حضور مؤمنان در کارزار بدر برخاسته از اندیشه دینی ایشان می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۶

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

کدأب ءال فرعون . .. فأهلکنهم بذنوبهم

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۶ – ۵

۵- جنگ بدر ، میدان انتقام الهی از مشرکان و ضربه ای سخت و شکننده بر جبهه شرک *

یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

طبق نظر مفسران، ممکن است این آیه نظر به جنگ بدر داشته باشد. این در صورتی است که عذاب ذکر شده در آیات پیشین را عذاب دنیوی بدانیم.

قصه غزوه بنی نضیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۵ – ۲

۲ – قطع بعضی از نخل ها و بر جای نهادن برخی دیگر در غزوه بنی نضیر از سوی مسلمانان ، به اجازه خداوند بود .

ما قطعتم من لینه أو ترکتموها قائمه علی أصولها فبإذن اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۶ – ۳

۳ – دستیابی مسلمانان به غنایم و امکانات بنی نضیر ، بدون جنگ و درگیری

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم فما أوجفتم علیه من خیل و لا رکاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۲ – ۳

۳ – موضع مسلمانان در مقطع غزوه بنی نضیر ، موضعی برتر نسبت به یهود

لئن أُخرجتم . .. و إن قوتلتم ... لئن أُخرجوا ... و لئن قوتلوا

در این آیات، همواره از موضع آسیب پذیر یهود، سخن به میان آمده است; زیرا مسأله اخراج و جنگ نه از سوی ایشان بلکه علیه آنان یاد شده است. پس معلوم می شود که آنها در موضعی نبوده اند که بخواهند اقدام به جنگ کنند.

غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۴

۴ بروز نوعی سستی میان گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، برای رفتن به جنگ تبوک

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا . .. اثّاقلتم إلی الأرض

این بخش از آیات، چنانکه برخی از مفسران گفته اند، مربوط به جنگ تبوک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۳،۸،۹

۳ پیمودن مسافت مدینه تا تبوک به دلیل دوری راه ، برای برخی افراد (منافقان) دشوار می نمود .

و لکن بعدت علیهم الشقه

<شقه> به معنای سختی و مشقت و کنایه از مسافت است; یعنی، به نظر آنان (منافقان)راه میان مدینه و تبوک راهی طولانی و پیمودن آن طاقت فرساست.

۸ إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

۹ إخبار خداوند به بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان از جنگ تبوک

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه، قبل از رسیدن مسلمانان به سرزمین تبوک نازل شده باشد که در این صورت، إخبار خداوند به عذرخواهی متخلفان، گویای بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۲

۲ متخلفان از جنگ تبوک ، گروهی بی ایمان بودند .

عفا اللّه عنك لم أذنت لهم . .. لايستئذنك الذين يؤمنون باللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۷

توبه - ۹ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برخوردار از امکانات لازم برای شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۲ تصمیم قطعی متخلفان جنگ تبوک بر ترک جهاد

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۳ فراهم نکردن مقدمات جهاد ، دلیل دروغگویی متخلفان جنگ تبوک و عزم قطعی آنان بر عدم شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۴ کراهت و ناخوشایندی خداوند ، از برانگیختن و موفق ساختن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برای شرکت در آن

و لکن کره اللّه انبعاثهم فثبطهم و قیل اقعدوا مع القعدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۶،۸،۱۲،۱۴

۶ متخلفان جنگ تبوک در صورت شرکت در آن جنگ ، جز نفوذ در میان صفوف لشکر اسلام به منظور فتنه جویی ، نقشی دیگر نداشتند .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

۸ منافقان ، دارای جاسوسانی در میان رزمندگان جنگ تبوک

و فیکم سمعون لهم

<سمّاع> می تواند کنایه از جاسوس باشد; یعنی، در میان شما کسانی هستند که به نفع منافقان خبرچینی می کنند.

۱۲ ماهیت فسادانگیز و فتنه جویانه متخلفان جنگ تبوک ، دلیل کراهت و ناخوشایندی خداوند از شرکت آنان در جنگ

و لکن کره اللّه انبعاثهم . .. لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا ... یبغونکم الفت

۱۴ دلداری خداوند به مؤمنان ، به منظور رفع نگرانی آنان ، به دنبال تخلف کردن گروهی از شرکت در جنگ تبوک

إنما يستئذنك الذين لايؤمنون . .. لو خرجوا فيكم

ما زادوکم إلا خبالا ... و اللّه ع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۸ – ۴

۴ ناتوانی متخلفان جنگ تبوک (منافقان) در به شکست کشانیدن جبهه اسلام

لقد ابتغوا الفتنه من قبل . .. حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۹ – ۱

۱ اذن طلبی برخی منافقان برای نرفتن به جنگ تبوک ، به بهانه گرفتار شدن به فتنه و گناه

و منهم من یقول ائذن لی و لاتفتنی

در شأن نزول آیه آورده انـد که: یکی از منافقـان به پیامبر اکرم (ص) گفت: <یا رسول اللّه ائـذن لی و لاتفتنی ببنات الأصـغر فـإنی أخـاف أن أفتتـن بهن>; یعنی، ای رسـول خـدا! به من اذن بـده تـا در جنـگ شـرکت نکنم . .. چـون، می ترسم مفتـون دخترکان رومی گردم و به گناه بیفتم. (مجمع البیان، ذیل آیه)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۳ – ۱

۱ آمادگی برخی از متخلفان جنگ تبوک ، برای انفاق مال به جای رفتن به جهاد

قل أنفقوا طوعاً

در شأن نزول این آیه آورده اند که: فردی از منافقان پیشنهاد پرداخت پول به جای رفتن به جهاد را کرده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۱،۲،۹،۱۰

۱ تخلف منافقان از شرکت در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

این بخش از آیات مربوط به جنگ تبوک و تخلف منافقان از شرکت در

آن است.

۲ خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

۹ اخلالگری منافقان صدر اسلام ، در بسیج برای جنگ تبوک

لاتنفروا فی الحر

۱۰ وقوع جنگ تبوک در شدت گرما

لاتنفروا فی الحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۲،۱۴

۲ شرکت پیامبر (ص) در جنگ تبوک و خروج آن حضرت از مدینه همراه مجاهدان

فإن رجعک اللّه

۱۴ وقوع اولین تخلف منافقان از جهاد در جنگ تبوک *

رضیتم بالقعود أول مرّه

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که تخلف منافقان در جنگ تبوک، اولین تخلف آنان بوده و <أول مرّه> ناظر به این معنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۶

۶ جنگ تبوک ، از عوامل متمایز شدن صف مجاهدان و مؤمنان راستین از صف منافقان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف . .. لکن الرسول ... جهدوا

<جاهدوا> (به صورت فعل ماضی) به عنوان گزارش از جنگی است که مسلمانان پشت سر گذاشته اند که مفسران آن را جنگ تبوک دانسته اند و خداوند، پس از این جنگ است که چهره منافقان را افشا می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۰ – ۲

۲ بسیج عمومی همه مسلمان ها برای شرکت در جنگ تبوک

و جاء المعذّرون من الأعراب

از آن جایی که حتی بادیه نشینان برای عذرخواهی نزد پیامبر(ص) آمدند، بسیج عمومی و وجوب جهاد بر همگان استفاده می شود. گفتنی است که این بخش از

آیات چنانکه مفسران گفته اند درباره جنگ تبوک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۴،۶

۴ محدودیت امکانات پیامبر (ص) در جنگ تبوک ، برای تأمین ساز و برگ رزمندگان داوطلب

قلت لا أجد ما أحملکم علیه

۶ محروم شدن برخی از رزمندگان داوطلب ، از شرکت در جنگ تبوک ، به خاطر نداشتن امکانات رزمی (مرکب و . . .) علی رغم اشتیاق شدید آنان به جهاد

تولوا و أعینهم تفیض من الدمع حزناً ألا یجدوا ما ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۶،۷

۶ نیرو های رزمی جنگ تبوک ، متشکل از مهاجر و انصار

المهجرین و الانصار الذین اتبعوه فی ساعه العسره

۷ تنگنا های جنگ تبوک ، مایه تزلزل قلب برخی از مسلمانان شده بود .

فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۲

۱ تخلف سه نفر از مسلمانان ، از حضور یافتن در جنگ تبوک

و علی الثلثه الذین خلّفوا

۲ شمول رحمت و غفران الهی ، نسبت به سه نفر از مسلمانان متخلف از جنگ تبوک

لقد تاب اللّه علی النبی . .. و علی الثلثه الذین خلّفوا

۳ تنگ شدن عرصه زندگی بر سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک ، در اثر رو به رو شدن با پیامد های عمل خطایی که کرده بودند .

حتی اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

۴ تحریم ارتباط با

متخلفان از جنگ تبوک و انزوای اجتماعی آنان از سوی مسلمانان

ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

با توجه به شأن نزول که تنگ شدن زندگی بر متخلفان از جنگ تبوک را، ناشی از قطع رابطه مسلمانان با ایشان معرفی کرده است، مطلب فوق استفاده می شود.

۵ گرفتار شدن سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک به عذاب وجدان

و ضاقت علیهم أنفسهم

۶ اذعان متخلفان از جنگ تبوک ، به ناگزیری خود از التجا به خداوند

و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

۱۲ پذیرش توبه سه مسلمان متخلف جنگ تبوک ، از سوی خداوند

و علی الثلثه الذین خلّفوا . .. ثم تاب علیهم لیتوبوا إن اللّه هو التواب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۹ – ۱۰

۱۰ پیروان واقعی پیامبر اکرم (ص) در لحظات سخت جنگ تبوک ، از صادقان بودند .

الذین اتبعوه فی ساعه العسره . .. و کونوا مع الصدقین

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در زمینه ثبات قدم برخی از مؤمنان در شداید جنگ تبوک و لغزش گروهی دیگر بود و خداوند متخلفان را در پی توبه شان بخشید اکنون به ایشان رهنمود می دهد که شما نیز همانند مؤمنان، استوار و تزلزل ناپذیر باشید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوک ، برانگیزنده خشم کافران بود .

و لا یطئون موطئاً یغیظ الکفار

با توجه به اینکه این بخش از آیات در مورد جنگ تبوک است، برداشت فوق استفاده می

شود.

قصه غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۲،۴،۶،۷،۱۰

۲ جنگ حنین از عرصه های به یاد ماندنی نصرت خدا و دخالت نیرو های غیبی برای تقویت سپاه اسلام و شکستن مقاومت جبهه دشمن

لقد نصرکم اللّه فی مواطن کثیره و یوم حنین

با اینکه <مواطن کثیره> شامل جنگ <حنین> نیز می شود، ذکر جداگانه آن بویژه با تعبیر <یوم حنین> (روز حنین)، بیانگر برداشت فوق است.

۴ مسلمانان ، در جنگ حنین حضوری گسترده داشتند .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم

۶ کثرت نفرات مسلمانان در جنگ حنین ، کارساز نبود .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

۷ تنگ شدن عرصه بر مسلمانان در جنگ حنین ، علی رغم کثرت غرورآفرین آنان

إذ أعجبتکم کثرتکم . .. و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت

۱۰ فرار مسلمانان در جنگ حنین پس از قرار گرفتن در تنگنای نبرد ، علی رغم کثرت غرورآفرینشان

و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۸

۱ نزول آرامش روحی از جانب خداوند بر رسول اکرم (ص) و مؤمنان در جنگ حنین ، پس از فرار مسلمانان

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۲ نگرانی پیامبر (ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله

۴ نزول آرامش روحی از سوی خداوند بر مؤمنان در جنگ حنین و محرومیت منافقان از آن

ثم

أنزل اللّه سكينته على رسوله و على المؤمنين

بـا تـوجه به اينكه در فراز قبـل، مؤمنـان به وسـيله ضـمير <كم> مخـاطب قرار گرفتنـد و در اين آيه به جـاى آن ضـمير، كلمه <مؤمنين> آمده، مى توان به برداشت فوق دست يافت.

۵ امداد الهى به مؤمنان در جنگ حنين به وسيله دسته هايى از نيرو هاى غيبى

و أنزل جنوداً لم تروها

۸ امداد هاى الهى ، عامل اصلى پيروزى مسلمانان در جنگ حنين

ثم وليتم مدبرين. ثم أنزل اللّه سكينته ... و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذين كف

قصه غزوه خندق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۶ - ۵

۵ - < عن أبى جعفر (ع) فى قوله < يقول أهلكت مالاً لبداً > قال : هو عمروبن عبدود حين عرض عليه على بن أبى طالب (ع) الإسلام يوم الخندق و قال : فأين ما أنفقت فيكم مالاً لبداً و كان أنفق مالاً فى الصدّ عن سبيل اللّه فقتله على (ع) ;

امام باقر(ع) درباره سخن خداوند<يقول أهلكت مالاً لبداً> روايت شده كه فرمود: گوينده اين سخن عمرو بن عبدود بود، آن زمـان كـه حضـرت على بن ابى طـالب(ع) در روز [غزوه]خنـدق، اسـلام را بر او عرضه كرد; وى گفت: كجـا رفت آن امـوال زيادى كه در مورد شما خرج كردم؟ و او اموال [زيادى] را در راه جلوگيرى از راه خدا صرف كرده بود پس حضرت على(ع) او را كشت>.

قصه غزوه خيبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۲،۴،۶،۷،۹،۱۱

- تمایل متخلّفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم . .. ذرونا نتّبعکم

هدف متخلّفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر <إلی مغانم>، بیانگر نکته اول و <یریدون أن یبدّلوا...> حاکی از نکته دوم است.

۴ - غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

۶ - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

۷ - اعراب متخلّف از سفر حدیبیه ، درصدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر *

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است; ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر، می خواستند خود رامؤمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی

نمایند.

۹ - فرمان خدا به پیامبر (ص) ، در رد پیشنهاد غایبان از حدیبیه ، برای شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> می تواند اخبار در مقام انشا باشد.

۱۱ - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> ممکن است در مقام انشا نباشد؛ بلکه اخبار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۹

۹ - نبرد مسلمانان پس از جنگ خیبر ، با مشرکان بود و نه اهل کتاب . *

تقتلونهم أو یسلمون

در صورتی که <یسلمون> به معنای اسلام آوردن باشد؛ از محدود شدن فرجام دشمنان به کشته شدن یا اسلام آوردن، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا در مورد اهل کتاب راه سومی به عنوان تسلیم و پرداخت <جزیه> نیز مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۵

۵ - تنها بیعت کنندگان با پیامبر (ص) در جریان حدیبیه ، برخوردار از غنایم خیبر *

إذ یبایعونک تحت الشجره . .. و مغانم کثیره یأخذونها

از این که <مغانم کثیره> به مؤمنان بیعت کننده نوید داده شده است ، مطلب بالا احتمال می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۷،۹

۷ – امتنان الهی بر مؤمنان ، با رساندن ایشان به غنایم خیبر و کوتاه ساختن دست دشمنان از آنان

فعجّل لکم هذه و کفّ

أیدی الناس عنکم

۹ - فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و <کفّ. ..> مترتب بر آن می باشد; به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

قصه غزوه ذات السلاسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱ - ۴

۴ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله < و العادیات ضبحاً . . . > قال : هذه السوره نزلت فی أهل وادی الیابس . . . فخرج علیّ (ع) و معه المهاجرون و الأنصار . . . ثمّ اغار علیهم بأصحابه . . . حتّی قتل مقاتلیهم و سبی ذراریهم و استباح أموالهم و خرّب دیارهم و أقبل بالأساری و الأموال معه . . . و أنزل اللّه تبارک و تعالی فی ذلک الیوم هذه السوره < و العادیات ضبحاً > یعنی بالعادیات الخیل تعدوا بالرجال و الضبح صیحت ها فی اَعنّت ها و لُجُم ها ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <و العادیات ضبحاً> روایت شده که فرمود: این سوره درباره ساکنان سرزمین یابس (در غزوه ذات السلاسل) نازل شد که علی(ع) [برای جنگ با آنان] خارج شد و مهاجران و انصار همراه او بودند آن گاه شبانه با همراهانش بر آنان یورش برد تا آن که جنگجویانشان را کشت، فرزندانشان را اسیر گرفت، اموالشان را مباح قرار داد، خانه هایشان را خراب کرد و اسیران و

اموال را همراه خود آورد و خداوند تبارك و تعالى در آن روز اين سوره (و العاديات ضبحاً) را نازل كرد و مقصود از <عاديات> اسبانى هستند كه به وسيله مردان سواركار مى تازند و <ضبح> شيهه آنها است در حالى كه در افسارها و لگام ها قرار دارند>.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – عاديات – ۱۰۰ – ۵ – ۳

۳ – مجاهدان در غزوه < ذات السلاسل > با اسبان دونده اى كه از ضربه سم آنها برق مى جهيد ، صبحگاهان بر دشمن تاختند و در ميان غبار پاى اسبان ، خود را به قلب دشمن رساندند .

و العديت ضبحًا . فالموريت قدحًا . فالمغيرت صبحًا . فأثرن به نقعًا . فوسطن به

براساس بعضى از روايات، اين آيات به غزوه <ذات السلاسل> نظر دارد.

قلب مجاهدان غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۱۰ – ۲

۲ قلب هاى مجاهدان بدر تا پيش از بشارت پيروزى ، آكنده از اضطراب و پريشانى بود .

لتطمئن به قلوبكم

واژه اطمينان به معناى آرامش خاطر پس از اضطراب و پريشانى خاطر است. (مفردات راغب).

كافران در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۵ – ۲

۲ ضربه و مصيبت وارده بر كافران در جنگ بدر ، دو برابر مصيبتى كه بر پيكارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد .

اولمّا اصابتكم مصيبه قد اصبتم مثليها

بسيارى از مفسران گفته اند كه مراد از <اصبتم مثليها> (دو چندان مصيبتى كه ديديد، بر كافران وارد كرديد)

مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۹ – ۱،۶

۱ استهزای کافران حاضر در پیکار بدر از سوی خداوند

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح و إن تنتهوا فهو خير لكم

جمله <إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح> با توجه به شکست خفتبار مشرکان در پیکار بدر، بیانگر نوعی استهزا به مشرکان است.

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر ، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۳،۸

۳ مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه الدنيا و هم بالعدوه القصوى

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فى الميعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۴ – ۱

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت .

و إذ يريكموهم إذالتقيتم فى أعينكم قليلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۷ – ۲،۳

۲ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لاتکونوا کالذین خرجوا من

دیرهم بطرا

۳ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لاتکونوا کالذین خرجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۵

۵ نیروی نظامی مؤمنان در جنگ بدر ، نیرویی بس ضعیف و ناتوان در مقایسه با جبهه کفر

یقول المنفقون . .. غر هؤلاء دینهم و من یتوکل علی اللّه

بیان حمایت خداوند از مؤمنان در کارزار بدر با جمله <و من یتوکل . .. > پس از بیان نظریه منافقان و بیماردلان (ضعف قوای نظامی مسلمانان) اندیشه آنان را تأیید می کند. یعنی اظهار نظر منافقان به حسب دید ظاهری صحیح است، ولی آنچه مورد غفلت واقع شده، تأثیر بسزای حمایت الهی از مؤمنان متوکل است. یعنی اگر حمایت الهی نباشد، همان است که منافقان اظهار می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۷

۷ کافران کشته شده در جنگ بدر ، به عذاب سوزان برزخی گرفتار هستند .

و ذوقوا عذاب الحریق

کافران غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۳

۳ اعلام خداوند به باز بودن راه توبه برای کافران باقی مانده از جنگ حنین

و ذلک جزاء الکفرین. ثم یتوب اللّه من بعد ذلک علی من یشاء

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <علی من یشاء> نظر به کافران مذکور در آیه قبل نیز داشته باشد.

کافران مکه در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۷ –

۶ خروج کافران مکه به سوی بدر ، در راستای تلاششان برای بازداری مردم از راه خدا

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم . .. و یصدون عن سبیل اللّه

کثرت مجاهدان در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۶،۵،۴

۴ مسلمانان ، در جنگ حنین حضوری گسترده داشتند .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم

۵ حضور گسترده مسلمانان در جنگ حنین ، مایه اعجاب و غرورشان شده بود .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم

۶ کثرت نفرات مسلمانان در جنگ حنین ، کارساز نبود .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

کفر متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک ، به ظاهر مسلمان ولی در باطن کافر به خدا و رسول او بودند .

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم کفروا باللّه و برسوله

روی سخن در این بخش از آیات با کسانی است که از شرکت در جنگ تبوک سرباز زده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ حکم صریح خداوند به کفر منافقان متخلف از جنگ تبوک

إنهم کفروا باللّه و رسوله

کیفر متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۹

۹ عذاب دردناک ، کیفر سخت متخلفان جنگ

سیصیب الذین . .. عذاب ألیم

گریه معذوران غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۷

۷ اندوه و گریه شدید مؤمنان تهیدست ، به خاطر ناتوانی از شرکت در جنگ تبوک و محروم شدن از فیض جهاد

و أعینهم تفیض من الدمع حزناً

متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۱،۴،۵

۱ عتاب محبت آمیز خدا به پیامبر (ص) در پی اجازه دادن آن حضرت به برخی از مسلمانان (منافقان) برای شرکت نکردن در جنگ تبوک ، به مجرد اظهار ناتوانی آنان

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم

۴ گذشت و عفو خداوند از پیامبر (ص) نسبت به اذن دادن به بهانه جویان (منافقان) برای نرفتن به جنگ تبوک

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم

۵ إخبار خداوند به عزم قطعی برخی افراد (منافقان) بر تخلف از جنگ تبوک (حتی در صورت عدم دریافت اذن از پیامبر (ص))

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا . .. لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا و ت

از اظهار ناتوانی منافقان برای جهاد و تذکر خداوند به دروغ بودن این اظهار، استفاده می شود که آنان تصمیم بر تخلف از جنگ داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۲

۲ متخلفان از جنگ تبوک ، گروهی بی ایمان بودند .

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم . .. لایستئذنک الذین یؤمنون باللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵

۳ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، گروهی بی ایمان ، سرگردان و گرفتار تردید و اضطراب بودند .

و ارتابت قلوبهم فهم فی ریبهم یترددون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۶ - ۱،۲،۴

۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برخوردار از امکانات لازم برای شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۲ تصمیم قطعی متخلفان جنگ تبوک بر ترک جهاد

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۴ کراهت و ناخوشایندی خداوند ، از برانگیختن و موفق ساختن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برای شرکت در آن

و لکن کره اللّه انبعاثهم فثبطهم و قیل اقعدوا مع القعدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۲،۱۴

۲ عدم شرکت بی ایمان ها و سست باوران (منافقان) در جنگ تبوک ، به خیر و صلاح مؤمنان بود نه مایه ضرر آنان .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا

۱۴ دلداری خداوند به مؤمنان ، به منظور رفع نگرانی آنان ، به دنبال تخلف کردن گروهی از شرکت در جنگ تبوک

إنما یستئذنک الذین لایؤمنون . .. لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا ... و اللّه ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۴

۴ ناتوانی متخلفان جنگ تبوک (منافقان) در به شکست کشانیدن جبهه اسلام

لقد ابتغوا الفتنه من قبل . .. حتى جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم كرهون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱

۱ تخلف منافقان از شرکت در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

این بخش از آیات مربوط به جنگ تبوک و تخلف منافقان از شرکت در آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ افشای کامل چهره منافقان و اتخاذ مواضع شدید علیه آنان ، از تبعات تخلف آنان از جنگ تبوک

و لاتصل علی أحد منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۲۱

۲۱ < عن علی بن ابی حمزه عن ابی عبداللّه (ع) قال : سئلته عن قول اللّه < و علی الثلاثه الذین خلّفوا > قال : کعب و مراره بن الربیع و هلال بن امیّه . . . > ;

علی بن ابی حمزه گوید: از امام صادق (ع) درباره قول خدا <و علی الثلاثه . .. > پرسیدم: این سه نفر چه کسانی هستند، فرمود: کعب، مراره بن ربیع و هلال بن امیّه>.

متخلفان از مسافرت به حدیبیه و غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۶،۷،۸،۱۱

۶ - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

۷ – اعراب متخلّف از سفر حدیبیه ، درصدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر

*

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است; ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر، می خواستند خود راۆمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی نمایند.

۸ - تلاش متخلّفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه<قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است; تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهیم شدن در غنایم بودند.

۱۱ - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> ممکن است در مقام انشا نباشد; بلکه اخبار باشد.

متخلفان غزوه تبوک و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۲

۲ تلاش برخی از اشراف و توانمندان برای شرکت نکردن در جنگ تبوک ، با کسب مجوز از پیامبر اسلام (ص)

الذین یستئذنونک و هم أغنیاء

متخلفان غزوه تبوک و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱

۱ سوگند

دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سيحلفون باللّه لكم إذا انقلبتم إليهم لتعرضوا عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۱

۱ سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور جلب رضایت مؤمنان مجاهد

يحلفون لكم لترضوا عنهم

مجاهدان غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۵

۵ برخی از مجروحان جنگ احد علی رغم پذیرش دعوت خدا و پیامبر (ص) به نبردی دیگر ، از احسان و تقوای لازم برخوردار نبودند .

الّذين استجابوا . .. للّذين احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظيم

<منهم>، حال برای ضمیر <احسنوا> است و کلمه <من>، ظهور در تبعیض دارد ; یعنی اجابت کنندگان را به دارندگان تقوا و احسان و فاقدان آن تقسیم می کند.

مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۲،۶،۷،۱۹

۲ خداوند در آستانه جنگ بدر با رفع اضطراب از مجاهدان ، آنان را از آرامشی کامل بهره مند ساخت .

إذ يغشيكم النعاس أمنه منه

۶ خداوند در آستانه جنگ بدر مسلمانان را از نعمت باران بهره مند ساخت .

و ينزل عليكم من السماء ماء

۷ فراهم شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست ها و قذارت ها ، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم به

ذکر نشدن متعلق <یطهرکم> حکایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاستهای ظاهری و

باطنی). یعنی خداوند باران را فرو فرستاد تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و دیگران وضو بسازند.

۱۹ خداوند با تقویت دل های مجاهدان بدر آنان را برای رویارویی با مشرکان ثابت قدم ساخت .

لیربط علی قلوبکم و یثبت به الأقدام

<یثبت به الأقدام> در عین اینکه بیانگر هدفی از اهداف نزول باران است، نبودن <لام> در آن می رساند که این هدف به دنبال <لیربط علی قلوبکم> حاصل می شود. بنابراین می توان گفت ضمیر در <به> به استحکام قلوب، که از <لیربط علی قلوبکم> استفاده می شود، برمی گردد. قابل ذکر است که در برداشت فوق ثبات قدم (یثبت به الأقدام) به معنای کنایی آن (پایداری و عزم راسخ) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۹

۹ خداوند ، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سر های کافران و از کار انداختن پنجه های آنان ، تهییج کرد .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا . .. > متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله اللّه إلا بشری> در آیه دهم، که مسؤولیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۳

۳ خداوند با بیان نقش اصلی خویش در پیروزی جنگ بدر زمینه ساز پرهیز پیکارگران بدر از اعجاب و غرور به خاطر پیروزی در آن نبرد

فلم

تقتلوهم . ... و ما رميت إذ رميت

از اهداف آیه مورد بحث، که پیروزی مؤمنان را برخاسته از اراده خدا دانسته، این است که پیکارگران بدر پیروزی را نعمتی از جانب خداوند بدانند و از آنِ قدرت خویش نشمارند تا به غرور و اعجاب مبتلا نگردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۵

۵ قافله تجاری قریش به هنگام استقرار سپاهیان بدر ، در مسیری پایینتر از سپاه اسلام در حرکت بودند .

و الرکب أسفل منکم

کلمه <رکب> جمع راکب و به معنای سواران است و مقصود از آن به گفته اهل تفسیر کاروان تجاری قریش است. تعبیر از کاروان تجاری به <سواران> می تواند اشاره به حرکت سریع آنان برای فرار از مسلمانان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱

۱ جبهه ایمان در کارزار بدر ، متشکل از مؤمنان متکی بر خدا ، عناصری منافق و گروهی سست ایمان

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. و من یتوکل علی اللّه

<مرض> به معنای بیماری است و مقصود از آن در اینجا به این دلیل که در مقابل نفاق قرار گرفته، تردید در حقانیت دین است که از آن می توان به ضعف ایمان تعبیر کرد. جمله <و من یتوکل علی اللّه> اشاره به گروه سوم، یعنی مؤمنان حقیقی و راستین، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۴

۴ مجاهدان بدر پیش از غلبه کامل بر دشمن ، برای دستیابی به

منافعی مادی ، به گرفتن اسیر اقدام کردند .

ما کان لنبی . .. تریدون عرض الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۱،۲

۱ گرفتن اسیر در کارزار بدر ، مقتضی گرفتار شدن مجاهدان آن کارزار به عذابی بزرگ از جانب خداوند

لو لا کتب من اللّه سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

کلمه <فی> در <فیما أخذتم> سببیه است و <ما> در آن مصدریه. یعنی <بسبب أخذکم>. و مراد از آن به دلیل آیه قبل اسیر گرفتن است.

۲ گرفتار نشدن مجاهدان بدر به عذاب الهی در کارزار بدر ، امری تقدیر شده از جانب خداوند

لو لا کتب من اللّه سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

مجاهدان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۶

۶ نیرو های رزمی جنگ تبوک ، متشکل از مهاجر و انصار

المهجرین و الانصار الذین اتبعوه فی ساعه العسره

مجاهدان فقیر و غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۶

۶ محروم شدن برخی از رزمندگان داوطلب ، از شرکت در جنگ تبوک ، به خاطر نداشتن امکانات رزمی (مرکب و . . .) علی رغم اشتیاق شدید آنان به جهاد

تولوا و أعینهم تفیض من الدمع حزناً ألا یجدوا ما ینفقون

محدودیت تدارکات جنگی غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۴

۴ محدودیت امکانات پیامبر (ص) در جنگ تبوک ، برای تأمین ساز

و برگ رزمندگان داوطلب

قلت لا أجد ما أحملكم عليه

محرومان از غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> ممکن است در مقام انشا نباشد; بلکه اخبار باشد.

محرومیت از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۷

۷ اندوه و گریه شدید مؤمنان تهیدست ، به خاطر ناتوانی از شرکت در جنگ تبوک و محروم شدن از فیض جهاد

و أعینهم تفیض من الدمع حزناً

محمد(ص) در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۲

۲ فرمان خداوند و تقدیر او ، عامل حرکت پیامبر (ص) به سوی جنگ بدر

أخرجک ربک من بیتک بالحق

اسناد <أخرجک> به <ربک> می رساند که حرکت پیامبر(ص) به فرمان و تقدیر الهی بوده است، نه تصمیمی از جانب خود آن حضرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۳

۳ تنها پیامبر (ص) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود .

إذ یوحی ربک إلی الملئکه

چنانچه <إذ>، متعلق به <اذکر> باشد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر(ص) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

محمد(ص)

در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۲

۲ شرکت پیامبر (ص) در جنگ تبوک و خروج آن حضرت از مدینه همراه مجاهدان

فإن رجعک اللّه

محمد(ص) و اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۷

۷ اراده خداوند منشأ اصلی تسلط پیامبر (ص) بر اسیران جنگ بدر

فأمکن منهم

ضمیر فاعلی در <امکن> به <اللّه> برمی گردد. یعنی خداوند شما را بر آنان تسلط بخشید.

محمد(ص) و غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۱۲

۱۲ شرکت پیامبر (ص) در جنگ احد ، به عنوان فرماندهی عملیات نظامی

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال

امام صادق (ع): سبب نزول هذه الآیه ان قریشا خرجت من مکّه ترید حرب رسول اللّه (ص) فخرج یبغی موضعاً للقتال.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۳۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۹

۹ خروج پیامبر (ص) از مدینه برای مقابله با مشرکان در دامنه احد ، حرکتی حق ، همانند خروج وی برای جنگ بدر *

کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

برخی برآننـد که <کما . .. > متعلق به <یجدلونک ... > در آیه بعد است و آن آیه اشاره به قضایای پیش از نبرد احد دارد.
بر این اساس <کما أخرجک ... > چنین معنا می شود: گروهی

از مسلمانان درباره حرکت به سوی احد، که حرکتی حق بود، به جدال با پیامبر(ص) پرداختند و آن را مصلحت نمی پنداشتند ; همان گونه که از حرکت به سوی بدر، که حرکتی حق بود، نیز کراهت داشتند.

محمد(ص) و غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۵

۵ - پیامبراکرم (ص) ، مسلمانان مدینه را ، از وقوع غزوه احزاب و تشکیل احزاب متّحد خبر داده بود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله و صدق اللّه و رسول

محمد(ص) و غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۴

۴ اقدام پیامبر (ص) به جنگ بدر ، اقدامی به حق و تحت تدبیر و ربوبیت خداوند

کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۱

۱ گروهی از مسلمانان در صدد بازداشتن پیامبر (ص) از حرکت به سوی جنگ بدر ، علی رغم وضوح حقانیت آن

یجدلونک فی الحق بعد ما تبین

در وجه ترکیبی <یجدلونک> چند نظر ایراد شده است ; از جمله اینکه <یجدلونک> حال برای فاعل <لکرهون> و یا همانند <إن فریقا> حال برای مفعول <أخرجک> باشد. بر این دو مبنا، آیه مورد بحث توضیحی درباره قضایای پیش از جنگ بدر است. گفتنی است جدال به معنای منازعه برای غلبه بر اندیشه و رأی طرف مقابل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

- ۸ - ۴۳ - ۱

۱ پیامبر (ص) پیش از جنگ بدر سپاه دشمن را در رؤیاهایی متعدد ، اندک دید .

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا

فعل مضارع <یُری> دلالت بر تکرار رؤیای پیامبر(ص) در مورد اندک دیدن سپاه دشمن دارد.

محمد(ص) و غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۴

۴ محدودیت امکانات پیامبر (ص) در جنگ تبوک ، برای تأمین ساز و برگ رزمندگان داوطلب

قلت لا أجد ما أحملکم علیه

محمد(ص) و منافقان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۱

۱ عتاب محبت آمیز خدا به پیامبر (ص) در پی اجازه دادن آن حضرت به برخی از مسلمانان (منافقان) برای شرکت نکردن در جنگ تبوک ، به مجرد اظهار ناتوانی آنان

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم

مرگ کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۵

۵ مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای <الـذین کفروا>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بـدر، کافرانی هسـتند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

مسلمانان در غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۲،۳

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در

جنگ بدر ، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتم مثلیها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

۳ شکست و مصیبت سنگین مسلمانان در پیکار احد ، دور از انتظار ایشان بود .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

کلمه <انّی> به معنای <من این> (از کجا و از چه روی) می باشد و <هذا> اشاره به مصیبت است.

مسلمانان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۴

۴ مسلمانان در جنگ بدر به غنایمی چشمگیر دست یافتند .

یسئلونک عن الأنفال

حساس شدن مسلمانان نسبت به انفال و غنایم جنگی و پرسش مکرر آنان و بازتاب آن در آیه نشانگر فراوانی غنایم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۱

۱ مشاهده سپاه برتر مشرکان جنگ بدر مایه نگرانی مسلمانان و احساس خطر از سوی آنان برای کیان اسلام

إذ تستغیثون ربکم

واژه <استغاثه> معمولا در موردی به کار می رود که استغاثه کننده در طلب نجات از تنگنایی شدید باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۶

۶ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به واسطه

آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند اللّه إن اللّه عزیز حکیم

جمله <إن اللّه عزیز حکیم> تعلیلی است برای تمـامی مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شـده بود. یعنی سرچشـمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۶،۷،۸

۱ سپاه اسلام و سپاه شرک در آستانه جنگ بدر ، هر کدام در سویی از دره واقع در منطقه بدر مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه

<عُدْوه> بـه معنـای کنـاره و دامنه وادی است و وادی به زمینی که بین دو کـوه و دو تپه قرار دارد گفته می شـود و هر وادی دارای دو عدوه و کناره است. تکرار کلمه <عدوه> در آیه شـریفه حکایت از آن دارد که سـپاه اسـلام در یک سوی دامنه و سپاه کفر در دامنه دیگر استقرار داشتند.

۲ دره واقع میان دو سپاه ایمان و شرک در جنگ بدر ، دارای دو دامنه متفاوت از جهت بلندی و پستی *

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

<دنیـا> به معنای نزدیکتر و <قصوی> به معنای دورتر است. به نظر می رسـد دوری و نزدیکی آن دو دامنه به نسـبت دره و زمین مسـطح فیما بین سـنجیده شـده باشد. یعنی شـما در دامنه ای بودید که آن دامنه به زمین مسـطح نزدیکتر بود و کافران در دامنه ای مسـتقر شـده بودند که به زمین مسـطح دورتر بود. دوری و نزدیکی دامنه ها به نسـبت زمین مسـطح فیما بین، ملازم با بلندی و پستی آن دو دامنه است.

۳

مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

۶ مسیر حرکت قافله تجاری قریش نامعلوم برای مسلمانان و به دور از دسترسی آنان به هنگام حضورشان در منطقه بدر

و الرکب أسفل منکم

نکره آوردن کلمه <أسفل> در مقابل معرفه آوردن <العدوه>، می تواند مشعر به برداشت فوق باشد. ناآگاهی مسلمانان به جایگاه قافله، تمهیدی بوده است از جانب خدا برای <لیقضی اللّه>. یعنی اگر مسلمانان از مسیر حرکت تجاری قریش آگاه بودند به سوی آنان می شتافتند و در نتیجه جنگ بدر رخ نمی داد.

۷ رویارویی دو سپاه بدر در زمانی مشخص ، حتی با برنامه ریزی طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

کلمه <میعاد> می تواند اسم زمان به معنای زمان قرار، و می تواند اسم مکان به معنای جایگاه قرار باشد. و مراد از <تواعد> وعده مسلمانان با اهل مکه است ; یعنی <و لو تواعدتم أنتم و اهل مکه ... > که در برداشت به برنامه ریزی طرفین تعبیر شد.

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

مسلمانان در غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۲ - ۳

۳ - موضع مسلمانان در مقطع غزوه بنی نضیر ، موضعی برتر نسبت به یهود

لئن أُخرجتم . .. و إن قوتلتم ... لئن أُخرجوا ... و لئن قوتلوا

در این آیات، همواره از موضع آسیب پذیر یهود، سخن به میان

آمده است; زیرا مسأله اخراج و جنگ نه از سوی ایشان بلکه علیه آنان یاد شده است. پس معلوم می شود که آنها در موضعی نبوده اند که بخواهند اقدام به جنگ کنند.

مسلمانان در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۷،۱۰

۷ تنگ شدن عرصه بر مسلمانان در جنگ حنین ، علی رغم کثرت غرورآفرین آنان

إذ أعجبتکم کثرتکم . .. و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت

۱۰ فرار مسلمانان در جنگ حنین پس از قرار گرفتن در تنگنای نبرد ، علی رغم کثرت غرورآفرینشان

و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۸

۸ امداد های الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان در جنگ حنین

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کف

مسلمانان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۲،۸،۱۱،۱۳،۱۵

۲ - احزاب متّحد ، در جنگ علیه مسلمانان ، جمعیتی فراوان داشتند .

إذ جاءتکم جنود . .. إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

<جنود> جمع <جند> است و دلالت بر چندین سپاه می کند. آمدن نیروها از بالا دست مدینه و پایین دست آن نیز مؤید این نکته است; زیرا آنان دارای جمعیتی چشمگیر بوده اند که توانسته اند نیروهایشان را در اطراف مدینه مستقر کنند.

۸ - هجوم احزاب متّحد به مدینه ، برای درهم شکستن مسلمانان ، مسلمانان را به قدری

وحشت زده کرد که همانند افراد محتضر شدند .

إذ جاءوكم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

مراد از به حنجره رسیدن قلب ها، خفگی و به حال مرگ افتادن است.

۱۱ - ایّام هجوم احزاب متّحد به مدینه ، روزهایی بس سخت و نگران کننده برای مسلمانان بود .

إذ جاءوكم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

۱۳ - پس از محاصـره مدینه از سوی احزاب متّحد ، ظنّ و گمان های گوناگونی درباره خدا ، در میان مردم مسلمان پدید آمد .

إذ جاءوكم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

<ظنون> مفعول مطلق عددی است و <ال > در آن، برای جنس است. جمع آورده شدن <ظنون > همراه با <ال> دلالت بر تعدد و گوناگونی می کند.

۱۵ - ظنّ و گمـان های مردم مـدینه درباره وعـده های خـدا ، در پی هجوم احزاب متّحـد ، علاوه بر گوناگونی ، نو به نو و در حال تجدید شدن بود .

و تظنّون باللّه الظنونا

آوردن فعل مضارع <تظنّون> به منظور بیان پدید آمدن گمان، می تواند بیان کننده تداوم و تجدید شدن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۱

۱ - منافقان ، همسو با احزاب متّحد ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن روحیه مسلمانان فعالیت می کردند .

إذ جاءتكم جنود . .. و إذ يقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه ... إلاّ غرورًا

فعل مضارع <یقول> بر تداوم کار منافقان دلالت می کند که از آن، به <فعالیت> تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب

- ۳۳ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - عده ای از منافقان ، مسلمانان شرکت کننده در غزوه احزاب را ، به ترک جهاد وسوسه می کردند .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۲ - منافقان برای ماندن مسلمانان به همراه پیامبر (ص) در غزوه احزاب باتوجه به هجوم دشمن وجهی منطقی قائل نبودند و آنان را به ترک غزوه ، دعوت می کردند .

قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۹،۱۰

۹ - مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب ، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (ص) برای جهاد بودند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب . .. و ما زادهم إلاّ إیمنًا و تسلیمًا

ممکن است <تسلیماً> به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الگو بودن پیامبر(ص)) تسلیم بودن به امر پیامبر(ص) برای جهاد باشد.

۱۰ - توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله . .. و ما زادهم إل

مسلمانان و غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۱،۳،۵

۱ گروهی از مسلمانان در صدد بازداشتن پیامبر (ص) از حرکت به سوی جنگ بدر ، علی رغم وضوح حقانیت آن

یجدلونک فی الحق بعد

ما تبين

در وجه تركيبى <يجدلونك> چند نظر ايراد شده است ; از جمله اينكه <يجدلونك> حال براى فاعل <لكرهون> و يا همانند <إن فريقا> حال براى مفعول <أخرجك> باشد. بر اين دو مبنا، آيه مورد بحث توضيحى درباره قضاياى پيش از جنگ بدر است. گفتنى است جدال به معناى منازعه براى غلبه بر انديشه و رأى طرف مقابل است.

۳ برخى از مؤمنان به سبب مخالفتشان با حركت به سوى جنگ بدر ، مورد سرزنش و توبيخ خداوند قرار گرفتند .

يجدلونك فى الحق بعد ما تبين

۵ شركت در جنگ بدر حركتى آشكار به سوى مرگ در پندار گروهى از مسلمانان صدر اسلام

كأنما يساقون إلى الموت و هم ينظرون

مفعول <ينظرون> به قرينه فراز قبل، <الموت> است. يعنى <و هم ينظرون الموت>. بنابراين جمله حاليه <و هم ... > حكايت از آن دارد كه اطمينان برخى از مسلمانان به مرگ آفرينى جنگ بدر به گونه اى بوده كه گويا مرگ را با چشم خويش مشاهده مى كردند.

مسلمانان و متخلفان غزوه تبوك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۴

۴ تحريم ارتباط با متخلفان از جنگ تبوك و انزواى اجتماعى آنان از سوى مسلمانان

ضاقت عليهم الأرض بما رحبت

با توجه به شأن نزول كه تنگ شدن زندگى بر متخلفان از جنگ تبوك را، ناشى از قطع رابطه مسلمانان با ايشان معرفى كرده است، مطلب فوق استفاده مى شود.

مشاركت در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۵

۵ شركت در جنگ بدر حركتى آشكار به

سوی مرگ در پندار گروهی از مسلمانان صدر اسلام

کأنما یساقون إلی الموت و هم ینظرون

مفعول <ینظرون> به قرینه فراز قبل، <الموت> است. یعنی <و هم ینظرون الموت>. بنابراین جمله حالیه <و هم ... > حکایت از آن دارد که اطمینان برخی از مسلمانان به مرگ آفرینی جنگ بدر به گونه ای بوده که گویا مرگ را با چشم خویش مشاهده می کردند.

مشرکان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۱

۱ مشاهده سپاه برتر مشرکان جنگ بدر مایه نگرانی مسلمانان و احساس خطر از سوی آنان برای کیان اسلام

إذ تستغیثون ربکم

واژه <استغاثه> معمولا در موردی به کار می رود که استغاثه کننده در طلب نجات از تنگنایی شدید باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱،۲،۴،۷

۱ سپاه اسلام و سپاه شرک در آستانه جنگ بدر ، هر کدام در سویی از دره واقع در منطقه بدر مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه

<عُدْوه> به معنای کناره و دامنه وادی است و وادی به زمینی که بین دو کوه و دو تپه قرار دارد گفته می شود و هر وادی دارای دو عدوه و کناره است. تکرار کلمه <عدوه> در آیه شریفه حکایت از آن دارد که سپاه اسلام در یک سوی دامنه و سپاه کفر در دامنه دیگر استقرار داشتند.

۲ دره واقع میان دو سپاه ایمان و شرک در جنگ بدر ، دارای دو دامنه متفاوت از جهت بلندی و پستی *

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

<دنیا> به معنای نزدیکتر

و <قصوی> به معنای دورتر است. به نظر می رسد دوری و نزدیکی آن دو دامنه به نسبت دره و زمین مسطح فیما بین سنجیده شده باشد. یعنی شما در دامنه ای بودید که آن دامنه به زمین مسطح نزدیکتر بود و کافران در دامنه ای مستقر شده بودند که به زمین مسطح دورتر بود. دوری و نزدیکی دامنه ها به نسبت زمین مسطح فیما بین، ملازم با بلندی و پستی آن دو دامنه است.

۴ موقعیت ضعیف مسلمانان در جنگ بدر نسبت به موقعیت کفار

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

می توان گفت هدف از بیان موقعیت مسلمانان و کفرپیشگان مکه در منطقه بدر یادآوری موقعیت بسیار ضعیف مسلمانان است. جلمه <لیهلك من هلك ... > مؤید این معنا می باشد. زیرا پیروزی آنگاه دلیل حقانیت مسلمانان می شد که شرایط ظاهری، تضمین کننده پیروزی کافران و شکست مسلمانان بود.

۷ رویارویی دو سپاه بدر در زمانی مشخص ، حتی با برنامه ریزی طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

کلمه <میعاد> می تواند اسم زمان به معنای زمان قرار، و می تواند اسم مکان به معنای جایگاه قرار باشد. و مراد از <تواعد> وعده مسلمانان با اهل مکه است ; یعنی <و لو تواعدتم أنتم و اهل مکه ... > که در برداشت به برنامه ریزی طرفین تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر ، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود .

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه

أنعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

<ذلک> علاوه بر اینکه اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می توانـد اشاره به قضایای جنگ بـدر و نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

مشرکان قریش در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۸

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إلیه (الکافرین) است و مراد از <فوق الأعناق> سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ... > یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

مشرکان مکه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۴

۴ - یهود بنی قریظه ، در

غزوه احزاب ، همْ پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب

مراد از <الذین ظاهروا> یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر <هم>، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

مشرکان مکه در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۱،۵

۱ مشرکان مکه به دلیل حضورشان در کارزار بدر ، از دشمنان و مخالفان خدا و رسول او بودند .

ذلک بأنهم شاقوا اللّه و رسوله

۵ سرکوبی و شکست مشرکان در جنگ بدر ، عقاب شدید الهی برای آنان

فاضربوا فوق الأعناق . .. فإن اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۱،۳

۱ سرکوبی و شکست مشرکان در بدر ، عقوبت دنیوی آنان

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

<کم> در <ذلکم> خطاب به مشرکان و <ذا> اشاره به شکست و سرکوبی آنان دارد. و <ذلکم> مبتدا و خبر آن به قرینه فراز بعد <و أن للکافرین ... > <عقابکم فی الدنیا> است.

۳ مشرکان حاضر در کارزار بدر ، مردمی کفرپیشه و مستحق عذاب با آتش دوزخ

و أن للکفرین عذاب النار

از مصادیق مورد نظر برای <للکفرین> مشرکان حاضر در کارزار بدر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۵ - ۲

۲ - فرجام یهود بنی نضیر در موضع گیری علیه اسلام ، منتهی به شکست آنان ، همچون فرجام مشرکان مکه در بدر *

کمثل الذین من

قبلهم قریبًا

برخی برآنند که مراد از <الذین من قبلهم قریبًا>، مشرکان مکه در بدر است.

معجزه پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - تحقق نوید الهی به فتح خیبر ، معجزه ای هدایتگر برای مؤمنان

فعجّل لکم هذه . .. و لتکون ءایه للمؤمنین

ملائکه امداد در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۳،۱۴،۱۶

۱۳ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان ، دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم إنی أری ما لاترون

۱۴ شیطان در آستانه جنگ بدر ، فرشتگان امدادگر الهی را به روشنی مشاهده کرد .

إنی أری ما لاترون

به قرینه آیه ۹ و ۱۲ از همین سوره می توان گفت مراد از <ما لاترون> فرشتگانی بودند که برای امداد لشکر ایمان در کارزار بدر حاضر شدند.

۱۶ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه فرار کرد .

إنی أری ما لاترون إنی أخاف اللّه

مراد از خوف خدا (إنی أخاف اللّه) به دلیل <إنی اری ما لاترون> گرفتار شدن به چنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

ملائکه در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۹ – ۷

۷ – نزول ملائکه امداد در غزوه احزاب ، به منظور کمک به مسلمانان

و جنودًا لم تروها

احتمال قوی این است که سپاهی که قابل

رؤیت نبود همان ملائکه باشد.

ملائکه در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۲،۸

۲ مجاهدان بدر پیش از نبرد با نیایش به درگاه خدا از وی استمداد کردند .

إذ تستغیثون ربکم

<غوث> به معنای یاری کردن است و استغاثه طلب یاری و امداد است.

۸ حضور هزار فرشته در جنگ بدر ، که هر یک فرشته و یا فرشتگانی به دنبال خویش داشتند .

بألف من الملئکه مردفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۱

۱ نقش ملائکه در جنگ بدر ، تنها بشارت به پیروزی و اطمینان دادن به مؤمنان بود ، و نه اقدامی عملی در قتل مشرکان .

و ما جعله اللّه إلا بشری و لتطمئن به قلوبکم

ضمیر در <جعله> و <به> به امداد که از <أنی ممدکم> استفاده می شود، برمی گردد و کلمه <بشری> مفعولٌ له برای <جعل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۱،۲،۳،۵،۸

۱ خداوند با وحی به فرشتگان حاضر در کارزار بدر ، آنان را از پشتیبانی خویش در ثبات بخشیدن به مجاهدان آگاه ساخت .

إذ یوحی ربک إلی الملئکه أنی معکم فثبتوا الذین

۲ ایجاد پایداری در مجاهدان ، فرمان خداوند به فرشتگان گسیل شده به جنگ بدر

إذ یوحی ربک إلی الملئکه أنی معکم فثبتوا الذین

۳ تنها پیامبر (ص) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود .

إذ یوحی ربک إلی الملئکه

چنانچه <إذ>، متعلق به <اذکر>

باشـد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به خلاف آیات گذشـته، شـخص پیامبر(ص) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

<ال> در <الأعنـاق> جانشـین مضـاف إلیه (الکافرین) است و مراد از <فوق الأعناق> سـرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ... > یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۳

۳ خداوند ، سه هزار فرشته را برای یاری رزمندگان بدر فروفرستاد .

الن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم بثلثه الاف من الملئکه منزلین

<اذ تقـول . .. > یعنی یـادآور زمـانی را که به مـؤمنین وعـده امـداد الهی را می دادی; اگر این وعـده تحقـق پیـدا نکرده بود یادآوری آن لغو بود.

منافقان پس از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۱

۱ منافقـان (پس از جنـگ تبوک) ، در صورت یـافتن پناهگاه یا غار و یا روزنی در زمین ، حاضـر به گریختن سـریع از جامعه اسلامی بودند .

لو یجدون ملجئاً أو مغرت أو مدّخلا لولّوا إلیه

<ملجأ>

به معنای پناهگاه است و <مغارات> جمع <مغاره> یعنی شکافهای کوه و <مدّخل> به روزنه و منفذی گفته می شود که بتوان در آن پنهان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۴

۴ پیامبر (ص) مأمور افشای چهره منافقان و اعلام عدم حضور قطعی آنان با او در هیچ جنگی پس از جنگ تبوک

فقل لن تخرجوا معی أبداً و لن تقتلوا معی

منافقان در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۳

۳ - اذیت و آزار زبانی مسلمانان ، در غزوه احزاب ، از سوی منافقان ، ناشی از این بود که می پنداشتند احزاب متّحد ، نرفته اند و در اطراف مدینه خواهند ماند .

سلقوکم بألسنه حداد . .. یحسبون الأحزاب لم یذهبوا

بنابراین احتمال که <یحسبون. ..> حال برای ضمیر فاعلی <سلقوا> باشد، نکته یاد شده فهمیده می شود.

منافقان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱

۱ جبهه ایمان در کارزار بدر ، متشکل از مؤمنان متکی بر خدا ، عناصری منافق و گروهی سست ایمان

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. و من یتوکل علی اللّه

<مرض> به معنای بیماری است و مقصود از آن در اینجا به این دلیل که در مقابل نفاق قرار گرفته، تردید در حقانیت دین است که از آن می توان به ضعف ایمان تعبیر کرد. جمله <و من یتوکل علی اللّه> اشاره به گروه سوم، یعنی مؤمنان

حقیقی و راستین، دارد.

منافقان در غزوه بنی مصطلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱

۱ - منافقان ، در جنگ < بنی المصطلق > سوگند یاد کردند پس از بازگشت به مدینه ، پیامبر (ص) را از آن شهر اخراج کنند .

یقولون لئن رجعنا إلی المدینه لیخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ

<لام> در <لئن رجعنا> توطئه برای قسم و <لیخرجنّ الأعزّ. ..> جواب قسم است. طبق نظر مفسران، سخن یاد شده را رئیس منافقان (عبداللّه بن أُبیّ) در غزوه بنی المصطلق گفته بود.

منافقان در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۴

۴ نزول آرامش روحی از سوی خداوند بر مؤمنان در جنگ حنین و محرومیت منافقان از آن

ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

با توجه به اینکه در فراز قبل، مؤمنان به وسیله ضمیر <کم> مخاطب قرار گرفتند و در این آیه به جای آن ضمیر، کلمه <مؤمنین> آمده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

منافقان مدینه در غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۱

۱ - منافقان حاضر در صحنه غزوه احزاب ، و مصمم به فرار از آن ، پیش تر در غزوه اُحد تعهد کرده بودند که از جهاد با دشمن نگریزند .

و لقد كانوا عهدوا اللّه من قبل لايولّون الأدبر

مرجع ضـمير در <كانوا> گروهی از منافقان انـد که در غزوه اُحـد ترسـيدند و تصـميم به فرار گرفتنـد، ولی عهـد کردنـد که ديگربار چنين

نکنند.

منافقان مدینه در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۲ – ۱

۱ – منافقان ، همسو با احزاب متّحد ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن روحیه مسلمانان فعالیت می کردند .

إذ جاءتکم جنود . .. و إذ یقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه ... إلاّ غرورًا

فعل مضارع <یقول> بر تداوم کار منافقان دلالت می کند که از آن، به <فعالیت> تعبیر می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۳ – ۱،۴،۸،۱۱،۲۰

۱ – عده ای از منافقان ، مسلمانان شرکت کننده در غزوه احزاب را ، به ترک جهاد وسوسه می کردند .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۴ – منافقان ، به نفع جبهه احزاب متّحد ، برای درهم شکستن جبهه مسلمانان ، فعالیت تبلیغاتی داشتند .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۸ – برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود(مفردات راغب).

۱۱ – مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلاّ فر

۲۰ – < عن عبداللّه الحلبی

عنه (ع) : إنّهم قالوا < إنّ بيوتنا عوره . . . > فأكذبهم اللّه قال : < و ما هى بعوره . . . > و هى رفيعه السمک حصينه ;

از عبداللّه حلبی، از امام(ع) نقل شده که منافقان گفتند: خانه های ما بی حفاظ است. خداوند آنان را تکذیب کرد و فرمود: <و ما هی بعوره...> و آن خانه ها، دارای دیوارهای بلند و محکم بود.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۴ - ۳،۶

۳ - منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، در صورت حضور در داخل خانه هایشان و هجوم دشمن ، از آن دفاع نمی کردند .

یقولون إنّ بیوتنا عوره . .. و لو دخلت علیهم من أقطارها ثمّ سئلوا الفتنه لأتوها

۶ - تزلزل منافقان مدینه در غزوه احزاب ، ناشی از بی ایمانی آنان بود .

و یستئذن فریق منهم . .. یقولون إنّ بیوتنا عوره ... إن یریدون إلاّ فرارًا ... ثمّ

<ثمّ سئلوا الفتنه> دلالت می کند که آنان، با درخواست شرک، آن را قبول می کردند. چنین امری اشعار دارد که استیذان در ترک جهاد و بهانه جویی برای فرار، ناشی از بی ایمانی و تزلزل در عقیده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۱

۱ - منافقان حاضر در صحنه غزوه احزاب ، و مصمم به فرار از آن ، پیش تر در غزوه اُحد تعهد کرده بودند که از جهاد با دشمن نگریزند .

و لقد کانوا عهدوا اللّه من قبل لایولّون الأدبر

مرجع ضمیر در <کانوا>

گروهی از منافقان اند که در غزوه اُحد ترسیدند و تصمیم به فرار گرفتند، ولی عهد کردند که دیگربار چنین نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۳،۶،۷

۳ - منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، درصدد فرار از جهاد ، به منظور نجات خود بودند .

قل لن ینفعکم الفرار

۶ - منافقان حاضر در غزوه احزاب ، برای نجات از مرگ و یا کشته شدن ، تصمیم به فرار از جهاد گرفتند .

إن یریدون إلاّ فرارًا . .. إن فررتم من الموت أو القتل

۷ - خداوند ، به منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، با بیان این که حتی در صورت فرار از جبهه جهاد ، گرفتار مرگ یا قتل ، در جای دیگر یا زمان دیگر می شوند ، هشدار داده است .

إن فررتم من الموت أو القتل و إذًا لاتمتّعون إلاّ قلیلاً

منافقان مدینه و غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۲،۳

۲ - منافقان برای ماندن مسلمانان به همراه پیامبر (ص) در غزوه احزاب باتوجه به هجوم دشمن وجهی منطقی قائل نبودند و آنان را به ترک غزوه ، دعوت می کردند .

قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۳ - منافقان مدینه ، به مسلمانان وانمود کردند که شکست شان در غزوه احزاب حتمی است .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۳

۳ - منافقان مدینه

، به هنگام خبردار شدن از وقوع جنگ احزاب ، به قدری می ترسیدند که چشمان شان بی اختیار ، به چرخش می افتاد .

فإذا جاء الخوف رأیتهم ینظرون إلیک تدور أعینهم کالذی یغشی علیه من الموت

مراد از <الخوف> به قرینه بحث جهاد و هجوم دشمن، خبر جنگ و قتال است که برای منافقان بسیار ترس آور بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۱،۴

۱ - منافقان مدینه ، می پنداشتند که احزاب متّحد ، تا مدینه را فتح نکنند ، پراکنده نخواهند شد .

یحسبون الأحزاب لم یذهبوا

۴ - منافقان مدینه ، دوست داشتند که در صورت تکرار هجوم احزاب متّحد به مدینه ، در بیابان و در میان بادیه نشینان باشند .

و إن یأت الأحزاب یودّوا لو أنّهم بادون فی الأعراب

منافقان و غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۳

۳ منافقان و سست ایمان ها ، حضور مؤمنان را در جنگ بدر ناشی از فریب خوردگی آنان می پنداشتند .

غر هؤلاء دینهم

<غرور> (مصدر غرّ) به معنای فریب دادن است.

منافقان و غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۳

۳ پیمودن مسافت مدینه تا تبوک به دلیل دوری راه ، برای برخی افراد (منافقان) دشوار می نمود .

و لکن بعدت علیهم الشقه

<شـقه> به معنای سـختی و مشقت و کنایه از مسافت است; یعنی، به نظر آنان (منافقان)راه میان مدینه و تبوک راهی طولانی و پیمودن آن طاقت فرساست.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۳ – ۲

۲ اجازه گرفتن بهانه جویان (منافقان) از پیامبر (ص) ، برای شرکت نکردن در جنگ تبوک با اظهار دروغین عجز و ناتوانی خود

لم أذنت لهم حتی یتبین لک

مقصود از <اذن> در آیه فوق به قرینه آیه قبل (لو استطعنا . ..) و شأن نزولها اذن دادن به کسانی است که از شرکت در جهاد، خود را معذور می دانستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۶ – ۴

۴ کراهت و ناخوشایندی خداوند ، از برانگیختن و موفق ساختن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برای شرکت در آن

و لکن کره اللّه انبعاثهم فثبطهم و قیل اقعدوا مع القعدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۷ – ۱،۲

۱ متخلفان جنگ تبوک (منافقان) ، در صورت شرکت در آن ، جز فساد و تباهی به بار نمی آوردند .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا

<خبال> به معنای فساد و تباهی است; یعنی، اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند برای شما چیزی جز فساد و تباهی نمی افزودند.

۲ عدم شرکت بی ایمان ها و سست باوران (منافقان) در جنگ تبوک ، به خیر و صلاح مؤمنان بود نه مایه ضرر آنان .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۸ – ۴

۴ ناتوانی متخلفان جنگ تبوک

(منافقان) در به شکست کشانیدن جبهه اسلام

لقد ابتغوا الفتنه من قبل . .. حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱

۱ اذن طلبی برخی منافقان برای نرفتن به جنگ تبوک ، به بهانه گرفتار شدن به فتنه و گناه

و منهم من یقول ائذن لی و لاتفتنی

در شأن نزول آیه آورده انـد که: یکی از منافقـان به پیامبر اکرم (ص) گفت: <یا رسول اللّه ائـذن لی و لاتفتنی بنات الأصـغر فـإنی أخـاف أن أفتتـن بهن>; یعنی، ای رسـول خـدا! به من اذن بـده تـا در جنـگ شـرکت نکنم . .. چـون، می ترسم مفتـون دخترکان رومی گردم و به گناه بیفتم. (مجمع البیان، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۹

۹ اخلالگری منافقان صدر اسلام ، در بسیج برای جنگ تبوک

لاتنفروا فی الحر

منشأ پیروزی غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۱،۱۳

۱۱ - تسلط و غلبه پیامبر (ص) بر یهود بنی نضیر ، معلول اراده و عنایت خداوند بود ; نه صرفاً تلاش مسلمانان .

فما أوجفتم علیه . .. و لکنّ اللّه یسلّط رسله علی من یشاء

۱۳ - فتح دژ های مستحکم و استوار یهود بنی نضیر بدون جنگ و درگیری ، نمودی عینی از قدرت نامحدود الهی است .

هو الذی أخرج الذین کفروا . .. و ظنّوا أنّهم مانعتهم حصونهم ... و اللّه علی کلّ ش

منشأ پیروزی غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إذ یبایعونک تحت الشجره . .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحًا قریبًا

عبارت <فتحاً قریباً> ممکن است اشاره به <فتحاً مبیناً> (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد; چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

منشأ غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۹

۹ تقدیر و اراده خداوند ، تحقق بخش جنگ بدر و شکل دهنده مقدمات آن

و لکن لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۵

۵ خداوند تحقق دهنده جنگ بدر و پیروزکننده مسلمانان در آن نبرد

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

منشأ غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۵ - ۳

۳ - حرکت های مسلمانان در مقابله با یهود بنی نضیر ، به اذن و رهنمود الهی بود .

ما قطعتم . .. فبإذن اللّه

با توجه به الغای خصوصیت از مورد، مطلب یاد شده به دست می آید.

موقعیت اجتماعی متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۳

۳ تنگ شدن عرصه زندگی بر سه مسلمان متخلف

از جنگ تبوک ، در اثر رو به رو شدن با پیامد های عمل خطایی که کرده بودند .

حتی اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

موقعیت جغرافیایی غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۱،۳،۸

۱ سپاه اسلام و سپاه شرک در آستانه جنگ بدر ، هر کدام در سویی از دره واقع در منطقه بدر مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه

<عُدْوه> به معنای کناره و دامنه وادی است و وادی به زمینی که بین دو کوه و دو تپه قرار دارد گفته می شود و هر وادی دارای دو عدوه و کناره است. تکرار کلمه <عدوه> در آیه شریفه حکایت از آن دارد که سپاه اسلام در یک سوی دامنه و سپاه کفر در دامنه دیگر استقرار داشتند.

۳ مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

موقعیت جوّی غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۱۰

۱۰ وقوع جنگ تبوک در شدت گرما

لاتنفروا فی الحر

مؤمنان در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۱

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت .

و إذ

یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱،۲،۳،۵

۱ جبهه ایمان در کارزار بدر ، متشکل از مؤمنان متکی بر خدا ، عناصری منافق و گروهی سست ایمان

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. و من یتوکل علی اللّه

<مرض> به معنای بیماری است و مقصود از آن در اینجا به این دلیل که در مقابل نفاق قرار گرفته، تردید در حقانیت دین است که از آن می توان به ضعف ایمان تعبیر کرد. جمله <و من یتوکل علی اللّه> اشاره به گروه سوم، یعنی مؤمنان حقیقی و راستین، دارد.

۲ حضور مؤمنان واقعی درکارزار بدر ، در مقابل دشمنی به مراتب قویتر ، برخاسته از پایبندی آنان به اسلام ، حتی در دیدگاه منافقان و سست ایمانها

إذ یقول المنفقون . .. غر هؤلاء دینهم

<غر هؤلاء دینهم> که سخن منافقان و سست ایمانهاست، بیانگر این است که آنان نیز حضور مؤمنان در کارزار بدر برخاسته از اندیشه دینی ایشان می دانستند.

۳ منافقان و سست ایمان ها ، حضور مؤمنان را در جنگ بدر ناشی از فریب خوردگی آنان می پنداشتند .

غر هؤلاء دینهم

<غرور> (مصدر غرّ) به معنای فریب دادن است.

۵ نیروی نظامی مؤمنان در جنگ بدر ، نیرویی بس ضعیف و ناتوان در مقایسه با جبهه کفر

یقول المنفقون . .. غر هؤلاء دینهم و من یتوکل علی اللّه

بیان حمایت خداوند از مؤمنان در کارزار بدر با جمله <و من یتوکل . .. > پس از بیان نظریه منافقان و بیماردلان (ضعف قوای نظامی مسلمانان) اندیشه آنان را

تأیید می کند. یعنی اظهار نظر منافقان به حسب دید ظاهری صحیح است، ولی آنچه مورد غفلت واقع شده، تأثیر بسزای حمایت الهی از مؤمنان متوکل است. یعنی اگر حمایت الهی نباشد، همان است که منافقان اظهار می دارند.

مؤمنان در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوک ، برانگیزنده خشم کافران بود .

و لا یطئون موطئاً یغیظ الکفار

با توجه به اینکه این بخش از آیات در مورد جنگ تبوک است، برداشت فوق استفاده می شود.

مؤمنان و شکست غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۶

۶ برخی از مؤمنان مأیوس از پیروزی در جنگ بدر و مطمئن به شکستی مرگ آفرین در آن کارزار

یجدلونک . .. کأنما یساقون إلی الموت و هم ینظرون

مؤمنان و غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۶

۶ برخی از مؤمنان از اقدام به جنگ بدر ناخشنود بودند .

أخرجک ربک . .. و إن فریقا من المؤمنین لکرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۴

۴ وحشت شدید برخی از مؤمنان از حضور یافتن در جنگ بدر

کأنما یساقون إلی الموت

مؤمنان و متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۴

۴ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در معرض انتقاد و حمله و

تعرض مؤمنان بازگشته از جهاد قرار داشتند .

سيحلفون باللّه . .. لتعرضوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۳

۳ ناخشنودى مؤمنان مجاهد از متخلفان جنگ تبوک (منافقان)

يحلفون لكم لترضوا عنهم

مهاجران در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۶

۶ نيرو هاى رزمى جنگ تبوک ، متشكل از مهاجر و انصار

المهجرين و الانصار الذين اتبعوه فى ساعه العسره

ناخشنودى مجاهدان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۳

۳ ناخشنودى مؤمنان مجاهد از متخلفان جنگ تبوک (منافقان)

يحلفون لكم لترضوا عنهم

نزول آرامش در غزوه حنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱،۴

۱ نزول آرامش روحى از جانب خداوند بر رسول اكرم (ص) و مؤمنان در جنگ حنين ، پس از فرار مسلمانان

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۴ نزول آرامش روحی از سوی خداوند بر مؤمنان در جنگ حنین و محرومیت منافقان از آن

ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

بـا تـوجه به اینکه در فراز قبـل، مؤمنـان به وسـیله ضـمیر <کم> مخـاطب قرار گرفتنـد و در این آیه به جـای آن ضـمیر، کلمه <مؤمنین> آمده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

نظم سپاه مسلمانان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۰

۱۰

- در سپاه مسلمانان ، به هنگام غزوه احزاب ، نظمی استوار ، حاکم بود . به گونه ای که منافقان نیز خود را ملزم به رعایت آن می دانستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ

نفاق متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک ، به ظاهر مسلمان ولی در باطن کافر به خدا و رسول او بودند .

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم کفروا باللّه و برسوله

روی سخن در این بخش از آیات با کسانی است که از شرکت در جنگ تبوک سرباز زده بودند.

نقش طوفان در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۴

۴ - طوفان و نیرو های نامریی در غزوه احزاب ، از عوامل فروپاشی جبهه احزاب متّحد و پراکنده شدن آنان بود .

فأرسلنا علیهم ریحًا و جنودًا . .. و ردّ اللّه الذین کفروا

بنابراین که <و ردّ اللّه> عطف بر آیه نُه (فأرسلنا علیهم. ..) باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

نقش غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۵

۵ - غزوه بنی نضیر ، اولین برخورد گروهی یهودیان مدینه با پیامبر (ص) و مسلمانان *

أخرج الذین کفروا . .. لأوّل الحشر

از تعبیر <أوّل الحشر> می توان استفاده کرد که <غزوه بنی نضیر>، اولین دسته بندی گروهی یهودیان مدینه، علیه پیامبر(ص) بوده است.

نقش متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۶

۶ متخلفان جنگ تبوک در صورت شرکت در آن جنگ ، جز نفوذ در میان صفوف لشکر اسلام به منظور فتنه جویی ، نقشی دیگر نداشتند .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

نگرانی در مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۸،۹

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهّرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لام در <یذهب> بیانگر این است که <یذهب . .. > مترتب بر <لیطهرکم ... > است. و تناسب تطهیر با برطرف شدن رجز شیطان اقتضا می کند که مراد از رجز شیطان وسوسه هایی باشد که شیطان بر اثر نبودن آب برای طهارت در مجاهدان ایجاد می کرده است.

نگرانی محمد (ص) در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۲

۲ نگرانی پیامبر (ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله

نهی از شرکت در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۸

۸ - تلاش متخلّفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از

شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه<قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است; تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهیم شدن در غنایم بودند.

نیروهایی نامرئی در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۴

۴ - طوفان و نیرو های نامریی در غزوه احزاب ، از عوامل فروپاشی جبهه احزاب متّحد و پراکنده شدن آنان بود .

فأرسلنا علیهم ریحًا و جنودًا . .. و ردّ اللّه الذین کفروا

بنابراین که <و ردّ اللّه> عطف بر آیه نُه (فأرسلنا علیهم. ..) باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

وعده پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

وعده غنایم غزوه خیبر

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۵ – ۱۲

۱۲ – اختصاص غنایم خیبر به شرکت کنندگان سفر حدیبیه ، براساس وعده قبلی خداوند *

إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها . .. قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنایم، به حاضران صلح حدیبیه باشد; چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

وعده های خدا در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۱۰

۱۰ – توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله . .. و ما زادهم إل

وعده های محمد(ص) در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۱۰

۱۰ – توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله . .. و ما زادهم إل

وقت هجوم مجاهدان غزوه ذات السلاسل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۵ – ۳

۳ - مجاهدان در غزوه < ذات السلاسل > با اسبان دونده ای که از ضربه سم آنها برق می جهید

، صبحگاهان بر دشمن تاختند و در میان غبار پای اسبان ، خود را به قلب دشمن رساندند .

و العدیت ضبحًا . فالموریت قدحًا . فالمغیرت صبحًا . فأثرن به نقعًا . فوسطن به

براساس بعضی از روایات، این آیات به غزوه <ذات السلاسل> نظر دارد.

ویژگیهای اسبان مجاهدان غزوه ذات السلاسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۵ - ۳

۳ - مجاهدان در غزوه < ذات السلاسل > با اسبان دونده ای که از ضربه سم آنها برق می جهید ، صبحگاهان بر دشمن تاختند و در میان غبار پای اسبان ، خود را به قلب دشمن رساندند .

و العدیت ضبحًا . فالموریت قدحًا . فالمغیرت صبحًا . فأثرن به نقعًا . فوسطن به

براساس بعضی از روایات، این آیات به غزوه <ذات السلاسل> نظر دارد.

هجوم دشمن در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۹ - ۲

۲ - مورد هجوم قرار گرفتن مسلمانان در مدینه از سوی لشگر دشمن در غزوه احزاب

اذکروا نعمه اللّه علیکم إذ جاءتکم جنود

مفسران بر این نکته اتفاق نظر دارند که این آیه، درباره غزوه احزاب نازل شده است. مراد از <جنود> گروه های مشرک و یهودیان اند که در یک تصمیم جمعی، متحد شدند و جهت درهم کوبیدن مسلمانان، به مدینه هجوم بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱،۵،۸،۱۱،۱۳،۱۴،۱۵

۱ - مسلمانان مدینه ، از ناحیه بالا و پایین مدینه ، در محاصره دشمن (احزاب متّحد) قرار گرفتند .

إذ جاءوکم

من فوقكم و من أسفل منكم

۵ - هجوم احزاب متّحد به سوی مدینه ، باعث وحشت و نگرانی مسلمانان شد .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر

<زاغت الأبصار> می توانـد کنایه از به وجود آمـدن آن چنان وحشتی باشـد که چشم شـخص، قـدرت دید و تشـخیص را از دست می دهد.

۸ - هجـوم احزاب متّحـد به مـدینه ، برای درهم شکسـتن مسـلمانان ، مسـلمانان را به قـدری وحشت زده کرد که هماننـد افراد محتضر شدند .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

مراد از به حنجره رسیدن قلب ها، خفگی و به حال مرگ افتادن است.

۱۱ - ایّام هجوم احزاب متّحد به مدینه ، روزهایی بس سخت و نگران کننده برای مسلمانان بود .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

۱۳ - پس از محاصـره مدینه از سوی احزاب متّحد ، ظنّ و گمان های گوناگونی درباره خدا ، در میان مردم مسلمان پدید آمد .

إذ جاءوکم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

<ظنون> مفعول مطلق عددی است و <ال > در آن، برای جنس است. جمع آورده شدن <ظنون > همراه با <ال> دلالت بر تعدد و گوناگونی می کند.

۱۴ - عارض شدن بدگمانی به خدا در مسلمانان ، در پیِ هجوم احزاب متّحد به مدینه

إذ جاءوکم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

احتمال دارد که مخاطب فعل <تظنّون> مسـلمانان باشـند و یکی از احتمال های <الظنونا> بـدگمانی باشد. آیات بعدی می تواند قرینه ای بر نکته یاد شده باشد.

۱۵ - ظنّ و گمان های مردم مدینه درباره وعده های خدا ، در پی هجوم احزاب متّحد

، علاوه بر گوناگونی ، نو به نو و در حال تجدید شدن بود .

و تظنّون باللّه الظنونا

آوردن فعل مضارع <تظنّون> به منظور بیان پدید آمدن گمان، می تواند بیان کننده تداوم و تجدید شدن آن باشد.

هلاکت کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۶

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

کدأب ءال فرعون . .. فأهلکنهم بذنوبهم

هلاکت متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سیحلفون باللّه . .. یهلکون أنفسهم

یهود بنی قریظه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۶

۴ - یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، همْ پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب

مراد از <الذین ظاهروا> یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر <هم>، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

یهود بنی نضیر در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

یهود غطفان در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

غزوه احد

{غزوه احد}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۱۱،۱۲

۱۱ اختلاف نظر مسلمانان در تعيين محل جنگ احد *

و اذ غدوت . .. و اللّه سميع عليم

يادآورى شنوايى خداوند نسبت به گفتار و دانايى او نسبت به كردار و انديشه ها پس از بيان خروج پيامبر (ص) از مدينه براى آماده سازى محلّ دفاع، حكايت از بگو مگوها و انديشه هاى مخالف نظر پيامبر (ص) درباره محل برخورد با دشمن دارد.

۱۲ شركت پيامبر (ص) در جنگ احد ، به عنوان فرماندهى عمليات نظامى

و اذ غدوت من اهلك تبوّىء المؤمنين مقاعد للقتال

امام صادق (ع): سبب نزول هذه الآيه ان قريشا خرجت من مكّه تريد حرب رسول اللّه (ص) فخرج يبغى موضعاً للقتال.

تفسير قمى، ج ۱، ص ۱۱۰ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۳۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱،۲،۳،۵،۷،۸،۱۸

۱ تمايل دو گروه از رزمندگان احد به سستى و انصراف از شركت در جنگ

اذ همّت طائفتان منكم ان تفشلا

بيشتر مفسرين برآنند كه آيه فوق در مورد نبرد احد نازل شده است.

۲ سستى و ترس دو گروه از مسلمانان شركت كننده در جنگ احد ، مورد ملامت خداوند

اذ همّت طائفتان منكم ان تفشلا و اللّه وليّهما

<فشل> به معنای ضعف به همراه ترس است. (مفردات راغب).

۳ لزوم یادآوری و تحلیل حوادث تاریخی (نبرد احد) و عبرت از آن

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

بنابر اینکه کلمه <اذ>، مفعول فعلی مقدر، همانند <اذکر> (به یاد آور)

باشد; و یادآوری حوادث تاریخی، معمولا برای عبرت گرفتن است.

۵ دسیسه منافقان (عبداللّه بن أبی سلول) ، برای ایجاد سستی و هراس در مسلمانان ، هنگام روانه شدن آنان به سوی احد

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

در مجمع البیان آمده است که عبداللّه بن ابی سلول، دو طایفه از مسلمانان (برخی از مهاجر و انصار) را از رویارویی با مشرکان برحذر می داشت.

۷ نبرد احد ، نمونه ای از بی صبری و بی تقوایی دو گروه از مسلمانان و زیان دیدن از توطئه های دشمنان

و ان تصبروا و تتقوا لا یضرّکم کیدهم شیئاً . .. اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

۸ یاری خداوند در از بین بردن هراس آن دو گروه از مسلمانان که در جنگ احد ، به سستی مبتلا شدند .

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا و اللّه ولیّهما

جمله <اذ همّت> می رساند که قصد سستی داشتند، ولی از این قصد منصرف شدند و به کار جنگ پرداختند. جمله <و اللّه ولیّهما>، ظاهراً بیانگر علت انصراف آنان است.

۱۸ تمایل بنی حارثه و بنی سلمه به سستی و انصراف از شرکت در جنگ احد

اذ همّت طائفتان منکم

امام باقر و امام صادق (ع) درباره <طائفتان> در آیه فوق فرمودند: <و الطّائفتان هما بنو سلمه و بنو حارثه حیّان من الانصار.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۲۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۴

۴ خودباختگی و شکست روحی پیکارگران احد پس از بازگشت از نبرد

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا . .. و لاتهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون

اگر

چه نهی از چیزی، حکایت از وقوع خارجی آن ندارد، ولی به قرینه آیات بعد (ان یمسسکم قرح . ..)، معلوم می شود که نهی از سستی و اندوه، پس از وقوع آن در میان مسلمانان بوده است. و به مقتضای ارتباط این آیه با آیات پیشین که جنگ احد و عوامل شکست آن را گوشزد کرد، به دست می آید که این سستی و اندوه، ناشی از مسائل جنگ احد بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۴،۵،۱۳،۱۹

۴ تزلزل روحیه برخی از پیکارگران احد ، بر اثر شایعه قتل پیامبر (ص)

و ما محمّد الّا رسول . .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

۵ اتکای افراطی برخی از پیکارگران احد به شخص پیامبر (ص) ، مورد نکوهش خداوند

افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

۱۳ پندار غلط جاودانگی پیامبر (ص) ، موجب ارتداد و واپسگرایی برخی از مبارزان احد ، و انکار رسالت آن حضرت پس از شایعه قتل ایشان

افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

مفسران در شأن نزول آیه گفته اند: آنگاه که خبر قتل پیامبر(ص) در بین مردم شایع شد، برخی از مسلمانان اظهار داشتند که اگر محمّد(ص) پیامبر بود، کشته نمی شد. (مجمع البیان، ذیل آیه.)

۱۹ استقامت پیشگان و پایمردان پیکار احد ، شاکران نعمت رسالت پیامبر (ص)

انقلبتم علی اعقابکم . .. و سیجزی اللّه الشّاکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۹

۹ شکست مسلمانان

در پیکار احد ، زمینه ساز رواج تبلیغات گمراه کننده کافران و منافقان

یا ایّها الّذین امنوا ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم

در شأن نزول آیه آمده است که منافقان پس از شکست نبرد احد، مسلمانان را به بازگشت و پذیرش آیین مشرکان ترغیب می کردند. (مجمع البیان، ذیل آیه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۳،۴،۷،۱۰،۱۵،۱۶،۲۰،۲۲،۲۴،۲۵

۳ تحقق وعده الهی به نصرت و پیروزی پیکارگران احد ، آنگاه که در آغاز نبرد ، مشرکان را تا آستانه انقراض کشتند .

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

<اذ تحسّونهم> متعلق به <و لقد صدقکم اللّه> است ; یعنی بیان زمان تحقق وعده الهی است. و <تحسّونهم> از ماده <حَسّ> به معنای کشتن تا حد انقراض و نابودی است.

۴ ضربات مرگبار مسلمانان پیکارگر در آغاز جنگ احد بر پیکره مشرکان قریش ، به اذن و اراده الهی

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

۷ سستی ، اختلاف در کار جنگ و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) ، از عوامل شکست مسلمانان در پیکار احد

حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۱۰ سستی ، تفرقه و سرپیچی برخی پیکارگران احد از فرمان پیامبر (ص) ، پس از پیروزی ابتدایی بر دشمنان

حتّی اذا فشلتم . .. من بعد ما اریکم ما تحبّون

گر چه ظاهر خطاب در <فشلتم و تنازعتم . .. و عصیتم> به تمامی مسلمانان در جنگ احد است، ولی به قرینه تقسیم آنان در دنباله آیه به دو گروه دنیاطلب و آخرت طلب، معلوم می شود مراد از مخاطبین

<فشلتم ... >، گروهی از مسلمانان بوده اند و نه همه آنان.

۱۵ دستیابی مسلمانان پیکارگر احد بر غنائم جنگی ، به دنبال شکست ابتدایی مشرکان قریش

من معد ما اریکم ما تحبّون

اگر چه مراد از <ما تحبّون> پیروزی بر دشـمن است، و لکن در آیه شریفه می تواند لازمه آن، یعنی غنیمت نیز مراد باشد; به دلیل <منکم من یرید الدّنیا>.

۱۶ دنیاطلبی برخی از پیکارگران احد ، موجب سستی ، اختلاف و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) و شکست در آن کارزار

حتّی اذا فشلتم و . .. منکم من یرید الدّنیا

به نظر می رسد جمله <منکم من یرید الدّنیا>، دلیل <اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم> باشد.

۲۰ جمعی از پیکارگران احد ، در پی دنیا و گردآوری غنائم و گروهی دیگر خواهان آخرت بودند .

منکم من یرید الدّنیا و منکم من یرید الاخره

۲۲ شکست پیکارگران احد ، آزمایش الهی برای آنان

ثم صرفکم عنهم لیبتلیکم

<صرفکم عنهم> یعنی شما را از تعقیب دشمنِ درگیر منصرف ساخت و لازمه این انصراف، شکست است.

۲۴ عفو خداوند از سستی ، نزاع و نافرمانی پیکارگران احد

حتّی اذا فشلتم . .. و لقد عفا عنکم

۲۵ شایستگی عفو از تخلّفات جنگی پیکارگران

و لقد عفا عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱،۲،۴،۵،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸

۱ فرار پیکارگران احد از رویارویی با مشرکان قریش ، بی آنکه به فکر کسی باشند .

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

کلمه <تصعدون> از <اصعاد>، به معنای دور شدن تا حد پنهان شدن از نظرهاست، و <لا تلون> از ماده

<لیّ>، به معنای التفات و میل کردن است. یعنی از معرکه دور شدید و به کسی توجّه نمی کردید و تنها به فکر فرار از صحنه بودید.

۲ گریز مسلمانان از میدان کارزار احد ، موجب شکست آنان در آن پیکار

ثمّ صرفکم عنهم . .. اذ تصعدون

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد و کلمه <اذ>، یا برای بیان علّت است، یعنی شکست خوردید چون فرار کردید، و یا ظرف زمان است، یعنی شکست خوردید، آنگاه که فرار کردید.

۴ تبلور آزمون مسلمانان در شکست احد ، به هنگام فرار آنان از صحنه کارزار

ثمّ صرفکم عنهم لیبتلیکم . .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <لیبتلیکم> باشد، یعنی خداوند شما را از تعقیب دشمن بازداشت تا آزمایشتان کند و این آزمایش به هنگام فرار تبلور یافت و محقق شد.

۵ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن ، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <اذکروا> باشد.

۷ عفو خداوند از مسلمانان پیکارگر احد ، نسبت به فرارشان از آن کارزار

و لقد عفا عنکم . .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

جمله <لقد عفا عنکم>، می رساند که فرار پیکارگران احد (اذ تصعدون . ..) نیز مشمول عفو الهی قرار گرفته است.

۸ دلهره و ترس و گریز مسلمانان از مهلکه کارزار احد ، موجب بی توجّهی در یاری رسانی به همرزمان خویش *

حتّی اذا فشلتم . .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

۹ تلاش پیامبر (ص) برای جلوگیری از گریز مسلمانان در نبرد

احد ، و بی اعتنایی آنان در پذیرش دعوت او

و لا تلون علی احد و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

جمله <و الرّسول یـدعوکم . .. >، حـالیه است ; یعنی در حـالی که پیامبر (ص) شـما را فرامی خوانـد می گریختیـد و به هیچ کس (حتی پیامبر (ص)) توجهی نداشتید.

۱۰ تلاش مستمر پیامبر (ص) برای جلوگیری از شکست مسلمانان در کارزار احد

و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

۱۱ بی اعتنایی به دعوت پیامبر (ص) در پیکار احد ، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثمّ صرفکم . .. و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

بنابر اینکه <اذ تصـعدون> متعلق به <صـرفکم> باشد، آیه مزبور در مقام بیان علتهای شکست احد است. بنابراین جمله <و لاـ تلـون علی احـد و الرّسـول ... >، که حـاکی از دعوت پیـامبر (ص) و بی اعتنـایی به اوست، نیز بیـانگر علـتی برای شکست خواهد بود.

۱۲ گریز مسلمانان از کارزار احد و فاصله گرفتن آنان از رسول خدا (ص)

و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

کلمه <فی اخریکم> بیـان حـالت پیـامبر (ص) به هنگام دعوت است. یعنی پیامبر (ص) آنگاه که شـما را دعوت می کرد، در آخر شما قرار داشت و این حاکی از دور شدن مسلمانان از اطراف پیامبر (ص) است.

۱۳ حضور و مقاومت رسول خدا (ص) در رویارویی با مشرکان قریش ، تا آخرین لحظات کارزار احد

و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

۱۴ اندوه مسلمانان از شکست در کارزار احد و پیروز نشدن بر مشرکان

فاثابکم غمّا بغمّ

جلمه <فاثابکم>، عطف بر جمله <و لقد عفا عنکم> است و کلمه <باء> در <بغمّ> بدلیّه است، و مراد از

<غمّا> به دلیل کلمه <اثابکم> که دلالت بر مرحمت و لطف دارد و نیز به دلیل اینکه پس از عفو واقع شده، غم و اندوهی پسندیده است و این غم پسندیده همان غم پیروزی کافران بر مسلمانان خواهد بود و یا غمّ و اندوه به خاطر پیروی نکردن از رسول خدا (ص) و سست آمدن در رویارویی با دشمن است.

۱۵ اندوه و حسرت مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم جنگی و جراحاتی که در نبرد احد به آنان رسید .

فاثابکم غمّا بغمّ لکیلا تحزنوا علی مافاتکم و لا ما اصابکم

مراد از <غمّ> (غم دوّم) باید غمی ناپسند باشد ; چرا که خداوند آن را به غم پسندیده تبدیل کرد و آن را پاداشی بر مسلمانان قرار داد و به قرینه <لکیلا . .. >، آن غم ناپسند همان از دست دادن غنائم و جراحات وارد شده بر مسلمانان بوده است.

۱۶ اندوه و پشیمانی مسلمانان به خاطر بی اعتنایی به دستورات پیامبر (ص) در کارزار احد

فاثابکم غمّا بغمّ

با توجه به توضیح برداشت شماره ۱۴.

۱۷ تبدیل اندوه از دادن غنائم به اندوه تمرد از فرمان پیامبر (ص) ، موهبتی الهی به رزمندگان احد

فاثابکم غمّا بغمّ

کلمه <اثابکم> دلالت بر این معنا دارد که این تبدیل و جایگزینی لطف و موهبتی از جانب خداوند بوده است.

۱۸ پشیمانی مسلمانان به جهت تخلف از دستورات پیامبر (ص) در کارزار احد ، نتیجه عفو الهی از گناه آنان

و لقد عفا عنکم . .. فاثابکم غمّا بغمّ

عطف <اثابکم> بر <عفا عنکم> به وسیله <فاء>، دلالت بر ترتب و رابطه علیّت بین آن

دو جمله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱،۴،۵،۶،۹،۱۰،۱۱،۱۵،۲۲،۲۳،۲۴،۲۵،۳۱،۳۲،۳۶

۱ فروفرستادن خوابی آرام بخش از سوی خداوند بر پیکارگران احد ، به دنبال اندوههایی که در آن کارزار بر ایشان گذشت .

ثمّ انزل علیکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

<امنه> (آرامش خاطر)، مفعول برای <انزل> است و <نعاساً> به معنای خواب، عطف بیان و یا بدل از <امنه> است.

۴ وضعیّت اندوهگین و پر دلهره و اضطراب مسلمانان پس از کارزار احد

ثمّ انزل علیکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

۵ خواب آرام بخش ، تنها پیکارگران خداجوی نبرد احد را فراگرفت .

ثمّ انزل . .. امنه نعاساً یغشی طائفه منکم

به قرینه <طائفه قد اهمّتهم . .. >، طائفه اوّل حمل بر کسانی می شود که همّتشان دین و خدا بود.

۶ آنانکه در نبرد احد تنها به فکر خویش بودند (خودگزینان) ، غرق در اضطراب و دلهره و محروم از خواب آسوده و آرام بخش

ثمّ انزل . .. یغشی طائفه منکم و طائفه قد اهمّتهم انفسهم

۹ مسلمانان در پیکار احد متشکّل از دو جناح ، خداجویانِ آخرت طلب و خودگزینانِ دنیاخواه بودند .

یغشی طائفه منکم و طائفه قد اهمّتهم انفسهم

۱۰ پندار های جاهلی مسلمانانِ خودگزین و دنیاطلب احد ، نسبت به خداوند

و طائفه قد اهمّتهم . .. یظنّون باللّه غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه

۱۱ بینش جاهلی مسلمانان احد نسبت به خداوند ، برانگیزنده حسِّ خودگزینی و دنیاطلبی در وجود ایشان

و طائفه قد اهمّتهم . .. یظنّون باللّه غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه

به نظر می رسد جمله <يظنّون بالّله . .. >،

به منزله علّتی باشد برای جمله <و طائفه قد اهمّتهم انفسهم>.

۱۵ تردید برخی از مسلمانان نبرد احد در حقّانیّت اسلام و وعده رسول خدا (ص) به پیروزی مسلمانان بر دشمنانشان

و طائفه . .. یقولون هل لنا من الامر من شیء

برخی از مسلمانان گمان می کردند چون به اسلام گرویده اند و اسلام دین حق و الهی است، باید همه امور بر طبق خواسته آنان پیش رود; ولی آنگاه که شکست خوردند، به تردید افتادند و گفتند گویا اختیار امور به دست ما نیست و در نتیجه اسلام دین حق نیست و وعده های رسول خدا (ص) بی مورد است.

۲۲ انکار حقانیّت رسول خدا (ص) و نادرست پنداشتن وعده های الهی به پیروزی ، چیزی است که خودگزینان شرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند .

و طائفه . .. یخفون فی انفسهم ما لایبدون لک

۲۳ ترس مسلمانان خودگزین و دنیاطلبِ احد از افشای موضع جاهلانه و شرک آمیزشان در برابر رسول خدا (ص)

و طائفه قد اهمّتهم انفسهم . .. یخفون فی انفسهم ما لایبدون لک

۲۴ تبلیغات سوء ، شک برانگیز و شرک آلوده مسلمانان سست اندیشه احد ، پس از پایان آن کارزار

یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

۲۵ شهادت برخی از پیکارگران احد و شکست در آن کارزار ، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه

یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

۳۱ مسلمانان آخرت طلب و خداخواه احد ، مشتاقان شهادت و رهسپار به سوی قتلگاه خویش

قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الّذین کتب علیهم

القتل الی مضاجعهم

علی رغم اینکه آیه درباره توحید افعالی است و بیان این معنا که امور به دست خداوند است، خروج برای شهادت را به خود مبارزان نسبت داد تا اشاره به اشتیاق آنان به شهادت کند. کاربرد کلمه <مَضجع> (خوابگاه) به جای قتلگاه، مؤیِّد این معناست.

۳۲ حضور پیکارگران خداجوی در صف رزمندگان احد ، حتی در صورت شرکت نکردن دنیاطلبان خودخواه

قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الّذین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم

۳۶ حوادث تلخ پیکار احد ، موجب برملا شدن جناح دنیاطلب و خودمحور ، از میان مسلمانان آخرت طلب خداجو

و لیبتلی اللّه ما فی صدورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۱،۲،۳،۵،۱۰،۱۴،۱۵

۱ فرار و پشت کردن برخی مسلمانان ، از جبهه پیکار احد

انّ الّذین تولّوا منکم یوم التقی الجمعان

۲ حضور مجاهدانی پایمرد و استوار به همراه پیامبر (ص) در کارزار احد ، تا آخرین لحظه های پیکار

انّ الّذین تولّوا منکم یوم التقی الجمعان

بنابر اینکه <من> در <منکم> برای تبعیض باشد، که دلالت می کند گروهی فرار کردند و قهراً گروهی تا آخر جنگ همراه پیامبر (ص) باقی ماندند و به دفاع ادامه دادند.

۳ لغزش (فرار از کارزار) برخی از مجاهدان احد ، بر اثر نفوذ شیطان در ایشان

انّ الّذین تولّوا . .. انّما استزلّهم الشّیطان ببعض ما کسبوا

۵ خودخواهی و دنیاپرستی برخی مجاهدان احد ، موجب نفوذ شیطان در آنان و گریزشان از صحنه کارزار

قد اهمّتهم انفسهم . .. انّ الّذین تولّوا .. انّما استزلّهم الشّیطان ببعض ما کسبو

خودمحوری و دنیاطلبی، که

معنای جمله <قد اهمّتهم انفسهم> است، می تواند مصداق روشن و مورد نظر از جمله <ببعض ما کسبوا> باشد.

۱۰ عفو خداوند از گناه فراریان جنگ احد

انّ الّذین تولّوا . . و لقد عفا اللّه عنهم

۱۴ حلم خداوند در برابر نافرمانی و لغزش پیکارگران احد (پشت کردن به میدان کارزار)

انّ الّذین تولّوا . . انّ اللّه غفور حلیم

۱۵ فرار عقبه بن عثمان و عثمان بن سعد از رویارویی با دشمن در جنگ احد ، در اثر وسوسه های شیطان

انّ الّذین تولّوا منکم یوم التقی الجمعان انّما استزلّهم الشیطان ببعض ما کسبوا

امام باقر و یا امام صادق (ع) درباره <انّما استزلّهم الشیطان ببعض ما کسبوا . .. > فرمودند: فهو فی عقبه بن عثمان و عثمان بن سعد.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۱۵۶ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۵

۵ خداوند ، آمرزنده پیکارگران شهید کارزار احد و بخشاینده رحمت های خویش به آنان

و لئن قتلتم فی سبیل اللّه او متّم لمغفره من اللّه و رحمه

چون آیه مورد بحث در ضمن آیاتی آمده که مسائل نبرد احد را مطرح می کرد، می تواند اشاره مستقیم به شهیدان جنگ احد داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۳،۱۶،۱۸

۳ نرمی و مدارای پیامبر (ص) ، با مسلمانانی که از دستورات ایشان سرپیچی کردند و از جبهه احد گریختند .

فبما رحمه من اللّه لنت لهم

غالباً در مورد مخالفت و عصیان است که از مصادیق مورد نظر به قرینه آیات قبل عصیانگران نبرد احد می باشند.

۱۶ عفو از خطاکاران پیکار احد ، تکلیف الهی پیامبر (ص)

فاعف عنهم و استغفر لهم

به متقضای ارتباط این آیه با آیات نبرد احد، از جمله افراد مورد نظر که پیامبر (ص) موظّف به نادیده گرفتن خطای آنان است، خطاکاران نبرد احد می باشند.

۱۸ لطف و عنایت خاصّ خداوند نسبت به پیکارگران نبرد احد

فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۹

۹ سستی پیکارگران احد در اتکال به خداوند ، موجب محرومیّت آنان از نصرت الهی و شکست ایشان در آن نبرد .

و ان یخذلکم فمن ذا الّذی ینصرکم من بعده و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و شکست مؤمنان، اشاره به علّت شکست دارد، یعنی چون در آن نبرد توکّل نداشتید، از یاری خدا محروم شدید و در نتیجه شکست خوردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۴،۷،۱۲

۴ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر ، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناک شکست نبرد احد

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

جمله <قد اصبتم مثلیها>، که اشاره به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچک شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده

انگارند.

۷ مسلمانان ، به دلیل نافرمانی از پیامبر (ص) و فرار از صحنه نبرد ، عامل شکست و مصیبت های پیکار احد

اولمّا اصابتکم مصیبه . .. قل هو من عند انفسکم

بـا توجّه به آیات قبل، هماننـد آیه ۱۵۲ (اذ تحسّونهم بـاذنه حتّی اذا فشـلتم و تنـازعتم فی الامـر و عصـیتم)، معلوم می شود که نافرمانی و . .. از جمله عوامل شکست آنان بود.

۱۲ رفع نـاراحتی مسـلمانان به جهت شـهادت هفتـاد نفر در جنگ احـد ، با تـذکّر به این که آنان در جنگ بـدر ، هفتاد نفر از دشمنان را کشته و هفتاد نفر را اسیر کردند .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: کان المسـلمون قد اصابوا ببدر مائه و اربعین رجلا قتلوا سـبعین رجلا و اسروا سبعین فلمّا کان یوم احد اصیب من المسلمین سبعون رجلا قال: فاغتمّوا بذلک فانزل اللّه تبارک و تعالی: <اولمّا اصابتکم . .. مثلیها>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۵۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۴۲۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۱،۲،۶

۱ مصیبت اهل ایمان به هنگام درگیری با کافران در جنگ احد ، با رخصت خداوند

و ما اصابکم یوم التقی الجمعان فباذن اللّه

۲ کارزار احد ، صحنه رویارویی و درگیری دو جناح کفر و ایمان

و ما اصابکم یوم التقی الجمعان فباذن اللّه

۶ مشخّص شدن مؤمنان واقعی ، از اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم . .. و لیعلم المؤمنین

جمله <و

لیعلم . .. >، عطف بر جمله ای مقدّر است ; یعنی <و ما اصابکم ... لیکون کذا و کذا و لیعلم المؤمنین>. لذا در برداشت فوق، مشخص شدن مؤمنان، از اهداف شکست آنان در نبرد احد شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱،۳،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۴،۲۳،۲۴

۱ مشخص شدن منافقان ، از اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم . .. و لیعلم الّذین نافقوا

۳ حضور منافقانی ناشناخته در میان مسلمانان عصر پیامبر (ص) تا شکست احد

و ما اصابکم یوم التقی الجمعان . .. و لیعلم الّذین نافقوا

۹ بهانه جویی منافقان برای سرباز زدن از حضور در میدان احد ، با این ادّعا که در آن میدان ، پیکاری رخ نخواهد داد .

قاتلوا لو نعلم قتالا لاتّبعناکم

برخی از مفسّران گفته اند مراد از جمله <لو نعلم . .. > نفی برخورد نظامی است ; یعنی ما می دانیم که جنگی رخ نخواهد داد و لذا با شما نمی آییم.

۱۰ منافقان به انگیزه سرباز زدن از پیکار ، مدعی بودند که حضور در میدان احد نوعی انتحار و خودکشی است ، نه پیکار و جنگ .

قالوا لو نعلم قتالاً لاتّبعناکم

برخی برآنند که مراد منافقان از جمله <لو نعلم . .. > این معنا بوده که بیرون شدن شما مسلمانان به سوی احد، پیکار و قتال نیست، بلکه خود را به مهلکه انداختن است ; چرا که نیروی شما در برابر نیروی دشمن هیچ است.

۱۱ اظهار عدم آشنایی با دانش و مهارت

های جنگی ، بهانه منافقان برای سرباز زدن از حضور در پیکار احد *

لو نعلم قتالاً لاتّبعناکم

برداشت فوق احتمال سوّمی است که در بیان جمله <لو نعلم . .. > گفته شده است. یعنی اگر پیکار می دانستیم، شرکت می کردیم، ولی ما با فنون جنگ و مبارزه آشنایی نداریم.

۱۲ شرکت نکردن منافقان در پیکار احد ، افشاگر چهره و موضع نفاق آلود ایشان

و لیعلم الّذین نافقوا و قیل لهم تعالوا . .. لو نعلم قتالاً لاتّبعناکم

جمله <و قیل لهم تعالوا . .. > توضیحی است برای جمله <و لیعلم الّذین نافقوا>. یعنی طریقه مشخّص کردن منافقان همان شرکت نکردن آنان در نبرد است.

۱۴ منافقان به دلیل شرکت نکردن در پیکار احد ، دور از مرز ایمان و در آستانه کفر بودند .

هم للکفر یومئذ اقرب منهم للایمان

۲۳ منافقان احد دارای جنبه های گوناگون نفاق ، و آگاهی مسلمانان تنها به بخشی از آنها

و اللّه اعلم بما یکتمون

عالمتر بودن خدا به راز دل منافقان (و اللّه اعلم . ..)، دلالت بر این معنا دارد که آنچه از نفاق منافقان برای مسلمانان بیان شد، تنها بخشی از نفاق آنان است.

۲۴ برخورد نفاق آلود عبداللّه بن ابی و یاران او و سرباز زدن آنان از حضور در پیکار احد

و لیعلم الّذین نافقوا و قیل لهم تعالوا قاتلوا . .. لو نعلم قتالاً

در شأن نزول آیه آمده که عبداللّه بن ابی و یاران او، که حدود سیصد نفر بودند، از حضور در پیکار احد سرباز زد. (مجمع البیان، ذیل آیه.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران -

۳ - ۱۶۸ - ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۸

۱ تلاش منافقان کناره گرفته از جنگ احد ، در بازداشتن دیگر مسلمانان از حضور در آن کارزار

الّذین قالوا لاخوانهم وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا

جمله <لو اطاعونا> دلالت بر تلاش منافقان در بازداشتن مسلمانان از نبرد دارد.

۳ مسرت و خشنودی منافقان از سلامت خویش به دلیل عدم حضورشان در پیکار احد

الّذین قالوا لاخوانهم وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا

اظهار تأسّف منافقان برای کشته های احد، دلالت بر مسرت و خشنودی از زنده ماندن خودشان دارد.

۴ تلفات سنگین مسلمانان در پیکار احد

و ما اصابکم . .. لو اطاعونا ما قتلوا

۵ اظهار حسرت و اندوه منافقان بر کشته شدن بستگان خویش در پیکار احد

الّذین قالوا لاخوانهم وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا

گفته شده مراد از <لاخوانهم>، خویشان نسبی است. و جمله <قالوا لاخوانهم> یعنی: <درباره آنها گفتند>; نه <به آنها گفتند>.

۶ سرزنش شدن منافقان به خاطر ترک حمایت از پیکارگران احد ، علی رغم ادعای برادری با آنان

الّذین قالوا لاخوانهم وقعدوا

جمله <وقعدوا> حالیّه است و اشاره دارد به اینکه منافقان با وجود ادعای برادری با مسلمانان از شرکت در جنگ و حمایت آنان سر باز زدند. گفتنی است که <لاخوانهم> در برداشت فوق به معنای برادران دینی گرفته شده است.

۷ اعتراض و انتقاد منافقان از شرکت جستن مسلمانان در پیکار احد

لو اطاعونا ما قتلوا

۸ تبلیغات اخلالگرانه منافقان پس از نبرد احد

لو اطاعونا ما قتلوا

۱۸ ناتوانی منافقان از جلوگیری مرگ مقدّر نشانگر باطل بودن پندار آنان در تحلیل عوامل به شهادت رسیدن پیکارگران احد

لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۲،۳،۴،۷،۲۱

۲ آمادگی گروهی از مجاهدان عصر پیامبر (ص) برای شرکت در جهاد ، علی رغم آسیب دیدن در جنگ قبلی (احد)

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . .. اجر عظیم

۳ بازسازی مجدد سپاه اسلام توسط پیامبر (ص) ، پس از پراکندگی و شکست در جنگ احد

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

۴ پاداش بزرگ الهی برای اجابت کنندگان دعوت خدا و رسول (ص) به نبردی دیگر در عین تحمّل جراحات نبرد احد ، مشروط به احسان و تقوای آنان است .

الّذین استجابوا . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

مفسران برآنند که نبرد پیشین که مسلمانان در آن جراحتها دیدند، همان نبرد احد است. به دلیل وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و اینکه سخن از قرح به میان آورده است ; چنانچه درباره نبرد احد نیز فرموده بود: <ان یمسسکم قرح>.

۷ خطر هجوم مشرکین به مسلمانان ، پس از پایان جنگ احد *

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

زیرا دعوت پیامبر (ص) برای تجهیز نیرو، بیانگر آن است که خطر هجوم مجدد مشرکین وجود داشته است.

۲۱ پاداش بزرگ امیرالمؤمنین (ع) به خاطر احسان و تقوا و اجابت خدا و پیامبر (ص) پس از مجروح شدن در جنگ احد

الّذین استجابوا للّه و الرّسول . .. اجر عظیم

امام صادق (ع): انّ رسول اللّه بعث علیّاً فی عشره <استجابوا للّه و الرّسول من

بعد ما اصابهم القرح> الی <اجر عظیم>. انّما نزلت فی امیرالمؤمنین (ع).

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۶، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۱،۲،۳،۸،۱۹

۱ پاسخگویان به دعوت خدا و پیامبر (ص) پس از نبرد احد برای جهاد ، کسانی بودند که از شایعه حمله دشمن نترسیدند و ایمانشان افزون گردید .

الّذین استجابوا للّه . .. الّذین قال لهم النّاس ... فزادهم ایمانا

۲ نفوذ عوامل دشمن در بین مسلمانان و ایجاد جنگ روانی برای تضعیف روحیه آنان ، پس از جنگ احد

الّذین قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لکم فاخشوهم

برخی برآنند که مراد از <النّاس> در <قال لهم النّاس>، منافقانی هستند که برای دشمنان دین جاسوسی می کردند. برخی دیگر گفته اند منظور افرادی از دشمن هستند که در بین مسلمانان ایجاد رعب می کردند.

۳ تجمع دوباره مشرکان علیه مسلمانان ، پس از جنگ احد

انّ النّاس قد جمعوا لکم

وقوع این آیه پس از بیان جنگ احد و نیز برخی از شأن نزولها مؤیّد این نظر است که آیه مورد بحث درباره وقایع پس از احد می باشد.

۸ اظهار توکّل و اعتماد به خداوند ، عکس العمل مؤمنان در برابر شایعه حمله دشمن ، پس از نبرد احد

الّذین قال لهم النّاس . .. و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل

۱۹ ترساندن مؤمنان از تجمع دشمن پس از جنگ احد ، توسط نعیم بن مسعود

الّذین قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لکم

امام باقر و امام صادق (ع)

درباره <النّاس> اوّل در آیه فوق فرمودند: انّه نعیم بن مسعود الاشجعی.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۸۹ ; تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۵۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۴

۱۴ افشای توطئه ها و تبلیغات سوء دشمنان دین پس از نبرد احد و مقابله با آنها ، از سوی خداوند

انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه فلا تخافوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۴

۴ ارتداد گروهی از مؤمنان پس از جریان جنگ احد *

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان لن یضرّوا اللّه شیئاً

به مقتضای ارتباط این آیه با آیات قبل، مراد از <الّذین اشتروا . .. >، می تواند آن گروه از مسلمانانی باشد که پس از نبرد احد با تبلیغات سوء و شایعات در تضعیف روحیه مؤمنان می کوشیدند و آنان را از غزوه حمراءالاسد بازمی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۸

۸ حضور افراد ناپاک و منافق در میان مسلمانان ، در جریان جنگ احد

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

برداشت فوق بر اساس ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره نبرد احد بود، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۱۳

۱۳ مقطع زمانی جنگ احد تا بدر صغرا ، برهه ای دشوار برای پیامبر اکرم (ص)

بیّت طائفه منهم . .. اذاعوا به ...

فقاتل فی سبیل اللّه لا تکلّف الّا نفسک

با توجّه به مجموع آیات و شأن نزول.

حقانیت غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۹

۹ خروج پیامبر (ص) از مدینه برای مقابله با مشرکان در دامنه احد ، حرکتی حق ، همانند خروج وی برای جنگ بدر *

کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

برخی برآننـد که <کما . .. > متعلق به <یجدلونک ... > در آیه بعد است و آن آیه اشاره به قضایای پیش از نبرد احد دارد. بر این اساس <کما أخرجک ... > چنین معنا می شود: گروهی از مسلمانان درباره حرکت به سوی احد، که حرکتی حق بود، به جدال با پیامبر(ص) پرداختند و آن را مصلحت نمی پنداشتند ; همان گونه که از حرکت به سوی بدر، که حرکتی حق بود، نیز کراهت داشتند.

شکست در غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۶

۶ مشخّص شدن مؤمنان واقعی ، از اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم . .. و لیعلم المؤمنین

جمله <و لیعلم . .. >، عطف بر جمله ای مقـدّر است ; یعنی <و ما اصابکم ... لیکون کـذا و کـذا و لیعلم المؤمنین>. لذا در برداشت فوق، مشخص شدن مؤمنان، از اهداف شکست آنان در نبرد احد شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱

۱ مشخص شدن منافقان ، از

اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم . .. و لیعلم الّذین نافقوا

شکست غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۳

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص) و مسلمانان

یا ایّها الّذین امنوا لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۱،۳،۵

۱ گلایه برخی مسلمانان از نتایج دردناک نبرد احد و شکست در آن

اولمّا اصابتکم مصیبه . .. قلتم انّی هذا

این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

۳ شکست و مصیبت سنگین مسلمانان در پیکار احد ، دور از انتظار ایشان بود .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

کلمه <انّی> به معنای <من این> (از کجا و از چه روی) می باشد و <هذا> اشاره به مصیبت است.

۵ پندار ناصواب برخی پیکارگران احد در تحلیل عوامل شکست آن نبرد

انّی هذا قل هو من عند انفسکم

جمله <انّی هذا> به این مطلب

اشاره دارد که گویا مجاهدان احد علّت شکست آن نبرد را بیرون از عملکرد خویش می دانستند، که جمله <من عند انفسکم> ریشه صحیح آن را گوشزد می کند.

غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۵،۹

۵ پیکارگران احد ، به دلیل عدم توکّل برخی از آنان به خداوند ، علی رغم تواناییشان ، شکست خوردند . *

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

یادآوری کمبود نیروی نظامی در جنگ بدر، اشاره به توانمندی آنان در مقایسه با جنگ احد است.

۹ سرزنش خداوند به پیکارگران احد که چرا علی رغم مشاهده یاری الهی در جنگ بدر ، تصمیم به سستی در کارزار احد گرفتند .

و اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

لحن آیه، حکایت از سرزنش مسلمانانی است که در جنگ احد، تصمیم به سستی و نافرمانی گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۲

۲ تقویت روحیه پیکارگران بدر و اُحد ، ز سوی پیامبر (ص)

اذ تقول للمؤمنین الن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱،۳،۱۹

۱ جراحت و آسیب همگون دو جبهه کفر و ایمان در پیکار اُحُد

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

۳ برابری آسیب و جراحت های وارده به مؤمنان پیکارگر احد ، با آسیب های وارد شده به

کافران در جنگ بدر

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

برخی برآننـد که <ان یمسسکم>، دربـاره جراحتهـای مسـلمانان در جنـگ احـد است و جمله <فقـد مسّ القوم>، اشاره به جراحات مشرکان در جنگ بدر دارد.

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحُد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایّام . .. و لیعلم اللّه الّذین امنوا و یتّخذ منکم شهداء

ترک لام در <و یتّخـذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیـدن، در پی مشـخّص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهدآء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۷

۷ پیکار احد ، کارزاری سخت و مجسّم کننده مرگ در دیده پیکارگران مسلمان

و لقد کنتم تمنّون الموت . .. فقد رایتموه و انتم تنظرون

۱ مفسـران برآننـد که آیه شـریفه درباره نبرد احـد نازل شده است. ۲ چون خداونـد از رویـارویی و درگیر شـدن با کافران، به دیدن مرگ تعبیر کرده است، معلوم می شود که کارزاری سخت بوده که ورود به آن، مساوی دیدن مرگ بوده است.

قصه غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۲،۳

۲ ترغیب مجاهدان صدر اسلام به تعقیب لشکریان دشمن ، پس از نبرد احد

و لاتهنوا فی ابتغاء القوم

گفته شده که آیه پس از نبرد احد نازل شد تا مسلمانان را به تعقیب لشکریان ابوسفیان ترغیب کند

(مجمع البیان، ذیل آیه).

۳ آسیب ها و صدمات متقابل مجاهدان و کافران در نبرد احد

ان تکونوا تألمون فانهم یألمون

بنابر آنچه در شأن نزول آیه آمده، مراد از آسیبهای متقابل، مسائلی است که در جنگ احد پیش آمد.

مجاهدان غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۵

۵ برخی از مجروحان جنگ احد علی رغم پذیرش دعوت خدا و پیامبر (ص) به نبردی دیگر ، از احسان و تقوای لازم برخوردار نبودند .

الّذین استجابوا . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

<منهم>، حال برای ضمیر <احسنوا> است و کلمه <من>، ظهور در تبعیض دارد ; یعنی اجابت کنندگان را به دارندگان تقوا و احسان و فاقدان آن تقسیم می کند.

محمد(ص) و غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۱۲

۱۲ شرکت پیامبر (ص) در جنگ احد ، به عنوان فرماندهی عملیات نظامی

و اذ غدوت من اهلك تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال

امام صادق (ع): سبب نزول هذه الآیه ان قریشا خرجت من مکّه ترید حرب رسول اللّه (ص) فخرج یبغی موضعاً للقتال.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۳۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۹

۹ خروج پیامبر (ص) از مدینه برای مقابله با مشرکان در دامنه احد ، حرکتی حق ، همانند خروج وی برای جنگ بدر *

کما أخرجك ربك من بیتك بالحق

برخی برآنند که <کما .

.. > متعلق به <یجدلونک ... > در آیه بعد است و آن آیه اشاره به قضایای پیش از نبرد احد دارد. بر این اساس <کما أخرجک ... > چنین معنا می شود: گروهی از مسلمانان درباره حرکت به سوی احد، که حرکتی حق بود، به جدال با پیامبر(ص) پرداختند و آن را مصلحت نمی پنداشتند ; همان گونه که از حرکت به سوی بدر، که حرکتی حق بود، نیز کراهت داشتند.

مسلمانان در غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۲،۳

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر ، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتم مثلیها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

۳ شکست و مصیبت سنگین مسلمانان در پیکار احد ، دور از انتظار ایشان بود .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

کلمه <انّی> به معنای <من این> (از کجا و از چه روی) می باشد و <هذا> اشاره به مصیبت است.

منافقان مدینه در غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۱

۱ - منافقان حاضر در صحنه غزوه احزاب ، و مصمم به فرار از آن ، پیش تر در غزوه اُحد تعهد کرده بودند که از جهاد با دشمن نگریزند

.

و لقد كانوا عهدوا اللّه من قبل لايولّون الأدبر

مرجع ضمير در <كانوا> گروهى از منافقان اند كه در غزوه اُحد ترسيدند و تصميم به فرار گرفتند، ولى عهد كردند كه ديگربار چنين نكنند.

غزوه احزاب

احزاب صدراسلام در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴

۱ - مسلمانان مدينه ، از ناحيه بالا و پايين مدينه ، در محاصره دشمن (احزاب متّحد) قرار گرفتند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

۲ - احزاب متّحد ، در جنگ عليه مسلمانان ، جمعيتى فراوان داشتند .

إذ جاءتكم جنود . .. إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

<جنود> جمع <جند> است و دلالت بر چندين سپاه مى كند. آمدن نيروها از بالا دست مدينه و پايين دست آن نيز مؤيد اين نكته است; زيرا آنان داراى جمعيتى چشمگير بوده اند كه توانسته اند نيروهايشان را در اطراف مدينه مستقر كنند.

۳ - ائتلاف احزاب مختلف و لشگركشى آنان عليه مسلمانان مدينه و شكست شان ، شايسته يادآورى است .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

<إذ جاءوكم> عطف بر <إذ جاتكم> در آيه پيش و متعلق فعل <اُذكروا> در همان آيه است.

۴ - يهود بنى نضير و بنى قريظه و غطفان ، با مشركان مكه ، عليه مسلمانان ، ائتلاف كردند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

طبق شواهد تاريخى، غزوه احزاب، با ائتلاف يهوديان بنى نضير و بنى قريظه و غطفان و مشركان مكه به وجود آمد. <من فوقكم> اشاره به يهوديانى دارد كه از بخش شرقى مدينه هجوم آوردند و <من أسفل

منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۰ – ۳

۳ – اذیت و آزار زبانی مسلمانان ، در غزوه احزاب ، از سوی منافقان ، ناشی از این بود که می پنداشتند احزاب متّحد ، نرفته اند و در اطراف مدینه خواهند ماند .

سلقوکم بألسنه حداد . .. یحسبون الأحزاب لم یذهبوا

بنابراین احتمال که <یحسبون. ..> حال برای ضمیر فاعلی <سلقوا> باشد، نکته یاد شده فهمیده می شود.

اضطراب منافقان مدینه در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۳ – ۱۹

۱۹ – منافقان ، پیشگامان تزلزل و اضطراب و فرار از غزوه احزاب بودند .

هنالك ابتلی . .. و زلزلوا زلزالاً ... و إذ یقول المنفقون ...إنّ بیوتنا عوره ...

امدادهای غیبی در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۹ – ۶،۸

۶ – خداوند ، در غزوه احزاب نیرویی نامرئی ، به کمك مسلمانان فرستاد .

فأرسلنا علیهم . .. و جنودًا لم تروها

۸ – امداد غیبی الهی به مسلمانان در غزوه احزاب ، نعمتی خدایی برای آنان و شایسته یادآوری است .

یأیّها الذین ءامنوا اذکروا نعمه اللّه علیکم إذ جاءتکم جنود. .. و جنودًا لم تروه

امنیت خانه مجاهدان غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ - خانه و کاشانه مجاهدان شرکت کننده در غزوه احزاب ، خلل ناپذیر و

دارای استحکام بود .

یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره

بیماردلان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۸،۱۱

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود(مفردات راغب).

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلاّ فر

پیروزی مسلمانان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۹

۹ - غزوه احزاب ، بدون درگیری نظامی عمده ، به سود مسلمانان پایان یافت .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا و کفی اللّه المؤمنین القتال

تلاش منافقان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۵

۵ - منافقان ، در غزوه احزاب ، برای وادار کردن مؤمنان به ترک اسلام و روی آوردن به کفر ، تلاش می کردند .

یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

برداشت بالا، بر این احتمال است که مراد از <لامقام لکم> ماندن در دین رسول اللّه و مراد از <فارجعوا> دعوت

به رجوع به کفر باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۸ – ۲

۲ – تلاش شدید منافقان مدینه ، برای بازداشتن مسلمانان از جهاد در غزوه احزاب

و إذ قالت طائفه منهم . .. لامقام لکم فارجعوا ... قد یعلم اللّه المعوّقین منکم

تضعیف <عوّق> برای بیان شدت و غلظت بازدارندگی، است.

ذکر غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۰ – ۳

۳ – ائتلاف احزاب مختلف و لشگرکشی آنان علیه مسلمانان مدینه و شکست شان ، شایسته یادآوری است .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

<إذ جاءوکم> عطف بر <إذ جاتکم> در آیه پیش و متعلق فعل <اُذکروا> در همان آیه است.

سختی غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۵ – ۷

۷ – خداوند ، مسلمانان را از سختی جنگی که احزاب متّحد درصدد ایجاد آن بودند نگه داشت .

و کفی اللّه المؤمنین القتال

<کفی> در آیه متعدی به دو مفعول و به معنای <حسب> است; یعنی: <خداوند کفایت کرد مؤمنان را در جنگ>. با توجه به آیه نُه همین سوره، مراد از <کفایت خدا برای جنگ مؤمنان>، فرستادن طوفان و سپاهیان نامریی برای درهم کوبیدن سپاه دشمن است.

شکست احزاب صدراسلام در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۳

۳ - ائتلاف احزاب مختلف و لشگرکشی آنان علیه مسلمانان مدینه و شکست شان ، شایسته یادآوری است .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

<إذ جاءوکم>

عطف بر <إذ جاتکم> در آیه پیش و متعلق فعل <اُذکروا> در همان آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۲

۲ - منافقان مدینه ، حتی پس از هزیمت احزاب متّحد و عزیمت شان از اطراف مدینه ، گمان می کردند که آنان نرفته اند .

یحسبون الأحزاب لم یذهبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۱،۳،۶،۱۲

۱ - پراکنده شدن احزاب متّحد از اطراف مدینه ، به دست خداوند بود .

و ردّ اللّه الذین کفروا

۳ - احزاب متّحد ، در حالی از محاصره مدینه ناامید و پراکنده شدند که آکنده از خشم بودند .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم

<باء> در <بغیظ> برای ملابسه است و <بغیظهم> حال برای موصول <الذین کفروا> است.

۶ - آکنده شدن احزاب متّحد از خشم و غضب ، معلول ناکامی آنان در تلاش شان بود .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا

<لم ینالوا خیراً> می تواند حال برای <الذین کفروا> باشد و احتمال دارد که برای بیان <بغیظهم> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

۱۲ - توان مندی خداوند ، منشأ فراهم آمدن زمینه پراکنده شدن احزاب متّحد از اطراف مدینه

و ردّ اللّه الذین کفروا . .. و کان اللّه قویًّا

<و کان اللّه. ..> به منزله تعلیل برای جمله <و ردّ اللّه الذین کفروا> است.

شکست در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۳ – ۳

۳ – منافقان مدینه ، به مسلمانان وانمود کردند که شکست شان در غزوه

احزاب حتمی است .

و إذ قالت طائفه منهم يأهل يثرب لامقام لكم فارجعوا

طوفان در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۹ - ۴،۵

۴ - برای درهم شکستن سپاه دشمن ، در غزوه احزاب ، طوفانی عظیم برخاست .

إذ جاءتكم جنود فأرسلنا عليهم ريحًا

تنوین نکره در <ریحاً> برای تعظیم است و حکایت از این می کند که بادی که وزیده، معمولی نبوده است; بلکه طوفانی بوده که خیمه ها را در هم می کوبیده و خار و خاشاک را در چشمان دشمن می پاشیده است.

۵ - به وجود آمدن طوفان ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن توان دشمن ، نعمتی الهی برای مسلمانان بود .

يأيّها الذين ءامنوا اذكروا نعمه اللّه عليكم . .. فأرسلنا عليهم ريحًا

<فأرسلنا> بیان نعمتی است که خداوند، از مسلمانان خواسته است که به یاد آن باشند.

فرار منافقان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۱

۱ - منافقان حاضر در صحنه غزوه احزاب ، و مصمم به فرار از آن ، پیش تر در غزوه اُحد تعهد کرده بودند که از جهاد با دشمن نگریزند .

و لقد كانوا عهدوا اللّه من قبل لايولّون الأدبر

مرجع ضمیر در <کانوا> گروهی از منافقان اند که در غزوه اُحد ترسیدند و تصمیم به فرار گرفتند، ولی عهد کردند که دیگربار چنین نکنند.

فرجام غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۹

۹ - غزوه احزاب ، بدون درگیری نظامی عمده ،

به سود مسلمانان پایان یافت .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا و کفی اللّه المؤمنین القتال

فرمانده غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۹

۹ - پیامبراکرم (ص) فرمانده و تصمیم گیر اصلی در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ

قصه غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۹ - ۲،۴،۵،۶

۲ - مورد هجوم قرار گرفتن مسلمانان در مدینه از سوی لشگر دشمن در غزوه احزاب

اذکروا نعمه اللّه علیکم إذ جاءتکم جنود

مفسران بر این نکته اتفاق نظر دارنـد که این آیه، درباره غزوه احزاب نازل شده است. مراد از <جنود> گروه های مشـرک و یهودیان اند که در یک تصمیم جمعی، متحد شدند و جهت درهم کوبیدن مسلمانان، به مدینه هجوم بردند.

۴ - برای درهم شکستن سپاه دشمن ، در غزوه احزاب ، طوفانی عظیم برخاست .

إذ جاءتکم جنود فأرسلنا علیهم ریحًا

تنوین نکره در <ریحاً> برای تعظیم است و حکـایت از این می کنـد که بـادی که وزیـده، معمولی نبوده است; بلکه طوفانی بوده که خیمه ها را در هم می کوبیده و خار و خاشاک را در چشمان دشمن می پاشیده است.

۵ - به وجود آمدن طوفان ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن توان دشمن ، نعمتی الهی برای مسلمانان بود .

یأیّها الذین ءامنوا اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. فأرسلنا علیهم ریحًا

<فأرسلنا> بیان نعمتی است که خداوند، از مسلمانان خواسته است که به یاد آن باشند.

۶ – خداوند ، در غزوه احزاب نیرویی نامرئی ،

به کمک مسلمانان فرستاد .

فأرسلنا عليهم . .. و جنودًا لم تروها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۱۱،۱۳،۱۴

۱ - مسلمانان مدينه ، از ناحيه بالا و پايين مدينه ، در محاصره دشمن (احزاب متّحد) قرار گرفتند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

۲ - احزاب متّحد ، در جنگ عليه مسلمانان ، جمعيتى فراوان داشتند .

إذ جاءتكم جنود . .. إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

<جنود> جمع <جند> است و دلالت بر چندين سپاه مى كند. آمدن نيروها از بالا دست مدينه و پايين دست آن نيز مؤيد اين نكته است; زيرا آنان داراى جمعيتى چشمگير بوده اند كه توانسته اند نيروهايشان را در اطراف مدينه مستقر كنند.

۳ - ائتلاف احزاب مختلف و لشگركشى آنان عليه مسلمانان مدينه و شكست شان ، شايسته يادآورى است .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

<إذ جاءوكم> عطف بر <إذ جاتكم> در آيه پيش و متعلق فعل <اُذكروا> در همان آيه است.

۴ - يهود بنى نضير و بنى قريظه و غطفان ، با مشركان مكه ، عليه مسلمانان ، ائتلاف كردند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

طبق شواهد تاريخى، غزوه احزاب، با ائتلاف يهوديان بنى نضير و بنى قريظه و غطفان و مشركان مكه به وجود آمد. <من فوقكم> اشاره به يهوديانى دارد كه از بخش شرقى مدينه هجوم آوردند و <من أسفل منكم> اشاره به مشركانى دارد كه از بخش غربى مدينه به آن ديار هجوم آورده بودند.

۵ - هجوم احزاب متّحد به سوى مدينه ، باعث وحشت و

نگرانی مسلمانان شد .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر

<زاغت الأبصار> می توانـد کنایه از به وجود آمـدن آن چنان وحشتی باشـد که چشم شـخص، قـدرت دید و تشـخیص را از دست می دهد.

۸ - هجـوم احزاب متّحـد به مـدینه ، برای درهم شکسـتن مسـلمانان ، مسـلمانان را به قـدری وحشت زده کرد که هماننـد افراد محتضر شدند .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

مراد از به حنجره رسیدن قلب ها، خفگی و به حال مرگ افتادن است.

۱۱ - ایّام هجوم احزاب متّحد به مدینه ، روزهایی بس سخت و نگران کننده برای مسلمانان بود .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

۱۳ - پس از محاصـره مدینه از سوی احزاب متّحد ، ظنّ و گمان های گوناگونی درباره خدا ، در میان مردم مسلمان پدید آمد .

إذ جاءوکم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

<ظنون> مفعول مطلق عددی است و <ال > در آن، برای جنس است. جمع آورده شدن <ظنون > همراه با <ال> دلالت بر تعدد و گوناگونی می کند.

۱۴ - عارض شدن بدگمانی به خدا در مسلمانان ، در پیِ هجوم احزاب متّحد به مدینه

إذ جاءوکم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

احتمال دارد که مخاطب فعل <تظنّون> مسـلمانان باشـند و یکی از احتمال های <الظنونا> بـدگمانی باشد. آیات بعدی می تواند قرینه ای بر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - هجوم احزاب متّحد به مدینه ، وسیله امتحان مسلمانان آن دیار بود .

- ٢

مسلمانان مدینه ، با هجوم احزاب متّحد به آنان ، دچار اضطراب و تزلزل شدید شدند .

و زلزلوا زلزالاً شدیدًا

۳ - مسلمانان مدینه ، با هجوم احزاب متّحد ، در شرایط سختی قرار گرفتند .

و زلزلوا زلزالاً شدیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۱

۱ - منافقان ، همسو با احزاب متّحد ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن روحیه مسلمانان فعالیت می کردند .

إذ جاءتکم جنود . .. و إذ یقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه ... إلاّ غرورًا

فعل مضارع <یقول> بر تداوم کار منافقان دلالت می کند که از آن، به <فعالیت> تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۹،۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۵،۴،۳،۲،۱

۱ - عده ای از منافقان ، مسلمانان شرکت کننده در غزوه احزاب را ، به ترک جهاد وسوسه می کردند .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۲ - منافقان برای ماندن مسلمانان به همراه پیامبر (ص) در غزوه احزاب باتوجه به هجوم دشمن وجهی منطقی قائل نبودند و آنان را به ترک غزوه ، دعوت می کردند .

قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۳ - منافقان مدینه ، به مسلمانان وانمود کردند که شکست شان در غزوه احزاب حتمی است .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۴ - منافقان ، به نفع جبهه احزاب متّحد ، برای درهم شکستن جبهه مسلمانان ، فعالیت تبلیغاتی داشتند .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۵ – منافقان ، در غزوه

احزاب ، برای وادار کردن مؤمنان به ترک اسلام و روی آوردن به کفر ، تلاش می کردند .

يأهل يثرب لامقام لكم فارجعوا

برداشت بالا، بر این احتمال است که مراد از <لامقام لکم> مانـدن در دین رسول اللّه و مراد از <فارجعوا> دعوت به رجوع به کفر باشد.

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و يستئذن فريق منهم النبىّ يقولون إنّ بيوتنا عوره

مراد از <عـوره> در آیـه، مستحکم نبـودن خـانه و قابـل ورود بـودن آن برای هر کس است که بخواهـد وارد شـود(مفردات راغب).

۹ - پیامبراکرم (ص) فرمانده و تصمیم گیر اصلی در غزوه احزاب بود .

و يستئذن فريق منهم النبىّ

۱۰ - در سپاه مسلمانان ، به هنگام غزوه احزاب ، نظمی استوار ، حاکم بود . به گونه ای که منافقان نیز خود را ملزم به رعایت آن می دانستند .

و يستئذن فريق منهم النبىّ

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و يستئذن فريق منهم النبىّ يقولون إنّ بيوتنا عوره و ما هى بعوره إن يريدون إلّا فر

۱۲ - خانه و کاشانه مجاهدان شرکت کننده در غزوه احزاب ، خلل ناپذیر و دارای استحکام بود .

يقولون إنّ بيوتنا عوره و ما هى بعوره

۱۹ - منافقان ، پیشگامان تزلزل و اضطراب و فرار از غزوه احزاب بودند .

هنالك ابتلى . .. و زلزلوا زلزالاً ... و إذ يقول المنفقون ...إنّ بيوتنا عوره

...

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۴ – ۳،۶

۳ – منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، در صورت حضور در داخل خانه هایشان و هجوم دشمن ، از آن دفاع نمی کردند .

یقولون إنّ بیوتنا عوره . .. و لو دخلت علیهم من أقطارها ثمّ سئلوا الفتنه لأتوها

۶ – تزلزل منافقان مدینه در غزوه احزاب ، ناشی از بی ایمانی آنان بود .

و یستئذن فریق منهم . .. یقولون إنّ بیوتنا عوره ... إن یریدون إلاّ فرارًا ... ثمّ

<ثمّ سئلوا الفتنه> دلالت می کند که آنان، با درخواست شرک، آن را قبول می کردند. چنین امری اشعار دارد که استیذان در ترک جهاد و بهانه جویی برای فرار، ناشی از بی ایمانی و تزلزل در عقیده بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۵ – ۱

۱ – منافقان حاضر در صحنه غزوه احزاب ، و مصمم به فرار از آن ، پیش تر در غزوه اُحد تعهد کرده بودند که از جهاد با دشمن نگریزند .

و لقد کانوا عهدوا اللّه من قبل لایولّون الأدبر

مرجع ضمیر در <کانوا> گروهی از منافقان اند که در غزوه اُحد ترسیدند و تصمیم به فرار گرفتند، ولی عهد کردند که دیگربار چنین نکنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۸ – ۲

۲ – تلاش شدید منافقان مدینه ، برای بازداشتن مسلمانان از جهاد در غزوه احزاب

و إذ قالت طائفه منهم . .. لامقام لکم فارجعوا ... قد یعلم اللّه المعوّقین منکم

تضعیف <عوّق> برای

بیان شدت و غلظت بازدارندگی، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۳

۳ - منافقان مدینه ، به هنگام خبردار شدن از وقوع جنگ احزاب ، به قدری می ترسیدند که چشمان شان بی اختیار ، به چرخش می افتاد .

فإذا جاء الخوف رأیتهم ینظرون إلیک تدور أعینهم کالذی یغشی علیه من الموت

مراد از <الخوف> به قرینه بحث جهاد و هجوم دشمن، خبر جنگ و قتال است که برای منافقان بسیار ترس آور بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۹

۹ - مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب ، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (ص) برای جهاد بودند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب . .. و ما زادهم إلاّ إیمنًا و تسلیمًا

ممکن است <تسلیماً> به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الگو بودن پیامبر(ص)) تسلیم بودن به امر پیامبر(ص) برای جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۹

۹ - غزوه احزاب ، بدون درگیری نظامی عمده ، به سود مسلمانان پایان یافت .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا و کفی اللّه المؤمنین القتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - گروهی از یهود بنی قریظه ، به اسارت سپاه مسلمانان در آمدند .

و تأسرون فریقًا

محمد(ص) و غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۵

۵ – پیامبراکرم (ص) ، مسلمانان مدینه را ، از وقوع غزوه احزاب و تشکیل احزاب متّحد خبر داده بود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله و صدق اللّه و رسول

مسلمانان مدینه در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۰ – ۲،۸،۱۱،۱۳،۱۵

۲ – احزاب متّحد ، در جنگ علیه مسلمانان ، جمعیتی فراوان داشتند .

إذ جاءتکم جنود . .. إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

<جنود> جمع <جند> است و دلالت بر چندین سپاه می کند. آمدن نیروها از بالا دست مدینه و پایین دست آن نیز مؤید این نکته است; زیرا آنان دارای جمعیتی چشمگیر بوده اند که توانسته اند نیروهایشان را در اطراف مدینه مستقر کنند.

۸ – هجوم احزاب متّحد به مدینه ، برای درهم شکستن مسلمانان ، مسلمانان را به قدری وحشت زده کرد که همانند افراد محتضر شدند .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

مراد از به حنجره رسیدن قلب ها، خفگی و به حال مرگ افتادن است.

۱۱ – ایّام هجوم احزاب متّحد به مدینه ، روزهایی بس سخت و نگران کننده برای مسلمانان بود .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

۱۳ – پس از محاصره مدینه از سوی احزاب متّحد ، ظنّ و گمان های گوناگونی درباره خدا ، در میان مردم مسلمان پدید آمد .

إذ جاءوکم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

<ظنون> مفعول مطلق عددی است و <ال > در

آن، برای جنس است. جمع آورده شدن <ظنون > همراه با <ال> دلالت بر تعدد و گوناگونی می کند.

۱۵ - ظنّ و گمـان های مردم مـدینه درباره وعـده های خـدا ، در پی هجوم احزاب متّحـد ، علاوه بر گوناگونی ، نو به نو و در حال تجدید شدن بود .

و تظنّون باللّه الظنونا

آوردن فعل مضارع <تظنّون> به منظور بیان پدید آمدن گمان، می تواند بیان کننده تداوم و تجدید شدن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۱

۱ - منافقان ، همسو با احزاب متّحد ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن روحیه مسلمانان فعالیت می کردند .

إذ جاءتکم جنود . .. و إذ یقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه ... إلاّ غرورًا

فعل مضارع <یقول> بر تداوم کار منافقان دلالت می کند که از آن، به <فعالیت> تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - عده ای از منافقان ، مسلمانان شرکت کننده در غزوه احزاب را ، به ترک جهاد وسوسه می کردند .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۲ - منافقان برای مانـدن مسـلمانان به همراه پیامبر (ص) در غزوه احزاب باتوجه به هجوم دشـمن وجهی منطقی قائل نبودند و آنان را به ترک غزوه ، دعوت می کردند .

قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۹،۱۰

۹ - مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب

، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (ص) برای جهاد بودند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب . .. و ما زادهم إلاّ إيمنًا و تسليمًا

ممکن است <تسلیماً> به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الگو بودن پیامبر(ص)) تسلیم بودن به امر پیامبر(ص) برای جهاد باشد.

۱۰ - توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله . .. و ما زادهم إل

مشرکان مکه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۴

۴ - یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، همْ پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب

مراد از <الذین ظاهروا> یهود

بنی قریظه، و مرجع ضمیر <هم>، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

ملائکه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۹ - ۷

۷ - نزول ملائکه امداد در غزوه احزاب ، به منظور کمک به مسلمانان

و جنودًا لم تروها

احتمال قوی این است که سپاهی که قابل رؤیت نبود همان ملائکه باشد.

منافقان در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۳

۳ - اذیت و آزار زبانی مسلمانان ، در غزوه احزاب ، از سوی منافقان ، ناشی از این بود که می پنداشتند احزاب متّحد ، نرفته اند و در اطراف مدینه خواهند ماند .

سلقوکم بألسنه حداد . .. یحسبون الأحزاب لم یذهبوا

بنابراین احتمال که <یحسبون. ..> حال برای ضمیر فاعلی <سلقوا> باشد، نکته یاد شده فهمیده می شود.

منافقان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۱

۱ - منافقان ، همسو با احزاب متّحد ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن روحیه مسلمانان فعالیت می کردند .

إذ جاءتکم جنود . .. و إذ یقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه ... إلاّ غرورًا

فعل مضارع <یقول> بر تداوم کار منافقان دلالت می کند که از آن، به <فعالیت> تعبیر می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۳ – ۱،۴،۸،۱۱،۲۰

۱ – عده ای از منافقان ، مسلمانان شرکت کننده در غزوه احزاب را ، به ترک جهاد

وسوسه می کردند .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۴ - منافقان ، به نفع جبهه احزاب متّحد ، برای درهم شکستن جبهه مسلمانان ، فعالیت تبلیغاتی داشتند .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانهناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود(مفردات راغب).

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلّا فر

۲۰ - < عن عبداللّه الحلبی عنه (ع) : إنّهم قالوا < إنّ بیوتنا عوره . . . > فأکذبهم اللّه قال : < و ما هی بعوره . . . > و هی رفیعه السمک حصینه ;

از عبداللّه حلبی، از امام(ع) نقل شده که منافقان گفتند: خانه های ما بی حفاظ است. خداوند آنان را تکذیب کرد و فرمود: <و ما هی بعوره...> و آن خانه ها، دارای دیوارهای بلند و محکم بود.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۴ - ۳،۶

۳ - منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، در صورت حضور در داخل خانه هایشان و هجوم دشمن ، از آن دفاع

نمی کردند .

یقولون إنّ بیوتنا عوره . .. و لو دخلت علیهم من أقطارها ثمّ سئلوا الفتنه لأتوها

۶ - تزلزل منافقان مدینه در غزوه احزاب ، ناشی از بی ایمانی آنان بود .

و یستئذن فریق منهم . .. یقولون إنّ بیوتنا عوره ... إن یریدون إلاّ فرارًا ... ثمّ

<ثمّ سئلوا الفتنه> دلالت می کند که آنان، با درخواست شرک، آن را قبول می کردند. چنین امری اشعار دارد که استیذان در ترک جهاد و بهانه جویی برای فرار، ناشی از بی ایمانی و تزلزل در عقیده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۱

۱ - منافقان حاضر در صحنه غزوه احزاب ، و مصمم به فرار از آن ، پیش تر در غزوه اُحد تعهد کرده بودند که از جهاد با دشمن نگریزند .

و لقد کانوا عهدوا اللّه من قبل لایولّون الأدبر

مرجع ضمیر در <کانوا> گروهی از منافقان اند که در غزوه اُحد ترسیدند و تصمیم به فرار گرفتند، ولی عهد کردند که دیگربار چنین نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۳،۶،۷

۳ - منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، درصدد فرار از جهاد ، به منظور نجات خود بودند .

قل لن ینفعکم الفرار

۶ - منافقان حاضر در غزوه احزاب ، برای نجات از مرگ و یا کشته شدن ، تصمیم به فرار از جهاد گرفتند .

إن یریدون إلاّ فرارًا . .. إن فررتم من الموت أو القتل

۷ - خداوند ، به منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، با بیان این که

حتی در صورت فرار از جبهه جهاد ، گرفتار مرگ یا قتل ، در جای دیگر یا زمان دیگر می شوند ، هشدار داده است .

إن فررتم من الموت أو القتل و إذًا لاتمتّعون إلاّ قليلاً

منافقان مدينه و غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۲،۳

۲ - منافقان برای مانـدن مسـلمانان به همراه پيامبر (ص) در غزوه احزاب باتوجه به هجوم دشـمن وجهی منطقی قائل نبودند و آنان را به ترک غزوه ، دعوت می کردند .

قالت طائفه منهم يأهل يثرب لامقام لكم فارجعوا

۳ - منافقان مدينه ، به مسلمانان وانمود كردند كه شكست شان در غزوه احزاب حتمی است .

و إذ قالت طائفه منهم يأهل يثرب لامقام لكم فارجعوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۳

۳ - منافقـان مـدينه ، به هنگـام خبردار شـدن از وقوع جنـگ احزاب ، به قـدری می ترسـيدند كه چشـمان شـان بی اختيـار ، به چرخش می افتاد .

فإذا جاء الخوف رأيتهم ينظرون إليك تدور أعينهم كالذى يغشى عليه من الموت

مراد از <الخوف> به قرينه بحث جهاد و هجوم دشمن، خبر جنگ و قتال است كه برای منافقان بسيار ترس آور بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۱،۴

۱ - منافقان مدينه ، می پنداشتند كه احزاب متّحد ، تا مدينه را فتح نكنند ، پراكنده نخواهند شد .

يحسبون الأحزاب لم يذهبوا

۴ - منافقان مدينه ، دوست داشتند كه در صورت تكرار هجوم

احزاب متّحد به مدینه ، در بیابان و در میان بادیه نشینان باشند .

و إن یأت الأحزاب یودّوا لو أنّهم بادون فی الأعراب

نظم سپاه مسلمانان مدینه در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۳ – ۱۰

۱۰ – در سپاه مسلمانان ، به هنگام غزوه احزاب ، نظمی استوار ، حاکم بود . به گونه ای که منافقان نیز خود را ملزم به رعایت آن می دانستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ

نقش طوفان در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۵ – ۴

۴ – طوفان و نیرو های نامریی در غزوه احزاب ، از عوامل فروپاشی جبهه احزاب متّحد و پراکنده شدن آنان بود .

فأرسلنا علیهم ریحًا و جنودًا . .. و ردّ اللّه الذین کفروا

بنابراین که <و ردّ اللّه> عطف بر آیه ن ُه (فأرسلنا علیهم. ..) باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

نیروهایی نامرئی در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۵ – ۴

۴ – طوفان و نیرو های نامریی در غزوه احزاب ، از عوامل فروپاشی جبهه احزاب متّحد و پراکنده شدن آنان بود .

فأرسلنا علیهم ریحًا و جنودًا . .. و ردّ اللّه الذین کفروا

بنابراین که <و ردّ اللّه> عطف بر آیه ن ُه (فأرسلنا علیهم. ..) باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

وعده های خدا در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۱۰

۱۰ – توجه

مسـلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سـپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله . .. و ما زادهم إل

وعده های محمد(ص) در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - توجه مسـلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله . .. و ما زادهم إل

هجوم دشمن در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۹ - ۲

۲ - مورد هجوم قرار گرفتن مسلمانان در مدینه از سوی لشگر دشمن در غزوه احزاب

اذکروا نعمه اللّه علیکم إذ جاءتکم جنود

مفسـران بر این نکته اتفاق نظر دارنـد که این آیه، درباره غزوه احزاب نازل شده است. مراد از <جنود> گروه های مشـرک و یهودیان اند که در یک تصمیم جمعی، متحد شدند و جهت درهم کوبیدن مسلمانان، به مدینه هجوم بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱،۵،۸،۱۱،۱۳،۱۴،۱۵

۱ - مسلمانان مدینه ، از ناحیه بالا و پایین مدینه ، در محاصره دشمن (احزاب متّحد) قرار گرفتند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

۵ - هجوم احزاب متّحد به سوی مدینه ، باعث وحشت

و نگرانی مسلمانان شد .

إذ جاءوكم . .. و إذ زاغت الأبصر

<زاغت الأبصار> می توانـد کنایه از به وجود آمـدن آن چنان وحشتی باشـد که چشم شـخص، قـدرت دید و تشـخیص را از دست می دهد.

۸ - هجـوم احزاب متّحـد به مـدینه ، برای درهم شکسـتن مسـلمانان ، مسـلمانان را به قـدری وحشت زده کرد که هماننـد افراد محتضر شدند .

إذ جاءوكم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

مراد از به حنجره رسیدن قلب ها، خفگی و به حال مرگ افتادن است.

۱۱ - ایّام هجوم احزاب متّحد به مدینه ، روزهایی بس سخت و نگران کننده برای مسلمانان بود .

إذ جاءوكم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

۱۳ - پس از محاصـره مدینه از سوی احزاب متّحد ، ظنّ و گمان های گوناگونی درباره خدا ، در میان مردم مسلمان پدید آمد .

إذ جاءوكم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

<ظنون> مفعول مطلق عددی است و <ال > در آن، برای جنس است. جمع آورده شدن <ظنون > همراه با <ال> دلالت بر تعدد و گوناگونی می کند.

۱۴ - عارض شدن بدگمانی به خدا در مسلمانان ، در پیِ هجوم احزاب متّحد به مدینه

إذ جاءوكم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

احتمال دارد که مخاطب فعل <تظنّون> مسـلمانان باشـند و یکی از احتمال های <الظنونا> بـدگمانی باشد. آیات بعدی می تواند قرینه ای بر نکته یاد شده باشد.

۱۵ - ظنّ و گمـان های مردم مـدینه درباره وعـده های خـدا ، در پی هجوم احزاب متّحـد ، علاوه بر گوناگونی ، نو به نو و در حال تجدید شدن بود .

و تظنّون

باللّه الظنونا

آوردن فعل مضارع <تظنّون> به منظور بیان پدید آمدن گمان، می تواند بیان کننده تداوم و تجدید شدن آن باشد.

یهود بنی قریظه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۴

۴ - یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، همْ پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب

مراد از <الذین ظاهروا> یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر <هم>، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

یهود بنی نضیر در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و

مشـرکان مکه به وجود آمـد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شـرقی مـدینه هجوم آوردنـد و <من أسـفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

یهود غطفان در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهـد تـاریخی، غزوه احزاب، بـا ائتلاـف یهودیان بنی نضـیر و بنی قریظه و غطفان و مشـرکان مکه به وجود آمـد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شـرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

غزوه بدر

{غزوه بدر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۶

۶ تهدید شدن یهود به هزیمت و شکست ، پس از پیروزی مسلمین در جنگ بدر

قل للّذین کفروا ستغلبون

در شأن نزول آیه آمـده است که آیه شـریفه بعـد از جنـگ بـدر آنگاه که رسول خـدا از آن جنگ به طرف بنی قینقاع بازمی گشتند نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۲،۱۳،۱۵،۱۸،۱۹،۲۰

۱ جنگ بدر ، شاهد روشن صدق وعده های الهی در مورد شکست کافران

قد کان لکم ایه فی فئتین التقتا

بنا به گفته مفسّرین، آیه فوق مربوط به جنگ

بدر است. گفتنی است که در شأن نزول آیه، اختلافی نیست.

۲ جبهه گیری یهود در برابر مسلمانان ، علی رغم مشاهده پیروزی معجزه آسای آنان در جنگ بدر

قل للّذین کفروا . .. قد کان لکم ایه فی فئتین التقتا

بنابراینکه مقصود از <الذین کفروا>، یهود باشند; چنانچه در شأن نزول آن بیان شده است.

۳ نبرد مجاهدان بدر در راه خدا و مورد ستایش او

فئه . .. تقاتل فی سبیل اللّه

از تأیید خداوند به اینکه جنگشان فی سبیل اللّه بوده، ستایش خداوند استفاده گردیده است.

۴ رویارویی مجاهدان در راه خدا و کافران ، در بدر

فئه تقاتل فی سبیل اللّه و اخری کافره

۵ مشرکین در جنگ بدر ، نیرو های رزمنده مسلمان را دو چندان می دیدند .

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

بنابراینکه ضمیر فاعلی در <یرون>، به کفار برگردد و ضمیر <هم> در هر دو مورد، به مسلمین برگردد.

۶ مسلمین در جنگ بدر در حالی که دشمن حدود سه برابر ایشان بود آنان را دو برابر نیرو های خویش می دیدند .

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

بنابراینکه ضمیر فاعلی به مسلمین برگردد و ضمیر <هم> در <یرونهم> به کافران و ضمیر <هم> در <مثلیهم> به مسلمین. و سه برابر بودن کافران از شأن نزول استفاده شده است (مجمع البیان).

۱۲ - غلبه مسلمانان در جنگ بدر ، علی رغم توان برتر کافران

قد کان لکم ایه . .. یرونهم مثلیهم

زیرا در صورتی جنگ بدر، آیه و عبرت است که بر حسب شرایط طبیعی، تحصیل پیروزی برای مسلمانان میسور نباشد و کافران، توان برتری داشته باشند.

۱۳ جلوه غیر واقعی تعداد نیرو ها در جنگ بدر ،

امدادی از سوی خداوند برای مؤمنان

یرونهم مثلیهم رأیَ العین و اللّه یؤیّد بنصره من یشاء

۱۵ پیروزی جنگجویان راه خدا ، در جنگ بدر بر کافران ، در پرتو مشیّت الهی

قد کان . .. و اللّه یؤیّد بنصره من یشاء

۱۸ امداد های الهی در بدر و پیروزی مسلمانان ، عبرتی بزرگ برای صاحبان بصیرت

قد کان . .. انّ فی ذلک لعبره لاولی الابصار

از نکره آوردن <عبره>، بزرگی آن استفاده می شود. یعنی: عبرةً عظیمةً.

۱۹ کسانی که از ماجرای جنگ بدر عبرت نگیرند ، فاقد بینش و بصیرتند .

قد کان . .. انّ فی ذلک لعبره لاولی الابصار

۲۰ روشنی نشانه های عبرت ، در جنگ بدر

قد کان . .. انّ فی ذلک لعبره لاولی الابصار

روشنی نشانه های عبرت، از کلمه <ابصار> استفاده شده است; یعنی آنچه در جنگ بدر از علائم حقانیّت مؤمنین گذشت; در حد مشاهده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۱۴

۱۴ علامت فرشتگانِ یاری دهنده در جنک بدر عمامه های آنان بود .

یمددکم ربّکم بخسمه الاف من الملئکه مسوّمین

امام رضا(ع) درباره <مسوّمین> در آیه فوق فرمود: العمائم . .. .

کافی، ج ۶، ص ۴۶۰، ح ۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۱ و ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۷ - ۲،۴،۵

۲ هلاکت و خواری بزرگان سپاه کفر در جنگ بدر *

و لقد نصرکم اللّه ببدر . .. لیقطع طرفاً من الّذین کفروا

برخی از مفسّرین، <طرفاً> رابه معنای اشراف و بزرگان گرفته

اند، به استناد اساس اللغه که گفته است: <من اطراف العرب یعنی من اشرافهم>.

۴ بازگشت ذلیلانه و ناامیدانه باقیمانده کافران ، از اهداف نصرت الهی به رزمندگان بدر

و لقد نصرکم اللّه ببدر . .. لیقطع ... فینقلبوا خائبین

جمله <فینقلبوا . .. >، عطف بر <لیقطع> است بنابراین بازگشت ذلیلانه و ناامیدانه کافران، از اهداف پیروزی بدر خواهد بود و به مقتضای <فاء> تفریع، این بازگشت، نتیجه هلاکت و اسارت بخشی از کافران بوده است.

۵ هلاکت و خواری بخشهایی از قوای دشمنان دین ، در جنگ بدر ، عاملی در تخریب روحیّه سایر نیروها

لیقطع طرفاً . .. فینقلبوا خائبین

<خائبین> از <خیبه>، به معنانی یأس، ناامیدی و نامرادی، حکایت از اثر روانی در باقیمانده کفّار است که به مقتضای <فاء> در <فینقلبوا>، این ناامیدی، نتیجه هلاکت و خواری و اسارت گروه زیادی از دشمنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۷،۱۲

۷ توبه مشرکان و پذیرش آن از سوی خداوند و یا عذاب و مجازات آنان ، هدفی برای نصرت الهی به رزمندگان بدر

ولقد نصرکم اللّه ببدر . .. لیقطع طرفاً ... او یتوب علیهم

جمله <یتوب علیهم> و نیز <یعذّبهم>، عطف است بر <یقطع طرفاً>; و این جمله متعلق به <نصرکم اللّه ببدر> است. و لذا عذاب مشرکان و پذیرش توبه آنان نیز از اهداف پیروزی جنگ بدر خواهد بود.

۱۲ سرنوشت کافران محارب بدر ، تنها به دست خداوند بود ، و نه حتّی رسول او

و لقد نصرکم اللّه ببدر . .. لیقطع طرفاً ... لیس لک من الامر شیء او

یتوب علیهم او

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۷

۷ توکّل پیکارگران جنگ بدر بر خدا ، موجب یاری خدا و پیروزی آنان در آن نبرد *

ان ینصرکم اللّه فلا غالب لکم . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

خداوند پس از شروع بیان جنگ احد، اشاره ای نیز به مسائل جنگ بدر داشت (و لقد نصرکم اللّه ببدر، آیه ۱۲۳) بنابراین جمله <ان ینصرکم اللّه> می تواند اشاره به علّت آن پیروزی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۱۲

۱۲ رفع ناراحتی مسلمانان به جهت شهادت هفتاد نفر در جنگ احد ، با تذکّر به این که آنان در جنگ بدر ، هفتاد نفر از دشمنان را کشته و هفتاد نفر را اسیر کردند .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: کان المسلمون قد اصابوا ببدر مائه و اربعین رجلا قتلوا سبعین رجلا و اسروا سبعین فلمّا کان یوم احد اصیب من المسلمین سبعون رجلا قال: فاغتمّوا بذلک فانزل اللّه تبارک و تعالی: <اولمّا اصابتکم . .. مثلیها>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۵۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۴۲۶.

آثار غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۲

۱۲ تأثیر عمیق جنگ بدر در تحکیم پایه های توحید و آیین اسلام و شکست شرک و کفر

و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

- آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۵

۱۵ جنگ بدر ، میدان رویارویی جبهه ایمان و کفر ، صحنه تمایز حق و باطل و ثبوت حقانیت پیامبر (ص)

یوم الفرقان یوم التقی الجمعان

ال در <الفرقان> برای عهد است و اشاره به جنگ بدر دارد. و فرقان یعنی چیزی که به وسیله آن بین دو یا چند چیز تمایز داده می شود. خداوند از آن رو جنگ بدر را فرقان نامید که در آن نبرد، علی رغم وجود شرایط پیروزی برای مشرکان، مسلمانان پیروز شدند و این نشانه ای بود برای حقانیت پیامبر(ص) و دین اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۷

۷ جامعه ایمانی در صدر اسلام پس از پیکار بدر برخوردار از ابهت و قوّتی چشمگیر ، حتی در نظر دشمنان

و تذهب ریحکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۵

۵- جنگ بدر ، میدان انتقام الهی از مشرکان و ضربه ای سخت و شکننده بر جبهه شرک *

یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

طبق نظر مفسران، ممکن است این آیه نظر به جنگ بدر داشته باشد. این در صورتی است که عذاب ذکر شده در آیات پیشین را عذاب دنیوی بدانیم.

آمرزش مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ خداوند ، مجاهدان بدر را که به خاطر اقدام نابهنگامشان در گرفتن اسیر مرتکب گناه شدند ، مورد عفو و مغفرت خویش

قرار داد .

ما

كان لنبى أن يكون له أسرى . .. إن اللّه غفور رحيم

اتحاد مسلمانان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ رؤياى پيامبر (ص) (اندك ديدن نفرات سپاه كفر) عامل وحدت كلمه مسلمانان در ضرورت پيكار با سپاه كفر و حضور رشيدانه آنان در جنگ بدر

إذ يريكهم اللّه فى منامك قليلا و لو أريكهم كثيرا لفشلتم و لتنزعتم

اسارت كافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ كافران جنگ بدر به سبب خيانتهايشان به خدا و دين او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهى از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا اللّه من قبل فأمكن منهم

امكان (مصدر امكن)، به معناى تسلط بخشيدن است. تفريع جمله <امكن منهم> بر <فقد خانوا> به وسيله حرف <فاء> دلالت مى كند بر اينكه خيانت كافران به دين خدا موجب شد كه خداوند آنان را در سيطره مسلمانان قرار دهد.

استغاثه مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۲،۳،۴

۲ مجاهدان بدر پيش از نبرد با نيايش به درگاه خدا از وى استمداد كردند .

إذ تستغيثون ربكم

<غوث> به معناى يارى كردن است و استغاثه طلب يارى و امداد است.

۳ خداوند استغاثه مجاهدان بدر را با فرستادن هزاران فرشته اجابت كرد .

فاستجاب لكم أنى ممدكم بألف من الملئكه مردفين

<مردف> به کسی گفته می شود که دیگری را در پی خویش قرار داده باشد. بنابراین <ألف من

الملئکه مردفین>، یعنی هزار فرشته که هر کدام فرشته و یا فرشته هایی را به دنبال خویش داشتند. گفتنی است معنای مذکور مبتنی بر این است که مفعول محذوف از <مردفین>، <طائفه اخری من الملئکه> باشد.

۴ نیایش مجاهدان بدر به درگاه ربوبی و اجابت استغاثه آنان با امداد های غیبی ، نعمتی بایسته به یاد داشتن

إذ تستغیثون ربکم فاستجاب لکم

اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۲

۲ به اسیران جنگ بدر اعلام شد در صورت پذیرش اسلام و توحید ، خداوند آنان را از مواهبی بهتر از آنچه از ایشان گرفته شد (فدیه) ، بهره مند خواهد ساخت .

إن یعلم اللّه فی قلوبکم خیرا یؤتکم خیرا مما أخذ منکم

مراد از <خیرا> به دلیل <یغفر لکم> توحید و گرایش به اسلام است. زیرا خداوند گناه شرک را هرگز نخواهد بخشید: إن اللّه لایغفر ان یشرک به.

اسیرگیری در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۱،۵

۱ گرفتن اسیر در کارزار بدر ، مقتضی گرفتار شدن مجاهدان آن کارزار به عذابی بزرگ از جانب خداوند

لو لا کتب من اللّه سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

کلمه <فی> در <فیما أخذتم> سببیه است و <ما> در آن مصدریه. یعنی <بسبب أخذکم>. و مراد از آن به دلیل آیه قبل اسیر گرفتن است.

۵ گرفتن اسیر در جنگ بدر مقتضی شکست مسلمانان در آن نبرد

لو لا کتب من اللّه سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

برخی برآنند که مراد از <عذاب عظیم>

شکست از دشـمن در کارزار بدر است و مقصود از <کتب من اللّه . . > وعده پیروزی است که خداوند پیش از وقوع جنگ بدر مسـلمانان را به آن بشارت داد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: اگر وعده الهی به پیروزی شما (رزمندگان بدر) نبود، به سبب گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن به شکست سختی گرفتار می شدید. (برگرفته شده از روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱

۱ مسلمانان در کارزار بدر گروهی از دشمن را اسیر کرده و با گرفتن فدیه آنان را آزاد کردند .

یأیها النبی قل لمن فی أیدیکم من الأسری إن یعلم اللّه فی قلوبکم

امداد به مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۶

۶ پیروزی مسـلمانان در جنگ بدر ، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به واسطه آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند اللّه إن اللّه عزیز حکیم

جمله <إن اللّه عزیز حکیم> تعلیلی است برای تمـامی مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شـده بود. یعنی سرچشـمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ خداوند با امداد های خویش مسلمانان را از فاجعه نزاع و سست شدن در تصمیمشان بر جنگ بدر رهایی بخشید .

و لکن اللّه سلم

امداد در غزوه بدر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۳،۱۶

۱۳ خداوند به برکت وجود پیامبر (ص) مسلمانان را در جنگ بدر یاری کرد و آنان را به پیروزی رسانید .

و ما أنزلنا علی عبدنا

با توجه به اینکه آیات ۹ تا ۱۲ همین سوره امدادهای الهی را شامل همه پیکارگران بدر دانست و این آیه پیامبر(ص) را محط نزول امدادها شمرد، معلوم می شود وجود پیامبر(ص) در نزول امدادها دخالت فراوانی داشته است.

۱۶ تمایز حق از باطل با امداد های ویژه خداوند در جنگ بدر نمودی از قدرت مطلقه او

یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و اللّه علی کل شیء قدیر

برداشت فوق بر این مبناست که جمله <و اللّه . .. > ناظر به <یوم الفرقان> بودنِ جنگ بدر باشد.

امداد غیبی در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۲

۲ خداوند در آستانه جنگ بدر با رفع اضطراب از مجاهدان ، آنان را از آرامشی کامل بهره مند ساخت .

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

اهمیت پیروزی غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۲

۲ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر زیربنای گسترش توحید و نابودی شرک در سراسر جهان

یرید اللّه أن یحق الحق . .. لیحق الحق و یبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <لیحق الحق> متعلق به <یرید اللّه أن یحق الحق> در آیه قبل باشد. بر این مبنا می توان گفت مراد از <الحق> در آیه قبل خصوص

پیروزی موعود در پیکـار بـدر است، و مقصود از <الحق> در آیه مورد بحث مطلق حق. بنابراین <یریـد اللّه أن یحق الحق ... > چنین معنا می شود: خداوند با تقدیر پیروزی در جنگ بدر خواست حق را همواره به منصه ظهور رساند و در سراسـر جهان استوار سازد.

اهمیت غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۲

۲ ضرورت حضور در جنگ بدر ، امری روشن برای مسلمانان صدر اسلام

یجدلونک فی الحق بعد ما تبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسـلمانان در آن ، علی رغم موقعیت ضعیف آنان ، حادثه ای شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن

إذ أنتم بالعدوه الدنیا . .. و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای فعل مقدر، یعنی <اذکروا> باشد. مفسـران برآنند که از اهداف شرح موقعیت جنگ بدر یادآوری ضعف مسلمانان و برتری کافران است که علی رغم آن با پیروزی مسلمانان پایان یافت.

باران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۶،۷،۱۰،۱۳،۱۴،۱۸

۶ خداوند در آستانه جنگ بدر مسلمانان را از نعمت باران بهره مند ساخت .

و ینزل علیکم من السماء ماء

۷ فراهم شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست ها و قذارت ها ، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم به

ذکر نشدن

متعلق <یطهرکم> حکـایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاسـتهای ظـاهری و بـاطنی). یعنی خداونـد بـاران را فرو فرسـتاد تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و دیگران وضو بسازند.

۱۰ نزول بـاران در آسـتانه جنگ بـدر برای تطهیر مجاهـدان ، زمینه ساز برطرف شـدن نگرانی ها و وسوسه های ایجاد شـده از سوی شیطان

و ینزل علیکم . .. و یذهب عنکم رجز الشیطن

۱۳ تقویت دل های مجاهدان با مشاهده امداد های حسی ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

و ینزل علیکم . .. لیربط علی قلوبکم

<ربـط علی قلبه> یعنی دلهای آنان را اسـتحکام بخشـید، و این کنایه از ایجاد شـهامت و شـجاعت است. گفتنی است تناسـب نزول باران با استحکام دلها برای نبرد این است که مجاهدان در زمانی که نیاز فراوان به آب دارند با نزول باران، امداد الهی را لمس کرده و بدان یقین کنند.

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر ، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ینزل علیکم . .. و یثبت به الأقدام

۱۸ استحکام اردوگاه مسلمانان و استواری گام های آنان بر شنزار محل اقامتشان ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم . .. و یثبت به الأقدام

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الاقـدام> گامهای مجاهـدان باشد. بنابراین <و یثبت به الاقدام> یعنی هدف از نزول باران این بود که خداوند گامهای شما را استوار سازد و از لغزش و فرو رفتن در شنزارها بازدارد.

بشارت به اسیران غزوه بدر

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۳۸

۳ به اسیران جنگ بدر نوید داده شد که در صورت پذیرش اسلام و توحید خداوند گناهان گذشته آنها را خواهد بخشید .

إن یعلم اللّه فی قلوبکم خیرا . .. یغفر لکم و اللّه غفور رحیم

۸ پیامبر (ص) مأمور ابلاغ نوید خداوند به اسیران جنگ بدر (آمرزش گناهان ایشان و . . .) در صورت گرایش به اسلام

قل لمن فی أیدیکم من الأسری

پلیدی در مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۸

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

پیروزی بر مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۷

۷ پیروزی مجاهدان در جنگ بدر دارای اهدافی والا و از جمله آزمایش اهل ایمان از سوی خداوند

و لیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا

<لیبلی> عطف بر علتی محذوف همانند <لیمحق الکفرین> است و هر دو متعلق به <قتلهم> و <رمی> می باشد یعنی <و لکن اللّه قتلهم . .. لکن اللّه رمی لیمحق الکفرین و لیبلی المؤمنین> گفتنی است که در برداشت فوق <ابلاء> به معنای آزمودن گرفته شده است.

پیروزی در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون . ..

و من يتوكل على اللّه فإن اللّه عزيز حكيم

برداشت فوق بر اين اساس است كه <إذ> مفعول براى <اذكروا> باشد.

پيروزى غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۴

۴ يادآورى خاطره پيروزى مسلمانان در پيكار بدر ، التيام بخش رنج و آثار روحى دردناك شكست نبرد احد

اولمّا اصابتكم مصيبه قد اصبتم مثليها

جمله <قد اصبتم مثليها>، كه اشاره به پيروزى بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ايراد شده كه با ياد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصيبت احد را در مقايسه با پيروزى بدر كوچك شمرند و در نتيجه، رنج مصيبت احد را ناديده انگارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۶

۶ پيروزى مسلمانان در جنگ بدر ، گسيل هزاران فرشته براى امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهى و اطمينان بخشى به واسطه آنان ، پرتوى از عزتمندى و كاردانى خداوند

و ما النصر إلا من عند اللّه إن اللّه عزيز حكيم

جمله <إن اللّه عزيز حكيم> تعليلى است براى تمامى مسائلى كه در اين آيه و آيه قبل مطرح شده بود. يعنى سرچشمه آنچه بيان شد، عزت و حكمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۳

۳ خداوند با بيان نقش اصلى خويش در پيروزى جنگ بدر زمينه ساز پرهيز پيكارگران بدر از اعجاب و غرور به خاطر پيروزى در آن نبرد

فلم تقتلوهم . ... و ما رميت إذ رميت

از اهداف آیه مورد بحث، که پیروزی مؤمنان را برخاسته

از اراده خدا دانسته، این است که پیکارگران بدر پیروزی را نعمتی از جانب خداوند بدانند و از آنِ قدرت خویش نشمارند تا به غرور و اعجاب مبتلا نگردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۰،۱۳،۱۸

۱۰ پرداخت خمس غنیمت ها و دیگر استفاده های مالی ، نشان ایمان به خدا و ایمان به پیروزی آفرینی خدا در جنگ بدر است .

فأن للّه خمسه و للرسول . .. إن کنتم ءامنتم باللّه و ما أنزلنا علی عبدنا

مراد از <ما أنزلنا . .. > می تواند همان امدادهای غیبی الهی باشد که مسلمانان در پرتو آن به پیروزی در جنگ بدر دست یافتند.

۱۳ خداوند به برکت وجود پیامبر (ص) مسلمانان را در جنگ بدر یاری کرد و آنان را به پیروزی رسانید .

و ما أنزلنا علی عبدنا

با توجه به اینکه آیات ۹ تا ۱۲ همین سوره امدادهای الهی را شامل همه پیکارگران بدر دانست و این آیه پیامبر(ص) را محط نزول امدادها شمرد، معلوم می شود وجود پیامبر(ص) در نزول امدادها دخالت فراوانی داشته است.

۱۸ یاری رسیدن به مسلمانان در جنگ بدر و به پیروزی رساندن آنان نمودی از قدرت مطلقه خداوند

و ما أنزلنا علی عبدنا . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

جمله <و اللّه . .. > می تواند ناظر به تمام حقایقی باشد که در آیه مورد بحث مطرح شده است که از جمله آنها امدادهای خداوند در جنگ بدر است که <و ما أنزلنا ... > دلالت بر آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۱۳،۱۱،۱۰

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

و لکن لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

۱۱ خداوند به منظور تبیین حقانیت توحید و رسالت پیامبر (ص) ، جنگ بدر را تحقق بخشید و مسلمانان را به پیروزی رسانید .

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

۱۳ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر حجتی روشن علیه شرک و دلیلی واضح بر حقانیت توحید و اسلام

لیقضی اللّه . .. لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

<لیهلک> متعلق به <یقضی> است. یعنی هدف از تحقق جنگ بدر این بود که ... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۳ – ۱۵

۱۵ رؤیای پیامبر (ص) در آستانه جنگ بدر و نتایج درخشان آن ، حادثه ای شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم و لتنزعتم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

پیروزی مجاهدان غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۷ – ۱،۸

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لکن اللّه قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم . .. > متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد ;

یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

۸ پیروزی مجاهدان در جنگ بدر ، نعمتی نیکو از جانب خداوند برای اهل ایمان

لیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا

<ابلاء> در برداشت فوق به معنای اعطای نعمت گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۳

۳ پیروزی مؤمنان در جنگ بدر حجتی بر حقانیت اهل ایمان و هشدار و عبرتی برای کافران

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح

مراد از <الفتح> پیروزی اهل ایمان در جنگ بدر است. و جمله <فقد جاءکم الفتح> پاسخ همان تمنای مشرکان است که خواهان پیروزی حامیان دین حق بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون . .. و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

پیروزی مسلمانان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۶

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لو لا کتب . .. عذاب عظیم

تشویق اسیران غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۰ – ۴

۴

ترغیب اسیران جنگ بدر به ایمان و گرایش به اسلام

یأیها النبی قل لمن فی أیدیکم من الأسری إن یعلم اللّه فی قلوبکم

تقدیر غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۳

۳ تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تقدیر شده

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

<أمراً> به معنای کار است و مراد از آن تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد می باشد. فعل <کان> دلالت می کند که ثبوت خبر <مفعولا> برای اسمش (تحقق جنگ بدر) از دیرباز تحقق پیدا کرده بود. و تحقق جنگ بدر از دیرباز، به قرینه <لیقضی>، به معنای تقدیر آن است. بنابراین <لیقضی اللّه ... > یعنی تا انجام پذیرد کاری که از پیش تقدیر شده بود.

تهدید اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۵

۵ خداوند ، اسیران جنگ بدر را به گرفتار شدن دوباره به دست مسلمانان ، در صورت ادامه خیانت ، تهدید کرد .

و إن یریدوا خیانتک

جواب شرط <و إن یریدوا خیانتک . .. > در تقدیر است و جمله <فقد خانوا اللّه ... > جانشین آن شده و دلالت بر آن دارد که جمله با تقدیر آن چنین است: اگر اسیران خیانتی دوباره را در سر می پرورانند باکی نداشته باشید و از آزادسازی آنان ابا نکنید. زیرا خداوند خیانتکاران را در سلطه شما قرار خواهد داد ; همان گونه که در جنگ بدر شما را بر آنان مسلط ساخت.

حقانیت غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۸

۸ حکم خداوند درباره انفال ، حکمی حق و همانند حقانیت فرمان او به خروج از مدینه برای جنگ بدر

قل الأنفال للّه و الرسول . .. کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۱

۱ گروهی از مسلمانان در صدد بازداشتن پیامبر (ص) از حرکت به سوی جنگ بدر ، علی رغم وضوح حقانیت آن

یجدلونک فی الحق بعد ما تبین

در وجه ترکیبی <یجدلونک> چند نظر ایراد شده است ; از جمله اینکه <یجدلونک> حال برای فاعل <لکرهون> و یا همانند <إن فریقا> حال برای مفعول <أخرجک> باشد. بر این دو مبنا، آیه مورد بحث توضیحی درباره قضایای پیش از جنگ بدر است. گفتنی است جدال به معنای منازعه برای غلبه بر اندیشه و رأی طرف مقابل است.

خواب مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱،۵

۱ آرامش روحی مجاهدان پیش از جنگ بدر ، موجب فراگیری خوابی سبک بر تمامی آنان

إذ تستغیثون . .. إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

<غشاوه> به معنای احاطه است و فعل <یغشیکم>، از باب تفعیل، دلالت بر کثرت احاطه دارد. می توان گفت نمود آن کثرت، فراگیری خواب بر تمامی افراد بوده است. کلمه <أمنه>، که به معنای نبودن ترس است، مفعولٌ له حصولی برای <یغشیکم> است. یعنی به علت اینکه آرامش یافتید، خواب شما را فراگرفت

۵ استراحت و آرامش

روحی مجاهدان و فراگیری خواب بر آنان در آستانه جنگ بدر ، نعمتی الهی بر ایشان و شایسته به یاد داشتن

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

خیانت اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۲

۲ اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

و إن یریدوا خیانتک فقد خانوا اللّه من قبل

دعای مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۲،۴

۲ مجاهدان بدر پیش از نبرد با نیایش به درگاه خدا از وی استمداد کردند .

إذ تستغیثون ربکم

<غوث> به معنای یاری کردن است و استغاثه طلب یاری و امداد است.

۴ نیایش مجاهدان بدر به درگاه ربوبی و اجابت استغاثه آنان با امداد های غیبی ، نعمتی بایسته به یاد داشتن

إذ تستغیثون ربکم فاستجاب لکم

سرنوشت غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

و لکن لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

شکست غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۶ – ۵

۵- جنگ بدر ، میدان انتقام الهی از مشرکان و ضربه ای سخت و شکننده بر جبهه شرک *

یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

طبق نظر مفسران، ممکن است این آیه نظر به جنگ بدر داشته باشد. این در صورتی است که عذاب ذکر شده در آیات پیشین

را عذاب دنیوی بدانیم.

شکست مشرکان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۳

۳ - اخبار خداوند ، از شکست قریب الوقوع جماعت شرک پیشه در جنگ بدر

سیهزم الجمع و یولّون الدّبر

با توجه به تطبیق این آیه بر جنگ بـدر در آرای مفسـران و با توجه به این که آیات یاد شـده مکّی است و جنگ بـدر نخستین مرحله انهزام مشرکان بوده است; برداشت یاد شده به دست می آید.

شیطان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۸

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۶،۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۹،۶،۴

۴ شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

و قال لا غالب لکم الیوم من الناس

۶ شیطان ، خط دهنده به جبهه کفر در جنگ بدر

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

۹ شیطان با تأکید بر یاری بی دریغ خویش از لشکریان کافر بدر ، آنان را به رویارویی با مسلمانان ترغیب کرد .

إنى جار لكم

کلمه <جار> معانی متعددی دارد ; از جمله یاور، همسانه، هم قسم، شـریک و . .. (لسان العرب). به نظر می رسد یاور نسبت به دیگر معانی مناسبتر باشد.

۱۰ شیطان به هنگام رویارویی دو لشکر کفر و ایمان از کارزار بدر عقب نشینی کرد .

فلما تراءت . .. نکص علی

عقبیه و قال إنی بریء منکم

<نکص> به معنای خودداری کردن است و چون با <علی> متعدی شده معنای رجوع در آن تضـمین شده است. <عقب> به پاشنه پا گفته می شود ; یعنی شیطان از نبرد خودداری کرد و با چرخیدن بر پاشنه های پا عرصه را ترک گفت.

۱۱ شیطان به هنگام شروع جنگ بدر با اعلان بیزاری از کافران ، عهد خویش (یاری سپاه کفر) را گسست .

فلما تراءت الفئتان . .. قال إنی بریء منکم

۱۲ شیطان در آغاز جنگ بدر با دیدن امداد های الهی به شکست جبهه کفر مطمئن شد .

نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم إنی أری ما لاترون

۱۳ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان ، دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم إنی أری ما لاترون

۱۶ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه فرار کرد .

إنی أری ما لاترون إنی أخاف اللّه

مراد از خوف خدا (إنی أخاف اللّه) به دلیل <إنی اری ما لاترون> گرفتار شدن به چنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

ضعف دشمنان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۳

۳ پیامبر (ص) رؤیای خویش (کمی نفرات دشمن در جنگ بدر) را برای مسلمانان بیان کرد .

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم

ضعف کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۴

۴ ضعف و ناتوانی سپاه کفر در جنگ بدر ، تأویل و تعبیر رؤیای پیامبر (ص) (کم دیدن نفرات دشمن)

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا

از منابع تاریخی مربوط به جنگ بـدر و نیز اینکه هر فرمانـدهی پیش از اقـدام به جنگ همواره در تلاش برای آگاهی به کم و کیف لشکر مقابل است، به دست می آید که پیامبر(ص) و دیگر مسلمانان از تعداد تقریبی نفرات دشمن آگاه بودند. بنابراین رؤیای پیامبر(ص) حاکی از سستی و ضعف نیروی دشمن بوده است، نه بیانگر تعداد آنان.

ضعف مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون . .. و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

ضعف مسلمانان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۴

۴ موقعیت ضعیف مسلمانان در جنگ بدر نسبت به موقعیت کفار

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

می توان گفت هـدف از بیان موقعیت مسـلمانان و کفرپیشـگان مکه در منطقه بـدر یادآوری موقعیت بسـیار ضـعیف مسـلمانان است. جلمه <لیهلك من هلك ... > مؤیـد این معنا می باشـد. زیرا پیروزی آنگاه دلیل حقانیت مسـلمانان می شد که شـرایط ظاهری، تضمین کننده پیروزی کافران و شکست مسلمانان بود.

ضعف

مشرکان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ خداوند به دلیل آگاهیش بر عوامل اطمینان بخش قلب ها و علمش به زمینه های سستی آفرین ، مشرکان بدر را در رؤیای پیامبر (ص) اندک نمایان ساخت .

و لکن اللّه سلم إنه علیم بذات الصدور

عوامل پیروزی در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ امداد های ویژه الهی ، منشأ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر *

و أیدکم بنصره

عوامل پیروزی غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر ، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ینزل علیکم . .. و یثبت به الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۲

۲ حرکت های پیروزی آفرین پیامبر (ص) در جنگ بدر در حقیقت فعل الهی بود .

فلم تقتلوهم و لکن اللّه قتلهم و ما رمیت

<رمی> به معنای پرتاب کردن است و در اینجا می توانـد کنایه از تمامی حرکتهایی باشد که پیامبر(ص) در جنگ بدر انجام داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۶

۶ توکل مسلمانان به خداوند در جنگ بدر عامل پیروزی آنان

إذ یقول المنفقون . .. و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

غزوه بدر

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱،۳،۴،۹،۱۸

۱ یاری و مدد خداوند به مؤمنان ، در جنگ بدر

و لقد نصرکم اللّه ببدر

۳ کمبود نفرات و توانایی نظامی مؤمنان پیکارگر در جنگ بدر ، نسبت به قوای نظامی دشمن

و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

کلمه <اذلّه>، چون جمع قلّه است، اشاره به کمبود و قلّت نیروی انسانی مؤمنان دارد. و ماده ذلّت (زبونی و ناتوانی) به مناسبت مورد، حاکی از کمبود توانایی نظامی از جهت تدارکات و وسایل جنگی است.

۴ مجاهدان جنگ بدر با نداشتن ساز و برگ کافی در مقابل دشمنان ، توانستند با ایمان و توکّل به خدا بر آنان پیروز شوند .

و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

جمله <و لقد نصرکم اللّه ببدر>، می تواند نمونه ای باشد از حقیقت بیان شده در آیه قبل؛ یعنی عامل نصرت شما در بدر، توکّل شما بر خداوند بود.

۹ سرزنش خداوند به پیکارگران احد که چرا علی رغم مشاهده یاری الهی در جنگ بدر ، تصمیم به سستی در کارزار احد گرفتند .

و اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

لحن آیه، حکایت از سرزنش مسلمانانی است که در جنگ احد، تصمیم به سستی و نافرمانی گرفتند.

۱۸ تقوای مؤمنان پیکارگر بدر ، موجب برخورداری آنان از نصرت الهی

و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه فاتّقوا اللّه لعلّکم تشکرون

بنابر اینکه جمله <فاتّقوا اللّه>، تفریع برای <و لقد نصرکم اللّه ببدر> باشد. یعنی عامل پیروزی و جلب نصرت الهی در جنگ

بدر، همان تقوای ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۲

۲ تقویت روحیه پیکارگران بدر و اُحد ، ز سوی پیامبر (ص)

اذ تقول للمؤمنین الن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۳

۳ برابری آسیب و جراحت های وارده به مؤمنان پیکارگر احد ، با آسیب های وارد شده به کافران در جنگ بدر

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

برخی برآنند که <ان یمسسکم>، درباره جراحتهای مسلمانان در جنگ احد است و جمله <فقد مسّ القوم>، اشاره به جراحات مشرکان در جنگ بدر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۱

۱ شهادت طلبی برخی مؤمنان صدر اسلام پس از جنگ بدر و نگرانی و حیرت آنها به هنگام بروز جنگ احد

و لقد کنتم تمنّون الموت من قبل ان تلقوه فقد رایتموه و انتم تنظرون

غزوه بدر صغرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۸،۱۲،۱۳

۸ وعده خداوند به مصونیت جامعه ایمانی از آسیب مشرکان مکّه در صورت شرکت مسلمانان در جنگ بدر (بدر صغرا)

فقاتل . .. و حرّض المؤمنین عسی اللّه ان یکفّ بأس الّذین کفروا

۱۲ امتناع و کوتاهی مسلمین از شرکت در غزوه بدر صغرا

فقاتل فی سبیل اللّه . .. و حرّض المؤمنین عسی اللّه

قابل ذکر است که مورخین از این غزوه به نامهای مختلفی بدر الصغراء،

بدر الموعد، بدر الآخره و بدر الاخیره یاد کرده اند.

۱۳ مقطع زمانی جنگ احد تا بدر صغرا ، برهه ای دشوار برای پیامبر اکرم (ص)

بیّت طائفه منهم . .. اذاعوا به ... فقاتل فی سبیل اللّه لا تکلّف الّا نفسک

با توجّه به مجموع آیات و شأن نزول.

غزوه بدر و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۷

۷ کافران در جنگ بدر ، نیرو های رزمنده مسلمان را دو برابر نیرو های خودشان می دیدند .

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

بنابراینکه ضمیر فاعلی در <یرون> به مشرکین برگردد و ضمیر مفعولی <هم> به مسلمین و ضمیر مجرور <هم> در <مثلیهم> به مشرکین برگردانده شود.

غنایم غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۴

۴ مسلمانان در جنگ بدر به غنایمی چشمگیر دست یافتند .

یسئلونک عن الأنفال

حساس شدن مسلمانان نسبت به انفال و غنایم جنگی و پرسش مکرر آنان و بازتاب آن در آیه نشانگر فراوانی غنایم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۸

۸ غنایم جنگ بدر ، از روزی های پاکیزه که خداوند مسلمانان صدر اسلام را از آن بهره مند ساخت . *

و رزقکم من الطیبت

از مصادیق مورد نظر برای <الطیبت>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث پس از بیان جنگ بدر، غنایم جنگی است.

فضایل مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۷

۱۷

مجاهدین بدر ، مورد توجه و عنایت خاص خداوند بودند .

و لتطمئن به قلوبکم . . یغشیکم ... ینزل علیکم ... لیطهّرکم

فلسفه غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷ – ۸

۸ پیاده شدن حق و ریشه کن شدن بنیان کافران ، هدف از فرمان خداوند به نبرد با مشرکان مکه در بدر

و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۱۱

۱۱ خداوند به منظور تبیین حقانیت توحید و رسالت پیامبر (ص) ، جنگ بدر را تحقق بخشید و مسلمانان را به پیروزی رسانید .

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

قصه غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱ – ۴

۴ مسلمانان در جنگ بدر به غنایمی چشمگیر دست یافتند .

یسئلونک عن الأنفال

حساس شدن مسلمانان نسبت به انفال و غنایم جنگی و پرسش مکرر آنان و بازتاب آن در آیه نشانگر فراوانی غنایم بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵ – ۱،۲،۳،۸

۱ پیامبر (ص) برای نبرد با مشرکان مکه از مدینه به سوی بدر حرکت کرد .

أخرجک ربک من بیتک بالحق

با توجه به آیات بعد معلوم می شود مراد از جمله <أخرجک . .. >، خروج پیامبر(ص) برای جنگ بدر بوده است.

۲ فرمان خداوند و تقدیر او ،

عامل حرکت پیامبر (ص) به سوی جنگ بدر

أخرجک ربک من بیتک بالحق

اسناد <أخرجک> به <ربک> می رساند که حرکت پیامبر(ص) به فرمان و تقدیر الهی بوده است، نه تصمیمی از جانب خود آن حضرت.

۳ تقدیر خداوند بر وقوع جنگ بدر ، در جهت تدبیر امور پیامبر (ص) و در راستای پیشبرد رسالت وی

أخرجک ربک من بیتک بالحق

<رب> به معنای مدبر و مربی است و اضافه آن به <ک> در جمله <کما أخرجک ربک> می رساند که از اهداف تقدیر الهی بر خروج پیامبر(ص)، تدبیر امور وی بوده که طبعاً برای تکمیل رسالت او بوده است.

۸ حکم خداوند درباره انفال ، حکمی حق و همانند حقانیت فرمان او به خروج از مدینه برای جنگ بدر

قل الأنفال للّه و الرسول . .. کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۰

۱۰ قضایای جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، نعمتی بزرگ و شایسته و بایسته به یاد داشتن و شامل درسهایی از توحید

إذ یعدکم اللّه إحدی الطائفتین أنها لکم

مقصود از فرمان خداوند به یادآوری قضایای بدر، یادآوری حاکمیت خداوند بر عوامل طبیعی است. زیرا نیروی برتر و غیر قابل مقایسه مشرکان نسبت به مسلمانان اقتضا می کرد که مشرکان پیروز شوند ; ولی تقدیر خداوند بر این بود که پیروزی از آن مسلمانان باشد ; و چنین شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۸

۸ حضور هزار فرشته در جنگ بدر ، که هر

یک فرشته و یا فرشتگانی به دنبال خویش داشتند .

بألف من الملئکه مردفین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۰ – ۱

۱ نقش ملائکه در جنگ بدر ، تنها بشارت به پیروزی و اطمینان دادن به مؤمنان بود ، و نه اقدامی عملی در قتل مشرکان .

و ما جعله اللّه إلا بشری و لتطمئن به قلوبکم

ضمیر در <جعله> و <به> به امداد که از <أنی ممدکم> استفاده می شود، برمی گردد و کلمه <بشری> مفعولٌ له برای <جعل> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۱ – ۱۹،۱۸،۱۴،۱۳،۱۰،۹،۸،۷،۶،۵،۲،۱

۱ آرامش روحی مجاهدان پیش از جنگ بدر ، موجب فراگیری خوابی سبک بر تمامی آنان

إذ تستغیثون . .. إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

<غشاوه> به معنای احاطه است و فعل <یغشیکم>، از باب تفعیل، دلالت بر کثرت احاطه دارد. می توان گفت نمود آن کثرت، فراگیری خواب بر تمامی افراد بوده است. کلمه <أمنه>، که به معنای نبودن ترس است، مفعولٌ له حصولی برای <یغشیکم> است. یعنی به علت اینکه آرامش یافتید، خواب شما را فراگرفت

۲ خداوند در آستانه جنگ بدر با رفع اضطراب از مجاهدان ، آنان را از آرامشی کامل بهره مند ساخت .

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

۵ استراحت و آرامش روحی مجاهدان و فراگیری خواب بر آنان در آستانه جنگ بدر ، نعمتی الهی بر ایشان و شایسته به یاد داشتن

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

۶ خداوند در آستانه جنگ بدر مسلمانان را از نعمت باران بهره مند ساخت .

و ينزل عليكم من السماء ماء

فراهم شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست ها و قذارت ها ، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم به

ذکر نشدن متعلق <یطهرکم> حکایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاستهای ظاهری و باطنی). یعنی خداوند باران را فرو فرستاد تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و دیگران وضو بسازند.

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهّرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لام در <یذهب> بیانگر این است که <یذهب . .. > مترتب بر <لیطهرکم ... > است. و تناسب تطهیر با برطرف شدن رجز شیطان اقتضا می کند که مراد از رجز شیطان وسوسه هایی باشد که شیطان بر اثر نبودن آب برای طهارت در مجاهدان ایجاد می کرده است.

۱۰ نزول باران در آستانه جنگ بدر برای تطهیر مجاهدان ، زمینه ساز برطرف شدن نگرانی ها و وسوسه های ایجاد شده از سوی شیطان

و ینزل علیکم . .. و یذهب عنکم رجز الشیطن

۱۳ تقویت دل های مجاهدان با مشاهده امداد های حسی ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

و ینزل علیکم . .. لیربط علی قلوبکم

<ربط علی قلبه> یعنی دلهای آنان را استحکام بخشید، و این کنایه از ایجاد شهامت و شجاعت است. گفتنی است تناسب نزول باران با استحکام دلها برای نبرد این است که مجاهدان

در زمانی که نیاز فراوان به آب دارند با نزول باران، امداد الهی را لمس کرده و بدان یقین کنند.

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر ، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ینزل علیکم . .. و یثبت به الأقدام

۱۸ استحکام اردوگاه مسلمانان و استواری گام های آنان بر شنزار محل اقامتشان ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم . .. و یثبت به الأقدام

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الاقـدام> گامهای مجاهـدان باشد. بنابراین <و یثبت به الاقدام> یعنی هدف از نزول باران این بود که خداوند گامهای شما را استوار سازد و از لغزش و فرو رفتن در شنزارها بازدارد.

۱۹ خداوند با تقویت دل های مجاهدان بدر آنان را برای رویارویی با مشرکان ثابت قدم ساخت .

لیربط علی قلوبکم و یثبت به الأقدام

<یثبت به الأقـدام> در عین اینکه بیانگر هـدفی از اهداف نزول باران است، نبودن <لام> در آن می رساند که این هدف به دنبال <لیربط علی قلوبکم> حاصل می شود. بنابراین می توان گفت ضـمیر در <به> به استحکام قلوب، که از <لیربط علی قلوبکم> اسـتفاده می شود، برمی گردد. قابـل ذکر است که در برداشت فوق ثبات قـدم (یثبت به الأقـدام) به معنای کنایی آن (پایداری و عزم راسخ) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۱،۲،۳،۶،۸،۹

۱ خداوند با وحی به فرشتگان حاضر در کارزار بدر ، آنان را از پشتیبانی خویش در ثبات بخشیدن به مجاهدان آگاه ساخت .

إذ

يوحى ربک إلى الملئكه أنى معكم فثبتوا الذين

۲ ایجاد پایداری در مجاهدان ، فرمان خداوند به فرشتگان گسیل شده به جنگ بدر

إذ يوحى ربک إلى الملئكه أنى معكم فثبتوا الذين

۳ تنها پیامبر (ص) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود .

إذ يوحى ربک إلى الملئكه

چنانچه <إذ>، متعلق به <اذكر> باشد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر(ص) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

۶ رعب و وحشت کافران در جنگ بدر ، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقى فى قلوب الذين كفروا الرعب

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم كل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إليه (الكافرين) است و مراد از <فوق الأعناق> سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ... > یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

۹ خداوند ، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سر های کافران و از کار انداختن پنجه های آنان ، تهییج کرد .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم كل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا . .. > متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله اللّه إلا بشرى> در آیه دهم، که مسؤولیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این

احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لكن اللّه قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم . .. > متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد ; یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲،۶

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند .

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر ، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ امداد های ویژه الهی ، منشأ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر *

و أيدكم بنصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱،۳،۴،۵،۷،۸،۱۰

۱ سپاه اسلام و سپاه شرک در آستانه جنگ بدر ، هر کدام در سویی از دره واقع در منطقه بدر مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه

<عُدْوه>

بـه معنـای کنـاره و دامنـه وادی اسـت و وادی به زمینی که بین دو کـوه و دو تپه قرار دارد گفته می شـود و هر وادی دارای دو عدوه و کناره است. تکرار کلمه <عدوه> در آیه شـریفه حکایت از آن دارد که سـپاه اسـلام در یک سوی دامنه و سـپاه کفر در دامنه دیگر استقرار داشتند.

۳ مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

۴ موقعیت ضعیف مسلمانان در جنگ بدر نسبت به موقعیت کفار

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

می توان گفت هـدف از بیان موقعیت مسـلمانان و کفرپیشـگان مکه در منطقه بـدر یادآوری موقعیت بسـیار ضـعیف مسـلمانان است. جلمه <لیهلک من هلك ... > مؤیـد این معنا می باشـد. زیرا پیروزی آنگاه دلیل حقانیت مسـلمانان می شد که شـرایط ظاهری، تضمین کننده پیروزی کافران و شکست مسلمانان بود.

۵ قافله تجاری قریش به هنگام استقرار سپاهیان بدر ، در مسیری پایینتر از سپاه اسلام در حرکت بودند .

و الرکب أسفل منکم

کلمه <رکب> جمع راکب و به معنای سواران است و مقصود از آن به گفته اهل تفسـیر کاروان تجاری قریش است. تعبیر از کاروان تجاری به <سواران> می تواند اشاره به حرکت سریع آنان برای فرار از مسلمانان باشد.

۷ رویارویی دو سپاه بدر در زمانی مشخص ، حتی با برنامه ریزی طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

کلمـه <میعـاد> می توانـد اسـم زمـان بـه معنـای زمـان قرار، و می توانـد اسـم مکـان بـه معنـای جایگـاه قرار باشـد. و مراد از <تواعد> وعده مسلمانان

با اهل مکه است ; یعنی <و لو تواعدتم أنتم و اهل مکه ... > که در برداشت به برنامه ریزی طرفین تعبیر شد.

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

و لکن لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱،۳،۸

۱ پیامبر (ص) پیش از جنگ بدر سپاه دشمن را در رؤیاهایی متعدد ، اندک دید .

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا

فعل مضارع <یُری> دلالت بر تکرار رؤیای پیامبر(ص) در مورد اندک دیدن سپاه دشمن دارد.

۳ پیامبر (ص) رؤیای خویش (کمی نفرات دشمن در جنگ بدر) را برای مسلمانان بیان کرد .

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم

۸ پیامبر (ص) در صورتی که کافران بدر را در رؤیای خویش لشکری بزرگ می دید ، مسلمانان در تصمیم بر نبرد سست شده و بر سر آن اختلاف می کردند .

و لو أریکهم کثیرا لفشلتم و لتنزعتم فی الأمر

<فی الأمر> متعلق به <لتنزعتم> و نیز <فشلتم> است و <ال> در آن عهدیه و اشاره به جنگ بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۱،۳،۴،۵،۸

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و

كفر را در نظر ديگرى اندك نمايان ساخت .

و إذ يريكموهم إذالتقيتم فى أعينكم قليلا

۳ تحقق جنگ بدر و پيروزى مسلمانان در آن نبرد ، امرى از پيش رقم خورده و تقدير شده

ليقضى اللّه أمرا كان مفعولا

<أمراً> به معناى كار است و مراد از آن تحقق جنگ بدر و پيروزى مسلمانان در آن نبرد مى باشد. فعل <كان> دلالت مى كند كه ثبوت خبر <مفعولا> براى اسمش (تحقق جنگ بدر) از ديرباز تحقق پيدا كرده بود. و تحقق جنگ بدر از ديرباز، به قرينه <ليقضى>، به معناى تقدير آن است. بنابراين <ليقضى اللّه ... > يعنى تا انجام پذيرد كارى كه از پيش تقدير شده بود.

۴ وقوع جنگ بدر با فرجام پيروزى مسلمانان در آن نبرد ، هدف از تصرف خداوند در ديد هر يك از دو سپاه و كم نماياندن هر يک در نظر ديگرى

إذ يريكموهم إذالتقيتم فى أعينكم قليلا . .. ليقضى اللّه أمرا كان مفعولا

۵ خداوند تحقق دهنده جنگ بدر و پيروزكننده مسلمانان در آن نبرد

ليقضى اللّه أمرا كان مفعولا

۸ كم نماياندن هر يک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر يكديگر ، امرى شايسته و بايسته به ياد داشتن

إذ يريكموهم إذالتقيتم فى أعينكم قليلا و يقللكم فى أعينهم

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه <إذا> مفعول براى فعل مقدر <اذكروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۳

۳ اطمينان كفار مكه به پيروزى خويش هنگام خروج براى جنگ بدر

و لاتكونوا كالذين خرجوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸

– ۴۸ – ۴،۸،۱۰،۱۴،۱۶،۱۹

۴ شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

و قال لا غالب لکم الیوم من الناس

۸ تجسم شیطان برای کافران مکه ، قبل از جنگ بدر

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

۱۰ شیطان به هنگام رویارویی دو لشکر کفر و ایمان از کارزار بدر عقب نشینی کرد .

فلما تراءت . .. نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم

<نکص> به معنای خودداری کردن است و چون با <علی> متعدی شده معنای رجوع در آن تضمین شده است. <عقب> به پاشنه پا گفته می شود ; یعنی شیطان از نبرد خودداری کرد و با چرخیدن بر پاشنه های پا عرصه را ترک گفت.

۱۴ شیطان در آستانه جنگ بدر ، فرشتگان امدادگر الهی را به روشنی مشاهده کرد .

إنی أری ما لاترون

به قرینه آیه ۹ و ۱۲ از همین سوره می توان گفت مراد از <ما لاترون> فرشتگانی بودند که برای امداد لشکر ایمان در کارزار بدر حاضر شدند.

۱۶ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه فرار کرد .

إنی أری ما لاترون إنی أخاف اللّه

مراد از خوف خدا (إنی أخاف اللّه) به دلیل <إنی اری ما لاترون> گرفتار شدن به چنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

۱۹ شکست کافران جنگ بدر نمودی از عقوبت شدید خداوند برای آنان

و اللّه شدید العقاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۹ – ۱،۲

۱ جبهه ایمان در کارزار بدر ، متشکل از مؤمنان

متکی بر خدا ، عناصری منافق و گروهی سست ایمان

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. و من یتوکل علی اللّه

<مرض> به معنای بیماری است و مقصود از آن در اینجا به این دلیل که در مقابل نفاق قرار گرفته، تردید در حقانیت دین است که از آن می توان به ضعف ایمان تعبیر کرد. جمله <و من یتوکل علی اللّه> اشاره به گروه سوم، یعنی مؤمنان حقیقی و راستین، دارد.

۲ حضور مؤمنان واقعی درکارزار بدر ، در مقابل دشمنی به مراتب قویتر ، برخاسته از پایبندی آنان به اسلام ، حتی در دیدگاه منافقان و سست ایمانها

إذ یقول المنفقون . .. غر هؤلاء دینهم

<غر هؤلاء دینهم> که سخن منافقان و سست ایمانهاست، بیانگر این است که آنان نیز حضور مؤمنان در کارزار بدر برخاسته از اندیشه دینی ایشان می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۶

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

کدأب ءال فرعون . .. فأهلکنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۵

۵- جنگ بدر ، میدان انتقام الهی از مشرکان و ضربه ای سخت و شکننده بر جبهه شرک *

یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

طبق نظر مفسران، ممکن است این آیه نظر به جنگ بدر داشته باشد. این در صورتی است که عذاب ذکر شده در آیات پیشین را عذاب دنیوی بدانیم.

قلب مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۰ – ۲

۲ قلب های مجاهدان بدر تا پیش از بشارت پیروزی ، آکنده از اضطراب و پریشانی بود .

لتطمئن به قلوبکم

واژه اطمینان به معنای آرامش خاطر پس از اضطراب و پریشانی خاطر است. (مفردات راغب).

کافران در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۵ – ۲

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر ، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتم مثلیها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۹ – ۱،۶

۱ استهزای کافران حاضر در پیکار بدر از سوی خداوند

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح و إن تنتهوا فهو خیر لکم

جمله <إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح> با توجه به شکست خفتبار مشرکان در پیکار بدر، بیانگر نوعی استهزا به مشرکان است.

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر ، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۳٫۸

۳ مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه

الدنیا و هم بالعدوه القصوی

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۴ – ۱

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت .

و إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۷ – ۲،۳

۲ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا

۳ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لاتکونوا کالذین خرجوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۹ – ۵

۵ نیروی نظامی مؤمنان در جنگ بدر ، نیرویی بس ضعیف و ناتوان در مقایسه با جبهه کفر

یقول المنفقون . .. غر هؤلاء دینهم و من یتوکل علی اللّه

بیان حمایت خداوند از مؤمنان در کارزار بدر با جمله <و من یتوکل . .. > پس از بیان نظریه منافقان و بیماردلان (ضعف قوای نظامی مسلمانان) اندیشه آنان را تأیید می کند. یعنی اظهار نظر منافقان به حسب دید ظاهری صحیح است، ولی آنچه مورد غفلت واقع شده، تأثیر بسزای حمایت الهی از مؤمنان متوکل است. یعنی اگر حمایت الهی نباشد، همان است که منافقان اظهار می دارند.

فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۰ – ۷

۷ کافران کشته شده در جنگ بدر ، به عذاب سوزان برزخی گرفتار هستند .

و ذوقوا عذاب الحریق

کافران مکه در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۷ – ۶

۶ خروج کافران مکه به سوی بدر ، در راستای تلاششان برای بازداری مردم از راه خدا

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم . .. و یصدون عن سبیل اللّه

مجاهدان غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۱ – ۲،۶،۷،۱۹

۲ خداوند در آستانه جنگ بدر با رفع اضطراب از مجاهدان ، آنان را از آرامشی کامل بهره مند ساخت .

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

۶ خداوند در آستانه جنگ بدر مسلمانان را از نعمت باران بهره مند ساخت .

و ینزل علیکم من السماء ماء

۷ فراهم شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست ها و قذارت ها ، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم به

ذکر نشدن متعلق <یطهرکم> حکایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاستهای ظاهری و باطنی). یعنی خداوند باران را فرو فرستاد تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و دیگران وضو بسازند.

۱۹ خداوند با تقویت دل های مجاهدان بدر آنان را برای رویارویی با مشرکان ثابت قدم ساخت .

لیربط علی قلوبکم و یثبت به الأقدام

<یثبت به الأقدام> در عین اینکه بیانگر هدفی از اهداف نزول باران است، نبودن <لام> در آن می رساند که

این هدف به دنبال <لیربط علی قلوبکم> حاصل می شود. بنابراین می توان گفت ضمیر در <به> به استحکام قلوب، که از <لیربط علی قلوبکم> استفاده می شود، برمی گردد. قابل ذکر است که در برداشت فوق ثبات قدم (یثبت به الأقدام) به معنای کنایی آن (پایداری و عزم راسخ) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۹

۹ خداوند ، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سر های کافران و از کار انداختن پنجه های آنان ، تهییج کرد .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا . .. > متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله اللّه إلا بشری> در آیه دهم، که مسؤولیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۳

۳ خداوند با بیان نقش اصلی خویش در پیروزی جنگ بدر زمینه ساز پرهیز پیکارگران بدر از اعجاب و غرور به خاطر پیروزی در آن نبرد

فلم تقتلوهم . ... و ما رمیت إذ رمیت

از اهداف آیه مورد بحث، که پیروزی مؤمنان را برخاسته از اراده خدا دانسته، این است که پیکارگران بدر پیروزی را نعمتی از جانب خداوند بدانند و از آنِ قدرت خویش نشمارند تا به غرور و اعجاب مبتلا نگردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۵

۵ قافله تجاری قریش به هنگام استقرار

سپاهیان بدر ، در مسیری پایینتر از سپاه اسلام در حرکت بودند .

و الرکب أسفل منکم

کلمه <رکب> جمع راکب و به معنای سواران است و مقصود از آن به گفته اهل تفسیر کاروان تجاری قریش است. تعبیر از کاروان تجاری به <سواران> می تواند اشاره به حرکت سریع آنان برای فرار از مسلمانان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱

۱ جبهه ایمان در کارزار بدر ، متشکل از مؤمنان متکی بر خدا ، عناصری منافق و گروهی سست ایمان

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. و من یتوکل علی اللّه

<مرض> به معنای بیماری است و مقصود از آن در اینجا به این دلیل که در مقابل نفاق قرار گرفته، تردید در حقانیت دین است که از آن می توان به ضعف ایمان تعبیر کرد. جمله <و من یتوکل علی اللّه> اشاره به گروه سوم، یعنی مؤمنان حقیقی و راستین، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۴

۴ مجاهدان بدر پیش از غلبه کامل بر دشمن ، برای دستیابی به منافعی مادی ، به گرفتن اسیر اقدام کردند .

ما کان لنبی . .. تریدون عرض الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۱،۲

۱ گرفتن اسیر در کارزار بدر ، مقتضی گرفتار شدن مجاهدان آن کارزار به عذابی بزرگ از جانب خداوند

لو لا کتب من اللّه سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

کلمه <فی> در <فیما أخذتم> سببیه است و <ما>

در آن مصدریه. یعنی <بسبب أخذکم>. و مراد از آن به دلیل آیه قبل اسیر گرفتن است.

۲ گرفتار نشدن مجاهدان بدر به عذاب الهی در کارزار بدر ، امری تقدیر شده از جانب خداوند

لو لا کتب من اللّه سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

محمد(ص) در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۲

۲ فرمان خداوند و تقدیر او ، عامل حرکت پیامبر (ص) به سوی جنگ بدر

أخرجک ربک من بیتک بالحق

اسناد <أخرجک> به <ربک> می رساند که حرکت پیامبر(ص) به فرمان و تقدیر الهی بوده است، نه تصمیمی از جانب خود آن حضرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۳

۳ تنها پیامبر (ص) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود .

إذ یوحی ربک إلی الملئکه

چنانچه <إذ>، متعلق به <اذکر> باشد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر(ص) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

محمد(ص) و اسیران غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۷

۷ اراده خداوند منشأ اصلی تسلط پیامبر (ص) بر اسیران جنگ بدر

فأمکن منهم

ضمیر فاعلی در <امکن> به <اللّه> برمی گردد. یعنی خداوند شما را بر آنان تسلط بخشید.

محمد(ص) و غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ -

۴ - ۵

۴ اقدام پیامبر (ص) به جنگ بدر ، اقدامی به حق و تحت تدبیر و ربوبیت خداوند

کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۱

۱ گروهی از مسلمانان در صدد بازداشتن پیامبر (ص) از حرکت به سوی جنگ بدر ، علی رغم وضوح حقانیت آن

یجدلونک فی الحق بعد ما تبین

در وجه ترکیبی <یجدلونک> چند نظر ایراد شده است ; از جمله اینکه <یجدلونک> حال برای فاعل <لکرهون> و یا همانند <إن فریقا> حال برای مفعول <أخرجک> باشد. بر این دو مبنا، آیه مورد بحث توضیحی درباره قضایای پیش از جنگ بدر است. گفتنی است جدال به معنای منازعه برای غلبه بر اندیشه و رأی طرف مقابل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱

۱ پیامبر (ص) پیش از جنگ بدر سپاه دشمن را در رؤیاهایی متعدد ، اندک دید .

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا

فعل مضارع <یُری> دلالت بر تکرار رؤیای پیامبر(ص) در مورد اندک دیدن سپاه دشمن دارد.

مرگ کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۵

۵ مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند

که در آن

نبرد به قتل رسیدند.

مسلمانان در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱ – ۴

۴ مسلمانان در جنگ بدر به غنایمی چشمگیر دست یافتند .

یسئلونک عن الأنفال

حساس شدن مسلمانان نسبت به انفال و غنایم جنگی و پرسش مکرر آنان و بازتاب آن در آیه نشانگر فراوانی غنایم بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۹ – ۱

۱ مشاهده سپاه برتر مشرکان جنگ بدر مایه نگرانی مسلمانان و احساس خطر از سوی آنان برای کیان اسلام

إذ تستغیثون ربکم

واژه <استغاثه> معمولا در موردی به کار می رود که استغاثه کننده در طلب نجات از تنگنایی شدید باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۰ – ۶

۶ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به واسطه آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند اللّه إن اللّه عزیز حکیم

جمله <إن اللّه عزیز حکیم> تعلیلی است برای تمامی مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شده بود. یعنی سرچشمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۱،۲،۳،۶،۷،۸

۱ سپاه اسلام و سپاه شرک در آستانه جنگ بدر ، هر کدام در سویی از دره واقع در منطقه بدر مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه

<عُدْوه> به معنای کناره و دامنه وادی است و

وادی بـه زمینی کـه بیـن دو کـوه و دو تپـه قرار دارد گفتـه می شـود و هر وادی دارای دو عــدوه و کنــاره اسـت. تکرار کلمه <عدوه> در آیه شریفه حکایت از آن دارد که سپاه اسلام در یک سوی دامنه و سپاه کفر در دامنه دیگر استقرار داشتند.

۲ دره واقع میان دو سپاه ایمان و شرک در جنگ بدر ، دارای دو دامنه متفاوت از جهت بلندی و پستی *

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

<دنیـا> به معنای نزدیکتر و <قصوی> به معنای دورتر است. به نظر می رسـد دوری و نزدیکی آن دو دامنه به نسبت دره و زمین مسـطح فیما بین سـنجیده شـده باشد. یعنی شـما در دامنه ای بودید که آن دامنه به زمین مسـطح نزدیکتر بود و کافران در دامنه ای مسـتقر شـده بودند که به زمین مسـطح دورتر بود. دوری و نزدیکی دامنه ها به نسـبت زمین مسـطح فیما بین، ملازم با بلندی و پستی آن دو دامنه است.

۳ مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

۶ مسیر حرکت قافله تجاری قریش نامعلوم برای مسلمانان و به دور از دسترسی آنان به هنگام حضورشان در منطقه بدر

و الرکب أسفل منکم

نکره آوردن کلمه <أسـفل> در مقابل معرفه آوردن <العدوه>، می تواند مشعر به برداشت فوق باشد. ناآگاهی مسلمانان به جایگاه قافله، تمهیدی بوده است از جانب خدا برای <لیقضـی اللّه>. یعنی اگر مسـلمانان از مسـیر حرکت تجاری قریش آگاه بودند به سوی آنان می شتافتند و در نتیجه جنگ بدر رخ نمی

داد.

۷ رویارویی دو سپاه بدر در زمانی مشخص ، حتی با برنامه ریزی طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

کلمه <میعاد> می تواند اسم زمان به معنای زمان قرار، و می تواند اسم مکان به معنای جایگاه قرار باشد. و مراد از <تواعد> وعده مسلمانان با اهل مکه است ; یعنی <و لو تواعدتم أنتم و اهل مکه ... > که در برداشت به برنامه ریزی طرفین تعبیر شد.

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

مسلمانان و غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۱،۳،۵

۱ گروهی از مسلمانان در صدد بازداشتن پیامبر (ص) از حرکت به سوی جنگ بدر ، علی رغم وضوح حقانیت آن

یجدلونک فی الحق بعد ما تبین

در وجه ترکیبی <یجدلونک> چند نظر ایراد شده است ; از جمله اینکه <یجدلونک> حال برای فاعل <لکرهون> و یا همانند <إن فریقا> حال برای مفعول <أخرجک> باشد. بر این دو مبنا، آیه مورد بحث توضیحی درباره قضایای پیش از جنگ بدر است. گفتنی است جدال به معنای منازعه برای غلبه بر اندیشه و رأی طرف مقابل است.

۳ برخی از مؤمنان به سبب مخالفتشان با حرکت به سوی جنگ بدر ، مورد سرزنش و توبیخ خداوند قرار گرفتند .

یجدلونک فی الحق بعد ما تبین

۵ شرکت در جنگ بدر حرکتی آشکار به سوی مرگ در پندار گروهی از مسلمانان صدر اسلام

کأنما یساقون إلی الموت و هم ینظرون

مفعول <ینظرون> به

قرینه فراز قبل، <الموت> است. یعنی <و هم ینظرون الموت>. بنابراین جمله حالیه <و هم ... > حکایت از آن دارد که اطمینان برخی از مسلمانان به مرگ آفرینی جنگ بدر به گونه ای بوده که گویا مرگ را با چشم خویش مشاهده می کردند.

مشارکت در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۵

۵ شرکت در جنگ بدر حرکتی آشکار به سوی مرگ در پندار گروهی از مسلمانان صدر اسلام

کأنما یساقون إلی الموت و هم ینظرون

مفعول <ینظرون> به قرینه فراز قبل، <الموت> است. یعنی <و هم ینظرون الموت>. بنابراین جمله حالیه <و هم ... > حکایت از آن دارد که اطمینان برخی از مسلمانان به مرگ آفرینی جنگ بدر به گونه ای بوده که گویا مرگ را با چشم خویش مشاهده می کردند.

مشرکان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۱

۱ مشاهده سپاه برتر مشرکان جنگ بدر مایه نگرانی مسلمانان و احساس خطر از سوی آنان برای کیان اسلام

إذ تستغیثون ربکم

واژه <استغاثه> معمولا در موردی به کار می رود که استغاثه کننده در طلب نجات از تنگنایی شدید باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱،۲،۴،۷

۱ سپاه اسلام و سپاه شرک در آستانه جنگ بدر ، هر کدام در سویی از دره واقع در منطقه بدر مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه

<عُدْوه> به معنای کناره و دامنه وادی است و وادی به زمینی که بین دو کوه و

دو تپه قرار دارد گفته می شود و هر وادی دارای دو عـدوه و کناره است. تکرار کلمه <عـدوه> در آیه شـریفه حکایت از آن دارد که سپاه اسلام در یک سوی دامنه و سپاه کفر در دامنه دیگر استقرار داشتند.

۲ دره واقع میان دو سپاه ایمان و شرک در جنگ بدر ، دارای دو دامنه متفاوت از جهت بلندی و پستی *

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

<دنیـا> به معنای نزدیکتر و <قصوی> به معنای دورتر است. به نظر می رسـد دوری و نزدیکی آن دو دامنه به نسـبت دره و زمین مسـطح فیما بین سـنجیده شـده باشد. یعنی شـما در دامنه ای بودید که آن دامنه به زمین مسـطح نزدیکتر بود و کافران در دامنه ای مسـتقر شـده بودند که به زمین مسـطح دورتر بود. دوری و نزدیکی دامنه ها به نسـبت زمین مسـطح فیما بین، ملازم با بلندی و پستی آن دو دامنه است.

۴ موقعیت ضعیف مسلمانان در جنگ بدر نسبت به موقعیت کفار

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

می توان گفت هـدف از بیان موقعیت مسـلمانان و کفرپیشـگان مکه در منطقه بـدر یادآوری موقعیت بسـیار ضـعیف مسـلمانان است. جلمه <لیهلک من هلک ... > مؤیـد این معنا می باشـد. زیرا پیروزی آنگاه دلیل حقانیت مسـلمانان می شد که شـرایط ظاهری، تضمین کننده پیروزی کافران و شکست مسلمانان بود.

۷ رویارویی دو سپاه بدر در زمانی مشخص ، حتی با برنامه ریزی طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

کلمه <میعاد> می تواند اسم زمان به معنای زمان قرار، و می تواند اسم مکان به معنای جایگاه

قرار باشد. و مراد از <تواعد> وعده مسلمانان با اهل مکه است ; یعنی <و لو تواعدتم أنتم و اهل مکه ... > که در برداشت به برنامه ریزی طرفین تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر ، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود .

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

<ذلک> علاوه بر اینکه اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می تواند اشاره به قضایای جنگ بدر و نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

مشرکان قریش در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۸

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إلیه (الکافرین) است و مراد از <فوق الأعناق> سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ... > یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

مشرکان مکه در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۱،۵

۱ مشرکان مکه به دلیل حضورشان در کارزار بدر ، از دشمنان و مخالفان خدا و رسول او بودند .

ذلک بأنهم شاقوا اللّه و رسوله

۵ سرکوبی و

شکست مشرکان در جنگ بدر ، عقاب شدید الهی برای آنان

فاضربوا فوق الأعناق . .. فإن اللّه شدید العقاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۴ – ۱،۳

۱ سرکوبی و شکست مشرکان در بدر ، عقوبت دنیوی آنان

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

<کم> در <ذلکم> خطاب به مشرکان و <ذا> اشاره به شکست و سرکوبی آنان دارد. و <ذلکم> مبتدا و خبر آن به قرینه فراز بعد <و أن للکافرین ... > <عقابکم فی الدنیا> است.

۳ مشرکان حاضر در کارزار بدر ، مردمی کفرپیشه و مستحق عذاب با آتش دوزخ

و أن للکفرین عذاب النار

از مصادیق مورد نظر برای <للکفرین> مشرکان حاضر در کارزار بدر می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۵ – ۲

۲ – فرجام یهود بنی نضیر در موضع گیری علیه اسلام ، منتهی به شکست آنان ، همچون فرجام مشرکان مکه در بدر *

کمثل الذین من قبلهم قریبًا

برخی برآنند که مراد از <الذین من قبلهم قریبًا>، مشرکان مکه در بدر است.

ملائکه امداد در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۸ – ۱۳،۱۴،۱۶

۱۳ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان ، دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم إنی أری ما لاترون

۱۴ شیطان در آستانه جنگ بدر ، فرشتگان امدادگر الهی را به روشنی مشاهده کرد .

إنی أری ما لاترون

به قرینه آیه ۹ و ۱۲

از همین سوره می توان گفت مراد از <ما لاترون> فرشتگانی بودند که برای امداد لشکر ایمان در کارزار بدر حاضر شدند.

۱۶ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه فرار کرد .

إنی أری ما لاترون إنی أخاف اللّه

مراد از خوف خدا (إنی أخاف اللّه) به دلیل <إنی اری ما لاترون> گرفتار شدن به چنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

ملائکه در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۲،۸

۲ مجاهدان بدر پیش از نبرد با نیایش به درگاه خدا از وی استمداد کردند .

إذ تستغیثون ربکم

<غوث> به معنای یاری کردن است و استغاثه طلب یاری و امداد است.

۸ حضور هزار فرشته در جنگ بدر ، که هر یک فرشته و یا فرشتگانی به دنبال خویش داشتند .

بألف من الملئکه مردفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۱

۱ نقش ملائکه در جنگ بدر ، تنها بشارت به پیروزی و اطمینان دادن به مؤمنان بود ، و نه اقدامی عملی در قتل مشرکان .

و ما جعله اللّه إلا بشری و لتطمئن به قلوبکم

ضمیر در <جعله> و <به> به امداد که از <أنی ممدکم> استفاده می شود، برمی گردد و کلمه <بشری> مفعولٌ له برای <جعل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۱،۲،۳،۵،۸

۱ خداوند با وحی به فرشتگان حاضر در کارزار بدر ، آنان را از پشتیبانی

خویش در ثبات بخشیدن به مجاهدان آگاه ساخت .

إذ یوحی ربک إلی الملئکه أنی معکم فثبتوا الذین

۲ ایجاد پایداری در مجاهدان ، فرمان خداوند به فرشتگان گسیل شده به جنگ بدر

إذ یوحی ربک إلی الملئکه أنی معکم فثبتوا الذین

۳ تنها پیامبر (ص) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود .

إذ یوحی ربک إلی الملئکه

چنانچه <إذ>، متعلق به <اذکر> باشد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر(ص) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إلیه (الکافرین) است و مراد از <فوق الأعناق> سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ... > یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۳

۳ خداوند ، سه هزار فرشته را برای یاری رزمندگان بدر فروفرستاد .

الن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم بثلثه الاف من الملئکه منزلین

<اذ تقول . .. > یعنی یادآور زمانی را که به مؤمنین وعده امداد الهی را می دادی; اگر این

وعده تحقق پیدا نکرده بود یادآوری آن لغو بود.

منافقان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱

۱ جبهه ایمان در کارزار بدر ، متشکل از مؤمنان متکی بر خدا ، عناصری منافق و گروهی سست ایمان

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. و من یتوکل علی اللّه

<مرض> به معنـای بیمـاری است و مقصود از آن در اینجـا به این دلیل که در مقابل نفاق قرار گرفته، تردیـد در حقانیت دین است که از آن می توان به ضعف ایمان تعبیر کرد. جمله <و من یتوکل علی اللّه> اشاره به گروه سوم، یعنی مؤمنان حقیقی و راستین، دارد.

منافقان و غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۳

۳ منافقان و سست ایمان ها ، حضور مؤمنان را در جنگ بدر ناشی از فریب خوردگی آنان می پنداشتند .

غر هؤلاء دینهم

<غرور> (مصدر غرّ) به معنای فریب دادن است.

منشأ غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۹

۹ تقدیر و اراده خداوند ، تحقق بخش جنگ بدر و شکل دهنده مقدمات آن

و لکن لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۴ – ۵

۵ خداوند تحقق دهنده جنگ بدر و پیروزکننده مسلمانان در آن نبرد

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

موقعیت جغرافیایی غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال –

۸ - ۴۲ - ۱،۳،۸

۱ سپاه اسلام و سپاه شرک در آستانه جنگ بدر ، هر کدام در سویی از دره واقع در منطقه بدر مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه

<عُدْوه> به معنای کناره و دامنه وادی است و وادی به زمینی که بین دو کوه و دو تپه قرار دارد گفته می شود و هر وادی دارای دو عدوه و کناره است. تکرار کلمه <عدوه> در آیه شریفه حکایت از آن دارد که سپاه اسلام در یک سوی دامنه و سپاه کفر در دامنه دیگر استقرار داشتند.

۳ مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

مؤمنان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۱

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت .

و إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱،۲،۳،۵

۱ جبهه ایمان در کارزار بدر ، متشکل از مؤمنان متکی بر خدا ، عناصری منافق و گروهی سست ایمان

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. و من یتوکل علی اللّه

<مرض> به معنای بیماری است و مقصود از آن در اینجا به این دلیل که در

مقابـل نفـاق قرار گرفته، تردیـد در حقانیت دین است که از آن می توان به ضـعف ایمان تعبیر کرد. جمله <و من یتوکل علی اللّه> اشاره به گروه سوم، یعنی مؤمنان حقیقی و راستین، دارد.

۲ حضور مؤمنان واقعی درکارزار بدر ، در مقابل دشـمنی به مراتب قویتر ، برخاسته از پایبندی آنان به اسلام ، حتی در دیدگاه منافقان و سست ایمانها

إذ یقول المنفقون . .. غر هؤلاء دینهم

<غر هؤلاء دینهم> که سخن منافقان و سست ایمانهاست، بیانگر این است که آنان نیز حضور مؤمنان در کارزار بدر برخاسته از اندیشه دینی ایشان می دانستند.

۳ منافقان و سست ایمان ها ، حضور مؤمنان را در جنگ بدر ناشی از فریب خوردگی آنان می پنداشتند .

غر هؤلاء دینهم

<غرور> (مصدر غرّ) به معنای فریب دادن است.

۵ نیروی نظامی مؤمنان در جنگ بدر ، نیرویی بس ضعیف و ناتوان در مقایسه با جبهه کفر

یقول المنفقون . .. غر هؤلاء دینهم و من یتوکل علی اللّه

بیـان حمـایت خداونـد از مؤمنان در کارزار بـدر با جمله <و من یتوکل . .. > پس از بیان نظریه منافقان و بیماردلان (ضـعف قوای نظامی مسـلمانان) انـدیشه آنان را تأییـد می کنـد. یعنی اظهار نظر منافقان به حسب دیـد ظاهری صـحیح است، ولی آنچه مورد غفلت واقع شده، تأثیر بسـزای حمایت الهی از مؤمنان متوکل است. یعنی اگر حمایت الهی نباشد، همان است که منافقان اظهار می دارند.

مؤمنان و شکست غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۶

۶ برخی از مؤمنان مأیوس از پیروزی در جنگ بدر

و مطمئن به شکستی مرگ آفرین در آن کارزار

یجدلونک . .. کأنما یساقون إلی الموت و هم ینظرون

مؤمنان و غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵ – ۶

۶ برخی از مؤمنان از اقدام به جنگ بدر ناخشنود بودند .

أخرجک ربک . .. و إن فریقا من المؤمنین لکرهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶ – ۴

۴ وحشت شدید برخی از مؤمنان از حضور یافتن در جنگ بدر

کأنما یساقون إلی الموت

نگرانی در مجاهدان غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۱ – ۸،۹

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهّرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لام در <یذهب> بیانگر این است که <یذهب . .. > مترتب بر <لیطهرکم ... > است. و تناسب تطهیر با برطرف شدن رجز شیطان اقتضا می کند که مراد از رجز شیطان وسوسه هایی باشد که شیطان بر اثر نبودن آب برای طهارت در مجاهدان ایجاد می کرده است.

هلاکت کافران در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۴ – ۶

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

کدأب ءال فرعون

. .. فأهلكنهم بذنوبهم

غزوه بنی مصطلق

منافقان در غزوه بنی مصطلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱

۱ - منافقان ، در جنگ < بنی المصطلق > سوگند یاد کردند پس از بازگشت به مدینه ، پیامبر (ص) را از آن شهر اخراج کنند .

یقولون لئن رجعنا إلی المدینه لیخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ

<لام> در <لئن رجعنا> توطئه برای قسم و <لیخرجنّ الأعزّ. ..> جواب قسم است. طبق نظر مفسران، سخن یاد شده را رئیس منافقان (عبداللّه بن اُبیّ) در غزوه بنی المصطلق گفته بود.

غزوه بنی نضیر

آثار غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۲،۳،۶

۲ - کافران (یهود) ، پس از غزوه بنی نضیر ، ناتوان از مقابله رویارو در میدان نبرد با مؤمنان *

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه

این آیات، پس از آیات غزوه بنی نضیر، آمده است; ازاین رو می تواند ناظر به برنامه های آینده یهود باشد هر چند آنان در گذشته نیز قدرت رویارویی مستقیم نداشته اند. روشن است که در این احتمال، ضمیر فاعل <یقاتلون> تنها به یهودیان بازگردد; نه آنان و منافقان (چنان که در برداشت قبل آمده است).

۳ - وجود زمینه های نگرانی برای مسلمانان از همدستی جامعه یهود علیه آنان (پس از غزوه بنی نضیر)

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه

از این که خداونـد، همـدستی کافران در نبرد و رویارویی با مؤمنان را نفی کرده است; چنین احتمال می رود که نگرانی هایی در میان مسلمانان وجود داشته است.

۶ -

ابّهت و هیمنه مسلمانان (پس از غزوه بنی نضیر) ، مانع از اقدام جبهه کفر و نفاق به نبردی رویاروی با آنان

لأنتم أشدّ رهبه فی صدورهم . .. لایقتلونکم جمیعًا إلاّفی قرًی محصّنه

بسیج عمومی در غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۶

۶ - نخستین بسیج دفاعی مسلمانان در برابر یهودیان ، منتهی به شکست و تبعید یهود بنی نضیر شد .

هو الذی أخرج الذین کفروا . .. لأوّل الحشر

<حشر>، به معنای بیرون آوردن جماعت از مقر و گسیل داشتن آنان به جنگ نیز می باشد. بنابراین معنا <الحشر> در آیه شریفه، نظر به تجمع مسلمانان در برابر توطئه های بنی نضیر دارد.

پیشگویی غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۴

۴ - خبر دادن خداوند ، از وجود رویارویی مجدّد مسلمانان و یهود (پس از غزوه بنی نضیر)

أخرج الذین کفروا . .. لأوّل الحشر

قید <لأوّل. ..> این پیام را در بر دارد که برای این تجمع و برخورد، موارد دیگری نیز هست.

طمع به غنایم غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۹

۹ - چشمداشت برخی از مسلمانان ، به داشتن سهمی در غنایم به دست آمده از بنی نضیر *

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم فما أوجفتم علیه . .. و لکنّ اللّه یسلّط رسله

بیان این نکته که شما مسلمانان، اسب تازی در این جنگ نداشتید و این خدا بود که

این پیروزی را فراهم ساخت، می تواند پاسخی برای انتظارات مسلمین در تقسیم غنایم میانشان باشد.

غنایم غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱،۲،۳

۱ - غنایم غزوه بنی نضیر ، موهبت الهی به پیامبر (ص)

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم

آیه شریفه در ادامه مسائل غزوه بنی نضیر است.

۲ - برجای ماندن اموال و امکانات بنی نضیر ، پس از تبعید آنان از مدینه

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم

۳ - دستیابی مسلمانان به غنایم و امکانات بنی نضیر ، بدون جنگ و درگیری

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم فما أوجفتم علیه من خیل و لا رکاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۲

۲ - حکم < فیء > شامل همه غنایم به دست آمده بدون جنگ و نبرد ، و غیر مختص به غنیمت های بنی نضیر

ما أفاء اللّه علی رسوله من أهل القری

جمع آمدن واژه <قری>، می رساند که حکم <فیء> اختصاص به غنایم بنی نضیر ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۲

۲ - برخورداری برخی از انصار ، از غنایم بنی نضیر

و الذین تبوّءو الدار

در صورتی که <والـذین تبوّءو. ..> عطف بر <المهـاجرین> باشـد، از آیه اسـتفاده می شود که علاوه بر مهاجران; برخی از انصار نیز سهمی از غنایم بنی نضیر بردند.

قصه غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۵ - ۲

- ۲

قطع بعضی از نخل ها و بر جای نهادن برخی دیگر در غزوه بنی نضیر از سوی مسلمانان ، به اجازه خداوند بود .

ما قطعتم من لینه أو ترکتموها قائمه علی أصولها فبإذن اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۶ – ۳

۳ – دستیابی مسلمانان به غنایم و امکانات بنی نضیر ، بدون جنگ و درگیری

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم فما أوجفتم علیه من خیل و لا رکاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۲ – ۳

۳ – موضع مسلمانان در مقطع غزوه بنی نضیر ، موضعی برتر نسبت به یهود

لئن أُخرجتم . .. و إن قوتلتم ... لئن أُخرجوا ... و لئن قوتلوا

در این آیات، همواره از موضع آسیب پذیر یهود، سخن به میان آمده است; زیرا مسأله اخراج و جنگ نه از سوی ایشان بلکه علیه آنان یاد شده است. پس معلوم می شود که آنها در موضعی نبوده اند که بخواهند اقدام به جنگ کنند.

مسلمانان در غزوه بنی نضیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۲ – ۳

۳ – موضع مسلمانان در مقطع غزوه بنی نضیر ، موضعی برتر نسبت به یهود

لئن أُخرجتم . .. و إن قوتلتم ... لئن أُخرجوا ... و لئن قوتلوا

در این آیات، همواره از موضع آسیب پذیر یهود، سخن به میان آمده است; زیرا مسأله اخراج و جنگ نه از سوی ایشان بلکه علیه آنان یاد شده است. پس معلوم می شود که آنها در موضعی نبوده اند که

بخواهند اقدام به جنگ کنند.

منشأ پیروزی غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۱،۱۳

۱۱ - تسلط و غلبه پیامبر (ص) بر یهود بنی نضیر ، معلول اراده و عنایت خداوند بود ; نه صرفاً تلاش مسلمانان .

فما أوجفتم علیه . .. و لکنّ اللّه یسلّط رسله علی من یشاء

۱۳ - فتح دژ های مستحکم و استوار یهود بنی نضیر بدون جنگ و درگیری ، نمودی عینی از قدرت نامحدود الهی است .

هو الذی أخرج الذین کفروا . .. و ظنّوا أنّهم مانعتهم حصونهم ... و اللّه علی کلّ ش

منشأ غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۵ - ۳

۳ - حرکت های مسلمانان در مقابله با یهود بنی نضیر ، به اذن و رهنمود الهی بود .

ما قطعتم . .. فبإذن اللّه

با توجه به الغای خصوصیت از مورد، مطلب یاد شده به دست می آید.

نقش غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۵

۵ - غزوه بنی نضیر ، اولین برخورد گروهی یهودیان مدینه با پیامبر (ص) و مسلمانان *

أخرج الذین کفروا . .. لأوّل الحشر

از تعبیر <أوّل الحشر> می توان استفاده کرد که <غزوه بنی نضیر>، اولین دسته بندی گروهی یهودیان مدینه، علیه

پیامبر(ص) بوده است.

غزوه تبوک

آثار پیروزی در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۴

۱۴ تحکیم بیشتر پایه های

حاکمیت دین در جزیره العرب ، در پرتو جهاد و پیروزی مؤمنان در جنگ تبوک

یعتذرون إلیکم إذا رجعتم إلیهم

با توجه به اینکه این آیات در زمینه جنگ تبوک است که به پیروزی مسلمانان انجامید و از اینکه خداوند می فرماید پس از بازگشت از این جنگ پیروز، متخلفان به عذرخواهی روی خواهند آورد می توان گفت که این نبود مگر به خاطر ذلت و ضعفی که در خود احساس می کردند و قدرتی که در مؤمنان می دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۲

۲ قرار گرفتن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در موضع ضعف و ذلت ، پس از بازگشت پیروزمندانه مؤمنان از جهاد

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم

آثار تخلف از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۳

۳ تنگ شدن عرصه زندگی بر سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک ، در اثر رو به رو شدن با پیامد های عمل خطایی که کرده بودند .

حتی اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

آثار سختی بر متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۹

۹ تنگ شدن عرصه زندگی بر متخلفان جنگ تبوک ، زمینه التجای آنان به خداوند

حتی اذا ضاقت علیهم الأرض . .. و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

آثار سختی غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۲

۲ دورنمای مشقت

آمیز و به دور از منافع مادی جنگ تبوک ، در نظر برخی از مسلمانان صدر اسلام ، عامل امتناع آنان از حضور در جنگ

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۷ – ۷

۷ تنگنا های جنگ تبوک ، مایه تزلزل قلب برخی از مسلمانان شده بود .

فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

آثار غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۸ – ۶

۶ جنگ تبوک ، از عوامل متمایز شدن صف مجاهدان و مؤمنان راستین از صف منافقان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف . .. لکن الرسول ... جهدوا

<جاهدوا> (به صورت فعل ماضی) به عنوان گزارش از جنگی است که مسلمانان پشت سر گذاشته اند که مفسران آن را جنگ تبوک دانسته اند و خداوند، پس از این جنگ است که چهره منافقان را افشا می کند.

آسایش طلبی متخلفان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۲ – ۱

۱ افشاگری خداوند نسبت به روحیه مادی و آسایش طلب متخلفان از جنگ تبوک

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک

آمرزش متخلفان غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۲

۲ شمول رحمت و غفران الهی ، نسبت به سه نفر از مسلمانان متخلف از جنگ تبوک

لقد تاب اللّه علی النبی . .. و علی الثلثه الذین

خلّفوا

احکام منافقان پس از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱

۱ نهى شدن پيامبر (ص) براى هميشه ، از نمازگزاردن بر جنازه منافقان و دعا كردن براى آنها بعد از جنگ تبوک

و لاتصل على أحد منهم مات أبداً

احکام منافقان قبل از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۲

۲ ممنوع نبودن پيامبر (ص) از نمازگزاردن بر جنازه منافقان و حضور يافتن بر قبر آنها ، تا قبل از جنگ تبوک

و لاتصل على أحد منهم مات

با توجه به سياق آيات، كه پس از جنگ تبوک نازل شده است، برداشت فوق به دست مى آيد.

استعاذه متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۶،۹

۶ اذعان متخلفان از جنگ تبوک ، به ناگزيرى خود از التجا به خداوند

و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إليه

۹ تنگ شدن عرصه زندگى بر متخلفان جنگ تبوک ، زمينه التجاى آنان به خداوند

حتى اذا ضاقت عليهم الأرض . .. و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إليه

افساد متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۱،۶،۱۲

۱ متخلفان جنگ تبوک (منافقان) ، در صورت شرکت در آن ، جز فساد و تباهی به بار نمی آوردند .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا

<خبال> به معنای فساد و تباهی است; یعنی،

اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند برای شما چیزی جز فساد و تباهی نمی افزودند.

۶ متخلفان جنگ تبوک در صورت شرکت در آن جنگ ، جز نفوذ در میان صفوف لشکر اسلام به منظور فتنه جویی ، نقشی دیگر نداشتند .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

۱۲ ماهیت فسادانگیز و فتنه جویانه متخلفان جنگ تبوک ، دلیل کراهت و ناخوشایندی خداوند از شرکت آنان در جنگ

و لکن کره اللّه انبعاثهم . .. لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا ... یبغونکم الفت

اقرار متخلفان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۲ – ۱

۱ اعتراف برخی از گنهکاران و متخلفان از جنگ تبوک به زشتی عمل خویش

و ءاخرون اعترفوا بذنوبهم

با توجه به اینکه فرازهای پیشین، مربوط به جنگ تبوک و تخلف عده ای از شرکت در آن جنگ است می توان گفت که این آیه نیز مربوط به برخی از همان متخلفان می باشد.

اقرار متخلفان غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۸ – ۶

۶ اذعان متخلفان از جنگ تبوک ، به ناگزیری خود از التجا به خداوند

و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

اندوه معذوران غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۲ – ۷

۷ اندوه و گریه شدید مؤمنان تهیدست ، به خاطر ناتوانی از شرکت در جنگ تبوک و محروم شدن از فیض جهاد

و أعینهم تفیض من الدمع حزناً

انزوای

اجتماعی متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۴

۴ تحریم ارتباط با متخلفان از جنگ تبوک و انزوای اجتماعی آنان از سوی مسلمانان

ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

با توجه به شأن نزول که تنگ شدن زندگی بر متخلفان از جنگ تبوک را، ناشی از قطع رابطه مسلمانان با ایشان معرفی کرده است، مطلب فوق استفاده می شود.

انصار در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۶

۶ نیرو های رزمی جنگ تبوک ، متشکل از مهاجر و انصار

المهجرین و الانصار الذین اتبعوه فی ساعه العسره

انفاق متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۳ - ۱

۱ آمادگی برخی از متخلفان جنگ تبوک ، برای انفاق مال به جای رفتن به جهاد

قل أنفقوا طوعاً

در شأن نزول این آیه آورده اند که: فردی از منافقان پیشنهاد پرداخت پول به جای رفتن به جهاد را کرده بود.

اوّلین تخلف متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۴

۱۴ وقوع اولين تخلف منافقان از جهاد در جنگ تبوك *

رضيتم بالقعود أول مرّه

برداشت فوق مبتنى بر اين احتمال است كه تخلف منافقان در جنگ تبوك، اولين تخلف آنان بوده و <أول مرّه> ناظر به اين معنا باشد.

برخورد با متخلفان غزوه تبوك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱،۴

۱ سوگند دروغ

منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سيحلفون باللّه لكم إذا انقلبتم إليهم لتعرضوا عنهم

۴ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در معرض انتقاد و حمله و تعرض مؤمنان بازگشته از جهاد قرار داشتند .

سيحلفون باللّه . .. لتعرضوا

بسیج عمومی در غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۰ – ۲

۲ بسیج عمومی همه مسلمان ها برای شرکت در جنگ تبوک

و جاء المعذّرون من الأعراب

از آن جایی که حتی بادیه نشینان برای عذرخواهی نزد پیامبر(ص) آمدند، بسیج عمومی و وجوب جهاد بر همگان استفاده می شود. گفتنی است که این بخش از آیات چنانکه مفسران گفته اند درباره جنگ تبوک است.

پیروان محمد(ص) در غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۹ – ۱۰

۱۰ پیروان واقعی پیامبر اکرم (ص) در لحظات سخت جنگ تبوک ، از صادقان بودند .

الذين اتبعوه فى ساعه العسره . .. و كونوا مع الصدقين

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در زمینه ثبات قدم برخی از مؤمنان در شداید جنگ تبوک و لغزش گروهی دیگر بود و خداوند متخلفان را در پی توبه شان بخشید اکنون به ایشان رهنمود می دهد که شما نیز همانند مؤمنان، استوار و تزلزل ناپذیر باشید.

پیروزی در غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۴

۱۴ تذکر خداوند به لزوم

غافل نشدن مؤمنان از خطر اعراب کفرپیشه همجوار خویش ، پس از پایان یافتن پیروزمندانه جنگ با دشمنان خارجی (رومیان در جنگ تبوک) *

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

با توجه به اینکه آیات قبل در مورد بازگشت پیروزمندانه مؤمنان از جنگ تبوک است، احتمال دارد که این آیه هشداری به مؤمنان مجاهد باشد که پس از آن پیروزی، احساس امنیت نکنند و توجه کنند که در اطرافشان، بادیه نشینان جاهل و متعصب در کفر نیز، خطری جدی به شمار می روند.

پیروزی مسلمانان در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۹

۹ إخبار خداوند به بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان از جنگ تبوک

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه، قبل از رسیدن مسلمانان به سرزمین تبوک نازل شده باشد که در این صورت، إخبار خداوند به عذرخواهی متخلفان، گویای بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان است.

تخلف متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱

۱ تخلف سه نفر از مسلمانان ، از حضور یافتن در جنگ تبوک

و علی الثلثه الذین خلّفوا

تخلف منافقان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۵

۵ إخبار خداونـد به عزم قطعی برخی افراد (منافقان) بر تخلف از جنگ تبوک (حتی در صورت عـدم دریافت اذن از پیامبر (ص))

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا . .. لم أذنت لهم حتی یتبین

لك الذين صدقوا و ت

از اظهـار نـاتوانی منافقان برای جهاد و تـذکر خداونـد به دروغ بودن این اظهار، اسـتفاده می شود که آنان تصـمیم بر تخلف از جنگ داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱،۲

۱ تخلف منافقان از شرکت در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

این بخش از آیات مربوط به جنگ تبوک و تخلف منافقان از شرکت در آن است.

۲ خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

تداوم تخلف متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۹

۹ إخبـار خداونـد به بی اسـاس بودن عذرتراشـی متخلفـان از جنگ تبوک به دلیل ادامه داشـتن کجروی ها و تخلفات آنان در آینده

قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم . .. و سیری اللّه عملکم

جمله <سیری اللّه . .. > می توانـد بیانگر علت عـدم پذیرش عذر متخلفان باشد ; یعنی، عملکرد خلاف اینان در آینده، خود بهترین گواه بر نادرستی معذرت جویی آنان خواهد بود.

تضمین پیروزی غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۴

۴ تضـمین پیروزی پیامبر (ص) (در جنگ تبوک) از سوی خداونـد ، علی رغم احتمال کوتاهی دیگران در یاری رساندن به آن حضرت

إلا تنصروه فقد نصره اللّه

تلاش متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۶

۶ گروهی

از منافقان متخلف از جنگ تبوک ، ریاکارانه در صدد جبران پیامد خسارتبار ترک جهاد و رسوایی گذشته خویش

فإن رجعک اللّه إلی طائفه منهم فاستئذنوک

توبه متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۲۱

۲۱ تأیید خداوند نسبت به واقعی بودن توبه تائبان متخلف از جنگ تبوک *

خذ من أمولهم . .. و صل علیهم ... و اللّه سمیع علیم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه را با توجه به شأن نزول معنا کنیم که مورد آن توبه متخلفان از جنگ تبوک است. از این رو احتمال می رود صفت <علیم> به این نکته اشاره داشته باشد که خداوند صداقت آنان را در توبه دانسته و بر اساس آن فرمان به اخذ زکات و دعا داده است.

توجیه متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۸

۸ إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

ثروتمندان و غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۲

۲ تلاش برخی از اشراف و توانمندان برای شرکت نکردن در جنگ تبوک ، با کسب مجوز از پیامبر اسلام (ص)

الذین یستئذنونک و هم أغنیاء

جاسوسان منافقان در غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۷ – ۸

۸ منافقان ، دارای جاسوسانی در میان

رزمندگان جنگ تبوک

و فیکم سمعون لهم

<سمّاع> می تواند کنایه از جاسوس باشد; یعنی، در میان شما کسانی هستند که به نفع منافقان خبرچینی می کنند.

دروغگویی متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ علم خداوند به دروغ بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه نبودن تخلفشان

سیحلفون باللّه . .. و اللّه یعلم إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۶ - ۳

۳ فراهم نکردن مقدمات جهاد ، دلیل دروغگویی متخلفان جنگ تبوک و عزم قطعی آنان بر عدم شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

دروغگویی متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۱

۱ سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور جلب رضایت مؤمنان مجاهد

یحلفون لکم لترضوا عنهم

دنیاطلبی متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۲

۲ دورنمـای مشـقت آمیز و به دور از منـافع مادی جنگ تبوک ، در نظر برخی از مسـلمانان صـدر اسـلام ، عامل امتناع آنان از حضور در جنگ

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

ذلت متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۲

۲ قرار گرفتن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در موضع ضعف و ذلت ، پس از بازگشت

پیروزمندانه مؤمنان از جهاد

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم

رد عذر متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۹

۹ إخبار خداوند به بی اساس بودن عذرتراشی متخلفان از جنگ تبوک به دلیل ادامه داشتن کجروی ها و تخلفات آنان در آینده

قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم . .. و سیری اللّه عملکم

جمله <سیری اللّه . .. > می تواند بیانگر علت عدم پذیرش عذر متخلفان باشد ; یعنی، عملکرد خلاف اینان در آینده، خود بهترین گواه بر نادرستی معذرت جویی آنان خواهد بود.

سختی غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۳

۳ پیمودن مسافت مدینه تا تبوک به دلیل دوری راه ، برای برخی افراد (منافقان) دشوار می نمود .

و لکن بعدت علیهم الشقه

<شقه> به معنای سختی و مشقت و کنایه از مسافت است; یعنی، به نظر آنان (منافقان)راه میان مدینه و تبوک راهی طولانی و پیمودن آن طاقت فرساست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۲

۲ جنگ تبوک ، دارای شرایطی دشوار و پرمشقت .

اتبعوه فی ساعه العسره

مراد از <ساعه العسره> به قرینه فرازهای قبل و بعد می تواند غزوه تبوک باشد.

سرزنش متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۵

۵ توبیخ خداوند نسبت به آنان که برای تخلف از جنگ تبوک ، حتی اجازه هم نگرفتند .

و جاء المعذّرون .

.. و قعد الذین کذبوا

از تقابل <قعد . .. > با <جاء المعذّرون> استفاده می شود که: گروه دوم، متخلفانی هستند که بدون هیچ عذر و بهانه ای و بدون اجازه خواستن از شرکت در جنگ امتناع ورزیدند.

سرزنش متخلفان غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۴

۴ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در معرض انتقاد و حمله و تعرض مؤمنان بازگشته از جهاد قرار داشتند .

سیحلفون باللّه . .. لتعرضوا

سرگردانی متخلفان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۵ – ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، گروهی بی ایمان ، سرگردان و گرفتار تردید و اضطراب بودند .

و ارتابت قلوبهم فهم فی ریبهم یترددون

سرور متخلفان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۲

۲ خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

سوگند متخلفان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۸،۱۱،۱۲

۸ إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

۱۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سیحلفون باللّه . .. یهلکون أنفسهم

۱۲ علم خداوند به دروغ

بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه نبودن تخلفشان

سيحلفون باللّه . .. و اللّه يعلم إنهم لكذبون

سوگند متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱

۱ سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سيحلفون باللّه لكم إذا انقلبتم إليهم لتعرضوا عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۱

۱ سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور جلب رضايت مؤمنان مجاهد

يحلفون لكم لترضوا عنهم

شرکت در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوک ، برانگيزنده خشم کافران بود .

و لا يطئون موطئاً يغيظ الكفار

با توجه به اينكه اين بخش از آيات در مورد جنگ تبوک است، برداشت فوق استفاده می شود.

صداقت تائبان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۲۱

۲۱ تأیید خداوند نسبت به واقعی بودن توبه تائبان متخلف از جنگ تبوک *

خذ من أمولهم . .. و صل علیهم ... و اللّه سمیع علیم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه را با توجه به شأن نزول معنا کنیم که مورد آن توبه متخلفان از جنگ تبوک است. از این رو احتمال می رود صفت <علیم> به این نکته اشاره داشته باشد که خداوند صداقت آنان را در توبه دانسته و بر

اساس آن فرمان به اخذ زكات و دعا داده است.

ظلم متخلفان از غزوه تبوك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ متخلفان جنگ تبوك ، مردمى ستم پيشه

لو خرجوا . .. و اللّه عليم بالظلمين

عذاب وجدان متخلفان غزوه تبوك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۵

۵ گرفتار شدن سه مسلمان متخلف از جنگ تبوك به عذاب وجدان

و ضاقت عليهم أنفسهم

عذرخواهى متخلفان غزوه تبوك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱،۲

۱ إخبار خداوند از اقدام توانمندان متخلف از جهاد ، به عذرتراشى پس از بازگشت مؤمنان از جنگ تبوك

يعتذرون إليكم إذا رجعتم إليهم

۲ مؤمنان صدر اسلام ، مأمور دست رد زدن بر سينه توانمندان متخلف از جنگ تبوك و بى اثر شمردن عذرتراشى آنان

قل لا تعتذروا لن نؤمن لكم

عفو از متخلفان غزوه تبوك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱

۱ سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم إلیهم لتعرضوا عنهم

علایق معذوران غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۶

۶ محروم شدن برخی از رزمندگان داوطلب ، از شرکت در جنگ تبوک ، به خاطر نداشتن امکانات رزمی (مرکب و . . .) علی رغم

اشتیاق شدید آنان به جهاد

تولوا و أعینهم تفیض من الدمع حزناً ألا یجدوا ما ینفقون

عوامل تخلف از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۲

۲ دورنمای مشقت آمیز و به دور از منافع مادی جنگ تبوک ، در نظر برخی از مسلمانان صدر اسلام ، عامل امتناع آنان از حضور در جنگ

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

غزوه تبوک در گرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ وقوع جنگ تبوک در شدت گرما

لاتنفروا فی الحر

فرجام متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۱

۱ گروهی از متخلفان جنگ تبوک ، دارای سرنوشتی مبهم از جهت پذیرش و عدم پذیرش توبه آنان از جانب خداوند

و ءاخرون . .. إما یعذبهم و إما یتوب علیهم

در آیات گذشته از دو گروه از متخلفان جنگ یاد شده است. ۱ گروهی خائن با گناهی غیر قابل بخشش ; ۲ گروهی خطارکار و حقیقه نادم که خداوند به آنان وعده غفران داد و اکنون در این آیه سخن از گروه سوم است که به دلیل سنگینی گناه یا تأخیر و کوتاهی در اعتراف و ... سرنوشتی مبهم دارند.

قبول توبه متخلفان غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۸ – ۱۲

۱۲ پذیرش توبه سه مسلمان متخلف جنگ تبوک ، از سوی خداوند

و علی

الثلثه الذین خلّفوا . .. ثم تاب علیهم لیتوبوا إن اللّه هو التواب

قصه غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۴

۴ بروز نوعی سستی میان گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، برای رفتن به جنگ تبوک

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا . .. اثّاقلتم إلی الأرض

این بخش از آیات، چنانکه برخی از مفسران گفته اند، مربوط به جنگ تبوک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۳۸،۹

۳ پیمودن مسافت مدینه تا تبوک به دلیل دوری راه ، برای برخی افراد (منافقان) دشوار می نمود .

و لکن بعدت علیهم الشقه

<شقه> به معنای سختی و مشقت و کنایه از مسافت است; یعنی، به نظر آنان (منافقان)راه میان مدینه و تبوک راهی طولانی و پیمودن آن طاقت فرساست.

۸ إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

۹ إخبار خداوند به بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان از جنگ تبوک

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه، قبل از رسیدن مسلمانان به سرزمین تبوک نازل شده باشد که در این صورت، إخبار خداوند به عذرخواهی متخلفان، گویای بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۲

۲ متخلفان از جنگ تبوک ، گروهی بی ایمان بودند .

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم . ..

لایستئذنک الذین یؤمنون باللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برخوردار از امکانات لازم برای شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۲ تصمیم قطعی متخلفان جنگ تبوک بر ترک جهاد

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۳ فراهم نکردن مقدمات جهاد ، دلیل دروغگویی متخلفان جنگ تبوک و عزم قطعی آنان بر عدم شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۴ کراهت و ناخوشایندی خداوند ، از برانگیختن و موفق ساختن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برای شرکت در آن

و لکن کره اللّه انبعاثهم فثبطهم و قیل اقعدوا مع القعدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۶،۸،۱۲،۱۴

۶ متخلفان جنگ تبوک در صورت شرکت در آن جنگ ، جز نفوذ در میان صفوف لشکر اسلام به منظور فتنه جویی ، نقشی دیگر نداشتند .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

۸ منافقان ، دارای جاسوسانی در میان رزمندگان جنگ تبوک

و فیکم سمعون لهم

<سمّاع> می تواند کنایه از جاسوس باشد; یعنی، در میان شما کسانی هستند که به نفع منافقان خبرچینی می کنند.

۱۲ ماهیت فسادانگیز و فتنه جویانه متخلفان جنگ تبوک ، دلیل کراهت و ناخوشایندی خداوند از شرکت آنان در جنگ

و لكن كره اللّه انبعاثهم . .. لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا ... يبغونكم الفت

۱۴ دلداری خداوند به مؤمنان ، به منظور رفع نگرانی آنان ، به دنبال تخلف كردن

گروهی از شرکت در جنگ تبوک

إنما یستئذنک الذین لایؤمنون . .. لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا ... و اللّه ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۴

۴ ناتوانی متخلفان جنگ تبوک (منافقان) در به شکست کشانیدن جبهه اسلام

لقد ابتغوا الفتنه من قبل . .. حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱

۱ اذن طلبی برخی منافقان برای نرفتن به جنگ تبوک ، به بهانه گرفتار شدن به فتنه و گناه

و منهم من یقول ائذن لی و لاتفتنی

در شأن نزول آیه آورده اند که: یکی از منافقان به پیامبر اکرم (ص) گفت: <یا رسول اللّه ائذن لی و لاتفتنی ببنات الأصغر فإنی أخاف أن أفتتن بهن>; یعنی، ای رسول خدا! به من اذن بده تا در جنگ شرکت نکنم . .. چون، می ترسم مفتون دخترکان رومی گردم و به گناه بیفتم. (مجمع البیان، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۳ - ۱

۱ آمادگی برخی از متخلفان جنگ تبوک ، برای انفاق مال به جای رفتن به جهاد

قل أنفقوا طوعاً

در شأن نزول این آیه آورده اند که: فردی از منافقان پیشنهاد پرداخت پول به جای رفتن به جهاد را کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱،۲،۹،۱۰

۱ تخلف منافقان از شرکت در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول

اللّه

این بخش از آیات مربوط به جنگ تبوک و تخلف منافقان از شرکت در آن است.

۲ خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

۹ اخلالگری منافقان صدر اسلام ، در بسیج برای جنگ تبوک

لاتنفروا فی الحر

۱۰ وقوع جنگ تبوک در شدت گرما

لاتنفروا فی الحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۲،۱۴

۲ شرکت پیامبر (ص) در جنگ تبوک و خروج آن حضرت از مدینه همراه مجاهدان

فإن رجعک اللّه

۱۴ وقوع اولین تخلف منافقان از جهاد در جنگ تبوک *

رضیتم بالقعود أول مرّه

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که تخلف منافقان در جنگ تبوک، اولین تخلف آنان بوده و <أول مرّه> ناظر به این معنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۶

۶ جنگ تبوک ، از عوامل متمایز شدن صف مجاهدان و مؤمنان راستین از صف منافقان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف . .. لکن الرسول ... جهدوا

<جاهدوا> (به صورت فعل ماضی) به عنوان گزارش از جنگی است که مسلمانان پشت سر گذاشته اند که مفسران آن را جنگ تبوک دانسته اند و خداوند، پس از این جنگ است که چهره منافقان را افشا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۲

۲ بسیج عمومی همه مسلمان ها برای شرکت در جنگ تبوک

و جاء المعذّرون من الأعراب

از آن جایی که حتی بادیه نشینان برای عذرخواهی نزد پیامبر(ص) آمدند، بسیج عمومی

و وجوب جهاد بر همگان استفاده می شود. گفتنی است که این بخش از آیات چنانکه مفسران گفته اند درباره جنگ تبوک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۴،۶

۴ محدودیت امکانات پیامبر (ص) در جنگ تبوک ، برای تأمین ساز و برگ رزمندگان داوطلب

قلت لا أجد ما أحملکم علیه

۶ محروم شدن برخی از رزمندگان داوطلب ، از شرکت در جنگ تبوک ، به خاطر نداشتن امکانات رزمی (مرکب و . . .) علی رغم اشتیاق شدید آنان به جهاد

تولوا و أعینهم تفیض من الدمع حزناً ألا یجدوا ما ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۶،۷

۶ نیرو های رزمی جنگ تبوک ، متشکل از مهاجر و انصار

المهجرین و الانصار الذین اتبعوه فی ساعه العسره

۷ تنگنا های جنگ تبوک ، مایه تزلزل قلب برخی از مسلمانان شده بود .

فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۲

۱ تخلف سه نفر از مسلمانان ، از حضور یافتن در جنگ تبوک

و علی الثلثه الذین خلّفوا

۲ شمول رحمت و غفران الهی ، نسبت به سه نفر از مسلمانان متخلف از جنگ تبوک

لقد تاب اللّه علی النبی . .. و علی الثلثه الذین خلّفوا

۳ تنگ شدن عرصه زندگی بر سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک ، در اثر رو به رو شدن با پیامد های عمل خطایی

که کرده بودند .

حتی اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

۴ تحریم ارتباط با متخلفان از جنگ تبوک و انزوای اجتماعی آنان از سوی مسلمانان

ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

با توجه به شأن نزول که تنگ شدن زندگی بر متخلفان از جنگ تبوک را، ناشی از قطع رابطه مسلمانان با ایشان معرفی کرده است، مطلب فوق استفاده می شود.

۵ گرفتار شدن سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک به عذاب وجدان

و ضاقت علیهم أنفسهم

۶ اذعان متخلفان از جنگ تبوک ، به ناگزیری خود از التجا به خداوند

و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

۱۲ پذیرش توبه سه مسلمان متخلف جنگ تبوک ، از سوی خداوند

و علی الثلثه الذین خلّفوا . .. ثم تاب علیهم لیتوبوا إن اللّه هو التواب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۹ – ۱۰

۱۰ پیروان واقعی پیامبر اکرم (ص) در لحظات سخت جنگ تبوک ، از صادقان بودند .

الذین اتبعوه فی ساعه العسره . .. و کونوا مع الصدقین

بـا توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در زمینه ثبات قـدم برخی از مؤمنان در شدایـد جنگ تبوک و لغزش گروهی دیگر بود و خداوند متخلفان را در پی توبه شان بخشـید اکنون به ایشان رهنمود می دهد که شـما نیز همانند مؤمنان، اسـتوار و تزلزل ناپذیر باشید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوک ، برانگیزنده خشم کافران بود .

و لا یطئون موطئاً یغیظ الکفار

با توجه به

اینکه این بخش از آیات در مورد جنگ تبوک است، برداشت فوق استفاده می شود.

کفر متخلفان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۴ – ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک ، به ظاهر مسلمان ولی در باطن کافر به خدا و رسول او بودند .

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم کفروا باللّه و برسوله

روی سخن در این بخش از آیات با کسانی است که از شرکت در جنگ تبوک سرباز زده بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۴ – ۱۱

۱۱ حکم صریح خداوند به کفر منافقان متخلف از جنگ تبوک

إنهم کفروا باللّه و رسوله

کیفر متخلفان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۰ – ۹

۹ عذاب دردناک ، کیفر سخت متخلفان جنگ

سیصیب الذین . .. عذاب ألیم

گریه معذوران غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۲ – ۷

۷ اندوه و گریه شدید مؤمنان تهیدست ، به خاطر ناتوانی از شرکت در جنگ تبوک و محروم شدن از فیض جهاد

و أعينهم تفيض من الدمع حزناً

متخلفان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۳ – ۱،۴،۵

۱ عتاب محبت آمیز خدا به پیامبر (ص) در پی اجازه دادن آن حضرت به برخی از مسلمانان (منافقان) برای شرکت نکردن در جنگ تبوک ، به مجرد

اظهار ناتوانی آنان

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم

۴ گذشت و عفو خداوند از پیامبر (ص) نسبت به اذن دادن به بهانه جویان (منافقان) برای نرفتن به جنگ تبوک

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم

۵ إخبار خداونـد به عزم قطعی برخی افراد (منافقان) بر تخلف از جنگ تبوک (حتی در صورت عـدم دریافت اذن از پیامبر (ص))

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا . .. لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا و ت

از اظهـار نـاتوانی منافقان برای جهاد و تـذکر خداونـد به دروغ بودن این اظهار، اسـتفاده می شود که آنان تصـمیم بر تخلف از جنگ داشته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۴ – ۲

۲ متخلفان از جنگ تبوک ، گروهی بی ایمان بودند .

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم . .. لایستئذنک الذین یؤمنون باللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۵ – ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، گروهی بی ایمان ، سرگردان و گرفتار تردید و اضطراب بودند .

و ارتابت قلوبهم فهم فی ریبهم یترددون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۶ – ۱،۲،۴

۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برخوردار از امکانات لازم برای شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۲ تصمیم قطعی متخلفان جنگ تبوک بر ترک جهاد

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۴ کراهت و ناخوشایندی خداوند ، از برانگیختن و

موفق ساختن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برای شرکت در آن

و لکن کره اللّه انبعاثهم فثبطهم و قیل اقعدوا مع القعدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۲،۱۴

۲ عدم شرکت بی ایمان ها و سست باوران (منافقان) در جنگ تبوک ، به خیر و صلاح مؤمنان بود نه مایه ضرر آنان .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا

۱۴ دلداری خداوند به مؤمنان ، به منظور رفع نگرانی آنان ، به دنبال تخلف کردن گروهی از شرکت در جنگ تبوک

إنما یستئذنک الذین لایؤمنون . .. لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا ... و اللّه ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۴

۴ ناتوانی متخلفان جنگ تبوک (منافقان) در به شکست کشانیدن جبهه اسلام

لقد ابتغوا الفتنه من قبل . .. حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱

۱ تخلف منافقان از شرکت در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

این بخش از آیات مربوط به جنگ تبوک و تخلف منافقان از شرکت در آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ افشای کامل چهره منافقان و اتخاذ مواضع شدید علیه آنان ، از تبعات تخلف آنان از جنگ تبوک

و لاتصل على أحد منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - توبه -

۹ - ۱۱۸ - ۲۱

۲۱ < عن علی بن ابی حمزه عن ابی عبداللّه (ع) قال : سئلته عن قول اللّه < و علی الثلاثه الذین خلّفوا > قال : کعب و مراره بن الربیع و هلال بن امیّه . . . > ;

علی بن ابی حمزه گوید: از امام صادق (ع) درباره قول خدا <و علی الثلاثه . .. > پرسیدم: این سه نفر چه کسانی هستند، فرمود: کعب، مراره بن ربیع و هلال بن امیّه>.

متخلفان غزوه تبوک و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۲

۲ تلاش برخی از اشراف و توانمندان برای شرکت نکردن در جنگ تبوک ، با کسب مجوز از پیامبر اسلام (ص)

الذین یستئذنونک و هم أغنیاء

متخلفان غزوه تبوک و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱

۱ سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم إلیهم لتعرضوا عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۱

۱ سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور جلب رضایت مؤمنان مجاهد

یحلفون لکم لترضوا عنهم

مجاهدان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۶

۶ نیرو های رزمی جنگ تبوک ، متشکل از مهاجر و انصار

المهجرین و الانصار الذین اتبعوه فی ساعه العسره

مجاهدان فقیر

و غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۶

۶ محروم شـدن برخی از رزمنـدگان داوطلب ، از شـرکت در جنگ تبوک ، به خاطر نداشـتن امکانات رزمی (مرکب و . . .) علی رغم اشتیاق شدید آنان به جهاد

تولوا و أعینهم تفیض من الدمع حزناً ألا یجدوا ما ینفقون

محدودیت تدارکات جنگی غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۴

۴ محدودیت امکانات پیامبر (ص) در جنگ تبوک ، برای تأمین ساز و برگ رزمندگان داوطلب

قلت لا أجد ما أحملکم علیه

محرومیت از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۷

۷ اندوه و گریه شدید مؤمنان تهیدست ، به خاطر ناتوانی از شرکت در جنگ تبوک و محروم شدن از فیض جهاد

و أعینهم تفیض من الدمع حزناً

محمد(ص) در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۲

۲ شرکت پیامبر (ص) در جنگ تبوک و خروج آن حضرت از مدینه همراه مجاهدان

فإن رجعك اللّه

محمد(ص) و غزوه تبوك

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۲ – ۴

۴ محدودیت امکانات پیامبر (ص) در جنگ تبوک ، برای تأمین ساز و برگ رزمندگان داوطلب

قلت لا أجد ما أحملکم علیه

محمد(ص) و منافقان غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ –

توبه - ۹ - ۴۳ - ۱

۱ عتاب محبت آمیز خدا به پیامبر (ص) در پی اجازه دادن آن حضرت به برخی از مسلمانان (منافقان) برای شرکت نکردن در جنگ تبوک ، به مجرد اظهار ناتوانی آنان

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم

مسلمانان و متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۴

۴ تحریم ارتباط با متخلفان از جنگ تبوک و انزوای اجتماعی آنان از سوی مسلمانان

ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

با توجه به شأن نزول که تنگ شدن زندگی بر متخلفان از جنگ تبوک را، ناشی از قطع رابطه مسلمانان با ایشان معرفی کرده است، مطلب فوق استفاده می شود.

منافقان پس از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۱

۱ منافقان (پس از جنگ تبوک) ، در صورت یافتن پناهگاه یا غار و یا روزنی در زمین ، حاضر به گریختن سریع از جامعه اسلامی بودند .

لو یجدون ملجئاً أو مغرت أو مدّخلا لولّوا إلیه

<ملجأ> به معنای پناهگاه است و <مغارات> جمع <مغاره> یعنی شکافهای کوه و <مدّخل> به روزنه و منفذی گفته می شود که بتوان در آن پنهان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۴

۴ پیامبر (ص) مأمور افشای چهره منافقان و اعلام عدم حضور قطعی آنان با او در هیچ جنگی پس از جنگ تبوک

فقل لن تخرجوا معی أبداً و لن تقتلوا معی

منافقان و غزوه

تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۳

۳ پیمودن مسافت مدینه تا تبوک به دلیل دوری راه ، برای برخی افراد (منافقان) دشوار می نمود .

و لکن بعدت علیهم الشقه

<شقه> به معنای سختی و مشقت و کنایه از مسافت است؛ یعنی، به نظر آنان (منافقان)راه میان مدینه و تبوک راهی طولانی و پیمودن آن طاقت فرساست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۲

۲ اجازه گرفتن بهانه جویان (منافقان) از پیامبر (ص) ، برای شرکت نکردن در جنگ تبوک با اظهار دروغین عجز و ناتوانی خود

لم أذنت لهم حتی یتبین لک

مقصود از <اذن> در آیه فوق به قرینه آیه قبل (لو استطعنا . ..) و شأن نزولها اذن دادن به کسانی است که از شرکت در جهاد، خود را معذور می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۶ - ۴

۴ کراهت و ناخوشایندی خداوند ، از برانگیختن و موفق ساختن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برای شرکت در آن

و لکن کره اللّه انبعاثهم فثبطهم و قیل اقعدوا مع القعدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۱،۲

۱ متخلفان جنگ تبوک (منافقان) ، در صورت شرکت در آن ، جز فساد و تباهی به بار نمی آوردند .

لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا

<خبال> به معنای فساد و تباهی است; یعنی، اگر منافقان

برای جنگ بیرون می آمدند برای شما چیزی جز فساد و تباهی نمی افزودند.

۲ عدم شرکت بی ایمان ها و سست باوران (منافقان) در جنگ تبوک ، به خیر و صلاح مؤمنان بود نه مایه ضرر آنان .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۴

۴ ناتوانی متخلفان جنگ تبوک (منافقان) در به شکست کشانیدن جبهه اسلام

لقد ابتغوا الفتنه من قبل . .. حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱

۱ اذن طلبی برخی منافقان برای نرفتن به جنگ تبوک ، به بهانه گرفتار شدن به فتنه و گناه

و منهم من یقول ائذن لی و لاتفتنی

در شأن نزول آیه آورده اند که: یکی از منافقان به پیامبر اکرم (ص) گفت: <یا رسول اللّه ائذن لی و لاتفتنی ببنات الأصغر فإنی أخاف أن أفتتن بهن>; یعنی، ای رسول خدا! به من اذن بده تا در جنگ شرکت نکنم . .. چون، می ترسم مفتون دخترکان رومی گردم و به گناه بیفتم. (مجمع البیان، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۹

۹ اخلالگری منافقان صدر اسلام ، در بسیج برای جنگ تبوک

لاتنفروا فی الحر

موقعیت اجتماعی متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۳

۳ تنگ شدن عرصه زندگی بر سه مسلمان

متخلف از جنگ تبوک ، در اثر رو به رو شدن با پیامد های عمل خطایی که کرده بودند .

حتی اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

موقعیت جوّی غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۱۰

۱۰ وقوع جنگ تبوک در شدت گرما

لاتنفروا فی الحر

مؤمنان در غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوک ، برانگیزنده خشم کافران بود .

و لا یطئون موطئاً یغیظ الکفار

با توجه به اینکه این بخش از آیات در مورد جنگ تبوک است، برداشت فوق استفاده می شود.

مؤمنان و متخلفان غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۴

۴ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در معرض انتقاد و حمله و تعرض مؤمنان بازگشته از جهاد قرار داشتند .

سیحلفون باللّه . .. لتعرضوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۶ – ۳

۳ ناخشنودی مؤمنان مجاهد از متخلفان جنگ تبوک (منافقان)

یحلفون لکم لترضوا عنهم

مهاجران در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۶

۶ نیرو های رزمی جنگ تبوک ، متشکل از مهاجر و انصار

المهجرین و الانصار الذین اتبعوه فی ساعه العسره

ناخشنودی مجاهدان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۳

۳ ناخشنودی مؤمنان

مجاهد از متخلفان جنگ تبوک (منافقان)

یحلفون لکم لترضوا عنهم

نفاق متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک ، به ظاهر مسلمان ولی در باطن کافر به خدا و رسول او بودند .

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم کفروا باللّه و برسوله

روی سخن در این بخش از آیات با کسانی است که از شرکت در جنگ تبوک سرباز زده بودند.

نقش متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۶

۶ متخلفان جنگ تبوک در صورت شرکت در آن جنگ ، جز نفوذ در میان صفوف لشکر اسلام به منظور فتنه جویی ، نقشی دیگر نداشتند .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

هلاکت متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سیحلفون باللّه . .. یهلکون أنفسهم

غزوه حمراءالاسد

{غزوه حمراءالاسد}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۱۵،۱۶

۱۵ امیدواری مؤمنان به نصرت الهی و پیروزی در غزوه حمراءالاسد

و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل

اکثر مفسران این آیه و آیات پیشین را درباره غزوه حمراءالاسد می دانند. مشرکان فاتح نبرد احد در راه بازگشت به مکّه از

اینکه کار مسلمانان را یکسره نکردند، پشیمان شدند و آهنگ هجوم به مدینه را داشتند. پیامبر (ص) پس از اطلاع، مسلمانان را برای دفاع تا حمراءالاسد حرکت داد. این غزوه به غزوه حمراءالاسد معروف شد.

۱۶ فزونی نیروی دشمن بر نیروی مسلمانان در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا *

و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل

از اینکه منافقان برای ارعاب مؤمنان کثرت دشمن را به رخ آنان کشیدند (انّ النّاس قد جمعوا لکم)، ولی مسلمانان در جواب به فراوانی نیرو اشاره نکردند و تنها اتکالِ به خداوند را گوشزد کردند، فزونی نیروی دشمن نسبت به نیروهای ایمانی به دست می آید. گفتنی است که آیات مورد بحث در نظر برخی مفسّران درباره غزوه حمراءالاسد و در نظر برخی دیگر درباره بدر صغراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱،۲،۳،۴،۸،۱۱،۱۲،۱۶

۱ بازگشت بدون آسیب مؤمنان از غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا با برخورداری از نعمت و فضل الهی

فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل لم یمسسهم سوء

بنابر اینکه <باء> در <بنعمه>، به معنای مصاحبت، متعلق به محذوف و حال برای فاعل <انقلبوا> باشد. گفتنی است که اکثر مفسران آیات مورد بحث را درباره غزوه حمراءالاسد، و برخی آن آیات را درباره بدر صغرا می دانند.

۲ شمول نعمت و فضل بزرگ الهی بر مؤمنان شرکت کننده در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا ، عامل آسیب ندیدن آنان

فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل لم یمسسهم سوء

در برداشت فوق <باء> در <بنعمه>، سببیّه و متعلق به <انقلبوا>، گرفته شده است.

۳ اجابت مؤمنان به دعوت پیامبر (ص)

برای شرکت در غزوه حمراء الاسد یا بدر صغرا

الّذین استجابوا للّه و الرّسول . .. فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل

۴ واقع نشدن جنگ میان مؤمنان و مشرکان در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا *

فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل لم یمسسهم سوء

ظاهراً <لم یمسسهم سوء>، کنایه از عدم وقوع جنگ است.

۸ کارآمد نبودن تبلیغات سوء و جنگ روانی ، در بازداشتن مؤمنان از شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الّذین قال لهم النّاس . .. فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل

زیرا در عین تبلیغات سوء دشمن، مؤمنان برای شرکتِ در نبرد حرکت کردند.

۱۱ مؤمنان مجاهد همراه پیامبر (ص) (در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا) ، بی اعتنا به تهدید های دشمن و در پی جلب رضایت الهی

انّ النّاس قد جمعوا لکم . .. فانقلبوا ... و اتّبعوا رضوان اللّه

۱۲ تقدیر و تمجید خداوند از مجاهدان شرکت کننده در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

فانقلبوا بنعمه من اللّه . .. و اتّبعوا رضوان اللّه

۱۶ دست یافتن مؤمنان مجاهد به منفعت مالی در غزوه بدر صغرا

فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل

بر اساس شأن نزول نقل شده در تفسیر روح المعانی، مراد از <فضل>، سودی است که مسلمانان با کسب و تجارت در غزوه بدر صغرا به دست آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۰

۱۰ تأثیر شایعات مشرکان و منافقان بر برخی مسلمانان ، به هنگام دعوت رسول خدا (ص) برای شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الّذين قال لهم النّاس انّ النّاس قد

جمعوا لكم . .. ذلكم الشّيطان يخوّف اولياءه

چون شیطان و مشرکان و منافقان در صدد ترسانیدن و بازداشتن همه مؤمنان بوده اند (انّ النّاس قد جمعوا لكم فاخشوهم)، ولی از <یخوّف اولیاءه> استفاده می شود که تنها دوستانش را می ترساند. بنابراین <یخوّف اولیاءه>، حاکی از فعلیّت و تحقق این ترس در عدّه ای از مؤمنان است.

غزوه حنین

آرامش مؤمنان در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۴،۹

۴ نزول آرامش روحی از سوی خداوند بر مؤمنان در جنگ حنین و محرومیت منافقان از آن

ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

با توجه به اینکه در فراز قبل، مؤمنان به وسیله ضمیر <کم> مخاطب قرار گرفتند و در این آیه به جای آن ضمیر، کلمه <مؤمنین> آمده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

۹ جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

امدادهای خدا در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۳

۳ امتنان خداوند بر مؤمنان به خاطر نصرتش به آنان در موارد بسیار از جمله در جنگ حنین

لقد نصرکم اللّه فی مواطن کثیره و یوم حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱

۱ نزول آرامش روحی از جانب خداوند

بر رسول اکرم (ص) و مؤمنان در جنگ حنین ، پس از فرار مسلمانان

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

امدادهای غیبی در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۲

۲ جنگ حنین از عرصه های به یاد ماندنی نصرت خدا و دخالت نیرو های غیبی برای تقویت سپاه اسلام و شکستن مقاومت جبهه دشمن

لقد نصرکم اللّه فی مواطن کثیره و یوم حنین

با اینکه <مواطن کثیره> شامل جنگ <حنین> نیز می شود، ذکر جداگانه آن بویژه با تعبیر <یوم حنین> (روز حنین)، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۹،۵

۵ امداد الهی به مؤمنان در جنگ حنین به وسیله دسته هایی از نیرو های غیبی

و أنزل جنوداً لم تروها

۹ جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

دعوت از فراریان غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۱

۱ خداوند ، گریختگان از میدان کارزار حنین را به توبه و استغفار فراخواند .

ثم ولیتم مدبرین . .. ثم یتوب اللّه من بعد ذلک علی من یشاء

کلمه <ذلک> در <من بعد ذلک> اشاره به فرار مسلمانان از میدان نبرد حنین دارد. اعلام اینکه خدا

توبه فراریان را می پذیرد، فراخوانی آنان به توبه و استغفار از آن خطاست.

ذکر غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۲

۲ جنگ حنین از عرصه های به یاد ماندنی نصرت خدا و دخالت نیرو های غیبی برای تقویت سپاه اسلام و شکستن مقاومت جبهه دشمن

لقد نصرکم اللّه فی مواطن کثیره و یوم حنین

با اینکه <مواطن کثیره> شامل جنگ <حنین> نیز می شود، ذکر جداگانه آن بویژه با تعبیر <یوم حنین> (روز حنین)، بیانگر برداشت فوق است.

سختی غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۷

۷ تنگ شدن عرصه بر مسلمانان در جنگ حنین ، علی رغم کثرت غرورآفرین آنان

إذ أعجبتکم کثرتکم . .. و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت

شکست غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۲

۲ نگرانی پیامبر (ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله

شکست کافران در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۹

۹ جبهه کفر در کـارزار حنین ، در پی فرود آمـدن نیرو هـای غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداونـد ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

عذاب کافران در غزوه حنین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۹

۹ جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

عوامل پیروزی غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۸

۸ امداد های الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان در جنگ حنین

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کف

فرار از غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ فرار مسلمانان در جنگ حنین پس از قرار گرفتن در تنگنای نبرد ، علی رغم کثرت غرورآفرینشان

و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱،۲

۱ نزول آرامش روحی از جانب خداوند بر رسول اکرم (ص) و مؤمنان در جنگ حنین ، پس از فرار مسلمانان

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۲ نگرانی پیامبر (ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله

قصه غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۲،۴،۶،۷،۱۰

۲ جنگ حنین از

عرصه های به یاد ماندنی نصرت خدا و دخالت نیرو های غیبی برای تقویت سپاه اسلام و شکستن مقاومت جبهه دشمن

لقد نصرکم اللّه فی مواطن کثیره و یوم حنین

با اینکه <مواطن کثیره> شامل جنگ <حنین> نیز می شود، ذکر جداگانه آن بویژه با تعبیر <یوم حنین> (روز حنین)، بیانگر برداشت فوق است.

۴ مسلمانان ، در جنگ حنین حضوری گسترده داشتند .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم

۶ کثرت نفرات مسلمانان در جنگ حنین ، کارساز نبود .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

۷ تنگ شدن عرصه بر مسلمانان در جنگ حنین ، علی رغم کثرت غرورآفرین آنان

إذ أعجبتکم کثرتکم . .. و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت

۱۰ فرار مسلمانان در جنگ حنین پس از قرار گرفتن در تنگنای نبرد ، علی رغم کثرت غرورآفرینشان

و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۸

۱ نزول آرامش روحی از جانب خداوند بر رسول اکرم (ص) و مؤمنان در جنگ حنین ، پس از فرار مسلمانان

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۲ نگرانی پیامبر (ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله

۴ نزول آرامش روحی از سوی خداوند بر مؤمنان در جنگ حنین و محرومیت منافقان از آن

ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

با توجه به اینکه در فراز قبل، مؤمنان به وسیله ضمیر <کم> مخاطب قرار گرفتند و در این

آیه به جای آن ضمیر، کلمه <مؤمنین> آمده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

۵ امداد الهی به مؤمنان در جنگ حنین به وسیله دسته هایی از نیرو های غیبی

و أنزل جنوداً لم تروها

۸ امداد های الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان در جنگ حنین

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کف

کافران غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۳

۳ اعلام خداوند به باز بودن راه توبه برای کافران باقی مانده از جنگ حنین

و ذلک جزاء الکفرین. ثم یتوب اللّه من بعد ذلک علی من یشاء

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <علی من یشاء> نظر به کافران مذکور در آیه قبل نیز داشته باشد.

کثرت مجاهدان در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۴،۵،۶

۴ مسلمانان ، در جنگ حنین حضوری گسترده داشتند .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم

۵ حضور گسترده مسلمانان در جنگ حنین ، مایه اعجاب و غرورشان شده بود .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم

۶ کثرت نفرات مسلمانان در جنگ حنین ، کارساز نبود .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

مسلمانان در غزوه حنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۵ – ۷،۱۰

۷ تنگ شدن عرصه بر مسلمانان در جنگ حنین ، علی رغم کثرت غرورآفرین آنان

إذ أعجبتکم کثرتکم . .. و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت

۱۰

فرار مسلمانان در جنگ حنین پس از قرار گرفتن در تنگنای نبرد ، علی رغم کثرت غرورآفرینشان

و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۸

۸ امداد های الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان در جنگ حنین

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کف

منافقان در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۴

۴ نزول آرامش روحی از سوی خداوند بر مؤمنان در جنگ حنین و محرومیت منافقان از آن

ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

با توجه به اینکه در فراز قبل، مؤمنان به وسیله ضمیر <کم> مخاطب قرار گرفتند و در این آیه به جای آن ضمیر، کلمه <مؤمنین> آمده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

نزول آرامش در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱،۴

۱ نزول آرامش روحی از جانب خداوند بر رسول اکرم (ص) و مؤمنان در جنگ حنین ، پس از فرار مسلمانان

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۴ نزول آرامش روحی از سوی خداوند بر مؤمنان در جنگ حنین و محرومیت منافقان از آن

ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

با توجه به اینکه در فراز قبل، مؤمنان به وسیله ضمیر <کم> مخاطب قرار گرفتند و در این آیه به جای آن ضمیر، کلمه <مؤمنین> آمده، می

توان به برداشت فوق دست یافت.

نگرانی محمد (ص) در غزوه حنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۶ – ۲

۲ نگرانی پیامبر (ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله

غزوه خندق

{غزوه خندق}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۶ – ۱۱

۱۱ امیدبخشی خداوند به مسلمانان در مورد آینده ای توأم با اقتدار ، علی رغم شرایط دشوار آنان در جنگ خندق

قل اللّهمَ مالک الملک

در شأن نزول آیه آمده است که پیامبر (ص) به هنگام حفر خندق در نبرد احزاب فرمود: امّت اسلام کاخهای شاهان حیره، ایران، روم و یمن را فتح خواهند کرد.

قصه غزوه خندق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۶ – ۵

۵ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < یقول أهلکت مالاً لبداً > قال : هو عمروبن عبدود حین عرض علیه علی بن أبی طالب (ع) الإسلام یوم الخندق و قال : فأین ما أنفقت فیکم مالاً لبداً و کان أنفق مالاً فی الصدّ عن سبیل اللّه فقتله علی (ع) ;

امام باقر(ع) درباره سخن خداوند<یقول أهلکت مالاً لبداً> روایت شده که فرمود: گوینده این سخن عمرو بن عبدود بود، آن زمان که حضرت علی بن ابی طالب(ع) در روز [غزوه]خندق، اسلام را بر او عرضه کرد; وی گفت: کجا رفت آن اموال

زیادی که در مورد شما خرج کردم؟

و او اموال [زیادی] را در راه جلوگیری از راه خدا صرف کرده بود پس حضرت علی(ع) او را کشت>.

غزوه خیبر

آثار پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۹

۹ - فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و <کفّ. ..> مترتب بر آن می باشد; به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۸

۱۸- فتح خیبر ، پیش درآمدی بر حضور بی دغدغه مسلمانان در < عمره القضا > *

فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

برداشت بالا بدان احتمال است که <فتحاً قریباً> نظر به فتح خیبر داشته باشد; زیرا این فتح، موقعیت مسلمانان را در منطقه تثبیت کرد و در دل مشرکان رعب آفرید; تا پیمان حدیبیه را نشکنند و محیط مکه را برای مسلمانان خالی گذارند که اینان بدونه دغدغه، مراسم عمره به جای آورند.

بشارت پیروزی غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - تحقق نوید الهی به فتح خیبر ، معجزه ای هدایتگر برای مؤمنان

فعجّل لکم هذه . .. و لتکون ءایه للمؤمنین

پیروزی غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۵

۵ - خداوند ، مؤمنان

را به فتوحات و غنایمی علاوه بر فتح خیبر و غنایم آن ، نوید داد .

وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم هذه

در صورتی که <هذه> به فتح خیبر اشاره داشته باشد; واژه <عجّل> می رساند که فتح خیبر، پیش درآمد فتح های دیگر و غنایم فزون تری است.

تشویق به غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۵

۵ - تشویق مسلمانان از سوی خدا ، برای شرکت در جنگ خیبر

إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها

خداوند، حرکت به سوی جنگ خیبر را حرکت به سوی غنایم دریافتی دانسته است و بدین وسیله دو نکته را به مسلمانان یادآور شده است: ۱ پیروزی حتمی، ۲ دستیابی به غنایم. این دو پیام بی تردید در روحیه دادن به سپاه اسلام و تهییج آنان، نقش داشته است.

تهمتهای محرومان از غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - منع شدگان از شرکت در فتح خیبر ، متهم کننده مؤمنان به حسدورزی

فسیقولون بل تحسدوننا

زمان غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - فاصله زمانی نزدیک میان صلح حدیبیه و فتح خبیر

سیقول المخلّفون

با توجه به <سین> در <سیقول> و پیوستگی آیات صلح حدیبیه با جنگ خیبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

زمینه پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ،

نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قریبًا . و مغانم کثیره ... و کان اللّه عزیزًا حکیمًا

از ارتباط <کان اللّه. ..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

غنایم غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳،۴

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

۴ - غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۲

۲ - غنایم سرشار خیبر ، موهبت الهی به پیروزمندان آزمون حدیبیه

یبایعونک . .. و مغانم کثیره یأخذونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴،۵،۷،۲۱

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

۵ - خداوند ، مؤمنان را به فتوحات و غنایمی علاوه بر فتح خیبر و غنایم آن ، نوید داد .

وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم هذه

در صورتی که <هذه> به فتح خیبر اشاره داشته باشد; واژه <عجّل> می رساند که فتح خیبر، پیش درآمد فتح های دیگر و غنایم فزون تری است.

۷ - امتنان الهی بر مؤمنان ، با رساندن ایشان به غنایم خیبر و کوتاه ساختن دست دشمنان از آنان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

۲۱ - < عن علیّ . . . قال : فی قوله تعالی < وعدکم اللّه مغانم کثیره > . . . < تأخذونها > . . . < فعجّل لکم . . . > من ذلک خیبر ;

از علی(ع) . .. روایت شده که درباره قول خدای تعالی <وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم> فرمود: از میان غنایم فراوانی که خداوند به شما وعده داده بود خیبر را زودتر به شما داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه بر غنایم خیبر

و أخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیه قبل در زمینه غنایم خیبر بوده; واژه <أخری> در مقایسه با غنایم خیبر به کار رفته است.

قصه غزوه خیبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۵ – ۲،۴،۶،۷،۹،۱۱

۲ – تمایل متخلّفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم . .. ذرونا نتّبعکم

هدف متخلّفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر <إلی مغانم>، بیانگر نکته اول و <یریدون أن یبدلّوا...> حاکی از نکته دوم است.

۴ – غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

۶ – متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

۷ – اعراب متخلّف از سفر حدیبیه ، درصدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر *

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است; ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر،

می خواستند خود رامؤمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی نمایند.

۹ - فرمان خدا به پیامبر (ص) ، در رد پیشنهاد غایبان از حدیبیه ، برای شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> می تواند اخبار در مقام انشا باشد.

۱۱ - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> ممکن است در مقام انشا نباشد; بلکه اخبار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۹

۹ - نبرد مسلمانان پس از جنگ خیبر ، با مشرکان بود و نه اهل کتاب . *

تقتلونهم أو یسلمون

در صورتی که <یسلمون> به معنای اسلام آوردن باشد; از محدود شدن فرجام دشمنان به کشته شدن یا اسلام آوردن، مطلب بالا استفاده می شود; زیرا در مورد اهل کتاب راه سومی به عنوان تسلیم و پرداخت <جزیه> نیز مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۵

۵ - تنها بیعت کنندگان با پیامبر (ص) در جریان حدیبیه ، برخوردار از غنایم خیبر *

إذ یبایعونک تحت الشجره . .. و مغانم کثیره یأخذونها

از این که <مغانم کثیره> به مؤمنان بیعت کننده نوید داده شده است ، مطلب بالا احتمال می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۷،۹

۷ – امتنان الهی

بر مؤمنان ، با رساندن ایشان به غنایم خیبر و کوتاه ساختن دست دشمنان از آنان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

۹ - فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و <کفّ. ..> مترتب بر آن می باشد; به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

متخلفان از مسافرت به حدیبیه و غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۶،۷،۸،۱۱

۶ - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

۷ - اعراب متخلّف از سفر حدیبیه ، درصدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر *

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است; ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر، می خواستند خود رامؤمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی نمایند.

۸ - تلاش متخلّفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است

که به قرینه<قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است; تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهیم شدن در غنایم بودند.

۱۱ - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> ممکن است در مقام انشا نباشد; بلکه اخبار باشد.

محرومان از غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> ممکن است در مقام انشا نباشد; بلکه اخبار باشد.

معجزه پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - تحقق نوید الهی به فتح خیبر ، معجزه ای هدایتگر برای مؤمنان

فعجّل لکم هذه . .. و لتکون ءایه للمؤمنین

منشأ پیروزی غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إذ يبايعونک تحت الشجره . .. فأنزل السكينه عليهم و أثبهم فتحًا قريبًا

عبارت <فتحاً قريباً> ممکن است اشاره به <فتحاً مبيناً> (صلح حديبيه) و

یا فتح خیبر داشته باشد; چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

نهی از شرکت در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۸

۸ - تلاش متخلّفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه<قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است; تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهیم شدن در غنایم بودند.

وعده پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

وعده غنایم غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۵ – ۱۲

۱۲ – اختصاص غنایم خیبر به شرکت کنندگان سفر حدیبیه ، براساس وعده قبلی خداوند *

إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها . .. قال اللّه من قبل

برداشت بالا بـدان احتمال است که آنچه از قبل گفته شـده، اختصاص غنایم، به حاضـران صـلح حـدیبیه باشد; چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

غزوه ذات السلاسل

قصه غزوه ذات السلاسل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۱ – ۴

۴ – < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله < و العادیات ضبحاً . . . > قال : هذه السوره نزلت فی أهل وادی الیابس . . . فخرج علیّ (ع) و معه المهاجرون و الأنصار . . . ثمّ اغار علیهم بأصـحابه . . . حتّی قتل مقاتلیهم و سبی ذراریهم و اسـتباح أموالهم و خرّب دیارهم و أقبل بالأساری و الأموال معه . . . و أنزل اللّه تبارک و تعالی فی ذلک الیوم هذه السوره < و العادیات ضـبحاً > یعنی بالعادیات الخیل تعدوا بالرجال و الضبح صیحت ها فی اَعنّت ها و لُجُم ها ;

از امام صادق(ع) درباره سـخن خداوند <و العادیات ضـبحاً> روایت شده که فرمود: این سوره درباره ساکنان سـرزمین یابس (در غزوه ذات السلاسل) نازل شد که علی(ع) [برای جنگ با آنان] خارج شد و مهاجران و انصار همراه او بودند آن گاه شبانه با همراهانش بر آنان یورش برد تا آن که جنگجویانشان را کشت، فرزنـدانشان را اسـیر گرفت، اموالشان را مباح قرار داد، خانه هایشان را

خراب کرد و اسیران و اموال را همراه خود آورد و خداوند تبارك و تعالی در آن روز این سوره (و العادیات ضبحاً) را نازل کرد و مقصود از <عادیات> اسبانی هستند که به وسیله مردان سوارکار می تازند و <ضبح> شیهه آنها است در حالی که در افسارها و لگام ها قرار دارند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۵ - ۳

۳ - مجاهدان در غزوه < ذات السلاسل > با اسبان دونده ای که از ضربه سم آنها برق می جهید ، صبحگاهان بر دشمن تاختند و در میان غبار پای اسبان ، خود را به قلب دشمن رساندند .

و العدیت ضبحًا . فالموریت قدحًا . فالمغیرت صبحًا . فأثرن به نقعًا . فوسطن به

براساس بعضی از روایات، این آیات به غزوه <ذات السلاسل> نظر دارد.

وقت هجوم مجاهدان غزوه ذات السلاسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۵ - ۳

۳ - مجاهدان در غزوه < ذات السلاسل > با اسبان دونده ای که از ضربه سم آنها برق می جهید ، صبحگاهان بر دشمن تاختند و در میان غبار پای اسبان ، خود را به قلب دشمن رساندند .

و العدیت ضبحًا . فالموریت قدحًا . فالمغیرت صبحًا . فأثرن به نقعًا . فوسطن به

براساس بعضی از روایات، این آیات به غزوه <ذات السلاسل> نظر دارد.

ویژگیهای اسبان مجاهدان غزوه ذات السلاسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۵ - ۳

۳ - مجاهدان در غزوه < ذات السلاسل >

با اسبان دونده ای که از ضربه سم آنها برق می جهید ، صبحگاهان بر دشمن تاختند و در میان غبار پای اسبان ، خود را به قلب دشمن رساندند .

و العدیت ضبحًا . فالموریت قدحًا . فالمغیرت صبحًا . فأثرن به نقعًا . فوسطن به

براساس بعضی از روایات، این آیات به غزوه <ذات السلاسل> نظر دارد.

غسل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار غسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۱۵

۱۵ غسل ، رافع جنابت است .

و ان کنتم جنباً . .. حتی تغتسلوا

احکام غسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۵

۱۵ - در صورت مباشرت با همسران ، در شب های رمضان ، باید پیش از طلوع فجر غسل کرد . *

فالن بشروهن و ابتغوا ما کتب اللّه لکم . .. حتّی یتبیّن لکم الخیط الأبیض

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <ما کتب اللّه> تحصیل طهارت است; چنانچه در سوره مائده (آیه ۶) آمده است: <و إن کنتم جنباً فاطهروا . .. أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیداً طیباً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۲۰

۲۰ وضو و غسل در هوای سرد با وجود خطر جانی ، در حکم خودکشی است .

و لا تقتلوا انفسکم

رسول اللّه (ص) در پاسخ سؤال از وضو و غسل در هوای سـرد با وجود خطر جانی فرمود: و **لا** تقتلوا انفسـکم انّ اللّه کان بکم رحیماً.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۰۲ **;** نورالثقلین، ج

۱، ص ۴۷۲، ح ۲۰۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۸.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۳ – ۳،۱۶،۲۳،۲۴

۳ وضو ، غسل و تیمّم در حال مستی ، باطل است . *

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

نهی از نزدیک شدن به نماز می تواند اشاره به بطلان وضو و غسل و تیمم نیز باشد، چون نزدیک شدن به نماز با آنها تحقق می یابد.

۱۶ ضرورت شستن تمامی بدن ، برای تحقق غسل

حتی تغتسلوا

تعیین نکردن اعضایی خاص برای غسل در مقابل تصریح به مواضع تیمم، بیانگر آن است که در غسل باید تمامی بدن شسته شود.

۲۳ جماع ، از موجبات غسل و یا تیمم

او لمستم النساء . .. فتیمّموا

مؤیّد برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره <لمستم النساء> در آیه فوق فرمود: هو الجماع . .. .

کافی، ج ۵، ص ۵۵۵، ح ۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۴، ح ۲۷۰.

۲۴ محدث پس از یافتن آب باید غسل کند و یا وضو بگیرد ، هر چند پیش از آن به جهت نبود آب تیمم کرده باشد .

یا ایّها الذین امنوا . .. فتیمّموا

مفهوم جمله شرطیه <ان کنتم . .. لمستم ... فلم تجدوا ماءً فتیمّموا>، این است که در صورت یافتن آب، با تیمم نمی توان نماز خواند. بنابراین کسی که به آب دسترسی نداشته و تیمم کرده در صورت یافتن آب باید غسل کند یا وضو بگیرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۹،۱۰،۱۱،۱۵،۱۷،۴۳

۹

وجوب شستن تمام بدن در غسل

و إن کنتم جنباً فاطهروا

مراد از <فاطهروا> تحصیل طهارت با شستشوی تمام بدن است و اگر عضوی خاص در نظر بود به آن تصریح می شد. چنانچه در وضو و تیمم به اعضایی خاص تصریح شده است.

۱۰ با غسل جنابت ، بدون گرفتن وضو ، می توان نماز خواند .

إذا قمتم إلی الصّلوه . .. و إن کنتم جنباً فاطهروا

با توجه به تقدیر آیه (فاغسلوا . .. ان لم تکونوا جنباً و ان کنتم جنباً فاطهروا)، معلوم می شود که ضرورت وضو و تشریع آن در صورتی است که شخص جنب نباشد.

۱۱ رعایت ترتیبی خاص در شستن بدن برای غسل جنابت ، لازم نیست . *

و إن کنتم جنباً فاطهروا

از اینکه خداوند برای وضو و تیمم به ترتیب خاصی بین اعضا اشاره فرموده است و درباره غسل جنابت ترتیبی خاص ذکر نکرده، معلوم می شود هیچ ترتیبی بین شستن اعضای بدن مورد نظر نبوده است.

۱۵ لزوم جستجوی برای یافتن آب جهت وضو و غسل

فلم تجدوا ماء

کلمه <نیافتن> در موردی به کار برده می شود که شخص چیزی را جستجو کند و نیابد.

۱۷ جماع ، موجب غسل و ناقض آن است .

او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا

<لمستم> از باب مفاعله به این معناست که هر یک از مرد و زن یکدیگر را لمس کنند و این، کنایه از جماع است. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در مورد <لامستم النساء> فرمود: هو الجماع ... .

کافی، ج ۵، ص ۵۵۵، ح ۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۹.

آب برای وضو و غسل ، در حد توان مالی به وقت دسترسی نداشتن به آن

فلم تجدوا الماء

از امام کاظم(ع) روایت شده که درباره میزان مبلغ ضروری برای تهیه آب وضو و غسل در صورت نبود آب فرمود: ذلک علی قدر جدته.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۷.

اهمیت غسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۲

۳۲ تشریع وضو ، غسل و تیمم ، از نعمت های الهی

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم . .. و لکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۷

۷ فراهم شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست ها و قذارت ها ، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم به

ذکر نشدن متعلق <یطهرکم> حکایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاستهای ظاهری و باطنی). یعنی خداوند باران را فرو فرستاد تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و دیگران وضو بسازند.

ترتیب در غسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۱

۱۱ رعایت ترتیبی خاص در شستن بدن برای غسل جنابت ، لازم نیست . *

و إن كنتم جنباً فاطهروا

از اینکه خداونـد برای وضو و تیمم به ترتیب خاصـی بین اعضـا اشـاره فرموده است و دربـاره غسـل جنـابت ترتیبی خاص ذکر نکرده، معلوم می شود هیچ ترتیبی بین شستن اعضای

بدن مورد نظر نبوده است.

غسل جنابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۱، ۱۰، ۸

۸ وجوب تحصیل طهارت (غسل) بر شخص جنب ، برای خواندن نماز

و إن کنتم جنباً فاطهروا

جمله <ان کنتم . ..> عطف بر جمله ای مقدر است و کلام با تقدیر آن چنین می شود: <اذا قمتم الی الصلوه فتوضوا ان لم تکونوا جنباً و ان کنتم جنباً فاطهروا>. بنابراین غسل مشروط می شود به هنگامی که جنب می خواهد نماز بخواند.

۱۰ با غسل جنابت ، بدون گرفتن وضو ، می توان نماز خواند .

إذا قمتم إلی الصّلوه . .. و إن کنتم جنباً فاطهروا

با توجه به تقدیر آیه (فاغسلوا . .. ان لم تکونوا جنباً و ان کنتم جنباً فاطهروا)، معلوم می شود که ضرورت وضو و تشریع آن در صورتی است که شخص جنب نباشد.

۱۱ رعایت ترتیبی خاص در شستن بدن برای غسل جنابت ، لازم نیست . *

و إن کنتم جنباً فاطهروا

از اینکه خداوند برای وضو و تیمم به ترتیب خاصی بین اعضا اشاره فرموده است و درباره غسل جنابت ترتیبی خاص ذکر نکرده، معلوم می شود هیچ ترتیبی بین شستن اعضای بدن مورد نظر نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۵

۱۵ - در صورت مباشرت با همسران ، در شب های رمضان ، باید پیش از طلوع فجر غسل کرد . *

فالن بشروهن و ابتغوا ما کتب اللّه لکم . .. حتّی یتبیّن لکم الخیط الأبیض

برخی از مفسران بر آنند که مراد

از <ما کتب اللّه> تحصیل طهارت است؛ چنانچه در سوره مائده (آیه ۶) آمده است: <و إن کنتم جنباً فاطهروا . .. أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیداً طیباً>.

غسل در مستی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۳ – ۳

۳ وضو ، غسل و تیمّم در حال مستی ، باطل است . *

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

نهی از نزدیک شدن به نماز می تواند اشاره به بطلان وضو و غسل و تیمم نیز باشد، چون نزدیک شدن به نماز با آنها تحقق می یابد.

غسل مستحب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۱ – ۱۲

۱۲ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله تعالی: < خذوا زینتکم عند کل مسجد> قال: الغسل عند لقاء کل إمام

از امام صادق(ع) درباره آیه <خذوا زینتکم . ..> روایت شده است: از مصادیق آیه، غسل کردن هنگام ملاقات هر پیشواست.

غسل واجب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۳ – ۱۴

۱۴ جنب ، برای برپایی نماز باید غسل کند .

لا تقربوا الصلوه . .. حتی تغتسلوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۸

۸ وجوب تحصیل طهارت (غسل) بر شخص جنب ، برای خواندن نماز

و إن کنتم جنباً فاطهروا

جمله <ان کنتم . ..> عطف بر جمله ای مقدر است و کلام با تقدیر آن چنین می شود: <اذا قمتم الی الصلوه فتوضوا ان لم تکونوا جنباً و ان کنتم

جنباً فاطهروا>. بنابراین غسل مشروط می شود به هنگامی که جنب می خواهد نماز بخواند.

فلسفه غسل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۲۹

۲۹ هدف از تشریع وضو ، غسل و تیمم ، طهارت مؤمنان و اتمام نعمت الهی به آنان است ، نه ایجاد حرج و مشقت .

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا . .. و لکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم

مبطلات غسل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۱۷

۱۷ جماع ، موجب غسل و ناقض آن است .

او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا

<لمستم> از باب مفاعله به این معناست که هر یک از مرد و زن یکدیگر را لمس کنند و این، کنایه از جماع است. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در مورد <لامستم النساء> فرمود: هو الجماع ... .

کافی، ج ۵، ص ۵۵۵، ح ۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۹.

موجبات غسل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۳ – ۲۳

۲۳ جماع ، از موجبات غسل و یا تیمم

او لمستم النساء . .. فتیمّموا

مؤیّد برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره <لمستم النساء> در آیه فوق فرمود: هو الجماع . .. .

کافی، ج ۵، ص ۵۵۵، ح ۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۴، ح ۲۷۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۷

۱۷ جماع ، موجب غسل و ناقض

آن است .

او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا

<لمستم> از باب مفاعله به این معناست که هر یک از مرد و زن یکدیگر را لمس کنند و این، کنایه از جماع است. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در مورد <لامستم النساء> فرمود: هو الجماع ... .

کافی، ج ۵، ص ۵۵۵، ح ۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۹.

واجبات غسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۱۶

۱۶ ضرورت شستن تمامی بدن ، برای تحقق غسل

حتی تغتسلوا

تعیین نکردن اعضایی خاص برای غسل در مقابل تصریح به مواضع تیمم، بیانگر آن است که در غسل باید تمامی بدن شسته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۹

۹ وجوب شستن تمام بدن در غسل

و إن کنتم جنباً فاطهروا

مراد از <فاطهروا> تحصیل طهارت با شستشوی تمام بدن است و اگر عضوی خاص در نظر بود به آن تصریح می شد. چنانچه در وضو و تیمم به اعضایی خاص تصریح شده است.

وجوب غسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۲۱

۲۱ وجوب وضو ، غسل و تیمم ، وجوب غیری است .

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم فلم تجدوا ماء فتیمموا

با توجه به اینکه وضو و . .. را برای نماز، واجب کرده است، وجوب غیری از آن استفاده می شود.

وقت غسل در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۲ - ۱۸۷ - ۱۵

۱۵ - در صورت مباشرت با همسران ، در شب های رمضان ، باید پیش از طلوع فجر غسل کرد . *

فالن بشروهن و ابتغوا ما کتب اللّه لکم . .. حتّی یتبیّن لکم الخیط الأبیض

برخی از مفسران بر آننـد که مراد از <ما کتب اللّه> تحصـیل طهارت است; چنانچه در سوره مائده (آیه ۶) آمده است: <و إن کنتم جنباً فاطهروا . .. أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیداً طیباً>.

غصب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غصب

آثار غصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۹

۹ رباخواری و تصرف نابحق یهودیان در اموال مردم ، موجب تحریم برخی از حلال های پاکیزه بر ایشان

حرّمنا علیهم . .. و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه و أکلهم أمول الناس

آثار غصب ارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۵،۷

۵ - خواری در پیشگاه خداوند ، پیامد تجاوز به ارث دیگران است ; نه تهی دستی و فقر .

فقدر علیه رزقه فیقول ربّی أهنن . کلاّ ... و تأکلون التراث أکلاً لمّا

۷ - رعایت حق ارث دیگران ، مایه عزّت نزد خداوند و پایمال کردن آن ، ذلّت آور است .

ربّی أکرمن . .. ربّی أهنن . کلاّ بل ... تأکلون التراث أکلاً لمّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۵ – ۲

۲ – ترک یتیم نوازی ، بی توجّهی به تغذیه فقیران ، تصاحب ارث دیگران و دلبستگی شدید به ثروت ، مایه گرفتاری به عذابی

بی نظیر در قیامت

فیومئذ لایعذّب عذابه أحد

ضمیر <عذابه>، ممکن است به انسان برگردد که در آیات پیشین ویژگی های او بیان شده بود. در این صورت عذاب که اسم مصدر و به معنای تعذیب است به مفعول خود اضافه شده است و مفاد آیه شریفه این است که عذاب کردن آن فرد، به گونه ای انجام می گیرد که کسی جز خداوند آن گونه عذاب نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۶ - ۳

۳ - کسانی که یتیمان را گرامی نداشته و بر تغذیه مساکین توصیه نمی کنند و به ناحق ارث دیگران را تصرف کرده و به مال دنیا دل بسته اند ، در قیامت به سخت ترین شکل به بند کشیده خواهند شد .

لاتکرمون . .. لاتحضّون ... تأکلون ... تحبّون ... و لایوثق وثاقه أحد

ممکن است ضمیر <وثاقه> به <الإنسان> برگردد. در این صورت <وثاق> به مفعول خود اضافه شده است.

اجتناب از غصب ارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۸

۸ - ارج نهادن به یتیمان ، تغذیه نیازمندان ، پرهیز از غصب ارث دیگران و دل نبستن به ثروت ، توشه هایی سودمند برای آخرت

لاتکرمون . .. لاتحضّون ... تأکلون ... تحبّون ... یلیتنی قدّمت لحیاتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۴

۴ - آزمون دانستن فقر و غنا ، گرامی داشت یتیمان ، سیر کردن گرسنگان ، تصرف نکردن ارث دیگران و پرهیز از مال

دوستی ، زمینه ساز اعتماد به رهایی از صحنه های وحشت بار قیامت

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. یأیّتها النّفس المطمئنّه

<نفس مطمئن> به قرینه آیات پیشین انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، مبرّا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۸ – ۸

۸ – آزمون دیدن فقر و غنا ، گرامی داشت یتیمان ، تغذیه فقیران ، ترک تصرف ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی ، مایه احساس رضایت انسان از خداوند و زمینه ساز رضایت خداوند از او است .

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. راضیه مرضیّه

نفس <راضی> و <مرضی> به قرینه آیات پیشین انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، مبرّا باشد.

اجتناب از غصب ارث یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۹ – ۳

۳ – لزوم بها دادن به شخصیت یتیمان و ترک تجاوز به حق ارث آنان

لاتکرمون الیتیم . .. و تأکلون التراث أکلاً لمّا

آیه بعد، از حب مال سخن گفته و در این آیه خوردن میراث مطرح شده است. ارتباط این آیات با دو آیه قبل، بیانگر این است که هر کس برای یتیمان ارزشی قائل نباشد، میراث آنان را تصاحب می کند و هر کس به فکر تغذیه مساکین نباشد، گرفتار مال دوستی است.

احکام غصب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۱ – ۶

۶ حرمت به دست آوردن مال با اسباب باطل و غیر مشروع

و أكلهم أمول الناس

بالبطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱

۱ هرگونه تصرف عدوانی در داراییهای یتیمان و تجاوز به آن حرام است.

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف در اموال یتیمان با به کارگیری فعل <لاتقربوا> (نزدیک نشوید)، اشاره به جهاتی دارد؛ از جمله تصریح و تأکید بر این که هر نوع و مصداقی از تصرف در مال یتیم، ممنوع است.

جرم غصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۸

۸ - ناروایی و حرمت چنگ اندازی به اموال دیگران ، حکمی معلوم برای همگان

و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل . .. و أنتم تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که: مفعول <تعلمون> حرمت تصرف در اموال دیگران - که از جمله <لاتأکلوا . ..> به دست می آید - باشد.

حرمت غصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۵

۵ حرمت تصرف غاصبانه در اموال یتیمان

و اتوا الیتامی اموالهم . .. و لا تاکلوا اموالهم الی اموالکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۹

۹ حرمت تصرف شوهران در مهریّه زنان ، بدون جلب رضایت کامل آنان

و اتوا النّساء . .. فان طبن لکم عن شیء منه نفساً فکلوه

از مفهوم جمله <فان طبن لکم . .. > (اگر رضایت داشتند از مهریّه بخورید و در آن تصرف کنید)، حرمت تصرف بدون رضایت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء -

۴ - ۱۶۱ - ۶

۶ حرمت به دست آوردن مال با اسباب باطل و غیر مشروع

و أکلهم أمول الناس بالبطل

زمینه غصب ارث یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۷۸

۷ - غفلت از امتحان های الهی ، مایه ترک یتیم نوازی و بی اعتنایی به مسکینان و تصاحب میراث دیگران و دلبستگی به ثروت است .

ابتلیه . .. کلاّ بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضّون ... و تأکلون التراث ... و تحبّ

۸ - دنیاطلبی و ثروت خواهی ، زمینه ساز بی ارزش انگاشتن یتیمان و دست اندازی به ارث آنان

بل لاتکرمون الیتیم . .. و تأکلون التراث ... و تحبّون المال حبًّا جمًّا

سرزنش غصب ارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۲

۲ - تجاوز به حق ارث دیگران ، ناروا و نکوهیده است .

و تأکلون التراث أکلاً لمّا

ظلم غصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۳

۳ تصرف نامشروع و باطل در اموال دیگران ، تجاوز و ظلم است .

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً

بنابر اینکه <عدواناً و ظلماً> قید توضیحی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۴ – ۲

۲ – افزون طلبی و تصاحب مال دیگران ، ظلم است .

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک إلی نعاجه

غصب ارث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۹ –

۶ - < ارث > عرصه امتحان الهی است و تصاحب کنندگان میراث دیگران ، بازنده این امتحان اند .

إذا ما ابتلیه . .. و تأکلون التراث أکلاً لمّا

غصب ارث در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۱

۱ - مردم عصر جاهلیت ، با تصرف حق دیگران در میراث ، سهم آنان را ضمیمه سهم خویش می ساختند .

و تأکلون التراث أکلاً لمّا

<تراث>، <ارث> و <میراث> به یک معنا است (لسان العرب). <لمّاً> مصدر و به معنای جمع کردن فراوان است (العین). <لَمَمْتُ>; یعنی، ضمیمه ساختم (مصباح). <أکل> کنایه از تصرف کامل است; به گونه ای که چیزی از میراث باقی نماند. توصیف آن به مصدر (لمّاً)، برای مبالغه است; یعنی، تصرفی که در کنار حق خود، به طور کامل فراگیر حق دیگران نیز باشد.

غصب اموال عمومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۵

۵ یهودیان با اسباب باطل و غیر مشروع اموال عمومی و متعلق به جامعه را تصاحب می کردند .

و أکلهم أمول الناس بالبطل

بدان احتمال که مراد از <اموال الناس> اموال عمومی که متعلق به همه مردم است، باشد.

غصب اموال مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۲

۲ – دستیابی به مال و دارایی های دیگران با اسباب باطل ، حرام است .

و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل

کلمه <بینکم> قید برای <أموالکم> است; یعنی، اموالی که در میان شماست و هر کس مالك بخشی از آن است. بنابراین جمله

<لاتأكلوا ...> چنين معنا مى شود: نبايد هيچ يک از شما مال و دارايى ديگرى را با سببى باطل تصرف كند.

غصب بيت المال

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۸ – ۹

۹ – چنگ اندازى به اموال و دارايى هاى عمومى ، حرام است .

لتأكلوا فريقاً من أمول الناس بالأثم

مقصـود از <أموال النـاس> مى توانـد اموال و داراييهـاى شخصـى افراد باشـد، همچنين منظور از آن مى توانـد اموال عمومى باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

غصب در يهود

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۱ – ۴،۵

۴ يهوديان با اسباب غير مشروع و باطل اموال ديگران را تصاحب مى كردند .

و أكلهم أمول الناس بالبطل

كلمه <باء> در <بالبطل> سـببيه است و مراد از <اموال الناس> مى تواند ثروتهاى متعلق به جامعه همانند معادن، جنگلها و . .. باشد و مى تواند مقصود از آن داراييهاى شخصى ديگران باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است گفتنى است مراد از <اكل> خصوص خوردن نيست بلكه هر نوع تصرفى منظور است.

۵ يهوديان با اسباب باطل و غير مشروع اموال عمومى و متعلق به جامعه را تصاحب مى كردند .

و أكلهم أمول الناس بالبطل

بدان احتمال كه مراد از <اموال الناس> اموال عمومى كه متعلق به همه مردم است، باشد.

غصب علماى مسيحيت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۲

۲ بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا ، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه

و مشروع ، تصاحب می کردند .

إن کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلون أموال الناس بالبطل

غصب علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۴ – ۲

۲ بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا ، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع ، تصاحب می کردند .

إن کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلون أموال الناس بالبطل

غصب کشتیها در دوران خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹ – ۸

۸– مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملك یأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعیبها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

غصب کشتیها در دوران موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹ – ۸

۸– مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملك یأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعیبها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

غصب مال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۱ – ۶

۶ دست اندازی به دارایی ها دیگران با شیوه های باطل ، گناهی بزرگ

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل . .. ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه

به مقتضای ارتباط این آیه

و آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای گناهان کبیره، همان تصرف ناروا در اموال دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۴

۴ یهودیان با اسباب غیر مشروع و باطل اموال دیگران را تصاحب می کردند .

و أکلهم أمول الناس بالبطل

کلمه <باء> در <بالبطل> سببیه است و مراد از <اموال الناس> می تواند ثروتهای متعلق به جامعه همانند معادن، جنگلها و . .. باشد و می تواند مقصود از آن داراییهای شخصی دیگران باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است گفتنی است مراد از <اکل> خصوص خوردن نیست بلکه هر نوع تصرفی منظور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۹

۱۹ گرفتن مال مردم به زور ، همراه با زدن آنان در کشور اسلامی ، محاربه با خدا و رسول است .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه

از امام صادق(ع) درباره کسانی که در کشور اسلامی با زدن مردم به غارت اموالشان بپردازند، روایت شده: هولاء من اهل هذه الایه <انما جزؤا الذین . .. >

کافی، ج ۷، ص ۲۴۵، ح ۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۳.

غصب مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۱،۲،۹

۱ حرمت تصرف ظالمانه و ناروا در اموال یتیمان

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً

۲ خوردن ظالمانه مال یتیم در واقع ، خوردن آتش است .

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انّما یاکلون فی بطونهم ناراً

۹ تصرف سرپرست یتیم در

مال وی ، به انگیزه شخصی و با قصد عدم پرداخت آن ، ظلم است .

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً

امـام کاظم (ع) در پاسـخ سؤال از تصـرف در مال یتیم فرمود: . .. لا ینبغی له ان یأکل الّا القصـد ... فان کان من نیّته ان لا یردّه علیهم فهو بالمنزل الذی قال اللّه عزّ و جل: <انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً>.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۸، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۹۰.

غصب مال یتیم در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۹

۹- تصرف بی جا در اموال یتیمان و حیف و میل آنها ، امری رایج و شایع در میان اعراب جاهلی

و لاتقربوا مال الیتیم

غصب مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۴

۴ کفرپیشگان مکه به ناحق خویشتن را سرپرست مسجدالحرام می پنداشته و غاصبانه بر آن تسلط داشتند .

و هم یصدون عن المسجدالحرام و ما کانوا أولیاؤه

کیفر غصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۲

۲ تصرف به ناحق در اموال دیگران از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به <لا تاکلوا> و یا مجموع <لا تاکلوا . .. و لا تقتلوا> باشد.

کیفر غصب مال یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴

۱۰ مبعوث شدن خورندگان مال یتیمان به ناروا در قیامت در حالی که آتش از دهانشان شعله می کشد .

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی

رسول اللّه (ص): یبعث انـاس من قبورهـم یوم القیـامه تأجّج افواههم نـاراً. از آن حضـرت سؤال شـد اینـان چه کسانی هسـتند؟ فرمود: انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۷۶.

گناه غصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۹

۹ تصرف غاصبانه در اموال یتیمان و تأخیر در واگذاری آن به ایشان ، گناهی بزرگ

و اتوا الیتامی اموالهم و لا تاکلوا . .. انّه کان حوباً کبیراً

تأخیر در پرداخت، از <و اتوا الیتامی> به دست می آیـد ; چون علاوه بر لزوم پرداخت اموال یتیم، دلالت بر پرداخت به موقع آن نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ تصرف نابجا در اموال دیگران ، گناهی بزرگ ، همچون گناه قتل و آدمکشی است .

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل . .. و لا تقتلوا انفسکم

بیان حرمت آدمکشی در کنار تصرفات ناروا در اموال دیگران، نشانه همسانی آن دو گناه است.

موارد غصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۹ – ۱۸

۱۸ گرفتن وام بدون توان بازپرداخت آن ، تصرف نابجا در اموال دیگران است .

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل

امام صادق (ع) بعد از تلاوت آیه فوق فرمود: . .. و

لا یستقرض علی ظهره الّا و عنده وفاء ... .

کافی، ج ۵، ص ۹۵، ح ۲ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۰۱.

موانع غصب ارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۱

۱ - خداوند ، بازدارنده انسان از عشقورزی به ثروت و تصاحب حق دیگران و بی توجّهی به نیازمندان و یتیمان

بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضّون ... و تأکلون ... و تحبّون ... کلاّ

حرف <کلاّ>، برای ردع و بازداشتن مخاطب از اموری است که پیش از آن مطرح بوده است.

موانع غصب کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع) ، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرّف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعیبها و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

ناپسندی غصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۹

۹- غصب اموال مردم ، حتی از سوی حاکمان ، امری ناروا است .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

ناظر غصب ارث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۰ – ۹

۹ – خداوند در کمین مردم بی توجّه به یتیمان و مسکینان ، غاصب ارث دیگران و دل بسته به ثروت

إنّ ربّك لبالمرصاد . .. بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضّون ... و تأكلون ... و تحبّ

نهی از غصب مال یتیم

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۱۹

۱۹– < عن أبی جعفر (ع) قال : . . . بعث الله محمداً و . . . أنزل علیه فی سوره بنی اسرائیل بمکه . . . و أنزل نهیاً عن أشیاء حذّر علیها و لم یغلّظ فیها ولم یتواعد علیها و قال : . . . < و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشدّه و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً > . . . ;

امام باقر(ع) فرمود:. .. خداوند حضرت محمد(ص) را برانگیخت و ... بر او آیاتی از سوره بنی اسرائیل را در مکه نازل فرمود ... که در آن آیات از چیزهایی نهی کرده که پرهیز از آنها لازم است; ولی در آن نهیها غلظت و شدت نشان نداده و بر مرتکبین آن موارد وعید عذاب نداده است و فرمود: ... و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً>....

وضوح حرمت غصب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۸ – ۸

۸ – ناروایی و حرمت چنگ اندازی به اموال دیگران ، حکمی معلوم برای همگان

و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل . .. و أنتم تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که: مفعول <تعلمون> حرمت تصرف در اموال دیگران - که از جمله <لاتأکلوا . ..> به دست می آید - باشد.

غضب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غضب

آثار غضب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۸ – ۸

۸ لزوم کنترل خشم و احساسات،

جهت گرفتار نشدن در دام سخن و حرکات جاهلانه

و لاتسبوا الذین . .. فیسبوا الله عدوا بغیر علم

کلمات <عدوا> و <بغیر علم> بیان انگیزه و زمینه هایی است که موجب دشنام و حرکات غیر اخلاقی مشرکان می گردد. و از سوی دیگر هشداری است به همه که آدمی نباید اسیر چنین انگیزه هایی شود.

آثار غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مظاهر خشم الهی پس از انذار و اخطار ، دارای آثاری هلاکت بار و ویرانگر

فساء مطر المنذرین

آثار غضب فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۲

۲ - خشم و تهدید شدید فرعون ، فاقد کمترین تأثیر در ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف . .. قالوا لاضیر

اجتناب از غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱ - لزوم مراقبت دقیق انسان بر گفته های خویش و پرهیز از سخنانی که موجب سخط خداوند است .

و رضی له قولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۳ – ۴

۴ – لزوم تلاش برای جلب خشنودی خداوند و اجتناب از عوامل برانگیزاننده خشم او

کبر مقتًا عند اللّه أن تقولوا ما لاتفعلون

انذار از غضب پیروان موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۵ – ۵

۵ – هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مجادله گر و حق ستیز مصر

، درباره خشم انقلابی و انتقام مؤمنان طرفدار موسی (ع)

الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. کبر مقتًا ... عندالذین ءامنوا

تـذکر مؤمن آل فرعون به فرعونیـان، مبنی بر این که ستیزه جویی در آیات الهی، موجب بغض و دشـمنی مؤمنان می شود; می تواند بیانگر این نکته باشد که عمل آنان، موجب خشم انقلابی و شورش مؤمنان طرفدار موسی(ع) علیه آنان خواهدگردید.

انذار از غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۸ - ۲

۲- مریم (س) با وحشت از حضور مرد ناشناس نزد وی ، به خداوند پناه برد و او را از خشم خداوند برحذر داشت .

قالت إنّی أعوذ بالرحمن منک إن کنت تقیًّا

مریم(س) به جـای <اللّهم إنّی أعوذ بـک> مرد ناشـناس را مخاطب ساخت تا ترس از خشم خداونـد را در دل او ایجاد کنـد. <تقوی> ; یعنی قرار دادن خویش در وقایه (مانع) از هر چیز ترسناک (مفردات راغب) و <تقیّاً>; یعنی پرهیزکننده از خطر. به قرینه کلام مریم(س) که مخاطب خود را از خداوند ترساند، مراد خطر خشم خداوند است.

اهمیت رفع غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۳

۳ لزوم تلاش در جهت آرام نمودن خشم و حسادت بر افروخته دیگران در رویارویی با آنان

لئن بسطت . .. ما إنّا بباسط یدی إلیک

بیان نحوه برخورد هابیل با برادرش، می تواند درسی آموزنده برای همگان در موارد مشابه با آن باشد.

اهمیت کظم غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

- ۱۰۸ - ۸

۸ لزوم کنترل خشم و احساسات، جهت گرفتار نشدن در دام سخن و حرکات جاهلانه

و لاتسبوا الذین . .. فیسبوا الله عدوا بغیر علم

کلمات <عدوا> و <بغیر علم> بیان انگیزه و زمینه هایی است که موجب دشنام و حرکات غیر اخلاقی مشرکان می گردد. و از سوی دیگر هشداری است به همه که آدمی نباید اسیر چنین انگیزه هایی شود.

ایمنی از غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ موحدان، به جهت توحید و یکتا پرستی، سزاوار در امان بودن از خشم خداوند هستند.

و لاتخافون أنکم أشرکتم بالله . .. فأی الفریقین أحق بالأمن

تبری از غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۴

۴ - توجّه به خدادادی بودن شرح صدر ، مایه اطمینان پیامبر (ص) به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما ودّعک ربّک و ما قلی . .. ألم نشرح لک صدرک

هدف از استفهام در <ألم نشرح. ..> که برای تقریر است با توجّه به ارتباط آن با محتوای سوره قبل، توجّه دادن پیامبر(ص) به نعمت هایی است که نشان محبوب بودن او نزد خداوند است تا نگرانی های احتمالی آن حضرت از میان برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲ - ۸

۸ - توجّه به عنایت های خداوند در رفع مشکلات رسالت ، مایه اطمینان پیامبر (ص) به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما ودّعک ربّک و

ما قلی . .. و وضعنا عنك وزرك

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۴ – ۷

۷ – توجّه پیامبر (ص) ، به خدادادی بودن نعمت خوش نامی ، مایه اطمینان آن حضرت به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما ودّعك ربّك و ما قلی . .. و رفعنا لك ذكرك

روش كظم غضب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۰ – ۱۵

۱۵ تحریك عواطف ، از روش های مؤثر در فرونشاندن غضب *

رجع موسی إلی قومه غضبن . .. قال ابن أم

روش نجات از غضب خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۸ – ۷

۷ برای گریز از خشم خدا ، چاره ای نیست جز پناهنده شدن به درگاه خود او .

لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

زمینه غضب خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۷ – ۴

۴- گرفتاری به خشم الهی و عذاب اخروی ، معلول دلبستگی انسان به دنیا و نادیده گرفتن آخرت است .

فعلیهم غضب . .. ذلك بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا علی الأخره

بنابر اینکه <ذلك> اشاره به <غضب من الله . ..> باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۷

۱۷ - طغیان گری در استفاده از نعمت ها (ناسپاسی ، اسراف و . . .) ، زمینه ساز فرا رسیدن غضب الهی و

سیطره یافتن آن بر انسان است .

کلوا . .. و لاتطغوا فیه فیحلّ علیکم غضبی

<یحلّ>; یعنی، <ینزل> و نزول و اقامت غضب، کنایه از استقرار کامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۹،۱۳،۱۶

۹ - پیروی بنی اسرائیل از سامری و بی توجهی آنان به وعده الهی ، زمینه سازگرفتاری آنان به غضب خداوند بود .

و أضلّهم السامریّ . .. أم أردتم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم

<أم> در این آیه منقطعه است و مفاد عبارت <أم أردتم> این است که دلیل گوساله پرستی شما، تأخیر وعده نبود; بلکه شما به گونه ای عمل کردید که علاقه مندان به غضب الهی عمل می کنند. بنابراین، جمله <أردتم...> استعاره است و نمای کار آنان را نشان می دهد.

۱۳ - عهدشکنی با پیامبران و تخلف از قول و قرار با آنان ، زمینه ساز گرفتار شدن به غضب الهی است .

أم أردتّم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم فأخلفتم موعدی

۱۶ - گمراهی پس از هدایت و شرکورزی پس از توحید ، زمینه ساز گرفتاری به خشم سنگین و پایدار خداوند و عذابی سخت و طولانی از جانب او

أضلّهم السامریّ . .. أم أردتّم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم

<حلول غضب> بر رسوخ و دوام آن و نکره بودن <غضب> بر عظمت آن دلالت دارد. فرود آمدن غضب الهی، کنایه از نزول عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - گفتار ها ، دارای نقشی بسیار مؤثر در سرنوشت انسان و کسب رضایت و یا

سخط خداوند

لاتنفع الشفعه . .. و رضی له قولاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۵ – ۲

۲ – ظلم و بی دادگری جوامع پیشین ، سبب گرفتار شدن آنان به خشم خداوند و هلاکت و نابودیشان با عذاب او

و إن یکذّبوک فقد کذّبت قبلهم. .. فکأیّن من قریه أهلکنها و هی ظالمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۲ – ۷

۷ – انحراف از خط مشی زندگی تعیین شده از سوی خدا ، برانگیزاننده خشم الهی و درپی دارنده عذاب او

یأیّها الرسل . .. کلوا من الطّیّبت ... و أنا ربّکم فاتّقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۲۱ – ۷

۷ – اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۴ – ۶

۶ – اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم و قهر الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۲ – ۱۰

١٠ - < عن أبى سعيد الخدرى قال : سئل رسول اللّه (ص) عن قول اللّه < إذا وقع القول عليهم أخرجنالهم دابّه من الأرض تكلّمهم > قال إذا تركوا الأمر

بالمعروف و النهی عن المنکر وجب السخط علیهم ;

از ابی سعید خدری روایت شده که از رسول اکرم(ص) درباره سخن خدا <إذا وقع القول علیهم أخرجنا لهم دابّه من الأرض تکلّمهم> سؤال شد، فرمود: زمانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، غضب خدا بر آنان محقق می گردد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۸

۸ - کفر ، موجب خشم شدید خداوند شده و حاصلی جز آن ندارد .

و لایزید الکفرین کفرهم عند ربّهم إلاّ مقتًا

<مقت> (در مقابل <حبّ>) به معنای بغض و خشم شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۵ - ۱،۲،۳

۱ - فرعونیان با اطاعت کورکورانه از فرعون ، خشم و عذاب الهی را برای خویش فراهم آوردند .

فلمّا ءاسفونا انتقمنا منهم

۲ - پیروی از جباران و ستم پیشگان ، درپی دارنده خشم و عذاب الهی است .

فأطاعوا . .. فلمّا ءاسفونا انتقمنا منهم

۳ - خشم و انتقام خداوند از انسان ها ، ناشی از عملکرد خود آنان است .

فأطاعوا . .. فلمّا ءاسفونا انتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۲

۲- فسادگری در زمین و گسستن از خویشاوندان ، موجب خشم و نفرین الهی

تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم . أولئک الذین لعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۳،۵،۱۰

۳- پیروی از فریب ها و زیبانمایی های شیطان و اطاعت از کافران ، مایه خشم

الهی و عذاب

الشیطن سوّل لهم . .. سنطیعکم فی بعض الأمر ... ذلک بأنّهم اتّبعواما أسخط اللّه

برداشت بالاـ بنـابراین نکته است که <اتّبعوا مـا أسـخط اللّه> به آنچه در آیـات پیشـین تحت عنوان <الشـیطان سوّل لهم> و <قالوا . .. سنطیعکم فی بعض الأمر> آمده است، نظر داشته باشد.

۵- حرکت در مسیر خشم الهی و بیزاری از رضای او ، مایه حبط اعمال

اتّبعوا ما أسخط اللّه و کرهوا رضونه فأحبط أعملهم

۱۰- رضا و رحمت حق ، اصلی ازلی و جاری در نظام آفرینش ، و خشم الهی زاییده اعمال آدمیان *

اتّبعوا ما أسخط اللّه و کرهوا رضونه

<أسـخط> (از بـاب افعال) بیانگر ایجاد است; ولی <رضوان> (به صورت اسم) می نمایانـد که رضا و رحمت حق، همواره گسترده بوده و خواهد بود و تنها کافی است که انسان بدان تمایل داشـته و از آن بهره گیرد، برخلاف خشم و کیفر الهی که با نفس عمل انسان، پدید آمده و ایجاد می شود.

زمینه غضب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۱۳

۱۳ گام نهادن مؤمنان در هر میدان و زمینه ای که خشم کافران را به دنبال داشته باشد ، عمل صالح و دارای اجر است .

و لا یطئون موطئاً یغیظ الکفار . .. إلا کتب لهم به عمل صلح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۵،۴۰

۳۵- سرعت گسترش اسلام ، از پیدایش تا استقرار و شکوفایی آن ، مایه شگفتی دین شناسان و خشم کافران

کزرع . .. یعجب الزرّاع لیغیظ بهم الکفّار

۴۰- جامعه مقتدر

و اصیل اسلامی ، برانگیزاننده خشم کافران و نه دوستی ایشان

کزرع أخرج شطه . .. لیغیظ بهم الکفّار

از تعبیر <لیغیظ> استفاده می شود که کافران، ناگزیر در قبال رشد امت اسلامی موضع خصمانه می گیرند و انتظار دوستی از آنان بی جا و بی مورد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۲

۲ - تلاوت آیات قرآن از سوی پیامبر (ص) ، خشم و کینه کافران را به شدت برمی انگیخت .

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم لمّا سمعوا الذکر

زمینه غضب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۵

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان ، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

شدت غضب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۶

۶ - بر افروختگی مشرکان با شنیدن آیات قرآن و خشم حاصل از آن ، به حدی بود که آنان را در آستانه حمله و تهاجم به کسانی قرار می داد که آیات قرآن را بر آنها تلاوت می کردند .

یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم ءایتنا

<سَطْو> (مصدر <یسطون>) به معنای تهاجم و حمله است; یعنی، چیزی نمانده که مشرکان با کسانی که آیات ما را بر

آنان می خوانند گلاویز شوند.

عجله در غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم -

۳ - ۴۸ - ۶۸

۳ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر شتاب نکردن در غضب و نفرین بر مردم و جدا شدن از آنان ، مانند شتاب کردن یونس (ع) در این باره

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

مفسران بر آنند که این آیه، به داستانی از یونس(ع) اشاره دارد که در سوره <انبیا> (آیه ۸۷) بیان شده است: <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات. ..>.

عفو هنگام غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۹،۱۰

۹ - چشم پوشی از خطای دیگران ، به هنگام خشم ، از صفات مهم اهل ایمان

للذین ءامنوا . .. الذین ... و إذا ما غضبوا هم یغفرون

اهمیت این صفت، از تخصیص به ذکر یافتن آن، استفاده می شود.

۱۰ - در گذشتن از خطای دیگران به هنگام غضب ، مایه برخورداری انسان از نعمت های جاودان آخرت

و ما عند اللّه . .. للذین ءامنوا ... و إذا ما غضبوا هم یغفرون

عوامل غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۲

۲ - ارتداد مردم و گمراه شدن آنان پس از هدایت ، مقوله ای سزاوار به خشم آمدن و فرو رفتن در حزن و اندوه

و أضلّهم السامریّ . فرجع موسی إلی قومه غضبن أسفًا

عوامل غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۷،۸،۹

۷ خیانتکاری و اختلاس ، زمینه ساز خشم و غضب

الهی

و من يغلل يأت بما غلّ . .. افمن اتّبع رضوان اللّه كمن بآء بسخط من اللّه

از مصاديق مورد نظر براى <من بآء بسخط>، خيانتكارانى هستند كه در آيه قبل به رسوايى آنان اشاره رفت.

۸ ترک صحنه پيكار و شركت نجستن در آن ، زمينه ساز خشم خداوند

انّ الّذين تولّوا منكم . .. كمن بآء بسخط من اللّه

۹ نسبت خيانت به پيامبر (ص) ، زمينه ساز خشم و غضب الهى

ما كان لنبىّ ان يغلّ . .. كمن بآء بسخط من اللّه

جمله <كمن بآء بسخط> مى تواند اشاره به كسانى باشد كه به ساحت پاک پيامبر (ص) چنين اتهاماتى را وارد كردند ; چنانچه در آيه قبل بدان اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۷

۷ - ظلم و بيدادگرى ، مايه دور شدن از رحمت خدا و گرفتار شدن به خشم و غضب او

فبعدًا للقوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۳

۳ - خداوند ، بيزار و خشمگين از سخن گفتن دوزخيان با او

ربّنا أخرجنا منها . .. قال اخسئوا فيها و لاتكلّمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۶

۶ - نسبت دادن دروغين زنا به زنان پاكدامن ، در پى دارنده لعنت خدا (محروم شدن از رحمت خدا و گرفتار شدن به خشم و غضب او)

والخمسه أنّ لعنت اللّه عليه إن كان من الكذبين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – نور –

۲ - ۲۳ - ۲۴

۲ - قذف زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن (نسبت دادن زنا به آنان) ، در پی دارنده خشم الهی و محرومیت از رحمت او

إنّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الأخره

<لعن> (مصدر <لعنوا>)، به معنای طرد کردن و دور ساختن فرد از خیر و نیکی است (لسان العرب). و هم چنین طرد برخاسته از خشم و غضب می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۸

۸ - تکذیب پیامبران الهی ، غضب و عذاب الهی را در پی دارد .

فکذّبوا رسلی فکیف کان نکیر

<نکیر> به معنای منکر و مکروه و کنایه از غضب الهی است. گفتنی است که نکیر به <ی> محذوف اضافه شده و به منزله <نکیری لهم> می باشد. بنابراین، معنا چنین می شود: آنان پیامبران مرا تکذیب کردند; به هنگام آمدن عذاب من، چه وضع و حالی خواهند داشت؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - تلاش در جهت ایجاد تردید در باور های دینی مسلمانان ، موجب خشم و عذاب الهی است .

و الذین یحاجّون فی اللّه . .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۱

۱- عذاب منافقان به هنگام مرگ ، معلول پیروِیِ آنان از آنچه مورد خشم الهی است .

یضربون وجوههم و أدبرهم . ذلک بأنّهم اتّبعوا ما أسخط اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

صف - ۶۱ - ۳ - ۵

۵ - < عن هِشام بن سالم قال : سـمعت أباعبـدالله (ع) يقول : عِدهُ المؤمن أخاه نذرٌ لا كفّارهَ له فمن أخلف فَبِخُلْفِ اللّه بَدأ و لمَقْته تعرّض و ذلک قوله : < يا أيّها الذين آمنوا لِمَ تقولون ما لاتفعلون . كبر مقتاً عنداللّه أن تقولوا ما لاتفعلون > ;

هشام بن سالم گویـد: از امام صادق(ع) شـنیدم که می فرمود: وعده مؤمن به برادر مؤمنش، نذری است که کفّاره ندارد. [ولی]کسی که خلف وعده کند، نخست با خدا خلف وعده کرده و خود را در معرض خشم او قرار داده است و این، سخن خداوند است که فرمود: يا أيّها الذين آمنوا لِمَ تقولون ما لاتفعلون . كبر مقتاً عنداللّه أن تقولوا ما لاتفعلون>.

عوامل غضب فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۷ - ۱

۱ - شدت یافتن خشم فرعون نسبت به موسی (ع) با تأکید موسی بر ربوبیت خدای یگانه هستی

قال ربّكم و ربّ ءابائكم الأوّلين . قال إنّ رسولكم... لمجنون

متهم کردن موسی به جنون، نشان دهنده شدت خشم فرعون است.

عوامل غضب فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - خشم فرعونیان از گریز شبانه بنی اسرائیل به منظور ترک دیار مصر

و إنّهم لنا لغائظون

۲ - اعمال و رفتار بنی اسرائیل ، همیشه مایه خشم و نگرانی فرعونیان

و إنّهم لنا لغائظون

تعبیر<غائظون> (به صیغه وصف) می تواند بیانگر این مطلب باشد که خشم فرعونیان، تنها به علت حرکت اخیر بنی اسرائیل

نبود; بلکه معمولاً حرکات بنی اسرائیل مایه خشم و غضب آنان می شده است.

عوامل غضب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۱

۱- چهره مشرکان دوران جاهلی ، به هنگام دریافت خبر دختردار شدن ، از شدت غضب و ناراحتی ، دگرگون می شد .

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه مسودًّا

عوامل غضب مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۱

۱ - خشم و ناراحتی شدید عرب جاهلی ، به هنگام اطلاع یافتن از تولد فرزندی دختر برای او

و إذا بشّر أحدهم . .. و هو کظیم

عوامل غضب موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱

۱ - موسی (ع) در پی آگاه شدن از گمراهی بنی اسرائیل همراه با خشم و اندوهی شدید ، به نزد آنان بازگشت .

و أضلّهم السامریّ . فرجع موسی إلی قومه غضبن أسفًا

با توجه به آیات دیگر قرآن در این زمینه و نیز قرینه های موجود در همین آیات، چنین برمی آید که گمراه شدن بنی اسرائیل به دست سامری در میقات چهل روزه موسی(ع)، اتفاق افتاده بود و رجوع موسی(ع) به قوم خود نیز پس از پایان میقات بوده است. <غضبان> چنان که برخی از اهل لغت گفته اند به شخصی گفته می شود که غضب شدیدی داشته باشد و <أسف> به فرد خشمگینی گفته می شود که بر چیزی افسوس می خورد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۴ – ۱

۱ – موسی (ع) با مشاهده گوساله پرستی بنی اسرائیل ، پس از بازگشت از میقات ، به شدت خشمگین شد .

یبنؤُمّ لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

گرفتن سر و ریش هارون، نشان شدت از ناراحتی موسی(ع) در مورد انحراف بنی اسرائیل دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۸ – ۷

۷ – برانگیخته شدن خشم موسی (ع) با مشاهده مرد اسرائیلی در حال درگیری مجدد با یکی دیگر از قبطیان

قال له موسی إنّک لغویّ مبین

عوامل غضب یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۱۳

۱۳ یعقوب (ع) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف (ع) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد ; یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

عوامل غضب یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۳،۲۲

۳– رفتار قوم یونس ، خشم شدید آن حضرت را برانگیخت و موجب ناخرسندی او شد .

إذ ذهب مغضبًا

۲۲ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً > یقول : من أعمال قومه < فظنّ أن لن نقدر علیه >
یقول

: ظنّ أن لن يعاقب بما صنع ;

از امام باقر(ع) در باره قول خدا <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً> روایت شده که: غضب یونس(ع) از اعمال قومش بود [و در معنای] <فظنّ أن لن نقدر علیه> فرمود: یونس(ع) گمان کرد که او در برابر آن چه انجام داده مجازات نمی شود>.

عوامل کظم غضب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۲

۲ مرگ و ذلت مشرکان متجاوز ، فرونشان شعله های خشم در سینه های مؤمنان صدر اسلام

قتلوهم یعذبهم اللّه . .. و یذهب غیظ قلوبهم

عوامل نجات از غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ - رهایی یافتن یهود از خواری و درماندگی و برطرف شدن غضب الهی از آنان ، در گرو ایمان واقعی ایشان به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح است .

ضربت علیهم الذله و المسکنه . .. من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً فلهم أج

در آیه قبل بیان شد که یهود بر اثر کفر و گناه به خواری، ذلت و غضب گرفتار شدند. آیه مورد بحث خصوصاً با توجه به اینکه از یهودیان نام برده (والذین هادوا) می تواند اشاره به این باشد که: راه نجات یهود از آن سرنوشت شوم ایمان و عمل صالح است.

غضب آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۱،۲

۱ تکذیب کنندگان قیامت ، آوای خشمگین و جوش و خروش آتش جهنم را از دور در

قیامت خواهند شنید .

إذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

<تغیظ>، به معنای شدت غضب و خشم و <زفیر> به معنای گرفتن سینه از شدت غم و به جوش و خروش افتادن است (برگرفته از لسان العرب و مفردات راغب).

۲ آتش جهنم به هنگام دیدن تکذیب کنندگان قیامت از راه دور ، به جوش و خروش آمده و فریاد خشمگینانه سرخواهد داد .

إذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

غضب ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۳ - ۳

۳ - شدت غضب و خشم ابراهیم (ع) ، به هنگام شکستن بت ها و معبودها

فراغ علیهم ضربًا بالیمین

گفتوگوی ابراهیم(ع) با بت ها با آن که آن حضرت می دانست که آنها از سخن گفتن ناتوان اند می تواند به منظور تقویت روح غضب و خشم خود نیست به آنها باشد تا عمل شکستن آنها خشمگینانه انجام گیرد.

غضب احزاب صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۳،۶

۳ - احزاب متّحد ، در حالی از محاصره مدینه ناامید و پراکنده شدند که آکنده از خشم بودند .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم

<باء> در <بغیظ> برای ملابسه است و <بغیظهم> حال برای موصول <الذین کفروا> است.

۶ - آکنده شدن احزاب متّحد از خشم و غضب ، معلول ناکامی آنان در تلاش شان بود .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا

<لم ینالوا خیراً> می تواند حال برای <الذین کفروا> باشد و احتمال دارد که برای بیان <بغیظهم> باشد.

برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

غضب اقوام پيشين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۹ - ۱۴

۱۴- اقوام كافر در برخورد با دلايل روشن انبيا ، بشـدت ناراحت و غضـبناك مى شدنـد و به صـراحت موضع كفرآلود خود را اعلام مى كردند .

جاءتهم رسلهم بالبيّنت فردّوا أيديهم فى أفوههم و قالوا إنا كفرنا بما أُرسلتم به

مراد از <ردّوا أيـديهم فى أفواههم> كنايه از غضب و خشم آنهاست كه در آيات ديگر نيز آمـده است (غضوا عليكم الأنامل من الغيظ).

غضب الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۸،۱۱،۱۲

۸ اهل كتاب (يهود) ، هموار كننده غضب الهى بر خويشتن

و باءُو بغضب من اللّه

۱۱ كفر مستمر يهود به آيات الهى و كشتن نارواى پيامبران ، موجب ذلت ، درماندگى و گرفتارى آنان به غضب الهى

ضربت عليهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه و ضربت عليهم المسكنه ذلک بانّهم كا

۱۲ عصيان يهود و تعدّى و تجاوز مستمر آنان ، موجب ذلت ، درماندگى و گرفتارى آنان به غضب الهى

ضربت عليهم الذّلّه . .. ذلک بما عصوا و كانوا يعتدون

بنابر اينكه <ذلک بما عصوا>، اشاره به ذلّت و . .. باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۴

۴ برخی از اهل کتاب به خاطر گرایش های ایمانی و رفتار پسندیده ، مصون از ذلّت و درماندگی و غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. لیسوا سوآءً من اهل الکتب

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۱۴

۱۴ صالحان از اهل کتاب ، آسوده از ذلّت و مسکنت و ایمن از غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. لیسوا سواءً من اهل الکتب امّه قائمه ... و اولئک من الصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۲

۲ اموال و اولاد ، تنها تکیه گاه به هنگام ذلت و ابتلای به غضب الهی ، از دیدگاه اهل کفر

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه ... انّ الذین کفروا لن تغنی

ظاهراً منظور از <الذین کفروا>، همان جناح اهل کتاب هستند که در آیات سابق وضعیت آنان بیان شد.

غضب انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۸

۸- امکان دچار شدن پیامبران به خشم ناروا و گمان نادرست *

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

برداشت یاد شده با الغای خصوصیت از یونس(ع) به دست می آید.

غضب بادیه نشینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۵

۵ نارضایتی و خشم شدید برخی از بادیه نشینان از انفاق های مالی و پرداخت مالیات به پیامبر (ص) و حکومت اسلامی

و من الأعراب . .. و یتربّص بکم الدوائر

غضب بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۸ - ۸

۸ - پرخاش کردن موسی (ع) نسبت به مرد اسرائیلی

قال له موسی إنّک لغویّ مبین

غضب بر جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۹ – ۱

۱ – خشم و برآشفتن فرعون از ایمان سریع ساحران به موسی (ع) ، بدون رخصت و اجازه وی

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

غضب بر جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۲ – ۴

۴ – مأموران دورخ ، آکنده از خشم و نفرت نسبت به دوزخیان

کلّما أرادوا . .. و ذوقوا عذاب الحریق

غضب بر دشمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۳ – ۶

۶ لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

غضب بر قوم یونس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۲۲

۲۲ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً > یقول : من أعمال قومه < فظنّ أن لن نقدر علیه > یقول : ظنّ أن لن یعاقب بما صنع ;

از امـام بـاقر(ع) در باره قول خـدا <و ذاالنون إذ ذهب مغاضـباً> روایت شـده که: غضب یونس(ع) از اعمال قومش بود [و در معنای] <فظنّ أن لن نقدر علیه> فرمود: یونس(ع) گمان کرد که او در برابر آن چه انجام داده مجازات نمی شود>.

غضب بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۶

۶ لزوم به کارگیری شدت

و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۱

۱ - کافران ، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند .

قتل الإنسن ما أکفره

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است; زیرا معنای حقیقی نفرین، درباره او قابل تصور نیست. <ال> در <الإنسان> به قرینه <فلینظر الإنسان...> در آیات بعد برای ماهیت است و جمله <ما أکفره> نشان می دهد که در نفرین <قتل الإنسان>، تنها کافران مد نظر می باشند.

غضب بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۱

۱ - نگاه کافران به پیامبر (ص) ، نگاهی خشم آلود و کینه توزانه بود .

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم

<زَلَق> (مرادف <ذلل>) به معنای لغزیدن و سقوط کردن است و عبارت <لیزلقونک بأبصارهم> کنایه از این است که کافران، با نگاه خشم گینانه و کینه توزانه، به پیامبر(ص) می نگریستند; مانند آن که گفته می شود: فلان کس آن چنان به من نگاه می کند، که گویا می خواهد مرا با نگاهش بخورد و یا بکشد; یعنی، اگر برای او ممکن باشد که با نگاهش مرا بخورد و یا بکشد، چنین خواهد کرد.

غضب بر مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۱۳

۱۳- مرتدان ، مورد غضب و خشم خداوندند .

من كفر

بالله من بعد إیمنه . .. فعلیهم غضب من الله

غضب بر مشرکان ناسپاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۷

۷- غضب شدید خداوند از مشرکان ناسپاس رهیده از مشکلات و ناگواریها

ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم إذا . .. بربّهم یشرکون ... فتمتّعوا فسوف تعلمون

التفات از غیبت به خطاب، احتمال دارد برای بیان شدت غضب و سخط خداوند باشد.

غضب بر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۵

۵ - توجّه به سقوط اخلاقی منکران معاد ، تا حد خشونت با یتیمان ، مایه پرهیز از تکذیب آخرت است .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

غضب بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۷۸

۷- یونس (ع) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر ، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد . *

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

۸- امکان دچار شدن پیامبران به خشم ناروا و گمان نادرست *

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

برداشت یاد شده با الغای خصوصیت از یونس(ع) به دست می آید.

غضب پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۴

۴ - غضب کردن به جهت مشاهده انحرافات و گمراهی ها ، ممدوح است .

لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

نقل ماجرای غضب موسی(ع) که در گرفتن موهای سر و ریش برادر تجسم یافته بود بدون نکوهش و مذمت آن، بر پسندیده

بودن این حالت در مورد امور دینی دلالت دارد.

غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۴

۲۴ - بنی اسرائیل ، به غضب و خشم خداوند گرفتار شدند .

و باءو بغضب من اللّه

<باءو> به معنای بازگشتند، است. <باء> در <بغضب> برای ملابست و مصاحبت می باشد; یعنی، بازگشتند در حالی که غضب و خشم خدا را به دوش می کشیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۵،۱۶،۱۷،۱۸

۱۵ - یهودیان ، مردمی گرفتار شده به غضب و خشم خداوند

فباء و بغضب علی غضب

۱۶ - یهودیان ، بر اثر انکار رسالت پیامبر و کفر به قرآن ، خشم خداوند را بر خویش هموار ساختند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه . .. فباء و بغضب علی غضب

<باءوا> به معنای <بازگشتند> است. حرف <باء> در <بغضب> بای مصاحبت یا ملابست می باشد; یعنی، یهودیان از آن مبادله (فروختن خویش به کفر) باز آمدند، در حالی که غضب الهی را به همراه داشتند.

۱۷ - یهودیان به خاطر کفرشان به تورات ، مورد غضب و خشم خدا قرار گرفتند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه . .. فباء و بغضب علی غضب

تفریع جمله <باءوا . ..> بر جمله های سابق، بیانگر آن است که: منشأ خشم خدا بر یهود، کافر شدن به قرآن و تورات از یکسو و حسدورزی و اعتراض آنان به خداوند از سوی دیگر است و لذا می توان گفت: <غضب> اول به خاطر کفر آنان و <غضب> دوم به خاطر حسادت و اعتراضشان

می باشد.

۱۸ – آنان که علی رغم اطمینان به حقانیت قرآن بدان کافر شوند ، به خشم و غضب خدا گرفتار خواهند شد .

أن یکفروا بما أنزل اللّه . .. فباء و بغضب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۵ – ۱۶،۱۱،۱۰

۱۰ مُفسد ، مبغوض خداوند است .

و اللّه لا یحب الفساد

۱۱ نابود کردن کشاورزی و نسل کشی ، مبغوض خداوند

و اذا تولی . .. و یهلك الحرث و النسل و اللّه لا یحب الفساد

۱۶ حاکمان فاسد و فسادانگیز ، مبغوض خداوند هستند .

اذا تولی . .. و اللّه لا یحب الفساد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۱۳

۱۳ شدت غضب خداوند ، از کشتن انبیا و عدالتخواهان *

و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

بنظر می رسد تکرار کلمه <یقتلون> برای بیان مبغوضیّت قتل باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۸ – ۲۰

۲۰ اعتقاد به بازگشت انسان به سوی خداوند ، مقتضی پرهیز از قهر او

و یحذّرکم اللّه نفسه و الی اللّه المصیر

<الی اللّه المصیر>، بیانگر احاطه قدرت خداوند بر انسان است; پس باید از قهر خداوند پرهیز کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۹ - ۴

۴ توجه به علم و قدرت مطلق الهی ، مقتضی پرهیز از قهر او *

و یحذرکم اللّه نفسه . .. قل ان تخفوا ما فی صدورکم ... یعلمه اللّه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۳،۱۲

۳ قیامت ، روز تحقق عقاب و قهر الهی و یافتن اعمال خیر و شر

و یحذّرکم اللّه نفسه . .. یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر ... من سوء

۱۲ اعتقاد به حضور اعمال نیک و بد آدمی در قیامت ، عامل پرهیز از قهر خداوند

یوم تجد کلّ نفس . .. و یحذرکم اللّه نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۱،۱۵،۲۵

۱۱ سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، مورد غضب الهی و محروم از سخن گفتن و توجه نمودن خداوند به آنان در آخرت

انّ الّذین یشترون . .. و لا یکلّمهم اللّه و لا ینظر الیهم یوم القیمه

۱۵ علمای اهل کتاب به لحاظ سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مورد غضب خداوند ، و محروم از سخن و نظر او در قیامت و بی بهره از تزکیه او

و منهم من ان تأمنه بدینار . .. انّ الذین یشترون ... و لا یکلّمهم اللّه و لا ینظر

۲۵ کسی که با سوگند دروغ مال مسلمانی را به چنگ آورد ، مورد غضب الهی است .

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه . .. لهم عذاب الیم

رسول اللّه (ص): من حلف یمیناً یقتطع بها مال اخیه، لقی اللّه عز و جل و هو علیه غضبان فانزل اللّه تصدیق ذلک فی کتابه <ان الذین یشترون . .. >.

امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۶۸، جزء ۱۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۱۹۳.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱،۲،۱۱

۱ دسته ای از مردم جوینده رضا و خشنودی خدا و گروهی زمینه ساز خشم و غضب الهی بر خود

افمن اتّبع رضوان اللّه کمن بآء بسخط من اللّه

۲ یکسان نبودن سرنوشت مؤمنان جوینده خشنودی خداوند ، با هموارکنندگان غضب و خشم الهی بر خویش

افمن اتّبع رضوان اللّه کمن بآء بسخط من اللّه

۱۱ دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم آنانکه خشم و غضب الهی را بر خویش هموار ساخته اند .

کمن بآء بسخط من اللّه و مأویه جهنّم و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۳ - ۲،۳،۸

۲ جویندگان خشنودی و غضب الهی ، هر کدام دارای درجه و جایگاه متفاوت در پیشگاه خداوند هستند .

افمن اتّبع رضوان اللّه کمن بآء بسخط . .. هم درجات عند اللّه

در برداشت فوق ضمیر <هم> به دو گروه مذکور در آیه قبل برگردانده شده و کاربرد درجه در مورد غضب شدگان از جهت تغلیب است.

۳ هموارکنندگان غضب الهی بر خویشتن ، دارای جایگاه های شومِ متفاوت در پیشگاه خداوند *

کمن بآء بسخط من اللّه . .. هم درجات عند اللّه

در برداشت فوق، <هم> به خصوص <کمن بآء بسخط> برگردانده شده است و مؤیّد این احتمال، نزدیک بودن ضمیر <هم> به مرجعش (کمن بآء) است.

۸ توجه به بینایی گسترده خداوند بر اعمال و رفتار آدمی ، برانگیزنده وی به جلب رضایت خداوند و پرهیز از موجبات خشم او

افمن اتّبع رضوان اللّه کمن بآء بسخط من اللّه .

.. و اللّه بصير بما يعملون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۲۲ – ۷

۷ ازدواج با همسر پدر (و يا زنى كه پدر با او آميزش كرده) ، زشت و مورد خشم خدا و روشى ناپسند است .

و لا تنكحوا ما نكح اباءُوكم . .. انّه كان فاحشةً و مقتاً و ساء سبيلًا

<مقت>، به معناى خشم است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۹۳ – ۱

۱ خلود در جهنّم ، غضب و لعنت الهى ، كيفر كشتن مؤمن از روى عمد

و من يقتل مؤمنا متعمّداً فجزاؤه جهنّم خالداً فيها و غضب اللّه عليه و لعنه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۴ – ۳

۳ نقض ميثاق از سوى يهود ، سبب شد تا خداوند بر آنان خشم گيرد و كوه طور را بر سر آنان بالا برد .

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

برداشت فوق بر اين اساس است كه نقض ميثاق و تصميم بر ادامه نقض ميثاق علت برافراشتن كوه طور باشد ; بنابراين جمله <و رفعنا . ..> يعنى بدان سبب كه پيمان الهى را شكستند و تصميم بر ادامه پيمان شكنى داشتند، به عنوان تهديد، كوه طور را بر سر آنان بالا برده و مسلط ساختيم.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۶۰ – ۱۳،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹

۱۳ گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل كتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان

به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً . .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

۱۶ گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

۱۷ بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه اللّه و غضب علیه و جعل منهم . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران <مکاناً> را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّه . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۹

۱۹ گرفتار شدن آدمی به لعنت پیامبران ، نشاندهنده خشم و غضب الهی بر وی

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود . .. ان سخط اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵

- انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۸

۸ رحمت خدا بر غضب وی پیشی دارد.

فإن کذبوک فقل ربکم ذو رحمه وسعه و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۱،۲

۱ خداوند ، قوم عاد را به سبب شرکورزی و انکار رسالت هود به پلیدی گرفتار ساخت و بر آنان غضب کرد .

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

۲ هود (ع) در پاسخ ناباوری قوم عاد به اخطار های عذاب ، فراهم آمدن زمینه های عذاب (پلید گشتن و گرفتاری به غضب خدا) را به آنان ابلاغ کرد .

فأتنا بما تعدنا . .. قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۱،۳

۱ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به غضبی شدید و قریب الوقوع تهدید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذله فی الحیوه الدنیا

<فی الحیوه الدنیا> علاوه بر اینکه قید برای <ذله> است، می تواند <قید> برای غضب نیز باشد. در این صورت مراد از غضب الهی گرفتار ساختن به عذابهای دنیوی است. نکرده آوردن <غضب> دلالت بر شدت غضب و عظمت آن دارد.

۳ عقوبت ها و کیفر های خداوند پرتویی از غضب اوست .

سینالهم غضب من ربهم

مراد از غضب به دلیل <سینالهم> (به آنان اصابت می کند) کیفر و عقوبت است. زیرا غضب یک حالت و صفت است و از کسی به دیگری منتقل نمی شود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۲

۱۲ سبقت رحمت خدا بر غضب او

عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی وسعت کل شیء

خداوند در بیان رحمت، فعل ماضـی (وسعت) آورده و همگان را مشمول آن قرار داده است، ولی در بیان غضب، فعل مضارع (أصیب) به کار برده و با مترتب ساختن آن بر مشیت خویش، <من أشاء>، آن را امری مقدر و قطعی قلمداد نکرده است. از مقایسه این دو بیان به دست می آید که رحمت خدا اصل و غضب او عارضی و محدود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۷

۲۷ سبقت رحمت الهی بر کیفر و غضبش

فإن یتوبوا یک خیراً لهم و إن یتولوا یعذبهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۱۳

۱۳ عبـد الأعلی گوید : قلت لأبی عبداللّه (ع) : < . . . و سئلته عن قوله تعالی < و ما کان اللّه لیضل قوماً بعد إذ هدیهم حتی یبین لهم ما یتقون > قال : حتی یعرفهم ما یرضیه و ما یسخطه ;

به امـام صادق (ع) گفتم: . .. و درباره قول خـدای تعالی: < ... حتی یبین لهم ما یتقون> سؤال کردم، فرمود: مراد این است تا اینکه به آنها بشناساند آنچه که او را خشنود می کند و آنچه او را به غضب در می آورد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۰

۴- تقدم و سبقت لطف و رحمت خداوند بر غضب و عذاب او

نبّیء عبادی أنی أنا الغفور الرحیم . و أن عذابی هو العذاب الألیم

از اینکه خداوند در توصیه به پیامبراسلام(ص) ابتدا غفران و رحمت خود و سپس عذاب خویش را ذکر کرده است می تواند بیانگر این باشد که: غفران و رحمت خداوند همواره بر غضب و عذاب او مقدم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۵

۵- لطف و رحمت الهی بر آدمیان ، همواره ، مقدّم بر غضب او است .

و ربّک الغفور ذوالرحمه لو یؤاخذهم بما کسبوا لعجّل لهم العذاب

جمله <و ربّک الغفور. ..> به منزله تعلیلی برای امتناع در <لو یؤاخذهم> است; یعنی، اگر تعجیلی در مؤاخذه و عذاب برخی از کافران صورت نمی گیرد، به دلیل غفران و رحمت گسترده پروردگار است. بر این اساس، شمول غفران و رحمت خداوند، سابق بر شمول غضب و عقوبت او است; یعنی، اصل اوّلی، شمول رحمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - محبت و قهر خدا ، از ملاک های ارزشگذاری اَعمال و رفتار است .

لاتصعّر . .. و لاتمش ... إنّ اللّه لایحبّ کلّ مختال فخور

از این که لقمان، برای تبیین ضد ارزش بودن تکبر، به این ملاک تمسک جسته است، استفاده می شود که محبت خداوند و متقابلاً قهر وی در شایسته بودن اَعمال و یا عدم آن نقش اساسی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴

۸ - کافران ، هیچ گریزی از حیطه قهر و قدرت خداوند ، ندارند .

نضطرّهم إلی عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳ - ۷

۷ - سبقت رحمت و فضل خداوند ، بر غضب و عقوبت او

غافر الذنب و قابل التوب شدید العقاب ذی الطول

از تقدم دو صفت <غافرالذنب> و <قابل التوب>، بر <شدیدالعقاب> و <ذی الطول>، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

غضب فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱

۱ - خشم و برآشفتن فرعون از ایمان سریع ساحران به موسی (ع) ، بدون رخصت و اجازه وی

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۲

۲ - ناتوانی فرعون از نابود ساختن موسی (ع) ، علی رغم خشم و دشمنی عمیق وی نسبت به او و آیینش

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

مأموریت جدید موسی(ع)، نشانگر آن است که فرعون علی رغم تلاش برای نابودی آیین موسی(ع) نتوانست به خود وی آسیبی برساند.

غضب قوم ابراهیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵۹ – ۸

۸- قوم ابراهیم ، هنگام دیدن بت های شکسته خود برآشفته شدند .

قالوا من فعل هذا بالهتنا إنّه لمن الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۴ – ۲

۲ – شدت خشم و نگرانی قوم ابراهیم ، از شکسته شدن

بت های شان

فأقبلوا إليه يزفّون

حركت شتابان قوم ابراهيم به جانب آن حضرت پس از شكسته شدن بت ها، مى تواند گوياى برداشت بالا باشد.

غضب كارگزاران جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۴

۴ - مأموران دورخ ، آكنده از خشم و نفرت نسبت به دوزخيان

كلّما أرادوا . .. و ذوقوا عذاب الحريق

غضب كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۱

۱ - نگاه كافران به پيامبر (ص) ، نگاهى خشم آلود و كينه توزانه بود .

و إن يكاد الذين كفروا ليزلقونك بأبصرهم

<زَلَق> (مرادف <ذلل>) به معناى لغزيدن و سقوط كردن است و عبارت <ليزلقونك بأبصارهم> كنايه از اين است كه كافران، با نگاه خشم گينانه و كينه توزانه، به پيامبر(ص) مى نگريستند; مانند آن كه گفته مى شود: فلان كس آن چنان به من نگاه مى كند، كه گويا مى خواهد مرا با نگاهش بخورد و يا بكشد; يعنى، اگر براى او ممكن باشد كه با نگاهش مرا بخورد و يا بكشد، چنين خواهد كرد.

غضب مكذبان قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۵

۵ - توجّه به سقوط اخلاقى منكران معاد ، تا حد خشونت با يتيمان ، مايه پرهيز از تكذيب آخرت است .

فذلك الذی یدّع الیتیم

غضب موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲،۷

۲ موسی (ع) به هنگان باز گشت به سوی بنی اسرائیل از گمراه

شدن قومش خشمگین و بسیار اندوهناک بود .

و لما رجع موسی إلی قومه غضبن أسفاً

<أسِف> به کسی گفته می شود که بسیار اندوهناک باشد. (برگرفته از لسان العرب).

۷ موسی (ع) بر اثر شدّت غضب به خاطر گوساله پرستی قومش ، لوحه های تورات را بر زمین افکند .

لما رجع موسی إلی قومه غضبن أسفاً . .. و ألقی الألواح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۱ – ۴

۴ موسی (ع) خشم شدید خویش را بر هارون خطا تلقی کرد و به خاطر آن از خداوند آمرزش طلبید . *

قال رب اغفر لی

از اینکه موسی(ع) پس از شنیدن سخنان هارون برای خویش طلب مغفرت کرد، معلوم می شود از برخورد شدید خویش با هارون پشیمان شد و آن را خطا تلقی کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۶ – ۳

۳ – موسی (ع) ، تحت تأثیر خشم و اندوه

غضبن أسفًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۴ – ۲،۵

۲ – موسی (ع) با گرفتن سر و ریش هارون ، او را در باره گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در غیاب خود مورد بازخواست قرار داد .

یهرون ما منعک . .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

۵ – هارون (ع) با مشاهده غضب موسی (ع) ، سعی در فرونشاندن خشم آن حضرت و جلب محبت و تحریک عواطف او

داشت .

قال يبنؤُمّ

مخاطب قرار دادن موسی(ع) با ندای <یابن أمِّ> گویای

این نکته است که هارون(ع) سعی داشت با برانگیختن احساسات موسی، غضب او را فرونشانده و سپس توضیحات خود را بیان کند. در باره مفتوح بودن کلمه <أُمّ> توجیهاتی بیان شده است; از جمله این که اصل آن <یابن أمّاه> بوده و برای تخفیف چنین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۸ - ۸

۸ - پرخاش کردن موسی (ع) نسبت به مرد اسرائیلی

قال له موسی إنّک لغویّ مبین

غضب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۵

۵- مؤمنان از برخورد های ناروا و غیر منطقی مشرکان با پیامبر (ص) ، بسیار خشمگین بودند .

و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

در شأن نزول آیه آمده است: مؤمنان، وقتی مشاهده می کردند که پیامبر(ص) از جانب مشرکان مورد آزار و اذیت قرار می گیرد، از آن حضرت اجازه جهاد و برخورد می خواستند که این آیه نازل شد (مجمع البیان).

غضب مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۱

۱ دل های مؤمنان صدر اسلام نسبت به مشرکان پیمان شکن ، آکنده از خشم بود .

ألا تقتلون قوماً نکثوا أیمنهم . .. و یشف صدور قوم مؤمنین. و یذهب غیظ قلوبهم

غضب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۱

۱ یعقوب (ع) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از

ایشان روی برتافت .

و تولی عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزنـدانش به قرینه <فهو کظیم> از سر خشم و غضب بر آنان بوده است.

غضب یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲،۵،۷،۲۱

۲- یونس (ع) خشمگینانه از میان قومش بیرون رفت و به سرزمین دیگری هجرت کرد .

إذ ذهب مغضبًا

آن چه از نظر مفسران و مورخان استفاده می شود، این است که یونس(ع) از میان قومش، به خاطر ایمان نیاوردنشان، خشمگینانه بیرون رفت و به جای دیگری هجرت کرد و آیه شریفه ناظر به این داستان است.

۵- گمان یونس (ع) در سخت نگرفتن خداوند بر وی ، نسبت به ترک قوم خویش

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

یکی از معناهای <قدر>، سخت گرفتن و تنگ گرفتن(ضیق) است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۷- یونس (ع) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر ، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد . *

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

۲۱- < قال المأمون للرضا (ع) فأخبرنی عن قول اللّه عزّوجلّ : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه > فقال الرضا (ع) : ذاک یونس بن متی (ع) ذهب مغاضباً لقومه < فظنّ > بمعنی إستیقن < أن لن نقدر علیه > أی لن نضیق علیه رزقه . . . < فنادی فی الظلمات > أی ظلمه اللیل و ظلمه البحر و ظلمه

بطن الحوت : < أن لاـ إله إلاّـ أنت سبحانك إنّی کنت من الظالمین > بترکی مثل هذه العباده التی قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که] مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزّوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه> امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناك بود، از میان آنان برفت. <ظنّ> در کلام خدا به معنای <إستیقن> و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نضیق علیه رزقه> ... می باشد. <فنادی فی الظلمات>; یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إنّی کنت من الظالمین>; یعنی، ... من از ستم کارانم; زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم>.

کظم غضب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۷

۷- توانمندی انسان بر فرو خوردن خشم و کنترل احساسات خویش

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه مسودًّا و هو کظیم

کظم غضب موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۴

۱۴ هارون با تحریک عواطف موسی (ع) در صدد تسکین غضب او و مطمئن ساختنش بر انجام وظایف و مسؤولیت های خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل برآمد .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

به نظر می رسد هارون با انتخاب <ای فرزند مادرم> در

خطاب به موسی، در صدد تحریک عواطف وی به سوی خود بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱،۲

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمرزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست .

و لما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله <و لما سکت . .. >، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی(ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

۲ موسی (ع) پس از فرونشستن خشمش ، لوحه های تورات را که بر اثر غضب ر ها ساخته بود ، از زمین برگرفت .

و لما سکت عن موسی الغضب أخذ الألواح

کظم غضب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۳

۱۳ یعقوب (ع) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف (ع) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد ; یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

کیفر غضب یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۲

۱۲- گرفتار آمدن یونس (ع) در دریا و شکم ماهی

، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذاالنون إذ ذهب مغضبًا . .. فنادی فی الظلمت

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

مبارزه با غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ - آرامش و بردباری ، سلاحی کارآمد و سازنده در رویارویی با خشم و تعصب جاهلانه

فی قلوبهم الحمیّه . .. فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

از این که خداوند، در قبال لجاجت و خشم جاهلانه مشرکان، پیامبر(ص) و مؤمنان را به سلاح آرامش و طمأنینه مجهز ساخته است; مطلب بالا استفاده می شود.

محمد(ص) و غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - ساحت پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، مبرّا از لجاجت ، خشم و تعصب جاهلی

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه فأنزل اللّه سکینته

از مقابله رسول و مؤمنان با کافران متعصبِ جهالت پیشه، مطلب بالا استفاده می شود.

مدح تعدیل غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - تعدیل و کنترل نیروی غضب ، مورد ستایش وحی است ; نه نابودی و ریشه کن ساختن اصل آن .

و إذا ما غضبوا هم يغفرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند در بیان صفات مؤمنان کامل، نفرموده است که آنان غضبناک نمی شوند; بلکه عفو و گذشت آنان را مطرح کرده و مورد ستایش قرار داده است.

مراتب غضب

خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۸ – ۱۳

۱۳ – شدت خشم الهی ، نسبت به قوم ستم پیشه نوح

و لاتخطبنی فی الذین ظلموا . .. فإذا استویت ... فقل الحمد للّه

مراد از غضب خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۱ – ۲۰

۲۰ – < عن بعض أصحابنا قال : کنت فی مجلس أبی جعفر (ع) إذ دخل علیه عمروبن عبید فقال له : جعلت فداک قول اللّه تبارک و تعالی : < و من یحلل علیه غضبی فقد هوی > ما ذلک الغضب ؟ فقال أبوجعفر (ع) : هو العقاب ، یاعمرو انّه من زعم انّ اللّه قد زال من شیء إلی شیء فقد وصفه صفه مخلوق و أنّ اللّه تعالی لایستفزه شیء فیغیّره ;

راوی گوید: در مجلس امام باقر(ع) بودم که عمروبن عبید وارد شد، پس به آن حضرت گفت: فدایت شوم سخن خداوند تبارک و تعالی <و من یحلل علیه غضبی فقد هوی> مراد از این غضب چیست؟ فرمود: آن عقاب است ای عمرو! همانا کسی که گمان کند خداوند از حالی به حالی دیگر می شود، پس او را به صفت مخلوق توصیف کرده است و خدای تعالی را چیزی تحریک نمی کند تا در او تغییر ایجاد کند>.

مصونیت از غضب خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۲ – ۱،۵

۱ مؤمنانی که ایمانشان از هر گونه شرک پیراسته باشد، از موهبت امنیت الهی برخوردار و

از خشم و عذاب او مصون هستند.

الذین ءامنوا و لم یلبسوا إیمنهم بظلم أولئک لهم الأمن

۵ جامعه ایمانی به دور از هر گونه شرک و ظلم، از خشم و عذاب خداوند در امان است.

فأی الفریقین أحق بالأمن . .. الذین ءامنوا ... أولئک لهم الأمن

چون در آیه قبل از موحدان و مشرکان به عنوان دو گروه یاد شده و در این آیه نیز از موحدان با صیغه ها و ضمایر جمع یاد شده، چنین برمی آید که امنیت از آن جامعه با هویت جمعی آن است، گر چه آحاد نیز مشمول آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۲

۲- رهایی انسان از مهلکه ای ، ایمنی بخش همیشگی وی از قهر الهی نخواهد بود .

نجّکم إلی البرّ . .. أفأمنتم أن یخسف بکم جانب البرّ

موجبات غضب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۰،۳۴،۳۵

۳۰ - بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه و یقتلون النبیین

۳۴ - انکار آیات الهی و کفر به آنها ، در پی دارنده خشم و غضب خداوند است .

و باءو بغضب من اللّه ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه

۳۵ - کشتن رهبران الهی ، موجب ذلت و فقر و در پی دارنده غضب خداوند است .

ضربت علیهم الذله . .. ذلک بأنهم ... یقتلون النبیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ حرمت گوش سپردن به سخنان حرام و شنودن آنچه موجب غضب خداوند است .

و قد نزل عليكم فى الكتب أن إذا سمعتم ءايت اللّه يكفر بها

امام صادق(ع): . .. و فرض على السمع ان يتنزه عن الاستماع الى ما حرم اللّه ... و الاصغاء الى ما اسخط اللّه عز و جل فقال فى ذلك: و قد نزل عليكم فى الكتب ان اذا سمعتم ءايت اللّه يكفر بها و يستهزأ بها فلاتقعدوا معهم ... .

كافى، ج ۲، ص ۳۵، ح ۱; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۶۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۴

۴ ادعاى كشتن حضرت مسيح (ع) على رغم اعتراف به پيامبرى وى مايه گرفتارى يهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنّا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول اللّه

بدان احتمال كه <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آيه ۱۵۵ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۳،۱۴،۱۵،۱۷،۱۸،۲۰

۱۳ گرفتارى به غضب الهى سرنوشت شوم بنى اسرائيل

لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللّه عليهم

<ان سخط اللّه عليهم> به اصطلاح اهل ادب، مخصوص به ذم است يعنى گرفتارى بنى اسرائيل به غضب و سخط الهى، دستاورد شومى است كه براى آخرت خويش فرستاده اند.

۱۴ پذيرش ولايت كافران و دوستى با آنان ، موجب غضب خداوند بر بنى اسرائيل

ترى كثيراً منهم يتولون . .. لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللّه عليهم

۱۵ عصيان ، تجاوزگرى و ترك نهى از منكر ، موجب سخط و غضب

خداوند

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون . .. کانوا لایتناهون عن منکر ... سخط اللّه علیهم

<ماقدمت لهم انفسهم> می تواند اشاره به تمامی رفتارهای ناروایی باشد که در این آیه و آیات قبل بیان شد. قابل ذکر است که در این صورت <ان سخط اللّه> مضافی همانند موجبات در تقدیر دارد یعنی <موجبات سخط اللّه>.

۱۷ غضب الهی و عذاب همیشگی ، دستاور پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان

یتولون الذین کفروا لبئس . .. ان سخط اللّه علیهم و فی العذاب هم خلدون

۱۸ خلود در عذاب مظهر خشم و غضب خداوند

ان سخط اللّه علیهم و فی العذاب هم خلدون

جمله <و فی العذاب . ..> بیان نمودی از خشم الهی (ان سخط اللّه) بر گنهکاران است.

۲۰ غضب خدا و عذاب همیشگی ، پیامد دوستی بسیاری از بنی اسرائیل با پادشاهان ستمگر و زیبا جلوه دادن هوا های نفسانی آنان ، به امید دستیابی به بهره های دنیایی آنان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا . .. و فی العذاب هم خلدون

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یتولون الملوک الجبارین و یزیّنون لهم اهوائهم لیصیبوا من دنیاهم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۱۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۳،۶

۳ شرکورزی و انکار رسالت انبیا ، موجب پلیدی انسان و روایی غضب خداوند بر اوست .

قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

۶ پلیدی و نکبت قوم عاد ، موجب غضب الهی بر آنان شد .

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

تقديم

ذکری <رجس> بر <غضب> می تواند حاکی از تقدم رتبی آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۵،۶

۵ گرفتار شدن به غضب الهی و عجین شدن زندگانی دنیا به ذلت و خواری ، فرجام پرستشگران غیر خدا

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذله فی الحیوه الدنیا

۶ ابتلای افترازنندگان بر خدا ، به خشم او و آمیخته شدن زندگانی آنان به ذلت و خواری ، از سنت های خداوند در جوامع انسانی است .

و کذلک نجزی المفترین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۱۴

۱۴- افترا بستن به خداوند ، مورد غضب و سخط شدید خداوند

و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا ممّا رزقنهم تالله لتسئلنّ عمّا کنتم تفترون

التفات از غیبت به خطاب، می تواند حاکی از نکته فوق باشد. قسم به لفظ جلاله و لام و نون تأکید در فعل مجهول <تُسئلنّ> نیز می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۱

۱- میل و گرایش به کفر پس از پذیرش ایمان (ارتداد) ، موجب خشم شدید الهی است

من کفر بالله من بعد إیمنه . .. فعلیهم غضب من الله

موجبات غضب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوک ، برانگیزنده خشم کافران بود .

و لا یطئون موطئاً یغیظ الکفار

با توجه به اینکه این بخش از آیات در مورد

جنگ تبوک است، برداشت فوق استفاده می شود.

مؤمنان و غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - ساحت پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، مبرّا از لجاجت ، خشم و تعصب جاهلی

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه فأنزل اللّه سکینته

از مقابله رسول و مؤمنان با کافران متعصبِ جهالت پیشه، مطلب بالا استفاده می شود.

نابودی غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - تعدیل و کنترل نیروی غضب ، مورد ستایش وحی است ; نه نابودی و ریشه کن ساختن اصل آن .

و إذا ما غضبوا هم یغفرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند در بیان صفات مؤمنان کامل، نفرموده است که آنان غضبناک نمی شوند; بلکه عفو و گذشت آنان را مطرح کرده و مورد ستایش قرار داده است.

ناپسندی غضب بر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۲

۲ - پرخاش به یتیمان و از خود راندن آنان ، رفتاری نکوهیده است .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

نجات از غضب خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۸

۸ نجاتبخش نبودن قدرت و تمکن مادی از هلاکت و قهر الهی

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض

نشانه های غضب خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۶ – ۱۵

۱۵– عذاب

بزرگ ، نمود خشم شدید الهی است .

فعلیهم غضب من الله و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - افول تمدن ها و هلاکت جوامع کفرپیشه ، نمودی است از خشم و نفرین الهی در حق آنان

فأتبعنا بعضهم بعضًا. .. فبعدًا لقوم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۲

۲- عذاب گنه کاران به هنگام مرگ ، نمود خشم الهی بر آنان

یضربون وجوههم و أدبرهم . ذلک بأنّهم اتّبعوا ما أسخط اللّه

<ذالک> اشاره به <یضربون. ..> است; یعنی، عذاب هنگام مرگ، نتیجه و نمود سخط و خشم خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۳

۳ - سرنوشت هلاکت بار فرعونیان و قوم ثمود ، نمونه ای بارز از برخورد تند و قهرآمیز خداوند با کافران است .

إنّ بطش ربّک . .. فرعون و ثمود

نشانه های کظم غضب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب (ع) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف (ع) و بنیامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تولّى عنهم . .. فهو كظيم

برداشت فوق ، مقتضاى تفريع <هو كظيم> به وسيله حرف <فاء> بر <تولّى عنهم> است.

نهى از غضب بر متكديان

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را از رد درخواست گدایان و راندن خشونت آمیز آنان از خود ، برحذر داشت .

و أمّا السائل فلاتنهر

<نَهْر> (مصدر <لاتنهر>)؛ یعنی، کسی را با فریاد خشونت آمیز از خود راندن. (مفردات راغب)

غضب شدگان

{غضب شدگان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۱،۱۵،۲۵

۱۱ سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، مورد غضب الهی و محروم از سخن گفتن و توجه نمودن خداوند به آنان در آخرت

انّ الّذین یشترون . .. و لا یکلّمهم اللّه و لا ینظر الیهم یوم القیمه

۱۵ علمای اهل کتاب به لحاظ سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مورد غضب خداوند ، و محروم از سخن و نظر او در قیامت و بی بهره از تزکیه او

و منهم من ان تأمنه بدینار . .. انّ الذین یشترون ... و لا یکلّمهم اللّه و لا ینظر

۲۵ کسی که با سوگند دروغ مال مسلمانی را به چنگ آورد ، مورد غضب الهی است .

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه . .. لهم عذاب الیم

رسول اللّه (ص): من حلف یمیناً یقتطع بها مال اخیه، لقی اللّه عز و جل و هو علیه غضبان فانزل اللّه تصدیق ذلک فی کتابه <ان الذین یشترون . .. >.

امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۶۸، جزء ۱۲ ؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۱۹۳.

غفلت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غفلت

آثار اجتماعی غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸

۱۲ جامعه بی خبر از تعالیم دینی و از یادبرنده خدا ، در معرض هلاکت و محکوم به نابودی است .

حتّی نسوا الذکر و کانوا قومًا بورًا

برداشت فوق، از تقدم جمله <حتّی نسوا الذکر> بر <کانوا قوماً بوراً> و ارتباط میان آن دو، استفاده شده است.

آثار اجتناب از غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۷

۷ - شناخت ربوبیت خدا در هستی ، نیازمند تعقل و پرهیز از غفلت و سطحی نگری

قال ربّ المشرق و المغرب . .. إن کنتم تعقلون

آثار جبران غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۲۴

۲۴- تدارک یاد خداوند ، پس از غفلت از آن ، مایه امیدواری انسان به دستیابی بر رشد و هدایتی سریع است .

واذکّر ربّک إذا نسیت و قل عسی أن یهدین ربّی لأقرب من هذا رشدًا

ارتباط <قل عسی. ..> با <اذکر...> ارتباط مقدمه و نتیجه است و پیام آیه این است که: <اگر پس از فراموشی، یاد خدا کردی، می توانی به هدایت ویژه الهی امیدوار باشی و بگویی: <عسی،...> >.

آثار رفع غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۲۱

۲۱ تذکر و زدودن غفلت، برای درک حقانیت توحید و بطلان شرک کافی است.

قال أتحجونی فی الله و قد هدین . . أفلا تتذکرون

به کار رفتن <تتذکرون> به جای <تتفکرون> و مانند آن، بیانگر این نکته است که تذکر و زدودن غبار غفلت برای اقرار به توحید کافی است.

آثار غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲

۲ غفلت اهل ایمان نسبت به توطئه های کافران ، موجب فریب خوردنشان و در نهایت محبت به آنان

یا ایها الذین امنوا . ..ها انتم اولاء تحبّونهم ... و اذا خلوا عضّوا علیکم الأَنا

مستفاد از ارتباط آیه مورد بحث و آیه سابق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۵

۵ غفلت از یاد خدا ، زمینه انجام کار های ناشایست و ارتکاب گناه

و الّذین اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم ذکروا اللّه فاستغفروا

چون ذکر خدا باعث می شود که انسان از کرده خویش پشیمان شود و از خدا آمرزش طلبد (ذکروا اللّه فاستغفروا)، معلوم می گردد که انسان به هنگام گناه، از یاد خدا غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۷

۱۷ غفلت مسلمانان از سلاح و ساز و برگ خویش ، زمینه ساز طمع دشمنان برای شبیخون

ودالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ دشمنی و کینه توزی در بین جامعه ایمانی و غفلت از یاد خدا مانع رسیدن آن جامعه به فلاح و رستگاری

لعلکم تفلحون. انما یرید الشیطن ... و یصدکم عن ذکراللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۴،۹

۴ خداوند مردم جامعه ای را که از

روی غفلت و ناآگاهی ستم کنند، به عذاب دنیوی نابود نمی کند.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

برای جار و مجرور <بظلم> متعلقهای مختلفی می توان در نظر گرفت، از آن جمله اینکه متعلق به <مهلک> باشد. یعنی: <مهلک القری بسبب ظلم>. برداشت فوق بر این اساس است.

۹ خداوند، ستم و گناهی را که از سر غفلت و ناآگاهی باشد، کیفر نمی دهد.

أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۱

۱۱ غفلت ، عذری قابل پذیرش در پیشگاه خداوند

أن تقولوا یوم القیمه إنا کنا هذا غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۱

۲۱ شرک و بت پرستی ، برخاسته از غفلت و بی توجهی انسان نسبت به ربوبیت مطلق و بی همتای خدا بر کران تا کران هستی است .

الذی خلق السموت و الأرض . .. ذلکم اللّه ربکم فاعبدوه أفلا تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۵

۵ شرک و انکار ربوبیت خدا ، اعتقادی است برخاسته از جهل و غفلت .

و الذین هم عن ءایتنا غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ غفلت از حقیقت و هویت بـاطنی دنیـا ، زمینه ای است برای فریفته شـدن به زیبـایی هـای صوری و افتادن در دام جلوه های ظاهری آن .

إنما مثل الحیوه الدنیا کماء . ..

إذا أخذت زخرفها و ازينت ... كذلك نفصل الأيت لقو

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۲ – ۹

۹- سرمستی و غفلت ، مانع پذیرفتن نصیحت و خیراندیشی ناصحان

لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۳ – ۵

۵- سرمستی و غفلت ، از عوامل گرفتار شدن اقوام به عذاب الهی

إنهم لفی سکرتهم یعمهون . فأخذتهم الصیحه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۸ – ۹

۹- ارتباط مستقیم مهر شدن راه های ادراکی ، با غفلت کامل انسان

طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصرهم و أُولئک هم الغفلون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۹ – ۲

۲- ورشکستگی و زیان اخروی انسان ، نتیجه قهری و اجتناب ناپذیر دنیاگرایی و غفلت زدگی اوست .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. القوم الکفرین ... و أُولئک هم الغفلون . لاجرم أنه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۷ – ۸

۸- غفلت انسان از گذشته حقیر و بی مقدار خویش ، پیش از شکل گرفتن در رحم مادر ، مایه غرور و خودبزرگ بینی او

است .

. .. أکفرت بالذی خلقک من تراب ثمّ من نطفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷ – ۳

۳ – انسان ، دارای ضمیری ناخود آگاه و دانسته هایی می باشد که غفلت آن را پوشانده است .

فإنّه یعلم السرّ و

أخفی

<أخفی> اسم تفضیل است و مخفی تر از <سر> به چیزی تطبیق می کند که نه تنها انسان آن را از دیگران مکتوم داشته بلکه خود نیز به آن التفات ندارد، ولی در ذهن او ثبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۶

۶ - غافل بودن از حقیقت و بیم نداشتن از فرجام کردار ناروا ، طغیان گری است .

إنّه طغی . .. لعلّه یتذکّر أو یخشی

خداوند، برای بازداشتن فرعون از طغیان، به موسی و هارون(ع) راه ایجاد تذکر و خشیت را می آموزد. بنابراین نبود این دو خصلت، مایه طغیان گری فرعون بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱۰

۱۰- ظلم و غفلت در دنیا ، موجب حسرت و ندامت انسان در قیامت

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا بل کنّا ظلمین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <بل> در <بل کنّا. ..> برای اضراب انتقالی باشد; یعنی، سخنان کافران در قیامت دو چیز است: ۱ اعتراف به غافل بودن خود; ۲ اعتراف به ستمگربودن خویش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۳

۳ - شرک ورزی ، پدیده ای برخاسته از غفلت و جهل انسان ، نسبت به تعلق و وابستگی همه جانبه او و پدیده های پیرامونش به خداوند

قل لمن الأرض . .. إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۵

۵ - غفلت از مرگ و پندار جاودانگی

در دنیا ، عامل روی آوری عادیان به کاخ سازی ، تجمل گرایی و بیهودگی

أتبنون . .. تعبثون . و تتّخذون مصانع لعلّکم تخلدون

تعبیر <لعلّکم تخلدون> بیانگر این معنا است که: کار شما طوری است که گویا از مرگ و ناپایداری زندگی دنیوی، غافل شده اید و می پندارید که همیشه در این دنیا خواهید ماند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۲ – ۱۷

۱۷ – قساوت قلب و خدا فراموشی ، نشانه گمراهی سخت و آشکار

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه أُولئک فی ضلل مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۹ – ۱۷

۱۷ – برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و ناشکری ، محنت زا و بلاآفرین است .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتیته علی علم بل هی فتنه

یکی از موارد کاربرد <فتنه>، محنت و بلا ـ است و برداشت بالا ـ مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان گفت: برخورداری از آسودگی و نعمت ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست; بلکه در دنیا و آخرت نقمت و بلا خواهد بود. گفتنی است آیه بعد که از روبه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخورداری های آنان، سخن می گوید مؤید همین برداشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۲

۲ –

رفاه مندی و برخورداری از نعمت ها در سایه تلاش و دانش اقتصادی ، در صورت همراه بودن آن با ناسپاسی و غفلت از منشأ خدایی آنها ، هلاکت و بدبختی در دنیا را در پی خواهد داشت .

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون فأصابهم سیّئات ما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۲

۲ - غفلت انسان از شهادت اعضا و جوارح ، عامل جرأت وی بر گناه و معصیت

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۲ - ۱۳

۱۳ مترتب شدن کیفر بر بعضی از اعمال ناروا ، حتی با عدم توجه و علم انسان *

أن تحبط أعملکم و أنتم لاتشعرون

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <أنتم لاتشعرون> این باشد که هر چند شما از روی غفلت مرتکب بی احترامی به پیامبر(ص) می شوید; اما غفلت، آثار شوم این عمل را نمی زداید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۳

۳ غرور و غفلت ، مانع درس آموزی انسان از پیام های توحیدی نظام شگفت طبیعت *

تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب

واژه <عبد> اشاره به روحیه تواضع و <منیب> اشاره به روحیه حق جویی دارد. بنابراین می توان گفت: مفهوم آیه چنین می شود: انسان با داشتن غرور و غفلت، نمی تواند درس های بصیرت و بیدارگر آیات تکوینی خداوند را دریابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- طور - ۵۲ - ۱۲ - ۲

۲ - باطل گرایی و سرگرم شدن به پوچی ها ، عامل اصلی تکذیب وحی و قیامت

الذین هم فی خوض یلعبون

از این که <الذین هم. ..> به عنوان تنها وصف <المکذّبین> آمده است; نقش اصلی آن در تکذیب حق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۹

۱۹ - خودستایی ، زاییده غفلت انسان از علم احاطه دار خداوند

هو أعلم بکم . .. فلاتزکّوا أنفسکم

تفریع <فلاـتزکّوا أنفسکم> بر <هو أعلم. ..>، نشانگر آن است که تزکیه نفس و ستایش های دروغین انسان از خویش، نتیجه غفلت او از علم نامحدود خداوندی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۷

۷ - غفلت از پیام های عبرت آموز پیامبران و تاریخ ، دور نمایه گرایش به کفر

فهل من مدّکر

از این که خداوند، کفرپیشگان را به هشیاری و بیداری فراخواهنده است; استفاده می شود که مشکل اصلی کافران در غفلت ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۴

۴ - غفلت از زوال پذیری زندگی دنیایی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر و ناسپاسی

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند متعال، نخست فناپذیری زندگی دنیایی را به انسان تذکر داده و در پی آن از آنان خواسته است تا دست از تکذیب

نعمت های حق بردارند. از این دو استفاده می شود که یکی از عوامل تکذیب حق، دلبستگی به دنیا و

غفلت از ناپایداری آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۹ – ۴

۴ – غفلت از محاسبه اعمال ، زمینه ساز فراموشی از یاد خداوند *

یأیّها الذین ءامنوا . .. و لتنظر إنّ اللّه خبیر بما تعملون. و لاتکونوا کالذین ن

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که تقدم <و لتنظر. ..> بر <و لاتکونوا کالذین...> نظر به تقدم رتبی داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱ – ۱۱

۱۱ – بی توجهی به عمق عداوت کافران با اسلام و مسلمانان ، زمینه ساز برقراری روابط دوستانه با آنان

لاتتّخذوا عدوّی و عدوّکم أولیاء . .. یخرجون ... أن تؤمنوا باللّه ربّکم

بیان ابعاد مختلف عداوت کافران با مسلمانان، به عنوان دلیل ممنوعیت ارتباط دوستانه با آنان، بیانگر مطلب بالا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۷ – ۶

۶ – کسانی که خداوند را ناظر بر نیت ها نمی دانند و گشاده دستی های خود را به رخ دیگران می کشند ، گرفتار پنداری موهوم و ناروایند .

یقول أهلکت مالاً لبدًا . أیحسب أن لم یره أحد

در برداشت یاد شده، گوینده <أهلکت مالاً لبداً> کسی فرض شده که بذل و بخشش های فراوانی داشته ولی در آنها نیت خالصانه نداشته است. این آیه بخششهای او را فاقد ارزش معرفی کرده است.

آثار غفلت از آخرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۷ – ۴

۴- گرفتاری به خشم الهی و عذاب اخروی ، معلول

دلبستگی انسان به دنیا و نادیده گرفتن آخرت است .

فعلیهم غضب . .. ذلک بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا علی الأخره

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به <غضب من الله . ..> باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۲

۲ - دل بستن به دنیا و غفلت از آخرت ، موجب اندوه شدید و گرفتگی چهره ها در قیامت

کلّا بل تحبّون العاجله . و تذرون الأخره ... و وجوه یومئذ باسره

آثار غفلت از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸ - ۲

۲ انکار لقای خدا ، دلبستگی به دنیا و غفلت از آیات الهی ، زمینه ساز اعمال نارواست .

إن الذین لایرجون لقاءنا . .. أولئک مأویهم النار بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۷

۷ - غفلت از آیات و هدایت های خداوند و به فراموشی سپردن آنها ، از عوامل محرومیت انسان از توجه و عنایت او ، در قیامت

أتتک ءایتنا فنسیتها و کذلک الیوم تنسی

مراد از نسیان در <نسیتها> به قرینه <من أعرض عن ذکری> (در آیات پیشین) بی توجهی و روی گردانی از آیات الهی است. و تقابل آن با <تنسی>، گویای این نکته است که نسیان در آن کلمه نیز، به معنای اعراض و ترک می باشد.

آثار غفلت از امدادهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۵ – ۹

۹ غرور و اعتماد

به نیروی رزمی خود و غفلت از امداد های الهی ، زمینه ساز شکست است .

إذ أعجبتكم كثرتكم . .. ثم وليتم مدبرين

آثار غفلت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فى غمره من هذا . .. هم لها عملون

آثار غفلت از پایان فرصت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۵

۵ - بی توجهی به روز قیامت و غفلت از پایان یافتن فرصت انجام تکالیف ، عامل اساسی در ترک دستورات الهی است .

استجيبوا لربّكم من قبل أن يأتى يوم لامردّ له

ذکر <من قبل أن يأتى> می تواند اشاره به آن داشته باشد که انسان ها، چنانچه به روز قیامت توجه کنند به اجابت دعوت الهی روی خواهند آورد.

آثار غفلت از حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فى غمره من هذا . .. هم لها عملون

آثار غفلت از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۲ – ۸

۸ – غفلت از یاد خدا و ناسپاسی

نعمتهایش ، به منزله انکار اوست .

فاذکرونی . .. واشکروا لی و لاتکفرون

نهی از کفرورزی و انکـار خـدا (لاـتکفرون) - پس از فرمـان دادن بـه ذکر و سپاس او - می رسانـد که: غفلت از یـاد خـدا و ناسپاسی در برابر او، آدمی را به کفرورزی و انکار خدا می کشاند و یا خود به منزله کفر و انکار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ غفلت انسانها از خداوند، مایه دوری آنان از پیشگاه وی خواهد شد.

ذلک من ءایت الله لعلهم یذکرون

به کـارگیری ضـمایر غایب در جمله <لعلهم یـذکرون>، پس از خطاب (یا بنی ءادم . .. > می توانـد حاکی از این باشـد که انسانها تا آنگاه که به مرحله تذکر نرسند شایسته تشرف به خطاب الهی نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۳،۱۴

۱۳ منافقان ، محروم از عنایت و توجه خدا به خاطر نسیان و غفلت آنان از او

المنفقون و المنفقت . .. نسوا اللّه فنسیهم

۱۴ غفلت از خدا و فرمان های او ، عامل سلب شدن عنایت خدا نسبت به انسان و نیازهایش

نسوا اللّه فنسیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ زیبا جلوه کردن اعمال زشت ، پیامد رفاه و آسایش بسیار ، اسراف پیشگی ، بیگانگی با خدا و غفلت از یاد او

فلما کشفنا عنه ضرّه . .. کذلک زیّن للمسرفین ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۸ – ۴

۴ انسان های غافل از یاد خدا و ذکر او ، انسانهایی مضطرب و نگرانند .

ألا بذکر الله تطمئن القلوب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۶

۶– روی برتافتن از یاد خدا در پی نجات از مشکلات ، نمودی از کفر به حق و کفران نعمت است .

أعرضتم . .. فیغرقکم بما کفرتم

از اینکه خدا از اعراض یاد خود به کفر (کفرتم) یاد کرده است، استفاده می شود که اعراض از خدا، کفر به اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۴ – ۲۰

۲۰– فراموشی یاد خدا ، مانع هدایت یابی سریع انسان است .

واذکّر ربّک إذا نسیت و قل عسی أن یهدین ربّی لأقرب من هذا رشدًا

<هذا> اشاره به <ذکر ربّ پس از نسیان> که از <اذکر ربّک إذا نسیت> استفاده می شود است. مفاد <أقرب من هذا رشداً> این است که: <تدارک یاد خدا، گرچه مایه رشد و هدایت است، اما مداومت بر آن، بدون فراموشی، راهی است که به هدایت، نزدیک تر است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۷ – ۳

۳– دل بستگیِ شدید به دنیا و غفلت از نقش خداوند در آفرینش و اعطای نعمت ها ، نشانه کفر است .

و کان له ثمر فقال . .. أنا أکثر منک مالاً ... ما أظنّ أن تبید هذه ... قال له صاح

در پی گفته های مرد ثروت مند و فخرفروشی های او و انکار فناپذیری

نعمت ها، مرد مؤمن، با سؤال <أكفرت> با وى به گفتو گو پرداخت و اين نشان دهنـده كفرورزى مرد ثروت منـد در انديشـه ها و گفته هايش است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۸ - ۶

۶- زوال ناپذير شمردن نعمت هاى دنيا و ناديده گرفتن نقش خدا در پيدايش و زوال آنها ، مستلزم شرك در ربوبيّت است .

لكنّاْ هو اللّه ربّى ولاأشرك بربّى أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱

۱ - روى گردانى از هدايت هاى الهى و ياد او ، موجب گرفتارى انسان به زندگى سخت و پر از تنگناها

من اتبع هداى . .. و من أعرض عن ذكرى فإنّ له معيشه ضنكًا

<معيشه> يا مصـدر ميمى است و يا به معناى <ما يعاش به> است; يعنى، آنچه كه گـذران زندگى با آن صورت مى گيرد. <ضنك> به معناى تنگى و سختى است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱۴

۱۴ - ژرف انديشى هاى همراه با غفلت از ياد خدا ، در حقيقت كورى وبى بصيرتى است .

لم حشرتنى أعمى و قد كنت بصيرًا

كورى در قيـامت، نمـاى واقعيت شـخص در دنيا است; يعنى، هر چنـد او خود را داراى بصـيرت مى دانـد، اما در حقيقت فاقد بصيرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۲،۷

۲ - به فراموشى سپردن آيات و هدايت هاى الهى و غفلت از آن ، موجب كور محشور شدن

در قیامت است .

لم حشرتنی أعمی . .. قال کذلک أتتک ءایتنا فنسیتها

۷ - غفلت از آیات و هدایت های خداوند و به فراموشی سپردن آنها ، از عوامل محرومیت انسان از توجه و عنایت او ، در قیامت

أتتک ءایتنا فنسیتها و کذلک الیوم تنسی

مراد از نسیان در <نسیتها> به قرینه <من أعرض عن ذکری> (در آیات پیشین) بی توجهی و روی گردانی از آیات الهی است. و تقابل آن با <تنسی>، گویای این نکته است که نسیان در آن کلمه نیز، به معنای اعراض و ترک می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۳

۳ - غفلت از یاد خدا و احساس ایمنی از کیفر او ، عامل رواج یافتن ظلم و ستم بر مردم در خاندان فرعون

أن ائت القوم الظلمین . قوم فرعون ألایتّقون

از مجموع دو آیه استفاده می شود که تقوا (بیم داشتن از خشم خدا و کیفر کردار) مانع ظلم و تباهی است و خاندان فرعون به دلیل بی بهره بودن از عنصر تقوا، گرفتار ظلم و تباهی گشته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۹

۹ - خودبینی و خدافراموشی ، عامل استکبار آدمی در برابر دین

قالوا من أشدّ منّا قوّه أَوَلم یروا أنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۹ - ۴،۵

۴ - دنیاگرایی ، بازتاب اعراض از یاد خدا *

تولّی عن ذکرنا و لم یرد إلاّ الحیوه الدنیا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که تقدیم عبارت <عن من تولّی

عن ذکرنا>، اشاره به نقش روی گردانی از یاد خدا در فریفتگی انسان به دنیا داشته باشد.

۵ - محرومیت انسان از هدایت و معارف وحی ، نتیجه روی گردانی از یاد خدا و دنیازدگی

فأعرض عن من تولّی عن ذکرنا و لم یرد إلاّ الحیوه الدنیا

ذکر <عن من تولّی. ..> به جای <عنهم>، نشانگر آن است که اوصاف یاد شـده، عامل محرمیت مشـرکان از قبول دعوت و تبلیغ پیامبر(ص) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۰ - ۹

۹ - خداگریزی و دنیامحوری ، بارزترین نمود انحراف و گمراهی

تولّی عن ذکرنا و لم یرد إلاّ الحیوه الدنیا . .. هو أعلم بمن ضلّ عن سبیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۵

۵ - خداگریزی و دنیامداری ، سرچشمه اصلی بدکرداری در انسان

تولّی عن ذکرنا و لم یرد إلاّ الحیوه الدنیا . .. لیجزی الذین أسوا بما عملوا

از ارتباط آیات شریفه، استفاده می شود که منشأ عملکرد ناشایست، گرایش های خداگریزانه و دنیامحورانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۴ - ۵

۵ - خداگریزی ، زمینه ساز ترک مداومت بر اعمال نیک *

تولّی . و أعطی قلیلاً و أکدی

مراد از <تولّی> می تواند اعراض از یاد خدا باشد. بر این اساس از ارتباط دو آیه می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۹ – ۸

۸ – غفلت از یاد خدا و بیگانگی با آن در

زندگی ، از عوامل خسران انسان ها

فأنسهم ذکر اللّه . .. إنّ حزب الشیطن هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۷۸

۷ - غافلان از خدا و خویش ، همان فاسقان واقعی و پرده دران حریم ارزش هایند .

و لاتکونوا کالذین نسوا اللّه فأنسیهم أنفسهم أُولئک هم الفسقون

۸ - فسق و گناه پیشگی ، دارای پیوندی عمیق با غفلت از خدا و خویش

و لاتکونوا کالذین نسوا اللّه فأنسیهم أنفسهم أُولئک هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۰ - ۲

۲ - دوزخ ، فرجام نهایی فاسقان و غافلان از یاد خدا و خویش

و لاتکونوا کالذین نسوا اللّه . .. أُولئک هم الفسقون. لایستوی أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۹ - ۷۸

۷ - دلبستگی به مال و اولاد و غفلت از یاد خدا ، موجب خسران برای انسان

و من یفعل ذلک فأُولئک هم الخسرون

۸ - دلبستگان به مال و اولاد ، غافل از یاد خدا و دارای فرجامی خسارت بار

و من یفعل ذلک فأُولئک هم الخسرون

آثار غفلت از خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۸ - ۱

۱ - فراموشی و بی توجهی به مبدأ پیدایش انسان ، عامل دور شمردن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلًا و نسی خلقه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت <و نسی خلقه> حال برای فاعلِ <ضرب> است; یعنی، در حالی

که آفرینش خود را فراموش کرد، مَثَلی در رد عقیده به قیامت برای ما آورد.

آثار غفلت از عجز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۷ - ۶

۶- غفلت از ضعف و ناتوانی خویش ، زمینه گرفتار آمدن به خصلت های ناپسند است .

و لاتمش فی الأرض مرحًا إنک لن تخرق الأرض و لن تبلغ الجبال طولاً

آثار غفلت از عدالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۲

۲ - بی توجهی به عدالت الهی در نظام حسابرسی ، از زمینه های گناه پیشگی است .

أم حسب الذین اجترحوا السیّئات

پرسش انکارآمیز خداوند در زمینه پندار غلط گناه پیشگان، حکایت از این می کند که چنین پنداری در اهل گناه، وجود داشته و یا زمینه بروز دارد. لحن توبیخی و هدایت گرانه آیه شریفه، می رساند که این پندار، خود موجب انحراف است و برای از میان بردن انحراف، باید پندار را نقد و ابطال کرد.

آثار غفلت از قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۳

۳- استبعاد معاد پس از متلاشی شدن جسد انسان ، معلول غفلت از قدرت نامحدود خداست .

قل کونوا حجاره أو حدیدًا . أو خلقًا ممّا یکبر فی صدورکم

تذکر جمله <کونوا حجاره . .. أو خلقاً ممّا یکبر ...> که اشاره به نامحدود بودن قدرت خدا دارد برای بیرون آوردن مشرکان از غفلتی است که سبب تردید آنان درباره زنده شدن استخوانهای خرد شده گردیده است.

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲

۲- غفلت از قدرت نامحدود خدا ، منشأ شک و تردید مشرکان عصر بعثت در امکان معاد و حیات دوباره انسان

یأیّها الناس إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقنکم

جواب شرط در جمله <إن کنتم فی ریب من البعث> حذف شده است و تقدیر آن چنین می باشد: <إن کنتم فی ریب من البعث فانظروا إلی بدء خلقکم; اگر در امکان برپایی رستاخیز تردید دارید، به آغاز پیدایش خود بنگرید>. مقصود از جمله یاد شده این است که: همان طور که خداوند توانست انسان ها را در این نشأه بیافریند مسلّماً قدرت آن را دارد که دوباره و در نشأه دیگر آنان را زنده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۴

۴ - سطحی نگری و غفلت از قدرت بی انت های خداوند ، منشأ تردید و استبعاد کافران نسبت به مسأله رستاخیز

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون. و هو الذی یحی و یمیت... أفلاتعقلون ...قا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۷،۱۰

۱۰ - کفر و استکبار قوم عاد ، نتیجه غفلت آنان از قدرت برتر الهی

أَوَلم یروا أنّ اللّه الذی خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

۱۷ - خودبرتربینی ، غرور و غفلت از قدرت برتر خداوند ، از عوامل لجاجت ، حق ناپذیری و انکار رسولان الهی *

فأمّا عاد فاستکبروا فی الأرض . .. و کانوا بأیتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف -

۷ - ۶۰ - ۴۳

۷ - بعید شمردن شیوه آفرینش عیسی (ع) ، نشأت یافته از بی توجهی به قدرت بی نهایت خداوند است .

و لمّا ضرب ابن مریم مثلًا . .. إن هو إلاّ عبد أنعمنا ... و لو نشاء لجعلنا منکم م

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) <لمّا ضرب ابن مریم> نظر به جنبه خلقت عیسی(ع) دارد. ب) این آیه در مقام رفع استبعاد و انکار مشرکان مکه است که برای خداوندی که قادر به آفرینش تمامی انسان ها به صورت ملك است، خلقت عیسی(ع) بدون پدر امری ساده می باشد.

آثار غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۳

۱۳- غفلت از قیامت ، زمینه ساز کفرورزی و بی ایمانی است .

و أنذرهم یوم الحسره . .. و هم فی غفله و هم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۹

۹- غفلت از قیامت ، زمینه ساز بی اعتنایی به وحی و بازیچه قراردادن دین است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم ... و هم یلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۸

۸- اظهار حسرت کافران در قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مظروف قرار گرفته است و این

حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ - غفلت از قیامت و دور پنداشتن آن ، از موانع مهم بی توجهی انسان به حقایق وحی و قوانین الهی

اللّه الذی أنزل الکتب . .. و ما یدریک لعلّ الساعه

از این که در مسأله قیامت، امکان نزدیک بودن آن تخصیص به ذکر یافته، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۵

۵ - بی توجهی به روز قیامت و غفلت از پایان یافتن فرصت انجام تکالیف ، عامل اساسی در ترک دستورات الهی است .

استجیبوا لربّکم من قبل أن یأتی یوم لامردّ له

ذکر <من قبل أن یأتی> می تواند اشاره به آن داشته باشد که انسان ها، چنانچه به روز قیامت توجه کنند به اجابت دعوت الهی روی خواهند آورد.

آثار غفلت از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۳

۳- بزرگ ترین ظلم ها و جنایت ها در تاریخ بشر ، دارای ریشه در انکار آیات الهی و غفلت از کیفر اَعمال است . *

و من أظلم ممّن ذکّر بأیت ربّه فأعرض عنها و نسی ما قدّمت یداه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که منظور از ظلم در <من أظلم> صرفاً، ظلم به نفس نباشد، بلکه علاوه بر آن، شامل ظلم به غیر نیز بشود و جمله <نسی ما قدمت یداه> کنایه از عدم اعتقاد به کیفر کردار و بقای عمل باشد.

آثار غفلت

از کیفر اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۳ – ۵

۵ – غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا . .. هم لها عملون

آثار غفلت از گناهان گذشته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۹ – ۵

۵- اِعراض از آیات الهی و نشنیده انگاشتن آن و غفلت از گناهان گذشته خویش ، ستم ، و موجب سقوط و نابودی امّت ها است .

و من أظلم . .. و تلک القری أهلکنهم لمّا ظلموا

مراد از ظلم در <لم ا ظلموا> به دلیل ارتباط این آیه با آیات قبل همان اموری است که در آیه پنجاه و هفت بیان شد.

آثار غفلت از معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۴ – ۳

۳ – محرومیت کافران در قیامت از لطف و توجه حق ، نتیجه بی توجهی آنان به معاد است .

و قیل الیوم ننسیکم کما نسیتم لقاء یومکم هذا

برداشت بالا، بر این مبنا است که <کما> در <کما نسیتم> برای تعلیل باشد.

آثار غفلت از منعم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۸ – ۹

۹ – غفلت از سرچشمه اصلی نعمت ها (خداوند) امری ناشایست و زمینه ساز غرور و سرمستی است .

و إنّا إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه فرح بها

با

توجه به تکرار ضمیر <نا>، می توان استفاده کرد که خداوند غفلت و فراموشی از مبدأ اصلی نعمت ها را، مورد سرزنش قرار داده است.

آثار غفلت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۱

۱ - بی اعتنایی به نماز و بی توجّهی هنگام ادای آن ، زمینه ساز گرفتاری به نفرین و عذاب خداوند

فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون

<سهوه> (مصدر <ساهون>)، به معنای غفلت است (مصباح). غفلت از نماز، به ترک کلی یا مقطعی آن و یا تأخیر در ادای آن است. شخص غافل گرچه معذور است; اما در مواردی که اهتمام نورزیدن او سبب غفلت شده باشد، سزاوار نکوهش است. اضافه <صلاه> به ضمیر <هم>، نشان می دهد که سخن درباره کسانی است که نماز می خوانند; ولی آن را همراه با بی توجهی و غفلت ادا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۳

۳ - بی اعتنایی به نماز ، زمینه ریاکاری در آن است .

الذین هم عن صلاتهم ساهون . الذین هم یراءون

تفاوت کلمه <ساهون> که وصف است به <یراءون> که فعل مضارع است نشانگر آن است که وجود <سهو>، زمینه ساز به وجود آمدن <ریا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۵

۵ - بی اعتنایی به نماز ، زمینه ساز بازماندن انسان از کمک به مردم

عن صلاتهم ساهون . .. و یمنعون الماعون

آثار غفلت از هلاکت کافران

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۸

۸ - تعجیل کافران در نزول عذاب ، ناشی از بی توجهی آنان به نابودی یاران گذشته خویش

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم فلایستعجلون

از <فلایستعجلون> استفاده می شود که کافران، ناباورانه تقاضای عذاب می کردند و آنها اگر آنان به راستی در سرنوشت یاران گذشته خویش تأمل می کردند، هرگز چنین ناباورانه مجازات الهی را به استهزا نمی گرفتند.

آثار غفلت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۸

۱۸ - استغفار فرشتگان برای آدمیان ، در پی مشاهده غفلت زمینیان از عظمت خداوندی

و هو العلیّ العظیم . .. و یستغفرون لمن فی الأرض

بنابراین که آیه درصدد بیان عظمت خداوند باشد و قهراً استغفار فرشتگان برای اهل زمین می تواند از این جهت باشد که مردم غافل از عظمت خدایند.

آثار غفلت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱

۱ - هشدار تهدیدآمیز مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن آنان به سرنوشتی شوم بر اثر غفلت و بی توجهی شان به خیرخواهی های او

فستذکرون ما أقول لکم

آثار غفلت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۵ – ۱۰

۱۰ – کفر و استکبار قوم عاد ، نتیجه غفلت آنان از قدرت برتر الهی

أَوَلم یروا أنّ اللّه الذی خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

آثار غفلت قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر –

۱۵ - ۷۳ - ۴

۴- سرمستی و غفلت ، از عوامل گرفتار شدن قوم لوط به عذاب الهی

إنهم لفی سکرتهم یعمهون . فأخذتهم الصیحه

آثار غفلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا . .. هم لها عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۸

۸ - تعجیل کافران در نزول عذاب ، ناشی از بی توجهی آنان به نابودی یاران گذشته خویش

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم فلایستعجلون

از <فلایستعجلون> استفاده می شود که کافران، ناباورانه تقاضای عذاب می کردند و آنها اگر آنان به راستی در سرنوشت یاران گذشته خویش تأمل می کردند، هرگز چنین ناباورانه مجازات الهی را به استهزا نمی گرفتند.

آثار غفلت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۷

۷ - تکذیب رسالت پیامبر اسلام از جانب کافران ، برخاسته از ناآگاهی و غفلت آنان ، از سرنوشت شوم تکذیب کنندگان بود .

فأذاقهم اللّه الخزی . .. لو کانوا یعلمون

آثار غفلت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۷

۷ استبعاد مشرکان از بشر بودن رسول ، ناشی از دم توجه آنان به وساطت ملائکه میان خدا و پیامبران است . *

قل لو

كان فى الأرض ملئكه يمشون مطمئنين لنزّلنا عليهم من السّماء ملكًا رسولاً

آيه فوق، می تواند در مقام پاسخ به مشرکان باشد. با این بیان که مشرکان، بعید می شمردند که فردی از بشر با خدای جهان ارتباط داشته باشد.آیه جواب می دهد که: پیامبران، بیواسطه وحی تلقی نمی کنند; بلکه اصولاً بین خدا و زمینیان، ملکی واسطه وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۶

۶ معبود های مشرکان در پاسخ به سؤال خداوند در قیامت ، عامل انحراف و گمراهی مشرکان را ، برخورداری آنان و پدرانشان از رفاه بسیار و از یاد بردن خدا خواهند دانست .

و لكن متّعتهم و ءاباءهم حتّى نسوا الذكر

<لكن> که در استدراک به کار می رود در آیه شریفه برای رد این اتهام است که معبودها در گمراهی مشرکان مؤثر بودند و نیز برای بیان علت های واقعی این انحراف است که در این آیه، به دو عامل اشاره شده است: ۱ رفاه (که موجب فراموشی خدا است) (متّعتهم. ..الذکر). ۲- رفتار هلاکت بار آنان (و کانوا قوماً بوراً).

آثار غفلت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۸ - ۳

۳ غفلت و بی توجّهی منافقان به علم غیب و آگاهی گسترده خدا نسبت به اسرار و سخنان پنهانی ، عامل گرایش آنان به تخلف از وظایف خود در برابر خدا

بما أخلفوا اللّه ما وعدوه . .. ألم يعلموا أن اللّه يعلم ... و أن اللّه علّم الغى

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۴ – ۱۵

۱۵ – غفلت از خداوند و فریفته شدن به مظاهر دنیا ، عامل بدبختی اخروی منافقان

قالوا بلی و لکنّکم . .. و غرّکم باللّه الغرور

آثار مرگ با غفلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۹ – ۸

۸- مرگ همراه با غفلت و بی ایمانی ، موجب حسرت در قیامت است .

و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله و هم لایؤمنون

ضمیر <هم> به <الظـالمون> در آیه قبـل بـازمی گردد و جمله <هم فی. ..> حالیه است و مفاد آیه این است که در حالی فرصت دنیایی ظالمان پایان یافت که آنان غافل بودند و به معاد ایمان نمی آوردند.

اجتناب از غفلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۲ – ۱

۱ – ضرورت به یاد خدا بودن و غفلت نکردن از ذکر او

فاذکرونی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۲۰۵ – ۶

۶ خداوند پیامبر (ص) را از اینکه در زمره غافلان باشد برحذر داشت .

و لاتکن من الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۴

۴ لزوم حفظ آماده باش و عدم غفلت از دشمن در صحنه های نبرد ، حتی به هنگام استراحت

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

تصریح به اینکه خواب مجاهدان در آستانه نبرد، خوابی سبک و خفیف بود، برای اشاره به این است که مجاهدان اگر چه به استراحت پرداختند، ولی

به گونه ای نبود که از تحرکات دشمن غافل شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۹ – ۲

۲–برخورداران نعمت ، بایـد به مبدأ یگانه نعمت آفرین ، توجه داشـته باشـند و از دل بسـتگی به نعمت ها و غفلت از یاد خدا ، پرهیز کنند .

و لولا إذ دخلت جنّتك قلت ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۳ – ۶

۶ – لزوم توجه انسـان به مالکیت مطلق خداونـد بر جهان هستی و پرهیز از غفلت و غرور به هنگام بهرهوری از طبیعت و مظاهر آن

جمیعًا منه

تـذکّر خداونـد به این که همه هستی از او است پس از این که جهـان را مسـخّر انسـان یـاد کرده است می رسانـد که انسـان با حاکمیت بر جهان، زمینه غرور و غفلت از خداوند را دارد. و تأکید <جمیعاً منه> درصدد از میان بردن این غفلت است.

پایان غفلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۳ – ۱۰

۱۰ – کوبیـده و نرم شـدن زمین ، احساس حضور در پیشـگاه خداونـد و صـفوف فرشـتگان و مشاهـده جهنم ، برطرف سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دكّت الأرض . .. یومئذ یتذكّر الإنسن

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دكّت الأرض. ..> و جمله <یتذکّر الإنسان> جزا برای آن است.

جبران غفلت از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۴ – ۶

۶- تدارک یاد

پروردگار ، با بروز هرگونه فراموشی و غفلت از آن ، لازم است .

واذکّر ربّک إذا نسیت

متعلق نسیان در آیه، ذکر نشده است، ولی به قرینه <و اذکر ربّـك> می توان گفت که مراد، فراموشی یاد خدا است که به هنگام التفات، باید تدارک شود.

خدا و غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۳

۱۳ - خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهی دارد .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۱

۲۱ - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نخواهد بود .

و ما اللّه بغفل عما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۶

۶ - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نیست .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۱۱

۱۱ ناسازگاریِ غفلت از تدبیرِ عالم با قیّومیت خداوند .

الحیّ القیوم لا تأخذه سنه و لا نوم

جمله <لا تأخذه . .. > به منزله بیانی است برای صفت <قیوم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۴

۴ پروردگار هیچگاه از اعمال و رفتار جنیان و انسانها غافل نیست.

و ما ربک بغفل عما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ خداوند ، هرگز از اعمال انسان ها غافل

نبوده و رفتارشان بر او مخفی نمی ماند .

و ما ربک بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۲

۲- غافل پنداشتن خداوند از عملکرد ستمگران ، پنداری باطل است .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۷ - ۶

۶ - راه نداشتن کمترین غفلت در خداوند نسبت به خلقش

و ما کنّا عن الخلق غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱۵،۱۰

۱۰ - عدم غفلت خداوند از عملکرد خلق و موضع گیری آنان در برابر آیات الهی

سیریکم ءایته. .. و ما ربّک بغفل عمّا تعملون

۱۵ - تأخیر کیفر حق ستیزان ، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سیریکم ءایته . .. و ما ربّک بغفل عمّا تعملون

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر(ص) و توحید ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر <سیریکم آیاته> و <ما ربّک بغافل. ..> می رساند که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

خطر غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۳ – ۲

۲– انسان ، در معرض غفلت از سود و زیان واقعی خویش و نیازمند هشدار پیامبران (ع) است .

قل هل نتبّئکم بالأخسرین أعمالًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲

- مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۱

۱ - جان و دل آدمی ، در معرض خطر غفلت

بل قلوبهم فی غمره من هذا

<بل> حرف اضراب و برای انتقال از مطلبی (اوصاف مؤمنان راستین، نامه اعمال آنان و داوری عادلانه خدا درباره مردم) به مطلب دیگر (اوصاف کفار و منکران معاد) است. <غمره> به آبی که تمام قامت انسان را فراگیرد، گفته می شود و دراین جا، استعاره از غفلت فراگیر است.

خطر غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ - سستی در یاد خداوند و غفلت از او ، خطری جدی برای رهروان و قیام کنندگان در راه خدا

اذهب أنت . .. و لاتنیا فی ذکری

خطر غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی . .. فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای <عنها> و <بها> به <الساعه> (در آیه قبل) برمی گردد.

دفع زمینه های غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۸

۲۸- زنده نگه داشتن یاد خدا در قلب و از میان بردن زمینه های غفلت از آن ، لازم است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

زمینه رفع غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

- ۱۵۳ - ۶

۶ - صبر و نماز ، مددکار مؤمنان برای به یاد خدا بودن و زدودن غفلت ایشان از یاد خداوند است . *

فاذکرونی أذکرکم . .. یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

برداشت فوق و نیز برداشت بعدی، بیانگر وجه ارتباط میان آیه مورد بحث و آیه پیشین است; یعنی، آیه مورد بحث در حقیقت رهنمودی است برای اینکه، چگونه می توان غفلت از یاد خدا را، از دلها زدود و روحیه سپاسگزاری در برابر خداوند را، در قلبها گنجانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ - تشریح حوادث قیامت و آینده مجرمان ، زمینه ساز پیدایش تقوا و رفع غفلت از انسان

و کذلک أنزلنه . .. لعلّهم یتّقون أو یحدث لهم ذکرًا

حرف <کاف> در <کذلک> برای تشبیه است و آیات گذشته را نمونه ای از نزول آیات الهی برای ایجاد تقوا و تذکر، معرفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - قرآن ، زداینده غفلت ها و مایه یادآوری و بیداری انسان ها

إنّ هذه تذکره

۲ - آگاهی از قیامت و سرگذشت انسان ها در آن روز ، زداینده غفلت ها و مایه یادآوری و بیداری

إنّ هذه تذکره

آیات گذشته، درباره قیامت و احوال انسان ها در آن روز بود; ازاین رو ممکن است، <هذه> اشاره به این موضوع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴ - ۱

۱ – وعظ و ارشاد دینی ، زمینه ساز از میان رفتن غفلت

ها است .

أو يذّكر

ذکر و حفظ به یک معنا است; با این تفاوت که به اصل ذخیره سازی اطلاعات <حفظ> و به حاضر ساختن آن در قلب یا زبان چه پس از فراموشی و چه بدون آن <ذکر> می گویند (مفردات راغب). <ذکری> اسم مصدر <تذکیر> (تذکر دادن) است و به معنای <ذکر> و <تذکّر> و نقیض نسیان نیز آمده است (لسان العرب). این کلمه در آیه به قرینه <یذّکر> به معنای اثرپذیری از ذکر و برطرف شدن غفلت است که در مورد آیه شریفه، حضور ابن ام مکتوم در مجلس وعظ و ارشاد پیامبر(ص)، می توانست آن را به دنبال داشته باشد.

زمینه غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۳

۳ مشکلات مسائل خانوادگی ، نباید غافل کننده آدمی از نماز و ارتباط با خداوند باشد .

حافظوا علی الصّلوات

چون انسان طبعاً با درگیر شدن به مسائل خانوادگی (نظیر طلاق و پرداخت مهر و . ..) از یاد خدا غافل می شود و احیاناً نماز را به تأخیر انداخته و یا ترک می کند، خداوند پس از بیان احکام خانواده، تأکید بر محافظت و مراقبت به نماز کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۹

۱۹ حیات دنیا و لذّت های آن ، غافل کننده انسان از رسیدن مرگ و نابودی آن لذّت ها و خوشیها

کلّ نفس ذائقه الموت . .. و ما الحیوه الدّنیآ الّا متاع الغرور

از تذکّر به رسیدن مرگ، علی رغم آگاهی همگان از

آن، و سپس فریبنده خواندن حیات دنیا، معلوم می شود که مصداق بارز فریبندگی دنیا، غافل نمودن انسانها از مرگ و نابودی لذّتهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۱ – ۸

۸ روی آوری به مظاهر شرک زمینه ساز غفلت از یاد خدا و ترک نماز

انما الخمر و المیسر و الانصاب . .. و یصدکم عن ذکرالله و عن الصلوه

نیاوردن قید <فی الخمر و المیسر> در جمله <و یصدکم . ..> به خلاف جمله <ان یوقع ..> ، می تواند اشاره به این باشد که منشأ ترک یاد خدا و برپایی نماز مخصوص شراب و قمار نیست بلکه برخاسته از گرایش به انصاب و ازلام (مظاهر شرک) نیز هست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۰ – ۳

۳– دارایی ها و توان مندی ها ، از عمده ترین زمینه های غفلت و کفرورزی است .

و هم فی غفله و هم لایؤمنون . إنّا نحن نرث الأرض

از جمله وجوه ارتباطی این آیه با آیه قبل، بیان اسباب غفلت و سعی در ریشه کن کردن آن است. دراین آیه خداوند برای متنبّه ساختن آدمیان و از بین بردن عوامل غفلت آنان، بر فناپذیری ثروت های دنیا و ساکنان زمین تأکید کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۲ – ۸

۸ – مظاهر طبیعت و متاع های دنیایی ، از زمینه های غفلت انسان از یاد خدا

إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۷ – ۶

۶ – انسان ، بدون بهره مند شدن از تعالیم قرآن ، در معرض انواع غفلت ها و نسیان ها است .

إن هو إلّا ذكر للعلمين

با توجه به ذکر بودن و مایه یاد و بیداری بودن قرآن برای انسان ها، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۵ – ۳

۳ – افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذين كذّبوا بالكتب . .. ذلكم بما كنتم تفرحون فى الأرض بغير الحقّ و بما كنتم تم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه <ذلکم> تکذیب کافران باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۳ – ۳

۳ – تسلط بر موهبت های طبیعی و صنعتی ، نباید به غرور و غفلت انسان بینجامد .

و جعل لكم من الفلك و الأنعم . .. لتستوا على ظهوره ثمّ تذكروا نعمه ربّكم إذا است

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۲ – ۴

۴ – انسان ، همواره در معرض لغزش و غفلت از خدا و فرونهادن مسؤولیت ها *

لكلّ أوّاب حفيظ

واژه <أوّاب> در جایی صادق است که فرد، گرفتار نوعی غفلت و لغزش شود و یا در معرض چنین مشکلی قرار داشته باشد و نیازمند به آن باشد که خویش را در مسیر توجه به خدا، حفظ کرده یا بدان مسیر متوجه سازد.

- آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۵ – ۳

۳ – ثروت و امکانات مادی ، زمینه ساز بازماندن از تلاش برای درک معارف الهی و غافل سازنده انسان از عاقبت خویش *

أمّا من استغنی

مراد از <استغناء> ممکن است داشتن مال و ثروت باشد. در این صورت به قرینه <جاءك یسعی و هو یخشی> در توصیف جبهه مقابل می توان گفت ثروتمندان در معرض ترک حضور در مجالس دینی و خودداری از تلاش برای آموختن دین و دچار محرومیت از خشیت هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۹ – ۵

۵ – احساس بی نیازی از تعالیم دین ، زمینه ساز غفلت از خداوند و بی باکی از آلودگی به پلیدی ها است .

أمّا من استغنی . .. ألاّ یزّکی ... و هو یخشی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۱ – ۱

۱ – تلاش برای برتری یافتن بر دیگران در ثروت و منزلت ، مردم را به خود مشغول ساخته ، از اهداف مهم تر باز داشته است .

ألهیکم التکاثر

<الهاه کذا>; یعنی، او را مشغول ساخته و از امر مهم تر باز داشت (مفردات). تکاثر، به معنای <مکاثره> است; یعنی، افزون تر بودن را ابزار غلبه بر دیگران قرار دادن (تاج العروس) و یا رقابت با یکدیگر در فراوانی مال و عزت. (مفردات)

زمینه غفلت از آخرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۲ – ۱۰

۱۰ به کار نگرفتن عقل و اندیشه زمینه توجه به

دنیا و غفلت از آخرت

و ما الحیوه الدنیا إلا . .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۵،۶

۵- هشدار خداوند به بنی اسرائیل ، در غافل نشدن از آخرت پس از دستیابی به آرامش و حاکمیت

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

۶- دستیابی به آرامش و قدرت اجتماعی ، زمینه غفلت انسان از جهان آخرت

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند پس از <اسکنوا الأرض> که کنایه حاکمیت و قدرت است مسأله قیامت و احضار انسانها را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۶

۶ - برخورداری از امکانات و دارایی های زیاد ، زمینه ساز دلبسته شدن انسان به دنیا و غافل شدن وی از سرای آخرت

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره

زمینه غفلت از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - ظاهرنگری و سست اندیشی ، مایه دلخوشی انسان به مظاهر زندگی دنیایی و بی توجهی به جهاد و مصالح نهفته در آن

و تجهدون فی سبیل . .. ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

زمینه غفلت از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- موقعیت برتر اقتصادی و اجتماعی و بهره مندی های مادی ، زمینه ساز غفلت از حق و بهره نبردن از آیات قرآن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا . ..

أيّ الفريقين خير مقامًا و أحسن نديًّا

زمينه غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۸

۸ احساس بى نيازى از خداوند، زمينه غفلت از ياد او و گرايش به شرك است.

تدعونه تضرعاً و خفيه . .. قل الله ينجيكم منها و من كل كرب ثم أنتم تشركون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۹

۹ رفاه و آسايش فراوان ، زمينه ساز غفلت از ياد خدا و پيدايش بينش هاى غير الهى است .

ثم بدلنا . .. حتى عفوا و قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ رفاه و آسايش بسيار و بر كنار بودن از گرفتارى ها و مصايب روزگار ، زمينه ساز غفلت از ياد خداست .

فلما كشفنا عنه ضرّه مرّ كأن لم يدعنا إلى ضرّ مسّه كذلك زين للمسرفين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ اقبال دنيا به مردم ، زمينه ساز غفلت از خدا و ادبار آن ، عامل توجه به خداست .

و جرين بهم بريح طيبه و فرحوا بها جاءتها ريح عاصف . .. و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۶،۱۰

۶- انسان ها پس از رهایی از خطر های مرگ آفرین ، خدا را فراموش می کنند و از حق روی

گردان می شوند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم

۱۰- غفلت از یاد خدا در پی نجات از خطرات ، برخاسته از خصلت حق ناشناسی شدید انسان است .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم و کان الإنسن کفورًا

جمله <و کان الإنسان کفوراً> که بیانگر یک خصلت عام همه انسانهاست به منزله تعلیل برای مطالب قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۸

۸- شرک و غفلت از ربوبیّت خدا ، مهم ترین خطر رفاه زدگی و سرمستی به امکانات دنیوی است .

لکنّاْ هو اللّه ربّی و لاأشرک بربّی أحدًا

مرد مؤمن، برای جدا کردن صف خویش از ثروت مند مغرور، به دو نکته اشاره کرده است: ربوبیّت خدا و عدم شرک و با این تعبیر، ثروت مند مغرور را به غفلت از خدا و گرفتاری به شرک، هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۳

۳ - استهزا کردن مؤمنان ، زمینه ساز غفلت کامل از یاد خدا

فاتّخذتموهم سخریًّا حتّی أنسوکم ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۷

۷ - تجارت و داد و ستد اقتصادی ، زمینه ای بس خطرناک برای غفلت از یاد خدا و انجام تکالیف الهی

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۸ – ۸

۸ رفاه بسیار ، زمینه ساز از یاد بردن خدا و غفلت از تعالیم قرآن

و لکن

متّعتهم و ءاباءهم حتّی نسوا الذکر

مقصود از <الذکر> در آیه شریفه، هم می تواند یاد خدا باشد و هم قرآن; زیرا <ذکر> یکی از نام های قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۲

۱۲ - رفاه و آسایش بسیار و برکنار بودن از گرفتاری ها و مصیبت های روزگار ، زمینه غفلت از یاد خداوند است .

ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ - آسودگی از گرفتاری ها به همراه برخورداری از نعمت ها ، زمینه غرور انسان و غفلت وی از نقش خداوند در عرصه تحولات زندگی

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتیته علی علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۲

۲ - آسودگی و برخورداری از نعمت ها ، همواره در طول تاریخ موجب غرور انسان و غفلت وی از نقش خداوند در عرصه تحولات زندگی بوده است .

قال إنّما أُوتیته علی علم . .. قد قالها الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۸

۸ - رفاه و سرخوشی ، زمینه خودبینی و غفلت از یاد خدا

و لئن أذقنه رحمه . .. لیقولنّ هذا لی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۹ – ۱۰

۱۰ – جهل و ناآگاهی ، مایه دلخوش شدن انسان به مظاهر زندگی دنیایی و بی

توجهی به ذکر خدا و عبادت او و مصالح نهفته در آن

ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۶

۶ - وجود خطر غافل شدن از یاد خدا ، در کسب و کار و خرید و فروش

و ابتغوا من فضل اللّه و اذکروا اللّه کثیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۷ - ۵

۵ - رفاه و وفور نعمت ، زمینه ساز غفلت از یاد خداوند

لأسقینهم ماء غدقًا . .. و من یعرض عن ذکر ربّه

مطرح شـدن اعراض و غفلت از یاد خـدا پس از یادآوری رفاه و وفور نعمت در سایه ایمان و دینداری نشانگر حقیقت یاد شده است.

زمینه غفلت از غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۱

۱- لحظه های خطرآفرین سفر های دریایی ، زمینه بروز گرایش انسان به خدای یگانه و رویکرد به او و از یاد بردن غیر او

و إذا مسّکم الضرّ فی البحر ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه

زمینه غفلت از فطرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ - رفاه و آسایش ، زمینه ساز غفلت از فطرت توحیدی است .

ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم بربّهم یشرکون

زمینه غفلت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۸

۸ رفاه بسیار ، زمینه ساز از یاد بردن خدا و غفلت

از تعالیم قرآن

و لکن متّعتهم و ءاباءهم حتّی نسوا الذکر

مقصود از <الذکر> در آیه شریفه، هم می تواند یاد خدا باشد و هم قرآن; زیرا <ذکر> یکی از نام های قرآن است.

زمینه غفلت از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۳

۳ - رفاه و آسایش ثمودیان ، زمینه غافل شدن آنان از مرگ و گرفتار شدنشان به بی تقوایی و گناه

ألاتتّقون . .. أتترکون فی ما ههنا ءامنین

زمینه غفلت از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۶

۶ - ناسپاسی دشمنان دین ، در برابر نعمت های خداوند و دلبستگی شدید آنها به دارایی خویش ، نشان بی توجهی آنان به معاد

إنّ الإنسن لربّه لکنود . .. أفلایعلم إذا بعثر ما فی القبور

زمینه غفلت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۵

۵- هشدار خداوند به بنی اسرائیل ، در غافل نشدن از آخرت پس از دستیابی به آرامش و حاکمیت

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

زمینه غفلت دشمنان دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۹ – ۶

۶ – ناسپاسی دشمنان دین ، در برابر نعمت های خداوند و دلبستگی شدید آنها به دارایی خویش ، نشان بی توجهی آنان به معاد

إنّ الإنسن لربّه لكنود . .. أفلايعلم إذا بعثر ما فی القبور

زمینه غفلت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸

- ۳۲ - ۵

۵ - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها و علاقه شدید او به آنها ، موجب غفلت او از یاد خدا گشت .

إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <عن> در <عن ذکر ربّی> به معنای <علی> و <أحببت> به معنای <آثرت> (ترجیح دادم) باشد؛ یعنی، من آن چنان به دوستی با اسب ها سرگرم شدم که آن را بر یاد خدا ترجیح دادم و از او غافل ماندم؛ تا آن که آفتاب غروب کرد و یا این که اسب ها از نظرم پنهان شدند.

زمینه غفلت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۳

۳ - رفاه و آسایش ثمودیان ، زمینه غافل شدن آنان از مرگ و گرفتار شدنشان به بی تقوایی و گناه

ألاتتّقون . .. أتترکون فی ما ههنا ءامنین

زمینه غفلت متنعمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۶

۶ - رفاهمندان و برخورداران از نعمت ، در خطر غفلت از یاد خدا

ثمّ تذکروا نعمه ربّکم إذا استویتم علیه

قید <إذا استویتم علیه>، می تواند ناظر به نکته یادشده باشد.

زمینه غفلت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۶

۶ - رفاهمندان و برخورداران از نعمت ، در خطر غفلت از یاد خدا

ثمّ تذكروا نعمه ربّكم إذا استويتم عليه

قيد <إذا استويتم عليه>، می تواند ناظر به نكته يادشده باشد.

زمينه غفلت مؤمنان

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۹ – ۵

۵ – مؤمنان ، در معرض غفلت از یاد خدا ، به خاطر دلبسته شدن به اموال و اولاد

یأیّها الذین ءامنوا لاتلهکم أمولکم و لا أولدکم عن ذکر اللّه

سرزنش غفلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۲۰۵ – ۷

۷ غفلت از یاد خدا ، امری نکوهیده و نارواست .

و لاتکن من الغفلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۲ – ۸

۸- سرمستی و غفلت امری بس زشت و مذموم ، و روشن بینی صفتی بس والا و ارزشمند برای انسانها

لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

سرزنش غفلت از آخرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۷ – ۷

۷ – علاقه به دنیا و توجّه به آبادانی حیات دنیوی ، در صورت بی اعتنایی به امر آخرت و حیات اخروی ، مورد نکوهش و محکوم در نگاه وحی

إنّ هؤلاء یحبّون العاجله و یذرون وراءهم یومًا ثقیلاً

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که آیه شریفه درصدد نکوهش و محکوم کردن کسانی است که تنها به دنیا دلبسته و آخرت را رها کرده اند.

سرزنش غفلت از ارزشها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۵ – ۱۶

۱۶– غوطهوری در غفلت و هدایت نیافتن به ارزش ها ، با گذشت چهل سال از عمر انسان ، نکوهیده و توجیه ناپذیر است .

حتّی إذا بلغ أشدّه و بلغ أربعین سنه قال ربّ

أوزعنی

خداونـد سن چهـل سـالگی را به عنوان مرحله کمـال و توجه به نعمت هـا و تلاش برای تزکیه معرفی کرده است. از این مطلب استفاده می شود که انسـان، تا قبل از رسـیدن به چهل سالگی به دلیل جوانی و خامی چه بسا گرفتار غفلت شود; ولی چون از چهل سالگی گذشت، دیگر مجالی برای توجیه نخواهد داشت.

سرزنش غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۰

۱۰ - غفلت از یاد خدا در جایگاه عبادت (مسجد و . . .) امری نکوهیده و نارواست .

و من أظلم ممن منع مسجد اللّه أن یذکر فیها اسمه

عبـارت <أن یـذکر فیهـا اسـمه> بیـانگر این است که: دلیـل نـاروا بـودن و سـتمکار شـمردن بازدارنـدگان مردم از حضور در مساجـد، یاد نشـدن نام خداست. بنابراین جمله <من أظلم ...> شامل کسانی که در جایگاههای عبادت از یاد خدا غافلند نیز، می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۳

۳ مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۴

۴ - زندگی آکنده از خنده و سرخوشی و به دور از اندوه معنوی ، مورد نکوهش الهی

است .

و تضحکون و لاتبکون

سرزنش غفلت از فرجام اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۶

۶ - غفلت از فرجام اخروی و لحظه برملا شدن اسرار آدمی ، شگفت آور و حالتی نکوهیده است .

أفلایعلم إذا . .. و حصّل ما فی الصدور

مفعول <أفلایعلم> یا محذوف است; یعنی: <أفلایعلم مآله؟> و یا کلمه <إذا> از ظرفیه خارج شده و مفعول به قرار گرفته است; یعنی: <أفلایعلم وقت . .. تحصیل ما فی الصدور؟>. در این صورت مراد، توبیخ بر غفلت از حوادث آن زمان است.

سرزنش غفلت از فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۶ - ۲

۲ - مدعیان دروغین انفاق ، خاک نشینان را در سال های قحطی ، گرسنه ر ها کرده ، از مصرف ثروت خود برای سیر کردن آنان دریغ میورزند .

یقول أهلکت مالاً . .. فلااقتحم العقبه ... أو مسکینًا ذا متربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۶

۶ - مضایقه کردن نمازگزاران غافل و ریاکار ، از عاریه دادن لوازم زندگی خود به نیازمندان ، نکوهیده تر از یتیم آزاری و بی توجّهی به فقیران است .

الذی یدعّ الیتیم . .. و لایحضّ ... فویل للمصلّین . الذین ... و یمنعون الماعون

با آن که تعبیر <فویل للمصلّین>، ادامه بیان اوصاف کسانی است که جزای الهی را تکذیب کردند; ولی حرف <فاء> و

تغییر سیاق، نشانگر تفاوت درجه آن با دو وصف قبل است. بنابراین وصفی که در این آیه،

از ویژگی های همان <مصلّین> شمرده شده است، نارواتر از اوصافی است که در آیه دوم و سوم آمده بود.

سرزنش غفلت از قدرت بیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۹ – ۲

۲ – بی توجّهی به قدرت بیان و ابزار آن و غفلت از وابستگی آنها به خداوند ، شگفت آور و سرزنش بار است .

ألم نجعل له . .. و لسانًا و شفتین

سرزنش غفلت از محمد (ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۴ – ۳

۳ مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

سرزنش غفلت از مساکین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۶ – ۲

۲ – مدعیان دروغین انفاق ، خاک نشینان را در سال های قحطی ، گرسنه ر ها کرده ، از مصرف ثروت خود برای سیر کردن آنان دریغ میورزند .

یقول أهلکت مالاً . .. فلااقتحم العقبه ... أو مسکینًا ذا متربه

سرزنش غفلت از معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۹ – ۷

۷ - لزوم شناخت ویژگی های معاد و غافل نبودن از خطر های آن

أفلایعلم

استفهام در آیه شریفه، <انکار تعجبی> است و بر اظهار شگفتی از جهل انسان،

دلالت دارد.

سرزنش غفلت از نعمتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۲

۲ - بی توجّهی به نعمت بینایی و غفلت از وابستگی آن به خداوند ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل له عینین

استفهام در <ألم نجعل . ..>، برای تعجب و گرفتن اقرار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۶

۶ - شناخت راه های نیک و بد ، نعمتی الهی و غفلت از آن ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل . .. و هدینه النجدین

سرزنش غفلت ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۵

۵ - بی اعتنایی ثروتمندان به نیاز های خویشاوندان یتیم خود ، دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجّهی آنان به دیگر نیازمندان است .

یقول أهلکت مالاً لبدًا . .. یتیمًا ذا مقربه

شگفتی غفلت از فرجام اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۶

۶ - غفلت از فرجام اخروی و لحظه برملا شدن اسرار آدمی ، شگفت آور و حالتی نکوهیده است .

أفلایعلم إذا . .. و حصّل ما فی الصدور

مفعول <أفلایعلم> یا محذوف است; یعنی: <أفلایعلم مآله؟> و یا کلمه <إذا> از ظرفیه خارج شده و مفعول به قرار گرفته است; یعنی: <أفلایعلم وقت . .. تحصیل ما فی الصدور؟>. در این صورت مراد، توبیخ بر غفلت از حوادث آن زمان است.

شگفتی غفلت از قدرت بیان

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۹ – ۲

۲ – بی توجّهی به قدرت بیان و ابزار آن و غفلت از وابستگی آنها به خداوند ، شگفت آور و سرزنش بار است .

ألم نجعل له . .. و لسانًا و شفتین

شگفتی غفلت از نعمتهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۸ – ۲

۲ – بی توجّهی به نعمت بینایی و غفلت از وابستگی آن به خداوند ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل له عینین

استفهام در <ألم نجعل . ..>، برای تعجب و گرفتن اقرار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۰ – ۶

۶ – شناخت راه های نیک و بد ، نعمتی الهی و غفلت از آن ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل . .. و هدینه النجدین

ظلم غفلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۹ – ۳

۳ – خدافراموشی و روی گرداندن از یاد او ، ظلم و ستم آدمی بر خویشتن است .

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. إذ ظلمتم

از ارتباط آیه شریفه با جمله <و من یعش عن ذکر الرحمان. ..> استفاده می شود که اعراض از یاد خدا، ظلم بر خویشتن

است.

ظلم غفلت از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۶

۶ – ناسپاسی و نادیده گرفتن نقش خداوند در برخورداری از نعمت ها ، ظلم است

.

و الذین ظلموا من هؤلاء

توصیف مرفهان ناسپاس به ستمگران، حاکی از مطلب یاد شده است.

عوامل رفع غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۳

۳- نقش بلا ها ، در بیرون آمدن انسان ، از غفلت و بازگشت به سوی خداوند

ربّنا اکشف عنّا العذاب إنّا مؤمنون

عوامل طبیعی و غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۴

۱۴ تدارک اسباب نباید موجب غفلت آدمی از حاکمیت مطلق خدا شود .

ادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء إن الحکم إلاّ لله

یعقوب(ع) پس از تـدبیرش در جهت جلوگیری از حـادثه نـاگوار برای فرزنـدانش، بیـان می دارد که: با این همه نمی توانم از مقـدرات الهی جلوگیری کنم ; زیرا حکم و فرمـان تنهـا از آنِ خداونـد است ; یعنی، بایـد توجه داشت که اسـباب و علّتهـا در دایره حکومت و خواست الهی عمل می کنند.

عوامل غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۱۴

۱۴ سوء استفاده دشمنان دین از شعائر دینی ، برای اغفال مؤمنان

ها انتم اولاء تحبونکم و لا یحبونکم . .. و اذا لقوکم قالوا امنا

بنابر اینکه محبت مؤمنان به کافران، معلول تظاهر آنان به ایمان (امنا) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۴ - ۶

۶ مغرور شدن به داراییها و توهم برخورداری از شفاعت از سوی معبودهای خیالی از عوامل غفلت انسان و دوری او از واقعیتهاست.

و ترکتم

ما خولنكم وراء ظهوركم و ما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم

روى سخن آيه با مشركان و حكايت حال آنان پس از مرگ است، جمله هاى <و تركتم . .. > و <ما نرى ... > بيان دو عامل عمده گمراهى و سوء عاقبت مشركان است كه يكى از آنها مغرور شدن به دنيا و ديگرى توهم برخوردارى از شفاعت از سوى معبودهاى خويش است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۲

۲ خداوند تكذيب كنندگان انبياى پيشين را از سختى هاى بيداركننده رهانيد و زندگى آنان را به رفاه و آسايش خام كننده تبديل كرد .

أخذنا أهلها بالبأساء . .. ثم بدلنا مكان السيئه الحسنه حتى عفوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۸

۸- دنياگرايى ، عامل غفلت انسان از حقايق بايسته و دانستنى

ذلك بأنهم استحبّوا الحيوه الدنيا على الأخره . .. و أُولئك هم الغفلون

در آيه شريفه، مفعول و متعلق <غافلون> ذكر نشده است؛ يعنى، بيان نشده كه كافران دنياگرا نسبت به چه چيز غفلت دارند. بنابراين عدم ذكر، دليل اين است كه دنياگرايى، عامل غفلت انسان از هر نوع حقايق دانستنى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۲ - ۲

۲ - غوطهورى مجرمان در گناه و تباهى ، مايه غفلت آنان از عذاب الهى

فيأتيهم بغته و هم لايشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۶ - ۹

۹ – مردمِ بی بهره از تعالیم پیامبران و ادیان

الهی ، مردمی غافل و بی خبراند .

لتنذر قومًا ما أُنذر ءاباؤهم فهم غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۷

۷ - انسان ، بدون وحی و الهام الهی ، غرق در انواع غفلت ها و بی خبری ها است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل لعلّهم یتذکّرون

برداشت یاد شده از تعبیر <یتذکّرون> به دست می آید; زیرا تذکر و بیدارباش در جایی به کار می رود که در مقابل آن، غفلت و بی خبری وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۲

۲ - ناآگاهی از مشیت و تقدیر خداوند در رزق و روزی انسان ها ، سبب انتساب نعمت ها و برخورداری ها به دانش بشری است .

قال إنّما أُوتیته علی علم . .. أوَلم یعلموا أنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر

آیه شریفه در مقام بیان نقش خداوند در برخورداری ها و نعمت های انسان ها است. این مسأله می تواند از چرایی منتسب کردن نعمت ها به دانش بشری از سوی انسان ها حکایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۳

۳ - غفلت از ارزش ها ، معلول غرق شدن در گرداب پندار ها و تمنیات نفسانی است . *

الخرّصون . الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط <فی غمره> با <ساهون> ممکن است چنین استفاده شود که انسان، زمانی گرفتار غفلت و حق ستیزی می شود که دل مشغولی های دنیا و حفره های

جاه و مال و شهوت، او را در خود فرو برده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۸ – ۱۲

۱۲ – احساس اقتدار و ایمنی از آسیب دشمن ، زمینه ساز غفلت و کم تقوایی است . *

یأیّها الذین ءامنوا اتّقوا اللّه و لتنظر . .. و اتّقوا اللّه

در آیات پیشین خداوند به مؤمنان اطمینان داد که کافران یهود از این پس، تاب رویارویی مستقیم نخواهند داشت و منافقان هم کاری از پیش نخواهند برد; ولی پس از آن اطمینان بخشی، اکنون توصیه به تقوا کرده است. گویی که احساس ایمنی، زمینه غفلت را فراهم می آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۹ – ۶

۶ – خدافراموشی انسان ، عامل غفلت او از سعادت و حقایق وجودی خویش

و لاتکونوا کالذین نسوا اللّه فأنسیهم أنفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۲ – ۴

۴ – زیارت اهل قبور برای تفاخر بر دیگران ، ناپسند و مایه غفلت از اهداف اصلی نعمت ها است .

ألهیکم . .. حتّی زرتم المقابر

عوامل غفلت از آخرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۲ – ۷

۷ اشتغال به دنیا و سرگرم شدن به آن، انسان را از آخرت باز می دارد.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الأخره خیر للذین یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۳

۳ - سطحی نگری و

ظاهربینی نسبت به زندگی دنیا ، در غفلت از آخرت ، نقش دارد .

یعلمون ظهرًا من الحیوه الدنیا و هم عن الأخره هم غفلون

مرجع ضـمیر <هم> واژه <الناس> با وصف سطحی نگری درباره دنیا است. آوردن وصفی دیگر (غفلت از آخرت) پس از صفت سطحی نگری، با تکرار ضمیر <هم> می تواند اشعاری به حقیقت یاد شده باشد.

عوامل غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۶ - ۴

۴ غفلت از یاد خدا و رویگردانی از پرستش او ، برخاسته از خودبزرگ بینی است .

و لاتکن من الغفلین. إن الذین عند ربک لایستکبرون عن عبادته

نهی از غفلت و سپس بیان این معنا که مقربان درگاه خدا در برابر او تکبری نمیورزند، بیانگر این است که غفلت کردن از یاد خدا در حقیقت تکبر کردن در برابر اوست و یا ریشه در تکبر و خودبزرگ بینی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۴

۱۴ تدارک اسباب نباید موجب غفلت آدمی از حاکمیت مطلق خدا شود .

ادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء إن الحکم إلاّ لله

یعقوب(ع) پس از تـدبیرش در جهت جلوگیری از حـادثه نـاگوار برای فرزنـدانش، بیـان می دارد که: با این همه نمی توانم از مقـدرات الهی جلوگیری کنم ; زیرا حکم و فرمـان تنهـا از آنِ خداونـد است ; یعنی، بایـد توجه داشت که اسـباب و علّتهـا در دایره حکومت و خواست الهی عمل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان

- ۳۱ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ - زندگی دنیا ، فریبنده و مایه غفلت انسان از خدا و قیامت است .

اتّقوا ربّکم و اخشوا یومًا . .. فلاتغرّنّکم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۴،۱۰

۴ - دلبستگی به تجملات زندگی دنیایی ، عامل روی گردانی از یاد خدا است .

و إن کلّ ذلک لمّا متع الحیوه الدنیا . .. و من یعش عن ذکرالرحمن

۱۰ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) : من تصدّی بالإثم أعشی عن ذکر اللّه تعالی و من ترک الأخذ عمّن أمر اللّه بطاعته قیّض له شیطاناً فهو له قرین ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده: هر کس مرتکب گناه شود از یاد خدا روی گردان شده و کوردل می گردد و کسی که ترک کند گرفتن [معارف دین] را از کسی که خداوند اطاعت او را فرمان داده است، خداوند شیطانی را برای او قرار می هد که همدم او خواهد بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۸

۱۸ - شیطان ، همواره درصدد فریب دادن انسان و غافل کردن او از خداوند است .

و غرّکم باللّه الغرور

توصیف شیطان به <غرور>، نشان دهنده آن است که فریب کاری، با ذات شیطان درهم آمیخته و عجین شده است و او همواره در پی آن است که انسان را، از یاد خداوند غافل گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - شیطان ، در صورت چیره شدن بر انسان ، خدا

را از یاد او می برد .

فأنسهم ذکر اللّه

۴ - فراموش شدن خدا در زندگی منافقان ، نتیجه استیلای شیطان بر آنان

استحوذ علیهم الشیطن فأنسهم ذکر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۹ - ۴

۴ - غفلت و باز ماندن از یاد خداوند ، طبیعت دلبسته شدن به مال و اولاد

لاتلهکم أمولکم و لا أولدکم

<إلهاء> (مصدر <تلهکم>) به معنای مشغول و سرگرم کردن است. نسبت دادن <إلهاء> به <اموال و اولاد> گویای مطلب یاد شده است. گفتنی است که لازمه مشغول کردن به خود، ایجاد غفلت از یاد خدا می باشد.

عوامل غفلت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱۰

۱۰- سرگرمی انسان به دنیا ، عامل بی توجهی به وحی و دین الهی

ما یأتیهم من ذکر . .. و هم یلعبون

جمله <و هم یلعبون> حال برای ضمیر فاعلی <استمعوه> و بیانگر وضعیت مشرکان و مردم حق گریز است. این وضعیت می تواند در حق گریزی و بی اعتنایی به پیام های الهی مؤثر باشد. گفتنی است جمله <لاهیه قلوبهم> در صدر آیه بعد که حال برای مبتدا در جمله <و هم یلعبون> است همین برداشت را تأیید می کند.

عوامل غفلت از قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ – لجاجت و عناد ، عامل استکبار و غفلت از قدرت نامحدود الهی *

فاستکبروا فی الأرض . .. و کانوا بأیتنا یجحدون

چنانچه جمله <و کانوا بآیاتنا یجحدون> به منزله تعلیل برای

استکبار و عدم توجه قوم عاد، نسبت به قدرت نامحدود خداوند باشد، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

عوامل غفلت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۲

۲ دوستی و نزدیکی با افراد ناباب ، عامل غفلت و دوری از تعالیم بیدارگر قرآن

لقد أضلّنی عن الذکر بعد إذ جاءنی

مقصود از <الذکر> به قرینه آیه بعد که از مهجور شدن قرآن و فراموش شدن آن در میان جامعه سخن می گوید و نیز به این دلیل که یکی از نام های قرآن، <ذکر> است، قرآن می باشد.

عوامل غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۶،۱۹

۱۶ - زندگی دنیا ، فریبنده و مایه غفلت انسان از خدا و قیامت است .

اتّقوا ربّکم و اخشوا یومًا . .. فلاتغرّنّکم الحیوه الدنیا

۱۹ - رحمانیت خدا ، مورد سوء استفاده اغواکنندگان ، در غافل ساختن انسان از قیامت و کیفر اَعمال است .

و لایغرّنّکم باللّه الغرور

<باء> در <باللّه> سببی است و مراد از آن، این است که شیطان و یا هر موجود فریبنده ای، به وسیله ذکر خدا و برخی از اوصاف او، همانند رحمانیت و یا غفاریت، چه بسا انسان را مغرور کند.

عوامل غفلت از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۳

۳- غفلت از معاد و تردید در آن ، معلول دل بستگی شدید به دنیا است .

أنا أكثر منك مالاً . .. قال ما أظنّ أن تبيد هذه أبدًا

. و ما أظنّ الساعه قائمه

عوامل غفلت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱۰

۱۰- سرگرمی انسان به دنیا ، عامل بی توجهی به وحی و دین الهی

ما یأتیهم من ذکر . .. و هم یلعبون

جمله <و هم یلعبون> حال برای ضمیر فاعلی <استمعوه> و بیانگر وضعیت مشرکان و مردم حق گریز است. این وضعیت می تواند در حق گریزی و بی اعتنایی به پیام های الهی مؤثر باشد. گفتنی است جمله <لاهیه قلوبهم> در صدر آیه بعد که حال برای مبتدا در جمله <و هم یلعبون> است همین برداشت را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ - غفلت از قیامت و دور پنداشتن آن ، از موانع مهم بی توجهی انسان به حقایق وحی و قوانین الهی

اللّه الذی أنزل الکتب . .. و ما یدریک لعلّ الساعه

از این که در مسأله قیامت، امکان نزدیک بودن آن تخصیص به ذکر یافته، اهمیت آن استفاده می شود.

عوامل غفلت از وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۲

۲ - انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت ، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخرّصون. الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط <خرّاصون> با <غمره> و <ساهون> مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل غفلت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۲

۲- برخورداری از

نعمت های دنیایی همراه با عمر طولانی ، موجب غرور و غفلت مردم مکه و پدران آنان گردیده بود .

بل هم عن ذکر ربّهم معرضون . .. بل متّعنا هؤلاء و ءاباءهم حتّی طال علیهم العمر

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هؤلاء> اشاره به حاضرین در اذهان مخاطبان (مردم مکه) باشد; همان طور که مشارالیه در بسیاری از آیات نازل شده در مکه، مردم آن سرزمین هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۹

۹ - بی بهره بودن مردم سرزمین مکه از تعلیمات آسمانی ، عامل عقب ماندگی آنان و فراگیر شدن غفلت و بی خبری در میان آنها

لتنذر قومًا ما أتیهم من نذیر من قبلك لعلّهم یتذکّرون

عوامل غفلت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۱

۱ - گرفتاری های هر کس در قیامت ، جایی برای رسیدگی او به دیگران باقی نگذاشته ، او را به خود مشغول خواهد ساخت .

لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

به هر امری از امور <شأن> گفته می شود (قاموس); جز این که سیاق آیه شریفه دلالت بر عظمت شأن مورد نظر دارد. فعل <اغنی> چه با حرف <عن> و چه بدون آن باشد به معنای <کفی> است (مفردات راغب). کفایت کردن شأن و کار، به معنای پر شدن فرصت ها است; به گونه ای که برای کار دیگر امان ندهد. اکتفا به بیان وضعیت مردان با کلمه <امریء>، به جهت وضوح هم سرنوشت بودن زنان با آنان است.

عوامل غفلت کافران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۵

۵ - احاطه تکذیب گری بر اندیشه کافران ، موجب احاطه غافلگیرانه عذاب الهی بر آنان است .

فی تکذیب . و اللّه من ورائهم محیط

تعبیر <فی تکـذیب>، بر احاطه تکذیب گری بر کافران دلالت دارد و جمله <و اللّه . .. محیط>، کافران را به احاطه خداوند تهدید کرده است; که حاصل آن بسته بودن راه فرار از عذاب فراگیر است.

عوامل غفلت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۴

۴ - فراموش شدن خدا در زندگی منافقان ، نتیجه استیلای شیطان بر آنان

استحوذ علیهم الشیطن فأنسهم ذکر اللّه

غفلت ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۸

۸ - ابلیس ، در مقایسه میان شخصیت خود و آدم (ع) ، روح الهی موجود در آفرینش آدم را نادیده گرفت .

فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی فقعوا له سجدین . ..قال أنا خیر منه خلقتنی من نار

غفلت اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۲

۲ - غفلت و فراموشی مشرکان از معبود های خویش ، در مواجهه با واقعیت های سهمگین قیامت

و ضلّ عنهم ما كانوا

بنـابر این که <ضـلّ عنهم> اشـاره به این باشـد که صـحنه قیـامت آن چنان برای مشـرکان وحشـتناك و دهشت آور است که خاطره بت ها از نظرشان محو و نابود خواهدشد.

غفلت از آثار عمل

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۰ – ۱۷

۱۷ آدمی در دنیا از حقیقت اعمال خود و بازتابهای آن غافل است.

ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

غفلت از آخرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۶ – ۳

۳ گروهی از انسان ها به زندگی دنیا دل خوش می کنند و از سرای آخرت غافل می مانند .

فرحوا بالحیوه الدنیا و ما الحیوه الدنیا فی الأخره إلّا متع

بیان ناچیزی دنیا در قیاس با آخرت ، پس از مذمّت گروهی که به دنیا دل خوش کرده اند (فرحوا بالحیوه الدنیا) ، می رساند که مراد از آن گروه ، مردمی هستند که آخرت را نپذیرفته و یا از آن غفلت کرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۷ – ۲

۲ – اکثریت انسان ها ، به جهان واپسین ، بی توجّه و از آن غافل اند .

و لکنّ أکثر الناس . .. و هم عن الأخره هم غفلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۲ – ۱

۱ انسان در دنیا ، گرفتار غفلت و بی خبری نسبت به حقایق اخروی

لقد کنت فی غفله من هذا

غفلت از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۲ - ۹

۹ همواره مردم بسیاری از آیات و نشانه های خداوند و سرگذشت پندآموز اقوام پیشین ، در غفلت هستند .

لتكون لمن خلفك ءايه و إن كثيراً من الناس عن ءايتنا لغفلون

غفلت از احاطه

خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۳

۳ - کافران ، از سیطره خداوند بر آنها غافل اند .

و اللّه من ورائهم محیط

<من وراء> (از پشت سر)، کنایه از غافلگیرانه بودن است; همان گونه که دشمن برای هجوم غافلگیرانه، از پشت سر حمله می کند.

غفلت از اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۵

۵ - تحلیل متخلفان درباره سفر حدیبیه و بی فرجام بودن آن ، متّکی بر محاسبات بشری و نادیده گرفتن اراده الهی

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

از قرائن و زمینه های تاریخی، دشواری این سفر قابل پیش بینی بود و متخلفان براساس همین معیارها، این سفر را بی فرجام می دیدند; غافل از این که دعوت پیامبر(ص) به بن بست نخواهد رسید و حمایت الهی از آن حضرت دریغ نخواهد شد.

غفلت از امتحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۶ - ۷

۷ - غفلت از آزمایش بودن فقر ، زمینه ساز پیدایش تحلیل های نادرست درباره عوامل آن

و أمّا إذا ما ابتلیه . .. فیقول ربّی أهنن

غفلت از امتحانهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۵ – ۸

۸ – غفلت از آزمایش بودن نعمت ها ، مایه خطا در تحلیل عوامل پیشرفت های اقتصادی

ابتلیه ربّه . .. فیقول ربّی أکرمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۰ –

۷ - غفلت از امتحان های الهی ، مایه ترک یتیم نوازی و بی اعتنایی به مسکینان و تصاحب میراث دیگران و دلبستگی به ثروت است .

ابتلیه . .. کلاّ بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضّون ... و تأکلون التراث ... و تحبّ

غفلت از انتقام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۶ - ۶

۶ فرعونیان با غفلت از انتقام گیری خداوند ، آیات او را تکذیب کردند .

بأنهم کذبوا بایتنا و کانوا عنها غفلین

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <عنها> به <نقمت> (برگرفته شده از <انتقمنا>) برگردد و جمله <و کانوا . .. > حال برای ضمیر <کذبوا> باشد. گفتنی است در این صورت غفلت به معنای حقیقی آن (بی خبر بودن و توجه نداشتن) خواهد بود.

غفلت از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تکذیب نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

لحن توبیخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

غفلت از بی احترامی با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۲ – ۹

۹ عدم توجه برخی از مؤمنان ، به آثار ویرانگر رعایت نکردن حرمت پیامبر (ص)

لاترفعوا أصوتکم . .. و لاتجهروا له ... أن تحبط أعملکم و

أنتم لاتشعرون

از تکرار نهی در آیه شریفه، مطلب بالا قابل برداشت است.

غفلت از بی نظیری خالق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۷ – ۸

۸- بی توجهی به غیر قابل قیاس بودن خالق با غیر خالق ، مذموم و ناپسند است .

أفمن یخلق کمن لایخلق أفلاتذکّرون

غفلت از پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۲ – ۱

۱ – سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

غفلت از تاریخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۱ – ۷

۷ – غفلت از پیام های عبرت آموز پیامبران و تاریخ ، دور نمایه گرایش به کفر

فهل من مدّکر

از این که خداوند، کفرپیشگان را به هشیاری و بیداری فراخواهنده است; استفاده می شود که مشکل اصلی کافران در غفلت ایشان است.

غفلت از تعالیم انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۷

۷ - غفلت از پیام های عبرت آموز پیامبران و تاریخ ، دور نمایه گرایش به کفر

فهل من مدّکر

از این که خداوند، کفرپیشگان را به هشیاری و بیداری فراخواهنده است; استفاده می شود که مشکل اصلی کافران در

غفلت ایشان است.

غفلت از تعالیم قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۱۲

۱۲- برخی مردم ، از پیام اصلی ماجرای اصحاب کهف ، غفلت کرده و به ابعاد فرعی و کم فائده آن می پردازند .

سیقولون ثلثه . .. قل ربّی أعلم بعدتهم

غفلت از توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۱

۲۱ شرک و بت پرستی ، برخاسته از غفلت و بی توجهی انسان نسبت به ربوبیت مطلق و بی همتای خدا بر کران تا کران هستی است .

الذی خلق السموت و الأرض . .. ذلکم اللّه ربکم فاعبدوه أفلا تذکرون

غفلت از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۱

۱- انسان ها از حسابرسی قیامت در عین نزدیک بودن آن در غفلت شدید به سر می برند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

کلمه <فی> در <فی غفله> برای ظرفیت مجازی است و دلالت بر شدتِ وصف می کند; یعنی، غفلت مردم از حسابرسی قیامت بسیار شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن

<کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

غفلت از حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۴

۴ - غفلت از محاسبه اعمال ، زمینه ساز فراموشی از یاد خداوند *

یأیّها الذین ءامنوا . .. و لتنظر إنّ اللّه خبیر بما تعملون. و لاتکونوا کالذین ن

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که تقدم <و لتنظر. ..> بر <و لاتکونوا کالذین...> نظر به تقدم رتبی داشته باشد.

غفلت از حسرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۹

۹- باور نداشتن قیامت و غفلت از حسرت باربودن آن ستم گری است .

لکن الظلمون . .. هم فی غفله و هم لایؤمنون

غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۱۴

۱۴ غفلت از خداوند و کم به یاد او بودن ، از صفات منافقان

و لایذکرون اللّه إلاّ قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ قابیل ، فاقد ترس از خداوند و غافل از ربوبیت گسترده او

انی اخاف اللّه رب العلمین

چون خداترسی هابیل مانع از اقدام به قتل شده، معلوم می شود قابیل به دلیل تصمیمش بر برادرکشی، هیچ ترسی از خدا در دل نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۷

۷ غفلت از یاد خدا ، امری نکوهیده و نارواست .

و لاتکن من الغفلین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۹

۹- پیامبر (ص) ، در معرض فراموشی و ترک ذکر خدا در سخن خویش است . *

واذکّر ربّک إذا نسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۵

۲۵- غفلت از یاد خدا ، کیفر الهی برای دنیاگرایان دل بسته به جلوه های مادّی است .

ترید زینه الحیوه الدنیا و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

توصیف دنیازدگان به کسانی که قلب شان از یاد خدا غافل است، گویای ارتباط غفلت قلب با دنیازدگی است و اسناد اغفال به خداوند (اغفلنا) کیفر بودن آن را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۶

۶ معبود های مشرکان در پاسخ به سؤال خداوند در قیامت ، عامل انحراف و گمراهی مشرکان را ، برخورداری آنان و پدرانشان از رفاه بسیار و از یاد بردن خدا خواهند دانست .

و لکن متّعتهم و ءاباءهم حتّی نسوا الذکر

<لکن> که در استدراک به کار می رود در آیه شریفه برای رد این اتهام است که معبودها در گمراهی مشرکان مؤثر بودند و نیز برای بیان علت های واقعی این انحراف است که در این آیه، به دو عامل اشاره شده است: ۱ رفاه (که موجب فراموشی خدا است) (متّعتهم. ..الذکر). ۲- رفتار هلاکت بار آنان (و کانوا قوماً بوراً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۵

۵ - سان دیدن سلیمان (ع) از

اسب ها و علاقه شدید او به آنها ، موجب غفلت او از یاد خدا گشت .

إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <عن> در <عن ذکر ربّی> به معنای <علی> و <أحببت> به معنای <آثرت> (ترجیح دادم) باشد; یعنی، من آن چنان به دوستی با اسب ها سرگرم شدم که آن را بر یاد خدا ترجیح دادم و از او غافل ماندم; تا آن که آفتاب غروب کرد و یا این که اسب ها از نظرم پنهان شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۷،۱۹

۱۷ - برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و ناشکری ، محنت زا و بلاآفرین است .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتیته علی علم بل هی فتنه

یکی از موارد کاربرد <فتنه>، محنت و بلاـ است و برداشت بالاـ مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان گفت: برخورداری از آسودگی و نعمت ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست; بلکه در دنیا و آخرت نقمت و بلا خواهد بود. گفتنی است آیه بعد که از روبه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخورداری های آنان، سخن می گوید مؤید همین برداشت است.

۱۹ - بیشتر انسان ها از منشأ اصلی نعمت ها و آسودگی ها (خدایی بودن آنها) و مقدار تأثیر دانش بشری

در پدید آمدن آنها ، بی خبر و ناآگاه اند .

قال إنّما أُوتيته على علم بل هى فتنه و لكنّ أكثرهم لايعلمون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که متعلق علم در <لایعلمون>، مطلبی باشد که از جمله <قال إنّما أُوتیته. ..> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۱

۱ - دادن نقش اصلی به دانش و تلاش بشری در برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها و نادیده گرفتن نقش خداوند در عرصه زندگی ، تفکر همه مرفهان و برخورداران در طول تاریخ

قال إنّما أُوتيته على علم . .. قد قالها الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۶

۶ - رفاهمندان و برخورداران از نعمت ، در خطر غفلت از یاد خدا

ثمّ تذكروا نعمه ربّكم إذا استويتم عليه

قید <إذا استویتم علیه>، می تواند ناظر به نکته یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۴

۴- منافق ، گرفتار خوش خیالی و غافل از کمین خداوند

أم حسب الذين فى قلوبهم مرض أن لن يخرج اللّه أضغنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۴

۴ - انسان ، همواره در معرض لغزش و غفلت از خدا و فرونهادن مسؤولیت ها *

لکلّ أوّاب حفیظ

واژه <أوّاب> در جایی صادق است که فرد، گرفتار نوعی غفلت و لغزش شود و یا در معرض چنین مشکلی قرار داشته باشد و نیازمند به آن باشد که خویش

را در مسیر توجه به خدا، حفظ کرده یا بدان مسیر متوجه سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۲۹ – ۳

۳ – اعراض از یاد خدا و دنیامداری ، دو پدیده به هم پیوسته و تفکیک ناپذیر

تولّی عن ذکرنا و لم یرد إلاّ الحیوه الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۴ – ۱۴،۱۹

۱۴ – منافقان ، فریفته دنیا و غافل از خداوند

و غرّکم باللّه الغرور

در صورتی که مراد از <الغرور> دنیا باشد، مقصود این خواهد بود که مظاهر دنیا (مال، جاه، مقام و. ..) شما را فریب داده و از خدا غافلتان کرده است.

۱۹ – آرزوی ناکامی برای جامعه ایمانی ، تردید در باور های دینی ، فریفتگی به آرزو های باطل و مظاهر دنیا و غفلت از خداوند ، از اوصاف منافقان و از نشانه های نفاق

و غرّکم باللّه الغرور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۹ – ۳

۳ – منافقان ، غافل از یاد خدا و بیگانه با آن

فأنسهم ذکر اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲۸ – ۶

۶ – سرزنش شدن باغداران یمنی از سوی برادر خردمند و معتدل خود ، به سبب فراموش کردن یاد خدا و محروم ساختن

مستمندان از محصولات باغ

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبّحون

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که همزه در <ألم> برای استفهام توبیخی است.

غفلت از خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۵

۵ - بی اعتنایی ثروتمندان به نیاز های خویشاوندان یتیم خود ، دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجّهی آنان به دیگر نیازمندان است .

یقول أهلکت مالاً لبدًا . .. یتیمًا ذا مقربه

غفلت از دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۱

۱۱ - بی توجهی به عمق عداوت کافران با اسلام و مسلمانان ، زمینه ساز برقراری روابط دوستانه با آنان

لاتتّخذوا عدوّی و عدوّکم أولیاء . .. یخرجون ... أن تؤمنوا باللّه ربّکم

بیان ابعاد مختلف عداوت کافران با مسلمانان، به عنوان دلیل ممنوعیت ارتباط دوستانه با آنان، بیانگر مطلب بالا است.

غفلت از دشمنان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۱

۱۱ - بی توجهی به عمق عداوت کافران با اسلام و مسلمانان ، زمینه ساز برقراری روابط دوستانه با آنان

لاتتّخذوا عدوّی و عدوّکم أولیاء . .. یخرجون ... أن تؤمنوا باللّه ربّکم

بیان ابعاد مختلف عداوت کافران با مسلمانان، به عنوان دلیل ممنوعیت ارتباط دوستانه با آنان، بیانگر مطلب بالا است.

غفلت از دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۱

۱۱ - بی توجهی به عمق عداوت کافران با اسلام و مسلمانان ، زمینه ساز برقراری روابط دوستانه با آنان

لاتتّخذوا عدوّی و عدوّکم أولیاء . .. یخرجون ... أن تؤمنوا باللّه ربّکم

بیان ابعاد مختلف عداوت کافران با مسلمانان، به عنوان دلیل ممنوعیت ارتباط دوستانه با آنان، بیانگر مطلب بالا است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۳

۳ - جامعه اسلامی ، در معرض خطر از یاد بردن عداوت جبهه کفر با ایشان

إن یثقفوکم یکونوا لکم أعداء

تذکر و هشدار الهی در این آیه، بیانگر مطلب بالا است.

غفلت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۳ - ۶

۶ - جوامع معاصر موسی ، گرفتار غفلت و بی خبری از تعالیم الهی

و لقد ءاتینا موسی الکتب . .. لعلّهم یتذکّرون

غفلت از ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ دشمنی و کینه توزی در بین جامعه ایمانی و غفلت از یاد خدا مانع رسیدن آن جامعه به فلاح و رستگاری

لعلکم تفلحون. انما یرید الشیطن ... و یصدکم عن ذکراللّه

غفلت از ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۹،۱۰

۹ غفلت آدمی از ربوبیت خدا در نشئه حجاب و حیات دنیوی ، با سابقه نشئه شهود ، عذری غیر قابل پذیرش

أشهدهم علی أنفسهم . .. أن تقولوا یوم القیمه إنا کنا هذا غفلین

۱۰ هیچ انسانی در روز قیامت نمی تواند مدعی غفلت از ربوبیت خدا در حیات دنیوی خویش باشد .

أشهدهم علی أنفسهم . .. أن تقولوا یوم القیمه إنا کنا هذا غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۳

۳ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر

نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۴

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و<تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲۸ – ۵

۵ – سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۶ – ۴

۴ سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن

و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۹ – ۳

۳ – سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۱ – ۳

۳ – سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۵ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۷ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸

- رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۳

۳ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت پروردگار خویش

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

غفلت از سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۲ - ۹

۹ همواره مردم بسیاری از آیات و نشانه های خداوند و سرگذشت پندآموز اقوام پیشین ، در غفلت هستند .

لتکون لمن خلفك ءايه و إن كثيراً من الناس عن ءايتنا لغفلون

غفلت از سنت استدراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۷

۷ خدافراموشان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و

آسایش خویش و غافل از سنت استدراج

فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء حتی إذا فرحوا بما أوتوا

غفلت از شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - انسان ها ، در بیشتر لحظه های عمر ، از شکر نعمت های خداوند غافل اند .

قلیلاً ما تشکرون

<قلیلاً> می تواند صفت برای موصوف محذوفی مانند <زماناً> باشد، در این صورت، نکته یاد شده به دست می آید.

غفلت از عجز انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم . .. لاتنفذون إلّا بسلطن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، از استفهام توبیخی در <فبأیّ. ..> مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

غفلت از عجز جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم . .. لاتنفذون إلّا بسلطن . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

با توجه به ارتباط اين آيه با آيه قبل، از استفهام توبيخى در <فبأىّ. ..> مطلب بالا استفاده مى شود.

گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

غفلت از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۲ - ۲

۲ - غوطهوری مجرمان در گناه و تباهی ، مایه غفلت آنان از عذاب الهی

فیأتیهم بغته و هم لایشعرون

غفلت از عظمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۵

۵ غفلت از خدا و به فراموشی سپردن عزت و شکوه او ، حالتی است ناروا و نکوهیده .

واتخذتموه ورآءکم ظهریًّا

جمله <اتخذتموه . ..> عطف به جمله <رهطی أعزّ ...> می باشد و لذا استفهام توبیخی در این جمله نیز لحاظ شده است; یعنی: أَتخذتموه ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۸

۱۸ - استغفار فرشتگان برای آدمیان ، در پی مشاهده غفلت زمینیان از عظمت خداوندی

و هو العلیّ العظیم . .. و یستغفرون لمن فی الأرض

بنابراین که آیه درصدد بیان عظمت خداوند باشد و قهراً استغفار فرشتگان برای اهل زمین می تواند از این جهت باشد که مردم غافل از عظمت خدایند.

غفلت از علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۲ – ۱۹

۱۹ – خودستایی ، زاییده غفلت انسان از علم احاطه دار خداوند

هو أعلم بکم . .. فلاتزکّوا أنفسکم

تفریع <فلاـتزکّوا أنفسکم> بر <هو أعلم. ..>، نشانگر آن است که تزکیه نفس و ستایش های دروغین انسان از خویش، نتیجه غفلت او از علم نامحدود خداوندی است.

غفلت

از علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۸ - ۳

۳ غفلت و بی توجّهی منافقـان به علم غیب و آگـاهی گسترده خـدا نسبت به اسـرار و سـخنان پنهـانی ، عامـل گرایش آنان به تخلف از وظایف خود در برابر خدا

بما أخلفوا اللّه ما وعدوه . .. ألم یعلموا أن اللّه یعلم ... و أن اللّه علّم الغی

غفلت از عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۵ - ۴

۴ - غفلت انسان ، از کردار خویش و فراموش کردن آن پیش از برپایی قیامت

یوم یتذکّر الإنسن ما سعی

غفلت از فرجام گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فیومئذ لایسل عن ذنبه . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فضاحت بار و ذلیلانه مجرمان

يعرف المجرمون . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

غفلت از فرجام مكذبان انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۷

۷ - تكذيب رسالت پيامبر اسلام از جانب كافران ، برخاسته از ناآگاهى و غفلت آنان ، از سرنوشت شوم

تکذیب کنندگان بود .

فأذاقهم اللّه الخزی . .. لو کانوا یعلمون

غفلت از فناپذیری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۴

۴ - غفلت از زوال پذیری زندگی دنیایی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر و ناسپاسی

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداونـد متعال، نخست فناپـذیری زنـدگی دنیایی را به انسان تذکر داده و در پی آن از آنان خواسته است تا دست از تکذیب نعمت های حق بردارند. از این دو استفاده می شود که یکی از عوامل تکذیب حق، دلبستگی به دنیا و غفلت از ناپایداری آن است.

غفلت از قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۴

۱۴ - ظالمان از قدرت خداوند غافلند .

و لو یری الذین ظلموا . .. أن القوه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۳

۳ - سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد کذّبوا . .. أَوَلم یرواإلی الأرض کم أنبتنا فیها

استفهام در <أَوَلم یروا. ..> برای توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . .. کلّ یوم هو فی شأن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند در آیه قبل،

فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم . .. لاتنفذون إلاّ بسلطن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، از استفهام توبیخی در <فبأیّ. ..> مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۲

۲ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فإذا انشقّت السّماء . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

عبارت <انشقّت السّماء. ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۱

۱- انسان ها از حسابرسی قیامت در عین نزدیک بودن آن در غفلت شدید به سر می برند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

کلمه <فی> در <فی غفله> برای ظرفیت مجازی است و دلالت بر شدتِ وصف می کند؛ یعنی، غفلت مردم از حسابرسی قیامت بسیار شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۶

۶ - خوشگذرانان غفلت زده و بی خبر از روز جزا ، هم سنگ ددان و وحوش بیابان در بینش الهی

إذا هم یجئرون

چنان که گفته شد <جوار> به زوزه سگ، روباه و گرگ گفته می شود. تعبیر زوزه برای فریاد استغاثه کافران، بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۰ - ۳

۳ - غفلت شدید کافران و مشرکان ، از مرگ و حیات پس از آن (قیامت)

إنّک میّت و إنّهم میّتون

ضمیر <إنّهم> به مشرکان و کافران باز می گردد. طرح مسأله رحلت آنان که با تأکید همراه است (إنّک و إنّهم) و غیر قابل انکاربودن این حقیقت، می تواند گویای غفلت شدید مشرکان و کافران از مسأله مرگ باشد؛ گو این که آنان منکر حقیقت یاد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۶

۶ – انسان ها ، در معرض غفلت نسبت به روز قیامت

من قبل أن یأتی یوم لامردّ له من اللّه

تأکید خداوند، درباره حقیقت روز قیامت، می تواند از آن جهت

باشد که بسیاری از مردم نسبت به این امر مهم غافل اند.

غفلت از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

غفلت از کیفیت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

غفلت از کیفیت خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

غفلت از گواهی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۲

۲ - غفلت انسان از شهادت اعضا و جوارح ، عامل جرأت وی بر گناه و معصیت

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و

لا جلودكم

غفلت از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۹

۹ - انسان ها در بیشتر عمر خود ، غافل از الطاف الهی در حق خویش

قليلاً ما تذكّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

يسله . .. كلّ يوم هو فى شأن . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

غفلت از محدودیت عمر دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۳ - ۶

۶ - بی توجهی به محدودیت عمر ، زمینه ساز بی اعتنایی به شخصیت دیگران و ضربه زدن به اعتبار آنان است .

همزه لمزه . .. يحسب أنّ ماله أخلده

غفلت از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۹

۱۹ حیات دنیا و لذّت های آن ، غافل کننده انسان از رسیدن مرگ و نابودی آن لذّت ها و خوشیها

کلّ نفس ذائقه الموت . .. و ما الحیوه الدّنیآ الّا متاع الغرور

از تذکّر به

رسیدن مرگ، علی رغم آگاهی همگان از آن، و سپس فریبنده خواندن حیات دنیا، معلوم می شود که مصداق بارز فریبندگی دنیا، غافل نمودن انسانها از مرگ و نابودی لذّتهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۵ – ۴

۴ – انسان ها ، شدیداً در معرض غفلت از مرگ خویش اند .

ثمّ إنّکم بعد ذلک لمیّتون

تأکیدهای مکرر در آیه فوق (إنّ، لام و جمله اسمیه) می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۲۹ – ۵

۵ – غفلت از مرگ و پندار جاودانگی در دنیا ، عامل روی آوری عادیان به کاخ سازی ، تجمل گرایی و بیهودگی

أتبنون . .. تعبثون . و تتّخذون مصانع لعلّکم تخلدون

تعبیر <لعلّکم تخلدون> بیانگر این معنا است که: کار شما طوری است که گویا از مرگ و ناپایداری زندگی دنیوی، غافل شده اید و می پندارید که همیشه در این دنیا خواهید ماند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۶ – ۵

۵ – سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) به خاطر غفلت آنان از مرگ و بی توجهی به ناپایدار بودن امکانات دنیایی

أتترکون فی ما ههنا ءامنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۰ – ۳

۳ – غفلت شدید کافران و مشرکان ، از مرگ و حیات پس از آن (قیامت)

إنّک میّت و إنّهم میّتون

ضمیر <إنّهم> به مشرکان و کافران باز می گردد. طرح مسأله رحلت آنان که

بـا تأکیـد همراه است (إنّـک و إنّهم) و غیر قابـل انکاربودن این حقیقت، می توانـد گویای غفلت شدیـد مشـرکان و کافران از مسأله مرگ باشد; گو این که آنان منکر حقیقت یاد شده اند.

غفلت از مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۵

۵ - بی اعتنـایی ثروتمنـدان بـه نیـاز هـای خویشاونـدان یـتیم خـود ، دور از انتظـار و نکوهیـده تر از بی تـوجّهی آنـان به دیگر نیازمندان است .

یقول أهلکت مالاً لبدًا . .. یتیمًا ذا مقربه

غفلت از مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۷

۷- کسانی که گفتن < إن شاء اللّه > را فراموش کنند ، باید گرچه با تعبیری دیگر ذکر خدا را به زبان آورند .

إلاّ أن یشاء اللّه واذکّر ربّک إذا نسیت

متعلق نسـیان ، به قرینه <إلاّ إن یشاء اللّه> ، می تواند گفتنِ <إن شاء اللّه> باشد. جمله <اذکر ربّک> مطلق است، بنابراین، برای تدارک <إن شاء اللّه> انتخاب هر لفظی که نشانِ توجه به خداوند و حاکمیّت اراده او باشد، ثمربخش خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۱

۱- بی توجهی رفاه مند مغرور به نقش اساسی مشیّت خدا در امور ، مورد سرزنش مرد مؤمن قرار گرفت .

و لولا . .. قلت ما شاء اللّه

غفلت از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۸ – ۲

۲ – غفلت و فراموشی مشرکان

از معبود های خویش ، در مواجهه با واقعیت های سهمگین قیامت

و ضلّ عنهم ما کانوا

بنابر این که <ضلّ عنهم> اشاره به این باشد که صحنه قیامت آن چنان برای مشرکان وحشتناک و دهشت آور است که خاطره بت ها از نظرشان محو و نابود خواهدشد.

غفلت از منشأ نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۳

۳- دل بستگیِ شدید به دنیا و غفلت از نقش خداوند در آفرینش و اعطای نعمت ها ، نشانه کفر است .

و کان له ثمر فقال . .. أنا أکثر منک مالاً ... ما أظنّ أن تبید هذه ... قال له صاح

در پی گفته های مرد ثروت مند و فخرفروشی های او و انکار فناپذیری نعمت ها، مرد مؤمن، با سؤال <أکفرت> با وی به گفتوگو پرداخت و این نشان دهنده کفرورزی مرد ثروت مند در اندیشه ها و گفته هایش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۲

۲ - رفاه مندی و برخورداری از نعمت ها در سایه تلاش و دانش اقتصادی ، در صورت همراه بودن آن با ناسپاسی و غفلت از منشأ خدایی آنها ، هلاکت و بدبختی در دنیا را در پی خواهد داشت .

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون فأصابهم سیّئات ما کسبوا

غفلت از مهلت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۹

۹ - بیشتر تبه کاران ، غافل از مهلت های خداوند و روی گردان از هشدار های او

و یقولون متی

هذا الوعد . .. قل عسی أن يکون ردف لکم ... و لکنّ أکثرهم لايشکرون

بـا توجه به اين که فضـل الهی در آيه مورد بحث، نـاظر به تـأخير عـذاب مجرمـان و مهلت دادن به آنان است، جمله <أکثرهم لايشکرون> بدين معنا خواهد بود که: بيشتر آنان از اين لطف الهی، عبرت نمی گيرند و به حق روی نمی آورند.

غفلت از ناپايداری امکانات دنيوی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۵

۵ - سرزنش ثموديان از سوی صالح (ع) به خاطر غفلت آنان از مرگ و بی توجهی به ناپايدار بودن امکانات دنيايی

أتترکون فی ما ههنا ءامنين

غفلت از ناظران عمل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۲

۲ - غفلت انسان از شهادت اعضا و جوارح ، عامل جرأت وی بر گناه و معصيت

و ما کنتم تستترون أن يشهد عليکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

غفلت از نظارت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۷ - ۶

۶ - کسـانی که خداونـد را نـاظر بر نيت ها نمی داننـد و گشاده دستی های خود را به رخ ديگران می کشـند ، گرفتار پنـداری موهوم و نارواينذ .

يقول أهلکت مالاً لبدًا . أيحسب أن لم يره أحد

در برداشت ياد شـده، گوينده <أهلکت مالاً لبداً> کسـی فرض شده که بذل و بخشـش های فراوانی داشـته ولی در آنها نيت خالصانه نداشته است. اين آيه بخششهای او را فاقد ارزش معرفی کرده است.

غفلت از نعمت چشم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۲

۲ - بی توجّهی به نعمت بینایی و غفلت از وابستگی آن به خداوند ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل له عینین

استفهام در <ألم نجعل . ..>، برای تعجب و گرفتن اقرار است.

غفلت از نعمتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۳

۳ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۴

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام

در<فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و<تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۵

۵ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۴

۴ سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۲

۲ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فإذا انشقّت السّماء . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

عبارت <انشقّت السّماء. ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و

<تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی توجهی و نادیده انگاشتن نعمت های خداوند

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

متّکین علی . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از

سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۹ – ۳

۳ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۱ – ۳

۳ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۳ – ۳

۳ – توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی و محروم ساختن خویش از آن

و من دونهما جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۵ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش شدن

کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۳

۳ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت پروردگار خویش

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

غفلت از نقش ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۷

۷ استبعاد مشرکان از بشر بودن رسول ، ناشی از دم توجه آنان به وساطت ملائکه میان خدا و پیامبران است . ❋

قل لو کان فی الأرض ملئکه یمشون

مطمئنين لنزّلنا عليهم من السّماء ملكًا رسولاً

آيه فوق، می تواند در مقام پاسخ به مشرکان باشد. با این بیان که مشرکان، بعید می شمردند که فردی از بشر با خدای جهان ارتباط داشته باشد.آیه جواب می دهد که: پیامبران، بیواسطه وحی تلقی نمی کنند; بلکه اصولاً بین خدا و زمینیان، ملکی واسطه وحی است.

غفلت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۴

۴ - خواندن نماز ، بدون تصمیم بر امدادرسانی به نیازمندان ، غفلت از < حقیقت نماز > است .

الذين هم عن صلاتهم ساهون . .. و يمنعون الماعون

غفلت از نوزادان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۱

۱۱- اضطراب مردم در عرصه قیامت ، به درجه ای است که هر زن شیر دهنده ، از شیر دادن غافل خواهد شد و هر زن بارداری از شدت ترس ، سقط جنین خواهد کرد .

يوم ترونها. .. و تضع كلّ ذات حمل حملها

غفلت از وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۳

۳ - انسان ، به شدت در معرض ناباوری و بی توجهی نسبت به وعده های الهی قرار دارد .

إنّما توعدون لصادق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تأکید در جایی صورت می گیرد که امری مورد غفلت باشد و یا مورد انکار

قرار گیرد و از این که سوگندهای مکرر صورت گرفته، شدت غفلت و انکار استفاده می شود.

غفلت اشراف

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۳ – ۱۱

۱۱ – توجه اشراف به خوردن و آشامیدن و غفلت آنان از فضایل علمی و معنوی مردان الهی

ما هذا إلّا بشر . .. و یشرب ممّا تشربون

غفلت اصحاب الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲۵ – ۳

۳ – غفلت و غرور باغداران یمنی ، بر اثر قدرت اقتصادی و توانایی خود

و غدوا علی حرد قدرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲۸ – ۶

۶ – سرزنش شدن باغداران یمنی از سوی برادر خردمند و معتدل خود ، به سبب فراموش کردن یاد خدا و محروم ساختن مستمندان از محصولات باغ

قال أوسطهم ألم أقل لکم لولا تسبّحون

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که همزه در <ألم> برای استفهام توبیخی است.

غفلت اکثریت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۷ – ۲

۲ – اکثریت انسان ها ، به جهان واپسین ، بی توجّه و از آن غافل اند .

و لکنّ أکثر الناس . .. و هم عن الأخره هم غفلون

غفلت اکثریت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۸

۸ - بلا های دنیوی ، هشداری به ظالمان ; ولی بیشتر ایشان بی خبر از پیام هشداری آن *

و إنّ للذین ظلموا عذابًا دون ذلك و لكنّ أكثرهم لايعلمون

در صورتی که <دون ذلک> به معنای عذاب های خفیف دنیوی در قبال عذاب سنگین آخرت

باشد، ممکن است سبکی این عذاب ها برای مجال دادن به ظالمان برای انابه باشد; ولی افسوس که بیشتر ستمگران این درس ها را نمی آموزند.

غفلت اکثریت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۶

۶ - کافران ، گرفتار کیفر های دنیوی و بیشتر آنان ، غافل از منشأ گرفتاری های خویش *

للذین ظلموا عذابًا . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

در صورتی که <عذاباً دون ذلک> نظر به کیفر دنیوی داشته باشد، احتمال می رود که <أکثرهم لایعلمون> به این معنا باشد که کافران به رغم ابتلا به این کیفرهای الهی، معمولاً توجه ندارند که علت آن، کفر ایشان است.

غفلت اکثریت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۶

۶ - بیشتر کافران و مشرکان ستیزه جو و مجادله گر در صدر اسلام ، مردمی غافل و بی خبر از معارف الهی (چون توحید و معاد) بودند .

و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

ممکن است مقصود از <الناس> در آیه شریفه، مردم عصر نزول قرآن (چون اهل مکه) باشد. برداشت یادشده بر این احتمال مبتنی است.

غفلت اکثریت مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۹

۹ - بیشتر تبه کاران ، غافل از مهلت های خداوند و روی گردان از هشدار های او

و يقولون متى هذا الوعد . .. قل عسى أن يكون ردف لكم ... و لكنّ أكثرهم لايشكرون

با توجه به اين كه فضل الهى در آيه مورد بحث، ناظر به تأخير

عـذاب مجرمـان و مهلت دادن به آنان است، جمله <أكثرهم لايشـكرون> بـدين معنا خواهـد بود كه: بيشتر آنان از اين لطف الهى، عبرت نمى گيرند و به حق روى نمى آورند.

غفلت اكثريت مردم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۹۲ - ۹

۹ همواره مردم بسيارى از آيات و نشانه هاى خداوند و سرگذشت پندآموز اقوام پيشين ، در غفلت هستند .

لتكون لمن خلفك ءايه و إن كثيراً من الناس عن ءايتنا لغفلون

غفلت اكثريت مشركان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۶

۶ - بيشتر كافران و مشـركان ستيزه جو و مجادله گر در صـدر اسـلام ، مردمى غافل و بى خبر از معارف الهى (چون توحيـد و معاد) بودند .

و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

ممكن است مقصود از <الناس> در آيه شـريفه، مردم عصر نزول قرآن (چون اهل مكه) باشد. برداشت يادشده بر اين احتمال مبتنى است.

غفلت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱ غفلت و جهل انسان نسبت به حقيقت اعمال خود در دنيا

فينبئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۲۰

۲۰- انسان ، در معرض غفلت و روی گردانی از تمایلات فطری و دریافت های عقلی خویش و نیازمند به تذکر و بیدار باش

إن الله یأمر . .. و ینهی ... یعظکم لعلّکم تذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون -

۴ - ۱۵ - ۲۳

۴ - انسان ها ، شدیداً در معرض غفلت از مرگ خویش اند .

ثمّ إنّکم بعد ذلک لميّتون

تأکیدهای مکرر در آیه فوق (إنّ، لام و جمله اسمیه) می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۲

۲ - انسان ، غافل از کوتاهی و ناپایداری زندگی دنیوی

قل إن لبثتم إلاّ قليلًا لو أنّکم کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۹

۹- غفلت ها و حق فراموشی های انسان ، عمیق و دیرپای

فإنّما يسّرنه بلسانک لعلّهم يتذکّرون

خداوند، فهم حقایق قرآن را با زبان پیامبر(ص) سهولت بخشیده است. در عین حال با تعبیر <لعلّهم...> به پیامبر(ص) تذکر می دهد که با وجود آسانی فهم قرآن، انتظار نداشته باش که بی چون و چرا همه بیدار شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۱،۴

۱ انسان در دنیا ، گرفتار غفلت و بی خبری نسبت به حقایق اخروی

لقد کنت فی غفله من هذا

۴ حقیقت ، قابل شهود در دنیا ; اما آدمی گرفتار غفلت و سطحی نگری

لقد کنت فی غفله من هذا

<غفلت> در جایی صادق است که حقیقت قابل شهود باشد؛ ولی آدمی به دلایلی از مشاهده آن محروم بماند. تعبیر <کشفنا...> می رساند که آدمی در دنیا، گرفتار سطحی نگری است و چشمانش در حجاب دنیاگرایی قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۵ - ۴

۴ - غفلت انسان ، از

کردار خویش و فراموش کردن آن پیش از برپایی قیامت

یوم یتذکّر الإنسن ما سعی

غفلت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۳

۳ گروهی از انسان ها به زندگی دنیا دل خوش می کنند و از سرای آخرت غافل می مانند .

فرحوا بالحیوه الدنیا و ما الحیوه الدنیا فی الأخره إلّا متع

بیان ناچیزی دنیا در قیاس با آخرت ، پس از مـذمّت گروهی که به دنیا دل خوش کرده انـد (فرحوا بالحیوه الـدنیا) ، می رساند که مراد از آن گروه ، مردمی هستند که آخرت را نپذیرفته و یا از آن غفلت کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۶

۶- انسان ها پس از رهایی از خطر های مرگ آفرین ، خدا را فراموش می کنند و از حق روی گردان می شوند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۴

۱۴- < عن رسول اللّه (ص) : إذا دخـل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار . . . یقال : یا أهل الجنّه خلود فلاموت و یا أهل النار خلود فلاـموت ثمّ قرأ رسول اللّه (ص) : < و أنـذرهم یوم الحسـره إذ قضـی الأـمر و هم فی غفله > و أشار بیـده و قال : أهل الدنیا فی غفله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: آن گاه که بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم درآیند . .. گفته می شود: ای اهل

بهشت! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست و ای اهل آتش! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست، سپس رسول خدا(ص) این آیه را خواند <و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله> (آن گاه حضرت) با دست خود اشاره کرد و فرمود: اهل دنیا در غفلت اند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱ – ۱

۱– انسان ها از حسابرسی قیامت در عین نزدیک بودن آن در غفلت شدید به سر می برند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

کلمه <فی> در <فی غفله> برای ظرفیت مجازی است و دلالت بر شدتِ وصف می کند; یعنی، غفلت مردم از حسابرسی قیامت بسیار شدید است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۲ – ۹

۹ – انسان ها در بیشتر عمر خود ، غافل از الطاف الهی در حق خویش

قلیلاً ما تذکّرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۹ – ۳

۳ – انقراض نسل بشر در دنیا و آغاز قیامت ، غافل گیرانه و در حالی خواهد بود که همگان سرگرم جدال و کشمکش روزانه اند .

ما ینظرون إلّا صیحه وحده تأخذهم و هم یخصّمون

<یخصّمون> (از ماده <خصومت> و <خصام>) به معنای جدال و کشمکش است و جمله <و هم یخصمون>، حال برای ضمیر مفعولی در <تأخذهم> است; یعنی، در حالی که آنان سرگرم جدال و کشمکش بر سر زندگی مادی اند، ناگهان صیحه سهمگین آنان را فراخواهد گرفت.

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۸ – ۱۳

۱۳ – انسان ها هنگام رهایی از مشکلات و دستیابی به آسودگی ، موقعیت گذشته خود را فراموش کرده و ناسپاس می شوند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه من قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۷ – ۶

۶ – انسان ها ، در معرض غفلت نسبت به روز قیامت

من قبل أن یأتی یوم لامردّ له من اللّه

تأکید خداوند، درباره حقیقت روز قیامت، می تواند از آن جهت باشد که بسیاری از مردم نسبت به این امر مهم غافل اند.

غفلت اهل مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۲ – ۱،۳

۱ مردم مدین در عصر شعیب (ع) ، خداوند را کاملاً به فراموشی سپرده و از شکوه و عزت او غافل بودند .

أرهطی أعزّ علیکم من الله واتخذتموه ورآءکم ظهریًّا

<ظهریّ> به چیزی گفته می شود که آدمی آن را به پشت سر می اندازد و کنایه از چیز فراموش شده ای است که اعتنایی به آن نمی شود و از آن جایی که جمله <اتخذتموه ورآءکم>، (خداوند را پشت سر انداختید) نیز کنایه از <خدا را فراموش کردید> می باشد، کلمه <ظهریّاً> حال مؤکده خواهد بود.

۳ شعیب (ع) مردم مدین را به خاطر غفلت از خدا و رعایت نکردن جانب او ، توبیخ و سرزنش کرد .

أرهطی أعزّ علیکم من الله واتخذتموه ورآءکم ظهریًّا

استفهام در جمله <أرهطی . ..> انکار توبیخی است.

غفلت باغدار متکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۹ – ۱

۱– بی توجهی رفاه مند مغرور به نقش اساسی مشیّت خدا در امور ، مورد سرزنش مرد مؤمن قرار گرفت .

و لولا . .. قلت ما شاء اللّه

غفلت برادران یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۳ – ۷

۷ غفلت برادران از حراست یوسف (ع) در صحرا ، دور از انتظار یعقوب (ع) نبود .

أخاف أن یأکله الذئب و أنتم عنه غفلون

غفلت دشمنان دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۶ – ۵،۹

۵– خداوند ، توطئه گران علیه دین را به گونه ای غافلگیرانه گرفتار عذاب کرد که هیچ گاه به آن گمان نمی بردند .

قد مکر الذین من قبلهم . .. و أتهم العذاب من حیث لایشعرون

۹– توطئه گران علیه دین ، هیچ گاه گمان نمی کردند که مکرشان علیه دین ، دامنگیر خود آنان خواهد شد .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد . .. و أتهم العذاب من حیث لا

غفلت دنیاطلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۸ – ۷

۷- کافران دنیاگرا ، غافلان واقعی اند .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. الکفرین ... و أُولئک هم الغفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۲

۲ - پندارگرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا *

الخرّصون .

الذین هم فی غمره ساهون . یسئلون أیّان یوم الدّین

از ارتباط <یسئلون. ..> با آیات پیشین، استفاده می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت و دنیازدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایانند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۰ – ۲

۲ – فریفتگان زندگی دنیوی ، مردمانی غافل و فاقد معرفت درست نسبت به حقیقت آن

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب . .. و تکاثر فی الأمول و الأولد

امر <اعلموا> بیانگر آن است که اگر انسان ها، به ماهیت زندگی دنیایی آگاهی درست داشتند، فریب آن نمی خورند و خود را وقف آن نمی کنند.

غفلت دنیوی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۰ – ۱۷

۱۷ آدمی در دنیا از حقیقت اعمال خود و بازتابهای آن غافل است.

ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

غفلت زدایی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲ – ۳

۳– وحی الهی (قرآن و . . .) ، در راستای غفلت زدایی و احیای فطرت خفته انسان و یادآوری دانستنی های فراموش شده او است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم من ذکر من ربّهم

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که <حفظ شیء> به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و <ذکر

شیء> به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و وحی

الهی به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن، یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرتِ انسانِ غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۹

۹- قرآن ، کتابی است بیدارگر و غفلت زدا .

سوره أنزلنها . .. فیها ءایت بیّنت لعلّکم تذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۴

۴ - قرآن ، بیدارکننده آدمیان از غفلت و بی توجهی

أفنضرب عنکم الذکر

به کارگیری <ذکر> به جای <قرآن>، حاکی از این است که قرآن، بیدارگر خفتگان و یادآور غافلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر فهل من مدّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۱ - ۲

۲ - آیات قرآن ، راهنما و مایه غفلت زدایی و زمینه پندگیری و عبرت

كلّا إنّها تذكره

مراد از ضمیر در <إنّها>، آیات قرآن است که با توجّه به بیان اوصاف آنها در آیات بعد، تصریح به مرجع ضمیر لزومی نداشته است. <تذکره> اعم از <دلالت> (راهنمایی) و <اماره> (نشانه) است و به هر چیزی که با آن تذکّر حاصل شود، اطلاق می گردد (مفردات راغب). <تذکیر> (مرادف تذکره) به معنای موعظه کردن و <ذکری> (اسم

مصدر آن) به معنای عبرت است (قاموس); بنابراین مراد از <تذکره> بودن قرآن، راهنمایی، موعظه کردن و مایه عبرت بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۴

۴ - ارجمندی ، عظمت و پیراستگی صفحات قرآن و مقام والای نویسندگان آن ، تضمین کننده شایستگی آن برای غفلت زدایی و بیان حقایق

إنّها تذکره . .. فی صحف مکرّمه . مرفوعه مطهّره . بأیدی سفره . کرام برره

غفلت سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - سامری ، فردی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند و بی توجه به الطاف و کمک های ویژه او

فنسی

چنانچه ضمیر فاعلی <نسی> به سامری برگردد، مراد از فراموشی سامری، بی توجهی او به عنایات الهی در نجات از فرعونیان و نزول <منّ و سلوی> و نظایر آن خواهد بود.

غفلت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید; قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

غفلت سنگدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر

- ۳۹ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ – سنگدلان غافل از خدا ، دچار سرنوشتی دردآور

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه

واژه <ویل> برای تفجیع و تحسّر است و در جایی به کار می رود که حادثه دردآوری پیش آمده و یا در شرف وقوع باشد.

غفلت ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۵ – ۱۴

۱۴ – ظالمان از قدرت خداوند غافلند .

و لو یری الذین ظلموا . .. أن القوه للّه جمیعاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۸ – ۴

۴ – ستمگران اعمال و رفتار های بد و زشت خود را در دنیا ، زیبا و خوب پنداشته و یا از بدی و زشتی آنها غافل اند .

و بدا لهم سیّئات ما کسبوا

ظاهر شدن اعمال زشت ستمگران در نظر آنان، ممکن است به خاطر این باشد که آنها را خوب و زیبا می دانستند و یا از بدی و زشتی چنین رفتاری، کاملاً غافل بودند.

غفلت فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۶ – ۶

۶ فرعونیان با غفلت از انتقام گیری خداوند ، آیات او را تکذیب کردند .

بأنهم کذبوا بایتنا و کانوا عنها غفلین

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضـمیر <عنها> به <نقمت> (برگرفته شـده از <انتقمنا>) برگردد و جمله <و کانوا . .. > حال برای ضـمیر <کـذبوا> باشد. گفتنی است در این صورت غفلت به معنای حقیقی آن (بی خبر بودن و توجه نداشـتن) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۱ – ۳

۳ – غفلت از یاد خدا و احساس ایمنی از کیفر او ، عامل رواج یافتن ظلم و ستم بر مردم در خاندان فرعون

أن ائت القوم الظلمین . قوم فرعون ألایتّقون

از مجموع دو آیه استفاده می شود که تقوا (بیم داشتن از خشم خدا و کیفر کردار) مانع ظلم و تباهی است و خاندان فرعون به دلیل بی بهره بودن از عنصر تقوا، گرفتار ظلم و تباهی گشته بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۴ – ۲

۲ – فرعونیان ، سخن حکیمانه و خیرخواهانه مؤمن آل فرعون را ، به خوبی درک نکرده و در غفلت شدید به سر می برند .

فستذکرون ما أقول لکم

غفلت قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۸ – ۱۸

۱۸ قابیل ، فاقد ترس از خداوند و غافل از ربوبیت گسترده او

انی اخاف اللّه رب العلمین

چون خداترسی هابیل مانع از اقدام به قتل شده، معلوم می شود قابیل به دلیل تصمیمش بر برادرکشی، هیچ ترسی از خدا در دل نداشته است.

غفلت قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۶ – ۵

۵ – سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) به خاطر غفلت آنان از مرگ و بی توجهی به ناپایدار بودن امکانات دنیایی

أتتركون فی ما ههنا ءامنين

غفلت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۵

۵ - غفلت از مرگ و

پندار جاودانگی در دنیا ، عامل روی آوری عادیان به کاخ سازی ، تجمل گرایی و بیهودگی

أتبنون . .. تعبثون . و تتّخذون مصانع لعلّکم تخلدون

تعبیر <لعلّکم تخلدون> بیانگر این معنا است که: کار شما طوری است که گویا از مرگ و ناپایداری زندگی دنیوی، غافل شده اید و می پندارید که همیشه در این دنیا خواهید ماند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۴ – ۶

۶- نزول عذاب بر قوم عاد ، به هنگام ناباوری و غفلت آنان

فلمّا رأوه . .. قالوا هذا عارض ممطرنا

آنان به قدری از خدا و وعده های هود(ع) غافل بودند که هرگز احتمال نمی دادند توده هایی را که می بینند، طوفان بلا باشد.

غفلت قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۵ – ۸

۸- عذاب قوم لوط ، غافلگیرانه و بدون آگاهی قبلی آنان بود .

فأسر بأهلك . .. و لایلتفت منکم أحد

از اینکه ملائکه از لوط(ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانگاه از شهر بیرون ببرد و مراقبت به عمل آورد تا هیچ یک از آنان باز نگردند، احتمالاً از این جهت بود که کسی از قوم لوط متوجه قضیه نزول عذاب نشود.

غفلت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷ – ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذين . .. و رضوا بالحيوه الدنيا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۸ – ۷

۷- کافران دنیاگرا ، غافلان واقعی اند .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. الکفرین ... و أُولئک هم الغفلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۸

۸- اظهار حسرت کافران در قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مظروف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۳ – ۳

۳ – قلب های کافران ، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۷ – ۳

۳ – سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد کذّبوا . .. أَوَلم یرواإلی الأرض کم أنبتنا فیها

استفهام در <أَوَلم یروا. ..> برای توبیخ است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۶ – ۸

۸ – هلاکت امت های کافر پیشین ، در حال غفلت و سرگرمی آنان به دنیا ، بوده است .

أهلکنا . .. یمشون فی مسکنهم

احتمال دارد که جمله <یمشون. ..> حال برای مفعول <أهلکنا> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶

- زمر - ۳۹ - ۹ - ۸

۸ - مؤمنان ، برخلاف کافران ، تنها در گرفتاری به یاد خـدا نیسـتند ; بلکه در همه حال (خوشـی و ناخوشـی) رو به خـدا می آورند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه . .. أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا ... و یرجوا

برداشت بالا از ارتباط میان آیه شریفه با آیه پیش به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۰ - ۳

۳ - غفلت شدید کافران و مشرکان ، از مرگ و حیات پس از آن (قیامت)

إنّک میّت و إنّهم میّتون

ضمیر <إنّهم> به مشـرکان و کافران باز می گردد. طرح مسأله رحلت آنان که با تأکیـد همراه است (إنّک و إنّهم) و غیر قابل انکاربودن این حقیقت، می توانـد گویای غفلت شدیـد مشـرکان و کافران از مسأله مرگ باشد; گو این که آنان منکر حقیقت یاد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۵

۵ - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بدکردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کرداراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۱

۱ - کفرپیشگان و گنه کاران ، غافل از آگاهی و نظارت اعضا و جوارح بر اعمالشان

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم

سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

<أن یشهد> به تقدیر <مخافه> (برای ترس) است. بنابراین مفاد <ما کنتم...> این است که شما برای ترس از شهادت گوش، چشم و پوستتان خود را مخفی نمی کردید; زیرا غافل بودید و نمی دانستید که آنها شاهد بر اعمال شما هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۵

۵- چشم پوشی کافران ، از عظمت خدشه ناپذیر قرآن و تمسک آنان به بشر بودن پیامبر (ص) ، برای انکار رسالت آن حضرت

و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم فقال الکفرون هذا شیء عجیب

از ارتباط این آیه با آیه قبل که سوگند به ارجمندی قرآن بود می توان استفاده کرد که خداوند قبل از هر چیز، عظمت خدشه ناپذیر آیات قرآن را به کافران یادآور شده و ایشان را به سبب تمسک به مسائل بی ارزش، ملامت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۱

۱ - کافران ، گرفتار غفلت ، تکبر و سرمستی

و أنتم سمدون

<سُمود> در معانی <سهو> (غافل سازنده انسان از کارهای مهم و سرنوشت ساز) و بالا گرفتن سر از روی خودبزرگ بینی و غرور به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

۲ - کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجّه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلّا

<کلّا> می تواند برای ردع و باز داشتن از توهّمی باشد که

آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجّه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. <کلاّ> دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۳

۳ - کافران ، از سیطره خداوند بر آنها غافل اند .

و اللّه من ورائهم محیط

<من وراء> (از پشت سر)، کنایه از غافلگیرانه بودن است; همان گونه که دشمن برای هجوم غافلگیرانه، از پشت سر حمله می کند.

غفلت کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۴

۴ - انسان ناسپاس و خودخواه ، غافل از گشایش های خداوند برای او در شداید و مشکلات

و لئن أذقنه . .. لیقولنّ هذا لی

غفلت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۲ - ۳

۳ - فرا رسیدن عذاب الهی بر مجرمان ، در حال سرمستی و غفلت آنان

فیأتیهم بغته و هم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۱

۱ - کفرپیشگان و گنه کاران ، غافل از آگاهی و نظارت اعضا و جوارح بر اعمالشان

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

<أن یشهد> به تقدیر <مخافه> (برای ترس) است. بنابراین مفاد <ما کنتم...> این است که شما برای ترس از شهادت

گوش، چشم و پوستتان خود را مخفی نمی کردید; زیرا غافل بودید و نمی دانستید که آنها شاهد بر اعمال شما هستند.

غفلت متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۵

۵ - تحلیل متخلفان درباره سفر حدیبیه و بی فرجام بودن آن ، متّکی بر محاسبات بشری و نادیده گرفتن اراده الهی

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

از قرائن و زمینه های تاریخی، دشواری این سفر قابل پیش بینی بود و متخلفان براساس همین معیارها، این سفر را بی فرجام می دیدند; غافل از این که دعوت پیامبر(ص) به بن بست نخواهد رسید و حمایت الهی از آن حضرت دریغ نخواهد شد.

غفلت مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۶

۶ - مردم در آغاز بعثت و اجداد آنان در عصر جاهلیت ، در غفلت و بی خبری بسر می برند .

ما أُنذر ءاباؤهم فهم غفلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر <هم> به مجموع <قوم> و <آباء> بازگردد.

غفلت مردم دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۳ - ۶

۶ - جوامع معاصر موسی ، گرفتار غفلت و بی خبری از تعالیم الهی

و لقد ءاتینا موسی الکتب . .. لعلّهم یتذکّرون

غفلت مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۱۰

۱۰ - < عن أبی بصیر عن أبی عبداللّه (ع)

. . . قال : و سألته عن قول اللّه < لتنـذر قوماً ما أَنـذر آباؤهم فهم غافلون > قال : لتنذر القوم الذين أنت فيهم كما أنذر آباؤهم فهم غافلون عن اللّه و عن رسوله و عن وعيده . . . ;

ابوبصـير گويد: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: <لتنذر قوماً ما أنذر آباؤهم فهم غافلون> سؤال كردم، فرمود: مقصود اين است: تا انـذار كنى گروهى را كه در ميان آن ها هستى، همان گونه كه پـدرانشان انـذار شدند كه اينان از خدا و از رسول او و از وعيدهاى خدا غافل اند. ..>.

غفلت مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۶ - ۶،۷

۶ - مردم در آغاز بعثت و اجداد آنان در عصر جاهليت ، در غفلت و بى خبرى بسر مى برند .

ما أُنذر ءاباؤهم فهم غفلون

برداشت ياد شده مبتنى بر اين نكته است كه ضمير <هم> به مجموع <قوم> و <آباء> بازگردد.

۷ - غفلت و بى خبرى مردم در آغـاز بعثت و اجـداد آنـان در جـاهليت ، ناشـى از نبودن پيامبر و منـذر الهى در ميان آنها بوده است .

ما أُنذر ءاباؤهم فهم غفلون

برداشت ياد شـده بر اين اساس مبتنى است كه <ما> در <ما أُنـذر> نافيه و جمله <فهم غافلون> متفرع بر نفى انـذار باشـد; يعنى، انذار نشدنشان موجب غفلت آنان گرديد.

غفلت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۷

۱۷ غفلت مسلمانان از سلاح و ساز و برگ خويش ، زمينه ساز طمع دشمنان براى شبيخون

ودالذين كفروا

لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۲ – ۹

۹ عدم توجه برخی از مؤمنان ، به آثار ویرانگر رعایت نکردن حرمت پیامبر (ص)

لاترفعوا أصوتکم . .. و لاتجهروا له ... أن تحبط أعملکم و أنتم لاتشعرون

از تکرار نهی در آیه شریفه، مطلب بالا قابل برداشت است.

غفلت مسیحیان از دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۷ – ۲

۲ – یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا ، سرای آخرت و . . .) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله ، به بحث و مشاجره می پرداختند .

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: <آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. >

غفلت مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۸ – ۱۰

۱۰– غفلت از رستاخیز و تصوّر عدم برپایی قیامت ، آفت فراگیر مشرکان است .

بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۹ – ۱۰

۱۰- باورداران فرزندی عیسی (ع) برای خداوند ، فرورفته در غفلتی عمیق و مردمی بی ایمان

فاختلف الأحزاب . ..

و هم فی غفله و هم لایؤمنون

نکره آمدن <غفله> نشانه ناشناخته بودن حد و مرز آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱

۱- مشرکان ، مردمی غافل از مسائل جدی و اصلی زندگی و دل مشغول به امور واهی و بی ارزش

و هم یلعبون . لاهیه قلوبهم

<لهو> به معنای چیزی است که انسان را از کارهای مهم و سودمند باز دارد (مفردات راغب). توصیف مشرکان به این که قلبشان به لهو و امور غیر مهم مبتلا شده، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۹ - ۴

۴ - مشرکان ، مفتون خیال های خام و غافل از برهان های عقلی و علمی

قل فأنّی تسحرون

<سحر> (مصدر <تسحرون>) به معنای مفتون کردن و ربودن عقل است; یعنی، <[به آنان] بگو: پس چگونه دستخوش افسون می شوید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۸

۸ - روی آورندگان به شرک ، علی رغم حل شدن مشکلاتشان به اراده خدا ، مردمی غفلت زده و مستحق نکوهش

أمّن یجیب المضطّر . .. قلیلاً ما تذکّرون

عبارت <قلیلاًـ ما تذکّرون> نکوهش از کسانی است که حقایق وحی را با همه روشنی درنمی یابند و با این که خداوند همواره گرفتاری هایشان را برطرف و مشکلاتشان را حل می کند، از او غافلند و به غیر او روی می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۵۵ – ۱

۱ – سرزنش شدن مشرکان

، به سبب بیدار نشدن و پند نگرفتن آنان در برابر حقایق الهی

أفلاتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۰ - ۳

۳ - غفلت شدید کافران و مشرکان ، از مرگ و حیات پس از آن (قیامت)

إنّک میّت و إنّهم میّتون

ضمیر <إنّهم> به مشرکان و کافران باز می گردد. طرح مسأله رحلت آنان که با تأکید همراه است (إنّك و إنّهم) و غیر قابل انکاربودن این حقیقت، می تواند گویای غفلت شدید مشرکان و کافران از مسأله مرگ باشد; گو این که آنان منکر حقیقت یاد شده اند.

غفلت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۵ - ۲

۲ - مشرکان صدراسلام ، مردمی غافل و پندناپذیر بودند .

أفلاتذکّرون

غفلت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۳

۳- مشرکان صدراسلام ، از مسأله حسابرسی قیامت ، به طور کلی غافل مانده و از تأمل و اندیشه در نشانه ها و دلایل روشن آن ، روی گردان بودند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این سوره، مکی است و مخاطب و مصداق اوّلی <الناس>، مردم مشرک اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۲

۲ - مشرکان صدر اسلام ، مردمی سخت غافل و به دور از تعالیم بلند وحی و سرگرم به زندگی پست دنیایی

و إذا ذكّروا لا يذكرون

پندناپذیری مشرکان، یا به سبب

غفلت شدید آنان از معارف بلند الهی بود و یا به این دلیل بود که آنان علی رغم شناخت تعالیم وحی و پیامبر(ص) مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

غفلت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۳،۷

۳- مشرکان مکه ، از مفاهیم عالی قرآن غافل بوده و به زخارف دنیا چشم دوخته بودند .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان من کلّ مثل فأبی . .. و قالوا لن نؤمن لک حتی ... أو

۷- غفلت مشرکان مکه از نقش اصلی اراده خدا در تحقق معجزات

تفجر لنا . .. تسقط السّماء ... تأتی بالله ... تنزّل علینا کتبًا نقرؤه

از اینکه آنان، تمامی معجزات درخواستی خود، حتی آمدن خدا را از شخص پیامبر(ص) می خواستند، نشان دهنده نکته یاد شده است.

غفلت معرضان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۱۱

۱۱- روی گردانان از تکالیف و تعهدات الهی ، مردمی ناآگاه و بی توجه به پاداش های برتر خداوندی اند .

و لاتشتروا بعهد الله . .. إنما عند الله هو خیر لکم إن کنتم تعلمون

غفلت مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۲

۲ خداوند تکذیب کنندگان انبیای پیشین را از سختی های بیدارکننده رهانید و زندگی آنان را به رفاه و آسایش خام کننده تبدیل کرد .

أخذنا أهلها بالبأساء . .. ثم بدلنا مكان السيئه الحسنه حتى عفوا

غفلت مكذبان قيامت

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۱ – ۱

۱ – منکران روز جزا ، فرومانده در گرداب جهالت و گرفتار غفلت و بی خبری

الذین هم فی غمره ساهون

<غمره> به معنای فرو رفتن در جهل و نادانی و <ساهی> به معنای غافل و بی خبر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۲ – ۱

۱ – تکذیب کنندگان قیامت ، عناصری فرو رفته در باطل و سرگرم هوسرانی

للمکذّبین . الذین هم فی خوض یلعبون

<خوض> به معنای وارد شدن در کارهای بیهوده و باطل و <لعب> (مصدر <یلعبون>) به معنای سرگرمی و هوسرانی است.

غفلت منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۹ – ۴

۴– منافق ، گرفتار خوش خیالی و غافل از کمین خداوند

أم حسب الذین فی قلوبهم مرض أن لن یخرج اللّه أضغنهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۴ – ۱۴،۱۹

۱۴ – منافقان ، فریفته دنیا و غافل از خداوند

و غرّکم باللّه الغرور

در صورتی که مراد از <الغرور> دنیا باشـد، مقصود این خواهد بود که مظاهر دنیا (مال، جاه، مقام و. ..) شـما را فریب داده و از خدا غافلتان کرده است.

۱۹ - آرزوی ناکـامی برای جـامعه ایمـانی ، تردیـد در بـاور هـای دینی ، فریفتگی به آرزو هـای باطل و مظاهر دنیا و غفلت از خداوند ، از اوصاف منافقان و از نشانه های نفاق

و غرّکم باللّه الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ -

۳ - ۱۹

۳ - منافقان ، غافل از یاد خدا و بیگانه با آن

فأنسهم ذکر اللّه

غفلت و دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۹ - ۳

۳ - اعراض از یاد خدا و دنیامداری ، دو پدیده به هم پیوسته و تفکیک ناپذیر

تولّی عن ذکرنا و لم یرد إلّا الحیوه الدنیا

غفلت هنگام آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ - برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و ناشکری ، محنت زا و بلاآفرین است .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتیته علی علم بل هی فتنه

یکی از موارد کاربرد <فتنه>، محنت و بلاـ است و برداشت بالاـ مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان گفت: برخورداری از آسودگی و نعمت ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست; بلکه در دنیا و آخرت نقمت و بلا خواهد بود. گفتنی است آیه بعد که از روبه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخورداری های آنان، سخن می گوید مؤید همین برداشت است.

غفلت هنگام امنیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۶

۶- انسان ها پس از رهایی از خطر های مرگ آفرین ، خدا را فراموش می کنند و از حق روی گردان می شوند .

فلمّا نجّكم إلى البرّ أعرضتم

غفلت

هنگام نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ - برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و ناشکری ، محنت زا و بلاآفرین است .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتیته علی علم بل هی فتنه

یکی از موارد کاربرد <فتنه>، محنت و بلا- است و برداشت بالا- مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان گفت: برخورداری از آسودگی و نعمت ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست; بلکه در دنیا و آخرت نقمت و بلا خواهد بود. گفتنی است آیه بعد که از روبه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخورداری های آنان، سخن می گوید مؤید همین برداشت است.

غفلت یهود از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا ، سرای آخرت و . . .) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله ، به بحث و مشاجره می پرداختند .

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: <آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن

می گفتند. >

فرجام غفلت از آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۹

۹ - تباهی و هلاکت ، فرجام بی توجهی به آخرت و بی اعتنایی به جزای اعمال است .

فلایصدّنک عنها . .. فتردی

<تردی> از <ردی> به معنای هلاکت مشتق است و پی آمد شبهه افکنی های منکران معاد را بیان می کند.

فرجام غفلت از پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۹

۹ - تباهی و هلاکت ، فرجام بی توجهی به آخرت و بی اعتنایی به جزای اعمال است .

فلایصدّنک عنها . .. فتردی

<تردی> از <ردی> به معنای هلاکت مشتق است و پی آمد شبهه افکنی های منکران معاد را بیان می کند.

فرجام غفلت از کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۹

۹ - تباهی و هلاکت ، فرجام بی توجهی به آخرت و بی اعتنایی به جزای اعمال است .

فلایصدّنک عنها . .. فتردی

<تردی> از <ردی> به معنای هلاکت مشتق است و پی آمد شبهه افکنی های منکران معاد را بیان می کند.

کیفر غفلت از گناه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۸ – ۹

۹– جدال در برابر آیاتِ حق و اِعراض از آنها و غفلت از گناهان ، دارای کیفر قطعی است .

ذکّر بأیت ربّه فأعرض عنها . .. بل لهم موعد

گناه غفلت از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه

- ۲۰ - ۱۲۹ - ۶

۶ - انکار آیات الهی و روی گردانی از یاد خدا ، گناهی نابخشودنی است .

و من أعرض عن ذکری . .. و لم یؤمن بَایت ربّه ... لولا کلمه سبقت من ربّک لکان لز

متقین و غفلت از آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۸

۸ تقواپیشگان از لهو و لعب و غفلت از آخرت دور هستند.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الأخره خیر للذین یتقون

محمد(ص) و غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۲

۱۲ غفلت پیامبر (ص) از برخی حقایق و وقایع

و إن کنت من قبله لمن الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۹

۹- پیامبر (ص) ، در معرض فراموشی و ترک ذکر خدا در سخن خویش است . *

واذکّر ربّک إذا نسیت

منشأ غفلت از آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۲

۲- نقدطلبی ، شتابزدگی و نداشتن دوراندیشی ، ریشه دنیاخواهی و غفلت از آخرت است .

من کان یرید العاجله

کاربرد واژه <عاجله> از ماده <عجله> (چیزی را با عجله و شتاب خواستن) به جای <الدنیا> می رساند که نقد بودن متاع دنیا و امکان دستیابی سریع تر به آن، نقش عمده ای در دنیاخواهی دنیاطلبان دارد.

منشأ غفلت از عدالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ -

۵ - ۲۳

۵ - هواپرستی مایه پوچ انگاشتن نظام هستی و نادیده گرفتن عدل الهی

و خلق اللّه . .. بالحقّ و لتجزی ... و هم لایظلمون . أفرءیت من اتّخذ إلهه هویه

خداونـد پس از بیان هدفمنـدی هستی و عـدل حاکم بر نظام مجازات با تعبیر <أفرأیت من اتّخذ إلهه هواه> در حقیقت تقابل میان هواپرستی و باور به هدفمندی هستی و عدل الهی را یاد آور شده است.

موانع غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۳

۳ به یاد داشتن برهه های دشوار زندگی، مانع غفلت از یاد خدا

فلما نسوا ما ذکروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۸

۸ یاد کردن خدا در هر صبح و عصر ، انسان را از زمره غافلان بیرون می کند .

و اذکر ربک . .. بالغدو و الاصال و لاتکن من الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۸

۸- توجه به وابستگی امور انسان ها به تدبیر الهی ، مایه از یاد نبردن او در هیچ کار و حالت است .

واذکّر ربّک إذا نسیت

کلمه <ربّ> در آیه گویای برداشت بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۳

۳ - آیات قرآن ، مایه تذکر آدمیان و بازدارنده آنان از غفلت

و ما یأتیهم من ذکر

برداشت یاد شده با توجه به بکارگیری واژه <ذکر> (مایه تذکر) درباره کتاب های آسمانی استفاده می شود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - انذار و بیم دهی ، زمینه ساز زدایش غفلت ها و بیدار شدن مردم

لتنذر قومًا . .. لعلّهم یتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۴ - ۷

۷ - یاد معاد هنگام تسخیر امکانات و برخورداری از نعمت ها ، زمینه ساز زدایش غرور و غفلت

ثمّ تذکروا نعمه ربّکم إذا استویتم علیه و تقولوا . .. و إنّا إلی ربّنا لمنقلبون

توصیه به یادآوری معاد پس از برخورداری از نعمت های خداوند، می تواند اشاره به تأثیر آن در زدایش غرور و غفلت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۲

۲ - پیام های قرآن و وحی ، زداینده غفلت و غرور کاذب از آدمیان

أفمن هذا الحدیث تعجبون . .. و أنتم سمدون

توبیخ کافران به خاطر غفلت زدگی آنان و ناباوری به مفاهیم قرآن، می رساند که اگر آنان به قرآن گوش جان فرا دهند، از غفلت و غرور بیرون خواهند آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۹

۹ - امید به سعادت و رستگاری ، ناسازگار با غفلت از یاد خدا و بیگانگی با آن

و اذکروا اللّه کثیرًا لعلّکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱۰ – ۱۰

۱۰ – انسان ، بدون آشنایی با تعالیم قرآن ، از بسیاری از حقایق در غفلت و فراموشی به سر خواهد برد .

قد أنزل اللّه إلیکم

ذكرًا

موانع غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۸ - ۷

۷ - توجّه به فرجام ارجمند نیکوکاران ، بازدارنده انسان از کم فروشی و بی توجهی به حضور یافتن در نزد خداوند

ویل للمطفّفین . .. یوم یقوم الناس لربّ العلمین ... کلّا إنّ کتب الأبرار لفی عل

ناپسندی غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۸

۸- سرمستی و غفلت امری بس زشت و مذموم ، و روشن بینی صفتی بس والا و ارزشمند برای انسانها

لعمرك إنهم لفی سکرتهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۹

۹ - غفلت از سرچشمه اصلی نعمت ها (خداوند) امری ناشایست و زمینه ساز غرور و سرمستی است .

و إنّا إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه فرح بها

با توجه به تکرار ضمیر <نا>، می توان استفاده کرد که خداوند غفلت و فراموشی از مبدأ اصلی نعمت ها را، مورد سرزنش قرار داده است.

ناپسندی غفلت از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین . .. و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

ناپسندی غفلت از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۲ – ۵

۵ غفلت از خدا و به فراموشی

سپردن عزت و شکوه او ، حالتی است ناروا و نکوهیده .

واتخذتموه ورآءکم ظهریًّا

جمله <اتخذتموه . ..> عطف به جمله <رهطی أعزّ ...> می باشد و لذا استفهام توبیخی در این جمله نیز لحاظ شده است; یعنی: أَتخذتموه ... .

ناپسندی غفلت از فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۴

۴ - بی توجّهی نمازگزاران به نماز خویش ، نکوهیده تر از آزار یتیمان و فراموش کردن بینوایان است .

فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون

این آیه، مانند آیات دیگر این سوره، بیانگر خصلت های تکذیب گران کیفر الهی است. آوردن حرف <فاء> در خصلت سوم به بعد و تغییر سیاق کلام، بیانگر ترتیب رتبی و نکوهیده تر بودن آنها است.

ناپسندی غفلت از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۴

۴ - بی توجّهی نمازگزاران به نماز خویش ، نکوهیده تر از آزار یتیمان و فراموش کردن بینوایان است .

فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون

این آیه، مانند آیات دیگر این سوره، بیانگر خصلت های تکذیب گران کیفر الهی است. آوردن حرف <فاء> در خصلت سوم به بعد و تغییر سیاق کلام، بیانگر ترتیب رتبی و نکوهیده تر بودن آنها است.

نشانه های غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۶

۳۶- نادیده انگاشتن شخصیّت انسانیِ تهیدستان و به خود بستن امتیازات موهوم ، نشانه غفلت از یاد خدا است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا . .. و کان أمره فرطًا

جمله

<کان. ..> می تواند عطف تفسیری برای <أغفلنا...> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۲ - ۴

۴ - انکـار جهـان آخرت به رغم مشاهـده قـدرت خداونـد در آفرینش نشـأه نخستین (جهـان فعلی) نشانه غفلت و بی توجهی است .

و لقد علمتم النشأه الأُولی فلولا تذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۴ - ۵

۵ - نسبت دادن بی نظمی و ناهماهنگی به آفرینش جهان ، نشانه غفلت و سطحی نگری است .

هل تری من فطور . ثمّ ارجع البصر کرّتین ینقلب إلیک البصر خاسئًا و هو حسیر

از این که خداونـد انسان ها را به تفکر و نگاه مکرر به جهان آفرینش فرا خوانـده و بر نظم و اتقان آن تأکید فرموده است، می توان استفاده کرد که عقیده به وجود بی نظمی و نابسامانی در جهان، پنداری نابجا و نشانه غفلت بشر و سطحی نگری او است.

نشانه های غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۳

۳۳- پیروی از هوای نفس ، نکوهیده و نشانه غفلت از یاد خدا است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هویه

جمله <اتبع هواه> می تواند عطف تفسیری برای <أغفلنا> باشد.

نشانه های غفلت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۲

۲- برخورد ناشایست و بازی گرانه مشرکان با آیات الهی ، نشانگر اوج غفلت و بی خبری آنان است .

و هم فی غفله

معرضون . مايأتيهم من ذكر من ربّهم

جمله <مايأتيهم من ذكر. ..> يا بيان براى جمله پيشين است و يا در حكم تعليل براى آن. در هر صورت بيانگر چگونگى و چرايى غفلت و بى خبرى عميق مشركان است.

غلات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غلات

استفاده از غلات ذخيره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۳

۳ استفاده از ارزاق ذخيره شده در سال هاى آبادانى طى هفت سال خشكسالى ، از پيام هاى نهفته در رؤياى پادشاه مصر

ثم يأتى من بعد ذلك سبع شداد يأكلن ماقدمتم لهنّ

ضمير در <يأكلن> و <لهنّ> به <سبع شداد> باز مى گردد و مراد از <ما قدّمتم لهنّ> (آنچه براى آن سالها پيش فرستاده ايد) ارزاق ذخيره شده در سالهاى آبادانى است. بنابراين <يأكلن ...> ; يعنى، سالهاى قحطى ذخايرى را كه در سالهاى آبادانى تهيه ديده ايد، مى خورند.

اهميت توليد غلات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۸

۸ هفت سال تلاش براى توليد غله ، ذخيره سازى غله ها با خوشه هاى آن ، صرفه جويى در مصرف ، توصيه هاى يوسف (ع) به مردم مصر براى مصون ماندن از مشكلات دوران هفت ساله قحطى و خشكسالى

قال تزرعون سبع سنين دأبًا

برخى برآنند كه رؤياى پادشاه اشاره اى به دستورالعملها و چاره انديشيها ندارد و تدبيرهايى كه يوسف(ع) بيان داشته و دستوراتى كه صادر كرده از دانشى خدادادى او بوده و ارتباطى به رؤياى پادشاه ندارد. برداشت فوق بر اساس اين نظر است.

اهميت ذخيره سازى غلات

آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۷ – ۸

۸ هفت سال تلاش برای تولید غله ، ذخیره سازی غله ها با خوشه های آن ، صرفه جویی در مصرف ، توصیه های یوسف (ع) به مردم مصر برای مصون ماندن از مشکلات دوران هفت ساله قحطی و خشکسالی

قال تزرعون سبع سنین دأبًا

برخی برآنند که رؤیای پادشاه اشاره ای به دستورالعملها و چاره اندیشیها ندارد و تدبیرهایی که یوسف(ع) بیان داشته و دستوراتی که صادر کرده از دانشی خدادادی او بوده و ارتباطی به رؤیای پادشاه ندارد. برداشت فوق بر اساس این نظر است.

برادران یوسف و کمبود غلات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۵ – ۱۷

۱۷ فرزندان یعقوب غلّه دریافتی در سفر اول را برای قحطی پیش آمده کافی نمی دانستند و سفر به مصر را برای دریافت سهمیه ای دیگر ضروری می شمردند .

ذلک کیل یسیر

<ذلک> اشاره به متاع و آذوقه ای است که فرزندان یعقوب در سفر نخست دریافت کرده بودند. <یسیر> به معنای اندک است و روشن است که اندک بودن به لحاظ دوره قحطی می باشد.

تولید غلات در مصرباستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۷ – ۱۰

۱۰ سرزمین مصر در زمان یوسف (ع) زمینه دار تولید غلات و محصولاتی بیش از مصرف سرانه آن سامان

قال تزرعون سبع سنین دأبًا فما حصدتم فذروه فی سنبله

ذخیره سازی غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۶

۶ خوشه های

خشک در رؤیای پادشاه ، پیامدار لزوم ذخیره سازی محصولات کشت و درو شده به همراه خوشه های آن

و أُخر یابست . .. فما حصدتم فذروه فی سنبله

از آن جا که دستور فوق (فذروه فی سنبله) با این قسمت از رؤیای پادشاه که خوشه های خشک را دیده بود ، تناسب دارد ; زیرا خوشه های خشک آماده برای ذخیره شدن است ، می توان گفت: یوسف(ع) از عبارت <اُخر یابسات> دستور فوق را استنباط کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۴

۴ باقی گذاشتن مقداری از ذخیره های هفت ساله و مصرف نکردن همه آنها در دوران قحطی ، توصیه یوسف (ع) به عهده داران حکومت مصر

یأکلن ما قدمتم لهنّ إلاّ قلیلًا مما تحصنون

<احصان> (مصدر تحصنون) به معنای قرار دادن چیزی در محلی امن است. بنابراین حاصل معنای <إلاّ قلیلًا مما تحصنون> چنین است: مقداری از آنچه را در انبارها ذخیره می کنید در دوران قحطی نخورید. حکمت این امر احتمالاًـ دارا بودن بذر است برای کشت در سال پانزدهم.

ذخیره سازی غلات در مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۴،۶

۴ طرح کاشت مداوم غلات و ذخیره سازی آنها برای سال های قحطی ، تنها در قلمرو حکومتی مصر انجام گرفت .

و جاء إخوه یوسف

۶ خبر انبار های غلات و آذوقه مصر به آفاق و اطراف آن دیار رسید .

و جاء إخوه یوسف

روش ذخیره سازی غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۴۷ - ۹

۹ غلات با نگهداری در خوشه ها و غلاف های آن ، مصونیت بیشتری را در مقابل آفات خواهند یافت .

فما حصدتم فذروه فی سنبله

زکات غلات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱،۲

۱ قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی از آن برای شریکان موهوم او (مانند بت، جن و . ..) از سنتهای مشرکان در عصر جاهلیت

و جعلو الله مما ذراً . .. فقالوا هذا لله

به قرینه آیه ۱۰۰ همین سوره (و جعلوالله شرکاء الجن)، از جمله عقاید موهوم مشرکان، شریک بودن جنیان با خداوند بوده است.

۲ سنت جاهلی مشرکان در قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی برای شریکان خیالی او، بی اساس و بر پایه گمان بوده است.

و جعلو الله مما ذراً . .. هذا لله بزعمهم

<زعم> به گمان و سخن بی اساس اطلاق می شود. (مصباح اللغه).

زمینه رویش غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۷ - ۲

۲ - بارش باران و نرم شدن خاک زمین و شیار خوردن آن ، زمینه ساز حصول غله جات و تأمین غذای انسان ها

صببنا الماء . .. شققنا الأرض .... فأنبتنا فیها حبًّا

سهمیه بندی غلات در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ جیره بندی سرانه ، برنامه یوسف (ع) برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چون با آمدن بنیامین به

مصر ، فرزنـدان یعقوب یک بار شتر علاوه بر بارهای خویش می گرفتند چند نکته اسـتفاده می شود: ۱ جیره بندی سرانه بوده است. ۲ سهمیه و جیره بیش از یک بار شتر نبوده است.

۱۴ یوسف (ع) به هر فرد در هر نوبت ، تنها یک بار شتر غلّه می فروخت .

نزداد کیل بعیر

۱۵ تحویل سـهمیه هر فرد به شخص متقاضی ، از جمله مقررات وضع شده از ناحیه یوسف برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چنان چه کسی می توانست سهمیه دیگری را دریافت کند <نزداد کیل بعیر> (با آمدن بنیامین یک بار شتر اضافه دریافت می کنیم) به عنوان یک دلیل مستقل برای لزوم مسافرت بنیامین به مصر مطرح نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۹

۹ تداوم سیاست یوسف (ع) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت بهای آنها ، در دوران قحطی مصر

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گـذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سـوره دلالـت بر آن داشت که یوسف آذوقه هـای ذخیره شـده را جیره بنـدی کرده بود و سـهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا ببضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدتها ادامه داشت.

غلات حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۱،۲،۷

۱ ممنوعیت خوردن

برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<حجر> به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت <أنعام> و <حرث>، به قرینه <لایطعمها>، ممنوعیت خوردن از آنهاست.

۲ اعتقاد بی اساس مشرکان به ممنوعیت خوردن از چهارپایان و کشتی (محصول زراعی) که برای خدا و بتها قرار می دادند.

و جعلو الله . .. و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<هذه> اشاره به سهامی است که مشرکان برای خدا و بتها قرار می دادند و در آیه ۱۳۶ بیان گردیده است.

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

فروش غلات در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۹

۹ تداوم سیاست یوسف (ع) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت بهای آنها ، در دوران قحطی مصر

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سوره دلالت بر آن داشت که یوسف آذوقه های ذخیره شده را جیره بندی کرده بود و سهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا ببضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدتها ادامه داشت.

فواید خوشه

غلات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۷ – ۹

۹ غلات با نگهداری در خوشه ها و غلاف های آن ، مصونیت بیشتری را در مقابل آفات خواهند یافت .

فما حصدتم فذروه فی سنبله

ممنوعیت برادران یوسف از غلات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۳ – ۲،۵

۲ ممنوع شدن فرزندان یعقوب از دریافت سهمیه خوار و بار بدون همراهی بنیامین ، از گزارش های آنان به پدرشان یعقوب بود .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم . .. فلما رجعوا إلی أبیهم قالوا یأبانا منع منا الکی

۵ گزارش تحریم سهمیه آذوقه بدون همراهی بنیامین ، خبر و گزارشی مهم در دیدگاه فرزندان یعقوب

یأبانا منع منا الکیل

فرزندان یعقوب پیش از باز کردن بارها و محموله ها که معمولاً اولین اقدام مسافران و کاروانهاست خبر تحریم سهمیه آذوقه را برای پدرشان بیان کردند. این تعجیل نشان دهنده اهمیت این خبر در نظر آنان است.

یوسف(ع) و توزیع غلات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۹ – ۱

۱ یوسف (ع) بر توزیع ارزاق ذخیره شده در مصر ، نظارت مستقیم داشت .

و جاء إخوه یوسف . .. و لما جهزهم بجهازهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۰ – ۱

۱ یوسف (ع) در سال های قحطی ، سهمیه و جیره افراد را طبق برنامه ای زمانبندی شده در دفعات متعدد تحویل می داد .

و لما جهزهم بجهازهم . .. فإن

لم تأتونی به فلاکیل لکم

<کیل> به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن طعام و غلات است. نامیدن غله به <کیل> بدان جهت است که برای تحویل، آنها را پیمانه می کردند و این بر سهمیه بندی دلالت دارد. از جمله <فإن لم تأتونی به ...> (اگر در سفر آینده و نوبت بعد بنیامین را نزد من نیاورید ...) معلوم می شود غله در دفعات متعدد و طبعاً زمان بندی شده پرداخت می گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیارات ویژه در توزیع غلات و آذوقه های ذخیره شده *

قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

از اینکه یوسف(ع) پرداخت سهمیه فرزندان یعقوب در نوبتهای بعد را در صورت همراه نداشتن بنیامین ، ممنوع کرد ، برداشت فوق استفاده می شود. باز گرداندن بضاعت برادرانش به خودشان نیز می تواند تأیید کننده اختیارات ویژه او باشد.

یوسف(ع) و ذخیره سازی غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۶

۶ یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امرکشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۲

۲ یوسف (ع) در طی هفت سال آبادانی ، به کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات برای دوران قحطی کاملاً موفق شد .

و جاء إخوه یوسف

یوسف(ع) و سهمیه بندی غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۱

۱ یوسف (ع) در سال های قحطی ، سهمیه و جیره افراد را طبق برنامه ای زمانبندی شده در دفعات متعدد تحویل می داد .

و لما جهزهم بجهازهم . .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم

<کیل> به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن طعام و غلات است. نامیدن غله به <کیل> بدان جهت است که برای تحویل، آنها را پیمانه می کردند و این بر سهمیه بندی دلالت دارد. از جمله <فإن لم تأتونی به ...> (اگر در سفر آینده و نوبت بعد بنیامین را نزد من نیاورید ...) معلوم می شود غله در دفعات متعدد و طبعاً زمان بندی شده پرداخت می گردید.

یوسف(ع) و فروش غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱

۱ یوسف (ع) سهمیه افراد را به آنان می فروخت و بهای آن را دریافت می کرد .

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<بضاعه> به مالی که برای تجارت و خرید و فروش است گفته می شود. بنابراین مراد از <بضاعتهم> مالی است که برادران یوسف در مقابل دریافت سهمیه به او پرداخته بودند.

غلو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{غلو}

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۲۰

۲۰ نهی پیامبر (ص) از غلو درباره آن حضرت

ما کان لبشر ان یؤتیه . .. ثم یقول للنّاس کونوا عباداً لی

رسول اللّه (ص): لا ترفعونی فوق حقّی فان اللّه تعالی اتّخذنی عبدا قبل ان یتّخذنی نبیّا، سپس آن حضرت آیه فوق را تلاوت نمود.

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۱، ب ۴۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۷، ح ۲۰۹.

آثار غلو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۹،۱۷

۹ غالیان هواپرست و گمراه از اهل کتاب ، گمراه کننده بسیاری از مردم

و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل و اضلوا کثیراً

در برداشت فوق <کثیراً> مفعول به برای <ضلوا> گرفته شده است ; یعنی <اضلوا کثیراً من الناس>.

۱۷ غلو در دین ، ضلالت و انحراف از حد اعتدال و راه میانه است .

لاتغلوا فی دینکم غیر الحق و لاتتبعوا اهواء قوم . .. و ضلوا عن سواء السبیل

آثار غلو در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۶،۷

۶ کفر گروهی از بنی اسرائیل پیامد غلو آنان در دین

لاتغلوا فی دینکم . .. لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل

بیان گرایش گروهی از بنی اسرائیل به کفر پس از اشاره به غلو و گزافه گویی اهل کتاب در دین، می توانـد بیانگر این باشـد که کفرورزی آنان پیامد غلوشان بوده است.

۷ غلو در دین موجب کفر است .

لاتغلوا فی دینکم

. .. لعن الذين كفروا

اجتناب از غلو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۷ – ۵

۵ انطباق دقیق با واقعیت و پرهیز از مبالغه، معیارهایی که باید در نقل خبر مراعات کرد.

زین لکثیر من المشرکین

اهمیت ترک غلو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۰ – ۸

۸ لزوم پرهیز از غلو و افراط درباره پیامبر(ص) و پیشوایان دینی

قل لا أقول لکم . .. إنی ملک

مأموریت پیامبر(ص) به نفی این گونه موارد (نفی فرشته بودن و . ..) دستور و برنامه ای برای همگان است که درباره پیامبران الهی راه غلو و افراط در پیش نگیرند و بر خداوند پیشی نجویند.

بطلان غلو در دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۷ – ۶

۶ هر نوع افراط و غلو در دین ، باطل و خارج شدن از حقیقت است .

لاتغلوا فی دینکم غیر الحق

<غیر الحق> صفت برای <غلواً> در تقدیر است و ظاهراً صفتی توضیحی می باشد. یعنی از حدود معارف الهی خارج نشوید که این امری باطل است.

حرمت غلو در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۴

۴ حرمت غلو در دین ، و لزوم کنترل احساسات مذهبی

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۳

۳ غلو در دین (آمیختن معارف الهی به گزافه هایی باطل) امری نکوهیده و

حرام

لاتغلوا فی دینکم

خطر غلو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۵

۵ پیروان ادیان الهی ، در معرض خطر غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۴

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

زمینه غلو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۲۰

۲۰ شخصیت فوق العاده حضرت عیسی (ع) زمینه غلو و گزافه گویی مسیحیان در مورد ایشان

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم . .. انما المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

غلو اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۱

۱ خداوند ، اهل کتاب را از غلو در دینشان نهی کرده است .

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

<غلو> به معنـای تجاوز است، و غلو در دین به معنای خارج شـدن از حـدود و معارفی است که در کتب آسـمانی آمـده و یا پیامبران الهی تعلیم داده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱،۲،۸،۹،۱۰

۱ اعتقادات دینی اهل کتاب آمیخته با غلو ، گزافه گویی و اموری باطل

قل یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم غیر الحق

<غلو> مصدر <لاتغلوا> به معنای خروج از حد اعتدال و گرایش به افراط است که از آن به گزافه گویی تعبیر می شود.

۲ پیامبر (ص)

مأمور نهی اهل کتاب از غلو و گزافه گویی در آیین خویش

قل یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

۸ پیروی اهل کتاب از پیشینیان گمراه و هواپرست خویش ، منشأ غلو و گزافه بستن آنان به دین

یاهل الکتب لاتغلوا . .. و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل

بنابر اینکه مخاطبان <یا اهل الکتب> نصارا و یهود در عصر پیامبر(ص) باشند، به نظر می رسد مراد از <قوم قد ضلوا من قبل> پیشینیانی از خود اهل کتاب باشد و مصداق مورد نظر در ضلالت آن قوم، غلو و تجاوزشان در طرح مسائل دینی است.

۹ غالیان هواپرست و گمراه از اهل کتاب ، گمراه کننده بسیاری از مردم

و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل و اضلوا کثیراً

در برداشت فوق <کثیراً> مفعول به برای <ضلوا> گرفته شده است ; یعنی <اضلوا کثیراً من الناس>.

۱۰ عقاید ناروا و غلوآمیز اهل کتاب برخاسته از افکار باطل گمراهانی مشرک در گذشته تاریخ

قل یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم . .. و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا

بدان احتمال که خطاب در <یا اهل الکتب> متوجه تمام یهود و نصارا باشد نه خصوص آنانکه در عصر پیامبر(ص) بودند. بر این مبنا مراد از <قوم قد ضلوا> پیشینیان اهل کتاب نخواهند بود بلکه مقصود، پیروان مذاهب شرک می باشند.

غلو در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۱،۳،۵،۲۳

۱ خداوند ، اهل کتاب را از غلو در دینشان نهی کرده است .

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

<غلو> به معنای تجاوز است، و غلو در دین به معنای خارج شدن از حدود و

معارفی است که در کتب آسمانی آمده و یا پیامبران الهی تعلیم داده اند.

۳ یهود و نصارا مردمی آلوده به غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

با توجه به سیاق آیه معلوم می شود، غلو و تجاوز تحقق پیدا کرده نه اینکه نهی از غلو تنها برای پیشگیری باشد.

۵ پیروان ادیان الهی ، در معرض خطر غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

۲۳ مسیحیان معتقد به تثلیث ، غلو کنندگان در دین هستند .

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم . .. و لاتقولوا ثلثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۲،۴،۵،۷،۸،۱۴،۱۷

۲ پیامبر (ص) مأمور نهی اهل کتاب از غلو و گزافه گویی در آیین خویش

قل یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

۵ پندار تثلیث و الوهیت مسیح (ع) و مادرش مریم ، مصداق روشن گزافه گویی و غلو مسیحیان در دین خویش

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

از مصادیق مورد نظر از گزافه گویی مسیحیان به قرینه آیات گذشته اعتقاد آنان به تثلیث و الوهیت مسیح(ع) و مادرش مریم است.

۷ بی توجهی به کتاب های آسمانی ، منشأ غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم غیر الحق

مخاطب قرار دادن مسیحیان با عنوان اهل کتاب، برای اشاره به این حقیقت است که غلو در دین با پیروی از کتب آسمانی ناسازگار است. بنابراین غلو پیروان ادیان الهی ریشه در بی توجهی آنان به کتب

آسمانی خویش دارد.

۸ پیروی اهل کتاب از پیشینیان گمراه و هواپرست خویش ، منشأ غلو و گزافه بستن آنان به دین

یاهل الکتب لاتغلوا . .. و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل

بنابر اینکه مخاطبان >یا اهل الکتب< نصارا و یهود در عصر پیامبر(ص) باشند، به نظر می رسد مراد از >قوم قد ضلوا من قبل< پیشینیانی از خود اهل کتاب باشد و مصداق مورد نظر در ضلالت آن قوم، غلو و تجاوزشان در طرح مسائل دینی است.

۱۴ غلو و افراط در دین ، برخاسته از تمایلات نفسانی و بدور از دلیل و برهان

لاتغلوا فی دینکم غیر الحق و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا

۱۷ غلو در دین ، ضلالت و انحراف از حد اعتدال و راه میانه است .

لاتغلوا فی دینکم غیر الحق و لاتتبعوا اهواء قوم . .. و ضلوا عن سواء السبیل

غلو درباره رهبری دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۸

۸ لزوم پرهیز از غلو و افراط درباره پیامبر(ص) و پیشوایان دینی

قل لا أقول لکم . .. إنی ملک

مأموریت پیامبر(ص) به نفی این گونه موارد (نفی فرشته بودن و . ..) دستور و برنامه ای برای همگان است که درباره پیامبران الهی راه غلو و افراط در پیش نگیرند و بر خداوند پیشی نجویند.

غلو درباره عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۴

۴ - وجود باور های افراطی و غلوآمیز درباره عیسی (ع) ، در عصر خود آن حضرت *

إنّ اللّه هو ربّی و

ربّكم

تأكید بر تعبیر <ربّی>، می تواند در راستای تخطئه گرایش ها و باورهای غلوآمیز مردم آن زمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ - ۶

۶ - افراط و تفریط درباره شخصیت عیسی (ع) ، کاری ستمگرانه و مستحق عذاب طاقت فرسای قیامت

فاختلف الأحزاب من بینهم فویل للذین ظلموا

غلو مرفهان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۴

۳۴- رفاه مندان عصر بعثت ، همواره ، امور خویش را در سطحی فراتر از حدّ شایسته آن ، وانمود می کردند .

و کان أمره فرطًا

<فرط> آن گونه که قاموس گفته است به معنای <ظلم و اعتداء> است و نیز به کاری گفته می شود که برخورد با آن، فراتر از حدودش باشد. فعل <کان> دلالت بر دیرینه بودن خصلت یاد شده دارد.

غلو مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳،۹،۲۰،۲۳

۳ یهود و نصارا مردمی آلوده به غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

با توجه به سیاق آیه معلوم می شود، غلو و تجاوز تحقق پیدا کرده نه اینکه نهی از غلو تنها برای پیشگیری باشد.

۹ پندار مسیحیان درباره مسیح ، پنداری غلوآمیز

ياهل الكتب لاتغلوا فى دينكم . .. انما المسيح عيسى ابن مريم

۲۰ شخصيت فوق العاده حضرت عيسى (ع) زمينه غلو و گزافه گويى مسيحيان در مورد ايشان

ياهل الكتب لاتغلوا فى دينكم . .. انما المسيح عيسى ابن مريم رسول اللّه

۲۳ مسيحيان

معتقد به تثلیث ، غلو کنندگان در دین هستند .

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم . .. و لاتقولوا ثلثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۲

۲ غلو مسیحیان درباره حضرت عیسی با نقض شمردن بندگی او برای خدا

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم . .. لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه

جمله <لن یستنکف> اشاره به این معنا دارد که مسیحیان بندگی مسیح را برای خداوند انکار می کردند و گویا شان وی را بالاتر از بندگی می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۵

۵ پندار تثلیث و الوهیت مسیح (ع) و مادرش مریم ، مصداق روشن گزافه گویی و غلو مسیحیان در دین خویش

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

از مصادیق مورد نظر از گزافه گویی مسیحیان به قرینه آیات گذشته اعتقاد آنان به تثلیث و الوهیت مسیح(ع) و مادرش مریم است.

غلو ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۸

۸ لزوم پرهیز از غلو و افراط درباره پیامبر(ص) و پیشوایان دینی

قل لا أقول لکم . .. إنی ملك

مأموریت پیامبر(ص) به نفی این گونه موارد (نفی فرشته بودن و . ..) دستور و برنامه ای برای همگان است که درباره پیامبران الهی راه غلو و افراط در پیش نگیرند و بر خداوند پیشی نجویند.

غلو ناپسند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۷ – ۳،۶

۳ غلو در دین (آمیختن

معارف الهی به گزافه هایی باطل) امری نکوهیده و حرام

لاتغلوا فی دینکم

۶ هر نوع افراط و غلو در دین ، باطل و خارج شدن از حقیقت است .

لاتغلوا فی دینکم غیر الحق

<غیر الحق> صفت برای <غلواً> در تقدیر است و ظاهراً صفتی توضیحی می باشد. یعنی از حدود معارف الهی خارج نشوید که این امری باطل است.

غلو یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳

۳ یهود و نصارا مردمی آلوده به غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

با توجه به سیاق آیه معلوم می شود، غلو و تجاوز تحقق پیدا کرده نه اینکه نهی از غلو تنها برای پیشگیری باشد.

مبارزه با غلو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۹

۹ پیشوایان و مبلغان دین وظیفه دار مبارزه با پندارهای غلوآمیز مردم درباره آنان

قل لا أقول لکم . .. إنی ملک

الزام پیامبر(ص) به اعلام موارد مذکور در آیه الزامی است برای همه مبلغان و پیشوایان دین که این موارد را برای مردم بیان نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۶

۶- رهبران الهی ، همواره ، باید مردم را از غلّوگرایی بازداشته و مقام خود را برتر از آنچه هست ، وانمود نکنند .

قل إنّما أنا بشر مثلکم

گرچه آیه، خطاب به پیامبر(ص) است، ولی بنابر ویژگی های قرآن، این رهنمود، فرمانی عمومی، مخصوصاً به رهبران و پیشوایان دینی است تا همواره، این نکته را به مردم یادآوری کنند

که آنان نیز بشرند، تا مبادا شائبه های الوهیّت و نظایر آن در ذهن مردم شکل بگیرد.

منشأ غلو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۷،۸،۱۰،۱۴

۷ بی توجهی به کتاب های آسمانی ، منشأ غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم غیر الحق

مخاطب قرار دادن مسیحیان با عنوان اهل کتاب، برای اشاره به این حقیقت است که غلو در دین با پیروی از کتب آسمانی ناسازگار است. بنابراین غلو پیروان ادیان الهی ریشه در بی توجهی آنان به کتب آسمانی خویش دارد.

۸ پیروی اهل کتاب از پیشینیان گمراه و هواپرست خویش ، منشأ غلو و گزافه بستن آنان به دین

یاهل الکتب لاتغلوا . .. و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل

بنابر اینکه مخاطبان <یا اهل الکتب> نصارا و یهود در عصر پیامبر(ص) باشند، به نظر می رسد مراد از <قوم قد ضلوا من قبل> پیشینیانی از خود اهل کتاب باشد و مصداق مورد نظر در ضلالت آن قوم، غلو و تجاوزشان در طرح مسائل دینی است.

۱۰ عقاید ناروا و غلوآمیز اهل کتاب برخاسته از افکار باطل گمراهانی مشرک در گذشته تاریخ

قل یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم . .. و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا

بدان احتمال که خطاب در <یا اهل الکتب> متوجه تمام یهود و نصارا باشد نه خصوص آنانکه در عصر پیامبر(ص) بودند. بر این مبنا مراد از <قوم قد ضلوا> پیشینیان اهل کتاب نخواهند بود بلکه مقصود، پیروان مذاهب شرک می باشند.

۱۴ غلو و افراط در دین ، برخاسته از تمایلات نفسانی و بدور از

دلیل و برهان

لاتغلوا فی دینکم غیر الحق و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا

منشأ غلو در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۸

۱۸ گروهی از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص) ، هواپرستان گمراه و ناشر عقاید افراطی و غلوآمیز در میان همکیشان خود

و لاتتبعوا اهواء قوم . .. و اضلوا کثیراً و ضلوا عن سواء السبیل

کلمه <ضلوا> در دو بخش از آیه می تواند اشاره به دو طایفه از گمراهان داشته باشد، طائفه ای پیش از بعثت که جمله <قد ضلوا من قبل> بیانگر آن است و طائفه ای معاصر پیامبر(ص) که جمله <ضلوا عن سواء السبیل> حاکی از آنان می باشد. گفتنی است که آوردن قید <من قبل> در یک بخش و نیامدن آن در بخش بعد، گویای این تفسیر است.

موارد غلو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۵

۵ پندار تثلیث و الوهیت مسیح (ع) و مادرش مریم ، مصداق روشن گزافه گویی و غلو مسیحیان در دین خویش

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

از مصادیق مورد نظر از گزافه گویی مسیحیان به قرینه آیات گذشته اعتقاد آنان به تثلیث و الوهیت مسیح(ع) و مادرش مریم است.

نهی از غلو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۲

۲ پیامبر (ص) مأمور نهی اهل کتاب از غلو و گزافه گویی در آیین خویش

قل یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

غنا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غنا

آثار ترویج غنا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۵

۵ - کافران مکه برای بازداشتن مردم از گوش فرا دادن به آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) کنیزان آوازه خوان را می خریدند و مردم را به آواز مشغول می کردند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

منظور از <لهوالحدیث> طبق برخی از شأن نزول ها، غنا است که به وسیله کنیزانی خوانده می شد. لازم به گفتن است که طبق این معنا <اشتراء> حقیقی است.

آثار غنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۸

۸ - غنا و نغمه های مفسده انگیز ، ابزار کافران برای گمراه کردن مردم از راه خدا است .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

کافران و ترویج غنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۵،۸

۵ - کافران مکه برای بازداشتن مردم از گوش فرا دادن به آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) کنیزان آوازه خوان را می خریدند و مردم را به آواز مشغول می کردند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

منظور از <لهوالحدیث> طبق برخی از شأن نزول ها، غنا است که به وسیله کنیزانی خوانده می شد. لازم به گفتن است که طبق این معنا <اشتراء> حقیقی است.

۸ - غنا و نغمه های مفسده انگیز ، ابزار کافران برای گمراه کردن مردم از راه خدا است .

و من الناس من يشترى لهو الحديث ليضلّ عن

سبیل اللّه

کیفر غنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۷

۱۷ - < عن محمدبن مسلم ، عن أبی جعفر (ع) قال : سمعته یقول : الغناء ممّا وعد اللّه عزّوجلّ علیه النار و تلی هذه الأیه : < و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه بغیر علم و یتّخذها هزواً أُولئک لهم عذاب مهین > ;

محمدبن مسلم می گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می گفت: غنا از جمله گناهانی است که خداوند عزّوجلّ برای آن، وعده آتش داده است. و این آیه را تلاوت کرد: و من الناس من یشتری لهو الحدیث...>.

لغویت غنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۶

۶ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) : کلّ قول لیس للّه فیه ذکر فلغو . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: هر سخنی که در آن یاد و ذکر خدا نباشد، لغو است. ..>.

نهی از غنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲۰

۲۰ - < عن زید الشحام قال : سألت أباعبد اللّه عن قول اللّه عزّوجلّ < فاجتنبوا الرجس من الأوثان و اجتنبوا قول الزور > فقال : الرجس من الأوثان > الشطرنج و < قول الزور > الغناء ;

زید شحام می گوید: از امام صادق(ع) از قول خدای عزّوجلّ <فاجتنبوا الرجس من الأوتان و اجتنبوا قول الزور> پرسیدم، فرمود: <الرجس من الأوتان> شطرنج است و <قول الزور> غنا می باشد>.

غنیمت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غنیمت

اباحه غنیمت زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - به غنیمت گرفتن زنان کافر ، در شرایطی خاص ، مباح است .

إنّا أحللنا لک . .. ما ملکت یمینک ممّا أفاء اللّه علیک

مراد از <ملک یمین> کنیزانی بوده انـد که از دشـمن به اسارت درمی آمدند. این که خداوند آنان را برای پیامبر(ص) حلال دانسته، فرع بر جایز بودن اصل آن است.

احکام غنیمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۴،۵

۴ - سرزمین ها و اموال و خانه های دشمن ، غنایمی هستند که در صورت پیروزی مسلمانان ، به تصاحب آنان در می آید .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۵ - امکان تعلق گرفتن سرزمین هایی ، بدون درگیری نظامی ، به مسلمانان ، به عنوان غنایم

و أورثکم . .. و أرضًا لم تطئوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - به غنیمت گرفتن زنان کافر ، در شرایطی خاص ، مباح است .

إنّا أحللنا لک . .. ما ملکت یمینک ممّا أفاء اللّه علیک

مراد از <ملک یمین> کنیزانی بوده اند که از دشمن به اسارت درمی آمدند. این که خداوند آنان را برای پیامبر(ص) حلال دانسته، فرع بر جایز بودن اصل آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۶ – ۶

۶ – رزمندگان مسلمان ، سهیم در غنایم به دست آمده از طریق جنگ و درگیری با کافران

فما أوجفتم

علیه من خیل و لا رکاب

از <فما أوجفتم علیه من خیل. ..> استفاده می شود که هرگاه با اسب تازی [جنگ و نبرد] صورت گیرد; غنایم مختص پیامبر(ص) نخواهد بود.

بشارت غنیمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴،۵

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

۵ - خداوند ، مؤمنان را به فتوحات و غنایمی علاوه بر فتح خیبر و غنایم آن ، نوید داد .

وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم هذه

در صورتی که <هذه> به فتح خیبر اشاره داشته باشد; واژه <عجّل> می رساند که فتح خیبر، پیش درآمد فتح های دیگر و غنایم فزون تری است.

بشارت غنیمت زیاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۱

۱ - نوید الهی به بیعت کنندگان در حدیبیه ، در زمینه دستیابی آنان به غنایمی فراوان

یبایعونک . .. و مغانم کثیره یأخذونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱

۱ - بشارت خدا به مسلمانان حاضر در حدیبیه ، مبنی بر برخورداری آنان از غنایم فراوان در آینده

وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها

زمینه ازدیاد غنیمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - صلح حدیبیه ، پیش درآمد پیروزی ها و غنایمی گسترده برای امت اسلامی

وعدکم اللّه

. .. فعجّل لكم هذه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد; یعنی، خداوند غنایم زیادی را برای مؤمنان در نظر گرفته; اما قبل از آن صلح حدیبیه را پیش درآمد آن غنایم قرار داده است.

غنیمت جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱،۱۱

۱ غنیمت و پیروزی در جهاد ، فضل الهی است .

خذوا حذرکم فانفروا . .. و لئن اصابکم فضل من اللّه

مصداق مورد نظر از <فضل> در این آیه، غنیمت و پیروزی است.

۱۱ مسلمانان دنیاطلب ، به چنگ آوردن غنیمت در سایه پیروزی ظاهری را فوز عظیم (رستگاری بزرگ) می شمرند .

و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ . .. فافوز فوزاً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۴

۴ شرکت منافقان در جنگ ، تنها برای تأمین منافع شخصی و سهیم شدن در غنایم جنگی است .

الذین یتربّصون بکم فإن کان لکم فتح من اللّه . .. و نمنعکم من المؤمنین

ظاهراً مراد از جمله <الم نکن معکم> شرکت در جهاد و همراهی مسلمانان در جنگ است.

غنیمت جنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۵

۱۵ دستیابی مسلمانان پیکارگر احد بر غنائم جنگی ، به دنبال شکست ابتدایی مشرکان قریش

من معد ما اریکم ما تحبّون

اگر چه مراد از <ما تحبّون> پیروزی بر دشمن است، و لکن در آیه شریفه می تواند لازمه آن، یعنی غنیمت نیز مراد باشد;

به دلیل <منکم من یرید الدّنیا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۵،۱۷،۲۰،۲۲

۱۵ اندوه و حسرت مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم جنگی و جراحاتی که در نبرد احد به آنان رسید .

فاثابکم غمّا بغمّ لکیلا تحزنوا علی مافاتکم و لا ما اصابکم

مراد از <غمّ> (غم دوّم) باید غمی ناپسند باشد ; چرا که خداوند آن را به غم پسندیده تبدیل کرد و آن را پاداشی بر مسلمانان قرار داد و به قرینه <لکیلا . .. >، آن غم ناپسند همان از دست دادن غنائم و جراحات وارد شده بر مسلمانان بوده است.

۱۷ تبدیل اندوه از دادن غنائم به اندوه تمرد از فرمان پیامبر (ص) ، موهبتی الهی به رزمندگان احد

فاثابکم غمّا بغمّ

کلمه <اثابکم> دلالت بر این معنا دارد که این تبدیل و جایگزینی لطف و موهبتی از جانب خداوند بوده است.

۲۰ اندوه مسلمانان از شکست و از دست دادن غنائم و مبتلا شدن به مصیبت ها در کارزار احد ، تاوان اندوهی که بر دل رسول خدا (ص) گذاردند .

فاثابکم غمّا بغمّ

بنابر اینکه <اثاب> به معنای مجازات باشد نه پاداش، و مراد از <غمّا>، اندوه مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم و مراد از <بغمّ>، غمی باشد که بر رسول خدا (ص) وارد کردند. و <باء> در <بغمّ> به معنای سببیّت گرفته شده است.

۲۲ هجوم اندوه های ناشی از نافرمانی رسول خدا (ص) و عدم موفقیّت در کارزار احد ، برخاسته از اراده الهی برای به فراموشی سپردن اندوه از دست

دادن غنائم و جراحات وارده بر ایشان

فاثابکم غمّا بغمّ لکیلا تحزنوا علی مافاتکم و لا ما اصابکم

بنابر اینکه <لکیلا> متعلق به <اثابکم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۳،۵

۳ امانتداری پیامبر (ص) در جمع آوری و تقسیم غنایم

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

در شأن نزول آیه آمده که تیراندازان گماشته شده بر تپه احد، سنگر خویش را به این پندار رها کردند که پیامبر (ص)، غنایم را بین همه رزمندگان تقسیم نخواهد کرد و هر کس هر چه به دست آورد، از آن او خواهد شد. (مجمع البیان، ذیل آیه).

۵ گمان باطل برخی از مسلمانان صدر اسلام مبنی بر خیانت پیامبر (ص) در غنایم جنگی

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

در برخی از شأن نزولهایِ مربوط به آیه آمده که غنیمتی از غنایم جنگی بدر مفقود شد و عدّه ای چنین پنداشتند که پیامبر (ص) آن را تصاحب کرده است. (مجمع البیان، ذیل آیه.) و از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: ... الم ینسبوا نبیّنا محمّداً (ص) ... الم ینسبوه یوم بدر الی انّه اخذ لنفسه من المغنم قطیفه حمراء حتّی اظهره اللّه عزّ و جلّ علی القطیفه و برء نبیّه من الخیانه و انزل بذالک فی کتابه <و ما کان لنبیّ ان یغلّ ... >.

امالی صدوق، ص ۹۲، مجلس ۲۲، ح ۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۶

۱۶ دست یافتن مؤمنان مجاهد

به منفعت مالی در غزوه بدر صغرا

فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل

بر اساس شأن نزول نقل شده در تفسیر روح المعانی، مراد از <فضل>، سودی است که مسلمانان با کسب و تجارت در غزوه بدر صغرا به دست آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۶،۱۸

۱۶ برتری و فزونی غنائم و اجر و پاداش الهی ، بر بهر های دنیوی و غنائم جنگی

تبتغون عرض الحیوه الدّنیا فعند اللّه مغانم کثیره

کلمه <عند اللّه> اشاره به برتری پاداشهای الهی دارد.

۱۸ غنائم فراوان خداوند از آن مجاهدانی است که در راه او می جنگند و از دنیاطلبی می پرهیزند .

اذا ضربتم فی سبیل اللّه . .. و لا تقولوا ... فعند اللّه مغانم کثیره

غنیمت جنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۶

۱۶ برتری و فزونی غنائم و اجر و پاداش الهی ، بر بهر های دنیوی و غنائم جنگی

تبتغون عرض الحیوه الدّنیا فعند اللّه مغانم کثیره

کلمه <عند اللّه> اشاره به برتری پاداشهای الهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۵

۱۵ دستیابی مسلمانان پیکارگر احد بر غنائم جنگی ، به دنبال شکست ابتدایی مشرکان قریش

من معد ما اریکم ما تحبّون

اگر چه مراد از <ما تحبّون> پیروزی بر دشمن است، و لکن در آیه شریفه می تواند لازمه آن، یعنی غنیمت نیز مراد باشد; به دلیل <منکم من یرید الدّنیا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران -

۳ - ۱۵۳ - ۱۵،۱۷،۲۰،۲۲

۱۵ اندوه و حسرت مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم جنگی و جراحاتی که در نبرد احد به آنان رسید .

فاثابکم غمّا بغمّ لکیلا تحزنوا علی مافاتکم و لا ما اصابکم

مراد از <غمّ> (غم دوّم) باید غمی ناپسند باشد ; چرا که خداوند آن را به غم پسندیده تبدیل کرد و آن را پاداشی بر مسلمانان قرار داد و به قرینه <لکیلا . .. >، آن غم ناپسند همان از دست دادن غنائم و جراحات وارد شده بر مسلمانان بوده است.

۱۷ تبدیل اندوه از دادن غنائم به اندوه تمرد از فرمان پیامبر (ص) ، موهبتی الهی به رزمندگان احد

فاثابکم غمّا بغمّ

کلمه <اثابکم> دلالت بر این معنا دارد که این تبدیل و جایگزینی لطف و موهبتی از جانب خداوند بوده است.

۲۰ اندوه مسلمانان از شکست و از دست دادن غنائم و مبتلا شدن به مصیبت ها در کارزار احد ، تاوان اندوهی که بر دل رسول خدا (ص) گذاردند .

فاثابکم غمّا بغمّ

بنابر اینکه <اثاب> به معنای مجازات باشد نه پاداش، و مراد از <غمّا>، اندوه مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم و مراد از <بغمّ>، غمی باشد که بر رسول خدا (ص) وارد کردند. و <باء> در <بغمّ> به معنای سببیّت گرفته شده است.

۲۲ هجوم اندوه های ناشی از نافرمانی رسول خدا (ص) و عدم موفقیّت در کارزار احد ، برخاسته از اراده الهی برای به فراموشی سپردن اندوه از دست دادن غنائم و جراحات وارده بر ایشان

فاثابکم غمّا بغمّ لکیلا تحزنوا علی مافاتکم و لا ما اصابکم

بنابر اینکه <لکیلا>

متعلق به <اثابکم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۳،۵

۳ امانتداری پیامبر (ص) در جمع آوری و تقسیم غنایم

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

در شأن نزول آیه آمده که تیراندازان گماشته شده بر تپه احد، سنگر خویش را به این پندار رها کردند که پیامبر (ص)، غنایم را بین همه رزمندگان تقسیم نخواهد کرد و هر کس هر چه به دست آورد، از آن او خواهد شد. (مجمع البیان، ذیل آیه).

۵ گمان باطل برخی از مسلمانان صدر اسلام مبنی بر خیانت پیامبر (ص) در غنایم جنگی

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

در برخی از شأن نزولهایِ مربوط به آیه آمده که غنیمتی از غنایم جنگی بدر مفقود شد و عدّه ای چنین پنداشتند که پیامبر (ص) آن را تصاحب کرده است. (مجمع البیان، ذیل آیه.) و از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: ... الم ینسبوا نبیّنا محمّداً (ص) ... الم ینسبوه یوم بدر الی انّه اخذ لنفسه من المغنم قطیفه حمراء حتّی اظهره اللّه عزّ و جلّ علی القطیفه و برء نبیّه من الخیانه و انزل بذالک فی کتابه <و ما کان لنبیّ ان یغلّ ... >.

امالی صدوق، ص ۹۲، مجلس ۲۲، ح ۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۶

۱۶ دست یافتن مؤمنان مجاهد به منفعت مالی در غزوه بدر صغرا

فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل

بر اساس شأن نزول نقل شده در تفسیر

روح المعانی، مراد از <فضل>، سودی است که مسلمانان با کسب و تجارت در غزوه بدر صغرا به دست آوردند.

غنیمت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۸

۱۸ - دستیابی جامعه به منافع و سود های سرشار (مانند غنیمت ، امنیت و . . .) یکی دیگر از ره آورد های جهاد در راه خداوند

و منفع للناس . .. من ینصره

غنیمت نزدیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ < عن ابی جعفر (ع) فی قوله : < لو کان عرضاً قریباً > یقول : غنیمه قریبه ;

از امام باقر (ع) درباره سخن خدا: <لو کان عرضاً قریباً> روایت شده که فرمود: مراد، غنیمت نزدیک است>.

مالک غنیمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۶

۶ - رزمندگان مسلمان ، سهیم در غنایم به دست آمده از طریق جنگ و درگیری با کافران

فما أوجفتم علیه من خیل و لا رکاب

از <فما أوجفتم علیه من خیل. ..> استفاده می شود که هرگاه با اسب تازی [جنگ و نبرد] صورت گیرد; غنایم مختص پیامبر(ص) نخواهد بود.

محرومیت از غنیمت جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۳ – ۱۰

۱۰ حسرت و تأسف متخلفان از جهاد بر محرومیتشان از غنایم جنگی

و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ . .. یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً

مصارف غنیمت

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۲

۲ - مخارج و مهریه ای که مرد مؤمن برای همسر کافر خویش ، صرف کرده و اکنون به حکم اسلام از او جدا شده است ، باید از بیت المال و غنایم جنگی ، به مرد مؤمن پرداخت شود .

و إن فاتکم شیء من أزوجکم إلی الکفّار فعاقبتم

واژه <عاقبتم>، به معنای <اصبتم منهم غنیمه> دانسته شده است.

وعده غنیمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه بر غنایم خیبر

و أخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیه قبل در زمینه غنایم خیبر بوده; واژه <أخری> در مقایسه با غنایم خیبر به کار رفته است.

غنایم

آثار غنایم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱ – ۹

۹ انفال و غنایم جنگی ، زمینه لغزش و ابتلای مردم

به سوء استفاده و بی تقوایی است .

قل الأنفال للّه و الرسول فاتقوا اللّه

هشدار خداوند با امر به تقوا پس از بیان حکم انفال، حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۹

۹ اختلاف و نزاع در جامعه ایمانی بر سر دنیا و غنایم آن ، به دور از شأن مؤمنان واقعی

یسئلونک عن الأنفال . .. إنما المؤمنون ... وجلت قلوبهم ... و علی ربهم

بیان ویژگیهای یاد شده پس از اشاره به اختلاف و نزاع مسلمانان بر سر غنایم جنگی، اشاره به این دارد که رسیدن به مقام بلند ایمان، آدمی را از شیفتگی به مال دنیا و متأثر شدن از آن و در نتیجه نزاع کردن بر سر آن، باز خواهد داشت.

احکام غنایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۳۸

۳ غنایم جنگ و اموال به جای مانده از دشمن ، از جمله انفال

یسئلونک عن الأنفال قل الأنفال للّه و الرسول

مراد از <انفال> در <یسئلونک عن الأنفال> غنایم جنگ است. تکرار این کلمه در پاسخ بیانگر این است که معنای اراده شده از <انفال> در <قل الانفال> معنایی گسترده تر از غنایم جنگ می باشد که با توجه به ریشه لغوی آن، یعنی <نفل> (زیاده)، می توان گفت مراد از انفال در <قل الانفال> مطلق اموالی است که زاید محسوب می شود و مالک بخصوصی ندارد.

۸ لزوم رعایت احکام الهی در مورد انفال و غنایم جنگی

قل الأنفال للّه و الرسول فاتقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۱ – ۱،۳،۴،۶

۱ پیکارگران مسلمان باید خمس غنایم جنگی به دست آمده را بپردازند .

أنما غنمتم من شیء فأن للّه خمسه

از مصادیق مورد نظر برای <ما غنمتم> به دلیل وقوع آن در بین آیات جنگ، چیزهایی است که از دشمن گرفته می شود که به آن غنایم جنگی اطلاق می گردد.

۳ ضرورت توجه به حکمِ شرعی غنایم در کنار مسایل جنگ و جهاد

و اعلموا أنما غنمتم من شیء

۴ غنیمت های جنگ و دیگر استفاده های مالی ، بجز خمس آن ، از آنِ غنیمت گیرنده و استفاده برنده است .

و اعلموا أنما غنمتم من شیء فأن للّه خمسه

۶ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان ، باید از خمس غنایم و دیگر درآمد ها بهره مند شوند .

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۹ – ۱،۳،۴،۵

۱ غنیمت های به دست آمده از دشمنان دین ، حلال و بهرهوری از آنها جایز است .

فلکوا مما غنمتم حللا طیبا

۳ رعایت احکام الهی در بهره گیری از غنایم جنگ ، وظیفه ای ضروری بر عهده مجاهدان

فلکوا . .. و اتقوا اللّه

امر الهی به رعایت تقوا پس از بیان حکم غنایم می رساند که بهره گیری از غنایم جنگی دارای احکامی است که باید رعایت شود.

۴ رعایت نکردن احکام الهی در بهرهوری از غنایم جنگی بی تقوایی است .

فلکوا مما غنمتم حللا طیبا و اتقوا اللّه

۵ مجاهدان نباید در تمامی غنیمت های به دست آورده تصرف کنند و

تمامی آنها را برای خویش حلال بشمارند .

فلکوا مما غنمتم حللا طیبا

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من> در <مما غنمتم> برای تبعیض باشد. بنابراین <فکلوا مما ... > یعنی بخشی از غنیمتها برای شما مباح است و بخش دیگر آن، همانند خمس آن باید به مصارف تعیین شده برسد.

استفاده از غنایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۳،۴،۶

۳ رعایت احکام الهی در بهره گیری از غنایم جنگ ، وظیفه ای ضروری بر عهده مجاهدان

فلکوا . .. و اتقوا اللّه

امر الهی به رعایت تقوا پس از بیان حکم غنایم می رساند که بهره گیری از غنایم جنگی دارای احکامی است که باید رعایت شود.

۴ رعایت نکردن احکام الهی در بهرهوری از غنایم جنگی بی تقوایی است .

فلکوا مما غنمتم حللا طیبا و اتقوا اللّه

۶ وجود زمینه های لغزش و گناه در بهرهوری از غنایم

فلکوا . .. و اتقوا اللّه

اهمیت غنایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۳

۳ ضرورت توجه به حکمِ شرعی غنایم در کنار مسایل جنگ و جهاد

و اعلموا أنما غنمتم من شیء

تقسیم غنایم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱ – ۲

۲ تعیین مالك غنایم جنگ و چگونگی تقسیم آن ، مایه اختلاف و مشاجره مسلمانان صدر اسلام

یسئلونک عن الأنفال قل الأنفال للّه و الرسول . .. و أصلحوا ذات بینکم

با توجه به آیات بعد که سخن از نبرد و مبارزه با دشمن دارد، و نیز

شأن نزولهای نقل شده درباره آیه، معلوم می شود مراد از انفال در جمله <یسئلونک عن الأنفال> اموالی بوده که در معرکه نبرد از دشمن به جای مانده و به دست مسلمانان افتاده بود. و توصیه خداوند به ترک مشاجره پس از بیان حکم انفال می رساند که آن اموال به جای مانده منشأ اختلاف مسلمانان بوده است.

حلیت غنایم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۹ – ۱،۱۱

۱ غنیمت های به دست آمده از دشمنان دین ، حلال و بهرهوری از آنها جایز است .

فلکوا مما غنمتم حللا طیبا

۱۱ حکم الهی بر حلیت غنایم و فدیه ها ، جلوه ای از مغفرت و رحمت خداوند است .

فکلوا . .. إن اللّه غفور رحیم

خمس غنایم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۱ – ۱،۵،۱۰

۱ پیکارگران مسلمان باید خمس غنایم جنگی به دست آمده را بپردازند .

أنما غنمتم من شیء فأن للّه خمسه

از مصادیق مورد نظر برای <ما غنمتم> به دلیل وقوع آن در بین آیات جنگ، چیزهایی است که از دشمن گرفته می شود که به آن غنایم جنگی اطلاق می گردد.

۵ خمس غنایم جنگ و دیگر درآمد ها از آنِ خدا و پیامبر (ص) و خویشان اوست .

فأن للّه خمسه و للرسول و لذی القربی

<ذی القربی> به معنای خویش است و چون خویشی یک معنای اضافی است با قراین کلامی روشن می شود که خویشان چه کسی مراد است. در اینجا مراد از <ذی القربی> به دلیل کلمه <الرسول>، خویشان پیامبر(ص)

هستند. در حقیقت <ال> در <القربی> جانشین مضاف إلیه است ; یعنی: للرسول و لذی قرباه.

۱۰ پرداخت خمس غنیمت ها و دیگر استفاده های مالی ، نشان ایمان به خدا و ایمان به پیروزی آفرینی خدا در جنگ بدر است .

فأن للّه خمسه و للرسول . .. إن کنتم ءامنتم باللّه و ما أنزلنا علی عبدنا

مراد از <ما أنزلنا . .. > می تواند همان امدادهای غیبی الهی باشد که مسلمانان در پرتو آن به پیروزی در جنگ بدر دست یافتند.

طمع به غنایم غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۹

۹ - چشمداشت برخی از مسلمانان ، به داشتن سهمی در غنایم به دست آمده از بنی نضیر *

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم فما أوجفتم علیه . .. و لکنّ اللّه یسلّط رسله

بیان این نکته که شما مسلمانان، اسب تازی در این جنگ نداشتید و این خدا بود که این پیروزی را فراهم ساخت، می تواند پاسخی برای انتظارات مسلمین در تقسیم غنایم میانشان باشد.

غنایم بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۵

۵ - تنها بیعت کنندگان با پیامبر (ص) در جریان حدیبیه ، برخوردار از غنایم خیبر *

إذ یبایعونک تحت الشجره . .. و مغانم کثیره یأخذونها

از این که <مغانم کثیره> به مؤمنان بیعت کننده نوید داده شده است ، مطلب بالا احتمال می رود.

غنایم جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶

۹ غنایم به دست آمده در جهاد های اسلامی ، از روزی های پاکیزه خداوند برای مسلمانان *

و رزقکم من الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۴

۴ مجاهدان بدر پیش از غلبه کامل بر دشمن ، برای دستیابی به منافعی مادی ، به گرفتن اسیر اقدام کردند .

ما کان لنبی . .. تریدون عرض الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۲ - خداوند فراهم آورنده زمینه تملّک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

غنایم غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۴

۴ مسلمانان در جنگ بدر به غنایمی چشمگیر دست یافتند .

یسئلونک عن الأنفال

حساس شدن مسلمانان نسبت به انفال و غنایم جنگی و پرسش مکرر آنان و بازتاب آن در آیه نشانگر فراوانی غنایم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۸

۸ غنایم جنگ بدر ، از روزی های پاکیزه که خداوند مسلمانان صدر اسلام را از آن بهره مند ساخت . *

و رزقکم من الطیبت

از مصادیق مورد نظر برای <الطیبت>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث پس از بیان جنگ بدر، غنایم جنگی است.

غنایم

غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱،۲،۳

۱ - غنایم غزوه بنی نضیر ، موهبت الهی به پیامبر (ص)

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم

آیه شریفه در ادامه مسائل غزوه بنی نضیر است.

۲ - برجای ماندن اموال و امکانات بنی نضیر ، پس از تبعید آنان از مدینه

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم

۳ - دستیابی مسلمانان به غنایم و امکانات بنی نضیر ، بدون جنگ و درگیری

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم فما أوجفتم علیه من خیل و لا رکاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۲

۲ - حکم < فیء > شامل همه غنایم به دست آمده بدون جنگ و نبرد ، و غیر مختص به غنیمت های بنی نضیر

ما أفاء اللّه علی رسوله من أهل القری

جمع آمدن واژه <قری>، می رساند که حکم <فیء> اختصاص به غنایم بنی نضیر ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۲

۲ - برخورداری برخی از انصار ، از غنایم بنی نضیر

و الذین تبوّءو الدار

در صورتی که <والذین تبوّءو. ..> عطف بر <المهاجرین> باشد، از آیه استفاده می شود که علاوه بر مهاجران; برخی از

انصار نیز سهمی از غنایم بنی نضیر بردند.

غنایم غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳،۴

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول

المخلّفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعكم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

۴ - غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۲

۲ - غنایم سرشار خیبر ، موهبت الهی به پیروزمندان آزمون حدیبیه

یبایعونک . .. و مغانم کثیره یأخذونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴،۵،۷،۲۱

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

۵ - خداوند ، مؤمنان را به فتوحات و غنایمی علاوه بر فتح خیبر و غنایم آن ، نوید داد .

وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم

هذه

در صورتی که <هذه> به فتح خیبر اشاره داشته باشد; واژه <عجّل> می رساند که فتح خیبر، پیش درآمد فتح های دیگر و غنایم فزون تری است.

۷ - امتنان الهی بر مؤمنان ، با رساندن ایشان به غنایم خیبر و کوتاه ساختن دست دشمنان از آنان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

۲۱ - < عن علیّ . . . قال : فی قوله تعالی < وعدکم اللّه مغانم کثیره > . . . < تأخذونها > . . . < فعجّل لکم . . . > من ذلک خیبر ;

از علی(ع) . .. روایت شده که درباره قول خدای تعالی <وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم> فرمود: از میان غنایم فراوانی که خداوند به شما وعده داده بود خیبر را زودتر به شما داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه بر غنایم خیبر

و أخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیه قبل در زمینه غنایم خیبر بوده; واژه <أخری> در مقایسه با غنایم خیبر به کار رفته است.

قصه غنایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ امداد های ویژه الهی ، منشأ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر *

و أیدکم بنصره

مالک غنایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۲

۲ تعیین مالک غنایم جنگ و چگونگی تقسیم آن ، مایه اختلاف و مشاجره مسلمانان صدر اسلام

یسئلونک

عن الأنفال قل الأنفال للّه و الرسول . .. و أصلحوا ذات بينكم

با توجه به آيات بعد كه سـخن از نبرد و مبارزه با دشـمن دارد، و نيز شأن نزولهاى نقل شده درباره آيه، معلوم مى شود مراد از انفال در جمله <يسئلونك عن الأنفال> اموالى بوده كه در معركه نبرد از دشمن به جاى مانده و به دست مسلمانان افتاده بود. و توصـيه خداونـد به ترك مشاجره پس از بيان حكم انفال مى رسانـد كه آن اموال به جاى مانده منشأ اختلاف مسـلمانان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۴

۴ غنيمت هاى جنگ و ديگر استفاده هاى مالى ، بجز خمس آن ، از آنِ غنيمت گيرنده و استفاده برنده است .

و اعلموا أنما غنمتم من شىء فأن للّه خمسه

مسلمانان و غنايم جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۷

۷ برخى از مسلمانان ناخشنود از حكم خداوند درباره انفال و غنايم جنگ بدر

قل الأنفال للّه و الرسول . .. كما أخرجك ربك ... و إن فريقا من المؤمنين لكرهون

<كما> براى تشبيه امر ديگر است و مشبّه به صريحاً در آيه ذكر نشده است. لذا احتمالات مختلفى از سوى مفسران ايراد شده است و از جمله آنهاست حكم خداونـد درباره انفال و غنايم جنگ بـدر. بر اين مبنا <كما أخرجك ... > چنين معنا مى شود: حكم خداوند درباره انفال حكمى حق است ; همان گونه كه فرمان و تقدير حركت به سوى جنگ بدر حق بود. بر اين اساس

جمله <إن فريقا ... > می رساند كه همه و يا برخی از مسلمانان از حكم خداوند درباره انفال نيز كراهت خاطری داشتند.

موارد غنايم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۲

۲ فديه های گرفته شده در قبال آزادی اسيران ، از جمله غنايم و استفاده از آنها حلال است .

فلكوا مما غنمتم حللا طيبا و اتقوا اللّه

از مصاديق مورد نظر برای <ما غنمتم> به دليل آيات گذشته كه درباره اسيران جنگی بود، فديه هايی است كه در برابر آزادی آنان گرفته می شود. عطف جمله <فكلوا> به وسيله حرف فاء به جمله سابق اين معنا را تأييد می كند.

وعده غنايم غزوه خيبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - اختصاص غنايم خيبر به شركت كنندگان سفر حديبيه ، براساس وعده قبلی خداوند *

إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها . .. قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است كه آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنايم، به حاضران صلح حديبيه باشد؛ چه اين كه اين نكته از نظر تاريخی نيز تأييد شده است.

غواصی از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

غواصی

احكام غواصی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۵

۵- جواز غواصی و استخراج اشيای قيمتی و زينتی دريا

و تستخرجوا منه حلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۶

۶ - جواز غواصی و استخراج اشیای قیمتی و زینتی دریاها

و تستخرجون حلیه تلبسونها

اهمیت غواصی در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۲ – ۳

۳- اهمیت غواصی و دستاورد های آن در حکومت سلیمان (ع)

و من الشیطین من یغوصون له

برداشت یاد شده از تخصیص به ذکر یافتن <غواصی> در بین سایر کارها و نیز لام <له> که برای انتفاع است برداشت یاد شده به دست می آید.

غواصی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۷ – ۲،۳

۲ – شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

۳ – وجود تخصص ساختمان سازی و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

آمدن صیغه های <بنّاء> و <غوّاص> بر وزن صیغه مبالغه که بر حرفه و صنعت بودن بنّایی و غوّاصی دلالت می کند گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

غواصی در دوران سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۷ – ۶

۶ – صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی ، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

غواصی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۲

۲- برخی از شیاطین برای سلیمان (ع) ، به کار غواصی و غیر آن می پرداختند .

و من الشیطین من یغوصون له و یعملون عملاً دون ذلک

غیب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غیب

آثار ایمان

به علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ - توجه و اعتقاد به با خبر بودن خداوند از تمامی رفتار و کردار آدمیان ، باز دارنده آنان از هر گونه نافرمانی و گناه است .

و أقسموا باللّه جهد أیمنهم . .. إنّ اللّه خبیر بما تعملون

جمله <إنّ اللّه خبیر. ..> تذکری تهدیدآمیز به منافقان بود که به دروغ اظهار اطاعت می کردند; ولی در عمل به نافرمانی و گناه مشغول بودند. بنابراین هشدار به آگاهی خداوند از اعمال انسان ها، می تواند به منظور بازداشتن آنان از نافرمانی و گناه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۸

۸ - آگاهی و ایمان به علم همه جانبه خداوند ، به تمامی حقایق عالم و راز های دل آدم ، بازدارنده انسان از حق گریزی و ستم کاری

إنّ اللّه علم غیب السموت . .. علیم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند در این آیه پس از نقل سرگذشت ستم کاران دوزخی و کافران حق ناپذیر در آیات پیشین می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

آثار ایمان به غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۲

۱۲- ورود مؤمنان به بهشت عدن ، به خاطر ایمان آنان به غیب و تصدیق آن است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده بالغیب

<باء> در <بالغیب> می تواند سببیه و متعلق به <وعد> باشد; یعنی، وعده خداوند به مؤمنان، به جهت ایمان آنان به غیب بوده

است. روشن است که بنابراین وجه، تقدیر کلام <بتصدیق الغیب> خواهد بود.

آثار ذکر علم غیب خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷ – ۹

۹ – توجه به آگاهی خداوند ، حتی از پوشیده ترین افکار و گفتار ، بازدارنده انسان از زبان گشودن به گفتار نارو است . *

و إن تجهر بالقول فإنّه یعلم السرّ و أخفی

جمله <فإنّه یعلم. ..> تهدید به پوشیده نماندن هیچ فکر و گفته ای از خداوند است. تفریع این تهدید بر <إن تجهر بالقول> گویای این است که مراد از <القول> گفتاری است که نه تنها به زبان آوردن آن نارو است، بلکه حتی اندیشه نیز باید از محتوای آن پاک باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴ – ۶

۶– توجه به علم همه جانبه خداوند به گفتار و اعمال موجودات جهان ، بازدارنده آدمی از حق ستیزی و گناه

أسرّوا النجوی . .. قال ربّی یعلم القول فی السماء والأرض و هو السمیع العلیم

خداوند در پاسخ به توطئه ها و سخنان سرّی مشرکان علیه اسلام، به پیامبر(ص) فرمان داد که علم همه جانبه الهی را به آنان گوشزد کند. این حقیقت می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۹ – ۶

۶ – توجه و اعتقاد به علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار انسان ها ، بازدارنده آنان از گناه و نافرمانی است .

لیس علیکم جناح أن تدخلوا بیوتًا غیر مسکونه . .. و اللّه یعلم

ما تبدون و ما تكتمو

تذكر به علم همه جانبه الهى در پايان آيه مى تواند حاكى از نكته ياد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۱ – ۱۰

۱۰ – توجه به آگاهى خداوند از تمامى رفتار ها ، برانگيزاننده انسان ها به انجام عمل صالح

و اعملوا صلحًا إنّى بما تعملون بصير

يادآورى خداوند به آگاه بودنش از تمامى رفتارهاى انسان ها پس از توصيه آنان به انجام عمل صالح مى تواند گوياى مطلب ياد شده باشد.

آثار عقيده به علم غيب خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۳ – ۱۴

۱۴ – توجه و اعتقاد به با خبر بودن خداوند از تمامى رفتار و كردار آدميان ، باز دارنده آنان از هر گونه نافرمانى و گناه است .

و أقسموا باللّه جهد أيمنهم . .. إنّ اللّه خبير بما تعملون

جمله <إنّ اللّه خبير. ..> تذكرى تهديدآميز به منافقان بود كه به دروغ اظهار اطاعت مى كردند; ولى در عمل به نافرمانى و گناه مشغول بودند. بنابراين هشدار به آگاهى خداوند از اعمال انسان ها، مى تواند به منظور بازداشتن آنان از نافرمانى و گناه باشد.

آثار علم غيب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم – ۱۹ – ۷۸ – ۱

۱– آگاهى از غيب و يا صدور پيمانى از جانب خداوند ، از راه هاى وقوف بر پى امد هاى كفر و ايمان و آثار آنها است .

لأُتينّ . .. أطّلع الغيب أم اتّخذ عند الرحمن عهدًا

همزه در <أطّلع> که در اصل

أإطّلع بوده برای استفهام انکاری است و فاعل فعل ضمیری است که به <الذی> در آیه قبل بازمی گردد. از این رو مضمون آیه چنین می شود: آیا آن کافری که مدعی شد کفر، موجب دستیابی به مال و فرزند است، بر غیب آگاهی یافته و یا عهدی از جانب خداوند دریافت کرده است؟! مراد از عهد، نوشته و یا بیانی است که از ناحیه خداوند صادر گردیده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۴

۴– علم به زمان کیفر و عذاب انسان ها ، درگرو آگاهی به نهان و آشکار آنان است .

إن أدری أقریب . .. إنّه یعلم الجهر من القول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۴ – ۸

۸ – علم خداوند به توطئه های کافران ، مایه ناکامی آنان در دستیابی به اهدافشان

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون . .. و إنّ ربّك لیعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

طرح علم خدا به اسرار نهانی و کارهای آشکار توطئه گران علیه دین و رسالت پیامبر(ص)، اشاره به این نکته دارد که آنان در هر حال در منظر خدا هستند و نمی توانند چیزی را از او مخفی کرده و به اهداف شان برسند. این بیان، می تواند تعلیلی باشد بر آنچه که قبلًا در ضمن <و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون> آمده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۸

۸ – داشتن علم غیب ، موجب آگاهی به حقایق پشت پرده و

پنهان می شود .

تبيّنت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا فى العذاب المهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۲ - ۴

۴ - آگاهی مطلق به غیب و شهود ، لازمه مقام الوهیت و خداوندگاری است .

هو اللّه الذى لا إله إلاّ هو علم الغيب و الشهده

توصیف <اللّه> به <عالم الغیب و الشهاده>، بیان بالا را افاده می کند.

آثار علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۲

۱۲ علم خدا به آشکار و نهان ، تضمینی بر پاداش دادن و کیفر کردن دقیق انسان ها در قیامت

ستردون إلى علم الغيب و الشهده فينبئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۲،۲۴

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزینند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

يجتبيك ربك . .. إن ربك عليم حكيم

۲۴ حکمت خدا و علم او به خصلت های یوسف (ع) موجب شد تا نعمت خویش را بر خاندان یعقوب کامل کند .

و يتم نعمته عليك و على ءال يعقوب . .. إن ربك عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۴ – ۳،۵

۳– سفارش به انتخاب بهترین و شایسته ترین گفتار ها ، برخاسته از علم همه جانبه خداوند به احوال انسانهاست .

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

. .. ربّکم أعلم بکم

ذکر <ربّکم أعلم بکم>، پس از توصیه به گزینش بهترین سخن در گفتار به منزله تعلیل است; یعنی، چون خداوند به احوال انسانها آگاه است، چنین توصیه ای می کند.

۵- مشیت خداوند در نزول رحمت یا عذاب بر بندگان ، مبتنی بر علم و آگاهی گسترده او بر احوال آنان است .

ربّکم أعلم بکم إن یشأ یرحمکم أو إن یشأ یعذّبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۴

۴ - آگاهی گسترده و محیط خداوند بر احوال و اعمال بندگان ، پشتوانه قانون مندی شفاعت در قیامت و صدور یا عدم صدور اجازه بر آن

لاتنفع الشفعه إلّامن أذن . .. یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۹ - ۳

۳ - خداوند عزیز و رحیم و آگاه به نماز و راز و نیاز انسان ها ، سزاوار اعتماد و توکل کردن آنان بر او

و توکّل علی العزیز الرحیم . الذی ... و تقلّبک فی السجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۶

۶ - علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار مردمان ، دلیل انحصار حق تشریع و انتخاب پیامبر به او

و ربّک یخلق ما یشاء و یختار . .. و ربّک یعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه در مقام بیان علت منحصر بودن حق قانون گذاری و حق برگزیدن پیامبر به خداوند باشد که در آیه قبل، از

آن سخن به میان آمده است; یعنی، چون خداوند به نهان و آشکار انسان ها آگاهی کامل دارد; پس تنها او شایسته قانون گذاری برای ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۱۶

۱۶ - علم خداوند به ذرات ریز دوردست ، ناشی از غیب دانی او است .

علم الغیب لایعزب عنه مثقال ذرّه فی السموت و لا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۸

۱۸ - لزوم اجتناب از دعوی بی گناهی و پاکی ، در برابر خداوندِ آگاه به آشکار و نهان انسان ها

هو أعلم بکم . .. فلاتزکّوا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ - آگاهی ژرف خداوند به اعمال خلق ، پشتوانه نظام کیفر و پاداش

و لتنظر نفس ما قدّمت لغد . .. إنّ اللّه خبیر بما تعملون

توجه به پیوند مفهومی صدر آیه (مسؤولیت اخروی انسان در قبال کرده های خویش) و ختام آیه (علم و آگاهی ژرف الهی) مطلب بالا را نتیجه می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۸ - ۱

۱ - سپاسداری ، بردباری ، آگاهی از نهان و آشکار ، عزّت و حکمت خداوند ، مقتضی تقواپیشگی ، حرف شنوی ، فرمان بری و انفاق در راه او است .

فاتّقوا اللّه . .. اسمعوا و أطیعوا و أنفقوا ... و اللّه شکور حلیم ... العزیز الح

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که میان ذکر

اوصـاف خداونـد در دو آیه پایـانی، با فرمان الهی به تقواپیشـگی، فرمان بری و انفاق، ارتباط وجود دارد. این مطلب می تواند اشاره به برداشت یاد شده باشد.

ادعای علم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۸ - ۲

۲- کسـی که کفرورزی را مـایه فراوانی مال و اولاد می دانـد ، ماننـد کسـی سـخن گفته است که یا به غیب آگاه شـده و یا از خداوند پیمان گرفته است .

کفر بأیتنا و قال . .. أطّلع الغیب أم اتّخذ عندالرحمن عهدًا

ارتباط با عالم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۸ - ۳

۳ - ادعای دریافت وحی و ارتباط با عالم غیب ، نیازمند دلیل قاطع و روشن

فلیأت مستمعهم بسلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۳،۵

۳ - مشرکان ، ناآگاه از امور غیبی و ناتوان از ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

۵ - ادیان توحیدی و پیامبران الهی ، مرتبط با عالم غیب اند .

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

استحاله علم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۵ - ۲

۲ - علم غیب و آگاهی به فرجام امور ، غیرقابل دسترسی برای انسان

أعنده علم الغيب

اهمیت ایمان به غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ تربیت انسان های مؤمن به غیب ، پایبند به نماز و انفاق گر ، از اهداف قرآن

ذلك

الكتب . .. هدًى للمتقين. الذين يؤمنون ... و مما رزقنهم ينفقون

اهميت علم غيب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۶

۶ از ديدگاه برخى مردم در اختيار داشتن خزاين الهى و آگاهى به غيب و فرشته بودن، نشانه پيامبرى است.

قل لا أقول لكم عندى خزائن اللّه و لاأعلم الغيب و لاأقول لكم إنى ملك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۹

۱۹ برخى از مردم عصر بعثت پيامبرى و نبوت را مستلزم آگاهى به امور غيبى مى پنداشتند .

لو كنت أعلم الغيب لاستكثرت من الخير . .. إن أنا إلا نذير

حصر در جمله <إن أنا . .. > ناظر به پندارهايى است كه مردم درباره پيامبر(ص) داشتند كه از جمله آنها عالم بودن پيامبر(ص) به امور غيبى است. جمله <إن أنا ... > بيان مى دارد كه او تنها نذير و بشير است ; يعنى عالم به غيب بودن، لازمه پيامبرى نيست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ آگاهى به غيب و دانستن تعبير رؤياها ، دانشهايى والا و گران سنگ است .

ذلكما مما علمنى ربى

<ذلك> و <ذلكما> و نظاير آنها براى اشاره به دور است. استعمال آن براى مشاراليه نزديك ، گوياى اين نكته است كه: مشاراليه در نزد متكلم ، امرى با عظمت و بلند مرتبه است.

ايمان به غيب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱،۲،۱۶

۱ - ایمان به

غیب (خدا و . . .) ، اقامه نماز و انفاق از صفات اهل تقواست .

هدًى للمتقين. الذين يؤمنون ... ينفقون

<غیب> به معنای پنهان و ناپیداست و چون ایمان به آن ارزشهای دینی شمرده شده، مقصود از <غیب> هر پنهان و نهانی نیست، بلکه مراد از آن، به مناسبت فرازهای بعد، خدا و فرشتگان و مانند آنهاست.

۲ - ایمان به غیب (خدا و . . .) ، اقامه نماز و انفاق ، وظایفی ضروری بر عهده بندگان

الذين يؤمنون بالغيب . .. ينفقون

۱۶ < عن ابی عبدالله (ع) فی قول الله عز و جل < الذین یؤمنون بالغیب > قال : من أقر بقیام القائم انه حق ;

از امام صادق (ع) درباره <الذین یؤمنون بالغیب> روایت شده که فرمود: آنان کسانی هستند که به حقانیت قیام قائم اقرار دارند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۷

۷ - ایمان به غیب و رسالت انبیای الهی و یقین به آخرت ، زمینه دستیابی به هدایت های قرآن است .

هدًى للمتقين . .. الذين يؤمنون بما انزل إليك و ما انزل من قبلك و بالأخره هم يوقن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۲

۱۲ هدف از آزمایش مؤمنان مشخص شدن صفوف باورداران به غیب (قیامت و عذاب) از غیر آنان

ليبلونكم الله . .. ليعلم الله يخافه بالغيب

قیامت وعذاب آخرت زمانی موجب ترس از خداوند می شود که آدمی به آن باور داشته باشد بنابراین تمایز خداترسان در واقع تمایز

باورداران قیامت از غیر آنان است.

برادران یوسف و غیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۱ – ۱۰

۱۰ بی اطلاعی برادران از امور نهانی ، اعتذار آنان در نزد یعقوب برای بیان کیفر سارق

ما شهدنا إلّا بما علمنا و ما کنا للغیب حفظین

برتری عالم غیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۸ – ۶

۶ – عالم غیب و مبدأ وحی ، فراتر از نظام طبیعت *

أم لهم سلّم

کلمه <سلّم> (نردبان)، معمولاً برای دستیابی به مراتب عالی و برتر، مورد استفاده قرار می گیرد.

تعلیم علم غیب به یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۸ – ۷

۷ پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت . .. واتبعت ملّه ءاباءِی

جمله <اتبعت . ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

جنیان سلیمان(ع) و علم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۶،۱۰

۶ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از علم غیب برخوردار نبودند .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا فی العذاب المهين

۱۰ - جنیان خدمت گزار در

دستگاه سلیمان (ع) ، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند .

تبیّنت الجنّ أن لو كانوا یعلمون الغیب

جهل به غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۳

۳ - مشرکان ، ناآگاه از امور غیبی و ناتوان از ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغیب فهم یكتبون

خزاین عالم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۹ - ۱

۱ خزاین غیب تنها نزد خداوند و فقط او آگاه به آنهاست.

و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها إلا هو

<مفاتح>، جمع <مَفتح>، به معنای <خزینه>، و یا جمع <مِفتح> به معنای <كلید>، می تواند باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

دلایل علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۸ - ۶

۶- پوشیده نبودن هیچ پدیده ای در عالم از خداوند ، دلیل آگاهی او از نهان و آشكار انسان

و ما یخفی علی الله من شیء فی الأرض و لا فی السّماء

جمله <و ما یخفی علی الله . ..> می تواند تعلیل برای بخش اول آیه (إنک تعلم ...) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۵ - ۸

۸- به دست خداوند بودن مرگ و حیات انسان ها ، دلیل علم او بر احوال انسان ها در گذشته و آینده

و إنا لنحن نحی و نمیت . .. و لقد علمنا المستئخرین . و إن ربّک هو یحشرهم

برداشت فوق، بر این احتمال که ذکر <إنا لنحن نحیی و نمیت>

قبل از <و لقد علمنا. ..> و ذکر <إن ربک هو یحشرهم> پس از آن، می تواند به منظور اقامه دلیل برای آن باشد. طبق این احتمال، معنای آیه چنین می شود: ما به احوال پیشینیان و آیندگان آگاهی داریم؛ چرا که خود ما میراننده و زنده کننده همه هستیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۶ – ۱۲

۱۲– مالکیت یگانه خداوند بر هستی ، دلیل آگاهی ژرف او بر تمامی دیدنی ها و شنیدنی ها است .

له غیب السموت و الأرض أبصر به و أسمع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۸ – ۶

۶ – آگاهی خداوند به نیت ها و راز دل ها ، دلیل آگاهی کامل او از حقایق پنهانی تمامی جهان

إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض إنّه علیم بذات الصدور

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <إنّه علیم بذات الصدور> در مقام تعلیل برای <إنّ اللّه عالم غیب. ..> می باشد؛ یعنی، چون خداوند به نیت ها و راز دل ها که پنهانی ترین امور جهان است آگاه می باشد، پس نسبت به امور غیبی جهان نیز آگاه خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۸ – ۳

۳ – وابستگی ابزار درک و شناخت به خداوند ، دلیل آگاهی او از انفاق ها و اهداف مدعیان انفاق است .

یقول أهلکت مالاً . .. ألم نجعل له عینین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد –

۹۰ - ۱۰ - ۴

۴ - آگاهی دقیق خداوند از راه های خیر و شرّ ، دلیل مخفی نبودن اهداف مدعیان انفاق ، بر او است .

یقول أهلکت مالاً . .. و هدینه النجدین

دلایل علم غیب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۶

۶ خبر دادن از نوع غذا و خصوصیات آن ، دلیل یوسف (ع) فراروی زندانیان برای بهره مندیش از علم غیب

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله . .. ذلکما مما علمنی ربی

ذکر علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ توجه به علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار ، و غیب و شهود ، بازدارنده آدمی از گناه و توبه شکنی و برانگیزنده وی به خیر و صلاح

و قل اعلموا فسیری اللّه عملکم . .. فینبئکم بما کنتم تعملون

بیان علم همه جانبه خداوند پس از تشویق و توصیه به توبه و عمل می تواند به منظور مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۴

۴- توجه به آگاهی همه جانبه خداوند از اعمال و رفتار ستم پیشگان و کیفر شدنشان در روز قیامت ، بازدارنده آدمی از ستم و تعدی

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۹

۱۹ - توجه به آگاهی خدا از آشکار و نهان

، بازدارنده مؤمنان از ارتباط سرّی با کافران

تسرّون . .. و أنا أعلم بما أخفیتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۷ – ۳

۳ – لزوم پرهیز از ادعا های نادرست و توجه به آگاهی خداوند از رفتار ها و نیّت های انسان

یقول . .. أیحسب أن لم یره أحد

توبیخ مستفاد از همزه استفهام در <أیحسب>، ممکن است ناظر به دروغ بودن گفتاری باشد که در آیه قبل از مدعیان انفاق نقل شد.

زمینه علم غیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶ – ۳

۳ رؤیا ، دریچه ای برای آگاهی به غیب و امور نهانی

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. کذلک یجتبیک ربک و یعلمک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۶ – ۴

۴ – وحی ، طریق رهیابی انسان به غیب *

أعنده علم الغیب . .. أم لم ینبّأ بما فی صحف موسی

خداوند، در ابتدا علم غیب را از مشرکان نفی می کند و سپس در مقام تخطئه و توبیخ آنان می فرماید: وحی که طریق ارتباط انسان با غیب است هیچ گونه سازگاری با اندیشه آنان ندارد.

زمینه علم غیب خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۴ – ۲

۲– ربوبیت و پروردگاری خداوند ، مقتضی علم و آگاهی کامل به احوال انسانهاست .

ربّکم أعلم بکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۵ – ۳

۳– ربوبیت خداوند ، مقتضی

علم و آگاهی او به همه موجودات آسمان ها و زمین است .

ربّک أعلم بمن فی السموت و الأرض

شرک و عالم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۱

۱ - آیین شرک ، فاقد کتاب آسمانی و بی ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

این آیه، درصدد بیان آخرین توجیهی است که مشرکان، می توانند برای درستی آیین خود ارائه دهند; یعنی، آنان ادعا کنند که با عالم غیب ارتباط برقرار کردند و حقایق و اسرار غیبی و اسرار غیبی را مکتوب داشتند. بر این اساس ارتباط با عالم غیب نشانه درستی هر آئینی است و ناتوانی از آن، علامت بطلان آن است.

عظمت عالم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۹ - ۴

۴ عالم غیب، عالمی بس با عظمت و پیچیده در برابر عالم شهود

و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها إلا هو

تأکید بر انحصار <علم غیب> به خداوند در برابر جمله بدون تأکید و حصر در <یعلم ما فی . .. > بر مطلب فوقِ اشعار دارد.

عظمت علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۵ - ۲

۲ - علم الهی به اسرار و اعمال آدمیان ، تنها گوشه ای از علم گسترده او به امور پنهان و آشکار آسمان و زمین

و إنّ ربّک لیعلم ما تکنّ . .. و ما من غائبه ... إلاّ فی کتب مبین

علم غیب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۱۸،۲۱

۱۸ دانایی همه جانبه خداوند ، به آنچه آدمیان در دل خویش پنهان دارند .

انّ اللّه علیم بذات الصدور

۲۱ توجه به دانایی خدا به تمامی اسرار دل ها ، زمینه ساز پرهیز آدمی از انحرافات

یا ایها الذین امنوا . .. ها انتم اولاء ... انّ اللّه علیم بذات الصدور

جمله <ان اللّه . .. > علاوه بر بیان این حقیقت که خداوند به نهان دلها آگاه است، به این هدف ایراد شده که انسانها با توجه به این حقیقت از انحرافات بپرهیزند; چرا که تمام افکار و اعمالشان در محضر و دید خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۶

۶ آگاهی خداوند ، از راز دل و اسرار افراد

و اللّه سمیع علیم. اذ همّت طائفتان

کلمه <همّت> از ماده <همّ> به معنای تصمیم و قصدی است که در دل، برای انجام کاری گرفته شود. و بنابر اینکه <اذ همّت> متعلّق به <سمیع> و <علیم> باشد، بیانگر علم خداوند به قصد و نیت انسانهاست.

علم غیب انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۷

۷ اخبار غیبی پیامبر بنی اسرائیل ، به بازگشت صندوق عهد به سوی آنان

و قال لهم نبیّهم انّ ایه ملکه ان یاتیکم التّابوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۱۵،۱۶،۱۸،۲۰،۲۳

۱۵ آگاهی برخی از رسولان الهی بر غیب و نهان (ایمان و کفر) امّت خویش

و لكنّ اللّه يجتبى من رسله

من یشاء

برداشت فوق بر این اساس است که <من> برای تبعیض و متعلق به <یجتبی> باشد و چون جمله <و لکنّ اللّه . .. >، استدراک از جمله <ما کان اللّه ... > است، معنای آیه چنین می شود: خداوند، امّتها را به غیب آگاه نمی سازد، ولی برخی رسولان را برای آگاه ساختن از غیب انتخاب می کند.

۱۶ خداوند برخی رسولان را برای آگاه ساختنشان از غیب ، برمی گزیند .

و ما کان اللّه لیطلعکم علی الغیب و لکنّ اللّه یجتبی من رسله من یشاء

۱۸ آگاهی تمامی رسولان الهی از غیب *

و لکنّ اللّه یجتبی من رسله من یشاء

بنابر اینکه <من>، بیان برای <من یشاء> باشد. یعنی خداوند برای آگاه ساختن از غیب، هر کس را بخواهد انتخاب می کند و برای این منظور، رسولان خویش را انتخاب کرده است.

۲۰ خداوند ، افاضه کننده علم غیب بر رسولان خویش

و ما کان اللّه لیطلعکم علی الغیب و لکنّ اللّه یجتبی من رسله من یشاء

۲۳ آگاهی پیامبران به غیب و نهان (پاکی ها ، پلیدی ها ، مصالح و مفاسد واقعی انسان ها) ، دلیل لزوم ایمان به آنان

و ما کان اللّه لیطلعکم علی الغیب و لکنّ اللّه یجتبی من رسله من یشاء فامنوا باللّ

برداشت فوق بر این مبناست که جمله <فامنوا . .. >، متفرع بر جمله <و لکنّ اللّه یجتبی من رسله> باشد. یعنی چون پیامبران آگاه به غیب هستند، لازم است به آنان ایمان آورید; چرا که تنها آنان دانا به حقایق امور هستند و راه سعادت و شقاوت را می شناسند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۷

۷ آگاهی پیامبران از اعمال امت های خویش

فکیف اذا جئنا . .. علی هؤلاء شهیداً

لازمه گواهی دادن بر اعمال نیک و بد مردم، آگاهی به آن اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۱۳،۱۶

۱۳ پیامبران الهی ناآگاه به امور غیبی

قالوا لاعلم لنا انک انت علّم الغیوب

جمله <انک انت . ..> می رساند که متعلق علم در <لا علم لنا>، امور غیبی است.

۱۶ علم و دانش پیامبران به غیب در برابر دانایی گسترده خداوند بسیار ناچیز و کم مقدار

قالوا لاعلم لنا انک انت علّم الغیوب

جمله <انک . ..> پس از <لا علم لنا> می تواند قرینه بر این باشد که نفی علم از پیامبران در مقایسه با علم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۸

۸ انسان ها ، حتی پیامبران ، آگاه به امور غیبی جهان نیستند .

و لو کنت أعلم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ آگاهی از غیب و بهره مند بودن از علوم خدادادی ، از ویژگی های پیامبران

ألم أقل لكم إنى أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۹ – ۶

۶- رسالت فرستادگان الهی ، مستلزم آگاهی ایشان نسبت به همه امور غیبی نیست .

قل ما کنت . .. و ما أدری ما یفعل بی و لا بکم

خداوند، در این

آیه از یک سو رسالت پیامبر(ص) را تأیید کرده و از سوی دیگر بیان داشته است که پیامبر ممکن است، حتی از سرنوشت شخص خویش بی اطلاع باشد; زیرا او تنها پیامدار انذارهای خداوند است و این منصب مستلزم اطلاع وی بر همه حقایق نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۶

۶ - امور غیبی ارائه شده به پیامبران ، مصون از دستبرد نااهلان

فلایظهر علی غیبه أحدًا . إلّا من ارتضی من رسول فإنّه یسلک من بین یدیه و من خلفه

علم غیب خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۲

۲ لازمه خالقیت ، آگاهی به اسرار و نهفته های وجود مخلوق

و لقد خلقنا . .. و نعلم ما توسوس به نفسه

از این که خداوند، نخست مسأله خلقت را مطرح کرده و سپس علم خویش به اسرار آدمیان را بیان داشته، تلازم یاد شده استفاده می شود.

علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸ - ۴

۴ - خداوند آگاه به اسرار انسان ها و اندیشه های آنان

و من الناس من یقول ءامنا . .. و ما هم بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۴

۴ – منافقان علم گسترده و همه جانبه خدا و آگاهی او را به اسرار و نهان انسان ها ، باور نداشته و بدان معتقد نیستند .

یخدعون اللّه

از اینکه منافقان با نفاق خویش در صدد نیرنگ زدن به خدا برآمده

اند، معلوم می شود که آنان می پنداشتند، اگر امری را مخفی کنند، خداوند از آن آگاه نمی شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۳ – ۸،۱۲،۱۴،۱۵

۸ – خداوند ، آگاه به غیب و نهان آسمان ها و زمین (هستی)

إنی أعلم غیب السموت و الأرض

۱۲ – خداوند ، آگاه به آشکار و نهان فرشتگان

أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتمون

۱۴ – از امام صادق (ع) روایت شده که : < إن اللّه تبارک و تعالی علّم آدم أسماء حجج اللّه کل ها . . . فقال : . . . < أنبئهم بأسمائهم فلمّا أنبأهم بأسمائهم > وقفوا علی عظیم منزلتهم عنداللّه تعالی فعلموا أنهم أحق بأن یکونوا خلفاء اللّه فی أرضه و حججه علی بریته و قال لهم : < ألم أقل لکم إنی أعلم غیب السماوات و الأرض و أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتمون < . . . ;

خداوند تبارک و تعالی اسامی تمام حجتهای خود را به آدم آموخت، پس]خطاب به آدم[فرمود: ملائکه را از اسامی آنان آگاه نما و چون آنان را از اسامی آگاه ساخت ملائکه به جایگاه بزرگ آنان در نزد خداوند واقف شدند و دانستند که آنان برای خلافت خدا در زمین و حجت بر مردمان سزاوارترند. و خداوند به ملائکه فرمود: <آیا به شما نگفتم من غیب آسمانها و زمین را می دانم و نیز می دانم آنچه شما آن را آشکار می کنید و آنچه آن را پنهان می داشتید> ...>.

۱۵ – < عن ابی جعفر (ع)

انه قـال فی قول اللّه : . . . < وأعلم مـا تبـدون و مـا كنتم تكتمون > يعنی مـا أبـدوه بقولهم < أتجعـل فی ها من يفسـد فيها و يسفك الدماء . . . > و ما كتموه : فقالوا فی أنفسهم : ما ظننا أن اللّه يخلق خلقاً أكرم عليه منا ;

از امـام بـاقر(ع) روايت شـده كه دربـاره سـخن خداونـد <وأعلم مـا تبـدون و مـا كنتم تكتمـون> فرمود: يعنی، آنچه را كه با گفتارشان آشكار كرده بودند اين بود كه گفتند: آيا در روی زمين كسی را قرار می دهی كه فساد خونريزی كند؟ . .. و آنچه كتمان كردنـد آن بود كه در پيش خود گفتند: ما گمان نمی كرديم كه خداوند كسانی را بيافريند كه بيش از ما نزد او گرامی باشند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۴

۴ - خداوند ، آگاه به اسرار انسان ها و توانا بر افشای آنهاست .

و اللّه مخرج ما كنتم تكتمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۱

۱ - خداوند ، آگاه به آنچه آدمی پنهان می دارد يا آشكار می كند .

أن اللّه يعلم ما يسرّون و ما يعلنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۵

۵ - خداوند ناظر بر رفتار انسان ها و آگاه به ضماير ايشان است .

قد نری تقلب وجهك فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۰

۱۰ -

خداوند ، به اعمال نهانی انسان ها آگاه است .

علم اللّه أنکم کنتم تختانون أنفسکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۹ – ۱۲

۱۲ تنها خداوند آگاه به غیب ها و اسرار نهانی است .

و ما کان اللّه لیطلعکم علی الغیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۵ – ۱۸

۱۸ آگاهی کامل خداوند بر نیّات و خواسته های درونی انسانها

ان یریدا اصلاحاً . .. انّ اللّه کان علیماً خبیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۹ – ۷

۷ آگاهی کامل خداوند به درون و جان آدمی

و کان اللّه بهم علیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۳ – ۱،۲

۱ خداوند ، آگاه به اسرار درونی منافقان

اولئک الّذین یعلم اللّه ما فی قلوبهم

۲ خداوند ، آگاه به نیّات و اسرار درونی انسان

یعلم اللّه ما فی قلوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۱ – ۵

۵ اِخبار غیبی خدای تعالی از برنامه های توطئه آمیز و مخفیانه مسلمانان متخلف

فاذا برزوا من عندک بیّت طائفه منهم غیر الذی تقول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۱ – ۱،۲

۱ اِخبار خداوند به مسلمانان صدر اسلام که در آینده ای نزدیک گروهی از دشمنان ، علی رغم پیمان ترک تعرض ، به پیمان خویش وفادار نبوده ، در هر آشوبی علیه آنان شرکت خواهند

کرد .

ستجدون اخرین یریدون ان یَامنوکم و یَامنوا قومهم کلّما ردّوا الی الفتنه ارکسوا فی

۲ اِخبار خداوند به مسلمانان مبنی بر اینکه در گیر و دار مبارزه و نبرد با دشمنان ، گروهی از آنان در صدد کسب امنیت از سوی مسلمانان و از سوی طائفه کافر خویش خواهند شد .

ستجدون اخرین یریدون ان یَامنوکم و یَامنوا قومهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۸ – ۹،۱۰

۹ آگاهی کامل خداوند به تمامی گفتار و رفتار آشکار و نهان آدمی

و هو معهم اذ یبیتون ما لایرضی من القول و کان اللّه بما یعملون محیطاً

۱۰ علم و احاطه خداوند بر توطئه ها و نقشه های سرّی دغلبازان و عملکرد آنان

و هو معهم اذ یبیتون ما لایرضی من القول و کان اللّه بما یعملون محیطاً

<یبیتون>، از ماده <بیتوته>، به معنای شب را به صبح آوردن است، و به قرینه جمله های گذشته، مراد از آن، توطئه ها و نیرنگهایی است که شبانه و در خلوت طرح می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۷ – ۲۷

۲۷ علم خدا به رخداد ها و اعمال آدمیان ، قبل از تحقق آن (علم ازلی)

و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

بیان اعمال انسانها با فعل مضارع (تفعلوا) و بیان آگاهی خداوند به آن اعمال با فعل ماضی (کان به . ..)، حکایت از آن دارد که خداوند به اعمال آدمیان پیش از وقوع آن آگاهی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ –

نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۴،۲۵،۲۹

۲۴ آگاهی دقیق و همه جانبه خداوند ، به اعمال و رفتار آدمیان

فإنّ اللّه کان بما تعملون خبیراً

۲۵ خداوند آگاه به شهادت های دروغ و نابحق مردم و دانا به کتمان شهادت ، از سوی آنان

و إن تلوا او تعرضوا فإنّ اللّه کان بما تعملون خبیراً

<تلوا> از <لوی لسانه> (زبانش را منحرف کرد) گرفته شده و متعلق آن به قرینه <شهداء للّه> شهادت می باشد و انحراف زبان، کنایه از دروغ گفتن است.

۲۹ توجه به آگاهی خداوند از اعمال آدمیان ، زمینه اقامه عدل ، پرهیز از شهادت های دروغ و کتمان شهادت

کونوا قومین بالقسط شهداء للّه . .. فإنّ اللّه کان بما تعملون خبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷ - ۱۳

۱۳ آگاهی کامل خداوند از نیات قلبی و اسرار درونی انسان

إنّ اللّه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۷،۸

۷ خداوند داناتر از خود اهل کتاب به اسرار پلید آنان در تظاهر به اسلام

و اللّه اعلم بما کانوا یکتمون

<اعلم> به معنای داناتر است. و چون هیچکس جز اهل کتاب به نیات پلیدشان آگاهی نداشت، بنابراین مفضل علیه کلمه <اعلم> خود اهل کتاب هستند ; یعنی <اللّه اعلم من انفسهم بما کانوا یکتمون>.

۸ علم خداوند به اسرار درونی هر کس ، کاملتر از آگاهی خود اوست .

و اللّه اعلم بما کانوا یکتمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۲،۳

۲

خداوند دانای به رفتار و کردار ، نیات و حالات انسانها

و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

در برداشت فوق <ماتبدون> به رفتار و کردار آدمی که جنبه بیرونی دارد و <ما تکتمون> به نیات و حالات انسان که همواره جنبه درونی دارد، تفسیر شده است.

۳ آگاهی خداوند به اعمال آشکار و مخفی انسان

و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

در برداشت فوق <ماتبدون> به اعمال و رفتار آشکار انسان و <ما تکتمون> به رفتارها و کردارهایی که در نهان و به دور از چشم مردم انجام می گیرد، تفسیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۱۴،۱۵،۱۶

۱۴ آگاهی کامل خداوند به واکنش های امت ها در برابر دعوت و رسالت پیامبران

فیقول ماذا اجبتم . .. انک انت علّم الغیوب

۱۵ تنها خداوند دارای علمی کامل و مطلق به تمامی غیب ها و امور نهانی

انک انت علّم الغیوب

حرف <ال> در الغیوب برای استغراق است وصیغه مبالغه <علّم> دلالت به کمال علم الهی و فراگیری آن دارد.

۱۶ علم و دانش پیامبران به غیب در برابر دانایی گسترده خداوند بسیار ناچیز و کم مقدار

قالوا لاعلم لنا انک انت علّم الغیوب

جمله <انک . ..> پس از <لا علم لنا> می تواند قرینه بر این باشد که نفی علم از پیامبران در مقایسه با علم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱۵،۲۰،۲۱،۲۲

۱۵ خداوند آگاه به گفته ها و اندیشه های آدمیان و تمامی حالات و صفات نفسانی ایشان

ان كنت قلته فقد

علمته تعلم ما فی نفسی

۲۰ دانایی خداوند به درون عیسی (ع) و بی خبری عیسی (ع) از درون خداوند ، دلیل نفی الوهیت عیسی (ع) و حصر آن به خداوند .

سبحنک . .. تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما فی نفسک انک انت علّم الغیوب

جمله <سبحنک ما یکون لی . .>، بیانگر یگانگی خداوند و نفی الوهیت از عیسی(ع) است و جمله <تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ...> که حاکی از محدودیت علمی عیسی(ع) و علم مطلق خداوند است، به منزله دلیل آن می باشد.

۲۱ تنها خداوند دارای آگاهی گسترده و دقیق به تمامی غیب ها و اسرارها

انک انت علّم الغیوب

۲۲ دانایی گسترده و دقیق به درون انسان ها ، تنها از آن خداست .

تعلم ما فی نفسی . .. انک انت علّم الغیوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۶،۷

۶ تنها خداوند آگاه بر <اجل مسمی> است.

و أجل مسمی عنده

۷ تنها خداوند آگاه از زمان قیامت و حشر آدمی است.

و أجل مسمی عنده

مراد از <اجل مسمی> می تواند زمان برپایی قیامت باشد که پس از ذکر خلقت و عمر آدمی به عنوان آخرین منزل ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳ - ۵،۶،۷،۹

۵ خداوند، آگاه از نهان و آشکار انسان

یعلم سرکم و جهرکم

۶ آشکار و نهان آدمی، در نزد خداوند یکسان است.

یعلم سرکم و جهرکم

عطف <جهرکم> بر مفعول <یعلم> و تکرار نشدن فعل می تواند بیانگر

مطلب فوق باشد.

۷ آگاهی خداوند بر سرّ و آشکار آدمی، برخاسته از حاکمیت کامل او بر سراسر هستی است.

و هو اللّه فی السموت و فی الأرض یعلم سرکم و جهرکم

۹ آگاهی خداوند از نتیجه و سرانجام عمل انسان

و یعلم ما تکسبون

مراد از <ما تکسبون> می تواند جزا و نتیجه عمل باشد که آدمی آن را با عمل خود به دست می آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳ – ۵

۵ توجه به آگاهی خداوند بر گفتار و کردار آدمیان، برانگیزنده آنان به ایمان

فهم لا یؤمنون . .. و هو السمیع العلیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۳ – ۴

۴ خداوند به حالات درونی و نهانی آدمی آگاه است.

قد نعلم إنه لیحزنک الذی یقولون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۹ – ۱،۲،۵،۶

۱ خزاین غیب تنها نزد خداوند و فقط او آگاه به آنهاست.

و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها إلا هو

<مفاتح>، جمع <مَفتح>، به معنای <خزینه>، و یا جمع <مِفتح> به معنای <کلید>، می تواند باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۲ کلیدها و رمز و راز آگاهی به غیب و نهان، تنها در اختیار خداوند است و کسی را به آن راهی نیست.

و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها إلا هو

در این برداشت <مفاتح>، جمع <مِفتح>، به معنای <کلید>، گرفته شده است.

۵ احکام خداوند در تکوین و تشریع، متکی بر آگاهی کامل و دقیق او بر غیب و شهود جهان هستی است.

إن

الحکم إلا للّه . .. لو أن عندی ما تستعجلون به ... و عنده مفاتح الغیب

۶ تعجیل نشدن در عذاب مشرکان و کفار، مرتبط با آگاهی مطلق خداوند بر غیب و شهود جهان و اسرار آفرینش است.

قل لو أن عندی ما تستعجلون . .. و عنده مفاتح الغیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۳ – ۱۳،۱۴

۱۳ خداوند دانای به تمامی غیب و شهود هستی است.

علم الغیب و الشهده

۱۴ دانایی خداوند به غیب و شهود عالم، پشتوانه حشر تمامی انسانها و ظهور مالکیت و حاکمیت انحصاری خداوند در قیامت است.

إلیه تحشرون . .. یوم ینفخ فی الصور علم الغیب و الشهده

با توجه به اینکه در آخرین جمله آیه قبل سخن از حشر آدمیان بود و در این آیه از نفخ صور و برپایی قیامت یاد شده و سپس جمله <عالم الغیب و الشهاده> آمده، گویا این جمله پاسخی است به کسانی که چگونگی حشر آدمیان را، با وجود متلاشی شدن اجساد و از بین رفتن آثار، امری ناممکن می دانند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۳ – ۶،۹،۱۰

۶ تنها خداوند به درک و اندیشه آدمی کاملاً آگاه است.

و هو یدرک الأبصر

چنانکه راغب در المفردات گفته است. <بَصَرَ> به معنای <بصیره> نیز آمده است، و <بصیرت> یعنی: نیروی ادراک انسان، بنابراین <یدرک الابصار> یعنی دریافت عمق اندیشه ها و ادراکات.

۹ خداوند در عین آگاهی بر کردارهای آدمیان، به آنان لطف دارد.

هو یدرک الأبصر و هو اللطیف الخبیر

از معانی <لطیف> رفق و لطف است و

مقتضای کنار هم آمدن دو صفت لطیف و خبیر، خصوصاً در صورتی که <الخبیر> صفت <اللطیف> باشد، برداشت فوق است.

۱۰ تنها خداوند به کنه و همه ابعاد هستی آگاه است.

و هو اللطیف الخبیر

ذکر نشدن متعلق برای <الخبیر> حکایت از اطلاق و دامنه گسترده آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۳،۴،۵

۳ خداوند آگاه به تمامی اعمال و اندیشه های پیامبران و امتهای آنان است.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

برداشت فوق بر این اساس است که <مرسلین> مرجع ضمیر <علیهم> باشد.

۴ خداوند همواره حاضر و ناظر به کردار و اندیشه های آدمیان است.

و ما کنا غائبین

۵ آگاهی خداوند به کردار و اندیشه های آدمیان برخاسته از حضور و نظارت مستقیم وی بر آنان و اندیشه هایشان است.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

جمله <و ما کنا غائبین> در حقیقت توضیح <بعلم> است و اشاره به چگونگی علم الهی به اعمال بندگان دارد. یعنی علم الهی برخاسته از حضور وی است، نه اینکه چیزی و یا کسی واسطه این آگاهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۸

۸ از موانع نزول عذاب استیصال بر امت های گنهکار و کافر ، علم خداوند به ایمان آوردن آنان در آینده است .

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۲ – ۱۸

۱۸ خداوند ، شنوای گفتار ها و آگاه به اندیشه ها و رفتارها

و إن اللّه لسمیع

علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ خداوند آگاه به راز های نهفته در سینه ها

إنه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ خداوند ، شنوای گفتار ها و آگاه به اندیشه ها و کردارها

و أن اللّه سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر (ص) را از وقوع نبردی میان مسلمانان و یهودیان پیمان شکن ، پیش از واقع شدنش ، آگاه ساخت .

فشردبهم من خلفهم

<ثقف> مصدر <تثقفن> به معنای دستیابی و تسلط پیدا کردن است. <إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زاید است. تأکید جمله شرطیه با نون تأکید ثقلیه و <ما>ی زایده حکایت از آن دارد که شرط، یعنی وقوع جنگ و تسلط مسلمانان بر یهودیان، تحقق خواهد یافت. بنابراین معنای جمله شرط چنین خواهد بود: اگر نبردی با یهودیان رخ داد و بر آنان مسلط شدی، که البته چنین خواهد شد ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۹

۹ تنها خداوند شنوای گفتار ها و آگاه بر اندیشه ها

إنه هو السمیع العلیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸ – ۱۴

۱۴ خداوند ، به ضمایر ، نیات و مقاصد آدمیان ، آگاه و از آنها باخبر است .

کیف و إن یظهروا علیکم . .. یرضونکم بأفواههم

و تأبى قلوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۶ – ۱۱

۱۱ آگاهی عمیق خداوند به عملکرد نهان و آشکار آدمیان

و اللّه خبیر بما تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۴ – ۵

۵ علم دقیق خداوند به حالات و روحیّات تقواپیشگان

و اللّه علیم بالمتقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۷ – ۱۰

۱۰ هشدار خداوند به منافقان با بیان علم همه جانبه اش به روحیّات و دسیسه های منافقانه آنان

و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه . .. و اللّه علیم بالظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۳۰

۳۰ إخبار خداوند ، از رسوایی و فضاحت نهایی منافقان صدر اسلام در جامعه و منزوی شدن آنان

و ما لهم فی الأرض من ولیّ و لانصیر

با توجه به اینکه آیه، إخبار از آینده است و نیز واژه <فی الأرض> می تواند به همین زندگی دنیوی اشاره داشته باشد، این برداشت به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۸ - ۱،۲،۳،۷

۱ توبیخ منافقان پیمان شکن از سوی خداوند ، به خاطر بینش غلطشان درباره علم و آگاهی کامل خدا به نیات و عملکرد آدمیان

ألم یعلموا أن اللّه یعلم

۲ علم خداوند به کردار و گفتار مخفیانه آدمیان

یعلم سرّهم و نجویهم

۳ غفلت و بی توجّهی منافقان به علم غیب و آگاهی گسترده خدا نسبت به اسرار و سخنان پنهانی

، عامل گرایش آنان به تخلف از وظایف خود در برابر خدا

بما أخلفوا اللّه ما وعدوه . .. ألم يعلموا أن اللّه يعلم ... و أن اللّه علّم الغى

۷ خداوند ، علّام الغيوب (دارای علم گسترده و عمیق به همه نهان ها) است .

أن اللّه علّم الغيوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۶

۱۶ تساوی غیب و شهود و نهان و آشکار ، در پیشگاه خداوند

علم الغيب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۱۴

۱۴ آگاهی عمیق خداوند به همه امور بدگویی های آشکار و نهان و نیز به بدخواهی های درونی منافقان نسبت به اسلام و مؤمنان

و من الأعراب . .. يتربّص بكم الدوائر ... و اللّه سميع عليم

کلمه <سمیع> بیانگر بدگوییهای منافقان و واژه <علیم> بیانگر آرزوی قلبی آنها نسبت به اسلام و مسلمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۵

۵ غیب و شهود ، و نهان و آشکار همه چیز ، در احاطه علم الهی است .

علم الغيب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۸

۱۸ خداوند ، از اسرار نهفته آدمیان ، آگاه است .

و الذين . .. و اللّه يشهد إنهم لكذبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۰ – ۴

۴ علم به غیب در انحصار خداوند است .

إنما الغيب للّه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵ - ۵،۶

۵ خداوند ، آگاه به توطئه های محرمانه و سرّی مشرکان و مطلع از مواضع علنی و آشکار آنان

ألا حین یستغشون ثیابهم یعلم ما یسرّون و ما یعلنون

۶ خداوند ، به همه افکار و اندیشه ها آگاه است .

إنه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۴

۴ خداوند ، به منزل و مأوای دایم و موقت هر جنبنده ای آگاه است .

یعلم مستقرها و مستودعها

<مستقر> اسم مکان از استقرار و به معنای مقر و قرارگاه است. بنابراین <مستقرها>;یعنی، جایگاهی که آن جنبنده در آن استقرار دارد و منزل دایمی یا غالبی اوست. <مستودع> اسم مکان از استیداع (ودیعه گذاشتن و یا ودیعه گرفتن) است و از آن جا که ودیعه به طور موقت و نه دایمی در جایی نگهداری می شود، می توان گفت: مراد از <مستودعها> جایگاهی است که آن جنبنده، به طور موقت در آن جایگاه به سر می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ خداوند ، آگاه به امور نفسانی و جنبه روحانی انسان

الله أعلم بما فی أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۷

۷ خداوند ، به تمامی اعمال انسان ها و حقیقت آن اعمال آگاه است .

إنه بما يعملون خبير

<خبرت الأمر>; یعنی ، حقیقت آن را شناختم (لسان العرب). بنابراین <إنه بما یعملون خبیر>; یعنی ، همانا خداوند به حقیقت

و کُنه اعمال شما آگاه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۲ – ۱۴

۱۴ خداوند ، اعمال انسان ها را می بیند و به همه آنها آگاهی دارد .

إنه بما تعملون بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۹ – ۹

۹ خداوند ، به اعمال و رفتار انسان ها آگاه است .

والله علیم بما یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۴ – ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ خداوند ، به احوال بندگان و نیاز های آنان داناست .

فاستجاب له ربه . .. إنه هو السمیع العلیم

۱۴ خداوند ، به ترفند ها و مکر های آدمیان و راه خنثی کردن و از میان بردن آن ، آگاه است .

فصرف عنه کیدهنّ إنه هو السمیع العلیم

از مصداقهای مورد نظر برای متعلق <سمیع> و <علیم>، به قرینه <کیدهنّ> ترفند زنان اشراف ، و به قرینه <صرف عنه> از میان بردن مکرهای ایشان است.

۱۵ خداوند ، برای آگاهی به خواست بندگان نیازی به مقال و عرض حال آنان ندارد .

إنه هو السمیع العلیم

می توان گفت از اهداف یادآوری علم خدا پس از بیان شنوایی او ، این حقیقت است که در آگاهی خداوند به حاجت انسانها ، به درخواست کردن و به زبان جاری کردن نیازی نیست ، گرچه در اجابت آن مؤثر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۳

۱۳ آگاهی کامل خداوند به درستی و نادرستی گفته ها

و الله أعلم بما تصفون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۰

۱ خداوند ، از ویژگی های جنین هر زن و مادینه ای آگاه است .

الله یعلم ما تحمل کل أُنثی

مراد از <ما> به قرینه <تحمل کل اُنثی> جنین است. <اُنثی> به هر جنس ماده از انسان (زن) و غیر انسان (مادینه) گفته می شود.

۲ خداوند ، به آنچه رحم زنان و مادینه ها برای جنین جذب می کنند آگاه است .

الله یعلم . .. ما تغیض الأرحام

<غیض> به معنای کاستن و فرو بردن است که به مناسبت مورد از آن به جذب کردن تعبیر شد. و چون سخن جمله قبل درباره جنین بود معلوم می شود مقصود از آنچه رحمها جذب می کنند، جذبهایی است که در ارتباط با جنین می باشد چه آنها که در پیدایش جنین دخیل است و چه آنها که مایه رشد و نمو جنین می باشد.

۳ خداوند ، از آنچه رحم زنان و مادینه ها برای جنین جذب نکرده و از خود دفع می کنند آگاه است .

الله یعلم ما تحمل کل أُنثی . .. و ما تزداد

<ازدیاد> (مصدر تزداد) به معنای افزودن است و ضمیر در <تزداد> به ارحام باز می گردد. آنچه را رحمها می افزایند که معنای عبارت <ما تزداد> است می تواند ناظر به چیزهایی باشد که رحمها افزون بر نیاز جنین از خود تراوش می کنند که دفع می شود و می تواند ناظر به افزودن بر جنین باشد که مایه رشد و نمو او می شود.

۴ خداوند به نطفه هایی که رحم زنان و مادینه ها به خود جذب می

کنند تا جنین شود ، آگاه است .

الله یعلم ما تحمل کل أُنثی و ما تغیض الأرحام

۵ خداوند به آنچه رحم زنان و مادینه ها@ پس از جذب نطفه بر آن می افزایند داناست .

الله یعلم ما تحمل کل أُنثی . .. و ما تزداد

۱۰ < عن محمدبن مسلم قال : سألت أباعبدالله (ع) عن قول الله : < یعلم ما تحمل کل أُنثی و ما تغیض الأرحام > ؟ قال : ما لم یکن حملاً ، < و ما تزداد > قال : الذکر و الأُنثی جمیعاً ;

محمدبن مسلم گوید از امام صادق(ع) درباره سخن خدا: <یعلم ما تحمل کل أُنثی و ما تغیض الأرحام> سؤال کردم، حضرت فرمود: [مراد از ما تغیض الأرحام]چیزی است که حمل نباشد و در مورد <و ما تزداد> فرمود: پسر و دختر هر دو می باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۹ - ۱

۱ خداوند ، به همه نهان ها و آشکار ها داناست .

علم الغیب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۰ - ۱،۲،۴

۱ خداوند به همه سخن ها پنهان و آشکارش آگاه است .

سواء منکم من أسرّ القول و من جهر به

آیه قبل گویای این است که آیه فوق درباره علم خداوند بحث می کند. بنابراین <سواء منکم ...> ; یعنی: <سواء منکم فی علمه>.

معانی الأخبار، ص۱۴۶، ح۱; تفسیربرهان، ج۲، ص۲۸۳، ح۶.

۲ خداوند ، به راز دل ها و سخنان ابراز نشده داناست .

سواء منکم من أسرّ القول

<اسرار> به معنای پنهان

ساختن است. پنهان کردن سخن می تواند به معنای ابراز نکردن و تلفّظ نکردن باشد و می تواند به معنای در ملأ عام نگفتن و در خفا بیان داشتن باشد. برداشت فوق ناظر به معنای اول است.

۴ خداوند به همگان آنان که در تاریکی های شب کاملاً پنهانند و یا در روز روشن آشکارند آگاه است .

و من هو مستخف بالّیل و سارب بالنهار

<استخفاء> (مصدر مستخف) و <خفاء> هر دو به معنای پنهان بودن است، با این تفاوت که <استخفاء> حاکی از تأکید می باشد. <سَرَب> به معنای راه است و <سارب> به کسی که راه را می پیماید گفته می شود و از آن جا که راه و طی کننده آن معمولاً بر انسانها مخفی نیست خصوصاً که در روز باشد می توان گفت: <سارب> در آیه شریفه به قرینه مقابله آن با <مستخف> کنایه از <آشکار> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۳

۳- خداوند ، آگاه به نیاز ها و خواسته های انسان و توانا بر تأمین آنهاست .

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه

چون خداوند تمامی نیازهای نوع بشر را برآورده است، معلوم می شود از آن نیازها آگاه و بر اعطای آنها قادر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۸ - ۱

۱- اذعان حضرت ابراهیم (ع) در دعای خویش به علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار انسان

ربّنا إنک تعلم ما نخفی و ما نعلن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹

– حجر – ۱۵ – ۲۴ – ۱،۲،۳

۱– خداوند ، بی تردید به احوال نسل های پیشین و نسل های آینده ، آگاه است .

و لقد علمنا المستقدمین منکم و لقد علمنا المستئخرین

مقصود از علم خداوند به پیشینیان و آیندگان، می تواند علم به وجود خود آنان باشد و می تواند علم به احوال آنها باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۲– به یقین ، خداوند به نسل های پیشین و به وجود نسل های آینده بشر ، آگاه است .

و لقد علمنا المستقدمین منکم و لقد علمنا المستئخرین

۳– خداوند ، بی تردید به احوال انسان های پیشرو در میدان ایمان و عمل و مردم ناموفق در آن ، آگاه است .

و لقد علمنا المستقدمین منکم و لقد علمنا المستئخرین

در اینکه تقدّم و تأخّر در آیه فوق، به چه چیز سنجیده شده؟ میان مفسران چند نظریه وجود دارد: یکی از آنها سبقت و تأخیر در رابطه با ایمان و عمل صالح است; زیرا دنیا میدان مسابقه برای انسانهاست <و لکل وجهه هو مولیها فاستبقوا الخیرات> (سوره بقره آیه ۱۴۸). برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۷ – ۷

۷– خداوند ، از ضمیر انسان و احساسات و عواطف روحی و روانی او ، کاملاً آگاه است .

و لقد نعلم أنک یضیق صدرک بما یقولون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۹ – ۱

۱– خداوند ، به تمامی آنچه انسان پنهان می کند و یا آشکار می سازد آگاهی دارد .

و الله یعلم

ما تسرّون و ما تعلنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۳ – ۱،۲،۴

۱– خداوند ، قطعاً به تمامی آنچه که منکران آخرت پنهان می سازند و یا علنی می کنند ، آگاهی کامل دارد

لاجرم أن الله یعلم ما یسرّون و ما یعلنون

ضمیر فاعلی در <ما یسرّون و ما یعلنون> به <الذین لایؤمنون بالأخره> در آیه قبل برمی گردد.

۲– خداوند ، به نیّت ها و حالات درونی انسان ها علم دارد .

لاجرم أن الله یعلم ما یسرّون

۴– آگاهی خداوند از نیّت ها و حالات درونی منکران معاد ، برخاسته از علم غیب اوست .

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره . .. لاجرم أن الله یعلم ما یسرّون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۷ – ۱

۱– امور غیبی و پنهانی آسمان ها و زمین ، در انحصار خداست .

و لله غیب السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۱ – ۹

۹– خداوند ، به همه اعمال آدمیان آگاه است .

إن الله یعلم ما تفعلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۷ – ۷،۸

۷- خداوند از تمامی گناهان بندگانش باخبر و بر همه آنها آگاه و ناظر است .

و کفی بربّک بذنوب عباده خبیرًا بصیرًا

۸- آگاهی خداوند ، از گناهان باطنی و ظاهری بندگان ، برای مجازات آنان کافی است و نیازی به شاهد و گواه ندارد .

و کفی بربّک بذنوب عباده خبیرًا بصیرًا

برداشت فوق با توجه به فرق واژه <خبیر> و <بصیر>

به دست می آید; چون <خبیر> در مورد آگاهی از افکار و درون اشیاست (مفردات راغب) و <بصیر> اطلاع بر اعمال و رفتار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱،۲،۴

۱- خداوند بر آنچه در باطن انسانهاست ، آگاهی کامل دارد .

ربّکم أعلم بما فی نفوسکم

۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی علم و آگاهی کامل او بر حالات درونی انسانها

ربّکم أعلم بما فی نفوسکم

۴- خداوند ، از خود انسان به حالات و افکار درونی وی ، آگاه تر است .

ربّکم أعلم بما فی نفوسکم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفضل علیه <أعلم>، <منکم> باشد; یعنی، آگاهی خداوند به درون شما از خودتان بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۰ - ۶

۶- خداوند از حال بندگان خویش ، کاملاً باخبر بوده و آگاهی همه جانبه دارد .

إنه کان بعباده خبیرًا بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۵

۵- دستور های الهی ، حقایقی است مبتنی بر علم و آگاهی خداوند به نیاز های تربیتی بشر

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

<حکمت> وقتی به خداوند نسبت داده شود، به معنای معرفت او به اشیا و به وجود آوردن آنها در نهایت اتقان است

(مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۱،۲

۱- آگاهی کامل خداوند ، به هدف ها و انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به کلمات پیامبر (ص)

نحن أعلم بما یستمعون به

<با>

در <بما> برای سببیت است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما به غرض و انگیزه ای که کافران به خاطر آن به سخنان پیامبر(ص) گوش فرامی دهند علم داریم.

۲- خداوند ، از نجوا ها و سخنان سرّی کافران علیه پیامبر (ص) آگاه است$.

نحن أعلم . .. و إذ هم نحوی

.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۵

۵- خداوند ، پیشاپیش به پیامبر (ص) اعلام کرد که منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد ، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد .

فسیقولون من یعیدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۴ - ۱

۱- پروردگار ، به احوال انسان ها آگاه تر و داناتر از خود آنان است .

ربّکم أعلم بکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۵ - ۱

۱- پروردگار عالم نسبت به احوال همه موجودات آسمان ها و زمین ، از خود آنها داناتر و آگاهتر است .

و ربّک أعلم بمن فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۴ - ۸

۸- خدای پرورش دهنده انسان ها ، آگاه تر از همگان نسبت به ملکات نفسانی و زمینه های روحی آنان

فربّكم أعلم بمن هو أهدى سبيلًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۱ – ۵

۵- عدم اعطای معجزات اقتراحی مشرکان از سوی خداوند ، به دلیل علم خدا به حق ناپذیری آنان

و

لقد ءاتینا موسی . .. فقال له فرعون إنی لأظنّک یموسی مسحورًا

یادآوری کفر فرعون، علی رغم ارائه معجزات فراوان از سوی موسی(ع) در پی رد درخواستهای مشرکان، می رساند که دلیل عدم اجابت خواسته های مشرکان، تصمیم آنان بر عدم ایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۶،۱۱

۶- تنها خداوند بر تمام اسرار هستی آگاه است .

قل اللّه أعلم بما لبثوا له غیب السموت و الأرض

جمله <له غیب. ..> به قرینه <اللّه أعلم> علاوه بر بیان مالکیت خداوند بر اسرار هستی، بر آگاهی فراگیر او نیز دلالت دارد.

۱۱- خداوند نسبت به حقایق پنهان هستی ، تیزبین و بسیار شنوا است .

له غیب . .. أبصر به و أسمع

به قرینه <أبصربه>، پس از <أسمع> نیز <به> در تقدیر است و هر دو، صیغه تعجب اند؛ یعنی، خداوند، چه بسیار بینا و شنوا است!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷ - ۱،۲،۴،۵،۷

۱ - خداوند ، به آنچه که آدمی می گوید و اظهار می کند ، آگاه است .

و إن تجهر بالقول فإنّه یعلم السرّ و أخفی

جمله <فإنّه یعلم. ..> جانشین جواب شرط <إن تجهر> است و معنای آیه این است که اگر سخن آشکار کنی [خدا می داند]، زیرا که او سرّ و مخفی تر از آن را می داند. دراین موارد، بیان علت از تصریح به جواب شرط بی نیاز می کند.

۲ - اسرار و راز های بازگو نشده افراد و نیت های آنان ، برای خداوند آشکار است و بر آن آگاهی

کامل دارد .

فإنّه یعلم السرّ

<سر>، یعنی آنچه از دیگران کتمان می شود (لسان العرب).

۴ – خداوند به راز های فراموش شده آدمی و نهفته ترین اسرار او آگاه است .

فإنّه یعلم . .. أخفی

۵ – خداوند ، دارای علم مطلق و آگاه از غیب و شهود

فإنّه یعلم السرّ و أخفی

۷ – آگاهی خداوند بر سر و آشکار آدمی ، جلوه ای از حاکمیت و مالکیت مطلقه او بر سرتاسر هستی و اجزای آن است .

علی العرش استوی . له ما فی السموت ... فإنّه یعلم السرّ و أخفی

ارتباط این آیه با آیات قبل، گویای این است که چون خداوند بر همه هستی فرمان روایی می کند و مالک حقیقی جهان است، پس بر همه چیز اطلاع و وقوف دارد، اگر چه سر و یا مخفی تر از آن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۸ – ۲

۲ – خداوند با آگاه ساختن موسی (ع) از موفقیت قطعی در میدان مبارزه با ساحران ، دل او را محکم کرده و به او اطمینان بخشید .

قلنا لاتخف إنّک أنت الاعلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۴ – ۱،۲

۱ – خداوند ، آگاه تر از هرکس به گفت وگو های مجرمان با یکدیگر در صحنه قیامت ، درباره مدت زمان درنگشان در برزخ

إن لبثتم إلّاعشرًا . نحن أعلم بما یقولون

<ما يقولون>; یعنی، آنچه می گوینـد و مراد از آن می توانـد جملات رد و بـدل شده بین مجرمان باشد و نیز می تواند مراد، موضوعی باشد که مجرمان

در باره آن نظر می دهند. در برداشت یاد شده، اولین احتمال مورد نظر بوده است.

۲ - هیچ چیز نزد خداوند مخفی و مستور نیست .

یتخفتون . .. نحن أعلم بما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۱،۲،۳

۱ - خداوند ، دارای آگاهی کامل و دقیق به آینده و گذشته تمامی انسان ها

یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

تعبیر <ما بین أیـدیهم> بر چیزی اطلاق می گردد که زمان چنـدانی از آن نگذشـته باشد و در مواردی (نظیر این آیه) مراد از <مـا بین أیـدیهم و ما خلفهم> تمامی حالات انسان در همه زمان ها است. گفتنی است که به آنچه رو به روی افراد باشـد نیز <ما بین أیدیهم> گفته می شود.

۲ - خداوند دانای مطلق به نهان و آشکار است .

یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

<روبه رو> و <پشت سر> ممکن است کنایه از آشکار و نهان باشد، زیرابه طور معمول آنچه در برابر دیدگان انسان نباشد، از او نهان است.

۳ - خداوند ، بر احوال شفیعان روز قیامت (گذشته ، آینده ، آشکار و نهان آنان) آگاهی کامل دارد .

لاتنفع الشفعه إلّامن أذن له . .. یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

ضمیر <هم> در <أیـدیهم> و <خلفهم> به <من> در آیه قبـل برمی گردد که در معنای جمع است و می توانـد به اعتبار لفظ، مرجع ضمیر مفرد و به اعتبار معنا، مرجع ضمیر جمع قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۱

۱- خداوند به تمامی

گفتار و کردار ملائکه و گذشته و حال آنان آگاه است .

یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۱،۳،۶

۱- خداوند ، به گفتار آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران حق ستیز آگاه است .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

۳- احاطه علمی به گفتار نهان و آشکار آدمیان ، در انحصار خداوند است .

إن أدری . .. إنّه یعلم الجهر من القول

جمله <إنّه. ..> تعلیل برای عدم آگاهی پیامبر(ص) از زمان وقوع عذاب است و این حکایت از انحصار علم برای خدا دارد.

۶ اسرار و توطئه های پنهانی انسان ها در قلمرو علم خداوند است .

یعلم ماتکتمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۶ - ۱

۱ - احاطه علمی خدا به گذشته و آینده انسان ها

یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

<بین أیدی> کنایه از گذشته و <خلف> کنایه از آینده است; یعنی، خدا گذشته و آینده مردم را می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۴

۱۴ - آگاهی کامل و همه جانبه خدا به عملکرد انسان ها

إنّی بما تعملون علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۱

۱ - غیب و شهود ، در قلمرو علم خداوند

علم الغیب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۷۸

۷ - حکم خداوند مبنی بر کیفر دنیوی و

اخروی اشاعه دهندگان فحشا و سخت گیری نسبت به آنان ، ناشی از علم و آگاهی او به حکمت و پیامد کار ها و رفتار ها است .

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه . .. لهم عذاب ألیم فی الدنیا و الأخره و اللّه ی

برداشت یاد شده بر اساس این نکته است که مفعول <یعلم> و <تعلمون> حکمت و پیامد همین حکم باشد; یعنی، شما نمی دانید که چرا خداوند تا این اندازه نسبت به اشاعه فحشا، واکنش سخت نشان می دهد و حکمت این سخت گیری چیست؟ تنها خداوند به آن آگاهی دارد.

۸ - علم و آگاهی خداوند به اسرار مردم و جهل آنان به اسرار یکدیگر

و اللّه یعلم و أنتم لاتعلمون

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که مفعول <یعلم> اسرار مردم و علایق آنان باشد; چنان که تعبیر <یحبّون> (دوست دارند)، تأیید کننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۲۰،۲۲

۲۰ - حضور خدا در زوایای زندگی انسان و آگاهی او بر آشکار و نهان آدمی

ما زکی منکم من أحد أبدًا و لکنّ اللّه یزکّی من یشاء و اللّه سمیع علیم

۲۲ - تهدید شدن شایعه سازان و افترا زنندگان ، به این که خداوند بر سخنان پنهانی و راز های درونی آنان آگاه است .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. و لولا إذ سمعتموه قلتم ما یکون لنا أن نتکلّم بهذا ..

برداشت یاد شده از ارتباط این آیه با آیات قبل که درباره شایعه و ماجرای <افک> بود به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۹ – ۴

۴ – خداوند به رفتار ، کردار ، نیات و اسرار آدمیان آگاه است .

و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۰ – ۱۴

۱۴ – خداوند ، از تمامی حرکات و رفتار انسان ها ، آگاه و باخبر است .

إنّ اللّه خبیر بما یصنعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۳ – ۱۳

۱۳ – بی گمان خداوند ، به همه رفتار نهان و آشکار آدمیان با خبر و آگاه است .

إنّ اللّه خبیر بما تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۳ – ۸

۸ – خداوند ، به نهان و اسرار درونی انسان آگاه است .

قد یعلم اللّه الذین یتسلّلون منکم لواذًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۸ – ۱۰

۱۰ خداوند ، بر احوال بندگان و به گناهان آنان ، آگاهی کامل دارد .

و کفی به بذنوب عباده خبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - حضور خدا در همه جا و همراه همه کس و نیز آگاهی او نسبت به اعمال و گفته های مردمان

إنّا معکم مستمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۲

۲ - خداوند ، دارای احاطه علمی بر تمامی اعمال و رفتار بندگان

قال ربّی أعلم بما تعملون

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۵ – ۶،۷

۶ – خداوند ، آگاه بر اعمال نهان و آشکار آدمیان

و یعلم ما تخفون و ما تعلنون

۷ – تنها خدای آگاه به هر آشکار و نهان سزاوار پرستش است ، نه مظاهر طبیعت (چون خورشید ، ماه و . . .) .

یسجدون للشمس . .. ألّایسجدوا للّه ... و یعلم ما تخفون و ما تعلنون

عبارت <و یعلم ما تخفون. ..> عطف بر <یخرج> و استدلال دیگری است بر این که تنها خدای یگانه سزاوار پرستش است، نه پدیده هایی چون خورشید، ماه و... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۵ – ۱،۵

۱ – تنها خداوند یکتا ، آگاه به غیب آسمان ها و زمین

قل لایعلم من فی السموت و الأرض الغیب إلاّ اللّه

۵ – زمان برپایی قیامت ، از امور غیبی و علم آن تنها در اختیار خداوند

قل لایعلم . .. الغیب إلاّاللّه و ما یشعرون أیّان یبعثون

از ارتباط <أیّان یبعثون> با <الغیب> استفاده می شود که رستاخیز، خود مصداق و نمونه ای از امور غیبی است که دانش آن تنها در اختیار خدا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۴ – ۱،۳،۷

۱ – خداوند ، آگاه به نیات و اندیشه های پنهان در سینه های مردمان و دانا به گفتار ها و کردار های آشکار آنان

و إنّ ربّک لیعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

۳ – ربوبیت خدا ، مستلزم آگاهی کامل او از نهان و آشکار خلق

و إنّ ربّک

لیعلم

۷ - علم خداوند ، به آشکار و نهان آدمیان ، هشداری است به حق ستیزان .

و إنّ ربّک لیعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

با توجه به بُعد هشداری و تهدیدی آیات پیشین، تذکر دادن به علم خداوند می تواند هشدار دیگری به مجرمان و حق ستیزان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۵ - ۱

۱ - آسمان و زمین (جهان آفرینش) ، دارای اسراری بس مخفی که تنها برای خداوند آشکار است .

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلاّ فی کتب مبین

<غائبه> به هر امر بسیار مخفی گفته می شود; زیرا <تاء> در آن برای مبالغه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ - انسان ، موجودی سطحی نگر است ; ولی خداوند آگاه به حقایق نهان کردار او است آن گونه که به اسرار نهفته هستی آگاهی دارد .

و تری الجبال تحسبها جامده . .. إنّه خبیر بما تفعلون

در صورتی که <تری الجبال. ..> بیانگر اسرار نهفته جهان و سطحی نگری انسان نسبت به هستی باشد، آیه بالا نشان دهنده علم برتر خدا در قبال سطحی نگری انسان است و تعبیر <إنّه خبیر بما تفعلون> می رساند که خداوند آگاه به اسرار هستی، از پنهانی ترین کردار آدمیان آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۶ - ۸

۸ - علم و آگاهی خدا به انسان های قابل هدایت و انسان های غیرقابل هدایت

و هو أعلم بالمهتدين

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۲،۴

۲ - احاطه علمی خداوند ، به اسرار درون و اعمال و گفته های آشکار انسان ها

و ربّک یعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

<إکنان <(مصدر <تکنّ>) به معنای پنهان کردن و <إعلان> (مصدر <یعلنون>) به معنای آشکار کردن است. بنابراین <ما تکنّ صدورهم>; یعنی، آنچه که سینه های آنان در خود پنهان می کند و <ما یعلنون>; یعنی، آنچه که آشکار می کنند. گفتنی است که <ما> در <یعلنون> شامل هم گفتار می شود و هم کردار.

۴ - آگاهی همه جانبه به نهان و آشکار مردم ، از شؤون ربوبیت خداوند

و ربّک یعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

تکیه بر وصف ربوبیت به جای هر اسم یا وصف دیگر، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - علم و آگاهی خداوند به اسرار نهفته در سینه های انسان ها ، برتر از آگاهی خود آنان است .

أَوَ لیس اللّه بأعلم بما فی صدور العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ - خداوند ، بر اَعمال و زوایای قلب و اندیشه آدمیان آگاهی دارد .

إنّ اللّه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۶ - ۱،۲،۳،۹

۱ - خداوند ، به همه حقایق پنهان و آشکار جهان ، آگاه است .

ذلك علم الغيب و الشهده

مشاراليه <ذلك> خداوندی است که از او در آیات پیش با چندین صفت

یاد شده است.

۲ – خداوندِ خالق عالم و مدبر امور آن ، آگاه به غیب و شهود است .

اللّه الذی خلق السموت و الأرض . .. یدبّر الأمر ... ذلک علم الغیب و الشهده

۳ – غیب و شهود و نهان و آشکار ، در پیشگاه خداوند مساوی است .

علم الغیب و الشهده

۹ – < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < عالم الغیب و الشهاده > . فقال : الغیب ، ما لم یکن و الشهاده ، ما قد کان ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند عزّوجلّ: <عالم الغیب و الشهاده> روایت شده که گفت: غیب چیزی است که هنوز واقع نشده و شهادت، چیزی است که محقق گشته است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۴ – ۱،۴

۱ – خداوند ، بر هر چه که انسان ها آن را آشکار کنند و یا پنهان کنند ، آگاه است .

إن تبدوا شیًا أو تخفوه فإنّ اللّه کان بکلّ شیء علیمًا

۴ – آگاهی خداوند به آنچه انسان ها آن را آشکار می کنند و یا پوشیده می دارند ، برخاسته از علم وسیع و گسترده الهی به کائنات است .

إن تبدوا شیًا أو تخفوه فإنّ اللّه کان بکلّ شیء علیمًا

تکرار <شیء> در کلام که، اوّلی مربوط به احوال انسان و دومی دال بر همه چیز است، این نکته را می رساند که علم به آن اوّلی، جزیی از علم به همه کائنات است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲ – ۶

۶ – آگاهی

خداوند از مردگان و اجزای آنان که در دل زمین قرار می گیرند .

یعلم ما یلج فی الأرض

احتمال دارد به قرینه این که در آیه بعد سخن از انکار و وقوع قیامت است، مراد از <ما یلج> مردگان و یا اجزای متلاشی شده آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۱۲،۱۴

۱۲ - خبر وقوع قطعی قیامت ، خبری غیبی و در اختیار خدا است .

قل بلی . .. لتأتینّکم علم الغیب

۱۴ - ربوبیت خداوند ، مقتضی داشتن علم غیب و احاطه علمی بر همه موجودات

و ربّی . .. علم الغیب لایعزب عنه مثقال ذرّه ... و لا أصغر من ذلک و لا أکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۸

۸ - علم و آگاهی خداوند ، از تمامی کارهایی که انسان ها انجام می دهند .

إنّی بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۳

۳ - ربوبیت خداوند ، مقتضی آگاهی همه جانبه او از غیب و نهان ها است .

إنّ ربّی . .. علّم الغیوب

<علاّم الغیوب>، خبر مبتدای محذوفی مثل <هو> است که مرجع آن <ربّی> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۸ – ۱،۵

۱ – خداوند ، به حقایق پنهانی آسمان ها و زمین آگاه است .

إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض

۵ – خداوند ، به نیت ها و راز های دل آدمیان آگاه است .

إنّه علیم بذات الصدور

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۶ – ۵

۵ – همه حرکت ها و رفتار های انسان در نهان و آشکار در قلمرو علم خداوند است .

نعلم ما یسرّون و ما یعلنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷ – ۱۸

۱۸ – خداوند ، از نیات و باطن انسان ها آگاه است .

إنّه علیم بذات الصدور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۶ – ۷،۱۰

۷ – خداوند ، آگاه به امور < نهان و آشکار > و < غیب و شهود >

علم الغیب و الشهده

۱۰ – مقتضای الوهیت حق (اللّه) ، توانایی او بر خلق و آگاهی کامل او از غیب و شهود است .

قل اللّهمّ فاطر السموت و الأرض علم الغیب و الشهده

یادآوری وصف توانایی و آگاهی خداوند، پس از آمدن نام مقدس او (اللّه)، بیانگر مطلب بالا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۶ – ۲

۲ – همه چیز انسان (گفتار ، رفتار و انگیزه های او) در قیامت ، در قلمرو علم و آگاهی خداوند قرار دارد .

لایخفی علی اللّه منهم شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۳

۳ - آگاهی خداوند به اسرار پنهان شده در سینه ها

یعلم . .. ما تخفی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، به

تمامی امور بندگانش بصیرت و آگاهی کامل دارد .

إنّ اللّه بصیر بالعباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۲

۲ - هیچ چیز از دید خدا پنهان نمی ماند ، حتی انگیزه ها و اندیشه های درونی انسان

إنّ الذین یلحدون . .. لا یخفون علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۷

۱۷ - اطلاع دقیق خداوند ، از هر گونه عملکرد آدمی

فلننبّئنّ الذین کفروا بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۹

۹ - خداوند ، آگاه به همه امور حتی به گرایش های قلبی و درونی انسان ها

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم ألا إنّه بکلّ شیء محیط

ذکر احاطه علمی بر تمامی پدیده های هستی، در پی بیان تردید درونی مشرکان در حقانیت معاد، می تواند بیانگر برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، دارای آگاهی کامل نسبت به اسرار نهفته سینه ها

إنّه علیم بذات الصدور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۵ – ۸

۸ – خداوند ، آگاه و دانا به تمامی افعال بندگان خویش

و هوالذی . .. و یعلم ما تفعلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸۰ – ۴

۴ – خداوند ، آگاه به هر سرّ و شنونده هر نجوا

أم یحسبون أنّا لانسمع سرّهم و نجویهم

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۶

۱۶- آگاهی کامل خداوند از عکس العمل درونی انسان ها ، در برابر فرمان جهاد و تکالیف دین *

و اللّه یعلم متقلّبکم و مثویکم . و یقول الذین ءامنوا لولا نزّلت ... رأیت الذین

از ارتباط این آیه با جمله پایانی آیه قبل (و اللّه یعلم متقلّبکم و مثواکم)، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۱۲

۱۲- آگاهی خداوند ، از توطئه ها و کار های پنهانی عناصر سست ایمان و منافق

و اللّه یعلم إسرارهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۳

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهان کاری های خائنانه آنان

و اللّه یعلم إسرارهم . فکیف إذا توفّتهم الملئکه

از ارتباط عبارت <فکیف إذا. ..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (واللّه یعلم إسرارهم) استفاده می شود که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۴

۴ - اخبار خداوند از تصورات درونی اعراب متخلّف ، نشانه ای از علم عمیق او به کردار بندگان

بل کان اللّه بماتعملون خبیرًا . بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل، مطلب بالا برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۷

- ۷

خداوند ، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه . .. فعلم ما فی قلوبهم

مراد از <ما> در <ما فی قلوبهم> به قرینه <رضی اللّه. ..> می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد; زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۳

۱۳- خداوند ، آگاه بر حقایق مخفی و پنهان از خلق

فعلم ما لم تعلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۶ - ۳

۳ - خداوند ، آگاه به ضمیر آدمیان و بی نیاز از اظهار و اعلام آنان

قل أتعلّمون اللّه بدینکم و اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۸ - ۱

۱ خداوند ، آگاه به اسرار نهفته (غیب) آسمان ها و زمین

إنّ اللّه یعلم غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۱

۱ خداوند ، خالق انسان و آگاه به وسوسه های نفسانی وی

و لقد خلقنا الإنسن و نعلم ما توسوس به نفسه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۲ – ۱۶

۱۶ – مخفی ترین دوره رشد و پیدایش انسان (دوره جنین) ، آشکار و نمایان در پیشگاه خداوند

هو أعلم بکم . .. و إذ أنتم أجنّه فی بطون أُمّهتکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۵۸ – ۵

۵ – تحقق قیامت و علم به لحظه وقوع آن ، تنها در حیطه قدرت و علم الهی است .

لیس لها من دون اللّه کاشفه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <کاشفه>، پرده برداشتن از لحظه وقوع قیامت و تحقق ساختن و آشکار نمودن صحنه های آن است. برداشت بالا بر پایه این احتمال می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۷ – ۸

۸ – اخبار الهی از برخورد های توطئه آمیز و مخفیانه قوم ثمود ، در برابر معجزه الهی *

فارتقبهم

با توجه به این که در واژه <فارتقب> ریزنگری و نظارت دقیق نهفته است، احتمال می رود این فرمان، در مقام بیان حرکت های مرموز قوم ثمود در برابر معجزه ای باشد که برای آنان عطا خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۶ – ۳

۳ – خداوند ، به اسرار نهان در درون سینه ها آگاهی کامل دارد .

و هو علیم بذات الصدور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲۴

۲۴ – خداوند ، به تمامی اعمال مؤمنان آگاه است .

و اللّه بما تعملون خبیر

خطاب در آیه شریفه، متوجه مؤمنان است و مفهوم <ما> در <بما تعملون> عام و دربرگیرنده همه اعمال می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱ – ۸

۸ – خداوند ، همه گفتو گو ها و سخنان محرمانه انسان ها را می شنود و بر

آنها آگاهی دارد .

قد سمع اللّه . .. إنّ اللّه سمیع بصیر

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که جمله <إنّ اللّه. ..> در مقام تعلیل می باشد و این تعلیل، تعمیم دهنده حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۳ - ۸

۸ - خداوند ، به تمامی آنچه مردم انجام می دهند ، آگاهی کامل دارد .

و اللّه بما تعملون خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۴،۱۰

۴ - گفتو گو های محرمانه هیچ جمع نجواکننده ای ، بر خداوند پوشیده نیست .

ما یکون من نجوی . .. إلاّ هو معهم أین ما کانوا

۱۰ - خداوند ، گفتو گو های محرمانه نجواکنندگان را ، در قیامت به آنان خبر خواهد داد .

ثمّ ینبّئهم بما عملوا یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، به تمامی اعمال بندگانش آگاهی کامل دارد .

و اللّه بما تعملون خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ – خداوند ، به تمامی اعمال مردمان آگاهی کامل دارد .

و اللّه خبیر بما تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۸ – ۱۴

۱۴ – خداوند ، دارای آگاهی ژرف و همه جانبه نسبت به اعمال آدمیان

إنّ اللّه خبیر بما تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۲ – ۳،۸

۳ – خدای یگانه ،

آگاه به تمامی غیب و شهود (پنهان و آشکار)

علم الغیب و الشهده

۸ - پرتوافکنی رحمت الهی بر خلق ، متکی به آگاهی او از غیب و شهود *

علم الغیب و الشهده هو الرحمن الرحیم

وصف <عـالم الغیب . ..> قبـل از <الرحمان الرحیم>، می توانـد نظر به پشـتوانه رحمت الهی داشـته باشـد; زیرا در صورت جهل، چه بسا به جای رحمت، نقمت صورت گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۸

۱۸ - خداوند ، آگاه به اعمال پنهانی و آشکار آدمیان

و أنا أعلم بما أخفیتم و ما أعلنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۴

۴ - خداوند ، عالم به غیب و شهود هستی است .

إلی علم الغیب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۴ - ۳،۴،۵،۶

۳ - خداوند ، به تمامی حرکت ها و رفتار های نهانی و آشکارای انسان ها آگاه است .

و یعلم ما تسرّون و ما تعلنون

۴ - خداوند ، به راز ها و اسرار نهفته در سینه ها آگاهی کامل دارد .

و اللّه علیم بذات الصدور

۵ – علم خداوند ، مطلق و فراگیر همه ذرّات نهان و آشکار جهانِ هستی است .

یعلم ما فی السموت . .. و ما تعلنون و اللّه علیم بذات الصدور

یـادآوری آگـاهی خداونـد از موجودات آسـمان هـا و زمین و نیز رفتارهـای نهانی و آشـکارا و رازهای دل بشـر، اشاره به علم مطلق و فراگیر خداوند است.

۶ – آگاهی و عقیده به علم همه جانبه

خداوند به جهان و انسان ، بازدارنده انسان ها از نافرمانی و گناه

یعلم ما فی السموت . .. و ما تعلنون واللّه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۸

۸ - آفریدن جهان و آگاهی از پدیده های آن و اسرار نهفته در دل آدمیان ، نشانه آسان بودن آفرینش مجدد انسان ها از جانب خداوند

خلق السموت . .. و اللّه علیم بذات الصدور ... و ربّی لتبعثنّ ... و ذلک علی اللّه

مطلب یاد شده، از ذکر آفرینش جهان به قدرت خداوند و آگاهی همه جانبه او در آغاز و سپس یاد کردن آسانی برپایی قیامت برای او، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۶

۶ - خداوند ، از تمامی رفتار ها و کردار های آدمیان با خبر است .

و اللّه بما تعملون خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۱ - ۷،۸

۷ - علم خداوند ، مطلق و همه جانبه است .

و اللّه بکلّ شیء علیم

۸ - آگاهی و ایمان مؤمنان به علم همه جانبه خداوند ، مایه تحمل مصیبت ها و پایداری در برابر مشکلات است .

ما أصاب من مصیبه إلاّ بإذن اللّه . .. و اللّه بکلّ شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۸ - ۲

۲ – خداوند ، آگاه از غیب و شهود و دانا به تمامی امور نهان و آشکار جهان است .

علم الغیب و الشهده

جلد

- نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۹،۱۱

۹ - هيچ كس ، جز خداوند ، از افشا شدن راز پيامبر (ص) از سوى همسرش (حفصه) آگاه نبود .

قالت من أنباك هذا قال نبّأني العليم الخبير

از اين كه پيامبر(ص) آگاهى خود را از ناحيه خداوند دانسته است، مى توان به مطلب ياد شده پى برد.

۱۱ - خداوند ، به راز دل آدميان و سخنان درگوشى و پنهانى آنان آگاه و باخبر است .

و إذ أسرّ النبيّ إلى بعض أزوجه . .. و أظهره اللّه عليه ... قال نبّأني العليم الخ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - خداوند ، به تمامى گفته هاى پنهانى و آشكار آدميان آگاهى كامل دارد .

و أسرّوا قولكم أو اجهروا به إنّه عليم

توصيف خداوند با صيغه مبالغه <عليم>، مى تواند بيانگر كثرت و كمال علم او باشد.

۲ - هيچ چيز ، از نظر خداوند پنهان نبوده و علم او به همه پديده هاى نهان و آشكار جهان يكسان است .

و أسرّوا قولكم أو اجهروا به إنّه عليم

<أو> در اين آيه، براى تساوى است؛ يعنى، پديده هاى جهان چه در نهان باشند و چه آشكارا براى خداوند مساوى است و همه به طور يكسان در قلمرو علم او قرار دارند.

۳ - آگاهى خداوند از تمامى توطئه هاى نهان و آشكار كافران

و أسرّوا قولكم أو اجهروا به إنّه عليم

۴ - خداوند ، به نيت ها ، راز دل ها و ضمير آدميان ، آگاهى كامل دارد .

إنّه

علیم بذات الصدور

۵ - آگاهی کامل خداوند به راز دل ها و ضمیر آدمیان ، دلیل احاطه کامل او بر تمامی گفته ها و توطئه های نهان و آشکار کافران است .

و أسرّوا قولکم أو اجهروا به إنّه علیم بذات الصدور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنّه علیم. ..>، در مقام تعلیل برای عبارت <و أسرّوا قولکم أو اجهروا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند ، آگاه به تمامی آفریده های خویش است .

ألا یعلم من خلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۶

۶ - آفرینش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها ، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إنّه علیم بذات الصدور . .. هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً ... و کلوا من رزقه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۹ - ۱،۲

۱ - آگاهی کامل خداوند ، از ایمان یا کفر انسان ها

و إنّا لنعلم أنّ منکم مکذّبین

۲ – خداوند ، آگاه به نهان انسان ها و اسرار درونی آنان

و إنّا لنعلم أنّ منکم مکذّبین

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که ایمان و کفر، از امور نهانی

و از اسرار درونی انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۱،۴

۱ - خداوند ، آگاه به تمام حقایق غیبی و امور پنهانی

علم الغیب

۴ - < فقال أبوجعفر (ع) : . . .و أمّا قوله < عالم الغیب > فإنّ اللّه عزّوجلّ عالمٌ بما غاب عن خلقه فیما یقدّر من شیء و یَقضِیه فی علمه قبل أن یخلقَه و قبل أن یُفْضِیَه إلی الملائکه ;

امام باقر(ع) فرمود: اما [معنای] سخن خداوند: <عالم الغیب> [این است] خدای عزّوجلّ عالم است به آنچه از مخلوقاتش پنهان می باشد. چیزی را که مقدر فرموده و در علم خود گذرانده است; قبل از این که آن چیز را بیافریند و قبل از این که آن را به ملائکه برساند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۸ - ۶

۶ - خداوند ، به تعداد و آمار همه پدیده های هستی آگاه است .

و أحصی کلّ شیء عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲

۲ - آگاهی کامل خداوند ، از تمامی حرکات و رفتار های انسان ها

یعلم أنّک تقوم أدنی من ثلثی الّیل . .. علم أن سیکون منکم مرضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۳

۳ - آگاهی خداوند ، به اسرار درونی و نیت های انسان

و اللّه أعلم بما يوعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اعلى - ۸۷ - ۷ -

۷،۹،۱۱

۷ – خداوند ، به تمام آنچه آشکار است و یا همواره مستور می ماند ، آگاه است .

إنّه يعلم الجهر و ما يخفى

فعل مضارع در <مايخفى> به قرينه آن با كلمه <الجهر> دلالت بر تجدد و استمرار خفا دارد و می رساند كه مراد از <مايخفى>، چيزهايى است كه مخفى شدن اقتضاى طبيعت آن باشد.

۹ – آگاهى خداوند از آشكار و نهان ، پشتوانه نفوذ مشيت خداوند در پيدايش و زوال آموخته هاى انسان

سنقرئك فلاتنسى . إلاّ ما شاء اللّه إنّه يعلم الجهر و ما يخفى

۱۱ – علم خداوند به آشكار و نهان ، توجيه كننده مشيت او درباره محو يا ابقاى معارف در ذهن پيامبر (ص)

فلاتنسى . إلاّ ما شاء اللّه إنّه يعلم الجهر و ما يخفى

جمله <إنّه يعلم. ..>، تعليل براى <شاء اللّه> و بيانگر اين است كه اگر خداوند براى پيامبر(ص)، نسيان آيه اى را بخواهد و آن را از صفحه خاطر آن حضرت محو سازد؛ دليلى عالمانه داشته و بر پايه علم مطلق خود به هر نهان و آشكار، چنين اراده اى كرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۷ – ۷

۷ – كمك هاى مالى به مردم هر چه باشد از ديد خداوند مخفى نمانده و محاسبه خواهد شد .

يقول أهلكت مالاً لبداً . أيحسب أن لم يره أحد

در برداشت ياد شده، مفروض اين است كه گوينده <أهلكت . ..> اهل انفاق بوده؛ ولى بر تعبير <أهلكت> توبيخ شده است. به اين بيان كه انفاق گران، نبايد مال خود را تلف شده بدانند؛ زيرا

انفاق ها از نظر خداوند مخفی نمی ماند. البته این افراد نباید به همین مقدار اکتفا کنند; بلکه برای قرار گرفتن در زمره <أصحاب المیمنه> باید به عقبه هایی گام نهند که آیات بعد گویای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۵

۵ - خداوند ، بر تمام دیدنی ها آگاه است .

ألم نجعل له عینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۳

۳ - خداوند به تمامی دانسته ها ، نیت ها و افکار انسان ، دانا است .

أیحسب أن لم یره أحد . ألم نجعل له ... و لسانًا و شفتین

تکیه بر ابزار سخن گفتن، در پاسخ کسی که از آگاهی خداوند غافل است، بیانگر این نکته است که چون زبان و لب ها که انسان با آن معلومات و منویات خود را به دیگران انتقال می دهد آفریده خداوند است. پس نمی توان او را از ضمیر انسان ناآگاه دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - خداوند ، دارای آگاهی دقیق به انسان ها و افکار و کردار آنان است .

إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

<خبیر>، از ریشه <خُبْر> (دانستن درون و پنهان) یا <خِبْره> (دانستن ظاهر و باطن) است. (تاج العروس)

۲ - قیامت ، روز پی بردن همگان به آگاهی دقیق خداوند از اسرار درونی ایشان

یومئذ

تعبیر <یومئذ> قیامت را زمان علم خداوند، قرار داده و درباره علم او در دنیا، بیانی ندارد و از آن جا که علم

الهی ازلی و ابدی است، اختصاص یافتن آن به قیامت، ناظر به قابل انکار نبودن آن است; یعنی، گرچه در دنیا برخی به علم او معترف نیستند; ولی در قیامت، آنان نیز به این حقیقت پی خواهند برد.

علم غیب خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۴

۱۴- خضر (ع) از برخی حوادث آینده ، آگاه بود و در برابر آن احساس مسؤولیت می کرد .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۰

۲۰- آگاهی خضر (ع) بر اسرار و حقایق امور عالم و نیز اطلاع او بر اراده خداوند در باره آنها ، نمودی از علم لدنی وی بود .

و علّمنه من لدنّا علمًا . رحمه من ربّک و ما فعلته عن أمری

علم غیب رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ - خداوند هیچ کس را جز کسانی که از آنان راضی و خشنود باشد (رسولان) از علم غیب خود آگاه نمی سازد .

إلاّ من ارتضی من رسول

<من> در <من رسول> برای تبیین <من ارتضی> است.

۲ - امکان آگاه شدن رسولان الهی ، از علم غیب و امور پنهانی به وسیله وحی و الهام خداوند

فلایظهر علی غیبه أحدًا . إلاّ من ارتضی من رسول

۳ - امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران ، به وسیله وحی و الهام خداوند

قل

إن أدری أقریب ما توعدون . .. إلاّ من ارتضی من رسول

علم غیب عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۳ – ۹

۹– عیسی (ع) به برخی از حوادث آینده خویش آگاه بود .

والسلم علیّ . .. یوم أموت

علم غیب محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۹ – ۱۹

۱۹ پیامبر (ص) ، آگاه به پاکان و ناپاکان (مؤمن و منافق) امّت خویش ، از طریق علم به غیب

و ما کان اللّه . .. و لکنّ اللّه یجتبی من رسله من یشاء

مراد از <من رسله> چه برخی از رسولان باشند و چه تمامی آنان قطعاً پیامبر اسلام (ص) از جمله آنان خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۴ – ۷

۷ پیامبر اکرم(ص) هم اکنون شاهد سرنوشت ذلتبار مشرکان در قیامت*

انظر کیف کذبوا علی أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

فعل <انظر> خطاب به پیامبر(ص) است. توجه به گزینش این مخاطب ویژه، این احتمال را که پیامبر(ص) در دنیا نیز با چشم ملکوتی خود شاهد صحنه های قیامت هستند، تقویت می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۸ – ۱۰،۹،۷

۷ برخی از مردم عصر بعثت ، پیامبر (ص) را به امور غیبی آگاه می پنداشتند .

لو کنت أعلم الغیب لاستکثرت من الخیر

۹ عدم دستیابی پیامبر (ص) به منافع بسیار و بروز مشکلات

و سختی ها در زندگانی وی ، نشانه آگاه نبودنش به غیب ها و امور نهانی است .

و لو کنت أعلم الغیب لاستکثرت من الخیر

<استکثار> (مصدر استکثرت) هنگامی که پس از آن <من> آورده شود، به معنای زیاد برداشت کردن و فراوان به دست آوردن است. بنابراین <استکثرت من الخیر>، یعنی منافع بسیاری را برداشت می کردم و به دست می آوردم.

۱۰ پیامبر (ص) از جانب خدا مأمور بود تا وابسته بودن توانش را به مشیت خدا و آگاه نبودنش را به امور غیبی به مردم اعلام کند .

قل لاأملک . .. و لو کنت أعلم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۴،۱۲

۴ اطلاع یافتن پیامبر (ص) از آینده و امور غیبی ، توسط وحی

یعتذرون إلیکم إذا رجعتم

۱۲ آگاهی پیامبر (ص) به اعمال نهانی متخلفان ، در پرتو وحی و هدایت الهی

و سیری اللّه عملکم و رسوله

از اینکه رؤیت تنها به خدا و رسول نسبت داده شده، استفاده می شود که ممکن است اعمال متخلفان بر دیگران مخفی باشد. گفتنی است که فاصله شدن <عملکم> میان <اللّه> و <رسوله> ممکن است اشاره به این باشد که علم پیامبر(ص) در طول علم خدا و در پرتو آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۲

۲ - پیامبران الهی ، بی خبر از نبوت خویش پیش از مبعوث شدن .

و ما کنت ترجوا أن یلقی إلیک الکتب

جایی که پیامبراسلام(ص) پیش از بعثت خویش، از آن هیچ گونه

اطلاعی نداشته باشد و حتی گمان آن نیز در ذهنش جوانه نزند; به طریق اولی پیامبران دیگر نیز چنین خواهند بود. بنابراین با القای خصوصیت از پیامبر(ص)، مطلب یاد شده را می توان درباره همه پیامبران تعمیم داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۵

۵- اطلاع از آینده و سرنوشت فرد فرد بشر ، خارج از قلمرو رسالت و مسؤولیت پیامبر (ص)

قل . .. و ما أدری ما یفعل بی و لا بکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۶

۶ - آگاهی پیامبر (ص) به غیب

و ما هو علی الغیب بضنین

علم غیب معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۲

۲ - لزوم برخورداری معبود ، از علم مطلق و آگاهی به نهانی ترین امور هستی

قل لایعلم من فی السموت و الأرض الغیب إلّاالله

این بخش از آیات، در مقام اثبات توحید و رد شرک است و در این راستا است که علم مطلق الهی مطرح و به انسان یادآوری شده است که این علم فقط در اختیار خداوند می باشد و نه غیر او; پس غیر او شایسته برای پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۲ - ۴

۴ - آگاهی مطلق به غیب و شهود ، لازمه مقام الوهیت و خداوندگاری است .

هو الله الذی لا إله إلّا هو علم الغیب و الشهده

توصیف <اللّه> به <عالم الغیب و الشهاده>، بیان

بالا را افاده می کند.

علم غیب ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۷

۷ فرشتگان مطمئن به فسادگری و خونریزی انسان ، پیش از آفرینش وی

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء

<سفک> (مصدر یسفک) به معنای ریختن است و <من . .. یسفک الدماء> (کسی که ... خونها خواهد ریخت) کنایه از کشتارهای فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸ - ۶

۶ - اطلاعات و اخبار غیبی مربوط به اهل زمین ، در اختیار فرشتگان آسمان قرار دارد .

لایسّمعون إلی الملإالأعلی

علم غیب موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۵

۵ موسی (ع) ، از پیش بر پیروزی خود و شکست ساحران و ابطال سحرشان ، اطمینان داشت .

قال موسی ما جئتم به السحر إن اللّه سیبطله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱

۱- تذکر موسی (ع) به آگاهی و اعتقاد درونی فرعون به حقانیت معجزات او علی رغم سحر خواندن آنها

إنى لأظنّك يموسى مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلاّ ربّ السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۷۴ – ۷۸

۷ موسى (ع) ، از برخى امور غيبى ، آگاه بود .

أقتلت نفسًا زكيّه بغير نفس

آگاهى موسى(ع) از قاتل نبودن نوجوان مقتول، ممكن است از علوم غيبى آن حضرت باشد.

۸- موسى

(ع) نسبت به اَعمال ناروا و خلاف شرع حساسیت شدیدی داشت .

قال أقتلت نفسًا زكيّه بغير نفس

اعتراض موسی به خضر(ع) علی رغم قول و قرارهای قبلی، نشان از آن دارد که موسی(ع) به قدری در این مسائل حساسیّت داشت که تحت تأثیر آن، عهد و قرار خود را نیز فراموش کرده و یا آن را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۷

۷- علمی که موسی (ع) در پی آموختن آن از خضر (ع) بود ، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخداد ها بود .

هل أتّبعك على أن تعلّمن ممّا علّمت . .. سأنبّئک بتأويل ما لم تستطع عليه صبرًا

علم غیب نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۱،۱۲،۱۳

۱۱ خداوند نوح (ع) رابه حقایقی پوشیده بر مردم آگاه ساخت .

و أعلم من اللّه ما لاتعلمون

من در <من اللّه> می تواند برای ابتدای غایت باشد. در این صورت <أعلم من اللّه ... > یعنی علم من از جانب خداست و خدا مرا به حقایقی آشنا کرده است. و نیز می تواند <من اللّه> به معنای <درباره خدا> باشد. یعنی من حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانم که شما نمی دانید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۲ نوح (ع) ، آگاه به حقایقی پوشیده از مردم درباره خداوند

و أعلم من اللّه ما لاتعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من اللّه> به معنای <درباره

خدا> باشد.

۱۳ آگاهی نوح (ع) به حقایقی از جانب خدا ، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم و أعلم من اللّه ما لاتعلمون

به نظر می رسد جمله <أعلم من اللّه . .. > به منزله تعلیلی باشد برای <أبلغکم> و <أنصح لکم>. یعنی آگاه بودن من بر حقایقی پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالتهای الهی پایدار می سازد.

علم غیب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق ، بر این اساس است که <من الله> به معنای درباره خدا باشد. بر این اساس مراد از <ما لاتعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۹،۱۰،۱۲،۱۳

۹ یعقوب (ع) پیش از دریافت بشارت به حیات یوسف (ع) ، به زنده بودن او اطمینان داشت .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می تواند به

معنای <ازناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. براساس معنای اول، مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد زنده بودن یوسف(ع) ، دیدار او و ... می باشد.

۱۰ یعقوب (ع) برخلاف فرزندانش ، به سپری شدن دوران فراقش از یوسف (ع) اطمینان داشت .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۲ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افاضه شده بود .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۳ یعقوب (ع) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. بر این اساس مقصود از <ما لاـتعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

علم غیب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۴،۵،۷،۹،۱۰

۴ یوسف (ع) ، از علم غیب برخوردار بود .

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله

ضمیر در <بتأویله> محتمل است به <طعام> باز گردد ، و ممکن است مراد از آن رؤیای هر یک از هم بندان یوسف(ع) باشد. بر اساس احتمال نخست ، جمله <قال لایأتیکما ...> حاکی از این است که یوسف(ع) ، از غیب مطلع بوده است.

۵ یوسف (ع) ، بهره مندی خویش از علم غیب را برای هم بندان زندانیش فاش ساخت .

ذلکما مما علمنی

ربی

۷ یوسف (ع) ، پیش از آوردن غذا برای زندانیان ، نوع و خصوصیات آن را برای ایشان بیان کرد .

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله قبل أن یأتیکما

بر این اساس که ضمیر در <تأویله> به <طعام> باز گردد، جمله <قال لایأتیکما. ..> چنین معنا می شود: یوسف(ع) گفت: <پیش از آنکه غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر گردد، تأویل آن غذا را برای شما بیان کرده ام <مراد از تأویل طعام، ماهیت نوع خصوصیات و نتیجه آن می باشد.

۹ خداوند ، آموزنده علم غیب به یوسف (ع)

ذلکما مما علمنی ربی

۱۰ آگاهی یوسف (ع) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیاها ، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف (ع) بود .

ذلکما مما علمنی ربی

<من> در <مما> می تواند برای تبعیض باشد و محتمل است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۹

۹ اطلاع یوسف (ع) از آینده و آگاهی او به غیب

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

مفاد <قضی الأمر . ..> تأویل و تفسیر رؤیای هم بندان یوسف نیست ; بلکه بیان حقیقتی است که آن حضرت در حاشیه تأویل رؤیا بیان داشت و این نشان دهنده آن است که آن حضرت علاوه بر تعبیر رؤیا ، به اموری از آینده نیز آگاه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۶

۶ آگاهی یوسف (ع) از

غیب و اطلاع او بر حوادثی از آینده

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

تأثیر پیراهن یوسف(ع) بر چشمان یعقوب(ع) و بینا شدن آنها ، از امور غیبی است و یوسف(ع) از آن آگاه بود.

غفلت از علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۸ - ۳

۳ غفلت و بی توجّهی منافقان به علم غیب و آگاهی گسترده خدا نسبت به اسرار و سخنان پنهانی ، عامل گرایش آنان به تخلف از وظایف خود در برابر خدا

بما أخلفوا اللّه ما وعدوه . .. ألم یعلموا أن اللّه یعلم ... و أن اللّه علّم الغی

غیب آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۵ - ۱

۱ - آسمان و زمین (جهان آفرینش) ، دارای اسراری بس مخفی که تنها برای خداوند آشکار است .

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلاّ فی کتب مبین

<غائبه> به هر امر بسیار مخفی گفته می شود; زیرا <تاء> در آن برای مبالغه است.

غیب آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۳،۷،۸

۳ - فرشتگان در پی با خبر شدن از نام های حقایق هستی ، دانستند که آسمان ها و زمین دارای غیب و نهان است .

فلمّا أنبأهم . .. قال ألم أقل لکم إنی أعلم غیب السموت و الأرض

۷ – آسمان ها و زمین (هستی) ، دارای غیب و نهانی که حتی بر فرشتگان هم مخفی بود .

إنی أعلم ما لاتعلمون . .. ألم أقل لکم

إنی أعلم غیب السموت و الأرض

۸ – خداوند ، آگاه به غیب و نهان آسمان ها و زمین (هستی)

إنی أعلم غیب السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۳ – ۱

۱ آسمان ها و زمین ، دارای غیبی ورای آنچه احساس و مشاهده می شود .

و لله غیب السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۷ – ۱،۲،۶

۱– امور غیبی و پنهانی آسمان ها و زمین ، در انحصار خداست .

و لله غیب السموت و الأرض

۲– وجود رخدادهایی نهانی در آسمان ها و زمین ، غیر قابل کشف برای آدمیان

و لله غیب السموت و الأرض

غیب دانستن برخی از امور و رخدادهای موجود در آسمانها، دلیل آن است که آنها از قلمرو دانش بشر بیرون است.

۶– برپایی قیامت ، از جمله امور غیبی آسمان ها و زمین است$.

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۶ – ۴

۴– آسمان ها و زمین ، حاوی حقایقی نهفته و اسراری نهان از غیر خدا

له غیب السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۵ – ۱

۱ – تنها خداوند یکتا ، آگاه به غیب آسمان ها و زمین

قل لایعلم من فی السموت و الأرض الغیب إلاّ اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۸ – ۱،۲

۱ – خداوند ، به حقایق پنهانی

آسمان ها و زمین آگاه است .

إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض

۲ - وجود حقایقی پنهان از دید انسان ها در آسمان ها و زمین

إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۸ - ۱،۷

۱ خداوند ، آگاه به اسرار نهفته (غیب) آسمان ها و زمین

إنّ اللّه یعلم غیب السموت و الأرض

۷ آسمان ها و زمین ، علاوه بر ابعاد مادی و مشهود ، دارای زوایایی پنهان و اسراری نامکشوف بر آدمیان

یعلم ما فی السموت و ما فی الأرض . .. یعلم غیب السموت و الأرض

در آیات پیشین سخن از علم خدا به مطلق موجودات هستی بود; ولی در این آیه بر زوایای پنهان و نامکشوف آن تأکید شده است. جمع دو آیه، بیانگر معنای بالا است.

غیب آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۳

۳ - محدود ندانستن هستی به محسوسات ، اساسی ترین اصل در جهان بینی ادیان الهی

الذین یؤمنون بالغیب

از نکته هایی که می تواند به کارگیری <الغیب> را به جای <اللّه> توجیه کند، این است که در گام نخست به انسانها یادآوری شود که هستی منحصر به محسوسات نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۹

۹ – اسما و حقایقی که خداوند به آدم (ع) آموخت ، از غیب های هستی بود .

إنی أعلم ما لاتعلمون . .. ألم أقل لکم إنی أعلم غیب السموت و الأرض

بنابراین مراد از <ما لا

تعلمون> همان غیب آسمانها و زمین خواهد بود و آمدن <و علّم آدم . ..> پس از <إنی أعلم ما لاتعلمون> می رساند که اسامی تعلیم داده شده به آدم، مصداقی از <ما لاتعلمون> است. نتیجه این دو مقدمه این است که: مراد از <الأسماء> همان غیب آسمانها و زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۸

۸ انسان ها ، حتی پیامبران ، آگاه به امور غیبی جهان نیستند .

و لو کنت أعلم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۹ - ۳

۳ تقسیم پدیده های جهان به غیب و شهود از طبقه بندی های هستی در قرآن

الغیب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۷

۷ جهان آفرینش ، افزون بر موجودات آشکار و شهودی ، دارای حقایق نهان و غیبی

یعلم السرّ فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۹

۹ - جهان هستی ، متشکل از حقایق غیبی و ناشناخته و امور محسوس و شناختنی

علم الغیب و الشهده

غیب زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۳،۷،۸

۳ - فرشتگان در پی با خبر شدن از نام های حقایق هستی ، دانستند که آسمان ها و زمین دارای غیب و نهان است .

فلمّا أنبأهم . .. قال ألم أقل لکم إنی أعلم غیب السموت و الأرض

۷ - آسمان ها و زمین

(هستی) ، دارای غیب و نهانی که حتی بر فرشتگان هم مخفی بود .

إنی أعلم ما لاتعلمون . .. ألم أقل لکم إنی أعلم غیب السموت و الأرض

۸ - خداوند ، آگاه به غیب و نهان آسمان ها و زمین (هستی)

إنی أعلم غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱

۱ آسمان ها و زمین ، دارای غیبی ورای آنچه احساس و مشاهده می شود .

و لله غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۱،۲،۶

۱- امور غیبی و پنهانی آسمان ها و زمین ، در انحصار خداست .

و لله غیب السموت و الأرض

۲- وجود رخدادهایی نهانی در آسمان ها و زمین ، غیر قابل کشف برای آدمیان

و لله غیب السموت و الأرض

غیب دانستن برخی از امور و رخدادهای موجود در آسمانها، دلیل آن است که آنها از قلمرو دانش بشر بیرون است.

۶- برپایی قیامت ، از جمله امور غیبی آسمان ها و زمین است$.

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۴

۴- آسمان ها و زمین ، حاوی حقایقی نهفته و اسراری نهان از غیر خدا

له غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۱

۱ - تنها خداوند یکتا ، آگاه به غیب آسمان ها و زمین

قل لایعلم من فی السموت و الأرض الغیب إلّا

اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۵ - ۱

۱ - آسمان و زمین (جهان آفرینش) ، دارای اسراری بس مخفی که تنها برای خداوند آشکار است .

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلاّ فی کتب مبین

<غائبه> به هر امر بسیار مخفی گفته می شود؛ زیرا <تاء> در آن برای مبالغه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - خداوند ، به حقایق پنهانی آسمان ها و زمین آگاه است .

إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض

۲ - وجود حقایقی پنهان از دید انسان ها در آسمان ها و زمین

إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۸ - ۱،۷

۱ خداوند ، آگاه به اسرار نهفته (غیب) آسمان ها و زمین

إنّ اللّه یعلم غیب السموت و الأرض

۷ آسمان ها و زمین ، علاوه بر ابعاد مادی و مشهود ، دارای زوایایی پنهان و اسراری نامکشوف بر آدمیان

یعلم ما فی السموت و ما فی الأرض . .. یعلم غیب السموت و الأرض

در آیات پیشین سخن از علم خدا به مطلق موجودات هستی بود؛ ولی در این آیه بر زوایای پنهان و نامکشوف آن تأکید شده است. جمع دو آیه، بیانگر معنای بالا است.

کلید عالم غیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۹ – ۲

۲ کلیدها و رمز و راز آگاهی به غیب و نهان، تنها در

اختیار خداوند است و کسی را به آن راهی نیست.

و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها إلا هو

در این برداشت <مفاتح>، جمع <مِفتح>، به معنای <کلید>، گرفته شده است.

مالک غیب آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۲

۲ تنها خداوند مالک غیب آسمان ها و زمین است .

و لله غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۵

۵- حقایق نهانی آسمان ها و زمین ، در انحصار مالکیت خداوند است .

له غیب السموت و الأرض

تقدیم <له> دلالت بر حصر می کند و حرف <لام> در آن، برای تملیک است.

مالک غیب آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۷

۷ باور به انحصار مالکیت خداوند بر غیب هستی ، وادار کننده آدمی به پرستش خدا و توکل بر او

و لله غیب السموت و الأرض . .. فاعبده و توکل علیه

جمله <اعبده و توکل علیه> بر دو جمله <لله غیب السماوات و الأرض> و <إلیه یرجع الأمر کله> تفریع شده است. برداشت فوق ، ناظر به ارتباط آن با جمله نخست است.

مالک غیب زمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۳ – ۲

۲ تنها خداوند مالک غیب آسمان ها و زمین است .

و لله غیب السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۶ – ۵

۵- حقایق نهانی آسمان ها و زمین ، در انحصار مالکیت

خداوند است .

له غيب السموت و الأرض

تقديم <له> دلالت بر حصر مى كند و حرف <لام> در آن، براى تمليك است.

محدوده علم غيب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۹ - ۳

۳ پيامبر(ص) به همه اسرار و رمز و راز جهان آگاه نيست.

قل لو أن عندى . .. و عنده مفاتح الغيب لا يعلمها إلا هو

آيات گذشته بيانگر تصور نادرست مشركان از قدرت و اختيارات پيامبر(ص) است. زيرا آنان مى پنداشتند كه پيامبر(ص) بايد بتواند درخواستهاى آنان را در مورد نزول عذاب و يا معجزه عملى كند. اين آيه با بيان انحصار <علم غيب> به خداوند در صدد رد آن پندار و بيان محدوديت علم پيامبر(ص) و در نتيجه قدرت اوست.

محمد(ص) و علم غيب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۴

۴ پيامبر(ص) مدعى آگاهى خويش بر غيب نيست.

و لا أعلم الغيب

مراد از عالم غيب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۶

۶ - < عن أبى عبدالله (ع) فى قوله عزّوجلّ : < عالم الغيب والشهاده > فقال : الغيب ما لم يكن و الشهاده ما قد كان ;

از امام صادق(ع) روايت شده است كه درباره سخن خداوند عزّوجلّ <عالم الغيب و الشهاده> فرمود: <غيب> چيزى است

که واقع نشده و <شهادت> چیزی است که محقق گشته است>.

مراد از غیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۳ – ۱۸

۱۸

عن أبی عبدالله(ع) فی قوله عز و جل: <عالم الغیب و الشهاده> فقال: الغیب ما لم یکن و الشهاده ما قد کان.

از امام صادق(ع) درباره <عالم الغیب و الشهاده> روایت شده است: <غیب> آن است که به وجود نیامده و <شهاده> آن است که به هستی در آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۲۲

۲۲ < عن ابی عبداللّه (ع) فی قوله عزّ و جلّ : < عالم الغیب و الشّهاده > : الغیب ما لم یکن و الشّهاده ما قد کان ;

از امام صادق (ع) در معنای غیب و شهادت در آیه شریفه روایت شده: غیب آن است که به وجود نیامده و شهادت آن است که به وجود آمده باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۹ - ۵

۵ < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله عزوجل : < عالم الغیب و الشهاده > فقال : < الغیب ما لم یکن والشهاده ما قد کان ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خدای عزوجل: <عالم الغیب و الشهاده> فرمود: غیب چیزی است که به وجود نیامده و شهادت چیزی است که وجود پیدا کرده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۶ - ۹

۹ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < عالم الغیب و الشهاده > . فقال : الغیب ، ما لم یکن و الشهاده ، ما قد کان ;

از امام

صادق(ع) درباره این سخن خداوند عزّوجلّ: <عالم الغیب و الشهاده> روایت شده که گفت: غیب چیزی است که هنوز واقع نشده و شهادت، چیزی است که محقق گشته است>.

منافقان و علم غیب خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۴ – ۲

۲ آگاهی منافقان به اطلاع خداوند بر اسرار قلبشان

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره تنبئهم بما فی قلوبهم

شک نیست که ترس منافقان مبتنی بر مقدماتی است که از جمله آن مقدمات، آگاهی آنان است به اینکه خداوند بر اسرار آدمی آگاه و عالم است.

منشأ علم غیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۷ – ۹

۹ خداوند ، آموزنده علم غیب به یوسف (ع)

ذلکما مما علمنی ربی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۶ – ۱۴

۱۴ آگاهی از غیب و بهره مند بودن از علوم خدادادی ، از ویژگی های پیامبران

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۹ – ۱۷

۱۷– مقام الوهیت ، مقتضی آگاهی بر تمامی احوال بندگان

لا إله إلّا اللّه . .. و اللّه يعلم متقلّبكم و مثويكم

محور اساسی سخن در آیه شریفه تأکید بر الوهیت یگانه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۳

۳ - هیچ کس به صورت مستقل و بدون عنایت الهی ، به حقایق پنهانی و امور غیبی آگاه نیست .

فلایظهر علی غیبه

أحدًا

منشأ علم غيب انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۴

۴ وحی و اِخبار خداوند ، طريق آگاهی پيامبران به امور غيبی و سرنوشت انسانها

أُوحی إلی نوح أنه لن يؤمن من قومك إلّا من قد ءامن

منشأ علم غيب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۳

۱۳ پيامبر (ص) از پيش خود و بدون تعليم الهی ، از امور غيبی اطلاعی نداشت .

و إن كنت من قبله لمن الغفلين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱۰

۱۰- آگاهی پيامبر (ص) به حقايق غيبی ، تنها برگرفته از منبع وحی

و ما أدری ما يفعل بی و لا بكم إن أتّبع إلّا ما يوحی إلیّ

از ارتباط جمله <و ما أدری> با <إن أتّبع>، مطلب ياد شده استفاده می شود.

موارد علم غيب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ علم به چگونگی برخورد واقعی امت ها با دعوت پيامبران از جمله علوم غيبی

فیقول ماذا اجبتم قالوا لاعلم لنا انک انت علّم الغیوب

موارد غیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۶ – ۲۳

۲۳ درون و ذات مردمان و اندیشه های ابراز نشده ایشان از جمله امور غیبی

تعلم ما فی نفسی . .. انک انت علّم الغیوب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۰ – ۵

۵

نزول معجزه و فلسفه عدم نزول آن ، از امور غیبی و در اختیار خداست .

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه فقل إنما الغیب للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۸ - ۴

۴- اسباب و علل اعطای مال و اولاد ، از امور غیبی بوده و از حیطه آگاهی انسان ها بیرون است .

أطّلع الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۶

۱۶ < عن ابی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عز و جل < الذین یؤمنون بالغیب > قال : من أقر بقیام القائم انه حق ;

از امام صادق (ع) درباره <الذین یؤمنون بالغیب> روایت شده که فرمود: آنان کسانی هستند که به حقانیت قیام قائم اقرار دارند>.

موجبات علم غیب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون

جمله <إنی ترکت . ..> تعلیل برای <علمنی ربی> می باشد ; یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

مؤمنان به عالم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵ - ۳

۳ - مؤمنان به غیب (خدا و . . .)

و معتقدان به رسالت و باورداران به آخرت ، هدایت یافتگانند .

الذین یؤمنون . ... أولئک علی هدًی من ربهم

مشارالیه <أولئک> (اهل تقوا) ممکن است به صورت اجمالی ملاحظه شود. در این صورت کلمه <المتقین> مشارالیه خواهد بود. و ممکن است جنبه تفصیلی آن در نظر گرفته شود; در این لحاظ، صفات بیان شده برای <متقین> مشارالیه <أولئک> می باشد.

مؤمنان به غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۰

۱۰- اشخاص مؤمن ، وعده الهی در مورد بهشت را علی رغم پنهان بودن آن از دیده ها در دنیا پذیرفته و باور دارند .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده بالغیب

در این برداشت یاد شده <بالغیب . ..>، حال برای ضمیر محذوف گرفته شده است که به <التی> برمی گردد. در این صورت حرف <با> به معنای ملابست است; یعنی، وعده خدا به بندگان، در مورد بهشت هایی است که از دیده ها پنهان است و آنان گرچه بهشت های عدن را ندیده اند; ولی به آن ایمان دارند. این نحوه بیان، حاوی نوعی تمجید از مؤمنان به وعده الهی می باشد. هم چنین اگر <بالغیب> حال برای <عباده> گرفته شود و مراد غایب بودن بندگان از بهشت های عدن باشد، همین معنا استفاده می شود.

نبوت و علم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۳

۳ در اختیار داشتن همه نعمت های الهی و توان دسترسی به گنجینه های هستی و دانستن غیب ، از لوازم و شرایط پیامبری نیست .

و لاأقول لکم

عندی خزائن الله و لاأعلم الغیب

نشانه های علم غیب خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۴ – ۹

۹ – رد ادعای ایمان اعراب از سوی خداوند ، نمودی از علم او به ژرفای قلب آدمیان

إنّ اللّه علیم خبیر . قالت الأعراب ءامنّا قل لم تؤمنوا و لکن قولوا أسلمنا

با توجه به ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل، برداشت بالا به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۲ – ۹

۹ – اخبار خداوند از سر و سِرّ منافقان با یهود بنی نضیر ، نمودی از علم وی به غیب و شهود

علم الغیب و الشهده

با توجه به این که بخش قابل توجهی از سوره درباره غزوه بنی نضیر می باشد، آیات پایانی می تواند نظر به مطالب یاد شده، از جمله رابطه منافقان و یهود داشته باشد.

نشئه غیب انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۲ – ۳

۳ هر یک از انسان ها پس از خلقتشان در حیات دنیا ، دارای دو نشئه وجودی هستند : نشئه شهود ارتباط خویش با خداوند و نشئه غیبت و محجوب بودن از خدا

و إذ أخذ ربک . .. و أشهدهم علی أنفسهم

عطف <أشهدهم> بر <أخذ ربک> دلالت می کند که مسأله اشهاد و اقرار در همین حیات دنیوی انسان انجام گرفته است. یعنی هر یک از انسانهای موجود بالعیان ربوبیت خداوند را مشاهده کرده اند. و این در حالی است که عموم انسانها چنین

را نسبت به پروردگار خویش ندارند. لذا می توان گفت انسان دارای دو جنبه است: جنبه ای که شاهد ربوبیت خدا بوده و جنبه ای که چنین شهودی برای او نیست.

نقش ارتباط با عالم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۱ - ۳

۳ - هر برنامه و عقیده ای ، بدون اتکا به برهانی عقلی یا منبعی غیبی ، فاقد اعتبار است .

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

در آیات پیشین، اثبات شد که کافران در انکار رسالت پیامبر(ص)، هیچ برهان عقلی و علمی ندارند. در این آیه مطرح شده است که آنان در گفتار خود، به منبع غیبی هم متکی نیستند; پس چنین اندیشه ای قابل پذیرش نیست.

نوح(ع) و علم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۲ - ۳

۳ - نوح (ع) ، نفی کننده علم غیب از خویش *

ما علمی بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <ما> در <ما علمی> نافیه و <علمی> مبتدا و خبر آن محذوف باشد; یعنی، <ما علمی ثبت أو حصل بما کانوا یعملون>.

وسعت علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۸ - ۲

۲- نیت ها ، انگیزه ها ، افکار و رفتار آشکار و پنهانی انسان در قلمرو علم خداوند

ربّنا إنک تعلم ما نخفی و ما نعلن

ویژگیهای علم غیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۵ – ۵

۵ – شهودی بودن علم غیب

أعنده علم

الغيب فهو يرى

تفریع <فهو یری> بر <أعنده علم الغیب>، نشانگر آن است که هر وقت علم به غیبی برای انسان حاصل شود، معلوم غیبی برای وی، شکل مشهود را پیدا می کند.

ویژگیهای علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۰ - ۳،۵

۳ علم خداوند به راز دلها ، سخنان پنهانی و گفته های آشکار ، یکسان است .

سواء منکم من أسرّ القول و من جهر به

<سواء> مصدر و به معنای اسم فاعل (متساوی) است. این کلمه خبر مقدم و <من أسرّ ...> مبتدای آن است ; یعنی: <من أسرّ منکم القول و من جهر به متساویان فی علمه>.

۵ علم خداوند به نهان شدگان در تاریکی های شب و آشکار شدگان در روشنایی روز یکسان است .

و من هو مستخف باللّیل و سارب بالنهار

<من هو> عطف بر <من أسرّ> است. از این رو <سواء> خبر برای <من هو ...> نیز می باشد ; یعنی: <من هو مستخف و من هو سارب سواء فی علمه>.

یقین به علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۴

۴ - توجه به خدادادی بودن نعمت بیان و ابزار آن ، مایه یقین به آگاهی خداوند از نیت ها ، افکار و دانسته های انسان است .

أیحسب أن لم یره أحد . ألم نجعل له ... و لسانًا و شفتین

یهود و علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ - آگاه نبودن خدا به اسرار نهانی

انسان ها ، از باور ها و پندار های باطل یهود

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

از جمله <أتحدثونهم . .. لیحاجوکم> چنین بر می آید که یهود آن گاه راه احتجاج علیه خویش را گشوده می دیدند که حقایق و دانسته های خویش را آشکار کنند; ولی اگر حقایق را آشکار نکنند علیه آنان احتجاج نمی شود و مؤاخذه نمی گردند. این پندار بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۲

۲ - یهودیان ، خداوند را به امور نهانی انسان عالم و آگاه نمی دانستند .

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

استفهام در <أو لایعلمون . ..> انکار توبیخی است.

غیبت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

غیبت

آثار ذکر حقیقت غیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - توجه به حقیقت و ماهیت غیبت ، موجب تنفر و دوری از آن

أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتًا فکرهتموه

آثار غیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ - تجسّس و غیبت مؤمنان نسبت به یکدیگر ، عامل گسستن اخوت ایمانی آنان

إنّما المؤمنون إخوه . .. و لاتجسّسوا و لايغتب بعضكم بعضًا

از ارتباط <و لاتجسّسوا. ..> با <إنّما المؤمنون إخوه...> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۳

۳ - غیبت ، عیب جویی و انباشتن ثروت ، زمینه محبوس ماندن در آتشی مسلّط و فراگیر در جهنم

إنّها علیهم

مؤصده

حرف <علی> در <علیهم>، بر احاطه و سلطه دلالت دارد.

آثار غیبت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۹

۹ - امت ها در خطر انحراف ، با غیبت پیامبران و رهبران الهی

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۵

۵ - امت ها در خطر انحراف ، با رفتن پیامبران و رهبران الهی از میان آنان

ثم أتخذتم العجل من بعده

آثار غیبت رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۹

۹ - امت ها در خطر انحراف ، با غیبت پیامبران و رهبران الهی

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۵

۵ - امت ها در خطر انحراف ، با رفتن پیامبران و رهبران الهی از میان آنان

ثم أتخذتم العجل من بعده

احکام غیبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۲ – ۱۸

۱۸ – جواز غیبت غیر مؤمنان

و لایغتب بعضکم بعضًا . .. یأکل لحم أخیه میتًا

با توجه به این که مخاطب <بعضکم بعضاً> مؤمنان هستند نه مطلق انسان ها، برداشت بالا استفاده می شود.

تجزیه بدن غیبت کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۶ – ۳

۳ – خداوند ، مالك و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب

جو را درهم می شکند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار اللّه

<نار اللّه>، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد.

تشبیه غیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ - ریختن آبروی برادر مؤمن با غیبت ، به منزله خوردن گوشت بدن بی جان او است .

أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتًا

توبه از غیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۲۱،۲۴

۲۱ - بدگمانی ، تجسّس و غیبت نسبت به مؤمنان ، بی تقوایی ، گناه و نیازمند توبه است .

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا و لایغتب بعضکم بعضًا ... و اتّقوا اللّه

۲۴ - بدگمانی ، تجسّس و غیبت نسبت به مؤمنان ، قابل جبران با توبه به درگاه خداوند *

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا و لایغتب بعضکم بعضًا ... إنّ اللّه توّا

با توجه به این که در آیه شریفه، از مؤمنان خواسته شده تا به جبران خطاها اقدام کنند و به توبه روآورند. (إنّ اللّه توّاب رحیم)، برداشت بالا استفاده می شود.

حضور در مجلس غیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱۸

۱۸ عن رسول الله(ص): من کـان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلایجلس فی مجلس یسب فیه امام او یغتاب فیه مسـلم ان الله یقول فی کتابه: <و إذا رأیت الذین یخوضون فی آیاتنا فأعرض عنهم . ..> .

از رسول خدا(ص) روایت شده است: کسی که به خدا و روز قیامت

ایمان دارد، نباید در محفلی که نسبت به امامی ناسزا گویی شود یا غیبت مسلمانی مطرح گردد حضور داشته باشد. خداوند در قرآن می فرماید: <هرگاه کسانی را دیدی که از روی خرده گیری در آیات ما گفتگو می کنند، از آنان رویگردان شو ...>.

ذلت غیبت کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۴ – ۷

۷ – غیبت کنندگان ، عیب جویان و زراندوزان ، مردمی خوار و بی ارزش در پیشگاه خداوند

همزه لمزه . الذی جمع مالاً ... لینبذنّ

<نَبْذ>، به معنای افکندن و دور انداختن چیزی، بر اثر بی اعتنایی به آن است. (مفردات)

زمینه غیبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۲ – ۱۴

۱۴ – بدگمانی و تجسّس ، زمینه کشیده شدن انسان به غیبت

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا و لایغتب بعضکم بعضًا

بنابراین که ترتیب لفظی بخش های آیه، بیانگر ترتیب حقیقی و رتبی آنها باشد، برداشت بالا به دست می آید.

زمینه نفرت از غیبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۲ – ۱۷

۱۷ – توجه به حقیقت و ماهیت غیبت ، موجب تنفر و دوری از آن

أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتًا فکرهتموه

غیبت جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۸،۱۶

۸ تبلیغ و بدگویی آشکار ، از روش های مجاز برای مبارزه علیه ظلم و ظالم است .

لایحب اللّه الجهر بالسوء من القول إلاّ من ظلم

۱۶ پذیرایی ناشایسته از

مهمان دعوت شده ، ظلم و بازگویی آن توسط مهمان ، جایز است .

لایحب اللّه الجهر بالسوء من القول إلاّ من ظلم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: من اضاف قوماً فاساء ضیافتهم فهم ممن ظلم فلاجناح علیهم فیما قالوا فیه.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۳، ح ۲۹۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۵، ح ۱.

غیبت فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ - جواز غیبت غیر مؤمنان

و لایغتب بعضکم بعضًا . .. یأکل لحم أخیه میتًا

با توجه به این که مخاطب <بعضکم بعضاً> مؤمنان هستند نه مطلق انسان ها، برداشت بالا استفاده می شود.

غیبت کنندگان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه عیب جویان و غیبت کنندگان است .

ویل لکلّ . .. لمزه

<لَمْز> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویـان ، غیبت کننـدگان ، سـخن چینـان ، بـدگویان ، تمسـخرکنندگان مردم و زرانـدوزان ، در آتش جهنم افکنـده خواهند شد .

لینبذنّ فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه -

۳ - ۶ - ۱۰۴

۳ - خداوند ، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار اللّه

<نار اللّه>، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد.

غیبت موسی(ع) از میان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۳

۳ - مدت زمان عبادت و مناجات ویژه موسی (ع) ، چهل شب تعیین شد .

و إذ وعدنا موسی أربعین لیله

کیفر غیبت کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه عیب جویان و غیبت کنندگان است .

ویل لکلّ . .. لمزه

<لَمْز> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

گناه غیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۲۱

۲۱ - بدگمانی ، تجسّس و غیبت نسبت به مؤمنان ، بی تقوایی ، گناه و نیازمند توبه است .

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا و لایغتب بعضکم بعضًا ... و اتّقوا اللّه

ممنوعیت غیبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۲ – ۱۳

۱۳ – ممنوعیت غیبت و بدگویی مؤمنان در غیاب یکدیگر

و لایغتب

بعضکم بعضًا

موارد جواز غیبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۲ – ۱۸

۱۸ – جواز غیبت غیر مؤمنان

و لایغتب بعضکم بعضًا . .. یأکل لحم أخیه میتًا

با توجه به این که مخاطب <بعضکم بعضاً> مؤمنان هستند نه مطلق انسان ها، برداشت بالا استفاده می شود.

موانع غیبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۲ – ۲۰

۲۰ – تقوای الهی ، مستلزم پرهیز از بدگمانی و تجسّس و غیبت نسبت به مؤمنان

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا و لایغتب بعضکم ... و اتّقوا اللّه

غیبت کنندگان

تجزیه بدن غیبت کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۶ – ۳

۳ – خداوند ، مالك و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند .

و ما أدریك ما الحطمه . نار اللّه

<نار اللّه>، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد.

ذلت غیبت کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۴ – ۷

۷ – غیبت کنندگان ، عیب جویان و زراندوزان ، مردمی خوار و بی ارزش در پیشگاه خداوند

همزه لمزه . الذی جمع مالاً ... لینبذنّ

<نَبْذ>، به معنای افکندن و دور انداختن چیزی، بر اثر بی اعتنایی به آن است. (مفردات)

غیبت کنندگان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۱ – ۲

۲ – جهنم ، جایگاه عیب جویان و غیبت کنندگان

است .

ویل لکلّ . .. لمزه

<لَمْز> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذنّ فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، مالك و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار اللّه

<نار اللّه>، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد.

کیفر غیبت کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه عیب جویان و غیبت کنندگان است .

ویل لکلّ . .. لمزه

<لَمْز> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

غیر مسلمان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار ازدواج با غیر مسلمان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۵

۱۵ ازدواج با مشرک ، زمینه ساز انحراف و دخول در جهنّم است .

و لا تنكحوا . .. اولئك يدعون الى النار

اتمام حجت با غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۱

۱۱ بهره گیری از تمام شیوه های ممکن (کشتن ، اسیر کردن ، محاصره نمودن و کمین زدن) به منظور وادار کردن جوامع غیر مسلمان به پذیرش آیین اسلام ، در پی اتمام حجت و دادن فرصت کافی به آنان ، بلامانع است .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين . .. فإن تابوا ... فخلّوا سبيلهم

ازدواج با غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱،۳،۶،۸،۱۱،۱۵

۱ حرمت ازدواج مؤمنان با زنان مشرک ; مگر در صورتی که ایمان بیاورند .

و لا تنكحوا المشركات حتى يؤمنَّ

۳ کنیز مؤمن برای همسری شایسته تر است از آزاد زن مشرک ; هر چند زیبا و دلربا باشد .

و لَاَمَه مؤمنه خير من مشركه و لو اعجبتكم

۶ حرمت ازدواج زنان مؤمن با مشرکان ; مگر در صورتی که ایمان بیاورند .

و لا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا

۸ برده مؤمن برای همسریِ زن مسلمان شایسته تر است از آزاد مرد مشرک ; هر چند ظاهری فریبنده داشته باشد .

و لعبد مؤمن خير من مشرك و لو اعجبتكم

۱۱ نباید مؤمنان ، زنان مؤمن را به ازدواج مشرکان درآورند .

و لا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا

۱۵ ازدواج با

مشرک ، زمینه ساز انحراف و دخول در جهنّم است .

و لا تنکحوا . .. اولئک یدعون الی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۴ – ۲۲

۲۲ جواز ازدواج با زنان غیر مسلمان شوهردار که در جنگ به اسارت درآمده اند .

حرّمت . .. الّا ما ملکت ایمانکم

علی (ع) درباره آیه فوق فرمود: من سبی من کان لها زوج.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۶۶، ح ۱۶۵.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۵ – ۴

۴ ممنوعیّت ازدواج با زنان غیر مسلمان *

المحصنات المؤمنات . .. من فتیاتکم المؤمنات

چون در جمله مورد بحث، زنـان آزاده و نیز کنیزان را مقیـد کرد به اینکه اهل ایمان باشـند، معلوم می شود ازدواج با زنان غیر مؤمن جایز نیست.

امت غیر مسلمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۹ – ۲،۵

۲ کسانی که تنها بخشی از دین را پذیرفته اند، از امت پیامبر(ص) محسوب نخواهند شد.

إن الذین فرقوا دینهم . .. لست منهم فی شیء

<منهم> خبر برای <لست> است، <من> در جمله هایی مانند <لیس منی> و <انه منی> و . .. به معنای اتصال و ارتباط است. بنابراین <لست منهم> یعنی تو ارتباط با آنان نداری و در نتیجه آنان نیز با تو به عنوان پیامبر(ص) ارتباطی ندارند و این به معنای خروج از امت محمد(ص) و دین اسلام است.

۵ گروههای مذهبی که بر اساس پذیرش بخشی از دین تشکیل یافته اند، از

امت پیامبر(ص) نیستند.

إن الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعا لست منهم فی شیء

انفاق به غیر مسلمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۲ – ۸،۱۷

۸ جواز انفاق به غیر مسلمانان

لیس علیك هدیهم . .. و ما تنفقوا من خیر فلانفسکم

بنابراینکه مراد از ضمیر <هدیهم>، کافران و مشرکان باشند و مؤیّد این معنا گفته برخی از مفسّران است که سبب نزول آیه، امتناع و پرهیز مسلمانان از انفاق به غیر مسلمانان بوده است. (مجمع البیان)

۱۷ کم و کاست نشدن پاداش انفاق برای رضای خدا ، هر چند به بینوایان غیر مسلمان باشد .

و ما تنفقوا من خیر یوفّ الیکم و انتم لا تظلمون

با توجّه به شأن نزول که در مورد انفاق به غیر مسلمانان است.

پاداش غیر مسلمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۲ – ۱

۱ – مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیّه بوده است.

جواز معاهده با غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۴

۴ بستن پیمان صلح با جوامع غیرمسلمان ، جایز است

.

و إن نكثوا أيمنهم من بعد عهدهم

حقوق غير مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۰

۱۰ حُسن رعايت حال غير مسلمانان در جامعه اسلامى

ليس عليك هديهم . .. و ما تنفقوا من خير

روش مبارزه با غير مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۱

۱۱ بهره گيرى از تمام شيوه هاى ممكن (كشتن ، اسير كردن ، محاصره نمودن و كمين زدن) به منظور وادار كردن جوامع غير مسلمان به پذيرش آيين اسلام ، در پى اتمام حجت و دادن فرصت كافى به آنان ، بلامانع است .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين . .. فإن تابوا ... فخلّوا سبيلهم

عدالت غير مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۷

۷ امكان عدالت در افراد غير مسلمان

ذوا عدل منكم

برداشت فوق بر اين اساس است كه قيد <منكم> قيدى احترازى باشد.

گواهى غير مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۵،۶،۹،۱۰

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخران من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

۶ اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان باللّه ان ارتبتم . .. لانکتم شهده اللّه

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت

آنان، می رساند که مراد از <ءاخران من غیرکم> غیرمسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او ءاخران من غیرکم . .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه ان ارتبتم

جمله <تحبسونهما . ..> می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان <ذوا عدل منکم> و <ءاخران من غیرکم> باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی <و ءاخران من غیرکم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او ءاخران من غیرکم . .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <تحبسونهما> ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

معاهده با غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۷

۷ بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذین عهدتم من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴ - ۲

۲ بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذین عهدتم من المشرکین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷ - ۱۰

۱۰ بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

کیف یکون للمشرکین عهد . .. إلا الذین عهدتم عند المسجدالحرام

موادغذایی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{موادغذایی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۷ - ۳

۳ - گندم و جو در نظام غذایی انسان ها ، دارای نقشی برجسته است .

فأنبتنا فیها حبًّا

تقدیر موادغذایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۳

۳ - خداوند ، پدیدآورنده و تقدیرکننده مواد غذایی موجودات در زمین

و قدّر فیها أقوتها

بنابر این که مراد از <قدّر فیها. ..> پدیدآوردن قوت موجودات همراه با تقدیر و اندازه گیری باشد، مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه تأمین موادغذایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۷ - ۲

۲ – بارش باران و نرم شدن خاک زمین و شیار خوردن آن ، زمینه ساز حصول غله جات و تأمین غذای انسان ها

صببنا الماء . .. شققنا الأرض .... فأنبتنا فيها حبًّا

مطالعه تولید موادغذایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۴ – ۱

۱ – نگاه به خوراکی ها و توجّه به روند تولید و مصرف آن ، امری ضروری و برانگیزنده انسان به انجام دادن فرمان های خداوند

فلينظر الإنسن إلى طعامه

فرمان به دقت در طعام، با حرف <فاء> بر آیه قبل تفریع شده است تا این نکته را برساند که این اندیشه، انسان را به انجام

دادن اوامر الهی وادار می کند. وجود کلمه <الإنسان> در آیات قبل، گرچه از تکرار آن بی نیاز می کرد و اکتفا به ضمیر آن ممکن بود; ولی بار دیگر به این لفظ تصریح شد تا بیانگر تفاوت مصداق انسان در دو آیه باشد. در آیه قبل مراد کافران بود و این آیه به همه انسان ها نظر دارد.

مطالعه مصرف موادغذایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۴ – ۱

۱ – نگاه به خوراکی ها و توجّه به روند تولید و مصرف آن ، امری ضروری و برانگیزنده انسان به انجام دادن فرمان های خداوند

فلینظر الإنسن إلی طعامه

فرمان به دقت در طعام، با حرف <فاء> بر آیه قبل تفریع شده است تا این نکته را برساند که این اندیشه، انسان را به انجام دادن اوامر الهی وادار می کند. وجود کلمه <الإنسان> در آیات قبل، گرچه از تکرار آن بی نیاز می کرد و اکتفا به ضمیر آن ممکن بود; ولی بار دیگر به این لفظ تصریح شد تا بیانگر تفاوت مصداق انسان در دو آیه باشد. در آیه قبل مراد کافران بود و این آیه به همه انسان ها نظر دارد.

منشأ موادغذایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۴ – ۴

۴ – توجّه به تأمین مواد غذایی انسان از سوی خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت و وادارسازنده او به شکرگزاری است .

ما أکفره . .. فلینظر الإنسن إلی طعامه

چنانچه <کفر> در <ما أکفره> به معنای کفران نعمت باشد، ارتباط این آیه با آیات پیشین،

بیانگر برداشت یاد شده است.

نقش موادغذایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۴ - ۳

۳ - خوراکی های انسان ، همانند مراحل رشد و فنای جسم او ، دربردارنده دلایل و نشانه های خداوند است .

فلینظر الإنسن إلی طعامه

مراد از نظر به طعام به قرینه آیات بعد نظر به اسباب و نتایج آن و وابسته بودن مراحل پیدایش آن به خداوند است. عطف آیاتی که درباره غذای انسان است، بر آیاتی که از حدوث و مرگ جسم او سخن گفته بود; نشانه هماهنگی نعمت های درونی و برونی انسان در دلالت بر خداوند است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹